تصویر ابو عبدالرحمن الکردي

دفتر دوم

پایان داستان غم انگیز!

نگاهی به زمینه های صدور حکم حکومتی

مقام معظم رهبری درباره قانون مطبوعات

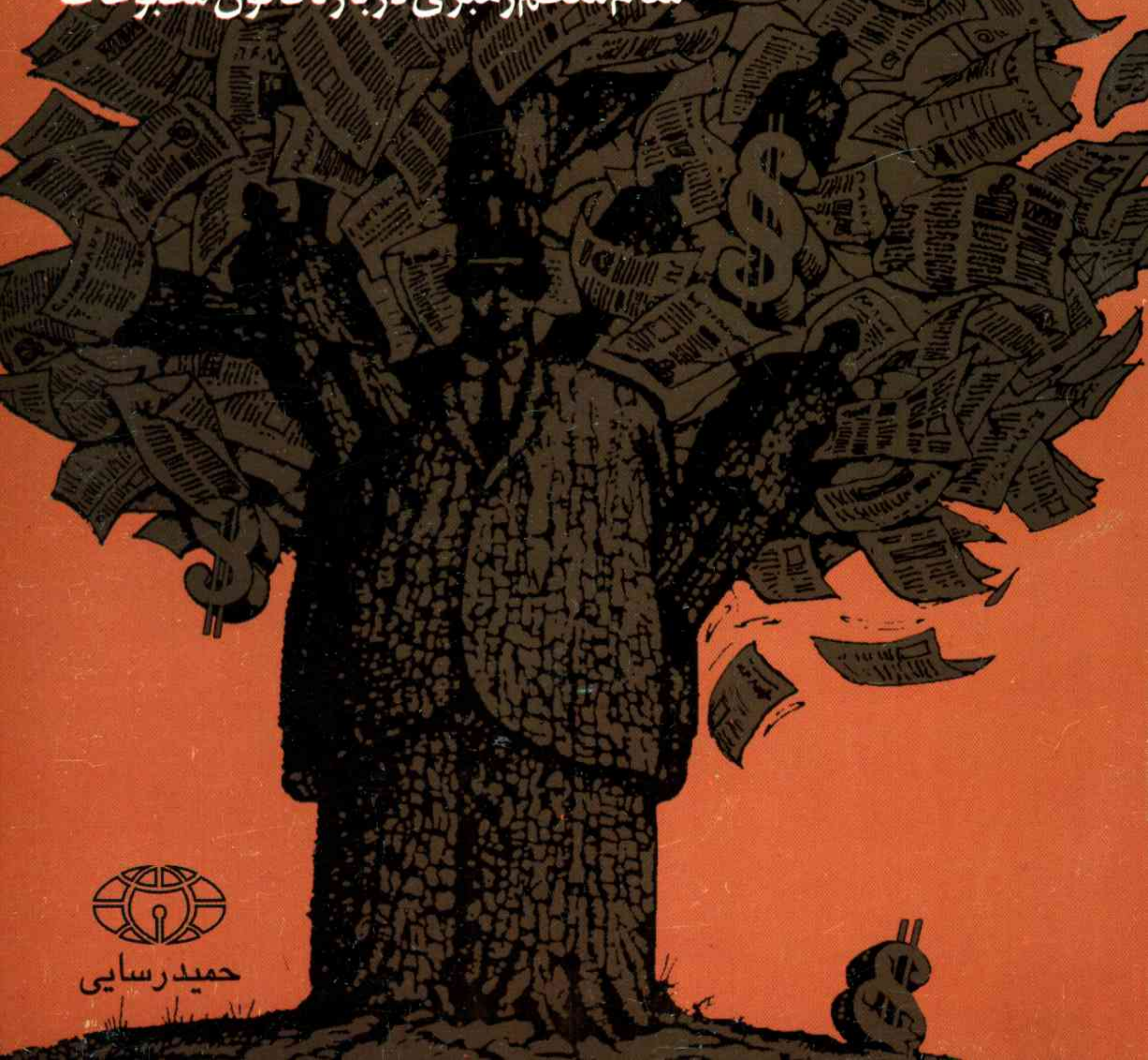

حمید رسایی

بسم الله الرحمن الرحيم

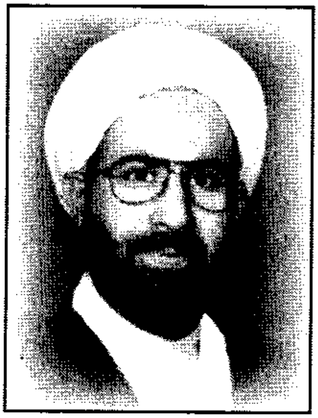

تقدیم به روح ملکوتی

بسیجی خستگی ناپذیر جبهه‌های جنگ فرهنگی

رئیس ادارهٔ فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین اسکندری

پایان
داستان غم‌انگیز !

نگاهی به زمینه‌های
صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری
دربارهٔ قانون مطبوعات

دفتر دوم

حمید رسایی

تهیه کننده : دفتر پژوهش‌های فرهنگی

رسایی، حمید، ۱۳۴۷ -
پایان داستان غم‌انگیز: نگاهی به زمینه‌های صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری درباره قانون مطبوعات / حمید رسایی؛ تهیه‌کننده دفتر پژوهش‌های فرهنگی.- تهران: کیهان، ۱۳۸۰.
۲ ج.
ISBN: 964-458-161-X دوره
۱۶۰۰۰ ریال (ج. ۱) ISBN: 964-458-159-8
۱۹۰۰۰ ریال (ج. ۲) ISBN: 964-458-160-1
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
چاپ قبلی: انتشارات وثوق، ۱۳۸۰.
ج. ۱ (چاپ چهارم).
۱. آزادی -- مطبوعات -- ایران -- نقد و تفسیر. ۲. مطبوعات و سیاست -- ایران. ۳. قانون مطبوعات -- ایران. ٤. ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶ - -- مطبوعات. الف. دفتر پژوهشهای فرهنگی. ب. عنوان. ج. عنوان: نگاهی به زمینه‌های صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری درباره قانون مطبوعات.
۵ ر ۹ الف / PN ۵٤٤۹ ۷۹/۵۵
۱۳۸۰
محل نگهداری: کتابخانه ملی ایران ۱۸٤۲۱ - ۸۰ م

شابک: ۱-۱۶۰-٤۵۸-۹۶٤ ISBN: 964-458-160-1

نام کتاب: پایان داستان غم‌انگیز (جلد دوم)
نویسنده: حمید رسایی
ناشر: انتشارات کیهان
نوبت چاپ: اول - پائیز ۱۳۸۰
تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه - وزیری

حق چاپ برای انتشارات کیهان محفوظ است.

تهران - خیابان فردوسی، کوچه شهید شاهچراغی، مؤسسه کیهان
تلفن پخش ۳۱۱۰۲۰۱

امام خمینی ﷺ:

درست آنچه امروز برای ما روشن و واضح است،

برای نسل‌های آینده مبهم می‌باشد و تاریخ روشنگر نسل‌های آینده است

و امروز قلم‌های مسموم درصدد تحریف واقعیات هستند،

باید نویسندگان امین این قلم‌ها را بشکنند.

(صحیفهٔ نور، ج ۲، ص ۸۴)

حکم حکومتی
مقام معظم رهبری:

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای کروبی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

و حضرات نمایندگان محترم؛ با سلام و تحیت

مطبوعات کشور، سازندۀ افکار عمومی و جهت دهنده به همت و ارادۀ مردمند.

اگر دشمنان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی، مطبوعات را در دست بگیرند

یا در آن نفوذ کنند، خطر بزرگی، امنیت و وحدت و ایمان مردم را

تهدید خواهد کرد و اینجانب سکوت خود و دیگر دست اندرکاران را

در این امر حیاتی جایز نمی‌دانم.

قانون کنونی تا حدودی توانسته است مانع از بروز این آفت بزرگ شود

و تغییر آن به امثال آنچه در کمیسیون مجلس پیش‌بینی شده،

مشروع و به مصلحت نظام و کشور نیست. والسلام علیکم

سید علی خامنه‌ای، ۱۵ مرداد ۷۹

فهرست مطالب

بخش اول: جُستاری بر بحث احکام حکومتی در نظام اسلامی

احکام حکومتی در نظام اسلامی ۱۵

معنای «حکم» در لغت و اصطلاح ۱۶

تقسیم احکام ۱۷

۱. حکم اولی و حکم ثانوی ۱۷

۲. احکام حکومتی (ولایی) و غیر حکومتی ۱۸

تفاوت‌های احکام حکومتی با احکام اولی و ثانوی ۲۱

الف ـ تفاوت احکام حکومتی با احکام اولی ۲۱

ب ـ تفاوت احکام حکومتی با احکام ثانوی ۲۳

منشأ اعتبار احکام حکومتی ۲۴

دامنهٔ احکام حکومتی ۲۷

پیشینهٔ تاریخی احکام حکومتی ۲۸

الف ـ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حکم حکومتی ۲۸

ب ـ امیر المؤمنین علیه السلام و حکم حکومتی ۳۰

ج ـ سایر معصومان علیهم السلام و حکم حکومتی ۳۱

د ـ حضرت حجت (عج) و حکم حکومتی ۳۲

هـ ـ احکام حکومتی در دیدگاه و عمل علمای سلف ۳۳

و ـ احکام حکومتی از نگاه امام خمینی رحمه الله ۳۶

نگاهی به احکام حکومتی امام خمینی ﷺ ۳۸
احکام صادرهٔ پیش از انقلاب ۳۸
احکام صادرهٔ پس از پیروزی انقلاب ۴۵
نگاهی اجمالی به احکام حکومتی مقام معظم رهبری ۵۶
حکم مخالفت با حاکم اسلامی چیست؟ ۶۴

بخش دوم : مجلس پنجم و اصلاح قانون مطبوعات

تاریخچهٔ قانون مطبوعات و اصلاحات آن ۶۹
اعتراف به وجود ابهام در قانون مطبوعات ۷۶
۱. وزارت ارشاد ۷۷
۲. هیأت دولت ۷۸
۳. نمایندگان مجلس ۷۹
۴. حقوقدانان ۷۹
مروری بر اشکالات قانون سال ٦٤ .... ۷۹
۱. ابهام در اختیارات هیأت نظارت ۸۰
۲. ابهام در اختیارات هیأت منصفه ۸۱
۳. ابهام در ضمانت اجرایی حضور هیأت منصفه ۸۱
۴. ابهام در ضمانت اجرایی انتخاب هیأت منصفه ۸۲
۵. ابهام در تشکیلات هیأت منصفه ۸۲
۶. ابهام در صلاحیت دادگاه‌های محلی ۸۳
۷. ابهام در صلاحیت ذاتی دادگاه ۸۳
۸. ابهام در مجازات‌ها ۸۴
۹. ابهام در مسئولیت کیفری نویسندگان ۸۵
۱۰. ابهام در نحوهٔ رسیدگی به اعتراض محکومین پرونده‌های مطبوعاتی ۸۶
اصلاح قانون، ضرورتی انکار ناپذیر ۸۶
آغاز یک جنجال! ۸۹

الف ـ تیترها و تصاویر اهانت‌آمیز ۹۴
ب ـ تشویش اذهان عمومی ۹۹
ج ـ شایعه سازی و دروغ پردازی ۱۰۴
د ـ تهدید به شورش ۱۰۸
هـ ـ اغتشاش سازماندهی شده ۱۱۰
عصبانیت رادیوهای خارجی ۱۲۷
فهرست مواد پیشنهادی در اصلاحیه قانون مطبوعات ۱۳۱
فهرست اشکالات مخالفان اصلاحیه ۱۳۳
بازخوانی اشکالات اصلاحیه از نظر مخالفان ۱۳۴
دلایل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ۱۴۵
نظرات مخالفان در روز رأی گیری ۱۴۶
دلایل کم کاری وزیر ارشاد و نمایندگان! ۱۵۳
لازم نیست مفاد طرح را بدانیم! ۱۵۴
پاسخ به اشکالات مخالفان ۱۵۵
پاسخ به اشکال اول و دوم ۱۵۶
پاسخ به اشکال سوم ۱۵۹
پاسخ به اشکال چهارم ۱۶۵
پاسخ به اشکال پنجم ۱۶۷
پاسخ به اشکال ششم ۱۷۳
پاسخ به اشکال هفتم ۱۷۴
پاسخ به اشکال هشتم ۱۷۹
پاسخ به اشکال نهم ۱۸۲
پاسخ به اشکال دهم ۱۸۴
نظرات موافقان و پاسخ به مخالفان ۱۸۵
نتیجه گیری ۱۹۳
مقاله‌ای در پاسخ به تمام مخالفت‌ها ۱۹۳

بخش سوم : اولین گام در مجلس اصلاحات !

ارائه طرحی مطابق با منافع حزبی ۲۰۵
توجیه یک حرکت سیاسی! ۲۱۲
بررسی اشکالات طرح مجلس ششم ۲۱۳
اولین هشدار رهبری ۲۳۵
ادامهٔ جوسازی و غوغاسالاری ۲۳۹
دست نوشتهٔ ولی فقیه، پایان داستان غم‌انگیز ۲۴۷
واکنش مجلس در برابر نامهٔ رهبری ۲۴۸
مروری بر توضیح نمایندگان مخالف ۲۵۸
یادآوری واقعهٔ مجلس دوم ۲۶۰
پاسخ به سه اشکال ۲۶۴
حماسهٔ حضور کروبی! ۲۶۹
رئیس مجلس در کانون حملات مدعیان قانونگرایی ۲۷۰
الف ـ تصمیم کروبی، نقض قانون! ۲۷۲
ب ـ تصمیمی شخصی ۲۷۴
ج ـ تهدید و اعمال فشار ۲۷۵
د ـ تعرض و اهانت ۲۷۷
تجدید نظرطلبان به دنبال راه‌کار ۲۷۹
الف ـ کناره‌گیری از اصولگرایان ۲۸۰
ب ـ لزوم ارائه طرح‌های افراطی به شکل مخفیانه ۲۸۰
ج ـ دعوت به شورش! ۲۸۱
د ـ اعلام تجمع اعتراض‌آمیز در میدان بهارستان! ۲۸۹
پیشنهادهای شبیه به هم! ۲۹۳
ناخرسندی رسانه‌های بیگانه از حکم حکومتی ۲۹۹
آمریکا برای بدنامی از ما حمایت می‌کند! ۳۰۷
نتایج و آثار حکم حکومتی ۳۱۲

بخش چهارم : وزارت کشور در آئینه حماسهٔ حضور مردم

حمایت‌های مردمی از ولایت فقیه و تشکر از مجلس ۳۲۱

حمایت از رهبری، جفای به رهبرا ۳۲۵

حملهٔ برخی نمایندگان به «مردم» ! ۳۲۶

بررسی موضعگیری شگفت‌آور وزارت کشور ۳۲۹

پاسخ به موضعگیری وزارت کشور ۳۳۴

قدردانی دفتر رهبری از مجلس و حضور مردم ۳۳۹

رفتارهای متناقض وزارت کشور در قبال گروه‌های سیاسی ۳۴۱

دو پرسش مهم حقوقی ۳۴۹

سؤال اول آیت الله استادی ۳۴۹

مروری بر پاسخ‌های ارائه شده ۳۵۲

سؤال دوم آیت الله استادی ۳۶۰

بخش پنجم : ضمیمه‌ها

ضمیمهٔ اول : متن پیام رهبر انقلاب به مجلس ششم ۳۶۷

ضمیمهٔ دوم : متن بیانات رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان مجلس ششم ۳۷۲

ضمیمهٔ سوم : متن اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، مصوب مجلس پنجم ۳۸۰

ضمیمهٔ چهارم : متن کامل قانون مطبوعات، مصوب سال ۱۳۷۹ .... ۳۹۲

منابع و مآخذ ۴۱۴

بخش اول

جُستاری بر بحث احکام حکومتی در نظام اسلامی

احکام حکومتی در نظام اسلامی

پس از صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری در خصوص خارج ساختن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار مجلس شورای اسلامی، موضعگیری متفاوتی از طرف نمایندگان مجلس و برخی از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی کشور صورت گرفت. اکثریت قاطع نمایندگان و مسئولان عالی رتبهٔ نظام، نامهٔ مقام معظم رهبری را مصداق روشنی از احکام حکومتی دانستند و با جان و دل آن را پذیرفتند. امّا برخی، آن را مصداق احکام حکومتی نمی‌دانستند و تمکین در برابر آن را لازم نمی‌شمردند و حتی عدّه‌ای دیگر، چنین عملی را برخلاف قانون اساسی دانستند! در این باره در بخش‌های بعدی کتاب بحث خواهیم کرد، امّا اکنون در این قسمت از کتاب، به طور اجمال و گذرا به دنبال پاسخ این سه سؤال هستیم:

۱. حکم حکومتی چیست و منشأ اعتبار آن از کجاست؟

۲. تفاوت احکام حکومتی با احکام اولی و ثانوی در چیست؟

۳. احکام حکومتی در زمان حضرت امام‌ﷺ و مقام معظم رهبری در چه مواردی و تا چه اندازه بوده است؟

قبل از آغاز بحث، تذکر این نکته ضروری است که در این کتاب بحث اصلی به

زمینه‌های صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری اختصاص دارد، بنا بر این به بحث «حکم حکومتی» به شکلی اجمالی و گذرا پرداخته‌ایم.[۱]

معنای «حکم» در لغت و اصطلاح

در لغت برای کلمهٔ «حکم» معانی متعددی بیان شده است، امّا آنچه نزدیک‌تر به صواب است، تعاریف ذکر شده در کتاب‌های «مفردات راغب»[۲] و «معجم مقاییس اللغة»[۳] و «النهایة»[۴] است. در این کتاب‌ها حکم به معنای «منع و بازدارندگی برای اصلاح» دانسته شده است. به عبارتی دیگر، حکم یعنی: «بازداشت و ممانعتی که در مسیر اصلاح باشد». امّا در اصطلاح شرعی، به مجموعهٔ بایدها و نبایدهایی که شارع مقدس برای رسیدن بشر به کمال مطلوب وضع کرده است، «حکم» می‌گویند.[۵] شهید آیت‌الله صدر دربارهٔ معنای شرعی «حکم» می‌گوید:

«حکم، قانون وضع شده از طرف خداوند متعال، برای تنظیم حیات بشری است.»[۶]

بنا بر این، حکم به مجموعهٔ انشائات خداوند متعال گفته می‌شود که تمام بایدها و نبایدها را برای بشر بیان می‌کند و در واقع نوعی محدودیت مصلحت جویانه برای بشر است تا او را از این طریق، هدایت و از تبعیت وسوسه‌های شیطانی و پیروی هوای نفس، باز دارد.

---

۱. به یقین بحث تفصیلی از موضوع «حکم حکومتی»، خود نیازمند کتابی مفصل است که علاقمندان می‌توانند به کتاب‌های تألیف شده در این رابطه مراجعه نمایند.

۲. راغب اصفهانی، مفردات فی غرایب القرآن: ص ۱۲۵.

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة: ج ۲، ص ۹۱.

۴. ابن اثیر الجرزی، النهایة: ج ۱، ص ۶۲.

۵. از نظر فقهی، اصطلاح دیگری نیز برای حکم استفاده شده است. در این اصطلاح، به رأی قاضی که در دادگاه برای محکوم یا تبرئه کردن متهم انشاء می‌شود، حکم می‌گویند. البته این مفهوم اصطلاحی مورد نظر ما نبوده و از دایره بحث خارج است.

۶. محمد باقر صدر، دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولی: ص ۱۶۱.

تقسیم احکام

بر اساس اندیشهٔ اسلامی، هر انسانی برای نیل به نیکبختی دنیوی و سعادت اخروی و برای دست یافتن به اهداف نهایی آفرینش که همان به فعلیت رساندن ظرفیت‌های الهی اوست، نیازمند «تشخیص مصالح و مفاسد» فردی و اجتماعی در بُعد کلان و در سطح مسائل شخصی است. امّا از آن‌جا که انجام این امر مهم از حوزهٔ دانش و توان انسان عادی بیرون است، قوانین و مقررات دینی که از سرچشمهٔ زلال وحی سرازیر می‌گردد، مسئولیت انجام این کار عظیم و حیاتی را بر دوش می‌کشد و برای تضمین و تأمین سعادت انسانی و در چارچوب مصالح و مفاسد واقعی وی، از سوی پروردگار عالم، دستورات و فرامین خاصی مقرر و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. از این مصالح برخی ثابت، برخی متغیّر، برخی دارای اولویت و پاره‌ای بدون اولویتند. حتی گروهی تحت شرایطی خاص موجود می‌شود و در اثر تغییر شرایط، مصلحت خویش را از دست می‌دهد. بنا بر این از آن‌جا که مصالح و مفاسد در زندگی بشر، بر یک نظم و نسق ثابت نیست، احکام و مقررات دینی نیز از جهتی در قالب احکام اولی یا احکام ثانوی و از منظری دیگر در قالب احکام حکومتی و غیر حکومتی دسته بندی و برای اجرا صادر می‌شود.

۱ . حکم اولی و حکم ثانوی

حکم اولی: اگر طبیعت شیئی و یا فعل مکلف، بدون لحاظ هیچ عارضه‌ای از عوارضی که ممکن است بر آن وارد شود، موضوع حکمی قرار گیرد، حکم اولی خواهد بود. مانند: «نماز واجب است»، «آب پاک کننده است»، «میته حرام است»، «نوشیدن شراب حرام است». تمامی موارد فوق، از مصادیق احکام اولیه هستند؛ زیرا در آنها طبیعت «نماز»، «آب»، «میته» و «شراب»، بدون لحاظ عارضه‌ای دیگر در نظر گرفته شده و حکمی بر آنها بار شده است.

حکم ثانوی: اگر طبیعت شیئی و یا فعل مکلف، همراه با یکی از عوارض جانبی

که گاهی بر آن عارض می‌شود، لحاظ شده و سپس حکمی بر آن وارد شود، حکم ثانوی خواهد بود. مانند: «حلال بودن گوشت میته در وقت اضطرار»، «حرمت روزه برای بیمار» و یا «تغییر برخی واجبات به هنگام تقیه». تمامی موارد فوق نیز از مصادیق احکام ثانوی هستند که در آنها به دلیل عارض شدن عناوینی چون «اکراه، اضطرار، عسر، حرج، نذر و شرط»، حکم بر موضوع بار شده است.

در واقع شارع مقدس، طبق مصالح و مفاسد واقعی، به جعل احکام اولیه می‌پردازد، امّا اگر در اثر بروز شرایط ویژه و استثنایی، انجام حکم اولی میسور نباشد، به جعل حکم ثانوی روی می‌آورد که در طول حکم پیشین است و لذا مادامی که تحقق و اجرای حکم اول ممکن است، نوبت به حکم ثانوی نخواهد رسید.[۱]

۲. احکام حکومتی (ولایی) و غیر حکومتی

یکی دیگر از تقسیمات حکم به اعتبار متعلق آن، تقسیم آن به حکومتی و غیر حکومتی است. «احکام حکومتی عبارت است از فرمان‌ها، دستورالعمل‌های جزیی، وضع قوانین و مقررات کلی و دستور اجرای احکام و قوانین شرعی که رهبری مشروع جامعه، با توجه به موقعیت رهبری و با لحاظ مصلحت جامعه صادر می‌کند.»[۲]

توضیح این‌که هر جامعه‌ای برای بقا و استمرار حیات و زیست جمعی خویش، نیازمند تأسیس وتعیین مقام یا نهادی است که میزان اختیار، اراده و تصمیم‌گیری آن، برتر و فراتر از اراده و اختیار افراد جامعه باشد؛ به طوری که در سایهٔ این اقتدار برتر، بتواند به نگهبانی و نگهداری نظام اجتماعی بپردازد.

با تأمل در گذشته و حال کشورهای جهان نیز درمی‌یابیم که در تمامی آنها قدرت به نوعی تقسیم شده که در نهایت یکی از مقامات کشور، دارای اختیارات ویژه است.[۳]

---

۱. ر.ک ناصر مکارم شیرازی، انوار الفقاهه: ج ۱، ص ۵۴۰-۵۴۸.

۲. سیف الله صرامی، احکام حکومتی و مصلحت: ص ۴۷، تحقیق مرکز تحقیقات استراتژیک.

۳. این امر بدیهی، حتی در کشوری مانند آمریکا که خود را مهد دمکراسی و آزادی می‌داند، پذیرفته شده است. به

این مقام عالی سیاسی که در اصطلاح دانش سیاست، از آن به ریاست کشور یا رئیس دولت تعبیر می‌شود، در فرهنگ سیاسی اسلام، «ولی» نام دارد. با این بیان ثابت می‌شود که اختیارات ویژهٔ عالی‌ترین مقام سیاسی که در این‌جا از آنِ ولی فقیه است، اعتباری عقلایی دارد و در تمامی نظام‌های سیاسی مردم‌سالار اعم از رژیم پارلمانی، ریاستی و یا نیمه‌ریاستی هم وجود دارد.

اسلام نیز که دینی فطری است و پایهٔ احکام و قوانین آن بر اساس قوانین

☞

عنوان نمونه، چند ماه پس از کنار گذاشتن طرح قانون مطبوعات در مجلس ایران، رییس جمهور آمریکا با ارسال نامه‌ای به کنگره، دستور داد که طرحی را از دستور کار خود خارج سازند. وی در نامه به کنگرهٔ آمریکا با اشاره به مصالح آمریکا ـ که معمولاً با تضییع حقوق دیگران همراه است ـ نوشت:

«رییس محترم کنگره، جناب آقای هاسترت. بدین وسیله احساسات عمیق خود را در رابطه با موضوع طرح شمارهٔ ۵۹۶ کنگره، در خصوص حوادث غم‌انگیز آناتولی شرقی در سال‌های ۱۹۲۳ـ۱۹۱۵ در زمان تسلط حکومت عثمانی، ابراز می‌دارم.

در ۲۴ آوریل هر سال، یادوارهٔ بزرگداشت ارمنیان بی‌گناهی که دچار تبعید و قتل عام گردیدند، برای من روز عزاست (!) و هر سال، این جانب از شهروندان آمریکایی می‌خواهم که شرایطی را به وجود بیاورند که تکرار دوبارهٔ چنین فاجعه‌ای، هرگز امکان‌پذیر نباشد.

به هر حال، این جانب عمیقاً به این نتیجه رسیدم که بررسی طرح ۵۹۶ در شرایط حاضر، می‌تواند نتایج کاملاً منفی برای ایالات متحده آمریکا ببار آورد. ما منافع قابل توجهی در این منطقهٔ مسأله‌دار دنیا داریم. ادامهٔ تهدید صدام حسین، تلاش برای صلح و ثبات در خاورمیانه و آسیای مرکزی، ایجاد ثبات در منطقهٔ بالکان و تلاش برای به دست آوردن منابع جدید انرژی. بررسی طرح در چنین زمان حساسی، نه تنها تأثیر منفی در آن منافع دارد، بلکه می‌تواند تلاش‌هایی را که برای ارتقاء روابط بین ارمنستان و ترکیه صورت می‌گیرد ـ همان هدفی که طرح در نهایت به دنبال آن است ـ نقش بر آب کند. ما کاملاً درک می‌کنیم که ترکیه و ارمنستان هر دو در این زمینه، دیدگاه‌های جدی دارند و در نهایت این که این موضوع دردناک، تنها در شرایطی می‌تواند مورد رسیدگی واقع شود که هر دو طرف، در بررسی گذشته نقش داشته باشند.

لذا، اینجانب به شدیدترین وجه ممکن، اصرار می‌کنم که با توجه به شرایط زمانی، چنین طرحی در دستور کار کنگره قرار نگیرد. ویلیام. جی ـ کلینتون، رییس جمهوری ایالات متحدهٔ آمریکا.»

(روزنامهٔ رسالت، ۱۸ آبان ۷۹، ص ۳)

پس از ارسال نامهٔ کلینتون، طرح مذکور بدون مخالفت نمایندگان مجلس از دستور کار کنگرهٔ آمریکا خارج شد. عجیب آن است که رادیوهای بیگانه و حتی دولتمردان آمریکا با وقاحت تمام، پس از صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری تا مدت‌ها این عمل را برخلاف آزادی و دمکراسی عنوان می‌کردند! نگاه کنید به صفحهٔ ۲۹۹.

آفرینش نهاده شده، مسأله ولایت را الغا ننمود، بلکه پس از قراردادن شرایط مهمی چون فقهات ـ تسلط بر مبانی دینی ـ عدالت و پرهیز از دنیازدگی، تقوی، آگاهی از زمان، شجاعت، تدبیر و تدبّر، با امضا و تأیید خود، آن را به جریان انداخت.[۱]

نهاد و سازمان ولایت در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در مدینه تشکیل و توسط آن حضرت اداره می‌شد و پس از ایشان در زمان امامان معصوم علیهم السلام نیز همچنان تداوم یافت و در عصر غیبت، مسئولیت آن بر دوش فقیه جامع الشرایط نهاده شد.

اکنون با توجه به مقدمهٔ بالا و درک موقعیتی که مقام ولایت در فلسفهٔ سیاسی اسلام دارد، ماهیت و جوهرهٔ وجودی احکام حکومتی را در شریعت اسلامی می‌توان شناخت و به حقیقت آن پی برد و در تبیین آن گفت که با توجه به مسئولیت و نقشی که متصدی امر ولایت بر دوش دارد، این مقام اقتضاء می‌کند که هر چیز در شعاع تصمیم‌گیری مردم قرار دارد و به خود انسان‌ها وانهاده شده است، در صورتی که با مصلحت جامعه ارتباط و پیوند پیدا کند، در حوزهٔ اختیارات و تصمیمات ولی جامعه نیز قرار می‌گیرد.[۲] چنین تصمیماتی را که ولی حاکم در این چارچوب اخذ و به مورد اجرا می‌گذارد، احکام حکومتی یا احکام ولایی گویند.[۳]

یکی دیگر از اختیارات ولی امر این است که حوادث غیرعادی جامعه را که گاه

---

۱. ر. ک علامهٔ محمد حسین طباطبایی، بحثی دربارهٔ مرجعیت و روحانیت، مقالهٔ ولایت و زعامت: ص ۷۱ـ۸۲.

۲. محمد سروش، دین و دولت در اندیشهٔ اسلامی: ص ۶۴۵.

۳. لازم به ذکر است که حکم با فتوا تفاوت‌هایی دارد که به آن اشاره می‌کنیم:

الف ـ مفتی با فتوای خود حکم شرعی را استنباط و ابلاغ می‌کند؛ ولی حاکم، فرمان اجرای حکم شرعی یا موضوع آن را در مورد خاص صادر می‌نماید. مانند ثبوت رویت هلال رمضان و ....

ب ـ در فتوا انشا نیست، ولی در حکم انشا است.

ج ـ فتوا بیان حکم کلی است؛ ولی حکم، بیان حکم جزئی است.

د ـ فتوا فقط برای مقلدان نافذ و مطاع است، ولی حکم (حکومتی) برای همه و در هر شرایطی، لازم الاتباع است.

در این زمینه مرحوم صاحب جواهر نیز می‌فرماید: «فتوا عبارت است از اعلام حکم الهی که به صورت کلی و عام وارد شده باشد، امّا حکم عبارت است از انشای قطعیت و حتمیت امری از جانب حاکم ـ نه از جانب خداوند ـ حال حکم شرعی را انفاذ کند یا حکم وضعی را و یا موضوع حکم شرعی و وضعی را. البته همهٔ این‌ها باید در مورد خاص و معینی انجام پذیرد.» (شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام: ج ۴۰، ص ۱۰۰)

بر اساس تزاحم بین چند حق اجتماعی با یکدیگر به وجود می‌آید، رفع و فصل نماید. اصولاً ولی فقیه در مواردی که احکام و قوانین ثابت وجود دارد، اقدام به تشریح و وضع حکم نمی‌کند، زیرا حکم از جانب شارع بیان شده و امکان ندارد حکمی مخالف حکم او وضع شود، امّا ممکن است حکمی بنا به مصلحتی موقتاً تعطیل شود. مثلاً به دلیل مصالحی انجام حج را جایز ندانند؛ چنان که حضرت امام﷫ چنین حکمی صادر کردند و سه سال مردم ایران در مراسم حج شرکت نکردند.

در جمهوری اسلامی، اساساً یکی از واجبات فقهی آن است که تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت‌ها علمی، منظم، قانونی، محاسبه شده، متقن، مستحکم و مسبوق به مشورت و تحقیق باشد. از این نگاه، وجوب استفاده از مدیریت علمی و استفاده از عقلانیت، از مسلّمات فقهی و شرعی به حساب می‌آید. احکام حکومتی که نسبت به این قاعده مستثنا نیست، باید بر اساس شریعت‌مداری و قانون‌گرایی و عقلانیت استوار باشد. بر این اساس، بسیاری از مناقشات و انتقادات موجود پیرامون این مسأله حل می‌شود.

با توجه به مطالب ذکر شده، می‌فهمیم که احکام حکومتی، تنها به موارد اضطرار، عسر، حرج و سایر عناوین ثانوی محدود نمی‌شود و حتی به تنفیذ و اجرا گذاردن احکام اولیه هم مقید نخواهد بود، بلکه در صورتی که در اثر تغییر شرایط اجتماعی، موضوع احکام شرعی دگرگون شود و به تبع آن حکم نیز تغییر یابد، حکم اول با تصمیم ولی فقیه، موقتاً تعطیل می‌شود.

تفاوت‌های احکام حکومتی با احکام اولی و ثانوی

پس از توضیح پیرامون احکام حکومتی، لازم است به تفاوت «احکام حکومتی» با «احکام اولی و ثانوی » اشاره کنیم تا جایگاه حکم حکومتی بیش‌تر روشن شود.

الف ـ تفاوت احکام حکومتی با احکام اولی

۱ . احکام اولی مستقیماً توسط شارع مقدس وضع می‌گردد، امّا احکام حکومتی توسط حاکم جامعه اسلامی ـ از آن حیث که حاکم است ـ صادر می‌شود. به طور مثال،

اگر ولی فقیه به عفو محکومی حکم بدهد، از آن جهت است که حاکم جامعه اسلامی است، نه از آن جهت که فقیه است. به عبارت دیگر جایگاه فقیه، جایگاه بخشش مجرم نیست و این طور نیست که هر فقیهی بتواند مجرمی را ببخشد و یا او را حد بزند، بلکه بخشش مجرم و یا اجرای حدود، تنها از کسی پذیرفته است که حاکم جامعه باشد. البته بدیهی است که حاکم جامعه اسلامی، علاوه بر شرط عدالت، باید فقیه و دانا به احکام دین باشد.

۲ . تشخیص مصلحت در احکام اولیه، بر عهدهٔ شارع است و در واقع حکم، توسط فقیه از لابلای متون دینی کشف شده و برای مکلفین بیان می‌گردد. یعنی نقش فقیه در احکام اولیه، نقش کاشف است. در حالی که در خصوص احکام حکومتی، حاکم بر جامعهٔ اسلامی، حکم حکومتی خود را بر اساس مصلحت انشاء می‌کند و در واقع به نوعی واضع است نه کاشف.

۳ . احکام اولی، احکامی کلی است که منطبق بر مصادیق خارجی نیست، بلکه ناظر به طبیعت شیئی یا مکلف است. ولی حکم حکومتی، از تطبیق حکم کلی با موضوعات خارجی اعتبار می‌شود. (به مثال‌های مربوط به دو نوع حکم که در تعریف آنها آمده بود، توجه کنید.)

۴ . پیروی از غیر حاکم اسلامی در احکام حکومتی جایز نیست، ولی در احکام اولی، در انتخاب مرجع اختیار با مقلد است. توضیح این‌که در خصوص احکام فتوائیه اولی و ثانوی، هر فقیهی ملزم به تبعیت از آن احکامی است که خود آن را کشف کرده است، اگر چه استنباط فقیه دیگر، خلاف فتوای او باشد و مردم نیز موظفند که تنها بر اساس فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند، امّا در خصوص احکام حکومتی، تمامی مردم در یک نظام اسلامی، اعم از مجتهد و مقلد، ملزم به پیروی از آن بوده و هیچ کس نمی‌تواند تخلف نماید و حتی در صورت تخلف، عندالله معاقب خواهند بود. بدیهی است که اگر قرار باشد هر فقیه دیگری بتواند حکم فقیهی که حاکم بر جامعه اسلامی است را نقض کند، هرگز هیچ فقیهی نمی‌تواند بالفعل حاکمیت جامعه اسلامی

را ایجاد کرده و همواره هرج و مرج و اختلاف رأی و سلیقه، سراسر جامعه اسلامی را فرا خواهد گرفت.

۵ . احکام اولی دائمی و غیر قابل تغییرند،[1] ولی احکام حکومتی موقت و قابل تغییر است. احکام اولی هرگاه ملاک آن وجود داشته باشد، لازم‌الاجرا خواهد بود. در حالی که احکام حکومتی، موقت و تحت شرایط خاص از طرف حاکم جعل شده و با برطرف شدن موضوعش، آن حکم نیز مرتفع می‌گردد و حتی اگر همان شرایط برای حاکم دیگری در جامعه اسلامی پدید آید، باید منتظر حکم حاکم جدید بود و نمی‌توان حکمِ حاکم قبل را جاری ساخت.

۶ . احکام اولی، اعم از فردی و اجتماعی است، امّا احکام حکومتی محدود به روابط اجتماعی است.

ب ـ تفاوت احکام حکومتی با احکام ثانوی

۱ . ملاک‌های احکام ثانوی همچون «اضطرار»، «عسر و حرج» یا «تقیه» و ... محدود بوده و تمامی موارد آن، از طرف شارع مقدس معین شده است. در این موارد فقها و مجتهدین، نمی‌توانند فراتر از آنچه شرع بیان فرموده، قدم بگذارند. امّا در احکام حکومتی، تعیین ملاک و معیار به عهدهٔ ولی حاکم بر جامعهٔ مسلمین است و او می‌تواند هرجا که مصلحت عمومی جامعه و دین اقتضا می‌کند، حکم حکومتی صادر نماید.[2]

---

۱ . عدم تغییر احکام اولی به این معناست که حکم آن همیشه به همان شکل باقی است. به عنوان مثال، در حکم «گوشت میته حرام است» حکم حرمت برای همیشه باقی است. حتی اگر «اضطرار» بر شخص عارض شود، حرمت آن تغییر نمی‌کند، بلکه جواز فقط برای آن فرد مضطر صادر می‌شود.

۲ . لازم به ذکر است که یک ملاک کلی در تمامی مصداق‌های احکام دین وجود دارد که حکم دین را می‌توان از وجود آن ملاک شناخت. آن ملاک کلی، وجود «مصلحت دین اسلام و جامعه اسلامی» است. یعنی تمام احکام مشروع و منتسب به دین، باید دارای مصلحت باشد. در خصوص احکام اولیه، مصلحت توسط شارع مقدس لحاظ گردیده و حکم صادر شده و یا ملاک جزیی صدورش نیز (در احکام ثانوی) معین گردیده است، امّا در آن‌جا که به غیر از

۲ . دایرهٔ شمول احکام حکومتی بسیار وسیع بوده و گاهی ممکن است که حکم حکومتی به طور موقت در جهت تغییر یا توقف حکم اولی یا ثانوی صادر گردد.

مرحوم علامه طباطبایی نیز در معرفی احکام حکومتی و تفاوت آن با احکام اولیه و ثانویه، می‌فرماید:

«احکام حکومتی، تصمیماتی است که ولی امر در سایهٔ قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها به حسب مصلحت وقت گرفته و طبق آنها مقرراتی وضع می‌نماید و به اجرا درمی‌آورد.

مقررات نام برده، لازم‌الاجرا و مانند سایر احکام دارای اعتبار می‌باشد. با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و غیر قابل تغییر است، ولی مقررات وضعی، قابل تغییر و در ثبات و بقا تابع مصلحتی می‌باشند که آنها را به وجود آورده است و چون پیوسته زندگی جامعهٔ انسانی در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات تدریجاً تغییر و تبدل پیدا کرده، جای خود را به بهتر از خود خواهد داد. بنا بر این می‌توان مقررات اسلامی را دو قسم دانست: قسم نخست، احکام آسمانی و قوانین شریعت که مواردی ثابت و احکامی غیر قابل تغییر می‌باشند و قسم دوم، مقرراتی که از کرسی ولایت سرچشمه گرفته، به حسب مصلحت وقت وضع شده و اجرا می‌شود.»

منشأ اعتبار احکام حکومتی

یکی از مهم‌ترین سؤالات بحث احکام حکومتی این است که منشأ اعتبار احکام حکومتی چیست؟ حاکم اسلامی این اختیار و حق را از کجا به دست آورده که می‌تواند در تمام امور اجتماعی و حکومتی جامعه دخالت کند؟

در پاسخ باید گفت که منشأ حق، خدای متعال است. اوست که نسبت به بندگانش ولایت تام دارد و در واقع همین والی مطلق است که این حق را به پیامبران و ائمه علیهم‌السلام

☞

ملاک کلی ـ یعنی وجود مصلحت ـ ملاک دیگری را نمی‌توان معین نمود، (در احکام حکومتی) اختیار تشخیص مصلحت و صدور حکم، به حاکم اسلامی تفویض شده است.

داده تا به مصلحت مردم، محدودیت‌ها و مرزهایی را تعیین نمایند. اوست که به امام معصوم این اختیار را داده تا در عصر غیبت، این ولایت را به فقیه جامع الشرایط منتقل سازد. بنا بر این، مشروعیت ولایت فقیه از جانب خدای متعال است.

آیت‌الله مصباح یزدی در سخنان پیش از خطبه‌های نماز جمعه، به تبیین این موضوع به خوبی پرداخته‌اند:

«درست است که مجرم باید مجازات شود، سؤال این است که چرا شخص خاصی باید متصدی آن شود و نه دیگری؟ گمارده شدن افراد خاصی برای اجرای قانون و مشروعیت یافتن رفتار آنها باید برخوردار از دلیل و ملاک باشد، چون رفتار آنها نوعی تصرف مالکانه در انسان‌هاست.

کسی که مجرم را زندانی می‌کند، در حوزهٔ وجودی او تصرف می‌کند و اختیار و آزادی را از او سلب می‌کند و او را در فضای محدودی محبوس می‌کند و اجازه نمی‌دهد که به هر کجا خواست برود. چون برخورد با مجرمان و متخلفان به معنای سلب آزادی و سلب حقوق آنهاست و تصرف مالکانه در انسان‌ها محسوب می‌گردد؛ در بینش اسلامی، ملاک مشروعیت قوهٔ مجریه، چیزی غیر از رأی اکثریت مردم است. ملاک مشروعیت اذن خداوند است، چون انسان‌ها همه بنده خدا هستند و خدا باید اجازه دهد که دیگران در بندگان ـ ولو بندگان مجرمش ـ تصرف کنند. هر انسانی ـ حتی افراد مجرم ـ برخوردار از آزادی هست و این آزادی موهبتی الهی است که به همه انسان‌ها اعطا شده است و کسی حق ندارد این آزادی را از دیگران سلب کند. کسی حق سلب آزادی از افراد مجرم را دارد که مالک آنها باشد و او خداوند است.

بدین ترتیب، در بینش و رویکرد اسلامی، علاوه بر آنچه در همهٔ نظام‌های انسانی و عقلانی برای شکل‌گیری قوهٔ مجریه و اساساً حکومت لازم شمرده شده، معیار و ملاک دیگری نیز لازم است که ریشه در اعتقادات و معارف اسلامی دارد.

بر اساس اعتقاد ما خداوند رب و صاحب اختیار هستی و انسان‌هاست. چنین اعتقادی ایجاب می‌کند که تصرف در مخلوقات خدا حتماً باید به اذن او صورت گیرد.

از طرف دیگر، قوانین که چارچوبه‌های رفتار بهنجار شهروندان را مشخص می‌کند و بالطبع موجب تحدید آزادی‌ها می‌شود، خود به خود اجرا نمی‌گردند و نیازمند

دستگاهی است که به اجرای آنها بپردازد و در نتیجه باید حکومت و قوهٔ مجریهٔ برخوردار از قوهٔ قهریه شکل گیرد و شکی نیست که حکومت و قوهٔ مجریه، بدون تصرف در مخلوقات خدا و محدود ساختن آزادی‌های افراد سامان نمی‌یابد و گفتیم که تصرف در مخلوقات، حتی در حد سلب آزادی مجرمان و تبهکاران از سوی کسی روا نیست که دارای چنین اختیاری باشد و این اختیار و صلاحیت فقط از سوی خداوند به دیگران واگذار می‌شود؛ چون او مالک و رب انسان‌هاست و می‌تواند به حکومت اجازه دهد که در مخلوقات او تصرف کند.

"امتیاز نظریهٔ ولایت فقیه بر سایر نظریات مطرح شده در فلسفه سیاست و در باب حکومت، به این است که آن نظریه از توحید و اعتقادات اسلامی ریشه می‌گیرد. در این نظریه حکومت و تصرف در انسان‌ها باید مستند به اجازه الهی باشد". در مقابل، اعتقاد به این‌که تصرف قانونی در حوزهٔ رفتار و آزادی‌های دیگران، لازم نیست منوط به اجازه خداوند باشد، نوعی شرک در ربوبیت است. یعنی متصدی اجرای قانون اگر چنین اعتقادی داشته باشد که حق دارد بدون اذن و اجازه الهی در بندگان خدا تصرف کند، در واقع ادّعا می‌کند؛ همان طور که خداوند حق تصرف در بندگانش را دارد، من نیز مستقلاً حق تصرف در آنها را دارم و این نوعی شرک است. البته نه شرکی که موجب ارتداد شود، بلکه شرک ضعیفی است که از کج‌اندیشی و کج فکری ناشی می‌گردد و در پرتو آن عصیان و لغزش رخ خواهد داد و این گناه کوچکی نیست. چطور کسی خود را هم سطح خداوند می‌داند و مدّعی است همان طور که خداوند در بندگانش تصرّف می‌کند، من نیز با تکیه بر رأی و انتخاب مردم، این حق را دارم که در آنها تصرّف کنم.»[1]

بر این اساس، ولی فقیه می‌تواند در هر جایی که مصلحت امت اسلام اقتضاء کند، حکم بدهد و بر همگان است که بدون چون و چرا از او اطاعت نمایند.

---

۱ . محمد تقی مصباح یزدی، نظریهٔ سیاسی اسلام : ج ۲، ص ۴۱. لازم به ذکر است که این سخنان آیت الله مصباح یزدی، به اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد که بر اساس بند نهم آن، حکم ریاست جمهوری شخصی که توسط مردم انتخاب شده، باید توسط ولی فقیه تنفیذ شود و در واقع رئیس جمهور پس از تنفیذ ولی فقیه نصب شده و قدرت اجرایی کشور را به دست می‌گیرد.

البته وجود چنین اختیاراتی، به معنای استبداد فقیه در مسائل مربوط به موضوع حکم نیست، بلکه او موظف است در چارچوب و محدودهٔ شرع و مصلحت مردم عمل کند؛ در غیر این صورت از حدود وظایف خود خارج شده و حق ولایت از او سلب می‌شود. چرا که در نظام ولایی، در واقع حاکمیت از آن فقه است، نه فقیه. دلیل آن این است که اگر فقیه حکمی صادر کند، «شخص» فقیه نیز محکوم آن حکم است و هرگز مستثنی نیست. این نکته از مهم‌ترین دلایل مشروعیت و حقانیت نظام ولایی بر نظام‌های دیگر است.

دامنهٔ احکام حکومتی

یکی از مسائل عمده در احکام حکومتی، قلمرو آن نسبت به دایرهٔ احکام اسلامی است. سؤال این است که آیا قلمرو و دایرهٔ احکام حکومتی، تمام موضوعات از قبیل مباحات، واجبات و محرمات است یا فقط در قلمرو مباحات کاربرد دارد؟ به عبارت دیگر، آیا حاکم اسلامی، اختیار دارد تا در مسائلی که احکام اولی یا ثانوی واقعی وجود دارد، دخل و تصرف نماید یا فقط در مواردی که حرمت یا وجوبش صریحاً اعلام نشده است، اختیار دارد؟

با تأمل در تعریفی که از حکم حکومتی ارائه شد و با ملاحظهٔ مصادیقی که در سخنان امام امت مطرح شده، پی می‌بریم که دامنهٔ احکام حکومتی به احکام قضایی یا اجرایی محدود نمی‌شود و مجموعهٔ دستورات و مقرراتی که بر اساس ضوابط شرعی و رعایت مصالح و ضرورات اجتماعی و برای عینیت بخشیدن به احکام شریعت از سوی ولی امر جامعه، برای ادارهٔ کشور صادر و به اجرا گذاشته می‌شود، حکم حکومتی خوانده می‌شود[1] و این دامنه، اختصاص به احکام مستقیم از سوی ولی امر ندارد، بلکه احکامی

---

۱. احکام حکومتی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف ـ احکامی که دربارهٔ امور قضایی، همچون رفع تخاصم صادر می‌گردد که به آن احکام قضایی می‌گویند. مانند حکم حکومتی مقام معظم رهبری در خصوص آزادی شهردار تهران در سال ۱۳۷۷.

که توسط نهادهای گوناگون، مانند قوای مقننه، قضائیه و مجریه، به صورت غیر مستقیم وضع می‌شود و شکل قانونی می‌یابد نیز، حکم حکومتی محسوب می‌شوند، چرا که چنین نهادهایی مشروعیت دینی و شرعی خود را از تنفیذ یا نصب مقام ولایت اخذ می‌کنند و به عنوان قوا و نیروهای تحت امر و اختیار مستقیم یا غیر مستقیم سازمان ولایت، انجام وظیفه می‌نمایند.

با دامنه‌ای که برای احکام حکومتی در فقه اهل بیت علیهم‌السلام تعریف گردیده، می‌توان فهمید که احکام حکومتی، اقسامی متفاوت و گوناگون دارد. از عزل و نصب مقامات نظامی و انتظامی و مسئولان سایر بخش‌های کشور، مانند رئیس قوهٔ قضائیه و فقهای شورای نگهبان، ائمه جمعه، تنفیذ حکم ریاست جمهوری تا احکام مربوط به انشای انفاذ موضوعات، نظیر حکم به ثبوت هلال، احکام قضایی، احکام اجرایی و احکام مربوط به تعطیلی واجبات یا تحریم مباحات و واجب کردن آنها به طور موقت و اجازات شرعیهٔ مربوط به تولی امور حسبه و تولیت اوقاف و مجموعهٔ مقرراتی که از سوی حاکم برای ادارهٔ جامعه وضع می‌شود، همگی اقسام مختلف احکام ولایی به شمار می‌روند و تحت عنوان کلی ولایت مطلقهٔ فقیه جامع الشرایط، قرار خواهند گرفت.

پیشینهٔ تاریخی احکام حکومتی

الف ـ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و حکم حکومتی

تاریخ صدور اولین احکام حکومتی در اسلام، به دوران قبل از تشکیل حکومت اسلامی برمی‌گردد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در سیزده سال اول بعثت خود در مکه، با این که هنوز حکومت اسلامی بر پا نشده بود، احکام حکومتی صادر می‌کردند. مبنای این احکام مصالحی بود که حضرت برای نظام بخشیدن به امور مسلمانان و گزینش بهترین راه برای حفظ آنان و تبلیغ هر چه بهتر اسلام تشخیص می‌دادند.

☞

ب ـ احکام ولایی که هیچ گونه ارتباطی به امور قضائی نداشته و در بقیهٔ موضوعات ممکن، از قبیل امور سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی و... صادر می‌شود.

زمانی فرمان هجرت به سوی حبشه را صادر می‌کردند تا مسلمانان ضمن در امان ماندن از آزار و اذیّت مشرکان به تبلیغ اسلام در آن سرزمین بپردازند[1] و زمانی برای حفظ جان اصحاب خود به آنان فرمان تقیّه می‌دادند، مانند فرمانی که به عمّار بن یاسر دادند که اگر مشرکان از تو خواستند نسبت به پیامبر خود بدگویی کنی تا جانت در امان باشد، این چنین کن.[2] در اواخر دوران حضور در مکه نیز به مصعب بن عمیر دستور می‌دهند به مدینه برود و قرآن و احکام اسلامی را به تازه مسلمانان بیاموزد.[3]

هنگامی که آن حضرت در مدینه حضور یافتند و به تشکیل حکومت پرداختند، تمام احکام، فرامین و قوانین صادره از سوی ایشان که در ارتباط با اصلاح جامعهٔ اسلامی بود و آنها را به مرحلهٔ اجرا می‌گذاشتند، احکام حکومتی تلقی می‌گردد. این امور شامل: تشکیل سپاه، بستن پیمان برادری بین مسلمانان، بستن عهدنامه با گروه‌های مختلف داخل شهر مدینه و گروه‌های خارج از هر شهر مانند صحرانشینان و قبایل اطراف، امضای صلحنامه‌های مختلف با دشمنان گوناگون، فرستادن دسته‌های نظامی به اطراف (سریّه‌ها)، صدور دستور جنگ، فرستادن پیک‌هایی به دربار شاهان و ... می‌شود[4] که به برخی از موارد آن اشاره می‌کنیم:

۱ . ممنوع کردن صید در منطقه «وجّ» و تازیانه زدن متخلفین.[5]

۲ . دستور به تخریب مسجد ضرار و آتش زدن آن و ریختن زباله‌ها در مکان آن.

۳ . نهی از خوردن گوشت «الاغ» در جنگ خیبر، به جهت نیاز به آن حیوان برای بارکشی.[6]

۴ . دستور قطع درختان خرمای قبیلهٔ بنی النظیر و سوزاندن آنها.[7]

---

۱ . علی بن برهان الدین الحلبی، السیرة الحلبیّة : ج ۱، ص ۳۲۳.

۲ . ابن اثیر الجرزی، الکامل فی التاریخ : ج ۲، ص ۶۷.

۳ . همان : ص ۹۶.

۴ . احکام حکومتی و مصلحت : ص ۲۸.

۵ . محمد بن عمر واقدی، المغازی : ج ۳، ص ۹۷۳.

۶ . شیخ حر آملی، وسایل الشیعه : ج ۱۶، ص ۳۹.

۷ . فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان : ج ۹، ص ۳۸۷.

۵ . صدور حکم اعدام کعب الاشرف و چند مورد دیگر.[۱]

۶ . مهدور الدم شمردن چهار نفر پس از فتح مکه و عفو بقیه مشرکین.[۲]

۷ . ممنوع کردن مراوده و همنشینی با کسانی که جهاد را بدون اجازه ترک کردند.[۳]

۸ . نهی مردم مدینه از جلوگیری دیگران در استفاده از آب و چراگاه‌های زائد بر مصرف خودشان.[۴]

ب ـ امیر المؤمنین علیه السلام و حکم حکومتی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز احکام حکومتی متعددی صادر کرده‌اند. برخی از موارد آن عبارتند از:

۱ . دستور به قیمت‌گذاری کالاها.[۵]

۲ . دستور به قطع دست یک نصرانی که جاسوس نفوذی از طرف معاویه بود.[۶]

۳ . تخریب خانهٔ کسانی که به سوی معاویه فرار کرده و به او پناهنده شدند.[۷]

۴ . تزویج اجباری زنان بدکار به جهت اصلاح جامعه و وادار کردن آنان به ترک این عمل حرام.[۸]

۵ . مصادرهٔ اموال کارگزاران عثمان، بدون محاکمهٔ آنها.[۹]

۶ . تعیین زکات برای اسب‌ها برای تأمین کسری بودجه.[۱۰]

---

۱ . محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری : ج ۳، ص ۱۷۸.

۲ . مجمع البیان : ج ۱۰، ص ۸۴۸.

۳ . همان : ج ۵، ص ۱۲۰.

۴ . محمد بن یعقوب کلینی، کافی : ج ۵، ص ۲۹۴.

۵ . صبحی صالح، شرح نهج البلاغه : نامهٔ ۵۳، ص ۴۸۳.

۶ . احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف : ص ۴۱۸.

۷ . همان : ص ۴۲۰ و ۴۶۵.

۸ . محمد بن الحسن طوسی، تهذیب الاحکام : ج ۱۰، ص ۱۵۴.

۹ . نهج البلاغه : خطبهٔ ۱۵، ص ۵۷.

۱۰ . وسائل الشیعه : ج ۶، ص ۵۱.

ج ـ سایر معصومان علیهم السلام و حکم حکومتی[1]

علاوه بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام، از سایر ائمه اطهار نیز احکام حکومتی صادر شده است. امام حسن علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوار خود حدود شش ماه حکومت ظاهری را در دست داشتند. بررسی این دوران که سراسر به درگیری آن حضرت با معاویه و برخورد با افراد ناباب لشکر گذشت، می‌تواند یکی از منابع بررسی حکم حکومتی باشد.

مهم‌ترین تصمیم حکومتی آن حضرت در این دوران، پذیرفتن صلح با معاویه و کیفیّت تنظیم صلحنامه[2] است که بر اساس مصالح آن روز جامعهٔ اسلامی بوده است.

گرچه با صلح امام حسن علیه السلام عملاً حکومت مسلمانان از امامان معصوم علیهم السلام گرفته شد، امّا عمر احکام حکومتی آنان به سر نیامد. با بررسی زندگانی آن بزرگواران به مواردی از احکام حکومتی برخورد می‌کنیم که همگی بر اساس مصالحی بوده است که برای جامعهٔ مسلمانان به نحو عام و شیعیانِ خود به نحو خاص، تشخیص داده‌اند. چند نمونه از آن احکام به قرار زیر است:

۱. امام حسین علیه السلام در مسیر خود به سوی کوفه، کاروان یمنی‌ها را که حامل هدایایی برای یزید بود، مصادره کردند.[3]

۲. برخی از ائمه علیهم السلام در مقاطع خاصّی، خمس را بر شیعیان خود حلال اعلام نمودند،[4] در حالی که برخی دیگر از آنان، مانند امام رضا علیه السلام ـ مطابق بعضی از روایات ـ اصرار به گرفتن خمس داشته‌اند.[5]

۳. امام صادق علیه السلام، طبق روایتی، به زرارة می‌فرمایند: «گرچه زکات و صدقات باید

---

۱. احکام حکومتی و مصلحت: ص ۳۲.

۲. ر.ک آل یاسین، صلحنامهٔ امام حسن علیه السلام، ترجمهٔ آیت الله خامنه‌ای.

۳. تاریخ طبری: ج ۴، ص ۲۸۹.

۴. وسائل الشیعه: ج ۶، ص ۳۷۸ به بعد (باب ۴ من ابواب الانفال ...).

۵. همان: باب ۲، ص ۳۷۵ به بعد.

در مورد فقرای همهٔ مسلمانان (چه مخالف و چه موافق) مصرف شود، ولی امروز تو و یارانت باید زکات خود را فقط به مصرف فقرای شیعه برسانید و بـه مـخالفان چـیزی ندهید.[۱] (زیرا حکومت عبّاسی موظف است آنان را تأمین کند.)

۴ . با این‌که از نظر شیعه نکاح موقت (متعه) جایز است، امّا امام صـادق‌ﷺ در مقطع خاصّی به واسطهٔ مصلحتی که تشخیص دادند، آن را ـ طبق روایتی ـ بر دو نفر از شیعیان خود به نام‌های عمّار و سلیمان بن خالد، تا وقتی که در مدینه بـودند، حـرام کردند.[۲]

د ـ حضرت حجّت(عج) و حکم حکومتی

مطالعهٔ دو دوره از حیات حضرت حجّت(عج) در دو مقطع، می‌تواند برای بررسی احکام حکومتی مفید باشد. یکی، دوران غیبت صغری که آن حضرت به وسیلهٔ نوّاب خاص خود امور شیعیان را سـرپرستی مـی‌کردند و دیگـری بـررسی دوران حکـومت جهانی آن حضرت، طبق روایاتی که در این باره به ما رسیده است. در بـررسی دورهٔ دوّم، احیاناً روشن خواهد شد که تفاوت بسیاری از احکام آن دوران با احکامی که در دوران‌های دیگر بوده است، ناشی از تفاوت مصالحی است که مبنای آن احکام قـرار می‌گیرد. بدیهی است، این احکام، چنانچه در ارتباط با ادارهٔ حکومت و جامعه بـاشد، می‌تواند احکام حکومتی تلقی گردد.

البته آنچه برشمردیم، تمامی احکام حکـومتی صـادر شـده تـوسط پـیامبرﷺ و ائمه اطهارﷺ نبود، بلکه با مرور تاریخ صدر اسلام، به موارد متعدد دیگری از این قبیل فرمان‌ها بر خواهیم خورد که جستجو و برشمردن تمامی آنها از حوصله این نـوشتار خارج است.

---

۱ . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل : ج ۷، ص ۱۰۲ (کتاب الزکاة، ابواب المستحقین للزکاة، باب ۱، ح ۳).

۲ . وسائل الشیعه : ج ۱۴، ص ۴۵۰ (ابواب المتعه، باب ۵، ح ۶)

هـ ـ احکام حکومتی در دیدگاه و عمل علمای سلف[۱]

با آن‌که در زمان غیبت کبری، عموماً دست فقها از حکومت کوتاه بوده، امّا نمی‌توان گفت در این زمان، احکام حکومتی به کلی تعطیل شده است. زیرا گر چه فقهای شیعه، حکومت‌های زمان خود را غالباً نامشروع و در نتیجه فاقد صلاحیّت صدور احکام حکومتی می‌دانستند، امّا تا آن‌جا که می‌توانستند، خود به اجرای احکام و اهداف شریعت حقّه، همّت می‌گماشتند.

در این‌جا با نقل کلامی از شیخ مفید رحمه الله، به گزارشی از احکام حکومتی در این دوران می‌پردازیم. شیخ مفید رحمه الله می‌فرماید:

«برپا کردن حدود و مجازات‌های الهی، به عهدهٔ سلطان اسلام است که از سوی خداوند تعیین شده است. آنان عبارتند از امامان معصوم از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیران و حاکمانی که به این منظور منصوب شده‌اند. ائمه علیهم السلام این امر را به فقهای شیعه ـ در صورت امکان ـ واگذار نموده‌اند.»[۲]

شبیه این عبارت را صاحب جواهر رحمه الله، از سلار در کتاب «المراسم» نیز نقل می‌کند. گویا این عبارت، نصب العین فقها در طول غیبت کبریٰ تا به امروز بوده است.

و امّا از مرحلهٔ سخن که بگذریم، در مرحلهٔ عمل نیز به دفعات احکام حکومتی و یا به تعبیر دیگر احکام ولایی، توسط فقها و مراجع بزرگوار صادر شده است. صدور این قبیل احکام توسط مراجع بزرگ در شرایط حساس و بحرانی، بهترین شاهد بر نقش سترگ فقیه جامع الشرایط و احکام ولایی او در برخورد با نقشه‌های دشمن و حفظ عزّت مسلمین خواهد بود. سیرهٔ عملی علما در این زمینه را در نکات زیر پی می‌گیریم:

۱. فقها خود را نایبان عامّ حضرت حجّت علیه السلام می‌دانسته‌اند، لذا نه تنها به استنباط احکام و صدور فتوا می‌پرداختند، بلکه به امور اجرایی نیز ـ تا آن‌جا که از ناحیهٔ

---

۱. احکام حکومتی و مصلحت: ص ۳۳.

۲. محمد بن محمد مفید، المقنعة: ص ۸۱۰.

حکومت‌های زمان مزاحمتی نبود ـ توجه داشتند.

گسترهٔ همّت آنان را می‌توان چنین شمارش کرد:

الف ـ گرفتن خمس و زکات و مصرف آن در اموری که شرع تعیین کرده است.

ب ـ تولیت موقوفات خاصّه و عامّه که برای همهٔ مسلمانان وقف شده است.

ج ـ ولایت بر یتیمان بی‌سرپرست، قاصران (کم عقلان)، غایبان، مفقودالاثرها.

د ـ انجام وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر. بعضی از آنان حتی مراتب بالای امر به معروف و نهی از منکر را که منجر به ضرب و جرح و قتل نیز می‌شد، اجرا می‌کردند.

هـ ـ قضاوت در دعاوی و منازعات مردم.

و ـ اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی.

ز ـ حکم به ثبوت هلال.

بدیهی است بندهای «ج» و «د» به فقیهانی مربوط می‌شود که از قدرت اجتماعی کافی برخوردار بودند، مانند شیخ محمد باقر بهاری همدانی در همدان[1] و مرحوم سید محمد باقر شفتی در اصفهان[2] که به گونه‌ای خاص، حکومتی را در داخل حکومت قاجار تشکیل داده بود.

۲ . به جز زمینه‌های متداوم و تا حدودی منظّم که ذکر آن شد، در تاریخ فقهای شیعه، به مقاطعی برخورد کنیم که صدور حکم حکومتی در آنها به منزلهٔ یک موضعگیری سیاسی، اجتماعی در سطح یک «ملّت ـ مذهب» بلکه روابط بین الملل، تلقّی می‌گردد. نمونه‌هایی از این دست در پی می‌آید:

الف ـ در زمان دولت صفویّه که پادشاهان این سلسله ـ به هر دلیلی ـ تلاش می‌کردند حکومت خود را اسلامی (شیعی) نمایش دهند، بعضی از آنان به فقهای تراز اوّل روی آورده، مشروعیّت سلطنت خود را اجازه گرفتند. صدور این اجازه‌ها، توکیل در

---

۱ . ر.ک احمد صابری همدانی، تاریخ مفصل همدان: ج ۲.

۲ . ر.ک حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو: ص ۸۳، ترجمه ابوالقاسم سری.

حکومت ولی فقیه دانسته می‌شود.[۱]

ب ـ در دوران جنگ‌های ایران و روس، دسته‌ای از فقها علیه دشمن حکم جهاد صادر کردند.[۲]

ج ـ در سال ۱۳۰۹ (هـ. ق) مرحوم آیت‌الله میرزای شیرازی، حکم معروف خود دائر بر تحریم تنباکو را صادر نمود:

«الیوم استعمال تنباکو و توتون بایّ نحو کان،* در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است.»[۳]

د ـ آیت‌الله سید عبدالحسین لاری با تشکیل حکومت اسلامی در لارستان، احکام مهمّی صادر کرد، از جمله:

۱. حکم به انحلال سلسلهٔ قاجاریه: «واجب است تبدیل سلطنت امویّهٔ قاجاریه به دولت حقّهٔ اسلامیه.»

۲. حکم جهاد علیه انگلیس (۱۹۱۴ م) که در آن زمان در بوشهر نیرو پیاده کرده بود.

۳. حکم به تحریم پاره‌ای از کالاهای خارجی.[۴]

هـ ـ آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی ـ از شاگردان میرزای شیرازی بزرگ ـ که حکم جهاد مسلحانهٔ ملت عراق علیه نیروهای اشغالگر انگلیس را صادر نمود.[۵]

و ـ حضرات آیت الله آخوند خراسانی، مازندرانی و شریعت اصفهانی در زمانی که کشور مسلمان لیبی توسط نیروهای ایتالیایی اشغال شده بود، حکم جهاد علیه

---

۱. ر. ک جعفریان، دین و سیاست در دورهٔ صفویه.

۲. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران: ج ۱، ص ۶۱.

*. به هر شکل که باشد.

۳. نهضت روحانیون ایران: ج ۱، ۸۲.

۴. ر. ک سید محمد تقی آیت اللهی، ولایت فقیه... سیری در افکار و مبارزات سید عبدالحسین لاری؛ همچنین «حماسهٔ فتوا» ضمیمهٔ روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۷ اسفند ۷۰، ص ۵۱ و مجلهٔ نور علم: ش ۳۰.

۵. حماسهٔ فتوا: ص ۵۲، به نقل از نقباء البشر: ج ۱۰، ص ۲۶۳ و بیدارگران اقالیم قبله: ص ۱۱۵.

نیروهای ایتالیایی را برای همهٔ مسلمانان صادر نمودند.[۱]

ز ـ مرحوم آیت‌الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در سال ۱۳۵۷ هـ . ق، حکم جهاد علیه صهیونیزم و کمک به مجاهدان فلسطینی را برای همهٔ مسلمانان صادر نمود.[۲]

ح ـ مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم دربارهٔ حزب کمونیست عراق این حکم را صادر نمود:

«پیوستن به حزب کمونیست جایز نیست، زیرا این کار کفر و الحاد و یا ترویج آن است.»[۳]

و ـ احکام حکومتی از نگاه امام خمینی(ره)

حضرت امام خمینی(ره) بدان علت که نظام اسلامی را خود تأسیس نموده و آن را با تمام وجود لمس کرده و مشکلات و نیازهای یک حکومت اسلامی را از نزدیک مشاهده کرده بود، از جمله علمایی است که حکم حکومتی را در گسترهٔ وسیعی جائز و نافذ می‌دانست و دربارهٔ حکومت و نسبت آن با احکام فقهی معتقد بود:

«حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفهٔ عملی تمامی فقه، در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان دهندهٔ جنبهٔ عملی فقه، در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است.»[۴]

ایشان همچنین دربارهٔ جایگاه احکام حکومتی و تصمیم‌گیری‌های رهبر مسلمانان معتقد بود:

«حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقهٔ رسول الله(ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمامی احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم

---

۱ . عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت : ص ۱۶۴، به نقل از العلم ۲، (۱۹۱۱)، ص ۲۴۶ ۲۴۷.

۲ . حماسهٔ فتوا: ص ۵۴، به نقل از فی السیاسة و الحکمة: ص ۶۰.

۳ . همان : ص ۵۴، به نقل از روحانیت و ملی شدن صنعت نفت: ص ۵۶.

۴ . صحیفهٔ امام : ج ۲۱، ص ۲۸۹.

می‌تواند مسجد و یا منزل را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند، حاکم می‌تواند هر امری، چه عبادی و چه غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است ـ مادامی که چنین است ـ از آن جلوگیری کند.»[۱]

از این بیان حضرت امام﵀ درمی‌یابیم که حاکم در حکومت اسلامی، بر اساس مصلحت اسلام و مسلمین، اختیارات وسیعی داشته و در آن راستا می‌تواند اعمال نفوذ نماید. از نگاه امام﵀ دورهٔ نظام وظیفه، جلوگیری از ورود و خروج کالا، منع احتکار، گمرکات، مالیات، جلوگیری از گرانفروشی، قیمت گذاری، جلوگیری از پخش مواد مخدر، منع از اعتیاد، حمل اسلحه و صدها مورد مثل آن، جزء اختیارات دولت اسلامی و زمامداران آن است که می‌تواند طبق آن تصمیم بگیرد و حکم خود را انشا نماید.[۲]

به طور کلی در اندیشهٔ فقهی ـ سیاسی بنیانگزار جمهوری اسلامی، «احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد»[۳] و «حکومت از احکام اولیه است».[۴] هرچند در پاره‌ای از اوقات حکم حکومتی حاکم، با ملاحظهٔ عنوانی از عناوین ثانوی صادر می‌شود، چنانچه دربارهٔ حکم حکومتی مرحوم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، حضرت امام﵀ معتقد بود که میرزای شیرازی از روی مصالح مسلمین و با عنوان ثانوی، این حکم حکومتی را صادر فرمودند.[۵] از نگاه حضرت امام ضرورت کشور، گاهی با احکام ثانویه و گاهی با ولایت فقیه باید اجرا شود.[۶]

---

۱ . صحیفهٔ امام: ج ۲۰، ص ۴۵۲.

۲ . همان: ج ۲۰، ص ۴۵۱.

۳ . صحیفهٔ نور: ج ۱۷، ص ۲۲۰.

۴ . «اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعیه الهیه است، باید عرض کنم حکومت الهیه و ولایت مطلقهٔ مفوضه به نبی اکرمﷺ یک پدیدهٔ بی‌معنی و محتوا می‌باشد ...» (همان: ج ۲، ص ۱۷۰.)

۵. امام خمینی﵀، ولایت فقیه: ص ۱۱۳.

۶ . وصیت نامهٔ سیاسی ـ الهی، صحیفهٔ امام: ج ۲۱، ص ۴۲۱.

نگاهی به احکام حکومتی امام خمینی[۱]

بررسی احکام حکومتی امام خمینی را در دو بخش می‌توان بررسی کرد، یکی آن دسته از احکامی است که پیش از انقلاب، توسط ایشان صادر شده و دیگری احکام پس از انقلاب اسلامی است.

معمار بزرگ انقلاب اسلامی، پیش از پیروزی در زمینه‌های فراوان و بسیار متنوع، احکام حکومتی داشته‌اند که در شمارش و احصاء یک یک آنها ضرورتی احساس نمی‌شود، ولی از آن‌جا که آشنایی با احکام حکومتی ایشان، برای جامعه مفید و پرقیمت محسوب می‌شود و ارزش عینی احکام حکومتی را بالعیان در برابر تماشای نظاره گران منصف قرار می‌دهد، مناسب است به پاره‌ای از آنها که با توجه به شرایط پیدایش و انشای آن، دارای اهمیتی بیش‌تر است، اشاره شود. این موارد را به ترتیب تاریخ صدور آنها در بحث ذیل بررسی خواهیم کرد.

احکام صادرهٔ پیش از انقلاب

۱. **حکم به تعطیلی نمازهای جماعت در سراسر ایران:**[۲] با آن‌که از نظر حکم اولی نماز جماعت مستحب بود، طبق مصلحتی که حضرت امام در سال ۱۳۴۱ در جریان حادثهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی ملاحظه کردند، به طور موقت با حکم خویش مبنی بر تعطیلی نمازهای جماعت، آن را تحریم و ممنوع نمودند.

۲. **عزل وکلای مجلس سنا و شورای ملی در حادثهٔ کاپیتولاسیون:** در سال ۱۳۴۳، به دنبال تصویب لایحهٔ کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی و سنا و اعطای مصونیت به مستشاران آمریکایی، حضرت امام ضمن سخنرانی در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳ اعلام فرمودند:

«اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار

---

۱. با استفاده از مقالهٔ روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۷ و ۱۴ آبان ۷۹، ص ۱۵، به قلم مصطفی جعفر پیشه.

۲. ر.ک یوسف صانعی، ولایت فقیه: ص ۲۱۹.

ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد. دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود آمریکا! آن‌جا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند... وکلای مجلس شورا آنهایی که رأی دادند، خیانت کردند به این مملکت، اینها وکیل نیستند. دنیا بداند اینها وکیل ایران نیستند. اگر هم بودند، من عزلشان کردم، از وکالت معزولند.»[1]

در همین سخنرانی حضرت امام، به یک حکم حکومتی دیگر که از سوی مراجع تقلید صادر شده بود، اشاره می‌کنند. مراجع تقلید، در آن حکم، انتخابات مجلس شورای ملی را تحریم کرده و به مردم اعلام نموده بودند که حضور و شرکت در انتخابات، حرام و نامشروع است.[2]

در حادثهٔ کاپیتولاسیون، امام با حکم حکومتی خویش، نه تنها عزل وکلای مجلس را اعلام کردند، بلکه به غیر قانونی بودن لایحهٔ کاپیتولاسیون نیز حکم دادند و دولت را هم غیرقانونی اعلام نمودند:

«ما این قانون که در مجلس گذراندند، قانون نمی‌دانیم، ما این مجلس را مجلس نمی‌دانیم، ما این دولت را دولت نمی‌دانیم.»[3]

۳. حکم وجوب مبارزه با اسرائیل و اجازهٔ صرف زکات در این راه: حضرت امام‌﷫ در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۴۷، در پاسخ به نامهٔ جمعی که دربارهٔ مبارزه با اسرائیل کسب تکلیف شرعی نموده بودند، چنین مرقوم داشته‌اند:

«لازم است بر دول اسلامی ـ به خصوص ـ و بر سایر مسلمین ـ عموماً ـ که دفع این مادهٔ فساد را به هر نحوی که امکان دارد، بنمایند و از کمک به مدافعین کوتاهی نکنند و جایز است از محل زکات و سایر صدقات در این امر مهم حیاتی، صرف نمایند.»[4]

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۱، ص ۴۱۶ و ۴۲۳.
۲. همان: ص ۴۱۷ و ۴۱۹.
۳. همان: ص ۴۲۴.
۴. همان: ج ۲، ص ۱۹۴.

همان طور که شیخ جعفر کاشف الغطاء در حکم ولایی خویش به فتحعلی شاه، صرف زکات را در جنگ ایران و روس مجاز شمرد،[1] در این حکم نیز حضرت امام، این اجازه را برای مبارزه با اسرائیل صادر کرد.

حضرت امام در همین رابطه، طی حکمی دیگر به نمایندهٔ الفتح، حکم "جواز" صرف زکات را تبدیل به "وجوب" نموده و سهم امام را نیز به آن ضمیمه کردند و فرمودند:

«اکیداً شایسته، بلکه واجب است که قسمتی از وجوه شرعی، مانند زکات و سهم امام، به مقدار کافی به این مجاهدان راه خدا اختصاص یابد... و بر هر مسلمانی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، واجب است که تمامی قوا و نیروی خود را در این راه به کار برد.»[2]

۴. حکم تحریم شرکت در حزب رستاخیز: در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۵۲ حزبی با نام حزب رستاخیز، توسط محمد رضا پهلوی اعلام و شرکت در آن اجباری شد. از شرایط عضویت در این حزب، اعتقاد به نظام شاهنشاهی بود. در پی تشکیل این حزب در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۵۳، امام امتﷺ طی پیامی به ملت ایران، شرکت در حزب رستاخیز را تحریم نموده و اعلام کردند:

«نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین است و مخالفت با آن، از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است.»

در ذیل این پیام که با صدور آن یکی از احکام اولیهٔ اسلام تنفید شد و به اجرا درآمد، نوشته شده بود:

«بر مراجع اسلام است که ورود در این حزب را تحریم کنند و نگذارند حقوق ملت مسلمان ایران پایمال شود.»[3]

---

۱. شیخ جعفر کاشف الغطاء، کشف الغطاء: ص ۳۹۴.

۲. صحیفهٔ امام: ج ۲، ص ۱۹۹.

۳. همان: ج ۳، ص ۷۵.

۵. حکم به حرام بودن سازش با رژیم شاه: در پی حوادث خونین ماه‌های آخر سال ۵۶ و اوایل سال ۵۷ و پرشور شدن تظاهرات و اعتراضات مردمی در سراسر کشور، حضرت امام خمینی﷿ طی یک سخنرانی در نجف اشرف، در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۵۷، سازش و آشتی با رژیم شاه را تحریم و ادامهٔ مبارزه تا رسیدن به نتیجهٔ نهایی را از اوجب واجبات شمردند. در فرازی از این سخنرانی آمده بود:

«ملت اسلام و ملت ایران، با این آدم (محمد رضا پهلوی) آشتی نخواهد کرد... تکلیف است، تکلیف الهی است. یک ملتی همه چیزش را دارد از دست می‌دهد و از دست داده است. اهتمام به امور مسلمین از اوجب واجبات است... ما همه مکلفیم که بر ضد این [رژیم] قیام کنیم. قیام قلمی، قیام قولی، هر وقت هم شد، قیام به سلاح. هر وقت، وقت پیدا کردیم، اول کسی که سلاح را بر دوشش بگیرد، خود منم.»[1]

۶. حکم به جلوگیری از چراغانی در اعیاد سوم و پانزدهم شعبان: در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۵۷، مصادف با ۲۸ رجب ۱۳۹۸ که مبارزات ملت ایران در اوج خود بود و هر روز در گوشه‌ای از ایران پیکر پاک شهیدی بر خاک قرار می‌گرفت، حضرت امام﷿ طی پیامی به ملت ایران، دربارهٔ جشن‌ها و چراغانی‌های ماه شعبان ـ به ویژه نیمهٔ آن‌که در میان شیعیان و ملت ایران از شکوه خاصی برخوردار است ـ فرمودند:

«چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند؟... شادمانی بر روی اجساد به خون خفتهٔ فرزندان اسلام!»

در ادامهٔ این پیام می‌خوانیم:

«اکنون لازم است در این اعیادی که در سلطنت این دودمان ستمگر برای ملت ما عزا شده است، بدون هیچ‌گونه تشریفات که نشانگر عید و شادمانی باشد، در تمام ایران، در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ، اجتماعات عظیم به پا کنند.»[2]

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۳، ص ۴۱۴.

۲. همان: ص ۴۲۶.

در این حکم، یکی از مراسم مهم مذهبی که تعظیم شعائر دینی است، به خاطر ضرورت اجتماعی، ممنوع می‌گردد.

۷. حکم به وجوب تعطیلی کارها و مغازه‌ها: به دنبال فاجعهٔ خونین جمعهٔ سیاه در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، حضرت امام خمینی‌﷫ ضمن تسلیت به ملت ایران در تاریخ ۲۱ شهریور همان سال، چنین حکم نمودند:

> «از این پس، جا دارد کارهای خود را تعطیل کنید... در باز کردن مغازه‌ها و کارخانه‌ها عجله نکنید... چند روز تعطیل کسب و کار برای رضای خدا، کسی را از گرسنگی نمی‌کشد... تعطیلی را ادامه دهید که فرج نزدیک است.»[1]

فرازهای برگزیدهٔ بالا، متضمن امر و فرمان به ملت بود و دلالت بر وجوب و لزوم یک کار مباح می‌کرد.

۸. اعلام عزای عمومی و وجوب اعتصاب: به مناسبت حادثهٔ هفدهم شهریور در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۵۷، حکمی مبنی بر لزوم عزای عمومی از سوی رهبر کبیر انقلاب اسلامی صادر شد. در فرازی از آن حکم آمده بود:

> «ملت مظلوم و بزرگ ایران، باید اعتصاب نموده و در عزا بنشینند و رسماً روز پنجشنبه، یازدهم شوال را روز عزا قرار دهند.»[2]

۹. حکم به اجتناب از مصاحبه: احکام حکومتی، در مواردی مربوط به شخصی خاص خواهد بود. یکی از مصادیق این مورد، دربارهٔ حکمی است که ایشان به یکی از بستگان خود ابلاغ فرمودند. در حکم حضرت امام‌﷫ چنین آمده است:

> «حضرت عالی نه با خبرنگار خارجی و نه داخلی، مصاحبه نفرمایید.»[3]

طبق موازین شرعی، واضح است که مخاطب مذکور، با این حکم شرعاً موظف به اجتناب از مصاحبه شده است.

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۳، ص ۴۶۲.

۲. همان: ص ۴۶۴.

۳. همان: ج ۴، ص ۲۸۰.

۱۰. حکم مأموریت برای تنظیم اعتصابات شرکت نفت: در تاریخ ۸ دی ۱۳۵۷، بنا به ضرورتی که در تنظیم اعتصاب کارکنان شرکت نفت، برای تأمین سوخت داخلی و جلوگیری از صدور آن احساس می‌شد، حکم مأموریتی به پنج نفر داده شد، تا این امر مهم و حیاتی انجام پذیرد.[۱]

۱۱. حکم لغو اعتصاب مطبوعات: در بحبوحهٔ انقلاب، با آن‌که تمامی کشور در اعتصاب یکپارچه به سر می‌برد، امام‌ تنها حکم پایان دادن به اعتصاب مطبوعات را اعلام نمودند.[۲]

۱۲. حکم تشکیل شورای انقلاب: در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۵۷، یک ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، امام راحل با حکم حکومتی خویش، تشکیل شورای انقلاب را به ملت ایران ابلاغ کردند. در بخشی از پیام امام می‌خوانیم:

> «به موجب "حق شرعی" و بر اساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام شورای انقلاب اسلامی ... تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد.»[۳]

حق شرعی که در این پیام یاد شده، همان «ولایت» است که فقیه جامع‌الشرایط از آن برخوردار است.

۱۳. حکم تشکیل دولت موقت: در پی ورود شکوهمندانهٔ حضرت امام به ایران و در ادامهٔ روند احکام حکومتی گذشته، برای تنظیم مبارزات اسلامی ملت ایران، احکام فراوانی صادر می‌شد، که هر کدام برکات زیادی را برای ملت ایران به ارمغان می‌آورد. از مهم‌ترین این احکام، می‌توان از حکم تشکیل دولت موقت نام برد. با آن‌که هنوز دولت شاهنشاهی بر اریکهٔ قدرت چیره بود، امام امت بر اساس حق ولایی و حق شرعی خود، حکم تشکیل این دولت را در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ صادر نمود[۴] و بارها

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۵، ص ۳۰۲.

۲. همان: ص ۳۵۲.

۳. همان: ص ۴۲۶.

۴. همان: ج ۶، ص ۵۴.

در سخنان خویش بر شرعی بودن این دولت تأکید داشتند. در یکی از این اشارات می‌فرماید:

«من که ایشان را حاکم کردم، یک نفر آدمی هستم که به واسطهٔ ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم، ایشان را قرار دادم، ایشان را که من قرار دادم، واجب الاتباع است، ملت باید از او اتباع کند. یک حکومت عادی نیست، یک حکومت شرعی است. مخالفت با این حکومت، مخالفت با شرع است.»[1]

۱۴ . حکم لغو حکومت نظامی: آخرین حکمی که به یُمن آن، طومار سلطنت ۲۵۰۰ سالهٔ شاهنشاهی درهم پیچیده شد و رشادت‌ها و شهادت‌ها را به ثمر نشاند و بالعیان برتری «مداد العلماء» را بر «دماء الشهدا» به اثبات رسانید، حکم لغو حکومت نظامی بود که از سوی ارتش شاهنشاهی در ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ اعلام شده بود. حضرت امام، در پاسخ به این تصمیم ارتش شاهنشاهی، ضمن پیامی اعلام فرمود:

«من با آن که هنوز دستور جهاد مقدس نداده‌ام و نیز مایلم تا مسالمت حفظ و قضایا موافق آرای ملت و موازین قانون عمل شود، لکن نمی‌توانم تحمل این وحشی‌گری‌ها را بکنم و اخطار می‌کنم که اگر دست از این برادرکشی برندارند و لشگر گارد به محل خودش برنگردد و از طرف مقامات ارتشی از این تعدّیات جلوگیری نشود، تصمیم آخر خود را به امید خدا می‌گیرم و مسئولیت آن با متجاسرین و متجاوزین است. من از مردم شجاع تهران می‌خواهم، در صورتی که قوای متجاوز عقب نشینی کردند، با حفظ آمادگی و هوشیاری از خدعهٔ دشمن، آرامش و نظم را حفظ کنند؛ ولی مجهز و مهیا برای دفاع از اسلام و قوانین مسلمین باشند. اعلامیهٔ امروز حکومت نظامی، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند.»[2]

حکمی که نقطهٔ عطف تاریخ محسوب می‌شود و با صدور آن و برکاتی که مترتب

---

۱ . صحیفهٔ امام: ج ۶، ص ۵۹.

۲ . همان: ص ۱۲۱.

بر آن شد، جهانیان شاهد چرخش عظیم در سرنوشت ایران، کشورهای اسلامی و بلکه تمامی دنیا شدند.

احکام صادرهٔ پس از پیروزی انقلاب

پس از سرنگونی رژیم طاغوت در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نقش احکام ولایی حضرت امام در جهت استقرار نظم، امنیت و استحکام ارکان انقلاب، نقشی بی‌بدیل و وصف‌ناپذیر بود. به یقین احکام حکومتی این مقطع، مهم‌تر از احکام ایام مبارزه بوده است، زیرا که تصمیم‌گیری‌های حضرت امام و اعلام احکام حکومتی مبتنی بر آنها، در جهت ساماندهی اوضاع آشفتهٔ کشور و نیل به اهدافی که در طول مبارزات برای انقلاب ترسیم شده بود، انجام می‌پذیرفت و این احکام ولایی بود که کشتی انقلاب را از طوفان حوادث عبور می‌داد و به ساحل نزدیک می‌نمود.

طبیعی است که برشمردن یکایک این احکام، از حوصلهٔ این بخش بیرون است. از احکام صادره برای عموم مردم، مبنی بر جلوگیری از خرابکاری اخلال گران، فرصت‌طلبان و ضد انقلاب و پایان دادن به اعتصابات (در تاریخ ۲۸ بهمن ۵۷) تا احکام مربوط به حفظ نیروهای مسلح، ممنوعیت خرید و فروش اسلحه و تحویل آن به مقامات، ممنوعیت ورود افراد به منازل مردم بدون اجازهٔ مقامات دولتی و احکام مربوط به انتصابات اشخاص و مأموریت‌هایی که در جهت ساماندهی به اوضاع مملکت می‌یافتند،[1] همگی طیفی عظیم از احکام ولایی را تشکیل می‌دهد که هر کدام در جای خود، تأثیرات ژرف و عمیق در امنیت و حفظ مرزهای کشور و محافظت از دست‌آوردهای انقلاب داشته است و برکات آن همچون صدقه‌ای جاریه، هنوز در کشور جاری است و هر کدام نیازمند تحلیل عمیقِ تاریخی و جامعه شناختی و فلسفی می‌باشد. به احتمال قریب به یقین، حجم عظیم احکام سرچشمه گرفته از ولایت

---

۱. برای نمونه نگاه کنید به صحیفهٔ امام: ج ۶، ص ۱۲۸ و ۱۳۰ و ۱۳۳ و ۱۳۷ و ۱۳۹ و ۱۴۱ و ۱۴۳ و ۱۴۷ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۶۹ و ۱۷۱ و ۱۸۴ و ۱۸۶ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۲۰۵ و ۲۰۷ و ۲۰۹ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ....

شرعی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در طول مبارزات و به ویژه در ده سالهٔ پس از آن، اگر بیش از مجموعهٔ احکام ولایی صادره از سوی امامان معصوم‌علیهم‌السلام و فقیهان شیعه در طول تاریخ نباشد، کمتر نیست.

اینک نگاهی می‌افکنیم به پاره‌ای از احکام حکومتی حضرت امام‌رحمه‌الله در عصر انقلاب، احکامی که نقش سرنوشت ساز آن نسبت به سایر احکام، برجسته‌تر و درخشان‌تر است.

۱. حکم مصادرهٔ اموال خاندان سلطنت.[۱]

۲. حکم وجوب شرکت در رفراندوم و رأی به جمهوری اسلامی.[۲]

۳. اعلام رسمی جمهوری اسلامی: در پی رفراندوم و رأی قاطعانهٔ مردم به نظام جمهوری اسلامی، آغاز به کار این نظام و مشروعیت الهی آن نیاز به حکم حکومتی امام‌رحمه‌الله داشت. بر این اساس، حضرت امام طی پیامی، روز ۱۲ فروردین را به عنوان روز جمهوری اسلامی اعلام فرمودند و در ضمن پیام خویش تأکید کردند:

«من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی ایران را اعلام می‌کنم.»[۳]

۴. حکم تدوین قانون اساسی.[۴]

۵. حکم تأسیس ادارهٔ امر به معروف و نهی از منکر: در سال ۱۳۵۸ حضرت امام‌رحمه‌الله، طی حکمی به شورای انقلاب، مأموریت تشکیل اداره‌ای با نام «امر به معروف و نهی از منکر» را که مستقل و ناظر بر اعمال دولت و ادارات دولتی و اقشار ملت بود، صادر نمودند. هرچند دولت موقت، هرگز به این حکم عمل نکرد![۵]

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۶، ص ۲۶۷.

۲. همان: ص ۴۳۲ و ۴۵۱.

۳. همان: ج ۶، ص ۴۵۲.

۴. همان: ج ۷، ص ۴۸۲.

۵. همان: ج ۹، ص ۲۱۳.

۶. فرمان پایان دادن به غائله پاوه و سرکوب اشرار در کردستان: با آن‌که هنوز قانون اساسی جمهوری اسلامی تنظیم و تصویب نشده بود، حضرت امام‌﷫ به دنبال تحرکات ضد انقلاب در مناطق شمال غربی، طی حکمی ولایی در تاریخ ۲۷ مرداد ۵۸ خطاب به ارتش اعلام نمود:

«من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیز کامل، عازم منطقه شوند... اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم.»[1]

در همان روز طی حکمی دیگر به نیروهای مسلح، فرمان تعقیب اشرار و دستگیری آنها صادر گردید:

«به رئیس ستاد ارتش و ریاست کل ژاندارمری جمهوری اسلامی و رئیس پاسداران انقلاب، اکیداً دستور می‌دهم که به نیروهای اعزامی به منطقهٔ کردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند، تعقیب نمایند و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالحه تسلیم کنند و تمام مرزهای منطقه را با فوریت ببندند که اشرار به خارج نگریزند و اکیداً دستور می‌دهم که سران و اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و تسلیم نمایند. اهمال در این امر، تخلف از وظیفه و مورد مؤاخذه شدیده خواهد شد.»[2]

روز بعد هم حکمی مبنی بر سرکوب عوامل حزب دموکرات در سنندج صادر شد که در آن، حضرت امام‌﷫ اعلام نموده بود:

«پاسداران انقلاب در هر محلی هستند، به مقدار کافی به طرف سنندج و تمام کردستان با پل هوایی بسیج شوند و با شدت تمام، اشرار را سرکوب نمایند. تأخیر ولو به قدر یک ساعت، تخلف از وظیفه و به شدت تعقیب می‌شود. از ملت ایران می‌خواهم که مراقب باشند، هر یک از مأمورین تخلف کردند، فوراً اطلاع دهند. من

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۹، ص ۲۸۵.

۲. همان: ج ۹، ص ۲۸۶.

انتظار دارم که تا نیم ساعت دیگر از قوای انتظامی به من خبر بسیج عمومی برسد.»[۱]

با این احکام قاطعانه بود که به غائله کردستان پایان داده شد.

۷. حکم ممنوعیت ملاقات مقامات ایرانی با آمریکا: در پی تصرف جاسوس‌خانه (سفارت) آمریکا و خبر ورود نمایندگان ویژهٔ رئیس جمهور آمریکا به ایران، حضرت امام؊ طی حکمی به شورای انقلاب در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۵۸ اعلام نمود:

«ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این:
۱. اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.
۲. هیچ یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند.
۳. اگر چنانچه آمریکا، شاه مخلوع، این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی برضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از مواردی که به نفع ملت است، باز می‌باشد.»[۲]

۸. حکم حرمت تعرض، به توهین کنندگان به رهبری: در پی تشنج آفرینی و غائله حزب خلق مسلمان در مناطق آذری زبان کشور، حضرت امام؊ با تدبیری هوشمندانه در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۵۸ به ملت فرمود:

«من به شما دوستان اکیداً اخطار می‌کنم که هر کس عکس اینجانب را پاره کند یا بسوزاند و به من ناسزا بگوید و اهانت کند، کسی حق ندارد به او تعرض کند و از من طرفداری کند... تعرض به آنان و مقابله به مثل، خلاف رضای خداوند و از محرمات بزرگ شرعیه است.»[۳]

با این تحریم ولایی، اساس انقلاب و نظام اسلامی که در مخاطرهٔ جدی قرار گرفته بود، حفظ گردید و توطئه شوم ضد انقلاب ناکام ماند.

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۹، ص ۳۰۶.
۲. همان: ج ۱۰، ص ۵۰۳.
۳. همان: ج ۱۱، ص ۱۷۴.

۹. تنفیذ حکم ریاست جمهوری: احکام مربوط به تنفیذ ریاست جمهوری، یکی دیگر از مصادیق احکام ولایی است. به عنوان نمونه امام راحل‌ﷺ در تنفیذ حکم نخستین رئیس جمهور ـ و حتی سه رئیس جمهور پس از آن ـ اعلام نمودند:

«بر حسب آن‌که مشروعیت رئیس جمهور باید به نصب فقیه جامع الشرایط باشد، اینجانب به موجب این حکم، رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به این سمت منصوب نمودم.»[1]

۱۰. اعلام ارتداد جبههٔ ملی: در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۶۰، جبههٔ ملی ایران به عنوان اعلام مخالفت با لایحهٔ قصاص، مردم را به راهپیمایی دعوت و ضمن این دعوت، لایحه قصاص را لایحه‌ای غیر انسانی معرفی نمود. از آن‌جا که قصاص از ضروریات قرآن و اسلام است و انکار ضروری اسلام، موجب ارتداد و کفر خواهد بود، حضرت امامﷺ در عکس‌العمل نسبت به موضع جبههٔ ملی، طی بیانات مفصلی فرمودند:

«جبههٔ ملی از امروز محکوم به ارتداد است... اگر امروز بعد از ظهر آمدند در رادیو، اعلام کردند به این‌که این اطلاعیه‌ای که حکم ضروری مسلمین را غیر انسانی خوانده، این اطلاعیه از ما نبوده، از آنها می‌پذیریم و اسلام درِ رحمتش به سوی همهٔ مردم باز است.»[2]

در این حادثه، از آن‌جا که «نهضت آزادی» نیز با «جبههٔ ملی» همراهی کرده بود، رهبر کبیر انقلاب، گروهک نهضت آزادی را نیز مورد خطاب قرار داده و خواستار آن شدند که نهضت آزادی اعلام نماید که اطلاعیهٔ جبههٔ ملی کفرآمیز است و قرآن را سبّ نموده.[3]

۱۱. موافقت با تأمین نیازهای مالی جبهه‌های جنگ، از طریق بانک مرکزی: در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۶۴ نخست وزیر وقت، نامه‌ای برای امام راحل‌ﷺ ارسال و اعلام می‌کند که

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۱۲، ص ۱۳۹.
۲. همان: ج ۱۴، ص ۴۶۲.
۳. همان: ص ۴۶۱.

بودجهٔ مصوب سال ۶۴ برای تأمین هزینه‌های جنگ کافی نمی‌باشد و درخواست اجازهٔ واگذاری مبلغ اضافی از طریق بانک مرکزی می‌نماید. آن حضرت نیز در پاسخ می‌فرمایند:

«در صورتی که ضرورت اقتضا کند و موافقت اکثریت رؤسای سه قوه جلب شود، مجازید.»[۱]

و البته این معضل که به وسیلهٔ حکم حکومتی حل گردید، با قوانین عادی به راحتی و با سرعت قابل حل نبود، ولی حضرت امامؒ طبق ولایت مطلقهٔ شرعی خویش، مشکل را رفع نمودند.

۱۲. حکم حضرت امام دربارهٔ باند مهدی هاشمی و قائم مقام رهبری: باند مهدی هاشمی، با انحرافات فکری و رفتاری گسترده، از باندهای پرنفوذ و خطرناک درون انقلاب بود و تنها احکام ولایی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، رسیدگی و مبارزهٔ جدی با آن را ممکن می‌ساخت. پروندهٔ این باند از پیچیدگی و فراز و نشیب‌های خاصی برخوردار بود که با توجه به شرایط آن روز، تقریباً رسیدگی به آن، با قوانین عادی و بدون دخالت مستقیم رهبری انقلاب، محال به نظر می‌رسید، به طوری که نیروهای امنیتی و قضایی با اتهام‌های فراوان و قتل‌های متعدد قبل و پس از انقلاب، توان نزدیک شدن به این پروندهٔ قطور و حجیم را در خود نمی‌دیدند. به همین منظور، معمار کبیر انقلاب، پا به میدان گذاشت و با احکام حکومتی متعدد از سال ۶۵ تا سال ۶۸ به این قضیه خاتمه داد.

حضرت امامؒ در تاریخ ۵ آبان ۶۵ طی حکمی به وزیر اطلاعات وقت ـ محمد محمدی ری شهری ـ وی را موظف به رسیدگی به این پرونده نمودند.[۲] در نهایت با اعترافاتی که از سیمای جمهوری اسلامی نیز پخش گردید، مهدی هاشمی به اعدام محکوم گردید و برادر وی ـ هادی هاشمی ـ نخست با حکم امام تبعید شد، ولی در

۱. صحیفهٔ امام: ج ۱۹، ص ۴۶۳.

۲. همان: ج ۲۰، ص ۱۴۵.

نهایت مورد عفو ایشان قرار گرفت.[۱] حضرت امام‌ﷺ همچنین با تکیه بر جایگاه شرعی خود، برای خاتمه دادن به تمامی خطرات و نگرانی‌هایی که انقلاب را تهدید می‌کرد، در آخرین قدم در تاریخ ۶ فروردین ۶۸ با نامه‌ای به آقای حسینعلی منتظری اعلام نمودند که شما صلاحیت و مشروعیت رهبری آیندهٔ نظام را از دست داده‌اید و با این حکم، وی را نه تنها از سمت قائم مقامی رهبری عزل نمودند، بلکه او را به دلیل سادگی در فهم مطالب سیاسی از داخل شدن در این موضوعات نهی کردند.[۲]

۱۳. حکم تعیین رئیس بانک مرکزی: با توجه به گره خوردن کار تعیین جانشین برای رئیس بانک مرکزی، در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۶۵ حضرت امام‌ﷺ با حکمی به نخست وزیر، شیوهٔ تعیین رئیس بانک مذکور را اعلام نمودند.[۳]

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۲۰، ص ۱۸۶ و ۳۰۴.

۲. همان: ج ۲۱، ص ۳۳۰.

متن نامهٔ حضرت امام‌ﷺ به آقای منتظری چنین بود:

«جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری دامت افاضاته. با سلام و آرزوی موفقیت برای شما، همان طور که نوشته‌اید، رهبری نظام جمهوری اسلامی کار مشکل و مسئولیت سنگین و خطیری است که تحملی بیش از طاقت شما می‌خواهد و به همین جهت، هم شما و هم من، از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودیم و در این زمینه هر دو مثل هم فکر می‌کردیم، ولی خبرگان به این نتیجه رسیده بودند و من هم نمی‌خواستم در محدودهٔ قانونی آنها دخالت کنم. از این که عدم آمادگی خود را برای پست قائم مقامی رهبری اعلام کرده‌اید، پس از قبول، صمیمانه از شما تشکر می‌نمایم.

همه می‌دانند که شما حاصل عمر من بوده‌اید و من به شما شدیداً علاقه‌مندم. برای این که اشتباهات گذشته تکرار نگردد، به شما نصیحت می‌کنم که بیت خود را از افراد ناصالح پاک نمایید و از رفت و آمد مخالفین نظام که به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا می‌زنند، جدا جلوگیری کنید. من این تذکر را در قضیه مهدی هاشمی هم به شما دادم.

من صلاح شما و انقلاب را در این می‌بینم که شما فقیهی باشید که نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند. از پخش دروغ‌های رادیو بیگانه متاثر نباشید، مردم ما شما را خوب می‌شناسند و حیله‌های دشمن را هم خوب درک کرده اند که با نسبت هر چیزی به مقامات ایران، کینهٔ خود را به اسلام نشان می‌دهند.

طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون، باید برای مردم این قضیه ساده را روشن کنند که در اسلام، مصلحت نظام از مسایلی است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم. جناب عالی انشاء الله با درس و بحث خود، حوزه و نظام را گرمی می‌بخشید. والسلام علیکم.»

۳. همان: ج ۲۰، ص ۱۵۳.

۱۴ . وجوب استمرار حضور در جبهه: با توجه به نیاز شدید جبهه‌های جنگ به ادامهٔ حضور بسیجیانی که مأموریت آنها پایان یافته بود، امام امت‌؛ در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۶۵ به این افراد اعلام کردند: «نمی‌توانند به هیچ عذری جبهه‌ها را ترک نمایند.»[۱]

۱۵ . قیمت‌گذاری کالا توسط دولت: با حکم امام مستضعفین‌؛ در تاریخ ۳۱ اردی‌بهشت ۱۳۶۶، دولت اجازه یافت برای کالاهای ضروری، قیمت تعیین کند و نظارت لازم را در کنترل آن به عمل آورد.[۲] روشن است که قیمت‌گذاری کالاها جز در پرتو حکم ولایی، امکان‌پذیر نیست.

۱۶ . موافقت با تعطیلی حزب جمهوری اسلامی.[۳]

۱۷ . ممنوعیت ائمه جمعه از دخالت در انتخابات.[۴]

۱۸ . انتقال شیلات به وزارت جهاد سازندگی.[۵]

۱۹ . تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: تا پیش از بازنگری در قانون اساسی، یکی از معضلات نظام اسلامی، موارد اختلاف نظر میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود. شورای نگهبان طبق قوانین، مصوبه‌ای را که به نظرش برخلاف شرع و یا قانون اساسی بود، تأیید نمی‌کرد، در حالی که مجلس شورای اسلامی بر اساس مصالح و ضرورت‌ها، بر تأیید آن اصرار می‌ورزید. در نهایت، گشایش این گره با حکم معمار بزرگ انقلاب، مبنی بر تأسیس مجمعی با عنوان «مجمع تشخیص مصلحت نظام» انجام گرفت[۶] و در بازنگری قانون اساسی در درون آن جای داده شد. البته امام‌؛ در تاریخ ۷ آذر ۱۳۶۷، در نامه‌ای به نمایندگان مجلس، ضمن اشاره به فلسفهٔ استفاده از احکام حکومتی ـ که بخشی از آنها مطابق قانون اساسی از وظایف

---

۱ . صحیفهٔ امام: ج ۲۰، ص ۱۸۰.
۲ . همان: ص ۲۶۲.
۳ . همان: ص ۲۷۶.
۴ . همان: ص ۲۸۸.
۵ . همان: ص ۳۸۹.
۶ . همان: ص ۴۶۴.

رهبر نبود ـ شأن نزول مجمع تشخیص مصلحت را چنین ارزیابی نمودند:

«ان شاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سال‌ها انجام گرفت، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام باز گردد.»[1]

۲۰. لزوم برخورد قاطع با نهضت آزادی و رسمیت نداشتن آن: با توجه به عملکرد نهضت آزادی در طول تاریخ انقلاب و مخالفت آن با نهادهای قانونی کشور و سیاست‌های کلی نظام و قانون اساسی و تصمیم این گروهک برای شرکت در انتخابات، در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۶، وزیر کشور ـ سید علی اکبر محتشمی پور ـ نظر حضرت امام را در این باره جویا می‌شود و امام در پاسخ با صدور حکمی ولایی می‌فرمایند:

«نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن، چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند، می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشد.»[2]

---

۱ . صحیفهٔ امام: ج ۲۱، ص ۲۰۳.

۲ . همان: ص ۲۰۲.

پاسخ کامل حضرت امام به نامه وزیر کشور ـ آقای محتشمی ـ در مورد نهضت آزادی:

«بسم الله الرحمن الرحیم. جناب حجت‌الاسلام آقای محتشمی، وزیر محترم کشور "ایده الله تعالی".

در موضوع نهضت به اصطلاح آزادی، مسایل فراوانی است که بررسی آن محتاج به وقت زیاد است. آنچه باید اجمالاً گفت آن است که پروندهٔ این نهضت و همین طور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب، شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا است و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است و حمل به صحت اگر داشته باشد، آن است که شاید آمریکای جهانخوار را ـ که هر چه بدبختی ملت مظلوم ایران و سایر ملت‌های تحت سلطه او دارند، از ستمکاری اوست ـ بهتر از شوروی ملحد می‌دانند و این از اشتباهات آنها است.

در هر صورت به حسب این پرونده‌های قطور و نیز ملاقات‌های مکرر اعضای نهضت ـ چه در منازل خودشان و چه در سفارت امریکا ـ و به حسب آنچه من مشاهده کردم از انحرافات آنها که اگر خدای متعالی عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند، ملت‌های مظلوم، به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سر بلند

۲۱. حل مشکل انتخابات: با توجه به پیچیده شدن مسائل انتخابات و اختلاف نظر شورای نگهبان و وزارت کشور در تعیین هیأت اجرایی، شمارش آرا و غیره، به خصوص نسبت به تهران و گرگان، امام امت‌ﷺ، بالاجبار وارد میدان شدند و در مراحل مختلف ـ از پیش از انتخابات تا اعلام نتایج ـ با احکام متفاوت خود که همگی ولایی و حکومتی ارزیابی می‌شدند، مشکل را حل و مجلس جدید در وقت و موعد قانونی خودش تشکیل گردید.[۱]

۲۲. حکم مجازات برای توهین کنندگان به حضرت زهراﷺ: در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۶۷، از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردید که حضرت امامﷺ از بازگویی آن اعلام شرم می‌نماید. امام خمینیﷺ در برخورد با این اهانت آشکار در حکمی فرمودند:

«فردی که این مطلب را پخش کرده است، تعزیر و اخراج می‌گردد و دست‌اندرکاران آن تعزیر خواهند شد و در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است، بلاشک، فرد توهین کننده محکوم به اعدام است.»[۲]

☜

نمی‌کرد و به حسب امور بسیار دیگر، نهضت به اصطلاح آزادی، صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگزاری یا قضایی را ندارند و ضرر آنها به اعتبار آن‌که متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تاویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است شوند، از ضرر گروهک‌های دیگر ـ حتی منافقین، این فرزندان عزیز مهندس بازرگان ـ بیش‌تر و بالاتر است.

نهضت آزادی و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند، از این جهت گفتارها و نوشتارهای آنها که منتشر کرده‌اند، مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی الموالی امیرالمومنین را در نصب ولات و اجرای تعزیرات حکومتی که گاهی برخلاف احکام اولیه و ثانویه اسلام است، برخلاف اسلام دانسته و آن بزرگوار را (نعوذ بالله) تخطئه، بلکه مرتد بدانند و یا آن‌که همه این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم برخلاف ضرورت اسلام است.

نتیجه آن‌که نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن، چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند، می‌گردند؛ باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند. والسلام علی من اتبع الهدی. توفیق جناب عالی را از خداوند تعالی خواستارم. روح الله الموسوی الخمینی.»

۱. نگاه کنید به صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۵۰۳ و ج ۲۱ ص ۱۹، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۹ و ۴۳.

۲. همان: ج ۲۱، ص ۲۵۱.

۲۳. حکم قتل سلمان رشدی:[۱] پس از طراحی یک نقشهٔ حساب شده و اجرای آن توسط سلمان رشدی، نویسندهٔ مزدور مسلمان، در چاپ کتابی اهانت‌آمیز نسبت به رسول اکرمﷺ، حضرت امام در تاریخ ۲۵ بهمن ۶۷، بدون در نظر گرفتن قوانین خودساختهٔ قدرت‌های جهانی، در حکمی قتل سلمان رشدی را واجب و کسی را که در این راه کشته شود، شهید نامیدند:

> «انا لله و انا الیه راجعون، به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم، مؤلف کتاب آیات شیطان ـ که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است ـ همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرات نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است، انشاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مولف کتاب دارد، ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.»[۲]

۲۴. حکم بازنگری در قانون اساسی: پس از کسب ده سال تجربهٔ عینی و عملی از ادارهٔ کشور، اکثر مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به این باور رسیدند که قانون اساسی با همهٔ نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه‌اش، دارای نقایص و اشکالاتی است. این نقایص به اندازه‌ای بود که حضرت امام، رفع نقایص آن را یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تلقی کردند و هیأتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نمودند که پس از بررسی و تدوین و تصویب مواد و اصولی که خود ایشان معین کرده بودند، تأیید آن را به آرای عمومی مردم بگذارند. محدودهٔ مأموریت این هیأت، شش مورد بود که مهم‌ترین آن را بررسی اصول مربوط به رهبری و گنجاندن مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی و راه بازنگری در قانون اساسی می‌توان برشمرد.[۳]

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۲۱، ص ۲۶۸.
۲. همان: ص ۲۶۳.
۳. همان: ص ۳۶۳.

آنچه گذشت، نمونه‌هایی از احکام ولایی معمار بزرگ جمهوری اسلامی بود که در طول تاریخ مبارزات و دوران استقرار نظام صادر شده بود که هر یک را منشأ خیرات و برکات فراوان برای اسلام، نظام و مردم شریف ایران باید دانست. منشأ و مبنای مشروعیت تمامی این احکام، «فقاهت» ایشان در کنار سایر شرایط لازم برای ولایت بود. بی‌تردید اگر امام امت‌ؒ تمامی آن شرایط را واجد بود، ولی از ملکهٔ اجتهاد و فقاهت مطلق بی‌بهره بود، موفق به صدور چنین احکامی که از جهت مشروعیت، دغدغه‌ای در آن راه نداشته باشد، نمی‌گردید.

مبانی نظری و فکری مشروعیت احکام یاد شده، همان ولایت مطلقه‌ای است که حضرت امامؒ برای فقیه جامع الشرایط قائل بود و در طول سال‌ها تدریس در قم و نجف، آن را مستدل و منقح نموده و از آن دفاع کامل کرده بود. احکام حکومتی یاد شده، چنان که در نامهٔ ایشان به آیت‌الله گلپایگانی نیز آمده است[1] و در نامه به آیت‌الله خامنه‌ای مورد یادآوری قرار گرفته،[2] همگی برای مصلحت نظام اسلامی و تمشیت امور مسلمین و حفظ اسلام و جمهوری اسلامی بوده است.

نگاهی اجمالی به احکام حکومتی مقام معظم رهبری

پیروان اهل بیت‌علیهم‌السلام همواره در طول تاریخ فقاهت شیعه، هر از گاهی شاهد ظهور میوه‌ای از شجرهٔ طیبه و تنومند «ولایت فقیه» بوده‌اند و در فراز و نشیب حوادث تاریخی، گاهی شاهد «حکمی شرعی» توسط فقیهی وارسته و پاک نهاد بوده‌اند که همچون آتشفشانی عظیم، بنیان بیداد را به لرزه در آورده است. آنان اگر از امام معصوم‌علیه‌السلام شنیده بودند که ولایت از سایر ارکان دین افضل است و والی شرعی، مفتاح و راهنمای فرایض است، اکنون این حقیقت یقینی برای ایشان به عینه آشکار می‌گشت که در طول دو ـ سه دههٔ اخیر با برپایی حکومت اسلامی و حاکمیت «فقیه عادل» بارها

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۲۰، ص ۲۸۲ و ج ۲۱، ص ۲۱۸.
۲. همان: ج ۲۰، ص ۴۵۱.

به تماشای میوهٔ پرقیمت این درخت تنومند بنشینند و با تجربهٔ محسوس خویش، این سرمایهٔ عظیم را محک زنند.

در این تجربه بود که دوست و دشمن اهمیت رهبری دینی و حکومت ولایی را چشید. دوست و دشمن پی برد که هرگاه حکمی از سرچشمهٔ ولایت، توسط فقیهی خداترس، بی‌هوا، زمان شناس، فهیم، زیرک و ذوب شدهٔ در عشق به مردم به جوشش درآید و بر دل‌های مشتاق مردمانی عاشق فرود آید، چه قداست نیرومندی در درون خود ذخیره نموده است و با این سرمایهٔ شگفت‌آور، چه کارهای ناشدنی، ممکن خواهد شد. کارهایی که با هیچ یک از سرمایه‌های کشور قیاس ناشدنی است. دشمن که در پاره‌ای از حوادث تاریخی، همچون تحریم تنباکو، ضربهٔ محکمی از مقام ولایت و احکام صادرهٔ از آن تحمل کرده بود، پس از انقلاب نیز احکام حکومتی امام خمینی‌ﷺ و سپس تدبیرهای حکومتی مقام معظم رهبری، موجودیت و هیبت چند سالهٔ او را به لرزه درآورد.

سرّ این‌که از اولین ساعات پیروزی انقلاب، تزلزل ولایت شرعی و حکومت ولایی و تضعیف اجتماعی و حتی قانونی این نهاد مقدس، هدف اصلی و استراتژیک دشمن قرار گرفت و با انگ‌هایی چون «دیکتاتوری»، «استبداد»، «قیم مآبی» به ریشه‌های این شجرهٔ طیبه حمله‌ور شده و آن را تاکنون نیز ادامه داده، این است که می‌دانست، این سرمایه معجزه می‌کند. دشمن پی برده که تا بنیان وسیع رهبری دینی و احکام ولایی بر کشور ایران سایه افکنده، امید به چیرگی بر آن و به یغما بردن دوبارهٔ منافع آن و محدود کردن شعله‌ای که از ایران برخاسته و در حال نفوذ به سایر نقاط گیتی است، امیدی واهی و خوابی تعبیر ناشدنی است.

اهمیت و نقش شگرف ولایت فقیه در اندیشهٔ معمار انقلاب، از چنان جایگاهی برخوردار بود که قبل از پیروزی انقلاب با تدریس آن به تکمیل این تئوری

پرداخت[1] و پس از پیروزی انقلاب، از همان آغاز شکل‌گیری نظام، این رکن اساسی را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جای داد[2] و حتی آن را بهترین اصل قانون اساسی معرفی کرد.[3] تاکنون نیز کشور اسلامی ایران در سایهٔ الطاف خداوند و عنایت ولی‌عصر (عج)، ولایت دو فقیه را تجربه نموده و همواره در طول سالیان سخت گذشته، از برکت حضورشان بهره‌مند بوده است.

در بخش قبل، به قسمتی از احکام حکومتی امام خمینی‌ـ که هر کدام موانعی بزرگ را از مسیر انقلاب و نظام اسلامی کنار زد ـ پرداختیم، با مروری بر آن احکام

---

۱ . امام خمینی‌ در دو مقطع، به تدریس موضوع «ولایت فقیه» پرداختند . یک بار این مباحث را در نجف اشرف مطرح ساختند که این مجموعه با عنوان «ولایت فقیه» به چاپ رسید . از پاره‌ای عبارت‌ها در این کتاب، به خوبی می‌توان اطلاق ولایت فقیه و میزان اهمیت آن را استنتاج کرد .

حضرت امام‌ در جایی می‌فرماید : «همین ولایتی که برای رسول اکرم‌ و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدّی هست، برای فقیه هم هست .» (ولایت فقیه : ص ۴۲)

حضرت امام‌ همچنین می‌فرماید: «این توهم که اختیارات حکومت رسول اکرم‌ بیش‌تر از حضرت امیر‌ بود یا اختیارات حکومتی حضرت علی‌ بیش از فقیه است، باطل و غلط است .» (ولایت فقیه : ص ۴۰)

در این دو عبارت، واژهٔ «مطلقه» به کار نرفته است، ولی در دلالت ظهوری آن بر اطلاق ولایت فقیه و همانندی آن با ولایت معصوم، نمی‌توان تردید کرد .

مشابه این عبارت در «کتاب البیع» نیز آمده است : «فللفقیه العادل، جمیع ما للرسول والائمه‌ ممّا یرجع الی الحکومة و السیاسة و لا یعقل الفرق . لان الوالی ـ ای شخص کان ـ هو مجری احکام الشریعة و المقیم للحدود الالهیة و الاخذ للخراج و سائر المالیات و المتصرف فیها بما هو صلاح للمسلمین» (کتاب البیع : ج ۲، ص ۴۶۷)

۲ . حضرت امام‌ در مصاحبه با حامد الگار، ضمن اشاره به اختیارات ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌فرماید : « ... ولو به نظر من یک قدری ناقص است و روحانیت بیش‌تر از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای این که خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند، یک مقدار کوتاه آمدند . این که در قانون اساسی است، بعضی شئون ولایت فقیه است، نه همهٔ شئون آن .» (صحیفهٔ امام : ج ۱۱، ص ۱۳۳)

ایشان در بیانات دیگری نیز به اختیارات وسیع ولی فقیه در چارچوب مصالح عمومی اشاره می‌کنند : «این روشنفکرهای ما نمی‌فهمند که ولایت فقیه یعنی چه؟ یکی‌اش هم تحدید این امور است . مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است، لکن ولی امر می‌تواند همین مالکیّت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است، همین مالکیت مشروع را محدودش کند به یک حدّ معیّنی و با حکم فقیه از او مصادره بشود .» (صحیفهٔ امام : ج ۱۰، ص ۱۳۸)

۳ . صحیفهٔ امام : ج ۱۱، ص ۱۳۳ .

درمی‌یابیم که اکثر موارد احکام حکومتی به پس از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص داشته است. پس از حضرت امام، استفاده از جایگاه ولایت فقیه در صدور احکام حکومتی توسط مقام معظم رهبری، هرچند در موارد کمتری صورت گرفته، امّا این موارد دارای دو خصوصیت عمده می‌باشد:

الف ـ رهبر انقلاب در طول سال‌های گذشته، همواره سعی نموده‌اند که از این امکان شرعی و قانونی استفاده نکنند و تا آن‌جا که مقدور بوده، تلاش کرده‌اند مشکلات کشور در مجرای خود حل شود.

ب ـ پس از تغییرات سیاسی در خرداد سال ۷۶ و در طول چهار سال قبل، موارد صدور حکم حکومتی ایشان بیش از سال‌های گذشته و در دو دولت پیشین بوده است. جالب این است که اکثر این موارد نیز در جهت حمایت و افزایش اختیارات دولت بوده است که در ادامهٔ بحث، به آنها اشاره می‌کنیم. البته موارد بسیاری وجود داشته که احکام حکومتی طبق درخواست آقای خاتمی برای یاری دولت و به منظور حل مشکلات مالی و بودجه و سایر مسائل قوهٔ مجریه، بدون اعلام رسمی توسط مقام معظم رهبری صادر شده است.

از جمله مواردی که می‌توان از آنها به عنوان احکام حکومتی صادره در سال‌های اخیر یاد کرد،[1] عبارتند از:

۱. تنفیذ احکام ریاست جمهوری و نصب رئیس جمهور.[2]

---

۱. البته بسیاری از عزل و نصب‌های مقامات نظامی و انتظامی، فقهای شورای نگهبان، رئیس قوهٔ قضائیه و حتی احکام مربوط به حکم ثبوت حلال، اجازات شرعیهٔ مربوط به توالی امور حسبه، تولیت اوقاف و ... از جمله احکام حکومتی هستند که نیازی به اشارهٔ تک تک آنها نیست.

۲. احکام مربوط به تنفیذ ریاست جمهوری یکی از مصادیق احکام ولایی است. مقام معظم رهبری، همچون حضرت امام﷿ در تمامی احکام صادرهٔ رؤسای جمهور، اعلام نموده‌اند: «اینجانب ... رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم.»

(روزنامهٔ کیهان: ۱۲ مرداد ۶۸، ۱۳ مرداد ۷۲، ۱۲ مرداد ۷۶ و ۱۱ مرداد ۸۰)

۲ . اعطای اختیارات ویژه به رئیس جمهور در بررسی پرونده‌های قضایی.[۱]
۳ . موافقت با درخواست رئیس جمهور در رفع بازداشت از شهردار تهران.[۲]
۴ . دستور سکوت به نیروهای انقلاب در برابر اهانت به رهبری.[۳]

---

۱ . در دو پروندهٔ مهم قضایی مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای و ترور سعید حجاریان، از آن‌جا که جو تبلیغاتی شدیدی از طرف رادیوهای خارجی و برخی از مطبوعات و مدعیان طرفداری از آقای خاتمی نسبت به نیروهای انقلاب به وجود آمده بود، مقام معظم رهبری برای رفع هرگونه شبهه و شیطنتی، اختیارات ویژه‌ای را به رئیس جمهور واگذار کردند . به طوری که در پروندهٔ قتل‌های زنجیره‌ای، هیأت ویژهٔ پی‌گیری، گزارش‌های خود را به آقای خاتمی ارائه می‌کرد و حتی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح ـ از زیر مجموعه‌های قوهٔ قضائیه ـ هفته‌ای یک بار به آقای خاتمی گزارش می‌داد!

آقای نیازی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح، در این باره می‌گوید : «در مدتی که پرونده در سازمان قضایی تحت رسیدگی بود، اینجانب با عنایت به نقش مستقیم و مؤثری که رئیس جمهور در پی‌گیری پرونده داشتند، تقریباً به طور مرتب و هفتگی گزارش اطلاعات پرونده را به اطلاع ایشان می‌رساندم که چنین امری در هیچ پروندهٔ قضایی مسبوق به سابقه نیست .» (روزنامهٔ کیهان : ۳ شهریور ۷۹، ص ۱۴)

در پروندهٔ ترور سعید حجاریان نیز آقای خاتمی در نامه‌ای به وزیر اطلاعات با اشاره به نقش خود در این پرونده می‌نویسد : «اینک که رهبر معظم انقلاب به صراحت از رئیس جمهور خواستار برخورد قاطع و سریع با جنایت اخیر شده‌اند، هیچ حالت منتظره‌ای برای برخورد ریشه‌ای با فتنه و فتنه گران باقی نمی‌ماند .»

(روزنامهٔ کیهان : ۸ فروردین ۷۹، ص ۱۴)

۲ . پس از دستگیری شهردار تهران ـ غلامحسین کرباسچی ـ در جریان پروندهٔ سنگین تخلفات شهرداری تهران، از آن‌جا که وی به یکی از جناح‌های سیاسی کشور وابسته بود، از طرف مدعیان قانونگرایی! اعتراضات سیاسی و حزبی نسبت به اقدام قانونی قوهٔ قضائیه راه‌اندازی شد . پیچیدگی ماجرا به اندازه‌ای بود که سران سه قوه نیز در جمع‌بندی آن به نتیجهٔ روشنی نرسیدند تا این که آقای خاتمی به دلیل شرایط حساس کشور، برخلاف قوانین جاری، از رهبر معظم انقلاب خواستار آزادی غلامحسین کرباسچی شدند . رهبر انقلاب نیز در پاسخ به درخواست رئیس جمهور در نامه‌ای به رئیس قوهٔ قضائیه نوشتند : «ریاست محترم جمهوری در نامه‌ای به اینجانب اعلام داشته‌اند که ادامهٔ بازداشت آقای غلامحسین کرباسچی، شهردار تهران، سبب ایجاد خلل در روند ادارهٔ کشور و متضمن آثار زیانبار است و درخواست کرده‌اند که نامبرده آزاد شود تا ادامهٔ کار قانونی در فضای فارغ از جوسازی‌های مضر به رسیدگی مطمئن انجام گیرد . لذا با اعتماد به اظهار نظر رئیس محترم قوهٔ مجریه، لازم می‌داند دستور فرمائید، نامبرده را آزاد کنند . بدیهی است که پیگیری پروندهٔ جاری، طبق مقررات قضائی که جناب عالی همواره بر آن پای فشرده‌اید، باید ادامه یابد و متصدیان مسئول این پرونده با اطمینان به قانونگرایی و حق‌طلبی همهٔ مسؤولان کشور با دقت کامل کار خود را به پایان برسانند .»

(روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۲۹ فروردین ۷۷، ص ۲)

۳ . تجدید نظرطلبان که برای رسیدن به اهداف خود به دنبال ایجاد درگیری میان طرفداران گروه‌های سیاسی و

۵ . اعلام ممنوعیت برخورد خودسرانه با مجرمان.[۱]

۶ . تأیید انتخابات مجلس ششم در حوزهٔ تهران، علی رغم نظر به بطلان آن توسط شورای نگهبان.[۲]

۷ . دستور به کنار نهادن طرح تغییر قانون مطبوعات در مجلس ششم.

۸ . اعطای مجوز تجدید نظر در مصوبهٔ مجمع تشخیص مصلحت نظام، دربارهٔ تحقیق و تفحص از نهادهای زیر نظر رهبری.[۳]

☞

نیروهای انقلاب و بسیجیان بودند، با راه اندازی تجمعات غیر قانونی و اهانت به مقدسات و شخصیت‌های نظام در این تجمعات، نیروهای انقلاب را تحریک می‌کردند. رهبر حکیم انقلاب در تأسی به سیرهٔ امام خمینی ﷺ برای خنثی نمودن این حیلهٔ دشمن در دیدار با بسیجیان اعلام نمودند: «اگر یک چیزی که خون شما را به جوش می‌آورد ـ مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند ـ بازهم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس من را هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب اللهی باید در مقابلهٔ با دشمن بایستند، حفظ کنید.» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۲۲ تیر ۷۸، ص ۲)

۱ . پس از حاکم شدن روحیهٔ تساهل و تسامح در برخی از مسئولان، به خصوص مسئولان وزارت ارشاد و کوتاهی آنان در برخورد با معضلات فرهنگی و اهانت کنندگان به مقدسات، انگیزهٔ برخورد شخصی با اهانت‌کنندگان در برخی از نیروهای انقلاب تقویت شد. رهبر معظم انقلاب که حاکم شدن چنین تفکری را آغاز سوء استفادهٔ دشمن در راه‌اندازی بلوا و آشوب می‌دیدند، در یکی از خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران اعلام نمودند: «بعضی‌ها گفته‌اند که ما اقدام می‌کنیم، مجازات می‌کنیم؛ ابداً در نظام اسلامی، این کار به مسئولان مربوط است ... اگر کسی احساساتی هم دارد، آن احساسات پیش خدای متعال قطعاً اجر خواهد داشت؛ امّا اگر عمل و اقدامی برخلاف موازین باشد ـ از آحاد مردم ـ یقیناً پیش خدا هم اجری ندارد. من هم که حالا نهی کردم، غیر از حرمت قانونی، حرمت شرعی هم پیدا کرد. مراقب باشید، اگر کسی به فرض از لحاظ تقلید، مقلد کسی هم هست، بنده که نهی کردم، برای او حرام خواهد شد؛ این فتوای همهٔ علماست. کسی حق ندارد یک وقت کار نسنجیده‌ای انجام بدهد.»

(روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۰ مهر ۷۸، ص ۱۳)

۲ . پس از مخدوش شدن برخی از صندوق‌های تهران، شورای نگهبان در نامه‌ای به مقام معظم رهبری اعلام نمود که با توجه به مدارک موجود، نمی‌تواند صحت انتخابات تهران را تأیید کند. این شورا پس از ذکر دلایل خود، از رهبر انقلاب مصلحت‌اندیشی نمود. مقام معظم رهبری با توجه به شرایط حساس کشور، با استفاده از حق شرعی خود انتخابات تهران را تأیید و برای بررسی تخلفات، نکاتی را متذکر شدند.

(روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۳۱ اردیبهشت ۷۹، ص ۳)

۳ . پس از درخواست رئیس مجلس در خصوص تجدید نظر در مصوبهٔ مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تحقیق و تفحص از نهادهای زیر نظر رهبری، رهبر انقلاب در نامه‌ای از این مجمع خواستند تا بر اساس موازین و مقررات

☜

۹ . فرمان به تعویق افتادن مراسم تحلیف ریاست جمهوری بـه دلیـل شـبههٔ مخالفت با قانون اساسی.[۱]

۱۰ . اعلام نظر در خصوص حل اختلاف نظر میان مجلس و قـوهٔ قـضائیه در خصوص معرفی حقوقدانان شورای نگهبان.[۲]

در ادامهٔ بحث، مناسب است به چند مورد دیگر نیز اشاره کنیم که رهبر مـعظم انقلاب در آنها تنها نسبت به موضوعی اعلام نظر نموده‌انـد و در تـمامی آنـها نـظر

☞

قانونی اقدام نماید. مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز از آن‌جا کـه بـر اسـاس نـظریهٔ شـورای نگـهبان در تـاریخ ۳ خرداد ۷۲، نمی‌توانست در مصوبات خود تجدید نظر کند، از رهبر انقلاب خواست تا با استفاده از اختیارات مقام ولایت، مجوز تجدید نظر را صادر فرمایند.

رهبر انقلاب در پاسخ به این درخواست، در نامه‌ای به رئیس مجمع نوشتند: «جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی، دامت برکاته. با سلام و تحیت و تشکر از مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام به خاطر اعمال دقت لازم و پایبندی شایسته به رعایت مجاری قانونی، مقتضی است در مصوبهٔ آن مجمع محترم تجدید نظر شود.» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۷ تیر ۸۰)

۱ . در پی تعلل مجلس ششم در انتخاب سه حقوقدان شورای نگهبان که توسط رئیس قوهٔ قضائیه معرفی شده بود و ایجاد شبههٔ قانونی برای مراسم تحلیف ریاست جمهوری ـ به دلیل عدم حضور تمامی ۱۲ نفر از اعضای شـورای نگهبان در مراسم تحلیف که مطابق قانون اساسی حضورشان لازم بود ـ مقام معظم رهبری طی نامه‌ای بـه رئـیس مجلس، خواستار به تعویق افتادن مراسم تحلیف ریاست جمهوری تا زمان رفع این شبهه شدند.

در نامهٔ مقام معظم رهبری به رئیس مجلس آمده بود: «جناب حجت‌الاسلام آقای کروبی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، با توجه به این که مجلس شورای اسلامی به رأی قانونی در انتخاب حقوقدانان شـورای نگـهبان نرسیده است و با عنایت به شبههٔ مخالفت با قانون اساسی، مقتضی است مراسم تـحلیف رئـیس جـمهوری را تـا هنگام فراهم شدن زمینهٔ قانونی لازم، به تأخیر اندازید تا این مراسم حائز اهمیت، مورد شبههٔ قانونی قرار نگیرد.» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۴ مرداد ۸۰)

۲ . پس از عدم موافقت مجلس با حقوقدانان معرفی شده توسط قوهٔ قضائیه، آیت الله شاهرودی مجدداً سه حقوقدان دیگر را معرفی نمود، امّا مجدداً با رأی منفی اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسـلامی ـ وابسته بـه یک حـزب سیاسی ـ روبرو شدند. این مسأله که با توجه به نزدیکی زمان مراسم تحلیف ریاست جمهوری و شبههٔ عدم اعتبار جلسات مجلس ـ به دلیل عدم وجود شورای نگهبان ـ در حال تبدیل شدن به یک بحران بود، با تدبیر مقام مـعظم رهبری حل شد.

مقام معظم رهبری با درخواست مشورت از مجمع تشخیص مصلحت نظام و پس از اعلام نـظر آن، بـا مـوافـقت برخی از بندهای مشورتی مجمع به یک بحران پایان داد. (ر.ک: روزنامهٔ کیهان: ۱۵ و ۱۶ مرداد ۸۰، ص ۱۴ و ۱۵)

رهبری مورد اطاعت مخاطبین قرار گرفته است. این موارد را نمی‌توان حکم حکومتی دانست، امّا با توجه به موضوع کتاب، اشارهٔ به آن مناسب است:

۱۱. اعلام نظر به مجلس پنجم برای رأی مثبت به کابینهٔ اول آقای خاتمی.[۱]

۱۲. اعلام نظر در خصوص پایان دادن به تحصن طلاب و روحانیون حوزهٔ علمیهٔ قم که در اعتراض به فتنهٔ فرهنگی و عملکرد وزیر ارشاد وقت، در مسجد اعظم قم تجمع کرده بودند.[۲]

۱۳. اعلام نظر به مجلس پنجم در خصوص تصویب بودجهٔ سال ۱۳۷۹.

---

۱. روزنامهٔ آفتاب یزد: ۴ مرداد ۸۰، ص ۱، احمد نجابت، نمایندهٔ مردم شیراز در مجلس پنجم.
وی در این مصاحبه می‌گوید: «مجلس پنجم تصمیم داشت به کابینه‌ای که آقای خاتمی معرفی کرده، رأی ندهد. این موضوع از طریق آقای ناطق نوری با رهبری در میان گذاشته شد و نمایندگان مجلس پنجم به خواست و دستور مقام معظم رهبری به کابینهٔ آقای خاتمی رأی دادند.»

۲. در بهمن ماه سال ۱۳۷۸، پس از تشدید حملات مطبوعات زنجیره‌ای به ارزش‌های دینی و انقلابی و پس از تذکرات بسیار مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید، بی‌کفایتی وزیر وقت وزارت ارشاد ـ سید عطاء الله مهاجرانی ـ ثابت شد، امّا وی همچنان با اجرای سیاست‌های دشمن‌پسند به دفاع از راهزنان فرهنگی می‌پرداخت. تا این که حوزهٔ علمیهٔ قم با تجمع و تحصن در مسجد اعظم قم، اعتراض خود را به وضعیت آشفتهٔ فرهنگی اعلام نمود.
اجتماع به حق علما و روحانیون و درخواست عزل وزیر ارشاد و تغییر سیاست‌های فرهنگی، با وعدهٔ دولت مبنی بر حل مشکل و نهایتاً با پیام تأییدآمیز رهبر انقلاب پایان یافت. مقام معظم رهبری در پیام خود که به واسطهٔ رئیس مجلس خبرگان ـ آیت الله مشکینی ـ به طلاب ابلاغ شد، فرمودند: «این هدفی که آقایان دارند و برای آن اظهار ناراحتی می‌کنند. مخصوص آقایان نیست. عدهٔ زیادی امروز راجع به این موضوع ناراحتند. اقشار مختلف. از علما. از مراجع. از روحانیون. از دانشگاه‌ها. از مردم متدین راجع به این موضوع ناراحتند و ما هم در مقابل آن ناظریم و از آقایان تشکر می‌کنم که خوب توجه دارند. تشکر می‌کنم که انجام وظیفه کردند.»
(روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۷ بهمن ۷۸)
چند ماه پس از اعتراض عظیم حوزهٔ علمیهٔ قم، با مطبوعات زنجیره‌ای و غوغاسالار برخورد شد و برخی از دست اندرکاران آنان به پای میز محاکمه کشیده شدند و به براندازی خاموش با استفاده از مطبوعات اعتراف کردند. پس از این اعترافات بود که عطاء الله مهاجرانی از وزارت ارشاد خداحافظی کرد!
(ر. ک کتاب تحصن چرا و چگونه، انتشارات فیضیه، به همین قلم)

حکم مخالفت با حاکم اسلامی چیست؟[1]

با توجه به اهمیت حکم حاکم اسلامی، سؤال این است که مخالفت با حکم ولی‌فقیه چه حکمی دارد و مخالفت کننده از نظر شرعی چه وضعی پیدا می‌کند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که مخالفت با حکم ولی فقیه، یکی از محرمات قطعی و مسلم است و کسی که کمترین بهره‌ای از ایمان و اعتقادات دینی داشته باشد، به چنین کار ناپسندی مبادرت نمی‌ورزد. لذا بسیاری از کسانی که نسبت به برخی از احکام شرعی مسامحه می‌کنند، نسبت به این جرم بزرگ حریم نگه می‌دارند، تا جایی که دکتر فوردیه، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، دربارهٔ حکم تاریخی میرزای شیرازی دربارهٔ تحریم تنباکو، با شگفتی اظهار می‌کند که «احدی در میان نوکران شاه و در اندرون او لب به استعمال دخانیات نمی‌زدند»! این‌گونه اظهارات نشان می‌دهد که حتی «همکاران ظلمه» هم، حاضر به مخالفت با «حکم مجتهد» نیستند.

ریشهٔ این اعتقاد راسخ دربارهٔ نفوذ حکم حاکم اسلامی، مدارک دینی و اسلامی است. مثلاً در روایت مقبولهٔ عمر بن حنظله، امام صادق (ع) فرموده است:

> «اگر "حکم حاکم ما" مورد قبول قرار نگیرد، "حکم خداوند" مورد اهانت واقع شده و بر ما رد شده است و کسی که ما را ردّ کند، ردّ بر خداوند نموده و این در حد شرک به خداوند است.»[2]

این تعبیرات بسیار تند که «مخالفت با حکم حاکم اسلامی» را در نهایت در «حد شرک» قرار داده و مخالفت با آن را معارضه با امام معصوم و خدا تلقی کرده است، گویای آن است که این عمل نزد شرع تا چه حد جرم سنگین و گناه بزرگی شمرده می‌شود که آن را با هیچ گناه دیگری نمی‌توان مقایسه کرد.

میرزای شیرازی نیز در تحریم تنباکو، «استعمال توتون» را بر همین اساس در

---

۱. با استفاده از ستون پاسخ به سؤالات شرعی، روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۳.

۲. اصول کافی: ج ۱، ص ۶۷ و تهذیب الاحکام: ج ۶، ص ۳۰۱.

حکم «محاربه با امام زمان» اعلام نمود و عموم فقها و مجتهدان و نیز عامهٔ مردم در برابر آن سر تسلیم فرود آوردند و هیچ انسان عاقل و متدینی حاضر به «محاربه با امام زمان» نگردید.

این نکته نیز گفتنی است که اگر مخالفت کننده، با عمل خود نشان دهد که اساساً اعتقادی به مبانی دینی ندارد، کیفر سنگینی برای او وجود دارد و مسأله صورت دیگری پیدا می‌کند. مثلاً در حدود نیم قرن قبل، انگلیسی‌ها قصد داشتند با برگزاری یک انتخابات فرمایشی در عراق، اوضاع آن کشور اسلامی را به دست گیرند. آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، مسلمانان را از شرکت در این طرح برحذر داشت و مخالفت با این حکم را «موجب ارتداد» دانست. متن حکم سید چنین است:

«برادران مسلمان! این انتخابات موجب مرگ امت اسلامی است و هرکس با علم به حرمت در آن شرکت کند، همسرش بر او حرام می‌شود و حرام است بـه زیـارت ائمه علیهم‌السلام برود، جواب سلامش را نباید داد و اجازهٔ ورود به حمام مسلمانان را ندارد.»

بدین ترتیب، مخالفت با یک حکم حکومتی، به چنین عواقب خطرناکی می‌تواند منجر شود و اسلام و ایمان شخص را در معرض تباهی قرار دهد.

بنا بر آنچه گفته شد:

۱ . مخالفت آشکار با حکم حاکم، «تجاهر به فسق» است و مخالفت کننده به عنوان متجاهر به فسق، صلاحیت اخلاقی خود را از دست می‌دهد و در کوچک‌ترین امور شرعی قابل اعتماد نیست، شهادت او قبول نیست، برای امامت جماعت صلاحیت ندارد و ... .

۲ . طبق فرمودهٔ حضرت علی علیه‌السلام در عهدنامهٔ مالک اشتر، کسی که آشکارا با حاکم اسلامی مخالفت می‌کند، شایستگی حضور در سیستم حکومتی را نداشته و نـباید در مراکز حساس دولت اسلامی قرار گیرد.

بر همین اساس، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران، مسئولان عالی نظام چون رئیس جمهور و نمایندگان مجلس و ... باید از کسانی باشند که التزام عملی به ولی فقیه

داشته باشند و نظراتی را که از جایگاه ولایت فقیه صادر می‌شود، بپذیرند.

۳. از جنبهٔ ایمانی، مخالفت با حکم حاکم، نشان دهندهٔ اوج انحطاط عقیدتی است که امام صادق﴿ع﴾ از آن به «حد شرک» تعبیر فرموده است. از این رو، مخالفت کننده در ردیف مشرکان و محاربان با امام زمان﴿ع﴾ است.

۴. در صورتی که این مخالفت، نمایانگر انحراف عقیدتی شخص در پایبندی به اساس دین باشد و به خروج از دائره اسلام بیانجامد، بعید نیست که موضوع ارتداد مطرح شود و احکام مرتد در مورد او جریان پیدا کند.

بخش دوم

مجلس پنجم
و اصلاح قانون مطبوعات

تاریخچهٔ قانون مطبوعات و اصلاحات آن

از زمان چاپ نخستین روزنامه در ایران تا انقلاب مشروطه، قانون مدون و مشخصی برای مطبوعات وجود نداشت و البته لزوم وجود چنین قانونی احساس نمی‌شد. زیرا تمام روزنامه‌ها و مجلات داخلی دولتی بودند و ثناگویی پادشاه و دفاع از عملکرد او و درباریان، از وظایف معمولی آنان محسوب می‌شد و اگر احیاناً، خواسته یا ناخواسته، مرتکب جرمی می‌شدند، به شدیدترین وجه ممکن مورد مجازات قرار می‌گرفتند.

با تصویب قانون اساسی مشروطه و گنجاندن آزادی مطبوعات در اصل بیستم آن، مسأله تدوین قانون مطبوعات به صورت جدی برای اهل قلم مطرح شد و تلاش‌های آنان در این زمینه، سرانجام به تصویب اولین قانون مطبوعات ایران مشتمل بر ۵۲ ماده در ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ هـ.ش منجر گردید. پس از آن به ترتیب در آبان ۱۳۰۱ و دی ماه ۱۳۲۱ چند مادهٔ اصلاحی به آن افزوده شد.

در ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ قانون اول مطبوعات توسط دکتر محمد مصدق منسوخ و قانون جدیدی به جای آن وضع شد. این قانون در ۴۶ ماده به تصویب رسید و در ۲۰ خرداد ۱۳۳۲ مصدق لایحه‌ای اصلاحی بر قانون دوم مطبوعات نوشت.

پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، مطابق مصوبه شورای ملی، تمامی قوانین مصوب او و از جمله قانون دوم مطبوعات ملغی شدند و به دنبال آن

کمیسیونی مرکب از نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا، مأمور تهیهٔ قانون مطبوعات شدند. حاصل کار این جمع، قانون ۴۲ ماده‌ای مطبوعات بود که در سال ۱۳۳۴ تصویب شد و تا سقوط رژیم شاهنشاهی اجرا می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز فعالیت پایگاه‌های مطبوعاتی استکبار، شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۰ مرداد ماه ۱۳۵۸، شش ماه پس از پیروزی انقلاب، اولین قانون مطبوعات نظام جمهوری اسلامی را که در واقع چهارمین قانون مطبوعات کشور از صدر مشروطه به بعد بود، به تصویب رساند. این قانون در حالی به تصویب شورای انقلاب رسید که نظام جمهوری اسلامی هنوز از قانون اساسی برخوردار نبود و به همین دلیل هیچ یک از بندهای این قانون متکی بر اصول قانون اساسی فعلی و یا در توضیح و تفصیل آن نبود. قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۵۸ را می‌توان درمان موقتی برای هرج و مرج‌های به وجود آمده توسط مطبوعات و نشریات متعدد و متنوع باقی مانده از دورهٔ طاغوت دانست که بدون هیچ ضابطه و معیار مشخصی منتشر می‌شدند.[1] این نشریات که عمدتاً در سال ۱۳۵۳ به یکباره و در آستانهٔ تشکیل حزب رستاخیز تعطیل شده و در آستانهٔ پیروزی انقلاب مجدداً احیاء شده بود، در برابر تصویب این قانون به مخالفت‌های غوغاسالارانه و غیر اصولی پرداختند، امّا نهایتاً این قانون به تصویب رسید و توانست تا حدودی به وضعیت آشفتهٔ مطبوعاتی سال‌های نخست انقلاب سامان دهد.

پس از تصویب قانون اساسی و استقرار نظام اسلامی بر اساس سه قوهٔ مقننه، مجریه و قضائیه که تحت نظارت رهبری بودند، اندک اندک تمامی امور در مجرای خود به انجام می‌رسید و نواقص دوره‌های قبل بر طرف می‌شد. در همین دوران بود که قوهٔ مقننه نیز بر اساس شرایط جدید کشور، تکمیل برخی از قوانین، از جمله قانون مطبوعات مصوب سال ۵۸ را در دستور کار خود قرار داد. مهر ماه سال ۶۴ کلیات تغییر قانون مطبوعات در مجلس دوم مطرح شد و نهایتاً در تاریخ پنجشنبه ۲۲ اسفند ۶۴ در

---

۱. در دفتر اول این کتاب و در بخش نخست آن (بازخوانی یک پرونده) به این نکته پرداخته‌ایم.

مجلس شورای اسلامی تصویب شد و دو روز بعد به تأیید شورای نگهبان رسید و طی نامهٔ شمارهٔ ۱/۸۹۲۱ مورخ ۲۸ اسفند ۶۴ از دفتر رئیس جمهور وقت ـ آیت‌الله‌خامنه‌ای ـ به نخست وزیری ارجاع و در تاریخ ۹ فروردین ۶۵ توسط آقای میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت، به وزارت ارشاد اسلامی ابلاغ گردید.

نگاهی به روزنامه‌ها و نشریات آن ایام، حکایت از تلاشی معقول و منطقی از طرف مطبوعات و همچنین شخصیت‌های سیاسی کشور برای رفع نواقص و تکمیل قانون مطبوعات دارد. اصحاب مطبوعات که این قانون را در ارتباط مستقیم با حرفهٔ خود می‌دیدند، در قالب مصاحبه‌ها، گزارش‌های خبری و مقالات مختلف سعی می‌کردند به طرح دیدگاه‌ها و نقطه نظرات خود بپردازند. آنها حتی توانستند با پیشنهاد و پی‌گیری صنفی‌شان، فصلی به نام «حقوق مطبوعات» را در آن بگنجانند.[1]

با مطالعهٔ مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی و مرور سخنان نمایندگان موافق و مخالف طرح، آنچه پیش از هر نکتهٔ دیگر جلوه‌گری می‌کند، حاکمیت جو دوستی، دلسوزی و آرامش در مباحث است. در بررسی ادبیات حاکم بر مطبوعات کشور نیز ـ علی رغم مقید شدن آنها با این طرح ـ همین نکته بیش از هر چیز دیگر جلب توجه می‌کند. غوغاسالاری و شانتاژهای تبلیغی همراه با ادبیات خشن روزنامه‌ای، جای خود را به بیان حقایق، همراه با اشاره به معایب و نقص‌ها داده بود، به طوری که در سایهٔ این جو، مردم نیز به خوبی از حق دانستن برخوردار می‌شدند! امّا به راستی دلیل این آرامش سیاسی و حاکمیت عقل و منطق در فضای سیاسی کشور چه بود؟

مروری کوتاه بر موضعگیری شخصیت‌ها و جناح‌های سیاسی و به خصوص مسئولان کشور در دههٔ شصت، نشانگر آن است که آرامش سیاسی جامعهٔ آن روز، مرهون چند عنصر مهم بود که عبارتند از:

۱ . محوریت ولایت فقیه در نظر تمام شخصیت‌های سیاسی و مؤثر انقلاب.

---

۱ . نگاه کنید به مقالات و مصاحبه‌های روزنامه‌های جمهوری اسلامی و کیهان در اوایل مهر ماه سال ۱۳۶۴.

۲ . پایبندی تمام گروه‌ها و جناح‌های سیاسی کشور به ارزش‌های اسلام و انقلاب.

۳ . وجود مرزهای مشخص میان نیروهای خودی و غیر خودی در عرصهٔ سیاسی و تلاش تمام گروه‌های انقلابی بر شفافیت مواضع اسلامی و انقلابی‌شان.

۴ . اتفاق نظر تمام گروه‌ها در حراست از ارکان نظام و مقدم ساختن منافع ملی ـ چون جنگ تحمیلی ـ بر منافع حزبی و سیاسی، علی رغم وجود اختلافات جناحی.[1]

قانون مطبوعات در چنین فضایی به دست تغییر و اصلاح سپرده شد. بازخوانی نظرات و دیدگاه‌های شخصیت‌های کشور در آن ایام به خوبی نشان از محوریت موارد ذکر شده دارد. به عنوان نمونه آقای خاتمی ـ وزیر ارشاد وقت در سال ۱۳۶۳ ـ تنها راه نجات تمامی افراد جامعه را حاکمیت فضیلت‌ها و مجموعه شرایطی می‌دانستند که مطابق معیارهای شرعی در ولی فقیه جمع می‌باشد. از این رو، نقطهٔ افتراق «حکومت‌های دیکتاتوری» و «مبتنی بر رأی اکثریت» با «حکومت‌های اسلامی» را در تعیین حاکم از طرف خدا می‌دانستند. نکته‌ای که امروز یکی از پرچالش‌ترین مباحث میان مسئولان کشور است. آقای خاتمی آن روز معتقد بودند:

«حکومت‌ها را می‌شود در یک تقسیم‌بندی کلی، به سه دسته تقسیم کرد: یکی "حکومت‌های دیکتاتوری" و زورمدار، یکی "حکومت‌های مردمی" و سیستم‌های به اصطلاح امروز دموکراتیک و سومی هم "حکومت اسلامی" است که مردم مسلمان و ایثارگر ایران با قیام و انقلاب خویش آن را مستقر کرده‌اند و در کار

---

۱ . به عنوان نمونه می‌توان به بیانیهٔ پرصلابت و غیرتمندانهٔ ۳۴ تن از نمایندگان مجلس در حمایت از رئیس قوهٔ قضائیه وقت اشاره کرد که پس از تعطیل کردن روزنامهٔ میزان ـ وابسته به نهضت آزادی ـ مورد هجوم تبلیغاتی عده‌ای قرار گرفته بود. در میان امضاء کنندگان آن نامه، اسامی آقایان: سید محمد خاتمی، عطاء الله مهاجرانی، موسوی خوئینی‌ها، موسوی لاری و ... به چشم می‌خورد. (نگاه کنید به دفتر اول پایان داستان غم‌انگیز، ص ۶۴) همچنین می‌توان به نامهٔ ۲۰۰ تن از نمایندگان مجلس ـ با گرایش‌های مختلف حزبی و سیاسی ـ اشاره کرد که در حمایت از رئیس جمهور وقت ـ آیت الله خامنه‌ای ـ پس از انتشار نامه‌ای مجعول و اهانت‌آمیز نسبت به ایشان و به نام نمایندگان، صادر شده بود. (نگاه کنید به روزنامهٔ کیهان: ۲۰ مهر ۶۴)

سازماندهی و تقویت پایه‌های آن هستند.

در حکومت‌های دیکتاتوری و زورمدار آنچه بر مردم حاکم است، اهواء "یک فرد" و یا "گروه خاص" است... در حکومت‌های مردمی به معنای امروز آن نیز، در نظر و تئوری، جای هوای نفس فرد و اهواء یک گروه خاص را اهواء جمع یا اکثریت می‌گیرد. البته در عمل باز آن چیز که حاکم و مسلط است، نظر، خواست و منافع "گروه خاصی" است... حتی در دموکراسی‌های جدید، آن چیزی که پذیرفته شده و مورد توجه است "اکثریت کمی" است. اگر در یک سو، همهٔ متفکران و اندیشمندان و فرزانگان قوم باشند و در طرف دیگر هیچ انسان فرزانه و متفکری نباشد و اکثریت با این طرف باشد؛ حاکم، نظریه و خواست این اکثریتی است که فاقد شخصیت‌های متفکر و فرزانه است. اگر فرزانگان جامعه در اقلیت قرار بگیرند، طبق معیارهای دموکراسی امروز، مجبور به اطاعت از خواست اکثریت هستند، چون ملاک "اکثریت عددی" است و طبعاً ملاک اهواء انسان‌ها است. طبعاً دیگر رابطهٔ حکومت شونده و رابطه حکومت کننده هم در این نظام‌ها معلوم است.

در حکومت‌های الهی که در لحظات کوتاهی از تاریخ تحقق هم پیدا کرده و اگر برکتی و خیری و عزتی و عظمتی و انسانیتی در تاریخ است، ناشی از همان لحظاتی است که حکومت‌های الهی در تاریخ مستقر شده است... در حکومت‌های الهی آنچه در جامعه باید حکومت کند، فضیلت است که منشأ همهٔ فضیلت‌ها و همهٔ عظمت‌ها خدای هستی است ... و فضیلت، به وسیلهٔ فرمان خدا مشخص می‌شود، (یعنی همان) حکم خدا... در بینش الهی، انسان بزرگ‌تر از آن است که حتی انسان بر او حکومت کند. حیثیت انسانی، کرامت انسانی، ارزش جوهری انسانی ایجاب می‌کند که فقط خدا بر او حکومت کند و خدا در بینش‌های الهی، کمال مطلق و جمال و علم و عظمت و فضیلت مطلق است... البته نتیجهٔ چنین حکومتی، سعادت "تمامی" افراد جامعه است نه "اکثریت"....

بیعت و رأی مردم، حاکمیت اسلامی را فعلیت می‌بخشد. حاکم را رأی مردم تعیین نمی‌کند، حاکم را خدا معین می‌کند، برخلاف حکومت‌های عرفی ـ حالا از هر نوعش باشند...ـ در اسلام، رأی مردم انسانی را حاکم نمی‌گرداند؛ حکومت، ملاک‌های

واقعی دارد که خدا بیان کرده. اگر در زمان حضور معصوم باشد، شخص حاکم مشخص است... در زمان غیبت، ملاک‌ها حاکمند. خدا و پیغمبر خدا و اولیاء معصوم خدا، ملاک‌ها را مشخص کرده‌اند که عبارت است از دانایی، تدبیر و تقوی. در رأس دانایی‌ها، دانایی به دین خداست... در نظام اسلامی همین ملاک‌ها باید بر مردم حاکم باشد. این امور، اموری نیست که به رأی مردم ایجاد بشود... پس رأی مردم در این میان چه نقشی دارد؟ رأی و بیعت مردم، حکومت را فعلیت می‌بخشد. یعنی کسی که شأن و صلاحیت حکومت دارد، وقتی مردم به او رأی دادند، فعلاً (یعنی در فعل و عمل) هم حاکم می‌شود. اگر مردم رأی ندادند، تکلیف از حاکم ساقط است، گرچه واقعاً او باید حکومت داشته باشد.»[1]

وجود مرزهای مشخص میان نیروهای خودی و غیرخودی در عرصهٔ سیاسی و تلاش تمام گروه‌ها و شخصیت‌ها بر شفافیت مواضع انقلابی، یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل آرامش سیاسی آن سال‌ها بود. قاطعیت مسئولان کشور در برابر شیطنت‌های مطبوعاتی و حمایت آنان از نیروهای فداکار و گمنام حزب‌اللهی، به اندازه‌ای بود که دشمن را از هرگونه نفوذی ناامید ساخته بود. به عنوان نمونه، دقیقاً در زمانی که طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس دوّم مطرح شد، وزیر ارشاد وقت ـ آقای خاتمی ـ مورد سؤال یکی از نمایندگان قرار می‌گیرد که چرا با انتشار غیر قانونی یکی از روزنامه‌ها ـ صبح آزادگان ـ برخورد نشده است. آقای خاتمی در پاسخ به آن نماینده، با یادآوری روزهای تلخ سال‌های ۵۷ تا ۶۰، میدان دادن به مطبوعات همسو با انقلاب و برخورد با روزنامه‌های غوغاسالار را از افتخارات نظام اسلامی در آن دوره می‌داند و بر نقش حضرت امام و نیروهای مردمی حزب الله ـ که در سال‌های اخیر از آنان به گروه فشار یاد می‌شود ـ تأکید می‌کند:

«شما نمایندگان، سال‌های پرفراز و نشیب ۵۷ تا ۶۰ را از یاد نبرده‌اید که گروه‌های منحرف و جریانات ضد انقلاب، با سوء استفاده از موهبتی که انقلاب اسلامی در اختیار این ملت قرار داده بود، آزادی که رکن اصلی انقلاب بود و برای نجات و رشد

---

۱. در جمع مسئولان روابط عمومی مراکز فرهنگی کشور: ۴ اسفند ۶۳. به نقل از روزنامهٔ کیهان: ۷ تیر ۸۰.

مردم در اختیار مردم قرار گرفته بود. از یاد نبرده‌اید که چه طوفان مسمومی را از طریق روزنامه‌ها و روزی‌نامه‌ها و نشریات، در مملکت علیه انقلاب و اسلام و حقوق مردم به پا کردند. در این مورد البته بیداری مردم، رهبری قاطع امام و حضور مردم در صحنه سبب شد که این جریانات حذف شود.

امروز در اثر ادامهٔ روحیهٔ انقلابی مردم، از این‌گونه جریانات شناخته شده اثری نیست و در این سال‌ها به حق باید ما این را از روزنامه‌ها بدانیم که در کنار مردم و مجلس، از کیان و موجودیت انقلاب اسلامی پاسداری کردند. به خصوص روزنامه‌های پر تیراژ و معتبر صبح و عصر تهران (کیهان، اطلاعات، صبح آزادگان و جمهوری اسلامی).

در آن روزها تمام جریانات ضد انقلاب در برابر این چهار روزنامه بودند، همچنان که در مقابل مجلس و نهادهای انقلابی بودند و تمام حزب الله مدافع و پشت سر اینها بودند. آیا در این ایام، حتی یک انسان که دلبستگی به انقلاب داشت، می‌توانست به خود اجازه بدهد که این روزنامه‌ها را به نفع گروه‌های ضد انقلاب تعطیل بکند یا اگر می‌کرد با مجلس چگونه روبرو می‌شد؟ و نیروهای "حزب الله" با او چه خواهند کرد؟»[1]

* * *

قانونگزاری، یعنی تعریف محدودهٔ حقوق افراد، حاکمیت، تعیین جرائم، بایدها و نبایدها، مجازات‌ها و .... چنین قانونی برای آن‌که به ابزاری برای حاکمیت سلیقهٔ افراد تبدیل نشود، باید شفاف، جامع و به دور از کلی گویی و ابهام باشد. پنجمین قانون مطبوعات ـ مصوب سال ۶۴ـ هرچند در مقطعی اشکالات اساسی مصوبهٔ شورای انقلاب را بر طرف کرد و کارگشا و مثمر ثمر بود، امّا با این همه، خالی از اشکال نبود.

در میان صاحبنظران درگیر با مسائل مطبوعات، کمتر کسی را می‌توان یافت که در قالب استدلال‌های کارشناسانه معتقد باشد که قانون مطبوعات مصوب سال ۶۴ از کلی گویی و ابهام برخوردار نیست. به همین دلیل در سال ۷۴، پس از ده سال استفاده

۱ . روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۱۳ مهر ۶۴.

و تجربهٔ این قانون، موضوع اصلاح قانون مطبوعات از سوی برخی مسئولان معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد مطرح شد؛ زمانی که هیچ سخنی از دوم خرداد و شخصیت‌ها و روزنامه‌های غوغاسالار آن نبود. با مطرح شدن این بحث، برخی گروه‌ها و نشریات در حالی که خود معترف به وجود اشکالات و ابهاماتی در قانون بودند،[۱] امّا به بهانهٔ بسته شدن فضای کشور و محدودکردن آزادی مطبوعات، با اصلاح آن مخالفت کردند و در حالی که ده سال از تصویب و اجرای این قانون می‌گذشت، این مدت را کافی نمی‌دانستند و اعلام می‌کردند:

«به لحاظ زمانی، نمی‌توان مدت ده سال را برای ارزیابی نقاط ضعف و قوت این قانون کافی دانست و رأی به ضرورت اصلاح آن داد.»[۲]

این سخن، هرگز پذیرفتنی نبود! چرا که قانون اساسی کشور که نقش قانون مادر را دارد، پس از حدود ده سال، کاستی‌ها و نقص‌های خود را نشان داد و با دستور حضرت امام‌ﷺ، شورای بازنگری آن تشکیل شد. عجیب‌تر آن‌که مدعیان این سخن در مجلس ششم، در حالی به اصلاح مجدد قانون مطبوعات پرداختند که سه ماه قبل از آن، این قانون توسط مجلس پنجم تصویب شده بود!

اعتراف به وجود ابهام در قانون مطبوعات

اعتراف به وجود اشکال و ابهام در قانون مطبوعات مصوب سال ۶۴ نه تنها در آن مقطع زمانی، بلکه در سال‌های اخیر نیز، از جانب مخالفان اصلاحیهٔ مجلس پنجم بر زبان جاری می‌شد. با مرور مصاحبه‌های این عده، کم و بیش جملهٔ «ما نیز معتقد به اصلاح قانون مطبوعات هستیم، منتهیٰ موارد طرح شده را قبول نداریم» به چشم می‌خورد . امّا شگفت‌آورتر آن‌که هرگاه به طور جدی از دلایل مخالفت سؤال می‌شد، متوسل به ترفندهایی از قبیل این که «چون این قانون در زمان امام تصویب شده،

---

۱. نگاه کنید به مقالات هفته نامهٔ عصر ما : ۲۱ تیر ۷۴، ص ۲.

۲. هفته نامهٔ عصر ما : ۲۵ اردی‌بهشت ۷۴، ص ۶.

درست نیست آن را تغییر دهیم» می‌شدند. دوگانگی و تناقض در گفتار و عمل این افراد زمانی روشن‌تر می‌شد که به خاطر بیاوریم، همین افراد بر اساس منافع حزبی‌شان در سال‌های اخیر پیشنهاد تغییر قوانین را می‌دادند که در زمان امام﵀ به تصویب رسیده بود! حتی وزیر وقت ارشاد اسلامی، عطاء الله مهاجرانی از جمله کسانی بود که پیشنهاد تغییر قانون اساسی را داد!

از جمله شخصیت‌ها و نهادهایی که بر لزوم اصلاح قانون مطبوعات تأکید کرده بودند، وزیر ارشاد، هیأت دولت، برخی از نمایندگان مجلس و برخی از حقوقدانان بودند که در ادامهٔ بحث به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ . وزارت ارشاد

آقای مهاجرانی، وزیر ارشاد وقت که حمایت‌های او و عدم نظارت وزارتخانه‌اش نقش به سزایی در تبدیل برخی مطبوعات به پایگاه دشمن و غوغاسالاری سال‌های اخیر داشت، وقتی در خصوص عملکرد یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای مورد سؤال قرار گرفت، گناه را به گردن قانون انداخت و معتقد بود که «در مورد جرائم مطبوعاتی، این جرائم به خوبی تبیین نشده‌اند و می‌توان به تبیین روشن‌تری دست یافت».[۱] وی همچنین در جلسهٔ استیضاح خود برای فرار از انتقادات، بر وجود ابهامات قانون مطبوعات تأکید کرد و خطاب به یکی از منتقدان و استیضاح‌کنندگان خود گفت:

> «این که موارد اخلال در مبانی دینی تعیین نشده است، ما هم البته کوتاهی کرده‌ایم و می‌بایست پیش‌نویسی تهیه شود و موارد مخلّ مبانی دینی را مشخص کنیم. امّا جناب عالی و همکارانی که در کمیسیون ارشاد هستند، اگر اعتقاد دارید که این همه نابسامانی بوده است، می‌باید با ارائه یک طرح قانونی، از این مسائل جلوگیری کنید.»[۲]

---

۱ . خبرگزاری جمهوری اسلامی : ۱ آذر ۷۷.

۲ . روزنامهٔ کیهان : ۱۲ اردیبهشت ۷۸، ص ۱۴.

اشکالات و ابهامات قانون سال ۶۴ تا اندازه‌ای بود که اختلاف نظر وزیر ارشاد وقت (مهاجرانی) و معاون مطبوعاتی وی (بورقانی) را نیز به همراه داشت. مهاجرانی معتقد بود که «قانون مطبوعات در مواردی حق لغو امتیاز نشریه را به هیأت نظارت داده است و مادهٔ ۲۸ صریحاً می‌گوید که اگر به رهبر یا شورای رهبری و یا مراجع تقلید اهانت شود، امتیاز آن نشریه لغو و متخلف به دادگاه ارجاع می‌شود و همهٔ حقوقدانان در این مورد اتفاق نظر دارند.»[1]

در حالی که معاون مطبوعاتی وی، برداشتی غیر از نظر مسئول بالاتر خود داشت. احمد بورقانی معتقد بود که «هیأت نظارت بر مطبوعات، نمی‌تواند پروانهٔ مطبوعات را لغو کند، چرا که لغو پروانه در حکم مرگ یک نشریه است و اعضای هیأت نظارت قاضی نیستند و نمی‌توانند چنین حکمی صادر کنند!»

۲. هیأت دولت

علاوه بر آقای مهاجرانی، هیأت دولت نیز به وجود اشکالاتی در قانون مطبوعات معترف بود. به عنوان مثال، هیأت دولت پس از طرح تغییر قانون مطبوعات توسط مجلس پنجم، در جلسه‌ای که به ریاست آقای خاتمی تشکیل شده بود، در حالی که به وجود شیطنت‌های مطبوعاتی اعتراف می‌کرد و ناآرامی جامعه را از عملکرد برخی مطبوعات می‌دانست، اعلام کرد:

> «از نظر دولت، اگر چه ممکن است اشکالاتی در قانون موجود باشد و یا مطبوعه‌ای آرامش بخشی از جامعه را تحت تأثیر قرار دهد، امّا در شرایط فعلی هر اقدامی که شائبه‌ای در اهتمام به حقوق در نظام و محدودیت بیش‌تر برای آزادی بیان در چارچوب قانون اساسی ایجاد کند، نادرست است(!)»[2]

۱. روزنامهٔ آریا: ۸ مهر ۷۷.

۲. روزنامهٔ صبح امروز: ۸ تیر ۷۸، ص ۳.

۳. نمایندگان مجلس

علاوه بر هیأت دولت و وزیر ارشاد وقت (مهاجرانی)، اکثر شخصیت‌های سیاسی ـ که برخی از آنان از نمایندگان مجلس بودند ـ در حالی که در مصاحبه‌ها و سخنان خود اصلاح قانون مطبوعات را سیاسی و برای تضعیف دولت آقای خاتمی معرفی می‌کردند، در ضرورت اصلاح قانون مطبوعات تردیدی نداشتند[1] و حتی معتقد بودند که کسی منکر ضعف‌ها و نواقص آن نیست![2]

۴. حقوقدانان

ضرورت اصلاح قانون مطبوعات به اندازه‌ای بود که حتی حقوقدانانی که مورد مصاحبه روزنامه‌های غوغاسالار قرار می‌گرفتند نیز، به انجام آن اذعان داشتند. البته در کنار این اعتراف، محکوم نمودن طراحان و سیاسی دانستن این اصلاحیه جای خود را داشت! سردبیر نشریهٔ «حقوق و اجتماع» در مصاحبه با روزنامهٔ «خرداد» می‌گوید:

> «این اصلاحیه یک اصلاحیه‌ای است که حکم درمانی برای دردهای برخی گروه‌های سیاسی را دارد، نه درمان برای دردهای مطبوعات. البته این موضع که قانون مطبوعات فعلی نارسا و محتاج به اصلاحات است، تردیدی وجود ندارد. چرا که مشکلاتی که امروز مطبوعات کشور با آن دست به گریبان هستند، به دلیل برخی ابهامات در قانون فعلی است که باید برطرف شود.»[3]

مروری بر اشکالات قانون سال ۶۴

وجود چنین اختلاف نظرهایی، حکایت از عدم شفافیت قانون و حاکمیت سلیقه‌های شخصی در مرحلهٔ اجرا داشت. امّا این نکته، تنها ارمغانِ اشکالات قانونی سال ۶۴ نبود، بلکه سوء استفاده‌های صورت گرفته و نفوذ دشمن با استفاده از سکوت

---

۱. روزنامهٔ رسالت: ۳۱ خرداد ۷۸، ص ۲، مجید انصاری.

۲. روزنامهٔ خرداد: ۲۷ خرداد ۷۸، ص ۳، محمد رضا خاتمی و روزنامهٔ ایران: ۱۲ تیر ۷۸، ص ۲، الیاس حضرتی و... .

۳. روزنامهٔ خرداد: ۳۰ خرداد ۷۸، ص ۴.

قانون برای پیشبرد مقاصد براندازانه، نکتهٔ مهم‌تری بود که مدتی بعد، با اعترافات عوامل آن در دادگاه بر همگان روشن شد.[۱]

متأسفانه در طول این مدت، دامنهٔ تخلفات مطبوعاتی از قبیل اهانت به اشخاص حقیقی و حقوقی، نهادهای دولتی و مسئولان آن، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، ترویج فساد و فحشاء رو به افزایش بود و حتی در مواردی به مقدسات اسلامی و مبانی شرعی نیز رسید که به گوشه‌ای از آن در دفتر اول این کتاب اشاره شد.

هرچند هیأت نظارت و وزارت ارشاد برای رفع این مشکل، به وظایف قانونی خود به خوبی عمل نکردند و نهایتاً دستگاه قضایی را با مطبوعات درگیر نمودند، امّا واقعیت آن بود که دست قوهٔ قضائیه نیز به دلیل مشکلات قانونی، در بسیاری از مواقع برای برخورد و حل مشکل، بسته بود. به همین دلیل، راه‌های سوء استفاده برخی مطبوعات از آزادی بیان و تعرض و اخلال در مبانی اسلامی، گسترش یافته بود.

همزمان با مطرح شدن بحث اصلاح قانون مطبوعات در مجلس، کارشناسان بسیاری ضمن تأکید بر لزوم آزادی مطبوعات و عدم ایجاد محدودیت برای آن، به نقد و بیان اشکالات این قانون پرداختند که از جملهٔ آنان می‌توان به بیانات و مقالات رئیس دادگستری استان تهران و قاضی شعبهٔ ۱۴۱۰ اشاره کرد[۲] که در ادامهٔ بحث به گوشه‌ای از این اشکالات و ابهامات اشاره می‌کنیم:

۱. ابهام در اختیارات هیأت نظارت[۳]

هیأت نظارت، یکی از نهادهای مهم مطرح شده در قانون مطبوعات است. لکن

---

۱. نگاه کنید به اعترافات مدیر مسئول روزنامهٔ عصر آزادگان در روزنامهٔ آفتاب یزد: ۳ آبان ۷۹، ص ۹؛ ابراهیم نبوی در رسالت: ۲۱ آبان ۷۹، ص ۱۴؛ محمد قوچانی در رسالت: ۱۸ آبان ۷۹، ص ۱۵؛ نیک آهنگ کوثر در آفتاب یزد: ۲۴ آذر ۷۹، ص ۹ و مسعود بهنود در کیهان: ۱۷ آذر ۷۹، ص ۱۴.

۲. روزنامهٔ کیهان: ۲۲ اردی‌بهشت ۷۸، ص ۱۴.

۳. موارد ذکر شده با استفاده از مقالهٔ روزنامهٔ کیهان: ۸ تیر ۷۸، ص ۱۴، به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین رازینی، رئیس دادگستری وقت استان تهران است.

اختیارات آن در این قانون، شفاف و روشن نمی‌باشد. این هیأت، چند سال قبل برخی از نشریات ـ از جمله روزنامهٔ «جهان اسلام» ـ را تعطیل کرد که این اقدام، همان زمان مورد انتقاد قرار گرفت و سؤالاتی را در مورد قانونی بودن اختیار هیأت نظارت، در مورد تعطیل یا توقیف نشریه در پی داشت؛ تا این‌که در دولت آقای خاتمی، اقدام قبلی هیأت نظارت باطل اعلام و روزنامهٔ مذکور مجدداً منتشر شد. البته هیأت نظارت مدتی بعد، مجدداً اقدام به تعطیلی یا لغو امتیاز برخی دیگر از نشریات نمود و تا قبل از اصلاح قانون مطبوعات نیز نظر واحدی در مورد این‌که آیا هیأت نظارت حق لغو امتیاز و تعطیل نشریه را دارد یا خیر، وجود نداشت.

۲ . ابهام در اختیارات هیأت منصفه

هرچند در برخی از مواد قانون مطبوعات، در مورد وظیفه و اختیار هیأت منصفه و قاضی محکمه مواردی ذکر شده است، لکن در دورهٔ جدید هیأت منصفه، همواره بین برخی از اعضای آن و قضات دادگاه ـ در مورد میزان دخالت آنان در حکم ـ اختلاف نظر بوده است و همان‌گونه که به طور وسیع در مطبوعات منعکس شده است،[1] این امر منجر به خودداری برخی از اعضای هیأت منصفه از شرکت در جلسات شد که حکم دادگاه مبنی بر برکناری آنان از عضویت در هیأت را به دنبال داشت.

۳ . ابهام در ضمانت اجرایی حضور هیأت منصفه

طبق قانون مطبوعات، هیأت منصفه موظف به شرکت در جلسات دادگاه است و اگر بدون عذر موجه در دو جلسه شرکت نکند، به حکم دادگاه رسیدگی کننده، از عضویت بر کنار می‌شود. این قانون برای اولین بار، اوایل سال ۱۳۷۸، در مورد ۵ نفر از اعضای هیأت منصفه اجرا شد، لکن اقدام دادگاه از سوی همان اعضا و نیز برخی از مسئولان وزارت ارشاد، شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت.

---

۱ . نگاه کنید به روزنامه‌های صبح و عصر در اواخر خرداد و ابتدای تیر ۱۳۷۸.

۴ . ابهام در ضمانت اجرایی انتخاب هیأت منصفه

به دنبال برکناری برخی از اعضای هیأت منصفه با حکم دادگاه، تعداد اعضا تقلیل یافت و از آن تاریخ تا مدت‌ها، علی‌رغم تراکم پرونده‌های مطبوعاتی در دادگاه، محاکمات مطبوعاتی تعطیل شد. علت عمدهٔ این امر، شفاف نبودن قانون و عدم پیش‌بینی انتخابات میان دوره‌ای در صورت فوت یا استعفا یا برکناری اعضای هیأت منصفه بود. ضمناً در دورهٔ جاری، وزیر ارشاد وقت ـ مهاجرانی ـ به دلیل آن‌که در آغاز کار دولت جدید بوده است، انتخابات هیأت منصفه را با چند ماه تأخیر انجام داد. حال اگر وزیری به جای چهار ماه تأخیر، به مدت یک سال یا بیش‌تر، از دعوت اعضا و انتخاب هیأت منصفه خودداری کند، در قانون مطبوعات برای برخورد با آن، ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است!

۵ . ابهام در تشکیلات هیأت منصفه

طبق قانون، هر دو سال یک بار، در اول هر ماه توسط مراجع ذی صلاح، ۱۴ نفر برای هیأت منصفه انتخاب می‌شدند که هفت نفر آن عضو اصلی و ۷ نفر دیگر عضو علی البدل می‌باشند. قانون صراحت دارد که دادگاه همهٔ این ۱۴ نفر را به محکمه دعوت می‌کند و جلسه با حضور ۷ نفر از آنان رسمیت می‌یابد و در صورت عدم حضور آنان، بدون عذر موجه، توسط همان دادگاه قابل برخورد بوده و حتی دادگاه می‌تواند به محرومیت آنان از عضویت در هیأت منصفه حکم کند.

در عین حال، مشخص نیست که آیا تمام حاضرین حق رأی دارند یا فقط ۷ نفر از آنان؟ بر فرض دوم، اگر مثلاً ۴ نفر از اعضای اصلی و شش نفر از اعضای علی البدل در محکمه حاضر شده باشند، از میان شش نفر علی البدل، کدام یک حق رأی دارند و گزینش سه نفر تکمیلی بر اساس چه معیاری خواهد بود. این مسأله از ابتدای تشکیل دورهٔ اخیر هیأت منصفه مورد بحث بوده که به نتیجهٔ روشنی نیز نرسیده است. پس از این بلا تکلیفی، رئیس دادگاه موضوع را از ادارهٔ حقوقی دادگستری استعلام کرد که ادارهٔ

حقوقی دادگستری، بر حق رأی داشتن فقط ۷ نفر حکم داد. ولی برخی اعضای هیأت منصفه به این مسأله اعتراض کردند و اقدام دادگاه در مورد اجرای نظریهٔ ادارهٔ حقوقی، موجب بروز مخالفت برخی از اعضا گردید. این نکته یکی از دلائل آنان برای عدم شرکت در جلسات دادگاه و در نتیجه، محکوم شدن بر محرومیت و تعطیلی محاکم مطبوعاتی بود.

۶. ابهام در صلاحیت دادگاه‌های محلی

قانونگزار، انتخاب هیأت منصفه در تهران و مراکز استان‌ها را پیش‌بینی کرده است، در صورتی که بر طبق قوانین دیگر، دادگاه صالح برای رسیدگی به هر جرم، دادگاه محل وقوع آن جرم است. حال اگر از مطبوعاتی که در شهرهای غیر مرکز استان منتشر می‌شوند، شکایت شود، برای محاکمهٔ آن مشکل ایجاد خواهد شد. زیرا رسیدگی در مرکز استان، مغایر با صلاحیت محلی و رسیدگی در شهر محل وقوع جرم، به دلیل نبود هیأت منصفه، غیر ممکن است!

۷. ابهام در صلاحیت ذاتی دادگاه

مطابق قانون، رسیدگی به کلیهٔ جرائم مطبوعاتی، باید در محاکم دادگستری و با حضور هیأت منصفه انجام گیرد. از طرفی محاکم دادگستری به محاکم عمومی و انقلاب تقسیم شده است که هر یک در مورد برخی از جرائم صلاحیت دارد. از جمله، رسیدگی به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در صلاحیت محاکم دادگاه انقلاب می‌باشد.

حال اگر فردی از طریق نشریهٔ خود مبادرت به ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کند، مرجع رسیدگی به کیفیت رسیدگی چگونه است؟ در این زمینه سه نظر وجود دارد:

الف ـ برخی از قضات و حقوقدانان معتقدند: جرائم علیه امنیت که در صلاحیت

دادگاه انقلاب می‌باشد، جرم مطبوعاتی محسوب نمی‌شوند. بنا بر این اگر یک نشریه مطالب خلاف امنیت منتشر نمود، موضوع در محاکم انقلاب، بدون حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.

ب ـ برخی دیگر از قضات و حقوقدانان می‌گویند: کلیهٔ جرائمی که از طریق مطبوعات صورت می‌گیرد ـ حتی اگر اقدام علیه امنیت باشد ـ باید در محاکم عمومی و با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود.

ج ـ اکثر قضات و حقوقدانان معتقدند: جرائم مزبور، به دلیل ضد امنیتی بودن، در صلاحیت دادگاه انقلاب است؛ ولی دادگاه انقلاب که بخشی از محاکم دادگستری است، موظف است با حضور هیأت منصفه، به موضوع رسیدگی کند.

هیچ کدام از سه نظر فوق، مورد تصریح قانون نیست و در طول چند موردی که تاکنون اتفاق افتاده، معمولاً موضوع از طریق دادگاه انقلاب مورد رسیدگی واقع شده است که این رسیدگی، اعتراض شدید برخی از مطبوعات و نویسندگان را به دنبال داشته. بنا بر این، عدم شفافیت و ابهام قانون در این مورد، کاملاً روشن و واضح است.

ضمناً همین بحث در مورد دادگاه نظامی و دادگاه ویژه روحانیت نیز مطرح بود. یعنی در مواردی که جرم ارتکابی توسط نشریه، از جرائم نظامی بوده یا مدیر مسئول آن روحانی باشد. این موارد به دلیل ابهامات قانونی، بحث‌های جنجالی زیادی را در مطبوعات به همراه داشت.

۸. ابهام در مجازات‌ها

در ماده ۷ و ماده ۲۳ تا ۳۳ قانون مطبوعات و تبصره‌های آن، در موارد متعددی، برخی اقدامات مطبوعاتی جرم تلقی شده؛ امّا قانونگزار میزان مجازات را مشخص نکرده که این موضوع موجب برخورد سلیقه‌ای توسط قضات مختلف و تعیین مجازات‌های ناهماهنگ می‌شد. بنا بر این لازم بود در تمام این موارد بازنگری به عمل آید و میزان مجازات مشخص گردد.

همچنین برخی جرائم مطبوعاتی، طبق قانون مجازات اسلامی، جرم محسوب می‌شوند که در قانون مزبور، برای مرتکب آن مجازات شلاق تعیین شده است؛ در حالی که چنین مجازاتی متناسب با جرائم مطبوعاتی نیست و لازم بود موضوع به نحوی دیگر در قانون مطبوعات تکمیل و اصلاح شود.

۹. ابهام در مسئولیت کیفری نویسندگان

به موجب تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۹ قانون مطبوعات، مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه، به عهدهٔ مدیر مسئول خواهد بود. بر طبق این متن، مدیر مسئول در مقابل تخلفاتی که از طریق نشریه صورت می‌گیرد، مسئول است. ولی آیا سایر افراد دیگرِ درگیر با جرم، از جملهٔ نویسندهٔ متن حاوی مطالب خلاف نیز، مسئولیت دارد یا خیر؟ اهمیت این سؤال در مواردی افزایش می‌یابد که فردی با علم و به عمد، مطلب خلافی را تهیه و در اختیار نشریه بگذارد و موضوع بدون اطلاع و رضایت مدیر مسئول در نشریه چاپ شود. آیا باز هم باید مدیر مسئول را تحت تعقیب قرار داده و نویسنده را مبرا دانست؟

حقوقدانان در این مورد نظرات مختلفی داده‌اند. برخی اعلام مسئولیت مدیر مسئول را مساوی با عدم مسئولیت سایرین، از جمله نویسنده می‌دانند. برخی دیگر معتقدند هم مدیر مسئول و هم نویسنده مسئولیت داشته و قابل تعقیب می‌باشند. از طرفی در حالی در تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۹ مدیر مسئول نسبت به کلیهٔ مطالب چاپ شده پاسخگو است که در بسیاری از موارد، مثل افشای اسرار نظام، توهین به رهبری و چند مورد دیگر، قانونگزار، با قید لفظ «هر کس» تمامی شرکا و معاونین را مسئول دانسته است. در این خصوص ادارهٔ حقوقی دادگستری نیز همین نظر را اعلام نموده است. ولی هیچ کدام از این دو نظر، مورد تصریح قانون نیست؛ در حالی که مسأله کاملاً مبتلا به می‌باشد. لذا ضرورت داشت قانون در این مورد اصلاح و به یکی از دو نظر فوق، تصریح می‌شد تا تکلیف متهمان و دستگاه قضایی روشن می‌شد.

۱۰ . ابهام در نحوهٔ رسیدگی به اعتراض محکومین پرونده‌های مطبوعاتی

رویهٔ عملی محاکم مطبوعاتی، بر این بوده است که جرم مطبوعاتی در دادگاه‌های کیفری و اخیراً در محاکم عمومی با حضور هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گرفت و در صورت محکومیت متهم و اعتراض وی، پرونده در مرجع بالاتر (دادگاه تجدید نظر یا دیوان عالی کشور) بدون حضور هیأت منصفه، رسیدگی می‌شد.

لکن از حدود یک سال پیش، متعاقب محکومیت یکی از روزنامه‌ها به لغو پروانه و اعتراض محکوم علیه و طرح مسأله در دادگاه تجدید نظر، این نظر به نحو گسترده در مطبوعات مطرح شد که رسیدگی مرحلهٔ تجدید نظر نیز بایستی با حضور هیأت منصفه صورت گیرد.

البته شعب تجدید نظر دیوان عالی کشور، هیچ کدام این نظر را نپذیرفتند. لکن بر فرض پذیرش این نظر، سؤال دیگری مطرح می‌شد که آیا با توجه به این‌که طبق قواعد دادرسی، کسانی که در یک مرحله از رسیدگی شرکت نمایند، حق شرکت در مرحلهٔ بعدی را ندارند، آیا در رسیدگی مرحلهٔ بعد، هیأت منصفه دیگری شرکت می‌کند؟ اگر چنین باشد، قانون در مورد ترکیب این هیأت و نحوهٔ انتخاب آن نیز ساکت است.

به هر حال لازم بود در متن قانون، بر ضرورت و یا عدم ضرورت حضور هیأت منصفه در مراحل بعدی رسیدگی، تصریح شود و در هر صورت تشکیلات هیأت منصفه متناسب با گزینهٔ مورد نظر تنظیم گردد.

اصلاح قانون، ضرورتی انکار ناپذیر

یکی از ضرورت‌های کشورهایی که پس از تغییر و تحول فرهنگی و بنیادی، نظام سیاسی جدیدی را بنا می‌کنند، تهیهٔ قوانین متناسب با نیازها و فضای جدید آن کشور است. بدیهی است که یکی از معضلات این کشورها نیز ضعف، ناکارآیی و ابهام در قوانین است که می‌تواند مشکلات متعددی را برای آن به ارمغان آورد. تغییر و تحول

مطلوب و متناسب با شرایط جدید و نیازمندی‌های هر دوره، امری است عقلی و منطقی که هر قانونگزاری را به سوی تحول و پویایی می‌کشاند. کشور ما نیز پس از انقلاب اسلامی از این موضوع ـ به خصوص در بخش مطبوعات ـ مستثنی نبود.

قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، هرچند نسبت به قانون مطبوعات شورای انقلاب در سال ۵۸ از ویژگی‌ها و امتیازاتی برخوردار بود، امّا با توجه به شرایط به وجود آمده در سال‌های دههٔ هفتاد، به خصوص با پایان جنگ تحمیلی و تغییر تاکتیک دشمن از جنگ نظامی به جنگ فرهنگی، نکته‌ای بود که متولیان قوهٔ مجریه و مقننه را به صف آرایی متناسب با فضای جدید طلبید.

این قانون در واقع با چهار ارگان در ارتباط بود: وزارت ارشاد، قوهٔ قضائیه، هیأت نظارت و هیأت منصفه. وجود این جایگاه‌های مختلف و عدم تبیین دقیق شرح وظایف و اختیارات هر کدام در قانون مطبوعات و همچنین سکوت و ابهام در برخی از موادهای اجرایی آن، باعث شده بود تا در موارد بسیاری میان ارگان‌های مجری قانون، تخاصم و تزاحم به وجود آید. مجموعهٔ این شرایط بود که نمایندگان مجلس را یک بار در سال ۷۴ و بار دوم در سال ۷۸، به سمت اصلاح آن سوق داد.

پس از تحولات سیاسی در دوّم خرداد ۷۶ و به دنبال آن اعطای مجوزهای پی در پی و رشد کمی مطبوعات، بدون تناسب با رشد کیفی و همچنین کوتاهی مسئولان نظارتی و پایه‌ریزی سیاست‌های فرهنگی بر تساهل و تسامح و ... باعث شد تا ابهامات این قانون، نمود بیش‌تری پیدا کند و ضعف‌های آن نمایان‌تر شود. عدم شفافیت قانون در سال‌های ۷۷ تا ۷۹ و همچنین حاکمیت سیاست‌های باز فرهنگی که همواره با یک خوش باوری از درون نسبت به دشمن همراه بود، زمینه‌های سوءاستفاده دشمن را نیز فراهم آورد؛ به طوری که رسانهٔ مکتوب کشور به پایگاهی برای دشمنان قسم خوردهٔ نظام، تبدیل شد.

متأسفانه در کنار تمامی عوامل ذکر شده، سیاست زدگی مسئولان فرهنگی دولت و عدم اعتقاد به لزوم صف‌آرایی نیروهای خودی در برابر جبههٔ غیرخودی و خائنین به

آرمان‌های انقلاب، باعث کوتاهی آنان در بُعد نظارت شد و عملاً قوهٔ قضائیه را با مطبوعات و افکار عمومی درگیر کرد و این همه در حالی بود که وزیر ارشاد وقت، تمام ضعف‌های اجرایی را به ابهامات قانون مطبوعات ارجاع می‌داد!

مجموعهٔ این شرایط، مجلس پنجم را به سوی اصلاح قانون مطبوعات سوق داد، به طوری که در نهم خرداد سال ۷۸، طرح اصلاح این قانون با امضای ۲۱ نماینده[۱]، در دستور کار کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت و به مجلس تقدیم شد. با جدی شدن این بحث در مجلس، کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی و کمیسیون قضایی مجلس، کار کارشناسی طرح را دنبال کردند و پس از جلسات متعدد ـ که در برخی از آن جلسات وزیر ارشاد، رئیس دادگستری، اساتید دانشگاه و دست‌اندرکاران نشریات و دادگاه مطبوعات حضور داشتند[۲] ـ در تاریخ اول تیر ماه با یازده رأی موافق و چهار رأی مخالف، کلیات طرح را در کمیسیون مشترک به تصویب رساندند.[۳]

در تاریخ ۱۵ تیر ۷۸ کلیات این طرح پس از بحث و بررسی موافقان و مخالفان به تصویب نمایندگان رسید و نهایتاً در تاریخ ۳۰ فروردین ۷۹ در شور دوم، پس از چند جلسه مشورت، مواد اصلاحی آن به تصویب مجلس رسید و یک هفته بعد با تأیید نهایی شورای نگهبان، توسط رئیس جمهور برای اجرا به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ شد.

از زمان تصویب کلیات طرح اصلاحیه تا تأیید نهایی و ابلاغ آن، در حدود ۱۰ ماه زمان صرف شد. در طول این مدت نیز، یک بار به دلیل فشارهای سیاسی مخالفان، رسیدگی به مفاد آن به مدت سه ماه به تعویق افتاد و البته این تأخیر باعث شد تا کار کارشناسی بیش‌تری دربارهٔ آن انجام شود.

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز در اولین قدم، دو روز قبل از طرح اصلاحیه در مجلس ـ ۷ تیر ۷۸ ـ با درج اسامی بیست و یک نمایندهٔ مجلس، پروژهٔ «فشار سیاسی بر نمایندگان» را آغاز کرد.

۲. روزنامهٔ رسالت: ۲ تیر ۷۸، ص ۲ و ۱۲ تیر ۷۸، ص ۱۲.

۳. روزنامهٔ صبح امروز: ۲ تیر ۷۸، ص ۲.

آغاز یک جنجال!

اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، در شفاف سازی حقوق و حدود مطبوعات و رفع ابهامات و نواقص آن و نهایتاً جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی از خلأهای موجود، به قدری دقیق و مهم بود که مورد خشم شدید رادیوها و رسانه‌های بیگانه و نفوذی‌های آنان در پایگاه‌های مطبوعاتی داخل قرار گرفت؛ تا آن‌جا که حاضر شدند آشوبی گسترده را تدارک ببینند. این حوادث اگر چه وقایع تلخی را موجب شد، امّا یک بار دیگر اهمیت حاکمیت قانون در حوزهٔ مطبوعات و میل مفرط دشمنان به بی‌سامانی، خودمختاری و مصونیت در این حوزه را آشکار ساخت.

شاید این اولین باری بود که رد پای غریبه‌ها و دشمنان نظام اسلامی به طور برجسته‌ای در حاشیه و اطراف یک تصمیم داخلی دیده می‌شد! اگر چه پیش از این نیز در مواردی، دشمنان نظام اسلامی از برخی تصمیمات یک حزب و جناح کشور حمایت کرده بودند، امّا در جریان مخالفت با اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، حضور پررنگ‌تری پیدا کردند.

علت این امر نیز معلوم و آشکار بود. اصلاحاتی که در قانون مطبوعات به عمل می‌آمد، فی‌الواقع پایان بخشیدن به حضور دزدانهٔ این جریان در پایگاه‌های مؤثر فرهنگی بود. در طول هفته‌هایی که این اصلاحیه در مجلس شورای اسلامی مطرح بود، حجم انبوه تبلیغات رسانه‌های بیگانه، چون رادیو آزادی (وابسته به سازمان سیا)، رادیو انگلیسی بی.بی.سی و رادیو اسرائیل به همراه محافل ضد انقلاب و منافقین مشغول به کار بود و متأسفانه برخی از روزنامه‌ها و قلم بدستان مزدور نیز در روزنامه‌های داخلی به تکثیر همان سخنان می‌پرداختند.[1]

---

۱ . در خرداد ماه سال ۷۸، وقتی بحث تصویب کلیات اصلاحیهٔ مجلس پنجم مطرح بود، رادیو بی.بی.سی در برنامهٔ هر شب خود، به تصویب این اصلاحیه اعتراض می‌کرد و آن را طرحی که اختیارات بیش‌تری بـه محافظه کاران می‌دهد! معرفی می‌کرد. به عنوان نمونه در برنامهٔ ۲۵ خرداد ۷۸، گزارشگر این رادیو، صادق صبا می‌گوید:

مخالفت‌ها و جنجال‌های صورت گرفته علیه قانون مطبوعات در دو مرحله انجام گرفت. مرحلهٔ اول در تیر ماه سال ۷۸ بود که کلیات آن در مجلس مطرح شده بود و دومین بار، در فروردین ماه سال ۷۹ بود که در شور دوم نسبت به مواد آن رأی‌گیری شد. اکثر تهاجماتی که نسبت به خانهٔ ملت صورت گرفت، مربوط به مرحلهٔ اول جنجال آفرینی بود و امّا در مرحلهٔ دوم، از آن‌جا که اصلاح‌طلبان تصور می‌کردند اکثریت مجلس ششم را به دست آورده‌اند، دیگر دغدغه‌ای نسبت به مجلس و تصویب قوانین آن نداشتند و همهٔ امید خود را به مجلس ششم بسته بودند.

از آنجایی که این حملات و فشارهای تبلیغاتی و سیاسی، حوادث ناگواری را در سطح جامعه در آن دوران رقم زد، جا دارد برای ثبت در تاریخ مورد بررسی قرار گیرند.

☞

«از هنگام روی کارآمدن آقای خاتمی در دو سال قبل، مطبوعات ایران از آزادی بیش‌تری برخوردار شده‌اند، ولی جناح محافظه کار در رهبری ایران، روزنامه‌های آزادی خواه را متهم به بی‌اهمیت جلوه دادن ارزش‌های اسلامی کرده است.

هدف از ارائه طرح جدید این است که در قانون فعلی مطبوعات، چند تغییر عمده صورت گیرد. در حال حاضر به همهٔ تخلفات مطبوعاتی در دادگاه معمولی و با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.

در طرح جدید چگونگی تعیین اعضای هیأت منصفه تغییر فاحش خواهد کرد. در حال حاضر، هیأت منصفه از سوی هیأتی مرکب از شهردار هر شهر، رئیس دادگستری و نمایندهٔ وزارت ارشاد تعیین می‌شود. روزنامه‌نگاران معتقدند که هدف جناح محافظه کار، این است که بدین ترتیب هیأت منصفه‌ای انتخاب شود که بیش‌تر گرایش به آن جناح داشته باشد!

در طرح جدید، همچنین پیش‌بینی شده که در مواردی، خلاف‌های مطبوعاتی از دست دادگاه مطبوعات خارج و در دادگاه‌های دیگری چون دادگاه انقلاب بررسی شود. یعنی کاری که در ماه‌های اخیر در مورد روزنامهٔ توس و روزنامهٔ زن صورت گرفته است و حال شکل قانونی به خود خواهد گرفت.»

نکتهٔ جالب توجه این است که روزنامهٔ آریا ـ مروّج افکار ملی گرایان ـ تحلیل‌های این رادیو را بدون هیچ توضیح و نقدی، در تاریخ ۲۶ خرداد به چاپ رسانده است!

پس از تصویب کلیات طرح، رادیو آمریکا نیز به دفاع از آزادی خواهان در داخل کشور روی آورده بود! این رادیو ضمن اعتراض به محدودیت‌های ایجاد شده که آن را از طرف محافظه کاران معرفی می‌کرد، با تجلیل از برنامه‌های مجلس ششم در خصوص اصلاحیهٔ مجلس پنجم گفت: «این نخستین بار است که مجلس شورای اسلامی ایران، در اختیار آزادیخواهان و اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرد.» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۳۱ فروردین ۷۹)

ایران
۷۸/۴/۱۳

و نقش‌های تازه کرمانیان، دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران، شخصیت‌ها و مردم

طرح اصلاح قانون مطبوعات پذیرفتنی نیست

آریا

طرح اصلاح، سایه استبداد را بر فضای مطبوعات می‌گستراند

۷۸/۴/۱۲

آریا
۷۸/۴/۱۳

محدودیت یا آزادی مطبوعات؛ مجلس تصمیم می‌گیرد

سلام
۷۸/۴/۱۲

هشدار مجمع روحانیون مبارز نسبت به مسائل جاری کشور

سلب آزادی از مطبوعات و حق انتخاب از مردم ضربه به نظام اسلامی است

ایران
۷۸/۴/۱۴

نظر شورای شهر تهران و ادامه حمایتهای مردمی از آزادی مطبوعات

طرح جدید قانون مطبوعات معیار شناسایی مخالفان اصلاحات خاتمی

- سعید حجاریان: یک جناح درصدد است، ابزار سیاسی جناح رقیب خود را در آستانه انتخابات مجلس ششم از دستش خارج سازد و او را خلع سلاح کند
- ابراهیم اصغرزاده: عملکرد چند نماینده نباید باعث شود که مجلس حرف و پیام مردم را نشنیده بگیرد
- رحمت‌الله خسروی: نمایندگان باید مصالح عموم مردم، کشور و ...

- عباس دوزدوزانی: این طرح در واقع ... اطلاعات مردم است که ... جامعه ...
- سید محمد غرضی: جناح راست هم می‌خواهد از ... استفاده کرده و با این طرح ... کار خود را بالا ببرد
- بیانیه انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی: محدود کردن مطبوعات، نامحرم پنداشتن مردم است

ایران
۷۸/۴/۱۲

تازه‌ترین دیدگاهها و ... درباره طرح اصلاح ... مطبوعات

طرح مطبوعات، یعنی سایه استبداد بر فضای نشریات

ایران
۷۸/۴/۲۳

مطابق تبصره ۱ ماده ۵، هر مقامی که در صدد فشار بر مطبوعات برآید، به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار، به انفصال دائم محکوم می شود.
آیا تصویب چنین قانونی سایه استبداد است؟

نمونه ای از احترام به خانهٔ ملت
و تصمیمات نمایندگان مردم
در مطبوعات مدعی قانونگرایی؟!

نشاط

۷۸/۳/۱۲

طرح اصلاح قانون مطبوعات نقطه سیاهی در مجلس پنجم است

گروه داخلی - نماینده یاسوج گفت: «نگرش حاکم بر طرح اصلاح قانون مطبوعات برخاسته از دیدگاهی است که از آغاز شکل گیری جمهوری اسلامی با دیدگاه‌ها و تفکرات امام خمینی اختلاف داشت».

به گزارش خبرنگار ما سیدباقر موسوی جهان آباد دیدگاه های طیف یاد شده را نسبت به مفاهیم اساسی مانند آزادی، جایگاه مردم، منافع و امنیت ملی، سطحی و تنگ نظرانه خواند و افزود: «جناحی که چنین نگرش بسته ای نسبت به مسائل جامعه دارد درصدد تعطیلی مطبوعات است و طرح اخیر هم نقطه سیاهی در عمر چهارساله مجلس پنجم است».

حیات نو

۷۹/۱۲/۱

اعتراض نمایندگان مجلس:

یادداشت کیهان حرف یک جریان افراطی علیه اصلاحات است

پس از تصویب طرح " ممنوعیت ورود نیروهای انتظامی به داخل دانشگاه ها برای دستگیری مجرمان " توسط مجلس ششم ، روزنامه کیهان در سر مقاله خود ، به نقد این طرح و آثار زیانبار آن پرداخت وآن را نقطه سیاهی در کارنامه مجلس دانست. دو روز پس از این مقاله ، به جای پاسخ دادن به اشکالات اساسی مطرح شده ، موجی از غوغا سالاری ها به راه افتاد! و این در حالی بود که اصلاح طلبان پیش از این ، همان تعبیر را در بزرگ ترین تیتر نسبت به مجلس پنجم در روزنامه های خود به کار برده بودند!

ایران

۷۸/۳/۱۶

طرح مطبوعات؛ اوج مخالفت ها!

طرح اصلاح قانون مطبوعات با روح قانون اساسی همخوانی ندارد

بیان

۷۸/۱۰/۱۵

به کوشش نمایندگان جناح دوم خرداد

طرح اصلاح قانون مطبوعات سه ماه مسکوت ماند

حسینی نماینده جناح راست: مسکوت گذاشتن طرح اصلاح قانون مطبوعات خیانت به ملت است

اصلاح طلب اهل تهمت زدن ، تهدید و ارعاب نیست انگشت اتهام را به سوی هیچ فرد، گروه، سازمان یا مجموعه ای نمی گیرد. (فتح : ۷۹/۱/۷)

نشاط

۷۸/۴/۱۶

سید حسین مرعشی نماینده مردم کرمان در مجلس:

طرح اصلاح قانون مطبوعات بزرگترین ظلم بر فرهنگ و سیاست‌های نظام است

ایران

۷۹/۵/۲۳

عبایی خراسانی (عضو فراکسیون جبهه دوم خرداد)

مجلس در کنار قوای مجریه و قضائیه ، یکی از قوای سه‌گانه برای اداره مملکت است و از آنجا که در مجلس نمایندگان مردم اجتماع می‌کنند، می توانیم این قوه را از نظر اهمیت از مهم ترین قوای سه‌گانه به حساب آوریم.

بیان
۷۹/۱/۱۸

پس از مدتی مسعود بهنود روزنامه نگار دوره طاغوت و نویسنده مطبوعات زنجیره‌ای درسال‌های اخیر به نفوذ برخی از معاندان در مطبوعات و اجرای عملیات براندازی خاموش اعتراف کرد.

با تجدید «پروژه محرم» صورت می گیرد

تهاجم گسترده جدید علیه جبهه دوم خرداد

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: برخی از مطبوعات به عنوان ابزار این توطئه براندازی خواسته یا ناخواسته عمل می‌نمایند

حمله شدید دبیر کل جمعیت موتلفه به روزنامه‌نگاران و وزارت ارشاد

انتقاد روزنامه‌نگاران از ایجاد فضای تهدیدآمیز علیه مطبوعات

نکات مثبت سخنان آلبرایت با برخی

نمایندهٔ مجلس:

دخیل کردن بیش از حد روحانیت در قانون مطبوعات نزول شأن روحانیت است

آریا ۷۸/۴/۹

با اضافه شدن یکی از اساتید حوزه علمیه در هیات نظارت و نماینده شورای سیاست گزاری ائمه جمعه و سازمان تبلیغات در هیات منصفه راههای نفوذ دین ستیزان بسته شد، اما فریاد برخی بلند شد!

درخواست صاحبنظران مطبوعاتی:

قوه قضاییه آزادی مطبوعات را تضمین کند

آریا
۷۹/۱/۲۹

در شرایطی که با انتخابات بیست و نهم بهمن، مجلس نیز با پروژه اصلاحات ملی و دولت همراه شد، به همین میزان انتظارات از قوه قضاییه برای همگامی با اصلاحات در کشور افزایش یافته است اما در این میان برخی برخوردها به ویژه نحوه رفتار با مطبوعات، همچنان نگرانی‌های اصلاح‌طلبان را زنده نگه داشته است. بازداشت ... شمس‌الواعظین به عنوان سردبیری که برای سومین بار به زندان می‌رود و نیز موج جدید برخوردها با روزنامه‌نگاران از سوی این قوه مواردی هستند که بیش از پیش بر لزوم اصلاحات بنیادین در این قوه که بیش از هفت ماه است شعار آن داده می‌شود تاکید دارند.

صاحبنظران مطبوعاتی در گفت وگو با «آریا» با تاکید بر انجام اصلاحات در قوه قضاییه به نقش این قوه در تثبیت آزادیها در کشور پرداختند.

مسعود بهنود:

برای اعمال فشار بر مطبوعات محافظه کاران افرادی را در بدنهٔ قوهٔ قضاییه گماشته‌اند

مسعود بهنود، روزنامه‌نگار گفت: قوه قضاییه به ریاست آقای شاهرودی همان قوه قضاییه به ریاست «یزدی» نیست. این قوه قضاییه دیگری است، با متانت بیشتری عمل می‌کند ...

روند اصلاحات قوه قضاییه را - که پیشتر وعده داده بود - شتاب بیشتری ببخشد. چون اصولاً یکی از مصادیق عمده ویرانه‌ای که ایشان قبلاً از آن در مورد دستگاه قضایی یاد می‌کردند همین مسئله برخوردهای قضایی است.

وی افزود: اکنون ما مشاهده می‌کنیم که سردبیر یک نشریه را ...

آفتاب امروز
۷۹/۱/۲۴

۷۹/۱/۳۰

با تصویب مواد محدود کننده‌ای در طرح اصلاح قانون مطبوعات

مجلس پنجم آزادی مطبوعات را سلب کرد

۸۰/۵/۲۹

روزنامه نوروز:

رئیس جمهور خطاب به مجلس ششم:

اگر مجلسی نقاد و صاحب نظر که با آزادی بحث کند و با آزادی تصمیم بگیرد داشته باشیم، می توانیم به آینده بیش از پیش امید داشته باشیم.

آیا مجلس پنجم به هنگام چاپ این تصاویر در نشریات مدعی طرفداری از رئیس جمهور، شایسته دفاع نبود؟!

الف ـ تیترها و تصاویر اهانت‌آمیز

یکی از روش‌های بکار گرفته شده در این تهاجم توسط روزنامه‌های زنجیره‌ای، استفاده از تیترهای اهانت‌آمیز، چاپ مقالات و مصاحبه‌های مختلف بود که متأسفانه به دور از روش‌های نقد منصفانه و همراه با اغراض سیاسی در این نشریات درج می‌گردید. این نوع اطلاع‌رسانی که با حمایت بنگاه‌های خبری بیگانه، جبهه‌ای تازه را در برابر مرکز قانونگزاری کشور گشوده بود، با الگوبرداری از روش‌های ژورنالیستی غربی و در پرتو انحصارطلبی مطبوعاتی، تمام تلاش خود را برای به دست گرفتن افکار عمومی و جهت‌دهی آن به سویی که مطابق منافع‌اش بود، معطوف کرد. برای نمونه به تیترهای صفحه بعد که از روزنامه‌های مختلف جنجال آفرین، در برابر اقدام قانونی مجلس جمع آوری شده است، دقت کنید:[1]

---

۱ . جالب است بدانید، که پیش از این در سال ۱۳۵۸، وقتی شورای انقلاب با تصویب اولین قانون مطبوعات کشور، در صدد مسدود کردن راه‌های نفوذ دشمن در مطبوعات برآمد، تیترهای مشابهی در روزنامه‌های مدعی آزادی‌خواهی آن ایام، به چاپ رسید. مرور این تیترها و سخنان ـ که فقط از یک نشریه جمع آوری شده ـ در تطبیق فضای سیاسی امروز با سال ۵۸ بسیار مفید و مؤثر است:

«مسعود بهنود: کسی نیست که هنگام تهدید آزادی مطبوعات، جز تأیید اعلامیهٔ دفتر امام، کار دیگری کند. شیخ عزالدین حسینی: تعطیل روزنامه، نه. محمود دولت‌آبادی: بگذار بکنند ... . دکتر شایگان: سکوت خیانت است. اعلامیهٔ انجمن دفاع از آزادی مطبوعات: ما را به کجا می‌کشانید؟» (تهران مصور: ۲۸ اردی‌بهشت ۵۸)

«این لایحهٔ مطبوعات نیست، خیانت به آزادی است.» (تهران مصور: ۲ خرداد ۵۸)

«پاسخ آیت‌الله شریعتمداری به تلگرام مدیر تهران مصور: آزادی مطبوعات باید محفوظ باشد.» (تهران مصور: ۲۵ خرداد ۵۸)

نظر خواهی از شاعران و نویسندگان دربارهٔ لایحه مطبوعات:

«محمود دولت‌آبادی: نیازی نیست. منوچهر هزارخانی: بی‌فایده و زاید. فریدون فریاد: خلاف منافع روزنامه‌نگاران. باقر مؤمنی: کار غلط. رضا براهنی: خیانت به آزادی. مصطفی شریعت: احتیاج به قانون ندارد. ناصر ایرانی: محدود کننده. بزرگ پورجعفر: مانند زمان طاغوت. مصطفی رحیمی: غیر دموکراتیک. حسین رهرو: چه کسانی بهتر از اینها ریشهٔ آزادی را می‌خشکانند.» (تهران مصور: ۲۵ خرداد ۵۸)

«مسعود بهنود: پدر! جنگ در پیش است.» (تهران مصور: ۲۲ تیر ۵۸)

«کرامت پورسلطان: تا چندی دیگر، دو سه روزنامه خواهیم داشت.» (تهران مصور: ۱۹ مرداد ۵۸)

«ما آماده‌ایم جان بدهیم ـ گزارشی از اجتماع مطبوعاتی در سندیکا. عبدالله والا: این داوری دیوان بلخ است.

«تلاش جناح راست برای تغییر قانون مطبوعات»[۱]
«طرح تغییر قانون مطبوعات، وهن قانون اساسی است»[۲]
«اعتراض شدید انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به طرح اصلاح قانون مطبوعات»[۳]
«طرح اصلاح قانون مطبوعات، با قانون اساسی ضدیت جدی دارد»[۴]
«تجدید نظر در قانون مطبوعات، طرح انهدام مطبوعات غیر وابسته»[۵]
«اصلاح قانون یا به بن‌بست کشاندن نظام»[۶]
«طرح اصلاح، سایهٔ استبداد را بر فضای مطبوعات می‌گستراند»[۷]
«طرح اصلاح قانون مطبوعات نقطهٔ سیاهی در مجلس پنجم است»[۸]
«طرح اصلاح مطبوعات، یعنی سایهٔ استبداد بر فضای نشریات»[۹]
«تکریم یا تحریم آزادی، سرنوشت مطبوعات رقم می‌خورد»[۱۰]
«سعید اسلامی پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را داده بود»[۱۱]
«محدودیت مطبوعات خشم مردم را شعله ور خواهد کرد»[۱۲]
«وکیل ملت به استبداد رأی نمی‌دهد»[۱۳]

☞

بزرگ پورجعفر: دولت اگر به حقوق مردم پای بند است، گفتن و نوشتن اجازهٔ قبلی نمی‌خواهد.
هفته دفاع از آزادی مطبوعات. ذبح اسلامی قلم.» (تهران مصور: ۲۶ مرداد ۵۸)

۱. روزنامهٔ سلام: ۸ خرداد ۷۸.
۲. همان: ۳۰ و ۲۷ خرداد ۷۸.
۳. روزنامهٔ نشاط: ۱۸ خرداد ۷۸.
۴. روزنامهٔ آریا: ۲۰ خرداد ۷۸.
۵. روزنامهٔ خرداد: ۳۰ خرداد ۷۸.
۶. روزنامهٔ سلام: ۹ تیر ۷۸.
۷. روزنامهٔ آریا: ۱۲ تیر ۷۸.
۸. روزنامهٔ نشاط: ۱۲ تیر ۷۸.
۹. روزنامهٔ ایران: ۱۲ تیر ۷۸.
۱۰. روزنامهٔ خرداد: ۱۳ تیر ۷۸.
۱۱. روزنامهٔ سلام: ۱۵ تیر ۷۸.
۱۲. روزنامهٔ نشاط: ۱۶ تیر ۷۸.
۱۳. روزنامهٔ آزاد: ۲۶ فروردین ۷۹.

«چراغ مطبوعات را تا مجلس ششم خاموش می‌کنند»[۱]

«نظامی‌گری به پایان رسیده، دست نگه دارید، زمان گفت‌وگو است»[۲]

«مصوبات مجلس، سانسور رسمی بر مطبوعات»[۳]

«مجلس پنجم آزادی مطبوعات را سلب کرد»[۴]

پس از تصویب موارد اصلاحیه در شور دوم (۳۰ فروردین ۷۹)، روزنامهٔ «هم‌میهن» تیتر اول خود را به این جمله اختصاص داد: «راه فشار قانونی(!) بر روزنامه‌نگاران هموار شد»، روزنامهٔ «عصر آزادگان» نیز جملهٔ دبیر کل حزب همبستگی را مورد توجه قرار داد که گفته بود: «با تصویب این مصوبه، امنیت مطبوعات و روزنامه‌نگاران به خطر می‌افتد.» و هر دو روزنامه، از اصلاح‌طلبان مجلس شکایت کرده بودند که چرا جلسهٔ مجلس را از رسمیت نینداختند!

محمد قوچانی، نویسندهٔ روزنامه‌های زنجیره‌ای که پس از مدتی به تندروی خود و دوستانش اعتراف کرد، در «عصر آزادگان» با حمله به مجمع حزب الله، نمایندگان مجلس را کسانی معرفی کرد که از خود اختیاری ندارند! وی تصمیمات نمایندگان و قیام و قعودشان در رأی‌گیری‌ها را مانند ارکسترهای نوازندگی دانست:

«در روز رأی‌گیری... فراکسیون اقلیت مجلس، حتی از حداقل خویش در ترک مجلس بهره نمی‌برد و از آن جرأت و جسارت نخستین و واپسین خویش در آبستراکسیون توبه می‌کند و بار دیگر، پیامی از سطوح فوقانی قدرت مجلس می‌آفریند که قیام و قعودش چونان همسرایان در ارکسترهای رسمی است... در مجلسی که فرزند استصواب است، تصویب اصلاحیه‌هایی چون اصلاح قانون مطبوعات، غیر منتظره نیست.»[۵]

---

۱ . روزنامهٔ بامداد نو: ۲۹ فروردین ۷۹.

۲ . همان: ۲۹ فروردین ۷۹.

۳ . روزنامهٔ گزارش روز: ۳۰ فروردین ۷۹.

۴ . روزنامهٔ فتح: ۳۰ فروردین ۷۹.

۵ . روزنامهٔ عصر آزادگان: ۳۰ فروردین ۷۹، ص ۱.

آبستراکسیون از نوع زیبا!

آبستراکسیون نمایندگان اصلاح طلب راه مقابله با تصویب طرح تحدید مطبوعات

اقتصاد

۷۹/۱/۲۱

یک سال و نیم بعد وقتی برخی از نمایندگان مجلس ششم در اعتراض به تصمیمات حزبی ، تهدید به آبستراکسیون کردند.

شکوری راد (عضو حزب مشارکت و نماینده مجلس ششم):

تهدید اقلیت به آبستراکسیون

تهدید زشتی برای تحمیل نظر اقلیت بر اکثریت است.

(نوروز: ۱۶ / ۷ / ۸۰)

آخرین تلاش مجلس پنجم برای تحدید مطبوعات

آریا

۷۹/۱/۲۱

نهی از منکر، سئوال از مو و ناخن نیست مبارزه با تشکیلات انحصار طلب است

شده‌ایم کشور حوادث و محاکمات سیاسی

آنوقت می‌گوییم چرا دشمن حرف می‌زند، باید هم بزند

بیان

۷۹/۱/۳۱

با تصویب قانون جدید مطبوعات

تحدید مطبوعات؛ اقدام جدید مجلس پنجم علیه اصلاحات

مهاجرانی: مصلحت نیست دادگاه انقلاب و سایر مراجع قضایی را در جرایم مطبوعاتی دخالت دهیم

نوروزی حقوقدان و عضو سابق هیات منصفه مطبوعات: پیامد این مصوبه سلب امنیت روزنامه‌نگاران، بی‌اثر کردن هیات منصفه

۷۹/۲/۱

نمونه ای از تقویت مجلس در روزنامه مشارکت!

میر دامادی (عضو حزب مشارکت و نماینده مجلس ششم):

جایگاه مجلس به عنوان تبلور اراده و رأی مردم باید تضعیف نشود.

(روزنامه نوروز ۸۰/۵/۱۶)

زن

۷۹/۱/۳۰

مصوبات دوره پنجم

سانسور رسمی بر مطبوعات

ماده ۸ قانون مطبوعات: انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است.

استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیر مستقیم ممنوع و جرم محسوب می شود.

آیا این قانون سانسور و تهدید مطبوعات است؟!

روزنامهٔ «اخبار اقتصاد» با چاپ طرحی که اعدام روزنامه‌نگاران را نشان می‌داد، مخالفت خود را اعلام کرد و روزنامهٔ «بیان»، با عنوان «نویسندگان هم ممنوع القلم و محاکمه می‌شوند» با دو تن از صاحب نظران همیشگی و در دسترس مصاحبه کرد. روزنامهٔ «آزاد»، ضمن اختصاص درشت‌ترین تیتر خود به سخن وزیر ارشاد که علیه مجلس بود، در همان تاریخ خبر از تهیهٔ لایحه‌ای توسط دولت برای لغو این اصلاحیه در مجلس ششم داد! روزنامهٔ «فتح» جملهٔ «مجلس پنجم آزادی مطبوعات را سلب کرد» را به تیتر خود اختصاص داد.

مهاجرانی، وزیر وقت ارشاد نیز، روند را به سمت محدود کردن مطبوعات دانست، امّا توضیح نداد که چگونه ممنوع القلم شدن ضد انقلاب و عدم استفاده از کمک‌های خارجی، محدودیت می‌آورد! وی برخی از مواد قانون مصوب را به شکل آشکاری در مغایرت با قانون اساسی دانست، امّا هرگز به آن اصول قانون اساسی اشاره نکرد؟!

پیش از این، روزنامهٔ «خرداد» که طی مقالهٔ گستاخانه‌ای، اصلاح قانون مطبوعات را «افساد مطبوعات» نامیده بود،[1] در مقالهٔ دیگری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی را تمامیت خواه لقب داد و آنان را در زمرهٔ ناپلئون بناپارت‌ها و نازی‌ها قلمداد نمود![2]

این نشریه همچنین در گزارشی از قول دست اندرکاران مطبوعات، از طرح اصلاح قانون مطبوعات به عنوان «لایحهٔ مرگ مطبوعات» یاد کرد.[3]

روزنامهٔ «ایران» و «آریا» نیز تلویحاً نمایندگان مجلس را «محرمعلی خان» های سانسورچی مطبوعات در دوران محمد رضا شاه نامید.[4]

---

۱. نگرانی جدی این است که این طرح به جای اصلاح قانون مطبوعات، منجر به افساد قانون مطبوعات شود. (روزنامهٔ خرداد: ۹ تیر ۷۸، ص ۲)

۲. همان: ۱۳ تیر ۷۸، ص ۱.

۳. روزنامهٔ خرداد: ۳۰ خرداد ۷۸، ص ۴. «روزهای آتی طرح اصلاحیه قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شود. این همان طرحی است که صاحب نظران و دست اندرکاران مطبوعات از آن به عنوان "لایحهٔ مرگ مطبوعات" نام برده‌اند.»

۴. روزنامهٔ ایران و آریا: ۱۶ و ۱۷ تیر ۷۸ص ۳. «حرف‌ها و نظرهایی که تاکنون پیرامون اصلاح قانون مطبوعات عنوان

روزنامهٔ «سلام» نیز طی مقاله‌ای، طرح اصلاح قانون مطبوعات را موجب وهن قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی نامید.[۱]

متأسفانه مجمع روحانیون مبارز نیز در بیانیهٔ خود، این طرح را که بر اساس آن دست ایادی بیگانه از نفوذ در فرهنگ کشور کوتاه می‌گردید، زمینه‌ساز سایه افکندن استبداد بر فضای مطبوعات قلمداد نمود.[۲]

نشریهٔ «ایران» در گزارشی به نقل از عیسی سحرخیز، این طرح را «طرح فریب» نامید که بالطبع نمایندگان مجلس نیز فریبکار قلمداد می‌شدند.[۳]

آنچه اشاره شد، گوشه‌ای از فعالیت‌های تخریبی علیه خانهٔ ملت و مجلس شورای اسلامی بود. طبیعی است که اگر فضای سیاسی کشور به گونه‌ای اصلاح می‌شد که مطبوعات در چارچوب اسلام و قانون اساسی آزاد باشند، راه‌های توطئه بسته باشد و دلسوزان و مدافعان انقلاب بتوانند با آزادی تمام حقایق را منتشر کنند و به بیان مشکلات و کاستی‌ها بپردازند؛ مردم نیز از حق دانستن بهره‌مند خواهند شد و خدمتگزاران را از خائنین باز خواهند شناخت. بدیهی است در چنین فضایی، جریان منفعت‌طلب از شفاف شدن قانون ـ به خصوص قانون مطبوعات که یکی از ابزارهای فضا سازی آنان است ـ هراسناک باشد و به جوسازی و غوغاسالاری پناه آورد.

ب ـ تشویش اذهان عمومی

جریان هوچی‌گر در کنار اهانت به مرکز قانونگزاری نظام، از طرفی دیگر با طرح ادعاهای غیر واقعی، درصدد تشویش افکار عمومی برآمد تا بدین ترتیب از تصویب

شده، انسان را به یاد «محرمعلی خان» و سانسور مطبوعات در دوران سلطنت محمد رضا شاه می‌اندازد.

۱. روزنامهٔ سلام: ۲۷ خرداد ۷۸، ص ۲، کامبیز نوروزی: «طرح اصلاح قانون مطبوعات وهن قانون اساسی و طبعاً وهن نظام جمهوری اسلامی است.»

۲. روزنامهٔ ایران: ۱۲ تیر ۷۸، ص ۲، مجمع روحانیون: «طرحی توسط تعدادی از نمایندگان مجلس در دستور کار مجلس قرار گرفته که فقط تهدید کنندهٔ مطبوعات است و سایهٔ استبداد را بر فضای مطبوعات کشور می‌گستراند.»

۳. همان: ۱۳ تیر ۷۸، ص ۲، عیسی سحرخیز: «این طرح، طرح فریب است که تا آخرین لحظه به صورت مخفیانه و سرّی نگه داشته شد تا دست اندرکاران مطبوعات در جریان آن قرار نگیرند.»

کلیات این طرح در مجلس شورای اسلامی جلوگیری نماید و یا زمینه و بستر جامعه را برای اعتراضات عمومی فراهم سازد. جالب آن‌که تمامی مقالات و مصاحبه‌ها و گزارشاتی که بر این اساس تهیه می‌شد، از نبود بیانی مستدل رنج می‌برد.

ابراهیم بای سلامی، نمایندهٔ خواف و رشتخوار ضمن مغایر دانستن این طرح با قانون اساسی، بدون اشاره به موادی از قانون اساسی که ادعای مغایرت این طرح را با آن داشت، اظهار کرد:

«این طرح به دنبال مقید کردن بیش از حد مطبوعات و نوعی تحدید برای آزادی بیان است.»[1]

این شیوهٔ کلی‌گویی و وارد کردن اتهام بدون ذکر دلیل، در مصاحبهٔ نشریهٔ «خرداد» با آقای محسن آرمین، عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز کاملاً مشهود است. آرمین، در این مصاحبه ضمن اعلام این مطلب که این طرح همسو با منافع سیاسی جناحی خاص تهیه شده، می‌گوید:

«جناح راست، اخیراً در قالب ارائه طرح قانون مطبوعات به اقداماتی دست می‌زند که این اقدامات از چارچوب رقابت‌های سالم سیاسی خارج شده است و به یک هجوم کامل علیه آزادی‌های مشروع قانونی مردم، در یک نظام آزاد و دمکراتیک تبدیل شده است.»[2]

این جریان که سعی داشت به هر نحو ممکن اذهان عمومی را برای مقابله با این طرح تحریک کند، با صفاتی که برای این طرح به کار می‌برد، از آن قانونی هراسناک می‌ساخت و چنین القا می‌نمود که با تصویب آن، حق نفس‌کشیدن از همه سلب می‌شود!

از آنجایی که در این نوشتار، فرصت بررسی تمامی این مقالات، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها نمی‌باشد، به گوشه‌ای از آنها به صورت گذرا و فهرست‌وار اشاره می‌کنیم:

---

۱. روزنامه خرداد: ۱۸ خرداد ۷۸.

۲. روزنامهٔ خرداد ۳۰ خرداد ۷۸.

۷۹/۱/۲۳
فتح

مهاجرانی: استعفا نمی‌دهم

هرچند بعضی از استعفای من خوشحال می‌شوند

صفحه ۲

صاحب نظران در آستانه بررسی
طرح اصلاح قانون مطبوعات درمجلس پنجم:

کسانی که از شفافیت وحشت دارند مخالف آزادی مطبوعات هستند

* مهاجرانی استعفا نمی دهد!
* عزت الله سحابی می گوید که آدمها و حتی معصومین خود به خود بدون نظارت مردم و به طور اصولی در معرض انحراف هستند!
* مجلس به دنبال راهی برای جلوگیری از اهانت به مقدسات و غوغاسالاران به دنبال...

آفتاب امروز ۷۹/۱/۲۱

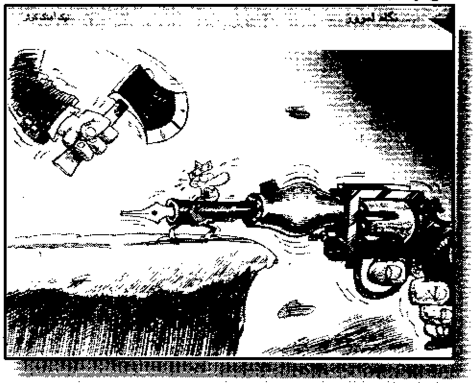

آریا
۷۹/۱/۲۶

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در واکنش به اقدام مجلس:

تصویب طرح اصلاح در مجلس آزادی مطبوعات را از بین می‌برد

شعار اصلاح طلبان:
احترام به قانون و قانونگرایی!

بامداد نو

۷۹/۱/۲۹

چراغ مطبوعات را تا مجلس ششم خاموش می‌کنند

● فشار بر مطبوعات این احساس را به وجود می‌آورد که اقداماتی انجام شده تا قبل از آغاز مجلس ششم سکوت خبری ایجا[د]

[د]ر امور مطبوعات، نهادهای غیر مسئول دخالت [م]ی انجام می‌دهند

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات:

امنیت روزنامه نگاران شدیداً به مخاطره افتاده است

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در مورد بررسی اصلاحیه قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی بیانیه‌ای صادر کرد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: طرح اصلاح قانون مطبوعات، با وجود مخالفت های کارشناسی فراوان روزنامه نگاران و کارشناسان بار دیگر در مجلس شورای اسلامی مطرح شده است و در حالی که پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی به واپسین روزهای خود نزدیک می شود، به نظر می رسد که تعداد اندکی از نمایندگان علی رغم اراده عمومی و خواست های مشروع مردم در گشایش هر چه بیشتر عرصه قانونی جریان آزاد اطلاعات و گسترش و تعمیق حقوق مطبوعات، ...ند با شتاب هر چه بیشتر تصویب این قانون را در کارنامه مجلس پنجم بگنجانند.

این بیانیه می افزاید: با مروری بر مواد مختلف این طرح به وضوح مشخص می شود که از طریق سختگیری در صدور اجازه انتشار، اجبار به افشای منابع خبری، برقراری امکان سانسور یا جلوگیری از پخش اخبار و تعریف بسیاری از اعمال عادی مطبوعاتی به عنوان عمل مجرمانه و رسمیت شناختن اجازه توقیف و لغو امتیاز نشریات، آزادی انتشار نشریات، آزادی کسب خبر، آزادی انتشار اخبار و بالاخره امنیت مطبوعات و روزنامه نگاران، شدیداً به مخاطره افتاده و عملاً موجبات اضمحلال کامل مطبوعات و روزنامه نگاران کشور و فی الجمله تحقق آزادی مطبوعات فراهم می شود.

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات افزوده است: همچنین تغییر جایگاه هیأت منصفه از طریق دادن اجازه به قاضی برای صدور رأی بر خلاف تصمیم هیأت منصفه، این نهاد حقوق اساسی را عملاً بی اعتبار نموده، یکی از وسایل مهم و ارزشمند نظارت اجتماعی بر فرآیند رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را بی ارزش می کند.

نهاد اساسی و گوهر آنچه به عنوان «طرح اصلاح قانون مطبوعات» در مجلس شورای اسلامی مطرح است، چیزی جز تحدید و حتی تعطیل آزادی مطبوعات نیست.

این طرح با ویژگی هایی که یاد شد در مباحث مختلف ... مختلف مطرح شده است، بعضی کاملاً ... بندهای ۶ و ۷ اصل سوم، اصل نهم، اصل بیست و چهارم و اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی بوده و مبانی اصل آزادی مطبوعات در ایران را شدیداً از میان می برد.

در این بیانیه آمده است: علاوه بر این از آنجا که قاطبه اهالی مطبوعات، مخالفت و نارضایتی خو[د] از این طرح اعلام داشته... به دلیل تعارض... صنف رو... تنظیم رو... جامعه...

اخبار اقتصاد
۷۹/۱/۲۴

چه ارتباطی میان
این عکس و توضیح
آن با تیتر روزنامه بامداد نو
وابسته به طیف ملی – مذهبی) بود؟!

۱ . «طرح اصلاحیه، پروژهٔ تابستان است!»[1]

۲ . «طـرح اصـلاح قـانون مـطبوعات در خـوشبینانه‌ترین قـضاوت، از قـانون کشورهای بسته و نظام‌های تمامیت خواه سیاسی، نظیر عراق عقب افتاده‌تر است!»[2]

۳ . «اصلاحیه، قانونی کردن خشونت علیه اهالی مطبوعات است.»[3]

۴ . «عده‌ای به نام اسلام و قرآن در شکستن قلم‌ها و مُهر زدن بر دهان‌ها افراط و تعجیل می‌کنند و به دنبال قانونی کردن خشونت، آن هم علیه اهالی مطبوعاتند.»[4]

۵ . «چه ضررورت‌هایی عده‌ای را به مقابله با اصل آزادی که در حصاری چون قانون اساسی از آن حفاظت می‌شود، سوق داده است. مگر آزادی چه گزندی بر جامعه رسانده؟!»[5]

۶ . «این طرح نه تنها بهره‌ای از کارشناسان فن نبرده و نـه تـنها نـظر اساتید ارتباطات و روزنامه‌نگاران را لحاظ نکرده، بلکه تحت تأثیر اندیشهٔ کسانی بوده که در سال‌های اخیر و به ویژه پس از دوم خرداد ۷۶، شدیدترین حملات را به آزادی بیان داشته‌اند و بدترین و شدیدترین انتقادات را بر قلم بدستان نوظهور روا داشته‌اند ...»[6]

۷ . «این اعمال، نوعی قانون سازی برای مهار برنامه‌های اصلاح طلبانهٔ ریاست جمهوری است.»[7]

۸ . «تصویب طرح پیشنهادی مطبوعات، بازپس‌گیری حقوقی است کـه قـانون اساسی به مردم داده است.»[8]

۹ . «طرح اصلاح قانون مطبوعات در تقابل کامل با برنامه‌های توسعهٔ سیاسی و

---

۱ . روزنامهٔ نشاط : ۱۶ خرداد ۷۸، ص ۲.

۲ . همان : ۱۶ خرداد ۷۸، ص ۲.

۳ . روزنامهٔ سلام : ۱۸ خرداد ۷۸.

۴ . همان : ۱۸ خرداد ۷۸، ص ۲.

۵ . همان : ۲۷ خرداد ۷۸، ص ۹.

۶ . روزنامهٔ خرداد : ۲۹ خرداد ۷۸، ص ۳.

۷ . روزنامهٔ ایران : ۳ تیر ۷۸، ص ۲، ابراهیم بای سلامی.

۸ . روزنامهٔ صبح امروز : ۸ تیر ۷۸، بیانیهٔ حزب مشارکت.

فرهنگی رئیس محترم جمهوری قرار دارد.»[۱]

۱۰ . «طرح اصلاح قانون مطبوعات نه تنها با روح ملی حاکم بر قانون اساسی مغایرت دارد، بلکه با خواست و ارادهٔ عمومی ملت ایران که آزادی و دانستن و اطلاع پیدا کردن از امور مختلف را جزو حقوق مسلم خود می‌داند، همسویی ندارد.»[۲]

۱۱ . «دست‌های پشت پردهٔ تهدید و نابودی مطبوعات، همان شبکهٔ قتل، ترور و آدم ربایی است.»[۳]

۱۲ . «هیأت نظارت (که در طرح مطرح شده) ماهیتاً مانند کمیسیون مادهٔ ۵ در زمان طاغوت است!»[۴]

۱۳ . «مجلس پنجم، آفتاب لب بام است.»[۵]

۱۴ . «مجلس آینده، مجلس نمایندگان مردم است، نه نمایندگان حکومت.»[۶]

۱۵ . «می‌توان پیش‌بینی کرد که در چند ماه آینده، فضای مطبوعاتی ایران مشابه کشورهایی نظیر کره شمالی، عراق و برخی دیکتاتوری‌های آفریقایی شود.»[۷]

۱۶ . «تا چند ماه آینده، اثری از مطبوعات آزاد و مستقل (!) باقی نمی‌ماند.»[۸]

برشمردن اظهاراتی همچون نمونه‌های فوق، به فهرستی طولانی نیاز دارد که از محدودهٔ این نوشته بیرون است؛ امّا جای این سؤال باقی است که این جریان از قانون مطبوعات چه انتظاری داشت که با اصلاح آن برآورده نمی‌شد؟! به عبارتی دیگر، برنامهٔ توسعهٔ سیاسی و فرهنگی رئیس جمهور، شامل کدام عرصه‌ها می‌شد که این طرح در تقابل کامل با آن ارزیابی می‌گردید!؟

---

۱ . روزنامهٔ خرداد : ۹ تیر ۷۸، بیانیهٔ حزب مشارکت .

۲ . همان : ۹ تیر ۷۸، بیانیهٔ حزب همبستگی .

۳ . روزنامهٔ آریا : ۱۷ تیر ۷۸، ص ۳، عماد الدین باقی .

۴ . روزنامهٔ صبح امروز : ۳ تیر ۷۸، ص ۲ .

۵ . روزنامهٔ عصر آزادگان : ۲۸ فروردین ۷۹، ص ۴ .

۶ . روزنامهٔ عصر آزادگان : ۳۰ فروردین ۷۹، ص ۱ .

۷ . همان : ۳۱ فروردین ۷۹، ص ۴ .

۸ . همان .

به یقین آزادی مورد نظر، آزادی مشروع برای خدمت به انقلاب و نظام نبود؛ چرا که اگر منظور از آزادی، آزادی‌های مشروع بود، در مادۀ ۴ قانون مطبوعات ـ پس از اصلاح ـ این چنین از آن دفاع شده:

«هیچ مقام دولتی و غیر دولتی، حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای، درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.»

حتی در اصلاحیۀ مجلس پنجم (تبصرۀ ۱ مادۀ ۴)، برای متخلف از این ماده به شرط داشتن شاکی، مجازات انفصال از خدمت در نظر گرفته شده است.

ج ـ شایعه سازی و دروغ پردازی

جریان موسوم به اصلاح‌طلب و برخی از نشریات همسو با آنان، در راستای سیاست تشویش اذهان عمومی و فشارهای تبلیغاتی و سیاسی خود به مجلس پنجم، حتی از جعل خبر و شایعه‌سازی نیز رویگردان نبودند و به انحاء مختلف سعی در تحریک افکار عمومی علیه مجلس داشتند. به طور مثال هفته نامۀ «عصر ما» ـ وابسته به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ـ می‌نویسد:

«البته گفته می‌شود در صورت تصویب این طرح در صحن علنی مجلس، برخی از نمایندگان جناح راست قصد دارند که [در شور دوم] طرحی به مراتب محدود کننده‌تر از طرح اول، به جای آن پیشنهاد کنند.»[1]

از آنجایی که این جریان سعی داشت با جوسازی، تعداد مخالفان طرح را بیش‌تر از مقدار واقعی نشان دهد، روزنامۀ «همشهری» با درج خبری دروغ اعلام کرد که بیش از دویست نمایندۀ مجلس با حضور معاون اول رئیس جمهور در نشست ساختمان ریاست جمهوری، طرح اصلاح قانون مطبوعات را بررسی کردند![2]

در حالی که جلسۀ مذکور را مجمع حزب الله مجلس تشکیل داده بود و در آن ۸۵

---

۱. هفته نامۀ عصر ما: ۱۶ تیر ۷۸، ص ۲.

۲. روزنامۀ همشهری: ۱۲ تیر ۷۸، ص ۱۵.

نماینده حضور یافته بودند. جالب توجه این‌که ۱۵ نفر از این افراد، به جناح اکثریت مجلس وابسته بودند و به رغم ادعای این روزنامه، معاون اول رئیس جمهور نیز در این نشست حضور نیافته بود![1]

اقدام دیگر این جریان برای متوقف نمودن تصویب طرح، به تیتر روزنامهٔ «سلام» برمی‌گردد. این روزنامه در یک اقدام عجیب با درج نامهٔ محرمانه‌ای از وزارت اطلاعات در صفحهٔ اول خود، طرح اصلاح قانون مطبوعات را دستوری از جانب «سعید امامی»[2] عنوان کرد.[3]

دست اندرکاران روزنامهٔ «سلام» و همکاران پشت پردهٔ آن، چنان از تصویب این

---

۱ . روزنامهٔ کیهان : ۱۲ تیر ۷۸، ص ۲ .

۲ . سعید امامی (اسلامی) یکی از مظنونین چهار قتل سیاسی بود که توسط چند عضو خودسر و منحرف وزارت اطلاعات در سال ۱۳۷۷ به وقوع پیوسته بود . هرچند نقش وی در آن قتل‌ها هرگز به اثبات نرسید، امّا روزنامه‌های زنجیره‌ای، وی را یکی از متهمان اصلی آن پرونده معرفی می‌کردند تا نقش اعضای اصلی قتل‌ها ـ که از نظر فکری به جناح سیاسی جبههٔ دوم خرداد گرایش داشتند ـ پنهان بماند .

از جمله کسانی که از ابتدای این مسئله به شدت بر این نظریه پای می‌فشرد، حجة‌الاسلام و المسلمین روح الله حسینیان بود. وی در طول این مدت بارها و بارها مورد حملهٔ برخی از شخصیت‌های کلیدی تجدید نظرطلبان و روزنامه‌های آنان (به خصوص روزنامهٔ صبح امروز) قرار گرفت، امّا هرگز از سخن خود کوتاه نیامد ! یک سال پس از واقعهٔ قتل‌ها و غوغاسالاری و شانتاژهای سیاسی، آقای حسینیان در یک جمع عمومی خبری را اعلام کرد که هرگز تکذیب نشد! وی در شهر کرمانشاه گفت :

«بعد از اثبات بی‌گناهی گروه اخیری که دستگیر شده بودند [که همسر سعید امامی از جمله آنان بود]، جریان شکنجهٔ اینها روشن شد. ماجرا از این قرار بود که در ماه مبارک رمضان خبر آوردند که دو نفر از متهمین از قتل‌های زنجیره‌ای در بیمارستان بقیة الله بستری و در حال مرگ هستند. به هر حال موضوع به دفتر مقام معظم رهبری رسید و از آنجا با جناب آقای هاشمی شاهرودی رئیس قوهٔ قضائیه مطرح شد ... وقتی این مسئله روشن شد، من هم در یک سخنرانی در مشهد اعلام کردم که افراد دستگیر شده، بی‌گناه هستند و بازجوهایی که از طرف دولت تعیین شده‌اند، از جانب سعید حجاریان هستند و قتل‌ها یک توطئه است و جریان رسیدگی نیز یک توطئه است ... شبی در حضور نزدیک به ۳۰ نفر از دوستان من بود که [یکی از وزرای کابینه] از قول آقای خاتمی پیام آوردند که آقای خاتمی سلام رساندند و از شما خواهش کردند در این ماجرایی که کشف شده، شما سکوت کنید و من هم از طرف دیگر از آنها ـ منظور روزنامه‌ها ـ می‌خواهم فتیلهٔ بحث قتل‌ها را بکشند پایین و این مسئله را خودم پیگیری و حل می‌کنم. حالا خوشبختانه ۳۰ نفر شاهد بود، اگر نبود، اینها الان انکار می‌کردند ...»

(هفته نامهٔ یا لثارات الحسین : ۲۷ مهر ۷۸)

۳ . روزنامهٔ سلام : ۱۵ تیر ۷۸، ص ۱ .

طرح نگران بودند که بدون تأمل در محتوای نامهٔ مذکور، آن را به سعید امامی منتسب کردند[1] و مضمون آن را در دفاع از اصلاح قانون مطبوعات دانستند، در حالی که محتوای نامهٔ برخلاف آن بود.

وزیر اطلاعات یک روز پس از درج نامهٔ محرمانه در روزنامهٔ «سلام»، با ارسال نامه‌ای به رئیس مجلس متذکر این نکات شد. آقای یونسی در نامهٔ خود نوشت:

«... نامه مربوط به سعید اسلامی (امامی) نبوده، بلکه نامه از حوزهٔ مشاورین وزیر، خطاب به وزیر ارسال شده. موضوع نامه نیز مربوط به اصلاح قانون مطبوعات نیست[2]... اصل پیشنهاد در راستای تحقق سیاست‌های دولت می‌باشد که سلام با حذف صدر و ذیل نامه، صرفاً استفادهٔ جناحی و سیاسی نموده است.»[3]

وزیر اطلاعات همچنین عمل شجاعانهٔ[4] روزنامهٔ «سلام» را نوعی سرقت نامید،[5] امّا وزیر وقت ارشاد، که از نویسندگان اصلی داستان غم‌انگیزِ نفوذ دشمن بود، آن را مستحق تشویق دانست![6]

---

۱. عباس عبدی، عضو شورای سردبیری روزنامهٔ سلام، در خصوص منبع کسب خبر تیتر اول این روزنامه مبنی بر این که سعید اسلامی پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را داده بود، گفت: «نامهٔ رسیده، صرفاً یک دست نویس بوده که از طریق نمابر به تحریریهٔ روزنامه رسیده و تعهد مطبوعاتی ما اقتضا می‌کرد که افکار عمومی مطلع شود!»
عبدی همچنین گفت: «با توجه به محتوای نامهٔ واصله و شناخت موثق ما از سعید اسلامی و ضدیت او با آزادی مطبوعات، اطمینان کامل داریم که نامه از سوی سعید اسلامی نوشته شده است!»
(روزنامهٔ صبح امروز و همشهری: ۱۷ تیر ۷۸)

۲. در نامه‌ای که روزنامهٔ سلام منتشر کرده بود، دربارهٔ قانون مطبوعات آمده بود: «اصلاح قانون مطبوعات فعلی (مصوب ۱۳۶۴) جوابگوی نیاز کنونی نیست ...» روزنامهٔ سلام بدون تأمل در مفاد نامه، در حرکتی عجولانه آن را منتشر کرد. این حرکت سلام بیش‌تر شبیه به انجام یک سفارش سیاسی بود تا اطلاع‌رسانی!

۳. روزنامهٔ کیهان: ۱۶ تیر ۷۸، ص ۱۴.

۴. رادیو آمریکا به نقل از نوری زاده خبرنگار وابستهٔ خود گفت: «کاری که روزنامهٔ سلام کرد به تصور من یکی از شجاعانه‌ترین کارها در تاریخ ۲۰ سال اخیر مطبوعات ایران بود.» (روزنامهٔ کیهان: ۱۹ تیر ۷۸، ص ۲)

۵. وزیر اطلاعات در جمع خبرنگاران با اشاره به اقدام روزنامهٔ سلام گفت: «سندی که روزنامهٔ سلام چاپ کرد، در حقیقت یک نوع سرقت بود که نباید چنین کاری صورت می‌گرفت.» (روزنامهٔ بیان: ۲۲ اردی‌بهشت ۷۹)

۶. مهاجرانی که در طول مسئولیت خود از متخلفین فرهنگی حمایت می‌کرد، در جمع خبرنگاران گفت: «من گمان می‌کنم کاری که روزنامهٔ سلام کرد، شایستهٔ جایزه بود نه توقیف.» (روزنامهٔ صبح امروز: ۲۴ مرداد ۷۸)

سلام
۷۸/۴/۱۵

سعید اسلامی پیشنهاد اصلاح قانون مطبوعات را داده است

چرا از قطار

سلام امروز

رادیو آمریکا (نوری زاده):
کاری که روزنامه سلام کرد، به تصور من یکی از شجاعانه ترین کارها در تاریخ ۲۰ ساله مطبوعات ایران بود (!)

نشاط
۷۸/۴/۱۶

نشاط بررسی می‌کند

نقش سعید امامی در اصلاحیه قانون مطبوعات و بحران امروز مجلس

امروز
۷۸/۴/۱۷

در نخستین گام پس از تصویب کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات

«سلام» را توقیف کردند

وزیر اطلاعات: عمل روزنامه سلام یک نوع سرقت بود.

امام جمعه اصفهان:

روزنامه سلام را برخلاف قواعد تعطیل کردند

امام جمعه اصفهان گفت: تعطیلی یک روزنامه باید توسط هیئت صالحه تشخیص داده شود و چگونگی آن در قانون ذکر شده است.

استار مجازات دانشگاه است

آیت‌الله سید جلال‌الدین طاهری در خطبه‌های نماز جمعه ... نیمه‌های شب عده زیادی با لباسهای عادی و نیروی انتظامی به حریم مقدس دانشگاه حمله کردند و تعدادی از دانشجویان در حال خواب و یا نماز را مضروب و شهید کردند.

نشاط

وزیر ارشاد: کاری که روزنامه سلام کرد، شایسته جایزه بود (!)

۷۸/۴/۱۷

به حکم دادگاه ویژه روحانیت

روزنامه سلام توقیف شد

قرار بود نامه تحریف شده وزارت اطلاعات را همکاران مطبوعاتی دیگر "سلام" نیز به چاپ برسانند، اما نویسنده مشهور "نشاط" چند روز بعد فاش ساخت: "خطر این ریسک به اندازه‌ای بود که حتی سعید حجاریان نیز صلاح را در آن دانست که چنین بازی خطرناکی را به موسوی خوئینی‌ها بسپارد".

(نشاط ۷۸/۴/۱۹)

هر چند برخلاف شانتاژهای صورت گرفته، کلیات طرح از سوی نمایندگان مجلس تصویب شد، امّا طیف مطبوعاتی همسو، از شدت حملات خود علیه آن نکاست و عنصر تهدید را نیز بر آن افزود.

پس از تصویب کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، جریانی که تا آن لحظه از هیچ تلاشی برای تخریب آن دریغ نکرده بود، درصدد جبران و توجیه شکست خود برآمد و به دروغ تصویب طرح را نتیجهٔ فشارهای سیاسی توسط مقامات مسئول و تأکید مقام معظم رهبری اعلام کرد:

«اکثریتی که دیروز در شرایط غیر عادی و تحت فشار ارادهٔ معطوف به قدرت، به کلیات تغییر قانون مطبوعات رأی داد در یک مواجههٔ آشکار، هدف خویش را نشان داد.»[1]

و این در حالی بود که رئیس وقت مجلس ـ ناطق نوری ـ، در پاسخ به خبرنگاران قاطعانه به این شایعه پاسخ داد:

«مقام معظم رهبری، هیچ تکلیفی را به نمایندگان نکرده و نمایندگان با تشخیص خود رأی دادند.»[2]

د ـ تهدید به شورش

جریان تجدید نظرطلب، آنگاه که از تمام تلاش‌های خود ناامید شده بود، به عنوان آخرین اهرم فشار، از آن‌جا که افکار عمومی را کاملاً تحت تأثیر جوسازی روزنامه‌های خود می‌پنداشت، از «تهدید» نیز به طور گسترده استفاده کرد.

تجدید نظرطلبان که تنها به منافع حزبی می‌اندیشیدند، از همان ابتدای مطرح شدن این طرح در مجلس ـ چه در زمان تصویب کلیات طرح و چه در شور دوم ـ به صورت تلویحی و گاه صریحاً از راه‌اندازی آشوب و بلوا خبر می‌دادند. از آن‌جا که این

---

۱ . روزنامهٔ نشاط : ۱۷ تیر ۷۸، ص ۲، ستون سردبیر.

۲ . روزنامهٔ رسالت : ۱۷ تیر ۷۸.

مقالات و اظهار نظرها نقش بسزایی در ایجاد حادثهٔ ۱۸ تیر ۷۸ کوی دانشگاه داشت، به مواردی از آنها هرچند گذرا اشاره می‌کنیم:

۱ . انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ـ که در راستای منافع چند حزب به وجود آمده بود ـ در نامهٔ سرگشادهٔ خود به مجلس که در روزنامهٔ «سلام» درج گردید، صریحاً نمایندگان را تهدید کرد و نوشت:

«خود را موظف دانستیم خطری را که با چنین طرح‌هایی متوجه حیثیت و اعتبار مجلس می‌شود، متذکر شویم. گرچه احتمال قوی می‌دهیم که قاطبهٔ نمایندگان بیش از دیگران از "تبعات سوء" تصویب چنین طرح‌هایی آگاه باشند.»[1]

این نشریه همچنین در یکی از بیانیه‌های خود، ضمن آن‌که اصلاحیهٔ قانون مطبوعات مجلس پنجم را محدود کنندهٔ آزادی‌های مشروع و قانونی وانمود می‌کرد، کل نظام را صراحتاً مورد تهدید قرار داد:

«این هشدار جای تکرار دارد که چنانچه خدای ناکرده روزی فرا برسد که آزادی‌های قانونی و مشروع ولو با وضع قوانینی برچیده شود، ثمرهٔ چنین تلاشی نصیب جناح انحصارطلب هم نخواهد شد، "همه" متضرر خواهند شد!»[2]

۲ . روزنامهٔ «صبح امروز» پا را از تهدیدات تلویحی فراتر گذاشت و علناً در ستون «یادداشت روز» مسئولین را به ایجاد شورش و آشوب تهدید کرد و نوشت که اگر طرح تصویب شود، اغتشاش ایجاد می‌شود![3]

۳ . روزنامهٔ سعید حجاریان، یک روز قبل از غائله ۱۸ تیر، مجدداً مجلس و نظام را چنین مورد تهدید قرار می‌دهد:

«به یاد داشته باشیم که بازی دموکراسی، اگر چه بازی نامیده می‌شود، ولی اگر قواعد آن را پذیرفتیم، دیگر فقط یک بازی نیست. رأی مردم به جمهوری اسلامی، رأی به

---

۱ . روزنامهٔ سلام : ۱۸ خرداد ۷۸، ص ۲.

۲ . همان : ۲۷ خرداد ۷۸، ص ۶.

۳ . روزنامهٔ صبح امروز : ۱۳ تیر ۷۸.

قواعد و مقرراتی است و اگر این قواعد ـ چه در مطبوعات و چه در انتخابات ـ در هم شکسته شود، آنگاه سیاست‌ورزی (!) به پایان می‌رسد.»[۱]

۴. روزنامهٔ «ایران»، ارگان رسمی خبرگزاری نیز به نقل از سعید حجاریان! یک روز قبل از آشوب‌های ۱۸ تیر، تلویحاً مجلس را تهدید کرد و نوشت:

«تنها تصویب قانون مهم نیست، بلکه باید بستر اجرای قانون را نیز در نظر گرفت. به نظر می‌رسد در حال حاضر، بستر و ظرفیت مناسبی برای اجرای طرح‌ها و قانون‌های پیشنهادی جناح راست وجود ندارد.»[۲]

۵. همچنین روزنامهٔ «نشاط» خبر از عکس‌العمل دفتر تحکیم وحدت داد:

«صاحب نظران بر این باورند که ورود به قلعهٔ فتح شدهٔ چپ گرایان، یک ریسک خطرناک برای محافظه کاران است... همچنین ناظران (!) پیش‌بینی می‌کنند که طی روزهای آینده دفتر تحکیم وحدت (اتحادیهٔ دانشجویان) و بدنهٔ اجتماعی مدافع جناح چپ، وارد صحنه شوند.»[۳]

۶. حزب نیمه دولتی مشارکت نیز پس از توقیف روزنامهٔ متخلف «سلام» در بیانیه‌ای از برنامهٔ آیندهٔ طرفداران خود خبر داد و اعلام کرد:

«اصرار بر توقیف سلام می‌تواند عواقب و پیامدهای زیانباری را در پی داشته باشد.»[۴]

هـ ـ اغتشاش سازماندهی شده

دو روز بعد از تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات، با شکایت وزارت اطلاعات از روزنامهٔ «سلام» به دلیل درج نامهٔ محرمانه این وزارتخانه (که طی این شکایت

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۷ تیر ۷۸.

۲. روزنامهٔ ایران: ۱۷ تیر ۷۸، ص ۲.

۳. روزنامهٔ نشاط: ۱۷ تیر ۷۸.

۴. روزنامهٔ آریا: ۱۹ تیر ۷۸، ص ۳.

نمونه ای دیگر از تکریم مجلس قانونگذاری!
۷۹/۱/۲۹

آیا به نقش تیترهای جنجالی و مقاله های تحریک آمیز در فاجعه ۱۸ تیر ماه ۷۸ اندیشیده شد؟!

سوگمندانه قانونی که فعالیت مطبوعاتی گروههای برانداز و خشونت طلب را محدود می کرد، خشن و ترسناک معرفی می‌شد!

آزادگان
۷۹/۱/۲۳

انجمن صنفی روزنامه نگاران:
تغییر قانون مطبوعات هزینه های غیر قابل پیش بینی به جامعه تحمیل می کند

۷۹/۱/۲۲

طرح تغییر قانون مطبوعات به جایگاه مجلس لطمه جبران ناپذیری وارد می کند

● مدیر مسوول آزاد: در شرایطی که هنوز وضعیت هیأت منصفه و دادگاه مطبوعات روشن نیست جای تأسف است که مدیران مسوول روزنامه‌ها به دادگاه احضار و روانه زندان می‌شوند

سلام
۷۸/۳/۱۸

نورقانی:
هزینه دستگیری شمس‌الواعظین برای کشور گران تمام می‌شود

بازی دموکراسی بازی نیست

امروز
/۴/۱۳

رسول منتجب نیا
محدودیت مطبوعات خشم مردم را شعله‌ور خواهد کرد

گروه داخلی - طرح اصلاح قانون مطبوعات که ...

انتساب نامه به سعید امامی نیز تکذیب شده بود)[1] روزنامهٔ «سلام» از سوی دادگاه ویژه روحانیت توقیف شد.

برخورد با این روزنامهٔ متخلف به دلیل چاپ نامهٔ محرمانهٔ وزارت اطلاعات، شاید امری محتمل بود، ولی آنان که این نامه را به «سلام» سپردند، حفاظ امنیتی بیش‌تری برای آن متصور بودند؛ به این خیال که سابقهٔ مدیر مسئول سلام، می‌تواند از اجرای قانون دربارهٔ او جلوگیری کند! امّا چنین نشد و روزنامهٔ آقای موسوی خوئینی‌ها توقیف گردید.[2]

در پی توقیف «سلام» که پس از تصویب قانون مطبوعات، ضربهٔ سنگینی برای تجدید نظرطلبان بود، تهدیدها و هشدارهای حزبی آغاز شد. شاید به دلیل همین پیشگویی‌ها بود که وزارت اطلاعات «برای جلوگیری از هرگونه تنش» شکایت خود را از روزنامهٔ «سلام» پس گرفت[3] و خبر آن در اخبار ساعت ۲۱ پنج‌شنبه ۱۷ تیر اعلام شد. با وجود آن که صدا و سیما خبر پس گرفته شدن شکایت وزارت اطلاعات از روزنامهٔ «سلام» را به دلیل «جلوگیری از هرگونه تنش» اعلام کرد، حدود ۲۰ الی ۳۰

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۱۷ تیر ۷۸، ص ۲.

۲. نویسندهٔ مشهور روزنامه‌های زنجیره‌ای، محمد قوچانی چند روز پس از توقیف سلام، تلویحاً اعتراف کرد که قرار بود روزنامهٔ صبح امروز نیز نامهٔ منتسب به سعید امامی را به چاپ برساند، امّا سعید حجاریان با زیرکی این دام را فقط برای روزنامهٔ مجمع روحانیون مبارز پهن کرد. در مقالهٔ نشاط آمده بود: «موسوی خوئینی‌ها با انتخاب تیتر روز سه شنبه خود کوشید، یکبار دیگر از ناکارایی سوابق خود در ایجاد حاشیهٔ امنیتی برای روزنامه‌اش مطمئن شود. او که مطمئن بود با تصویب اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، عملاً جریدهٔ سلام و دیگر روزنامه‌های اصلاح‌طلب از ایفای نقش خود باز خواهند ماند، کوشید به یک ریسک بسیار خطرناک دست بزند. خطر این ریسک به اندازه‌ای بود که حتی سعید حجاریان نیز صلاح را در آن دانست که چنین بازی خطرناکی را به موسوی خوئینی‌ها بسپارد!» (روزنامهٔ نشاط: ۱۹ تیر ۷۸) یک روز پس از چاپ این خبر، روزنامهٔ نشاط از سعید حجاریان به دلیل انتشار این خبر عذرخواهی کرد!

۳. روزنامهٔ کیهان: ۱۹ تیر ۷۸، ص ۲. این روزنامه در همین روز خبری را منتشر کرد که هرگز تکذیب نشد! در خبر کیهان آمده بود: «یک خبر کاملاً موثق حکایت از آن دارد که روز پنج شنبه، بعد از طرح شکایت وزارت اطلاعات از روزنامهٔ سلام، یکی از مسئولان دفتر ریاست جمهوری به اتفاق یکی از مسئولان شورای امنیت ملی به وزارت اطلاعات رفته و برنامهٔ پس گرفتن شکایت وزارت اطلاعات و تهیهٔ اطلاعیهٔ مربوط به انصراف از این شکایت را طراحی کرده و به اجرا گذاشته‌اند.»

نفر از اعضای یک تشکل دانشجویی خاص، در خیابان‌های داخل کوی دانشگاه شروع به راهپیمایی نموده و شعارهایی را در اعتراض به نمایندگان مجلس به دلیل تصویب کلیات طرح و توقیف روزنامهٔ متخلف «سلام» سر دادند. این عده که پس از حدود یک ساعت راهپیمایی، تعداد آنان به حدود ۱۵۰ نفر می‌رسید، شعارهایی چون «طرح سعید امامی، ملغی باید گردد»، «مجلس فرمایشی، انحلال انحلال» و «مرگ بر استبداد!» را فریاد می‌کردند.

سردمداران این راهپیمایی، پس از آن که از حضور گستردهٔ دانشجویان مأیوس شدند و حتی به دلیل فصل امتحانات، از سوی برخی دانشجویان نیز مورد اعتراض قرار گرفتند، مسیر خود را به سمت بیرون از محوطه کوی دانشگاه، یعنی خیابان کارگر شمالی تغییر دادند و جالب اینجاست که هیچ مقاومتی از سوی انتظامات کوی دانشگاه برای جلوگیری از بیرون رفتن آنان به عمل نیامد، امّا به محض بیرون رفتن آنها، از سوی یکی از مسئولین کوی با پاسگاه یوسف آباد نیروی انتظامی تماس گرفته می‌شود تا برای جلوگیری از اخلال در نظم عمومی، در محل حاضر شوند!

بعد از حضور نیروی انتظامی، معترضین به مقابل درِ اصلی کوی دانشگاه بازگشتند، عده‌ای به داخل کوی رفته، امّا حدود ۳۰ نفر در وسط خیابان ماندند و به سردادن شعارهایی علیه نیروی انتظامی پرداختند. حدود ساعت ۱۲ شب، تعدادی از سربازان نیروی انتظامی برای به داخل کوی راندن این عده، به سمت آنان حمله کردند. معترضین به محوطهٔ داخل کوی رفتند، امّا مجدداً به خیابان بازگشتند. این عمل چند بار تکرار گردید که در آخرین مرحله، یکی از سربازان به دست آنها اسیر شد و از ناحیهٔ سر و صورت مورد هجوم قرار گرفت، امّا با وساطت چند تن دیگر، پس از دقایقی آزاد شد. بعد از این مرحله، سربازان نیروی انتظامی از مقابل درِ کوی دور شدند و همزمان، سنگ پراکنی و سردادن شعار از سوی افراد مجهول! به بهانهٔ هواداری از یک تشکل دانشجویی آغاز شد.

شاید اگر عوامل نیروی انتظامی، از همین مقطع برای فرونشاندن بحران و عدم

ایجاد حساسیت در بین سایر دانشجویان از محل دور می‌شدند، حادثه این گونه تشدید نمی‌شد، امّا حضور نیروی انتظامی و سپس برخی عناصر لباس شخصی ـ که تعدادی از آنها با ظاهری موجه و حزب‌اللهی، امّا با نیتی دیگر در میدان درگیری حاضر شده بودند ـ حساسیت برخی از دانشجویان را برانگیخت و در میان آنها نیز کسانی که فرصت پیش آمده را برای رسیدن به اهداف و اغراض خود مناسب می‌دیدند، بر حساسیت اوضاع افزودند که نمونهٔ آن، روشن کردن آتش و پرتاب شیشه‌های آتش‌زا در وسط خیابان کارگر شمالی بود![1]

حضور نمایندهٔ وزارت کشور (تاج زاده) و نیز مسئولین دانشگاه تهران ـ به خصوص که برخی اظهارنظرها در آن مرحله به جای فرونشاندن شعله‌های خشم، بر شدت آن می‌افزود ـ نتوانست از تنش موجود بکاهد.

کش و قوس‌ها ادامه یافت تا این که در جریان کنترل این حرکت‌ها توسط نیروی انتظامی، ناگهان گروه خاصی با سر دادن شعارهای یا زهرا و حمایت از رهبری به خوابگاه دانشجویان حمله بردند و به ضرب و شتم برخی از دانشجویان پرداختند!

چنین حرکتی که از نیروهای متدین و اصول‌گرای جامعه بعید بود، مستمسکی

---

۱. در شب حادثهٔ کوی دانشگاه، حدود ۷۰ نفر میهمان غیر دانشجو! در کوی حضور داشته‌اند. از آن‌جا که بسیاری از اقدامات صورت گرفته در اغتشاشات آن جریان را نمی‌توان از طرف دانشجویان دانست، باید نقش این ۷۰ نفر را برای پی بردن به علل حادثه کوی دانشگاه بررسی کرد. به خصوص که یکی از دو دفتر ثبت نام میهمانان نیز، پس از حادثه مفقود اعلام شد!

شورای عالی امنیت ملی در گزارش خود دربارهٔ حادثهٔ کوی می‌گوید: «طبق گزارش نیروی انتظامی، تعدادی نزدیک به ۷۰ نفر میهمان در شب حادثه (۷۸/۴/۱۷) در کوی ساکن بوده‌اند، لکن تحقیقات کمیته، حاکی از این است که به طور معمول، هر شب نزدیک به ۱۰ درصد ساکنین، میهمان می‌باشند. یکی از دفترچه‌های نگهبانی کوی، ۱۷ میهمان را در شب حادثه ثبت نموده است و با احتساب همین مقدار در دفتر دیگری که مفقود شده است، می‌توان تعداد تقریبی میهمانان را پیش‌بینی نمود.»

همان‌گونه که کمیتهٔ شورای عالی امنیت ملی اشاره کرده، نیروی انتظامی در گزارش خود از حضور تقریبی ۷۰ میهمان (غیر از دانشجویان کوی) در شب حادثه یاد کرده است. حال با توجه به این که کمیته در گزارش خود، متوسط ده درصد میهمان در هر شب را تأیید نموده و در جای دیگری از گزارش، آمار ساکنان ساختمان شمارهٔ ۲۲ (نقطهٔ آغاز حرکت اغتشاش) را ۶۰۰ نفر اعلام کرده است، لذا با محاسبهٔ ۶۰ نفر از این ساختمان و حداقل ۱۰ نفر از بقیهٔ ساختمان‌های دیگر! ادعای نیروی انتظامی ـ دربارهٔ حضور ۷۰ میهمان ـ صادق است.

مقام معظم رهبری در دیدار سران جبههٔ دوم خرداد با ایشان:

«موضع برخی از دوستان و مجموعه‌های سیاسی در برابر جریان‌های منحرف، به قدری نامحسوس است که اگر کسی به این مواضع اعتقاد یافت، احساس می‌کند، می‌تواند به ضدانقلاب نوعی دلبستگی داشته باشد.»

کیهان
۷۹/۸/۲۲

باید با شیپان برخوردی

آفتاب امروز

۴ ... ۵ ... ۷ ... ۸ ... ۱۱

سرحدی‌زاده: چرا فردی مثل عزت‌الله سحابی رد صلاحیت شده است؟

گزارش ویژه آفتاب امروز

نامه وارده

آقای خاتمی!
این وضعیت آزادی اندیشه است؟

جناب آقای خاتمی رئیس محترم جمهور
با سلام و آرزوی قبولی طاعات و عبادات

با تشکر حمید رضایی

عزت الله سحابی در نامه‌ای به دختر خود:

«دخترم! اگر مردم بفهمند که من به یک جوان به ظاهر حزب اللهی پول دادم تا در جهت مقاصد من عمل کند، آیا برای من آبرویی می‌ماند؟»

امام خمینی (ره): به حسب آنچه من از انحرافات نهضت آزادی مشاهده کردم، اگر خدای متعالی عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند، ملت‌های مظلوم، به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد و به حسب امور بسیار دیگر، نهضت به اصطلاح آزادی، صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگزاری یا قضایی را ندارند و ضرر آنها به اعتبار آن که متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است شوند، از ضرر گروهک‌های دیگر ـ حتی منافقین، این فرزندان عزیز مهندس بازرگان ـ بیش‌تر و بالاتر است.

کیهان
۷۹/۲/۳۱

بهشت کتاب محسن باز نشد!

در پاسخ به متحصنین قم
دکتر مهاجرانی کتاب تحصن را منتشر کرد

آفتاب امروز
۷۹/۱/۲۸

پس از چاپ کتاب تحصن توسط طلاب کتاب مهاجرانی هرگز به بازار عرضه نشد!

متأسفانه علی رغم شعار جامعهٔ چند صدایی و آزادی مخالف، در طول سال‌های اخیر این صدای مخالفان نظام اسلامی بود که به راحتی با زیر سؤال بردن افتخارات گذشتهٔ نظام، شنیده می‌شد! اما مدافعان از انقلاب، همواره با موانعی روبرو بودند!

برای حملهٔ نیروهای تجدید نظرطلب به آنان شد.

صبح جمعه ۱۸ تیر ماه، روز دیگری بود که با زمینه‌سازی و قانون‌شکنی عدهٔ قلیلی از دانشجویان وابسته به یک گروه و تشکل خاص و نیز خودسری و بی‌تدبیری یگان خاصی از نیروی انتظامی، فاجعه‌ای شکل گرفت که قلب رهبر را جریحه‌دار کرد و موجب تأسف و تأثر مردم و مسئولین نظام شد.

البته در این میان، نباید نقش عناصر «لباس شخصی» نادیده گرفته شود. این عده که با ظاهر نیروهای انقلابی و مذهبی در معرکه حضور یافته بودند، به عنوان آتش بیار میدان، عمل کردند و در تحریک دانشجویان و نیروی انتظامی نقش به سزایی داشتند. بی‌تردید بررسی دقیق این عناصر لباس شخصی، زوایای نهفته‌ای از حادثهٔ کوی دانشگاه تهران را آشکار می‌ساخت و به لطف خداوند این اتفاق با دستگیری تعدادی از نیروهای تجدید نظرطلب و ملی-مذهبی در آخرین روزهای سال ۱۳۷۹، اسرار پشت پردهٔ این وقایع تا حدودی معلوم شد. دادگاه انقلاب اسلامی، پس از دستگیری این افراد، در قسمتی از اطلاعیهٔ خود آورده است:

«... عناصر به اصطلاح ملی - مذهبی، در جلسه‌ای که در تیرماه سال ۷۹ در منزل یکی از دستگیرشدگان تشکیل شده بود، راه حل شورش و انفجار، برای ادامهٔ حرکت براندازی آرام مطرح می‌شود. با تحقیقات انجام شده، مطالب جدیدی در خصوص مسایل پشت پردهٔ فتنهٔ تیر ماه ۷۸ به دست آمده است که در اطلاعیهٔ بعدی افشا خواهد شد.»[1]

همچنین در دومین اطلاعیهٔ دادگاه انقلاب اسلامی، در این رابطه آمده است:

«متهم دیگری اعتراف می‌کند که برای بدبین کردن مردم به حاکمیت دینی، فردی را در نیروهای منتسب به حزب الله نفوذ داده تا برای ایجاد تشنج، به اقدامات تهدیدآمیز و حملات فیزیکی تحریک نماید.»[2]

---

۱. روزنامهٔ رسالت: ۱۱ اردی‌بهشت ۸۰، ص ۱۳.

۲. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۹ اردی‌بهشت ۸۰، ص ۳. لازم به ذکر است که عزت الله سحابی -از فعالان ملی

«متهم دیگری دربارهٔ همین موضوع (ایجاد اغتشاش) اعتراف می‌کند: "کار ما نفوذ در دانشجویان و هدایت آنها به سمت رادیکالیسم (تندروی) بوده است." متهم تأکید می‌کند: "در لایه‌های عمیق‌تر، کار من و دیگر گروه‌های وابسته به ائتلاف، حرکت به سمت خشونت و اقدام مسلحانه بوده است."

یکی دیگر از متهمین در مورد ماجرای کوی دانشگاه تهران، به نقش خود در شورش‌های خیابانی در روز ۷۸/۴/۲۱ اعتراف می‌کند و می‌گوید: "خود من در سنگ‌پرانی شرکت داشتم و یکی از اعضای حزب ملت که اسم مستعار داشت، با موبایل گزارش درگیری‌ها را هر لحظه به رادیو ضدانقلابی لوس‌آنجلس در آمریکا می‌داد. عده‌ای نیز نقاب داشتند و ماشین‌های نیروی انتظامی را به آتش می‌کشیدند." »[1]

سخنرانی تعدادی از عناصر وابسته به یک جریان سیاسی و نیز دست اندرکاران برخی مطبوعات[2] در جمع دانشجویان معترض، به تدریج تحرکات دانشجویان را به سمت و سوی دیگری منحرف کرد. صبح روز شنبه ۱۹ تیرماه، به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران، در مقابل درِ اصلی این دانشگاه، تجمعی برگزار شد. مطالب مطرح شده در این تجمع بر احساسی‌تر شدن فضا افزود. اطلاعیه‌ای از سوی شورای صنعتی دانشکدهٔ حقوق در این تجمع پخش شد که در آن ۱۳ دانشجوی شهید با اسم و مشخصات معرفی شده بودند(!) عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم در این تجمع از مسئولین خواست تا جنازه‌های شهدا را تحویل دهند و امنیت تشییع جنازهٔ آنان را هم تأمین نمایند و این در حالی بود که شورای عالی امنیت ملی به عنوان

☞

مذهبی ـ در نامه‌ای از زندان به دختر خود، به این امر اعتراف می‌کند و می‌نویسد: «اگر مردم بفهمند که من به یک جوان [به ظاهر] حزب اللهی پول دادم تا در جهت مقاصد و نیات من عمل کند ... آیا برای من آبرویی باقی می‌ماند.» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۳ خرداد ۸۰)

۱. روزنامهٔ کیهان: ۲۷ اردی‌بهشت ۸۰، ص ۱۵.

۲. یکی از خبرنگاران روزنامهٔ زنجیره‌ای جامعه، در حالی که مست بود و برای شورشیان سخنرانی می‌کرد، توسط مأمورین امنیتی کشور دستگیر شد. جالب این که به هنگام دستگیری، علاوه بر کارت روزنامهٔ جامعه، عکسی از شاه معدوم نیز همراه وی بود! (روزنامهٔ کیهان: ۲۷ تیر ۷۸)

یک مرجع رسمی، همان روز اعلام کرد که در حادثهٔ کوی (نه بامداد ۱۸ تیر، بلکه یک شب بعد) تنها یک نفر کشته شده که آن هم یک افسر وظیفه بوده نه دانشجو!

هرچند محکوم شدن حمله به کوی دانشگاه از سوی همهٔ گروه‌های سیاسی امری پسندیده و ضروری بود، امّا شروع سوءاستفادهٔ جناحی و سیاسی از این عمل، اقدام نکوهیده‌ای بود که اندک اندک زمینه را برای سوءاستفادهٔ عناصر معاند و فرصت‌طلب مهیا کرد.

متأسفانه اظهار نظرهای برخی عناصر سیاسی و حتی مسئولینی که در کوی دانشگاه حاضر شدند، به گونه‌ای بود که نه تنها گرهی از مشکلات آشوب باز نکرد، بلکه بر تشدید بحران و احساسی شدن هر چه بیش‌تر فضا افزود. به خصوص که این اظهارات عجولانه و جهت‌دار، بلافاصله در مطبوعات تبدیل به اولین تیتر می‌شد.[1]

---

۱. روزنامه‌ها ـ از ۱۹ تا ۲۳ تیر ۷۸ ـ در ایام اغتشاش کوی، صفاتی چون «مغول، سرکوب‌گر، قلع و قمع کننده دانشجویان، وقیحانه، جنایتکار، همکاران سعید امامی، فاشیست، آدم رباهای شب، طالبان، پلیس مزدور، وحشی گران تمام عیار، قوم تاتار، قاتل جان مردم، خفاشان شب، عقبهٔ شعبان جعفری و پری اعتضادی، گارد آهنین انحصار، گارد هیتلری و نازیسم‌ها، نیروی انحصارطلب» را به نیروی انتظامی و بسیج نسبت دادند که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم :

روزنامهٔ نشاط : «حرکت خشونت بار نیروی انتظامی علیه دانشجویان، به کشته شدن چند دانشجو منجر شد.»

«حمله مغول وار نیروی انتظامی برای سرکوب، قلع و قمع و زهر چشم گرفتن از دانشجویان بود!»

«همان‌هایی که مخفیانه آدم می‌ربایند و به قتل می‌رسانند، گاهی پروژهٔ حمله و سرکوب کوی دانشگاه را هم تدارک می‌بینند .»

«گروه شبه نظامی، همراه با گارد ویژه (!) و نیروی انتظامی همه جا را آتش می‌زنند و نابود می‌کنند و هرکسی را که می‌بینند کتک می‌زنند .»

روزنامهٔ خرداد : «کتک کاری انصار، با حمایت کامل نیروی انتظامی صورت می‌گرفت .»

«نیروی انتظامی و ... با شعار یا حسین و یا زهرا دانشجویان را کتک می‌زدند .»

«نیروی انتظامی و شبه نظامیان، کوی دانشگاه را به خون کشیدند .»

«نیروی انتظامی به جای حفظ امنیت مردم، قاتل جان آنها شده است .»

«خاتمی وقتی سراغ محفل اطلاعاتی رفت تا ریشهٔ تومور سرطانی را برکند و درست در زمانی که تمام نگاه‌ها به شاه کلید متوجه شد، تاوان جراحی‌اش را در واقعهٔ حمله به کوی دانشگاه باز پرداخت . آیا به سراغ "گردان انتظامی" رفتن به منظور کشف عناصر کلیدی تاریکخانهٔ اشباح، تاوان کودتا را به دنبال ندارد ... تاریکخانهٔ اشباح

در این میان، برخی عناصر افراطی دفتر تحکیم وحدت با مطرح کردن مسائلی چون شهادت عدهٔ زیادی از دانشجویان، پرچم خونخواهی آنان را بلند نموده و با طرح شعارهای انحرافی به همین بهانه، زمینه را مهیا کردند تا عناصر فرصت‌طلب و معاند،

☞

جنایتکاران، دارای محفل اطلاعاتی و گردان انتظامی و ... است.» (اکبر گنجی)

صبح امروز: «پس از محفل اطلاعاتی، امروز نوبت محفل انتظامی است.»

«گارد آهنین، سحرگاه با میلگرد آمد» (مقاله‌ای در چندین شماره)

«نیروی انتظامی به طور پنهانی با گروه فشار متحد شده است.»

«نیروی انتظامی و انصار، به دنبال عقیم کردن جنبش دوم خرداد بودند.»

«پلیس ما فقط پاسبان صاحبان امتیازات اجتماعی خاص است.»

امّا این که «ایرنا» به عنوان خبرگزاری رسمی کشور، چه عملکردی در برابر حادثهٔ کوی دانشگاه داشته، قابل تأمل است که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

الف - روز جمعه مورخ ۱۸ تیر ۷۸ ساعت ۹/۳۹ دقیقه صبح، هنگامی که تنها چند ساعت از درگیری اولیه گذشته است، روی تلکس ایرنا می‌خوانیم: «یکی از مجروحان سهرابیان نام دارد که قهرمان تیم قایقرانی است.»

مطبوعات زنجیره‌ای و روزنامهٔ ایران این خبر را «کشته شدن سهرابیان» انعکاس دادند که حتی در بیانیه‌های تشکل‌های دانشجویی هم، نام او به عنوان یکی از کشته‌ها درج شد؛ امّا وی بلافاصله این خبر را تکذیب و توضیح داد که اصلاً شب حادثه در کوی نبوده است!

ب - همان روز ساعت ۱۴/۲۳ دقیقه ظهر، از قول دانشجویان معترض «دانشجویان شهید زنده‌اند، زنده‌اند» بر روی تلکس آمد.

ج - حدود ساعت ۱۶: «دانشجوی مبارز، شهادتت مبارک»

د - شنبه ۷۸/۴/۱۹ ساعت ۳/۰۵ بامداد، تلکس خبرگزاری به سخنان علی سجادی (عضو هیأت تحریریه نشریه ضد انقلابی پر که در خارج از کشور چاپ می‌شود) اختصاص دارد که می‌گوید: «چند تن از دانشجویان به نام‌های نعیمی، سهرابیان، یاوری و ذاکری در جریان درگیری کشته شده‌اند.»

جالب این که در همان زمان، رادیو رژیم صهیونیستی به نقل از حزب ملت ایران (که بنا بر اطلاعیهٔ وزارت اطلاعات نقش محوری در آشوب‌ها را عهده‌دار بود) اعلام می‌کند که چهار دانشجوی فوق جان باخته‌اند.

هـ - همان روز ۱۵/۱۴ دقیقه: «دانشجویان و تعدادی از مسؤولان دانشگاه تبریز با بستن بازوبندهای سیاه، با مجروحین و خانواده‌های کشته شدگان احتمالی (!) حادثه، ابراز همدردی کرده‌اند.»

و - همان روز، ده دقیقه بعد: «از تریبونی که تحصن دانشجویان در مقابل دانشگاه تهران اداره می‌شود، لحظاتی پیش اطلاع داده شد که شمار دانشجویان جان باخته به ۵ تن رسید.» و در ادامه برای سند آوردن و محکم‌تر کردن خبر (!) می‌افزاید: «گفته شده که این خبر در تماس با بیمارستان‌هایی که دانشجویان مجروح در آنها بستری هستند، دریافت شده است»! و ....

کیهان ۷۸/۴/۲۱

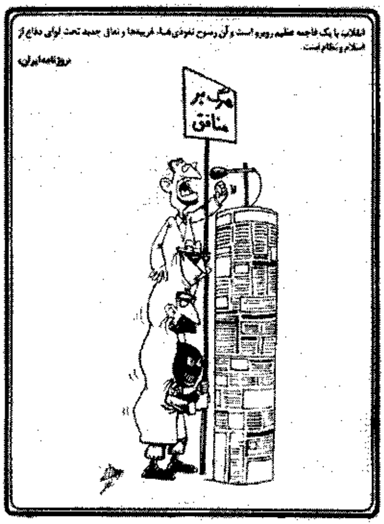

د سر ... مهاجرانی خواستار مشارکت کارشناسان و روزنامه‌نگاران در تهیه جزئیات طرح اصلاح قانون مطبوعات شد

واکنش روزنامه‌نگاران در برابر تصویب کلیات طرح مطبوعات

ایران
۷۸/۴/۱۷

مسئولان روزنامه سلام اعلام کردند: به دستور دادگاه ویژه روحانیت

روزنامه سلام توقیف شد

نگاهی به واکنش‌ها!

ایران
۷۸/۴/۱۹

بیانیه وزارت کشور درباره چگونگی تحصن دانشجویان و زد و خوردهای پریشب و دیروز

تازه‌ترین گزارشها از درگیریهای شدید خوابگاه دانشجویان

وزارت اطلاعات شکایت علیه روزنامه سلام را پس گرفت

ایران
۷۸/۴/۲۱

پسر زخمی‌ام کجاست؟

نشاط ۷۸/۴/۲۱

شبکه گروه‌های فشار در آستانه فروپاشی قرار گرفت

روزنامه‌نگاران ایران پس فردا قلم‌ها را زمین می‌گذارند

جنبش دانشجویی باید با مسالمت به اهداف خود برسد

گزارش خبرگزاری‌های فرانسه و رویتر از حوادث اخیر تهران

خرداد
۷۸/۴/۱۹

گزارش تصویری خرداد از وقایع ...

وقتی از آشوب و بلوا نتیجه ای حاصل نشد،

روزنامه فتح(۷۹/۱/۷):
اصلاح طلبی بر خلاف استبداد که حیاتش را با تحریک عواطف و تهییج عمومی پیوند زده
بقای خودش را با آرامش می‌جوید. به این دلیل همیشه در حفظ آرامش و رعایت نظم پیش قدم است(!)

رسالت ۷۸/۴/۲۷

مظفر وزیر آموزش و پرورش در گفتگو با روزنامه جمهوری اسلامی:

تیتر برخی روزنامه‌ها بوی خون می‌دهد

برخی از مسئولان در نابسامانیهای سیاسی و فرهنگی مسئولند

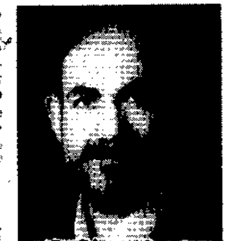

چه کسانی علیه دولت بحران می‌سازند؟!

گزارش ویژه از درگیریهای خونین در خوابگاه دانشگاه تهران

دفتر تحکیم وحدت یک هفته عزای عمومی اعلام کرد

نشاط ۷۸/۴/۱۹

خرداد ۷۸/۴/۲۰

روزنامه‌های جبهه دوم خرداد چهارشنبه منتشر نمی‌شوند

در پی وقایع خیر کوی دانشگاه تهران ابراز شد

اندوه و خشم مردم و محافل دانشگاهی

نفت و تاثیر آن بر اقتصاد

امروز ۷۸/۴/۱۹

حمله نیروی انتظامی و شبه نظامیان به تجمع اعتراض دانشجویان به توقیف سلام

* نیروی انتظامی، مجروحین حادثه را از بیمارستانهای امام خمینی و شریعتی، به بیمارستانهای ارتش و نیروی انتظامی منتقل کرد
* سخنگوی وزارت کشور: نیروهای انتظامی بدون هماهنگی با وزارت کشور با دانشجویان درگیر شدند
* وزرای کشور، فرهنگ و آموزش عالی و جمعی از نمایندگان مردم تهران در مجلس، از خوابگاه دانشجویان بازدید کردند

مدیرکل روابط عمومی وزارت کشور:

با هر گونه برخورد خشونت آمیز با دانشجویان مخالفیم

میدان را به دست گیرند. دادگاه انقلاب اسلامی، در سومین اطلاعیهٔ خود، با اشاره به اعترافات یکی از ملی‌گرایان دستگیر شده، اعلام می‌کند:

«پس از آن که گروه غیرقانونی نهضت آزادی و سازمان منافقین[۱] در اولین ساعات روز جمعه، ۱۸ تیر ۷۸ اطلاعیه می‌دهند و به دروغ اعلام می‌کنند که عده‌ای در درگیری‌های کوی دانشگاه تهران کشته شده‌اند، یکی از متهمین در جلسه جمعه شب، برای تحریک احساسات دانشجویان اعلام می‌کند: "تعداد زیادی کشته شده‌اند، لذا باید با ایجاد بحران در دانشگاه‌ها و ادامهٔ تحصن دانشجویی، انتقام کشته شدگان را بگیریم."

در همین ارتباط، نمایندهٔ ائتلاف به اصطلاح ملی ـ مذهبی به دانشگاه رفته و خواستار ادامهٔ تحصن آنها می‌شود و از دانشجویان می‌خواهد، در برابر کسانی که در خیابان‌ها سنگ‌پراکنی می‌کنند و مشغول آتش زدن هستند، موضعگیری نکنند تا آشوب‌ها ادامه یابد!»[۲]

در واقعهٔ کوی دانشگاه، به دلیل زیاده‌خواهی برخی جریان‌های سیاسی و نیز آتش بیاری برخی مطبوعات که با اخبار متناقض، شایعه پراکنی و طرح اتهامات واهی فضا را به شدت مسموم کرده بودند، عناصر معاند و فرصت‌طلب، زمینه را مهیا دیده و در نهایت از روز یکشنبه، اقدامات آشوبگرانه و براندازانه به بهانهٔ حمایت از مطبوعات و خونخواهی دانشجویان آغاز شد.

یکی از فعالان جنبش دانشجویی که در واقعهٔ کوی دانشگاه و مخالفت با قانون مطبوعات نیز حضوری فعال داشت، علی افشاری بود. او که به دلیل خصوصیات

---

۱. گروهک منافقین در ایام اغتشاشات تیر ماه، همچون همکاران داخلی خود، به شدت فعال بود! این گروهک با ارسال پیام برای هواداران مرتبط داخلی، از آنان خواست تا خود را به دانشگاه برسانند. در قسمتی از این فراخوان رادیویی آمده بود: «با درود بی پایان به دانشجویانی(!) که در کوی دانشگاه تهران، در برابر مزدوران رژیم سینه سپر کردند و صدای خشم مردم ایران(!) را به گوش همگان رساندند و با درود آتشین به دانشجویان آزاده‌ای(!) که شعار "مرگ بر استبداد" و "زنده‌باد آزادی" را سر دادند، توجه نیروهای دانشجو را به این رهنمودها جلب می‌کنیم: ... تا به دست آوردن تمامی خواسته‌های خود، دست از تحصن و اعتراض برندارید و بر خواسته‌های خود پافشاری کنید و...» (روزنامهٔ رسالت: ۲۷ تیر ۷۸)

۲. روزنامهٔ کیهان: ۲۷ اردیبهشت ۸۰، ص ۱۵.

فردی‌اش مورد توجه شخصیت‌ها و روزنامه‌های غوغاسالار قرار می‌گرفت و هر روزچون بادکنکی برای استفادهٔ بیش‌تر در او دمیده می‌شد، پس از مدتی به دلیل سخنان اهانت‌آمیز و همکاری با شبکهٔ برانداز ملی مذهبی‌ها بازداشت شد و در اعترافات خود گفت:

«نخستین موردی که به عنوان اشتباه می‌توان به آن اشاره کرد، بحث سیاست‌زدگی و عمل‌گرایی است که پس از خرداد ۷۶ تحت تأثیر استراتژی "فشار از پایین، چانه زنی از بالا" و "دو قطبی دیدن جامعه" و "اصلاح‌طلب و محافظه کار" فضای دانشگاه‌ها را محفلی برای ایجاد فشار اجتماعی قرار داد. یعنی از دانشجویان خواسته می‌شد که با عمل گرایی سیاسی و شرکت آنها در فرایند ایجاد فشار اجتماعی در جهت تحقق مطالبات حرکت کنند که این استراتژی علاوه بر این که باعث سیاست‌زدگی و سطحی‌گرایی در داخل دانشگاه‌ها شد، تبعات منفی مبنی بر ناآرامی‌های سیاسی ـ اجتماعی را در بر داشت؛ یعنی عمدتاً فضای دانشجویی با توجه به دیدگاه ایجاد فشار در تجمع‌ها و میتینگ‌ها اثر می‌گذاشت که هدف از آنها ایجاد فشار به دستگاه قضایی در خصوص فعالان مطبوعاتی سیاسی و یا حمله به گروه‌ها و اشخاص جریان محافظه کار و یا تعدیل مواضع بود که این تبعات را به همراه داشت. همچنین سبب شد که گروه‌ها و احزاب سیاسی به دانشگاه‌ها به عنوان یک باشگاه و محیطی برای تحقق منافع خودشان نگاه کنند. یعنی دانشجو و دانشگاه را به عنوان ابزاری برای کسب مقام و اهداف خودشان ببینند. به عنوان مثال، می‌توان به حادثهٔ کوی دانشگاه تهران اشاره کرد که مطالباتی از جمله تغییر فرماندهٔ نیروی انتظامی و توقف طرح اصلاح قانون مطبوعات، مسائلی بودند که احزاب به آن دامن می‌زدند.»[1]

بی‌تردید، بررسی همه جانبه و دقیق وقایع روزهای ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ تیر و فجایع و تخریب‌هایی که آشوبگران و ضد انقلاب با سوء استفاده از مسأله کوی دانشگاه تهران به وجود آوردند، در این مجال نمی‌گنجد؛ امّا این وقایع به خوبی نشان

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۲۷ اردیبهشت ۸۰، ص ۱۴.

داد که برخی جریانات سیاسی چقدر اسیر خود هستند که برای رسیدن به اهداف‌جناحی خود، زمینه را چنان فراهم می‌کنند تا وقایعی شکل بگیرد که نتیجهٔ آن را کسی جز ضد انقلاب و دشمنان نظام اسلامی درو نمی‌کنند.

روز دوشنبه ۲۱ تیر، اوج مظلومیت نظام و رهبری بود. بیانات رهبر فرزانهٔ انقلاب پیرامون حادثهٔ کوی و دلجویی ایشان از دانشجویان در حالی که آنان را به درایت سیاسی سفارش می‌نمود، فضا را به خوبی شفاف کرد. مقام معظم رهبری آن روز نکاتی را در خشت خام می‌دید که دانشجویان فعال عرصهٔ دانشگاه، آن را حتی در آینه نمی‌دیدند. رهبر انقلاب خطاب به دانشجویان فرمود:

> «حرف من به دانشجویان این است که مراقب دشمن باشید، دشمن را خوب بشناسید؛ مبادا از شناسایی دشمن غفلت کنید. غریبه‌هایی که خود را در لباس خودی در همه جا داخل می‌کنند، اینها را بشناسید؛ دست‌های پنهان را ببینید. هیچ کس به خاطر غفلت ستایش نمی‌شود. هیچ کس به خاطر چشم‌ها را بر هم گذاشتن، مدح نمی‌شود. اگر بر آدم غافل ضربه‌ای وارد شد، اول کسی که مسئول و مذموم است، خود اوست، مراقب باشید.
>
> دانشجو، قشر فاخر و باارزشی است. دشمن، دانشجو را هدف گرفته است. چند سال است سعی می‌کنند بلکه بتوانند دانشجویان را در مقابل نظام قرار بدهند، امّا موفق نشدند، بعد از این هم موفق نخواهند شد. اگر یک عده نفوذی خواستند از فرصتی استفاده کنند و از آب گل‌آلودی ماهی بگیرند، وارد اجتماع دانشجویان شدند و شعارهایی درست کردند و حرف‌هایی زدند، خیال نکنند که ما اشتباه خواهیم کرد؛ نه، ما اشتباه نخواهیم کرد! ما مخاطب و طرف خودمان را می‌شناسیم. دانشجو، فرزند ماست، متعلق به ماست، متعلق به این کشور است. دشمن است که می‌خواهد با دانشجو یا با نام نفوذ در میان دانشجویان، فساد و تباهی کند، خود دانشجویان بایستی هوشیارانه متوجه باشند.»[1]

این هشدار پدرگونه مقام معظم رهبری به دانشجویان از آن رو بود که تشکل‌های

---

۱ . روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۲۲ تیر ۷۸، ص ۳.

توسعه سیاسی، بدون تبیین صحیح شعارهای آن برای دشمنان فرصت و برای نظام اسلامی بحران آفرید تا این که ...

جمهوری اسلامی
۷۸/۴/۲۲

رهبر انقلاب:
دشمن، امنیت ملی ما را هدف گرفته است
همه باید هوشیار باشند

دشمنان بدانند که خواب سرکشی آمریکا که این کشور خوابی پریشان و غیرقابل تعبیر است

تظاهرات غیرقانونی دیروز تهران
به آشوب و تخریب انجامید

رسالت

وزیر اطلاعات

سیاست تبدیل مخالف به موافق کار حکومت است نه گروههای سیاسی که برای رای جمع کردن دست به این کار می‌زنند

۷۸/۵/۲۶

کیهان
۷۸/۴/۲۳

مینویه: برای دفاع از حریم انقلاب و آرمانهای امام به خیابانها ریختند

پاسخ امروز ملت به آمریکا و ضد انقلاب
در کنار رهبر تا آخر ایستاده‌ایم

تهران به پاخاست

ملت و دولت باید عرصه را بر عناصر مزدور و خود فروخته

مردم فقط با اشاره رهبر خود در ۲۳ تیر ۷۸ حماسه‌ای دیگر آفریدند.

جمهوری اسلامی
۷۸/۴/۲۴

ملت، فتنهٔ دشمنان انقلاب را عقیم کرد

حضور میلیونی مردم در خیابان‌ها برای دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه، مطبوعاتی را که چند روز به تحریک و تشویق آشوب طلبان پرداخته بودند به خشم آورده بود، عکس‌های گزینشی و تیترهای مبهم گویای این واقعیت بود.

ایران
۷۸/۴/۲۴

شماری از نمایندگان و شخصیت‌های سیاسی اعلام کردند

تشنج آفرینان، اصالت حرکتهای دانشجویی را مخدوش می‌کنند

صبح امروز با انتخاب این عکس که نمای اصلی آن یک "مشت" است و چند عکس جهت دار دیگر در صفحه آخر حضور مردم را زیر سئوال برد!

دانشجویی همواره مورد طمع گروه‌ها و احزاب سیاسی بوده‌اند و متأسفانه، در بسیاری از موارد، ساختار فکری و روحی آنها میدان سوء استفاده را برای احزاب طمع کار باز گذارده است. پتانسیل قوی دانشجویی در کشور، علی القاعده هر جریان فکری را به هوس می‌اندازد تا از این نیرو که به زعم آنها سهل الوصول هم هست، بهره گیرد.

سوگمندانه باید گفت که در واقعهٔ کوی دانشگاه، دانشجویان نیز به وسیله‌ای در دستان سیاست‌بازان روزگار تبدیل شدند. سیاست‌بازانی که بعدها پس از استفادهٔ کامل از جنبش‌های دانشجویی، آنان را از پرداختن به کارهای سیاسی بازداشتند و جنبش دانشجویی را حرف مفت دانستند![1]

برخی احزاب و گروه‌ها از یک سوی با حمایت از تشکل‌های دانشجویی خاص و از طرف دیگر با مبارزه با ایجاد تشکل‌های جدید دانشجویی، سعی کردند توان و قوت دانشجویان کشور را در یک گروه متمرکز کنند. هدف آنها نیز از این موضوع کاملاً روشن بود. به این ترتیب که هم اداره کردن یک تشکل خودی! برای آنها ساده‌تر بود و هم اگر احیاناً همین تشکل خودی قصد سرپیچی داشت، به راحتی حذف می‌گردید![2]

---

۱. سعید حجاریان، عضو شورای مرکزی جبههٔ مشارکت که در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه امیر کبیر سخن می‌گفت، ـ دو سال پس از واقعهٔ کوی دانشگاه ـ اظهار داشت: «ترجیح می‌دهم از واژهٔ جنبش دانشجویی استفاده نکنم، چراکه چنین چیزی در ایران وجود ندارد و پشت آن هیچ گونه تئوری‌ای وجود ندارد؛ لذا جنبش دانشجویی حرف مفت است ... من پیشنهاد می‌کنم دانشجویان یک مقدار درنگ کنند و مدتی غیر سیاسی شوند و به بحث‌های تئوریک بپردازند.» (روزنامهٔ رسالت: ۹ مرداد ۸۰، ص ۳)

۲. حدود دو سال پس از هشدارهای رهبر انقلاب در خصوص ابزاری شدن تشکل‌های دانشجویی و سوءاستفاده‌های حزبی از آنان، اندک اندک این مشکل ظهور بیش‌تری پیدا کرد و اختلافات پشت پردهٔ آن علنی شد. دفتر تحکیم وحدت که یکی از تندروترین تشکل‌های دانشجویی در سال‌های اخیر بود به دلیل سیاست‌زدگی و گروکشی گروه‌های سیاسی تا مرز فروپاشی رسید.

شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی در واکنش به اختلافات داخلی دفتر تحکیم بیانیه‌ای صادر کرد که در واقع اعتراف به این شکست بود:

«چهار سال پیش خاتمی آمد و نغمهٔ قانونمندی و آزادی مردم، قلم و مطبوعات سرداد ... هر کس دم از خاتمی زد دوست انگاشتیم و به خانه ملتمان راه دادیم و کرسی‌های وزارت بدانها بخشیدیم و گناه هر کوتاهی را به گردن دیگری انداختیم. ولی حالا دیگر نمی‌توانیم! حال که می‌بینیم همان‌ها که پا بر دوش ما نهادند و بالا رفتند، بر ما

آن روز نفس قدسی رهبر انقلاب، باعث شد تا عدهٔ زیادی از دانشجویان معترض، صف خود را از معاندین و فرصت‌طلبان جدا نمایند و عملاً صحنهٔ آشوب‌ها از حضور دانشجویان خالی شد و مشخص گردید که آشوبگران تنها نام دانشجو را یدک می‌کشیدند.

عصبانیت رادیوهای خارجی

متأسفانه برخی از شخصیت‌ها، احزاب و روزنامه‌های کشور در حالی تمام توان خود را برای جلوگیری از تصویب این طرح به کار گرفته بودند که مسئولان و رادیوهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی نیز در یک همسویی آشکار، رسماً از تصویب این طرح اظهار ناراحتی می‌کردند. رادیو آمریکا که از حرکت خلاف قانون روزنامهٔ «سلام» ذوق زده شده بود، آن را یکی از شجاعانه‌ترین کارهای مطبوعاتی در طول ۲۰ سال گذشته خواند.[۱] رادیو اسرائیل نیز با تمجید از این تخلف قانونی، این اقدام را یک نمونهٔ کلاسیک از افشاگری ژورنالیستی تلقی کرد و اعلام نمود که این حرکت موجی از اعتراض را به همراه خواهد داشت.[۲]

☞

لگد می‌زنند، دیگر نمی‌توانیم سکوت کنیم. حال کسانی که دم از مشارکت می‌زدند و ما را بیش از آن که وزیر و وکیل شوند در کارها مشارکت می‌دادند، دیگر نیازی به ما نمی‌بینند و ترجیح می‌دهند که ما دیگر کار سیاسی نکنیم.

آنانی که زمانی پوسترهای تبلیغاتی‌شان در اتاق‌های انجمن‌های اسلامی چاپ می‌شد، حال که دیگر خود را تثبیت شده می‌یابند، بی‌پروا و گستاخ دست به انحلال انجمن می‌زنند و ما درد این نامردمی را در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی حس کرده و در تحکیم وحدت به عینه مشاهده می‌کنیم

خنجری که اینک بر پشتمان فرود می‌آید، دیگر نمی‌توانیم از آنِ راست، انصار و محافظه کار بدانیم. این خنجری است که خود ساخته‌ایم و برای دفاع از حق ملت به دست دوست نمایان داده‌ایم. اکنون که انجمن‌های اسلامی را برای پست‌های بادآورده خود مضر و خطرناک می‌بینند، کمر به فروپاشی آن بسته‌اند. صدور مجوزهای غیر قانونی و پیاپی از هیأت‌های نظارت دولت دوم خردادی را با هیچ رنگ و لعابی نمی‌توان توجیه کرد ...»

(روزنامهٔ کیهان: ۱۴ شهریور ۸۰، ص ۲)

۱. روزنامهٔ کیهان: ۱۹ تیر ۷۸، ص ۲.

۲. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۷ تیر ۷۸، ص ۲.

رادیو آمریکا چنان به تیتر روزنامهٔ «سلام» دلخوش کرده بود که می‌پنداشت این روزنامه توانسته بر نتیجهٔ رأی‌گیری مجلس در روز بعد تأثیر گذاشته و نظر نمایندگان را به سوی رأی منفی (رأی مطابق با خواستهٔ سیاستمداران آمریکایی) تغییر دهد!

بی.بی.سی، رادیوی استعمار پیر انگلیس نیز با همین امیدواری در حالی که می‌کوشید تصمیم نمایندگان را جناحی و سیاسی نشان دهد، اعلام کرد که جناح راست موفق نخواهد شد این طرح را از تصویب مجلس بگذارند.[1]

مجلس شورای اسلامی امّا، به وظیفهٔ قانونی خود عمل کرد و با درک حساسیت زمان در پاسخ به تلاش رادیوهای خارجی و سردمداران آنان، به محافظت از نظام اسلامی رأی مثبت و به دشمنان انقلاب رأی منفی داد. رادیوهای بیگانه که در طول این مدت تمام سعی خود را برای عدم تصویب این طرح بکار گرفته بودند، دچار یک شوک ناگهانی شدند. رادیو آمریکا با دستپاچگی اعلام کرد:

«رأی غیر منتظره بود، غیر منتظره! نه فقط به دلیل آن که نامهٔ افشا شدهٔ منسوب به سعید امامی که از ایدهٔ اصلاح قانون مطبوعات حمایت کرده بود، روز گذشته در بین نمایندگان پخش شد؛ بلکه غیر منتظره به دلیل تلاش‌های وسیعی که مخالفان طرح مذکور از هفته‌ها پیش آغاز کرده بودند و انواع تدابیر را بکار بسته بودند تا طرح رأی نیاورد ...»

رادیو آمریکا که همراه با سایر رادیوهای بیگانه مخصوصاً رادیو اسرائیل، از مدت‌ها قبل نسبت به تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات شدیداً ابراز نگرانی کرده بود، در برنامهٔ پنج شنبه شب خود با پخش مطلب فوق و ابراز تأسف از این که تمامی آن تلاش‌ها بی‌فایده بوده است، گفت:

«امّا هیچ کدام از این تدابیر کارگر نیفتادند و کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات به تصویب رسید.»[2]

---

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۷ تیر ۷۸، ص ۲.

۲. روزنامهٔ کیهان: ۱۹ تیر ۷۸، ص ۲.

روزنامه ایران،سخن پراکنی های رادیوهای خارجی را بدون هیچ گونه نقدو تحلیلی به چاپ می رساند. آیا وظیفه روزنامه خبر گزاری جمهوری اسلامی ایران این بود؟!

تقدیر رادیو آمریکا و رادیو رژیم اشغالگر قدس از اقدام روزنامهٔ «سلام» و چند روزنامهٔ دیگر مدعی جامعهٔ مدنی در حالی بود که انتشار دهندگان نامهٔ منسوب به سعید امامی، ظاهراً فراموش کرده بودند که بخش مربوط به مخالفت نویسندهٔ نامهٔ مذکور با طرح اصلاح قانون مطبوعات را حذف کنند، چرا که علی رغم جنجال مشترک رادیوهای بیگانه و روزنامه‌های یاد شده، در نامهٔ مذکور به صراحت با طرح اصلاح قانون مطبوعات مخالفت شده و آمده بود: «اصلاح قانون مطبوعات فعلی، جوابگوی نیاز کنونی و دسیسه‌های موجود نیست ...»

نه ماه پس از تصویب کلیات طرح اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، وقتی نوبت به رسیدگی جزئیات طرح رسید، مجدداً فعالیت رادیوهای بیگانه آغاز شد. رادیو آمریکا، پس از تصویب طرح گفت: «مجلس در دست افراطیون، قسمتی از "قانون شاق مطبوعات" را تصویب کرد.»[1]

خبرگزاری رویتر، حرکت قانونی مجلس در جلوگیری از نفوذ بیگانگان را «سرکوب شدید مطبوعات» خواند و اظهار عقیده کرد که مجلس و قوهٔ قضائیه، مطبوعات را مسئول نمایش ضعیف آنها در انتخابات می‌نامید.[2]

بی.بی.سی، این قانون را اعلام حکومت نظامی برای مطبوعات دانست![3] و نشریهٔ «لیبراسیون» برخورد قاطعانه مجلس و قوهٔ قضائیه با بلندگوهای دشمن را کودتای خزنده نماید.[4]

نکتهٔ قابل توجه، همکاری روزنامهٔ دولتی «ایران» با رادیوهای خارجی در انعکاس این تحلیل‌ها بود. این روزنامه در طول مدتی که طرح قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی بود، در صفحهٔ آخر خود ـ ستون دیگه چه خبر ـ مطالب هر شب رادیوهای خارجی را بدون هیچ تحلیلی ارائه می‌کرد!

---

۱. روزنامهٔ ایران: ۲۵ فروردین ۷۹، ص ۱۶.

۲. همان: ۲۴ فروردین ۷۹، ص ۱۶.

۳. همان: ۱ اردیبهشت ۷۹، ص ۱۶.

۴. همان: ۸ اردیبهشت ۷۹، ص ۱۶.

البته نمی‌توان تمام موضعگیری‌ها و اظهارنظرهای آن ایام را به حساب جو سازی، غوغاسالاری و همنوایی با دشمن نهاد. حتی نمی‌توان تمام اشکالات مطرح شده در خصوص اصلاحیه را غلط و نادرست دانست، چرا که برخی از اشکالات مطرح شده صحیح و بجا بود و حتی در شور دوم نمایندگان نیز رأی نیاورد و به تصویب نرسید.[۱]

در طول مدتی که بحث اصلاح قانون مطبوعات در مجلس مطرح شد، تا زمان تصویب آن ـ که ۱۰ ماه طول کشید ـ اظهار نظرهای بسیاری در مخالفت با این اصلاحیه از طرف نمایندگان مخالف، دولت، وزیر ارشاد و انجمن‌های سیاسی مطبوعات ـ که ادعای صنفی بودن می‌کردند ـ مطرح شد.

متأسفانه، اکثر مخالفت‌های به عمل آمده، از انگیزه‌های ناصواب حزبی و سیاسی ناشی می‌شد و به هیچ وجه بر اساس مصالح نظام و خطراتی که کشور را تهدید می‌کرد، نبود.

اکنون، پیش از مطالعهٔ سخنان نمایندگان و شخصیت‌های مخالف و موافق اصلاحیه، لازم است ابتدا نگاهی داشته باشیم به رئوس مطالب و مواد پیشنهادی آنان در اصلاحیه و همچنین رئوس اشکالات مطرح شده در این خصوص.

فهرست مواد پیشنهادی در اصلاحیه قانون مطبوعات

قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ از شش فصل تشکیل شده بود که عناوین آنها عبارت بودند از: «تعریف مطبوعات، رسالت مطبوعات، حقوق مطبوعات، حدود مطبوعات، شرایط متقاضی، مراحل صدور پروانه و جرایم.»

مطابق طرح اصلاحیه قانون مطبوعات، در برخی از فصل‌های فوق، تغییراتی داده می‌شد و همچنین دو فصل «هیأت منصفه مطبوعات و متفرقات» ـ مشتمل بر

---

۱. مانند «لزوم افشای منبع خبر» که بسیاری از معترضین ـ از جمله وزیر ارشاد ـ در مصاحبه‌ها و مقالات متعدد از آن اظهار نارضایتی می‌کردند و نهایتاً مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفت.

یازده ماده و ده تبصرهٔ دیگر ـ به آن اضافه می‌شد.

مهم‌ترین نکات طرح اصلاحیه قانون مطبوعات، در این سرفصل‌های خلاصه می‌شد:

۱ . حکم انفصال از خدمت موقت یا دائم کسانی که درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآیند.

۲ . مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است.

۳ . اضافه شدن دو مورد «انتشار مطلب علیه قانون اساسی و پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب» به مصادیق اخلال در مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی.

۴ . ممنوعیت و جرم بودن استفادهٔ نشریات از کمک‌های خارجی مستقیم و غیرمستقیم، بدون اطلاع وزارت ارشاد.

۵ . جرم بودن واگذاری نشریه به غیر، اعم از قطعی، شرطی یا اجاره، بدون تصویب هیأت نظارت.

۶ . اضافه شدن شرط «پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی» برای متقاضی امتیاز روزنامه.

۷ . تعیین مراجع ذی صلاح که هیأت نظارت موظف است از آنان استعلام نماید و تعیین وقت معین (دو ماه) برای پاسخگویی مراجع تعیین شده.

۸ . مسئولیت سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم مطبوعاتی دخالت داشته‌اند، علاوه بر مدیر مسئول.

۹ . ممنوعیت فعالیت مطبوعاتی هواداران و اعضای گروه‌های ضدانقلاب و گروه‌های غیر قانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی، به جرم اعمال ضد انقلابی.

۱۰ . اضافه شدن یکی از اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم و یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در هیأت نظارت.

۱۱ . تعیین وزیر ارشاد به عنوان رئیس هیأت نظارت و قطعی بودن تصمیمات

این هیأت.

۱۲ . تغییر «حق لغو امتیاز» هیأت نظارت به «توقیف موقت».

۱۳ . تعیین صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی، بر اساس نحوه ارتباط جرم و مجرم با دادگاه، به شرط علنی بودن و حضور هیأت منصفه.

۱۴ . تعیین مجازات برای برخی از جرائم.

۱۵ . اختصاص یک فصل به هیأت منصفه که بر اساس آن ابهامات قانونی اختیارات این هیأت برطرف می‌شد.

۱۶ . اضافه شدن رئیس سازمان تبلیغات و نمایندهٔ شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، به جمع سه نفرهٔ رئیس دادگستری، رئیس شورای شهر و وزیر ارشاد برای انتخاب هیأت منصفه.

فهرست اشکالات مخالفان اصلاحیه

با مروری بر سخنان مخالفان اصلاحیه ـ به خصوص اشکالات مطرح شده از طرف نمایندگان مخالف در روز رأی‌گیری و سخنان وزیر وقت ارشاد اسلامی، در می‌یابیم که تنها حربهٔ آنان کلی گویی و جو سازی علیه قانون بوده است و به هیچ وجه این افراد، حاضر به پرداختن صریح و روشن به اشکالات قانونی طرح نبودند.

آنچه از میان مجموعهٔ سخنان این افراد به عنوان اشکالات اصلاحیه مطرح می‌شد، موارد زیر است:

۱ . این طرح سیاسی است و با شتابزدگی تهیه شده است.

۲ . دست اندرکاران مطبوعات و وزارت ارشاد در تهیهٔ آن نقشی نداشته‌اند و با آن موافق نیستند.

۳ . برخی از مواد این طرح با اصول قانون اساسی مخالف است. (اصولی که ذکر شده عبارتند از اصل‌های ۲۰ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۵۳ ، ۱۶۸ و ۱۶۹)

۴ . بر اساس این اصلاحیه، اختیارات وزارت ارشاد تقلیل یافته و نقش هیأت

نظارت تقویت شده است.

۵. در این طرح برخی از شهروندان ممنوع القلم شده‌اند.

۶. اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، نهاد روحانیت را در برابر مطبوعات قرار داده است.

۷. با این قانون نه تنها رفع ابهام نشده، بلکه بر ابهامات آن افزوده شده است.

۸. این طرح مخل امنیت ملی است.

۹. این طرح برای مخالفت با سیاست‌های فرهنگی، سیاسی دولت آقای خاتمی است.

۱۰. در این اصلاحیه، آزادی‌های مشروع، محدود شده است.

بازخوانی اشکالات اصلاحیه از نظر مخالفان

موارد ذکر شده، نکاتی است که با مرور سخنان مخالفان اصلاحیه به دست می‌آید. در ادامهٔ بحث، با ذکر سخنان آنان، قضاوت در این خصوص را به خوانندگان می‌سپاریم:

۱. شعبان شهیدی مؤدب (معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد):

«اگر قرار باشد که محدودیت‌های قانون جدید، بیش از حقوق آن باشد، جامعهٔ مطبوعات به هیچ وجه آن را نخواهد پذیرفت... احضار مدیران مسئول روزنامه‌ها به دادگاه مطبوعات به دلیل اهمیت و نشاط و سرزندگی مطبوعات است.»[1]

۲. محمد رضا زهدی (مدیر مسئول روزنامهٔ آریا):

«یک تفکر در جامعه می‌خواهد از طریق اصلاح قانون مطبوعات، یک سری محدودیت‌ها را بر مطبوعات اعمال کند... چرا بعد از گذشت سیزده سال از تصویب قانون مطبوعات، در شرایط فعلی و به طور ناگهانی، تغییر این قانون مطرح شده است.»[2]

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۳ خرداد ۷۸، ص ۱.

۲. همان: ۱۸ خرداد ۷۸، ص ۲.

بیان

۷۹/۱/۲۳

قانون جدید مطبوعات؛ تهدید وحدت ملی

رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران: دور جدید حمله به مطبوعات پرده جدیدی از بحران‌سازی مخالفان دولت است

بورقانی: برخوردهای اخیر با روزنامه‌نگاران این تصور را ایجاد می‌کند که عده‌ای نمی‌خواهند در جامعه آرامش باشد

منتجب‌نیا: مخالفان اصلاحات با هدف قطع رابطه مردم و جریان دوم خرداد به مطبوعات حمله می‌کنند

۷۹/۱/۲۸

در گفت‌وگو با ... امروز عنوان شد

طرح اصلاح قانون مطبوعات با رشد فکری و اندیشه مخالف است

این طرح با قانون اساسی تعارض جدی دارد

در پاسخ به متحصنین قم

آریا • ۷۹/۱/۳۰

مهاجرانی:

مجلس ششم موارد محدودکننده آزادی مطبوعات را مجدداً اصلاح می‌کند

وزیر ارشاد گفت: متاسفانه جهت و روند بررسی طرح اصلاح قانون مطبوعات، در مجلس شورای اسلامی به سمت محدود کردن مطبوعات است.

به گزارش ایرنا، عطاءالله مهاجرانی دیروز در پاسخ به سئوالی درباره مصوبات روز گذشته مجلس افزود: توجهی که از قبل بود اینک تبدیل به یک واقعیت شد و عملاً ... معطوف محدود ... پیش رفت ... مسئول شناخته ... با اشخاص دیگر ... کار می‌کنند که ...

تصویب شد.

وی در جمع خبرنگاران پارلمانی خاطرنشان کرد: گمان می‌کنم که این امر می‌تواند امور مخاطره‌آمیزی باشد که ان‌شاءالله با حسن تدبیر می‌توان جبران کرد.

مهاجرانی با اشاره به اینکه این قانون در آخرین روزهای عمر مجلس پنجم در حال تصویب است افزود: به نظر من هیچ دلیلی ابدی نیست ... می‌کند ...

آریا • ۷۹/۱/۳۰

با بی‌اعتنایی تمام به افکار عمومی، سوالات ... مطبوعات

مجلس پنجم گام به گام آزادی مطبوعات را محدودتر می‌کند

بدون اعلام دلایل و مدارک

مجلس پنجم، فعالیت مطبوعاتی ضد انقلاب و دریافت کمک از خارج را ممنوع و به شرایط متقاضی نشریه، شرط "پایبندی و التزام به قانون اساسی" را اضافه کرد. آیا با این قانون وحدت ملی تهدید شد و مطبوعات محدودتر شدند؟!

۷۹/۱/۲۵

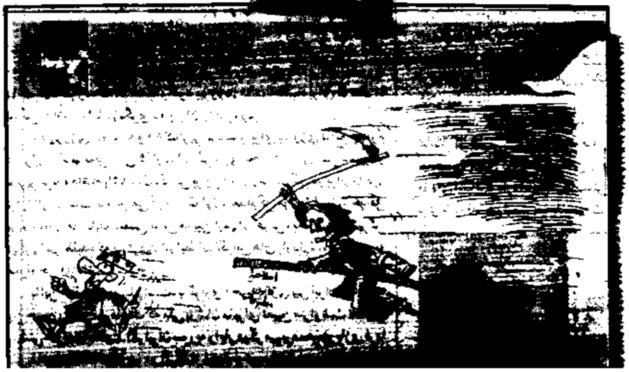

نمونه‌ای دیگر از احترام مدعیان قانون‌گرایی و حفظ حرمت مجلس، نسبت به نمایندگان مردم و خانهٔ ملت!

۳. سعید حجاریان (مدیر مسئول روزنامهٔ صبح امروز):

«مطبوعات تا انتخابات مجلس ششم، گردنه‌های سهمگینی را پیش‌رو دارند، گردنه‌هایی که عبور از آنها بدون حمایت دولت، امکان‌پذیر نیست. دولت باید از مطبوعات حمایت کند؛ چرا که با مرگ هر روزنامه، زمینهٔ انتشار شب نامه‌ای فراهم می‌شود... این طرح از روح دادگاه مطبوعات که در قانون اساسی به صورت اختصاصی به آن اشاره شده است، فاصله دارد... در قانون اساسی، غیر از محاکم عمومی، محکمه‌های نظامی و رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی هم پیش‌بینی شده است. قانونگزار قانون اساسی، برای مشروعیت محاکم رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی دو شرط قائل شده است: اول این‌که علنی باشد و دوم این‌که در حضور هیأت منصفه، به عنوان نماینده وجدان عمومی برگزار شود.

متأسفانه در طرحی که پیشنهاد شده، ترکیبی که هیأت منصفه را تعیین می‌کند، سمت گیری سیاسی خاصی را به ذهن متبادر می‌کند. طراحان این طرح پیش‌بینی کرده‌اند که اگر به هر دلیلی در خصوص ترکیب هیأت منصفه توافق نشد، رئیس دادگستری تهران، رأساً اقدام به تشکیل هیأت منصفه خواهد کرد. هیأت منصفه‌ای که توسط یک مرجع قضایی تعیین شود، قطعاً با افکار و وجدان عمومی فاصله بسیار دارد(!) قانون کنونی مطبوعات دارای نواقصی است؛ امّا اگر قرار باشد اصلاحات مورد نظر به لحاظ محتوایی و سمت گیری خلاف جریان آزاد اطلاعات باشد، طبعاً قانون ناقص فعلی را بر یک قانون شِبه کاملی که به محدودیت‌های بیش‌تری می‌انجامد، ترجیح می‌دهیم.»[1]

۴. علی اصغر هادی زاده (مخبر کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی):

«وی در ابتدا از امضا کنندگان طرح بود، لکن بعداً امضای خود را پس گرفت و در مجلس ششم از مدافعان اصلاحیهٔ مجلس ششم شد ـ:

طرحی که ارائه شده، تنها به دو ـ سه مورد از مسائل مطبوعات می‌پردازد، در حالی که اینها همه مشکل مطبوعات ما نبوده است... با احضار خبرنگار به دادگاه به خاطر

---

۱ . روزنامهٔ صبح امروز: ۱۸ خرداد ۷۸، ص ۲.

نوشته‌هایش مخالفم، چرا که با این کار، امنیت خبرنگاران از بین می‌رود.»[1]

۵. غلام حیدر ابراهیم بای سلامی (نمایندهٔ خواف و رشتخوار):

«طرح اصلاح قانون مطبوعات به نوعی محدود کردن آزادی و مغایر با اصول قانون اساسی است... این طرح به دنبال مقید کردن بیش از حد مطبوعات و نوعی تهدید برای آزادی بیان است و چنین طرحی با شعارهای اولیه انقلاب و آزادی اندیشه و بیان مغایرت دارد.»[2]

۶. قاسم رمضان پور نرگسی (نمایندهٔ مردم صومعه سرا):

«حضرت امام(ره)، مقام رهبری و شورای سیاست گذاری ائمه جمعه، همواره بر بی‌طرفی نهادهای مقدسی، مانند حوزهٔ علمیه یا ائمه جمعه تأکید داشته‌اند. لذا نباید پای آنها را به جریاناتی که در آینده احتمال بهره‌برداری جناحی از آنها می‌شود، وارد کنیم. این عمل به ضرر جامعه تمام خواهد شد.»[3]

۷. شعبان شهیدی مؤدب (معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد):

«طرح اصلاحی قانون مطبوعات از سوی جمعی از نمایندگان مجلس، نشان می‌دهد که بحث مطبوعات از غوغاسالاری به قانونگرایی هدایت شده است... قانون فعلی مطبوعات که در زمان حیات پربرکت امام راحل و دوران ریاست جمهوری رهبر معظم انقلاب و وزارت آقای خاتمی در زمان جنگ تدوین شده، یادآور حمایت امام راحل از آزادی و پیام‌آور دفاع مقدس است که به خوبی نیز کارآیی خود را نشان داده است. وجود هیأت منصفه مستقل و مصونیت قانونی خبرنگاران و نویسنده، از افتخارات قانون مطبوعات است و سپردن رسیدگی علنی به تخلفات و جرایم به دادگاه مطبوعات، بر ارزش آن افزوده است.

علت استقبال ما از این طرح اصلاحی، از این جهت است که می‌پنداریم نمایندگان مجلس ـ که اخیراً اکثریت آنان به سیاست‌های فرهنگی دولت خاتمی رأی مثبت

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۸ خرداد ۷۸، ص ۳.

۲. همان.

۳. همان.

داده‌اند ـ پیام دوم خرداد را دریافته‌اند و در نظر دارند حدود قانونی زمان جنگ را به حقوق فراگیرتر زمان ثبات و اقتدار جمهوری اسلامی تبدیل کنند.

از طرح اصلاحی به خاطر شایعه امام زدایی در سال امام استقبال نمی‌کنیم، بلکه استقبال ما از این زاویه است که مردم در آستانهٔ انتخابات مجلس ششم، به خانهٔ ملت چشم دوخته‌اند و نظاره می‌کنند که نمایندگان مطبوعات آزاد و مستقل و آزادی بیان را که دست پر مهر امام بر بالای آن چتر حمایتی گسترده است، چگونه پاس خواهند داشت.»[۱]

۸. عباس عبدی (روزنامه‌نگار و عضو شورای سردبیری روزنامهٔ سلام):

«کسانی که طرح "تخریب" قانون مطبوعات را به مجلس داده‌اند، آزادی را اعطایی قدرت می‌دانند و همان‌گونه که طرح اصلاح قانون مطبوعات را به مجلس داده‌اند، می‌توانند آن را پس بگیرند... این تفکر نگاهش به جامعه، نگاه قیمومیت است و خودشان را عین حقیقت می‌دانند و آزادی که می‌دهند، معطوف به این حقیقت است.»[۲]

۹. قربانعلی قندهاری (نمایندهٔ مردم گرگان و عضو شورای مرکزی حزب همبستگی):

«در این که رفتار مطبوعات باید قانونمند باشد، تردیدی وجود ندارد؛ امّا طرح موجود برای اعمال محدودیت‌های غیر ضروری بر مطبوعات است و عقلانیت فرهنگی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»[۳]

۱۰. یدالله اسلامی (معاون پارلمانی وزیر بهداشت و مدیر مسئول روزنامهٔ فتح):

«با نگاه مجدد به قانون مطبوعات فعلی و کارکرد آن، فکر می‌کنم این قانون در مقام اجرا مشکل زیادی ایجاد نمی‌کند و برخورد با تخلفات مطبوعاتی با همین قانون امکان پذیر است. قانون اساسی، بررسی جرایم مطبوعاتی و عادی را مشخص کرده است. بر اساس اصل ۱۶۸ قانون، جرم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه‌های

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۹ خرداد ۷۸، ص ۲.

۲. همان: صفحهٔ آخر.

۳. همان.

دادگستری با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود. بر این اساس؛ قانون، وجدان عمومی، یعنی هیأت منصفه را ناظر دانسته و ترکیب هیأت منصفه نیز به گونه‌ای است که وجدان عمومی بر مجرم بودن یا نبودن یک مقوله نظر می‌دهد. همچنین دادگاه بر اساس قانون حکم می‌کند.»[1]

۱۱. سید عبدالواحد موسوی لاری (وزیر کشور):

«اصلاح قانون مطبوعات، چنانچه منجر به محدودیت بیش‌تر مطبوعات گردد، از رشد و بالندگی مطبوعات می‌کاهد و برای جامعه نیز مفید نیست... هر طرحی که در رابطه با مطبوعات تصویب می‌شود، باید برای حل مشکلات رسانه‌ها و مطبوعات گام بردارد... مطبوعات کشور ما عمدتاً توسط مدیران شایسته اداره می‌شوند و نیاز به حمایت و توجه بیش‌تر دارند.»[2]

۱۲. ابراهیم پیرنعمتی (نمایندهٔ مردم اردبیل):

«طرحی که از سوی برخی نمایندگان در مورد اصلاح قانون مطبوعات ارائه شده، نارساست. در ارائه این طرح، به اندازهٔ لازم کارشناسی صورت نگرفته و مسلّماً این طرح ایجاد کنندهٔ یک فضای مطلوب مطبوعاتی برای جامعه نیست... با این‌که قانون فعلی مطبوعات دارای نقایصی است، امّا نسبت به طرح ارائه شده جامع و مقبول‌تر است... متأسفانه پیشنهاد دهندگان طرح اصلاح قانون مطبوعات از نظرات جمیع افراد و ارگان‌های فرهنگی استفاده نکرده‌اند.»[3]

۱۳. شعبان شهیدی مؤدب (معاون مطبوعاتی ارشاد) در جمع اصحاب مطبوعات شیراز:

«قانون مطبوعات [سال ۶۴] به صورت تساوی برای همه تا زمانی که قانون است، اجرا می‌شود و اگر نظارتی توسط خود مطبوعاتی‌هاست که قسمتی از وظایف ماست. جامعهٔ مطبوعاتی ما جامعه‌ای انقلابی، متعهد و مسلمان و با فرهنگ است و اگر خود آنها بر کار خودشان نظارت داشته باشند، خودشان راحت‌تر هستند و نظارت بر سطر،

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۹ خرداد ۷۸، صفحهٔ آخر.
۲. همان: ۲۲ خرداد ۷۸، ص ۱۲.
۳. همان: ۲۹ خرداد ۷۸، ص ۳.

سطر مطالب منظور ما نیست.

اگر قانون فعلی مطبوعات خوب است و اصلاحیه ارائه شده خوب نیست، به نمایندگانتان که با شما رابطه دارند، بگویید و از آنها بخواهید که به اصلاحیه رأی ندهند. البته ما قوهٔ مجریه هستیم و دخالتی در قوهٔ مقننه نداریم... طرح ارائه شده توسط بیست نفر، مغایر با قانون اساسی است... قانون اصلاحیه مطبوعات، قانون فعلی را نمی‌پیراید... محدود کردن مطبوعات با توجه به اصلاحیه، خطرناک است.»[1]

۱۴ـ جعفر گلباز (نمایندهٔ طالقان و ساوجبلاغ):

«اصلاح قانون مطبوعات بر اساس دیدگاه جناحی و خطی است و با همین دیدگاه هم پیگیری می‌شود و عده‌ای می‌خواهند مطبوعات را در چارچوب مورد پسند خود درآورند. این طرح موجب می‌شود، توجه به رادیوهای بیگانه، ماهواره‌ها و اخبار محفلی شکل بگیرد. لذا این طرح مخل امنیت ملی است.»[2]

۱۵ـ علی باغبانیان (نمایندهٔ نطنز):

«این طرح در واقع یک قانون جدید است، نه اصلاحیه. با توجه به این‌که من در کمیسیون ارشاد هستم و قانون قبلی را هم کاملاً مطالعه کرده‌ام، آن را بدون عیب و ایراد نمی‌دانم؛ امّا اشکالات آن در حدی نیست که قانون جدید ارائه شود... چرا این طرح از طرف مجلس باشد؟ وزارت ارشاد مدافع مطبوعات است و طبیعی است که در جهت گسترش فضای آن تلاش کند؛ امّا اگر وزارت دادگستری در بحث برخورد با جرائم مطبوعاتی مشکل دارد، آن را به صورت لایحه تقدیم کند، مایه گذاشتن از مجلس کار صحیحی نیست(!)»[3]

۱۶ـ سهیلا جلودارزاده (نمایندهٔ تهران):

«وضع قانون با انگیزه‌های جناحی، موجب بی‌اعتمادی مردم به قوهٔ مقننه می‌شود. طراحان قانون مطبوعات، حتماً انگیزه‌های فکری و عقیدتی دارند و امیدوارند در

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۳ تیر ۷۸، ص ۲.

۲. همان.

۳. همان.

ایران
۷۸/۴/۱۵

جناح مستقل مجلس:
با به طرح مطبوعات رأی نمی دهیم

هادی‌زاده: یکی از امضاکنندگان طرح به‌نظر من ... مشکلاتی را برای جامعه ایجاد می‌کند

آریا
۷۸/۴/۱۵
انتظار ملت و تاریخ ایران از نمایندگان

طرح اصلاح قانون مطبوعات را تصویب نکنید

ناظران معتقدند

نمایندگان مردم به مخالفان آزادی مطبوعات رای منفی می دهند

نشاط ۷۸/۴/۱۳

رسالت ۷۸/۴/۱۵

در گفتگوی رسالت با مدیران مسؤول روزنامه‌ها و دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی مطرح شد:

مخالفان اصلاح قانون مطبوعات تنها شعار می دهند
طرفداری از قلمزنان ضدانقلاب، حمایت از استبداد است

● حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان: هدف از اصلاح قانون مطبوعات، دفاع از آزادی و حفظ حقوق دوجانبه مردم و روزنامه‌نگاران است.
● آیا کوتاه کردن دست ضدانقلاب و دشمنان نظام از صحنه مطبوعات نشانه سلب آزادی است؟!
● نیاصی مدیر مسئول روزنامه قدس: بخش عمده‌ای از فضای نـاسالم بـرای بـرای طرح اصلاح قانون مطبوعات را کسانی که هیچ قرابتی با انقلاب اسلامی ندارند بوجود آورده‌اند.
● در طرح مجلس هیچگونه محدودیت جدیدی برای سلب آزادی مطبوعات گنجانده نشده است.
● دکتر مظاهری مدیرمسئول روزنامه جوان: نمایندگان چون مظهر اراده ملی هستند قوانینی را که باعث سلب آزادی شود تصویب نمی‌کنند.
● پایبندی والتزام به قانون ایجاب می‌کند که موافقین و مخالفین طرح مطبوعات در یک فضای سالم و نه تشنج‌آفرین به استدلالهای طرفین توجه کنند.

خرداد ۷۸/۴/۱۴

مجلس کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات را بررسی می‌کند

تکریم یا تحدید آزادی
سرنوشت مطبوعات رقم می خورد

امروز ۷۸/۴/۱۵

امروز درباره طرح تغییر قانون مطبوعات تصمیم گیری می‌شود

مجلس در مقابل انتخاب تاریخی:
آزادیهای اساسی یا منافع جناحی

مطابق تبصره ۸ ماده ۹، فعالیت اعضا و هواداران گروههای ضد انقلاب و یا گروه‌های غیر قانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته‌اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت یا تبلیغ می کنند، حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.

آیا دفاع از این افراد توجیه قابل قبولی دارد؟!

بحث‌های کارشناسانه در صحن علنی، متقاعد شوند که این قانون و شرایط مورد نظرشان، منجر به مصونیت نظام نشده و آن را آسیب‌پذیر می‌کنند.»[۱]

۱۷. فاطمه کروبی (نمایندهٔ تهران):

«طرح تغییر قانون مطبوعات، مغایر روح قانون اساسی است. در قانون اساسی، اصل بر آزادی مطبوعات در چارچوب قانون است و می‌توان گفت که اهداف طراحان تغییر قانون مطبوعات، بیش‌تر منافع سیاسی یا جناحی یا سلیقه‌ای برای محدود کردن مطبوعات و یا عامل بازدارندهٔ تشویش فکر اهل قلم و نویسندگان است... ما چقدر قوانین داریم که تصویب شده، ولی به مرحلهٔ اجرا در نیامده یا ناقص اجرا شده. بیائیم به مشکلاتی که دولت و مردم با آنها مواجه‌اند، فکر کنیم و برای گذر از آنها دست به دست هم داده و چاره‌ای بیندیشیم.»[۲]

۱۸. سید عطاء الله مهاجرانی (وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی):

«این تنها دوره‌ای است که مجلس به دنبال ایجاد محدودیت‌ها در قالب اصلاح قانون مطبوعات است. در این طرح، نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تصمیم‌گیری‌ها به یک هفتم تقلیل یافته که هدف از آن کمرنگ کردن و یا به شکلی، حذف نقش این وزارتخانه است.»[۳]

۱۹. محمد رئوف قادری (نمایندهٔ پاوه):

«طرح اصلاح قانون مطبوعات در جهت ایجاد خفقان در فضای سیاسی کشور است و با هیچ قانون مطبوعاتی و پارلمانی در دنیا مطابقت ندارد... طرح اصلاح قانون مطبوعات، طرح ممنوعیت مطبوعات است. اکنون چه شده است که به جای پیشرفت، عقب گرد کرده و به کانون خفقان گذشته باز می‌گردیم.»[۴]

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۸ تیر ۷۸، ص ۲.

۲. همان.

۳. همان: ۱۲ تیر ۷۸، ص ۱۲.

۴. همان.

۲۰. سید مجتبی موسوی اجاق (نمایندهٔ کرمانشاه):

«مردم جامعه به درجه‌ای از فهم، شعور و آگاهی در تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی رسیده‌اند که نیاز به قیم در خصوص اطلاع رسانی و منعکس کردن اندیشه‌هایشان از طریق جراید و روزنامه‌ها ندارند.»[1]

۲۱. محمدرضا خاتمی (نمایندهٔ مجلس ششم و دبیر سیاسی حزب مشارکت):

«طراحان تغییر قانون مطبوعات، اطلاع رسانی مطبوعات را مهم‌ترین مانع برای انتخابات مجلس ششم می‌دانند و قصد دارند به اصطلاح از طریق قانون، این مانع را از سر راه بردارند.
امروز مهم‌ترین عامل، شفاف‌سازی فضای سیاسی و آگاه کردن مردم و طرح نظرات و اندیشه‌های راهگشای مطبوعات است و به همین دلیل به رغم ادعاهای خیرخواهانه برخی افراد جناح راست، هدف اصلی تغییر قانون مطبوعات، بیرون کردن مردم از صحنه است.»[2]

۲۲. جعفر گلباز (نمایندهٔ ساوجبلاغ و طالقان):

«طراحان طرح تغییر قانون مطبوعات، یک دست هستند. البته قانون فعلی مطبوعات نقاط ضعفی دارد؛ امّا به دلیل آن‌که با آن جناحی برخورد می‌شود، این مسأله باعث محدود شدن مطبوعات خواهد شد. اگر می‌خواهیم به قانونی دست یابیم که کاستی‌ها و نیازهای جامعه را برطرف کند و به شفاف‌سازی مسائل یاری رساند، با این برخورد جناحی به مسائل، به آن دست نخواهیم یافت.
باید دولت در تدوین طرح اصلاح قانون مطبوعات، نقش متولی را ایفا کند و با استفاده از نظرات کارشناسی دولت و دستگاه‌های ذی صلاح، مانند وزارت ارشاد و دادگستری و نیز هیأت منصفه مطبوعات و روزنامه‌نگاران، لایحه‌ای را به مجلس شورای اسلامی بیاورد که هر دو جناح به دور از گرایش‌های خطی و جناحی، آن را بررسی کنند.»[3]

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۳ تیر ۷۸، ص ۱.
۲. همان: ص ۱۲.
۳. همان.

۲۳. جمیلهٔ کدیور (عضو شورای شهر تهران و نمایندهٔ مجلس ششم):

«مجالس قبلی، کما بیش این خصیصه (همراهی مجلس با مردم) را داشته‌اند و معمولاً مصوبات آنها در همین جهت بود. متأسفانه مجلس پنجم با برخی مصوبات و اقداماتی که داشته، از خود کارنامهٔ چندان مثبتی ارائه نکرده است.
اقدامات مجلس در دو سال اخیر، حلقه‌هایی از یک زنجیره است که متأسفانه هدف اصلی آن تقابل با سیاست‌های توسعه سیاسی و فرهنگی رئیس جمهور است. نمایندگان با اقدامات اخیرشان، به منظور کسب کرسی‌های مجلس ششم بسیج شده و چون طرق و شیوه‌هایی که در انتخابات دورهٔ پنجم برای کسب کرسی‌ها اعمال کردند، قابل تکرار نیست، به شیوه‌های به ظاهر قانونی روی آورده‌اند. به عبارتی، با استفاده از قانون به جنگ قانون آمدند(!)»[1]

۲۴. یوسف نژاد (نمایندهٔ ساری):

«در طرح تغییر مطبوعات، حضور هیأت منصفه ـ که حضور افکار عمومی و وجدان اجتماعی است ـ به صورت قاطع و مؤثر نیامده و تنها در حد یک تماشاچی است. با ایجاد محدودیت باعث افزایش اقبال به سمت رادیوهای بیگانه، انتشار افکار به صورت پنهانی و زیرزمینی، نگرانی عمومی و پلیسی کردن فضای فرهنگی و سیاسی مطبوعات خواهیم شد.»[2]

۲۵. محمد باقر ذاکری (نمایندهٔ قوچان):

«تدوین کنندگان طرح تغییر قانون مطبوعات، دنبال اعمال فشار بر مطبوعات هستند. طراحان، آزادی کنونی را قبول ندارند. الزامی است که دوستان طراح، صبر پیشه کنند و برای مدتی، طرح تغییر قانون مطبوعات را مسکوت بگذارند تا در شرایط مناسب‌تری که شائبه اغراض سیاسی نباشد، آن را به بحث بگذارند. شاید بهترین زمان بررسی این طرح، پس از انتخابات [ششم] مجلس شورای اسلامی باشد.»[3]

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۳ تیر ۷۸، ص ۱۲.
۲. همان: ۱۴ تیر ۷۸، ص ۳.
۳. همان: ۱۵ تیر ۷۸، ص ۲.

۲۶. علی یعقوبی (نمایندهٔ بهار و کبوتر آهنگ):

«قانون مطبوعات ابهاماتی دارد، امّا اصلاحیه فعلی قانون مطبوعات، نه تنها این ابهامات را برطرف نمی‌کند، بلکه بر آن می‌افزاید... در این که باید خط قرمزی در مطبوعات باشد، حرفی نیست؛ امّا این حدود را قانون اساسی مشخص کرده است.»[1]

دلایل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

انجمن صنفی [و سیاسی]روزنامه‌نگاران ایران نیز، با ارسال نامهٔ سرگشاده‌ای به حجت‌الاسلام ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی خواستار عدم تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات شد! این انجمن که فعالیتش بیش‌تر سیاسی بود تا صنفی،[2] در نامهٔ خود به دلایل مخالفتش چنین اشاره می‌کند:

۱. در تهیهٔ این طرح، هیچ‌گونه مشورتی با تشکل‌های مطبوعاتی و اصحاب قلم نشده و محتوای آن بر هم زدن نظم حقوقی موجود و تحدید آزادی‌های مطبوعاتی مصرح در قانون اساسی است. همین امر انگیزهٔ اصلاحی ارائه کنندگان این طرح را کاملاً مخدوش ساخته و شائبه سیاسی بودن آن را خصوصاً در تقابل با برنامهٔ توسعه سیاسی و فرهنگی دولت پررنگ کرده است.

۲. نحوهٔ تهیه، بررسی و تصمیم‌گیری مجلس دربارهٔ این طرح که با حقوق اساسی و

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۵ تیر ۷۸، ص ۲.

۲. عملکرد هیأت رئیسه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران که برخی از آنان بر کرسی‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز تکیه زده بودند، به قدری سیاسی بود که پس از مدتی مورد اعتراض همکاران مطبوعاتی‌شان قرار گرفت. اوج این اعتراض‌ها در سال ۱۳۸۰ بود که این مجمع دو بار تشکیل جلسه داد، امّا در هر دو بار تعداد شرکت کنندگان به حدّ نصاب نرسید! روزنامهٔ همبستگی در یکی از شماره‌های خود در مصاحبه با اصحاب مطبوعات اصلاح‌طلب، گزارشی را ارائه می‌کند که در آن روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب، علت عدم مشارکت خود را بی‌رغبتی اعضا و سیاسی بودن هیأت رئیسه عنوان می‌کنند. این روزنامه در ابتدای گزارش خود می‌نویسد:

«دومین مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و انتخاب بازرسان انجمن به دلیل به حد نصاب نرسیدن اعضا برگزار نشد. روزنامه‌نگارانی که عضو این انجمن هستند، در این خصوص حرف‌هایی دارند. بعضی از آنان معتقدند دلیل به حد نصاب نرسیدن تعداد روزنامه‌نگاران، بی‌همتی آنان برای شرکت در جلسه و وجود کار و مشغلهٔ بسیار زیاد است(!) در مقابل عده‌ای هم اعتقاد دارند، به دلیل عملکرد ناصحیح هیأت رئیسه این انجمن از شرکت در جلسات خودداری کرده‌اند. آنان می‌گویند: هیأت رئیسه این انجمن به جای دغدغه کار صنفی روزنامه‌نگاران و تأمین امنیت شغلی و حرفه‌ای آنان، فقط به فکر کار سیاسی است.» (همبستگی: ۲ آبان ۸۰)

آزادی‌های اجتماعی آحاد ملت سر و کار دارد، حاکی از نوعی شتابزدگی و تلاش برخی افرادِ دارای گرایشات سیاسی شناخته شده و فاقد هرگونه تجربهٔ مطبوعاتی است، طبعاً اصلاح قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی، نمی‌تواند توأم با شتابزدگی آن هم توسط افرادی با تمایلات سیاسی خاصی باشد.

۳. اگر قانون مطبوعات نیاز به اصلاح داشته باشد، این هدف باید با در نظر گرفتن شرایط متحول داخلی و جهانی تعقیب شود تا عرصه‌های جدیدی به روی مطبوعات برای حضور فعال و مؤثر در جامعه گشوده شود. مطبوعات همچون مجلس بازوی نظارتی مردم بر نهادهای حکومتند و تضعیف و ناکارآمد ساختن چنین نمادی، می‌تواند پیامدهای زیان بار و غیر قابل جبرانی را در پی داشته باشد. مجلس و مطبوعات باید یار و مددکار یکدیگر باشند تا امر حکومت به نحو مطلوب به پیش رود.

۴. در شرایط کنونی، هیچ‌گونه ضرورتی برای تصویب این طرح وجود ندارد و با توجه به این‌که جامعهٔ مطبوعات و دولت مخالفت خود را با تصویب این طرح بیان کرده‌اند، طبیعی است که افکار عمومی تصویب چنین طرحی از سوی مجلس را مخالف با سیاست‌های دولت تلقی کنند. از جناب عالی به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی انتظار داریم با استفاده از نفوذ خود در بین نمایندگان و از جمله تهیه کنندگان این طرح، در جهت عدم تصویب آن اقدام فرمایید.

مطمئن باشید عدم تصویب طرح مذکور، همراهی مجلس شورای اسلامی را با دیگر نهادهای مدنی در حمایت از برنامهٔ توسعهٔ سیاسی ـ فرهنگی دولت به اثبات خواهد رساند و نام نیکی از مجلس دورهٔ پنجم بر جای خواهد گذارد.»[۱]

نظرات مخالفان در روز رأی‌گیری[۲]

بررسی کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، در جلسهٔ علنی صبح ۱۶ و ۱۷ تیرماه سال ۷۸ آغاز شد. ابتدا آقای قربانی، مخبر کمیسیون مشترک ارشاد و قضایی

---

۱. روزنامهٔ ایران: ۸ تیر ۷۸، ص ۱۶.

۲. مشروح این مذاکرات از روزنامه‌های رسالت و کیهان نقل شده است. متأسفانه روزنامه‌های مدعی اطلاع رسانی شفاف و مخالفان اصلاح قانون مطبوعات، سخنان نمایندگان مخالف را بسیار مختصر نقل کردند! این امر حکایت از ضعف و نبود استدلال در سخنانشان داشت.

سخن گفت و سپس نمایندگان موافق و مخالف دیدگاه‌های خود را بیان کردند. نظرات آقای قربانی را به همراه نظرات دیگر موافقان طرح، در صفحات بعد نقل خواهیم کرد.

و امّا دیدگاه مخالفان چه بود؟

۲۸. غلام حیدر ابراهیم بای سلامی (نمایندهٔ خواف و رشتخوار):

«قانون فعلی مطبوعات که در سال ۱۳۶۴ تصویب شده است، علی رغم ابهامات و نواقصی که دارد، از کارآیی لازم برخوردار است و نسبت به طرح اصلاح آن برجسته‌تر است.

من در قانون فعلی مطبوعات ابهاماتی را می‌بینم، ولی طرح اصلاح این قانون به مراتب بیش از ابهامات قبلی، قانون را مبهم می‌کند. قانون فعلی مطبوعات نیاز به اصلاح دارد؛ امّا طرح اصلاحی، در واقع کور کردن چشم انتقاد از دولت و حاکمیت است. طرح اصلاحی بر پیچیدگی‌های قانون مطبوعات می‌افزاید و برای اداره کنندگان مطبوعات، محدودیت ایجاد می‌کند.

از مهم‌ترین نواقص طرح اصلاح قانون مطبوعات، مسلوب الید کردن وزارت ارشاد و کوتاه کردن دست دولت از ادارهٔ مطبوعات است و تصور می‌کنم این طرح با آرمان‌های انقلاب، مطالبات مردم و روح قانون اساسی مغایرت دارد. در طول تاریخ این دولت‌ها بوده‌اند که آزادی‌های مطبوعات را محدود کرده‌اند، نه مجلس و تصویب طرح اصلاحیه قانون مطبوعات را سلب حقوق شهروندان می‌دانم.

توزیع یارانه به مطبوعات توسط هیأت نظارت، از دیگر نواقص طرح اصلاح قانون مطبوعات است. در قانون اساسی اصل بر آزادی و اصالت انسان است و محدودیت‌ها فقط برای جلوگیری از سوء استفاده از آزادی پیش‌بینی شده است.

طرح اصلاح قانون مطبوعات، هم با مخالفت عامهٔ مردم، هم با مخالفت دست اندرکاران مطبوعات(!) و هم با مخالفت دولت مواجه شده است و من از نمایندگان می‌خواهم به آن رأی منفی بدهند. دادن رأی به طرح اصلاح قانون مطبوعات، وجه بین‌المللی جمهوری اسلامی را خدشه‌دار می‌کند.»[۱]

---

۱. روزنامهٔ رسالت: ۱۶ تیر ۷۸، ص ۱.

۲۹. علی یعقوبی (نمایندهٔ بهار و کبوتر آهنگ):

«در یکی از موارد طرحِ یاد شده آمده که هیأت نظارت می‌تواند، نشریه‌ای که متخلف تشخیص داد، توقیف نموده و پرونده را برای رسیدگی به دادگاه ارجاع نماید، در صورتی که به نظر من این اقدام، نوعی محروم کردن از حق اجتماعی است. چگونه هیأت نظارت قبل از صدور حکم، می‌تواند نشریه‌ای را توقیف کند؟ در طرح نمایندگان، به هیأت نظارت اجازه داده شده، قضاوت مطبوعاتی داشته باشد و این ماده با اصل تفکیک قوا مغایرت دارد(!)

این که در طرح اصلاحی نمایندگان گفته شده، فرد متقاضی باید توان مالی برای انتشار نشریه به مدت سه ماه را داشته باشد، بیانگر اصالت دادن به سرمایه می‌باشد و با این قید، افراد متوسط جامعه از داشتن حق اجتماعی محروم خواهند شد.

تفکیک رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و امنیتی که در طرح نمایندگان آورده شده، با قانون اساسی مغایرت دارد و باید همهٔ جرایم در دادگاه رسیدگی شود. نویسنده و یا خبرنگار در انتشار اخبار خود، اجازه و اختیاری ندارد و باید مدیر مسئول پاسخگوی مسایل باشد.

در این طرح، وزارت ارشاد موظف شده که یارانه اختصاص یافته به نشریات را به تصویب هیأت نظارت بر مطبوعات برساند و این، به نظر من مغایر با قانون اساسی است و اجازهٔ هزینه را از قوهٔ مجریه گرفته و به هیأت نظارت می‌دهد.»[۱]

۳۰. قربانعلی قندهاری (نمایندهٔ گرگان):

«قانون مطبوعات، در سال ۶۴ تصویب شد و گذر زمان و حوادث، حکم می‌کند که قوانین را به ضرورت مستمر، اصلاح و پالایش کنیم. تخلفاتی که در عرصهٔ مطبوعات واقع می‌شود، قطعاً مورد حمایت ما نیست. ممکن است کسی از آزادی سوء استفاده کند، مگر از مقدسات سوء استفاده نمی‌شود؟ امّا صرف سوء استفاده از دین و مقدسات که نمی‌تواند مجوزی باشد تا مقدسات، دین یا آزادی را مورد سؤال قرار دهیم.

---

۱ . روزنامهٔ رسالت: ۱۶ تیر ۷۸، ص ۱.

امروز
78/4/13

نمایندگان مجلس و صاحبنظران در گفت و گو با صبح امروز:

نمایندگان مردم به تحدید آزادی مطبوعات رای نمی‌دهند

* دکتر سیدمحمدرضا خاتمی: هدف درازمدت تغییر قانون مطبوعات، تحکیم پایه‌های ا... ...است

* مهندس موسوی اجاق: نمایندگان ملت با نپذیرفتن تغییر قانون مطبوعات، حریت خود را به نمایش می‌گذارند

* جمیله کدیور: طرح تغییر قانون مطبوعات ناشی از نگرش اکثریت حاکم بر مجلس در تقابل با دولت است

آریا
78/4/16

آزادی اندیشه و قلم؛ رأی امروز نمایندگان مردم

نمایندگان مجلس پنجم، در زیر بمباران تبلیغاتی و جوسازی‌های داخلی و خارجی با تصویب قانون مطبوعات و جلوگیری از نفوذ دشمن، به وظیفه قانونی خود عمل کردند.

خرداد
78/4/25

خرداد در گفت و گو با نمایندگان، کارشناسان و ادوار مجلس بررسی می‌کند

آیا مجلس به طرحی مغایر با قانون اساسی رای می‌دهد؟

آزاد
امروز
سلام
خرداد
نشاط
خراسان

نشاط
78/4/6

باوجود مخالفت دولت

رسیدگی به طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس آغاز می‌شود

گروه داخلی - بررسی گزارش شور اول کمیسیون مشترک ارشاد و هنر اسلامی و امور قضایی و حقوقی درباره طرح اصلاح قانون مطبوعات و گزارش شور دوم کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور درباره طرح اصلاح قانون انتخابات از جمله مهمترین برنامه‌های جلسات هفته جاری مجلس شورای اسلامی است. صفحه ۲

صفحه ۹

در نظرخواهی از صاحبنظران خواسته شد

طرح اصلاح قانون مطبوعات را از مجلس پس بگیرید

ما با کلیات طرح موافق نیستیم، اشکالات عمده در این طرح وجود دارد. واقع قضیه این است که ممکن است قانون ابهام داشته باشد، ولی در طرح شما نه تنها ابهامات را به طور کلی برطرف نکردید، بلکه اشکالات جدیدی هم مطرح کردید. کسی با ملتزم بودن به قانون اساسی مخالف نیست، ولی وقتی جنبهٔ اجرایی پیدا می‌کند، چه کسی تشخیص می‌دهد؟ ما در طرح مرجع تشخیص را نگفته‌ایم!

این طرح، در تعارض با روح قانون اساسی است. این طرح، در تعارض با توسعه سیاسی فرهنگی رئیس جمهور است.»[1]

۳۱. سید حسین مرعشی (نمایندهٔ کرمان):

«همه آنچه در مورد عنایت مردم ما، مراجع ما، رهبری و دستگاه‌های مختلف در دفاع از اسلام و توهین نشدن به مقدسات و مقامات عالیه است، همه در ماده ۶ قانون سابق آمده است.

در این طرح، بیش از آنچه به دنبال حدود مطبوعات باشند، به دنبال حاکم کردن یک جناح بر ارکان تصمیم‌گیری مطبوعات بوده‌اند. سه نکته مهم در اجرای طرح جدید وجود دارد و بقیه حاشیه است.

در طرح جدید ترکیب هیأت نظارت تغییر می‌کند و علاوه بر وزیر ارشاد، نمایندهٔ مجلس، نماینده‌ای از قوه قضائیه و مدیران مطبوعات، دو نهاد غیر حکومتیِ سازمان تبلیغات و جامعهٔ مدرسین که به عنوان نهاد مذهبی است و حکومتی نیست، در این هیأت اضافه می‌شوند تا اکثریت را فعلاً به یک جناح خاص سیاسی بدهند و مشخصاً نقش مجلس و دولت و قوه قضائیه کاهش پیدا می‌کند.

نکته دوم در تشکیل هیأت منصفه است که رکن مهمی از قانون مطبوعات است.

سومین نکته این‌که پای دادگاه انقلاب را به تخلفات مطبوعاتی باز می‌کند. نمی‌دانم چه تفاوتی از لحاظ حکومت، بین دادگاه انقلاب و دادگاه عادی وجود دارد.

دغدغه‌های دوستان [مخالف طرح] در مجلس، جناحی و سیاسی نبوده است، بلکه دفاع از ارزش‌ها و کلیت نظام و اسلام و قانون اساسی است. مگر ما مخالف قانون

---

۱. روزنامهٔ رسالت: ۱۶ تیر ۷۸، ص ۱.

اساسی و مخالف اسلام هستیم. اگر این طرح برای کل نظام است، چرا با سایر دوستان در مجلس، مشارکت و نشست نداشتند.»[۱]

۳۲. علی آل کاظمی (نماینده سلسله و دلفان):

«شائبه کم کردن اختیارات وزیر که در مقابل مجلس شورای اسلامی مسئول و پاسخگوست، در بندهایی از این اصلاحیه آمده است و مهم‌تر از آن، آوردن افراد و شخصیت‌هایی مانند رئیس سازمان تبلیغات و شورای سیاست گذاری ائمه جمعه در هیأت‌های نظارت است که این تفکر را در جامعه ایجاد می‌کند که با آوردن این نهادها مطبوعات می‌خواهد محدود بشود.
همچنین این طرح جناحی شدن مطبوعات را تقویت می‌کند و هم این‌که مایه گذاشتن از حیث شخصیت‌ها و نهادهای مقدس در جامعه، بسیار ناپسند است و این، مقدسات را در مقابل افکار عمومی و مطبوعات قرار دادن است.»[۲]

۳۳. سید عطاء الله مهاجرانی (وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی):

«همه ما به عنوان دولت، برای مجلس اعتبار و اهمیت ویژه‌ای قائلیم و رأی مجلس برای ما محترم بوده و ملزم به اجرای آن هستیم.
مطبوعات به لحاظ ویژگی خاص خود، نزدیک‌ترین نسبت را با مجلس دارند. همان‌گونه که نیازمند یک مجلس سربلند هستیم، یک نظام موفق، نیازمند مطبوعات کارآمد نیز هست.
این‌که برخی از نمایندگان گفتند که من در جریان استیضاح خود گفته‌ام که کوتاهی کرده‌ام، این کوتاهی در مورد اصلاح قانون مطبوعات نبوده است(!) هیچ کس نمی‌تواند با اصلاحیه قانون مخالف باشد. ما با اصلاح قانون مطبوعات مخالف نیستیم، امّا معتقدیم که در این خصوص، نوعی شتابزدگی صورت گرفت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مطبوعات و دانشگاهیان در این قضیه مشارکت نکردند؛ در حالی که این مشارکت باید جدی‌تر باشد. باید شرایطی را فراهم کرد تا کسانی که

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۱۷ تیر ۷۸، ص ۲.
۲. همان.

در مطبوعات کار می‌کنند، احساس همدلی با مجموعه نظام و دولت داشته باشند. حرکتی که مطبوعات در جهت دفاع از حیثیت نظام، از جمله در ارتباط با مسأله قتل‌های زنجیره‌ای انجام داده‌اند، کار عظیمی بود و ما را از یک مخمصه بزرگ نجات داد.

افزایش تعداد اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات و گنجاندن رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و یکی از استادان حوزهٔ علمیهٔ قم در این ترکیب، یک تصمیم سیاسی است که بهتر است، نهاد روحانیت را این‌گونه بی‌پروا مشارکت ندهیم.

ما هیچ اختیار بیش‌تری نداریم ... اگر مشکل شما با ما در استیضاح حل نشد، مطبوعات را از ما جدا و در اختیار سازمان تبلیغات اسلامی قرار دهید. ما تابع مکتب و شخصی مثل حضرت امیر(ع) هستیم. باید به گونه‌ای عمل کنیم که در نظام جمهوری اسلامی ایران، کسی از بله قربان گویی خوشش نیاید. آنچه مجلس محترم رأی دهد برای دولت موجه و محترم خواهد بود.»[1]

۳۴. سید عطاء الله مهاجرانی (در جمع خبرنگاران):

«امیدواریم در بررسی شور دوم طرح اصلاح قانون مطبوعات، با مشورت اصحاب مطبوعات، روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول، پیشنهادهایی را با همکاری نمایندگان در رابطه با این طرح، در کمیسیون مطرح کنیم تا نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی که وجود دارد، به حداقل برسد.

ما با ساختار کلیات طرح موافق نبودیم، امّا در حال حاضر نمی‌توان پیش داوری کرد که این اصلاح چقدر می‌تواند نظر ما را برآورده کند، لذا باید تا پایان شور دوم صبر کنیم. تا زمانی که قانون اصلاح مطبوعات در شور دوم تصویب نشود و شورای نگهبان آن را تأیید نکند، نمی‌توان بحث "گرفتاری مطبوعات" را مطرح کرد.

ما به عنوان وزارت ارشاد معتقدیم که همه اصحاب مطبوعات و روزنامه‌نگاران باید در بحث اصلاح قانون مطبوعات، برای شور دوم مشارکت کنند و مشارکت فقط نظر دادن در کمیسیون نیست، بلکه می‌توان این بحث را در روزنامه‌ها نیز انجام داد.»[2]

---

۱. روزنامهٔ صبح امروز: ۱۷ تیر ۷۸، ص ۱۶.
۲. همان.

دلایل کم کاری وزیر ارشاد و نمایندگان !

مخالفان اصلاحیه ـ وزیر ارشاد و نمایندگان جبههٔ دوم خرداد ـ از آن رو که با اهداف حزبی و سیاسی به مخالفت با طرح برخاسته بودند، نتوانستند در زمان تصویب کلیات و همچنین در شور دوم، حضور فعالی از خود نشان دهند. ضعف و کاستی در مخالفت با اصلاحیه به حدی آشکار بود که با انتقاد جدی و شدید روزنامه‌های تجدید نظرطلب و غوغاسالار مواجه شد!

به عنوان نمونه، نگاه کنید به روزنامهٔ «مشارکت» که یک روز پس از آغاز بحث مجلس، این چنین از دوستان خود شکایت می‌کند:

«بررسی طرح تهدید کنندهٔ آزادی مطبوعات(!) روز گذشته در حالی در صحن علنی مجلس آغاز شد که نمایندگان جناح چپ از خود حضور فعالی را نشان نمی‌دادند و لذا عرصه را برای فعالیت پر قیل و قال عناصر افراطی جناح راست، باز گذاشته بودند. هرچند که برخی از نمایندگان جناح چپ، دلیل کم تحرکی خود را ناشی از کم رنگ برخورد کردن وزارت ارشاد عنوان می‌کردند. در حالی که وضع آنها چیز دیگری را نشان می‌داد. البته ناگفته نماند که عدم حضور وزیر ارشاد در این جلسه به دلیل در سفر بودن، اهمیت داشت.

مجید انصاری، رئیس مجمع حزب الله نیز، نه تنها دربارهٔ مواد مورد بحث صحبتی نکرد، بلکه بلافاصله پس از تصویب لایحهٔ شهرداری تهران در خصوص راهنمایی و رانندگی که در هنگام بررسی آن بسیار فعال ظاهر گردید، از صحن علنی خارج شد و پس از گذشت مدتی از بحث دربارهٔ طرح اصلاح قانون مطبوعات برگشت.

البته همان طور که اشاره رفت ابراهیم بای سلامی، در خصوص کم تحرکی خود و دوستانش (حزب همبستگی) گفت: "وزارت ارشاد باید فعال‌تر برخورد می‌کرد و در این باره با نمایندگان رایزنی می‌کرد" لیکن به نظر می‌آید، این ادعا بی‌انصافی نسبت به تلاش وزارت ارشاد در این زمینه باشد. خصوصاً که خانم نوری، معاون پارلمانی این وزارتخانه در جلسهٔ دیروز، فعال ظاهر شد و از حقوق مطبوعات دفاع کرد.

وی در راهروی مجلس نیز به خبرنگاران گفت: "انتظار داشتیم که بعضی از دوستان

ما در مجلس، حضور فعال‌تری داشته و به شدت با طرح اصلاح قانون مطبوعات مخالفت می‌کردند".»[۱]

هرچند روزنامهٔ «مشارکت» عدم حضور وزیر ارشاد را از مهم‌ترین دلایل ضعف جبههٔ خود در مجلس می‌دانست، امّا پس از حضور مهاجرانی نیز اتفاق خاصی نیفتاد. یک هفته بعد، در حالی که وزیر ارشاد نیز در جلسات مجلس شرکت یافته بود، روزنامهٔ «آفتاب امروز» در قسمتی از گزارش خود با کنایهٔ اعتراض‌آمیز به مهاجرانی، دربارهٔ جلسهٔ مجلس نوشت:

«مهاجرانی در پایان جلسهٔ علنی در خصوص "کم کاری" خود گفت: دفاع من بسیار منطقی و مستدل بوده و هرکجا که منطق حکم می‌کرد، مخالفت و موافقت خود را عنوان کرده‌ام.»[۲]

لازم نیست مفاد طرح را بدانیم!

همان طور که مرور شد، اشکالات مطرح شده از «کلی گویی و ضعف در استدلال» رنج می‌برد . عمده‌ترین دلیل در این برداشت‌های سطحی، شعاری و غیرکارشناسانه، بی‌اطلاعی مخالفان از مواد طرح پیشنهادی نمایندگان و موضعگیری جناحی و سیاسی آنان بود. این بی‌اطلاعی به اندازه‌ای بود که برخی از آنان، بدون آن‌که بدانند با چه مخالفت می‌کنند، تنها چون در مسیر اظهارات سردسته‌های حزبی خود قرار گرفته بودند، موضعگیری می‌کردند و وقتی از آنان در خصوص موارد اشکال اصلاحیه سؤال می‌شد، اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند!

به عنوان نمونه، کریم ارغنده پور، نائب رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ـ انجمنی که از مخالفان جدی و سیاسی این طرح بود ـ در پاسخ به موارد مخالفت می‌گوید:

---

۱ . روزنامهٔ مشارکت : ۲۴ فروردین ۷۹، ص ۱۲ .

۲ . روزنامهٔ آفتاب امروز : ۳۰ فروردین ۷۹، ص ۲ .

«ایــن یک طـرح سـیاسی است کــه جـناح خـاصی آن را پـیشنهاد کـرده است و لازم نیست مفاد آن را بدانیم! کافی است بدانیم که این جناح مبتکر این طرح بوده تـا بـفهمیم کـه هـدف از آن کـاستن از آزادی‌هـا و افـزایش تـنگناهای مـطبوعات است(!)»[۱]

دکتر شهیدی مؤدب که معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد را به عـهده داشت، در پاسخ به یکی از خبرنگاران که پرسیده بود: «چرا به جای کـلی گـویی، دربـارهٔ مـوارد مخالفت خود توضیح نمی‌دهید؟» گفت:

«چون قانون قبلی از نظر ما اشکالی نداشت، لزومی ندیدیم که قانون جـدید را بـه مجلس ببریم و به بند بند آن وارد شویم. لذا از همان اول بـا کـلیت طـرح اعـلام مخالفت کردیم.»[۲]

روزنامهٔ «سلام» که نقش عمده‌ای در مخالفت با قانون مطبوعات داشت و حتی با درج نامه‌ای محرمانه، مقدمات یک سناریوی آشوب را علیه نظام اسلامی تـدارک دید، در مقاله‌ای با عنوان «جناح راست در تدارک تـهدید مـطبوعات» بـه سـیاسی و جناحی بودن مخالفت‌ها اعتراف می‌کند:

«حتی بدون مطالعهٔ طرح جناح راست برای تغییر قـانون مـطبوعات نـیز مـی‌توان حدس زد که این طرح با هدف تهدید و روان ساختن راه‌های برخورد با مطبوعات، افزودن بر چالش‌های مادی و پیچ و خم‌های کاری و کاستن از فضای اعتماد، شکل گرفته است(!)»[۳]

پاسخ به اشکالات مخالفان

شاید بهترین پاسخ به اشکالات مطرح شده از طرف مخالفین اصلاحیهٔ قـانون مطبوعات، مرور سخنان و دلایل ایشان و همچنین مطالعهٔ قـانون مـصوب مـجلس

۱. روزنامهٔ خرداد: ۴ خرداد ۷۸، ص ۴.

۲. روزنامهٔ کیهان: ۲۰ تیر ۷۸، ص ۳.

۳. روزنامهٔ سلام: ۱۶ خرداد ۷۸، ص ۲.

پنجم است.[1] علاوه بر این تطبیق، پاسخ اجمالی به اشکالات مطرح شده و ذکر سخنان نمایندگان موافق اصلاحیه ـ و تطبیق آن با سخنان نمایندگان مخالف ـ مفید خواهد بود که در ادامهٔ بحث به آن می‌پردازیم.

پاسخ به اشکال اول و دوم

در پاسخ به اشکال «شتابزدگی و سیاسی بودن تهیهٔ طرح» و «بی‌اطلاعی اصحاب مطبوعات و وزارت ارشاد» باید گفت:

اولاً: با نگاهی به روند تصویب این طرح در مجلس پنجم و مقایسهٔ آن با عملکرد نمایندگان طراح مجلس ششم، عکس این ادعا ثابت می‌شود. طرح اصلاحیهٔ مجلس پنجم، پس از گذشت ۱۳ سال از تجربهٔ قانون قبل ـ که اثری از دوم خرداد و جبههٔ اصلاح‌طلبان نبود ـ مطرح شد. در حالی که طرح مجلس ششم پس از گذشت سه ماه از تجربهٔ قانون قبل به صحن مجلس آمد!

اصلاحیهٔ مجلس پنجم، از زمان طرح در کمیسیون تا تصویب نهایی آن، قریب به یکسال را گذراند و از زمان تصویب کلیات آن تا شور دوم، به جهت کار کارشناسانهٔ بیش‌تر، به درخواست مخالفان اصلاح به مدت سه ماه مسکوت گذاشته شد! آیا تصویب طرحی با این فرصت زمانی، کاری شتابزده و سیاسی است یا طرحی که به اعتراف دست اندرکاران آن توسط یک حزب سیاسی تهیه شده![2] و برخی از نمایندگان جبههٔ دوم خرداد نیز نسبت به شتابزدگی آن اعتراض داشتند.[3]

ثانیاً: چگونه اصحاب مطبوعات و وزیر ارشاد از روند تهیهٔ این اصلاحیه اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند، در حالی که در جلسات مقدماتی کمیسیون مشترک فرهنگی و قضایی، شخصیت‌هایی چون وزیر ارشاد، دست اندرکاران مطبوعات و قوهٔ قضائیه و

---

۱. متن کامل قانون مطبوعات پس از تغییرات تصویب شدهٔ مجلس پنجم، در صفحهٔ ۳۹۲ آمده است.

۲. روزنامهٔ بیان: ۲۴ فروردین ۷۹، ص ۲.

۳. روزنامهٔ حیات نو: ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۲. نامهٔ انتقادآمیز حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری به روند تهیهٔ طرح پیشنهادی مجلس ششم.

نشاط
۷۸/۳/۱

بسیج همگانی برای دفاع از مطبوعات مستقل

آریا
۷۹/۱/۳۱

مجلس پنجم بالاخره کار خود را کرد

تا مجلس ششم خداحافظ مطبوعات مستقل

نشاط ۷۸/۳/۱۶

نشاط بررسی می‌کند

طرح محافظه‌کاران برای حذف مطبوعات مستقل

گروه داخلی: رکن چهارم جمهوری اسلامی یعنی مطبوعات مستقل تابستان بسیار گرمی پیش رو دارد. محافظه‌کاران برای محاصره و تعطیل مطبوعات برنامه گسترده‌ای تنظیم می‌دهند.

روزنامه صبح امروز پیش از شروع ماه مه ره... امسال از پروژه‌ای سخن به میان آورد که بعدها به پروژه مجرم معروف شد. مطابق این طرح قرار بود...

محافظه‌کاران ضمن رد وجود چنین طرحی مدعی شدند که این طرح از بافته‌های ذهنی سامه‌دهندگان است و بسیج خبری نیست. با این حال اصلاح‌طلبان، روزنامه‌ها...

و اما اندر حکایت مطبوعات مستقل!

کیهان
۷۹/۱/۱

گفت و شنود

«مطبوعات مستقل»!

گفت: روزنامه‌های مستقل یعنی چی؟!

گفتم: یعنی روزنامه‌هایی که به دشمنان خارجی و داخلی وابسته‌اند!

کیهان ۷۹/۴/۲۶

اسامی تعداد دیگری از دریافت‌کنندگان پول از سازمان آمریکایی حقوق بشر

کیهان
۷۹/۵/۱۶

در مصاحبه با معاون مدیر مسئول کیهان اظهار داشت

عضو شورای سردبیری توس: اگر خارجی‌ها به من هم کمک مالی بدهند، می‌گیرم

یوسفی اشکوری به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و انکار مسلمات دین روانه زندان شد

کیهان
۷۹/۱/۱۹

تحریم ایران مانع کمک مالی آمریکا به روزنامه‌های تعطیل شده نیست

کیهان
۷۹/۲/۱۸

سناتور آمریکایی: کمک مالی به روزنامه‌های تعطیل شده ایران را در سنا پیگیری می‌کنیم

AIC

Iran in the New Millennium: Opportunities and Challenges

مجلس
کنیور

اساتید دانشگاه شرکت کرده بودند![1] حتی وزیر ارشاد و معاون مطبوعاتی وی در مواقع متعدد به اظهار نظر در این باره پرداختند. این اظهارنظرها خود نشان از اطلاع کافی آنان و میزان اثرگذاری‌شان در تصمیم و رأی نمایندگان مجلس داشت.

همچنین در طول این مدت، تمامی نشریات و روزنامه‌ها با چاپ مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌های متعدد در موافقت یا مخالفت با طرح، نظرات خود را منتشر کردند. علاوه بر روزنامه‌نگارانی که در مقالات و گزارش‌های خود به بازتاب‌های این طرح پرداختند، انجمن‌های صنفی چون «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات»، «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران» و «انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان» با صدور بیانیه‌های متعدد و تشکیل میزگردهای مختلف، نظرات مثبت و منفی خود را به اطلاع همگان رساندند.[2]

ثالثاً: اگر آن گونه که توسط غوغاسالاران ادعا می‌شد، اصلاحیهٔ قانون مطبوعات موجب آزادی بیان و قلم بود و روزنامه‌نگاران نیز با آن مخالف بودند، می‌بایست اعضای جامعهٔ مطبوعاتی کشور علیه آن موضع می‌گرفتند و مخالفت می‌کردند، در حالی که فقط چند روزنامهٔ وابسته به احزاب غوغاسالار و نیروهای تجدید نظرطلب ـ که بعدها اسناد وابستگی‌شان فاش شد ـ با آن مخالف بودند.[3]

روشن است که خانوادهٔ مطبوعات کشور، تنها چند روزنامهٔ سیاسی و حزبی نیستند. همان طور که آقای خاتمی و وزیر وقت ارشاد ایشان به آن اعتراف کرده‌اند. آقای خاتمی در این باره می‌گوید:

«مطبوعات فقط چند روزنامه که کار سیاسی می‌کنند، نیستند؛ نشریات هنری، علمی و طنز نیز هستند و باید این مجموعه را با هم دید و دربارهٔ آنها ارزیابی کرد.»[4]

---

۱. روزنامهٔ رسالت: ۲ تیر ۷۸، ص ۲ و ۱۲ تیر ۷۸، ص ۱۲ و ... .

۲. روزنامهٔ سلام: ۱۸ خرداد ۷۸، روزنامهٔ ایران: ۸ تیر ۷۸، روزنامهٔ خرداد: ۱۵ تیر ۷۸، روزنامهٔ صبح امروز: ۲۴ فروردین ۷۹ و ... .

۳. از میان روزنامه‌های با سابقهٔ «کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، رسالت، سلام و ابرار» تنها روزنامهٔ سلام بود که با این اصلاحیه مخالف بود و از میان روزنامه‌های تازه تأسیس «صبح امروز، خرداد، نشاط، پیام آزادی، آریا، قدس، جوان و انتخاب» فقط پنج روزنامه با اصلاحیه مخالف بودند.

۴. روزنامهٔ جهان اسلام: ۵ آذر ۷۷.

آقای مهاجرانی نیز آنگاه که به دلیل عملکرد مخرب برخی از مطبوعات، مورد انتقاد قرار گرفته بود، در این باره گفت:

«ما هشتصد نشریه در کشور داریم و این سر و صداها و حساسیت‌ها که پیش آمده، تنها در مورد کمتر از یک درصد نشریات است. نباید به خاطر اختلاف در مشی سیاسی، حقوق این همه نویسنده، روزنامه نگار و مدیر مسئول را تضییع کنیم.»[1]

پاسخ به اشکال سوم

یکی دیگر از اشکالات مخالفان اصلاحیه «مخالفت این طرح با قانون اساسی کشور» بود. در این باره هرچند منتقدان به اصول مشخصی اشاره نمی‌کردند و تنها به کلی گویی اکتفا می‌نمودند، امّا با مرور بیانیه‌ها، مقالات و سخنان آنان، در مواردی به اصول ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۵۲، ۵۳، ۱۶۸ و ۱۶۹ اشاره شده است.[2]

در پاسخ به چنین دغدغه‌ای باید گفت که اصل ۲۴ قانون اساسی، بر آزادی مطبوعات تصریح کرده است و مجلس نیز نمی‌تواند بر خلاف قانون اساسی، قانون وضع کند و چنانچه این اتفاق بیفتد و محل اختلاف باشد، مطابق اصل ۹۶ قانون اساسی، شورای نگهبان به عنوان مرجع اصلی، مخالفت یا عدم مخالفت آن را با قانون اساسی اعلام می‌کند.

دکتر حسن سبحانی، نمایندهٔ مردم دامغان، یکی از نمایندگانی است که به عنوان موافق اصلاح قانون مطبوعات مجلس شورای اسلامی سخن گفت. وی با اشاره به نحوهٔ تغییر جوامع توسعه یافته و پیشرفته، اصلاح قوانین متناسب با شرایط هر جامعه را مورد تأکید قرار داد و آن را یک امر پذیرفته شده در تمام جوامع دانست و در نطق خود گفت:

---

۱ . روزنامهٔ زن: ۸مهر ۷۷.

۲ . به عنوان نمونه نگاه کنید به روزنامهٔ خرداد: ۱۲ تیر ۷۸، ص ۱، به قلم سردبیر علی حکمت. در این مقاله اصول ۵۲ و ۵۳نیز به عنوان اصولی که اصلاحیهٔ قانون مطبوعات با آن مخالف است، ذکر شده. در حالی که بین این اصول و قانون مطبوعات هیچ گونه ارتباطی وجود ندارد!

«قرار داد اجتماعی، آزادی طبیعی را از بین نمی‌برد؛ بلکه کسانی را که از حیث قدرت و نبوغ با هم نامساوی هستند، از طریق قرارداد و حقوق با هم برابر می‌کند.

آزادی سیاسی، عبارت از امنیت یا اعتقاد به وجود امنیت است و این امنیت، هیچ وقت مورد حمله واقع نمی‌شود، مگر در موقع انتساب اتهامات. بنابر این، آزادی مردم بسته به آن است که قوانین جزایی خوبی تدوین شود.

قانونگزاران به عنوان مظهر اراده مردم، به ایجاد تغییرات قانونی موظف و محق هستند؛ مهم آن است که این تغییرات، مخالف قرارداد اجتماعی ـ یعنی قانون اساسی ـ نباشد و این از ویژگی‌های جوامع مدنی است که در آن، تفکیک قوا رکن اصلی است. ضرورت ایجاد تغییرات مطلوب، متناسب با مراحل گذار جامعه به سوی توسعه یافتگی، امری عقلی و منطقی است و تصمیم قانونگزار چون به وسیلهٔ شورای نگهبان بررسی می‌شود، هیچ دغدغهٔ مغایرت با قانون اساسی از آن نتیجه نخواهد داد.

به رسمیت شناختن حقوق قوا و تفکیک قوا و احترام به آرای نمایندگان ملت، از ابتدایی‌ترین ویژگی‌های نهادهای مدنی و دموکراسی موجود است. اگر هر فرد یا نهاد و یا گروهی این ویژگی و حق اولی را با اختلاط "انگیخته و انگیزه" نادیده بگیرد، قابل دفاع نیست.»[1]

علاوه بر تمام این امور، بهترین پاسخ به اشکال کنندگان، تطبیق اصول اشاره شده با قانون مطبوعات است . در ادامهٔ بحث ابتدا یکی از اصل‌های فوق را ذکر می‌کنیم و سپس آن را با قانون مطبوعات تطبیق می‌دهیم:

اصل ۲۰ قانون اساسی: «همهٔ افراد ملت، اعم از زن و مرد، به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همهٔ حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت و موازین اسلام برخوردارند.»

سؤال این است که کدام ماده یا تبصرهٔ قانون مطبوعات، با اصل بیستم قانون اساسی مخالف است؟ در فصل سوم قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ که به حقوق

---

۱ ـ روزنامهٔ رسالت: ۱۶ تیر ۷۸، ص ۱.

مطبوعات اختصاص یافته، سه ماده و یک تبصره در حمایت از روزنامه‌نگاران قرار داده شده بود که بر اساس مصوبهٔ مجلس پنجم، سه تبصرهٔ دیگر به آن اضافه شد که ضمانت اجرایی آن را تثبیت می‌کرد . مطابق تبصرهٔ یک مادهٔ ۴، هر مقامی که درصدد فشار بر مطبوعات برآید، به شش ماه تا دو سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود و در صورت تکرار، این انفصال دائمی خواهد بود.

آیا وضع چنین قانونی، در حمایت از حقوق خبرنگاران و اصحاب مطبوعات است یا در رفع آن؟!

اصل ۲۴ قانون اساسی: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.»

مخالفت قانون مطبوعات با این اصل، یکی از مهم‌ترین اشکالات منتقدان اصلاحیه بود! در پاسخ به این اشکال، دقت در فراز پایانی اصل مشکل‌گشاست. همان طور که ملاحظه می‌شود، تفصیل در این باره به عهدهٔ قانونگزار نهاده شده و اساساً بخش عمده‌ای از قانون مطبوعات نیز، برای تفصیل این اصل تدوین شده و به همین علت، در ابتدای قانون مطبوعات به اصل ۲۴ اشاره شده است.

در فصل سوم قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، ده مورد از موارد «حدود مطبوعات» ذکر شده بود که مطابق مصوبهٔ مجلس پنجم، بند ۱۱ و ۱۲ نیز به آن اضافه گردید. این دو بند عبارت بودند از:

« ۱۱ . ممنوعیت پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.
۱۲ . ممنوعیت انتشار مطلب علیه قانون اساسی»

همان طور که مشهود است، این دو مورد از مصادیق اخلال در حقوق عمومی و خصوصی و مبانی اسلام است. به خصوص که با توجه به اهمیت احکام اسلامی و اعتقادات دینی و مذهبی در قانون اساسی، در واقع انتشار مطلب «علیه» آن، مخل به مبانی اسلام و همچنین حقوق عمومی به حساب می‌آید. گنجاندن این دو بند در قانون مطبوعات، به آن دلیل است که در طول سال‌های اخیر حرمت افراد بسیاری و

همچنین حرمت قانون اساسی به عنوان قانون مادر در جامعه حفظ شود. بدیهی است که اگر حرمت این قانون حفظ نشود و فضاسازی علیه آن را مجاز بدانیم، کشور از هیچ نظمی برخوردار نخواهد شد.

حال سؤال این است که اضافه نمودن این دو مورد، چگونه به آزادی مطبوعات خدشه وارد کرده است تا آن را مخالف با قانون اساسی بدانیم؟! البته لازم به توضیح نیست که مفهوم کلمهٔ «علیه» به هیچ وجه بار مثبت ندارد و فرق بسیاری است میان «نقد قانون اساسی» در محافل علمی و دانشگاهی و «ضدیت با آن» توسط دشمنان دیرینهٔ نظام در جراید و مطبوعات!

اصل ۲۵ قانون اساسی : «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس، ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

ذکر اصل ۲۵ به عنوان یکی از اصولی که قانون مطبوعات با آن مخالف است جای تعجب و شگفتی دارد! مگر آن‌که منتقدان اصلاحیه، از کلمهٔ «سانسور» چنین استفاده‌ای را ببرند. در این صورت، سؤال این است که کدام ماده یا تبصرهٔ قانون مطبوعات درصدد حاکم کردن جو سانسور بر مطبوعات کشور است؟! آیا انفصال خدمت از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار، انفصال دائمی از خدمت، نسبت به کسانی که قصد اعمال فشار بر مطبوعات را داشته باشند (مطابق تبصرهٔ یک، مادهٔ ۴) حاکمیت جو سانسور بر کشور است یا شکستن جو سانسور؟! آیا ممنوعیت «انتشار مطلب علیه میثاق ملی» و «پخش شایعه و تحریف سخنان دیگران» و لزوم «مراعات مصوبات شورای عالی امنیت ملی»، برقراری جو سانسور است؟!

بر فرض که تمامی این موارد سانسور باشد، فراز پایانی اصل ۲۵ (مگر به حکم قانون) پاسخی است به تمامی این شیطنت‌ها. البته اگر منتقدان با این موارد مشکل دارند، باید مقصود خود را روشن و واضح بیان کنند، که در آن صورت، لازم است تا نگاهی غیر از «منتقد» به آنان داشته باشیم.

آفتاب امروز
۷۸/۱۲/۲۳

مجلس پنجم تحریف مطالب دیگران را ممنوع کرد، اما برخی از مدعیان آزادی به مخالفت فریاد برآوردند!

بودند به سخن ... را از میان خواهند برد.

تمام مقامات در مقابل این سؤال خبرنگار ما که مصباح یزدی در خطبه‌های نماز جمعه اعلام کرده است که اصلاح‌طلبان خوشحال نباشند به حساب آنها خواهیم رسید می‌گویند: ما بسیار متأسفیم.

و اصغرزاده به ...

اساسا چنین سخنی توسط آیت الله مصباح بیان نشده بود اما این شایعه یک روز بعد به بزرگترین تیتر روزنامه‌ها و صدها سطر مقاله توهین آمیز و کاریکاتور تبدیل شد!

آفتاب امروز
۷۸/۱۲/۲۵

آرمین: سخنان مصباح یزدی فضا را برای خشونت فراهم کرد

دفاع سخنگوی جامعه روحانیت مبارز از مصباح یزدی

آفتاب امروز
۷۸/۱۲/۲۶

در توضیحی به آفتاب امروز عنوان شد:

مصباح یزدی: از شیوه‌های غیرقانونی و غیرشرعی احتراز کنید

گروه سیاسی: در پی چاپ گزارشی در صفحه دوم روزنامه آفتاب امروز ۲۳ اسفند ماه سال جاری آقای مصباح یزدی توضیحی به شرح زیر برای روزنامه ارسال داشته که در پی می‌آید.

در شرایطی که دشمنان اسلام و انقلاب در صدد ایجاد ناامنی و تشدید اختلافات جناحی هستند متأسفانه می‌کنند که قابل پیگرد قانونی است.

ما ضمن سفارش به رعایت مصالح کشور و احتراز از شیوه‌های غیرقانونی و غیرشرعی به‌عنوان نمونه یادآوری می‌کنیم که مطلب منتشر در روزنامه آفتاب امروز تاریخ ۷۸/۱۲/۲۳ مبنی بر اینکه مصباح یزدی در خطبه‌های نماز جمعه اعلام کرده است که اصلاح‌طلبان خوشحال نباشند به حسابشان خواهیم رسید...

تکذیبیه دفتر آیت الله مصباح
که در صفحات داخلی با تیتری مبهم به چاپ رسید!

صبح امروز
۷۹/۱/۳۱

آیت الله خزعلی

اینها را هر جا که پیدا کردید بکشید

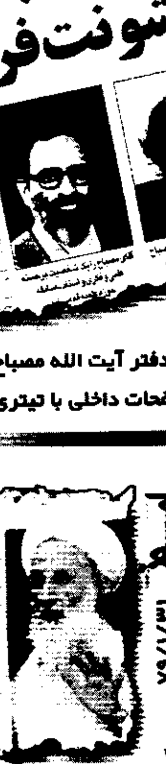

آیت الله خزعلی ترجمه آیه ۱۱۸ از سوره هود را خوانده بود، اما صبح امروز آن را تحریف و سپس تیتر کرد تا ... !

امروز
۷۹/۶/۷

آیت الله خزعلی: از ۶۰ میلیون ایرانی ۶۰ بنده خالص خدا پیدا نمی‌شود

آیت الله خزعلی گفته بود که ۶۰ عبدصالح برای جامعه ۶۰ میلیونی کافی است، اما روزنامه سعید حجاریان آن را این گونه تحریف کرد و یک روز بعد وزیر ارشاد حمله را آغاز نمود تا ... !

امروز
۷۹/۶/۸

دکتر مهاجرانی: حضرت آیت الله خزعلی! چرا ملت ایران را انکار می کنید

محسن کدیور: "اگر جریانی صداقت انقلابی خود را از دست داد و حاضر شد دروغ بگوید آن وقت به هر کاری دست خواهد زد"
مسئله ادامه می یابد
(صبح امروز ۷۹/۱/۲)

اصل ۱۶۸ قانون اساسی: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوهٔ انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.»

اصل ۱۶۹ قانون اساسی: «هیچ فعل یا ترک فعلی، به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود.»

همان طور که ملاحظه می‌شود، چند نکته در این اصول مورد توجه قرار گرفته:

الف ـ رسیدگی به جرایم مطبوعاتی باید علنی باشد.

ب ـ حضور هیأت منصفه در محاکم مطبوعاتی الزامی است.

ج ـ محاکمهٔ مطبوعات باید در محاکم دادگستری انجام شود.

د ـ قانون جدید، عطف به ماسبق نمی‌شود.

مجدداً سؤال این است که کدام ماده یا تبصرهٔ قانون مطبوعات با این اصول همخوانی ندارد و مخالف آن است؟! شاید منظور منتقدان، عدم صلاحیت دادگاه انقلاب و دادگاه ویژهٔ روحانیت برای بررسی شکایات مطبوعاتی است که در این صورت باید گفت این اشکال وارد نیست! چرا که در قانون مطبوعات فعلی، تنها برای رفع ابهام به این دادگاه‌ها تصریح شده است!

توضیح این‌که در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، قانونگزار از لفظ «دادگاه صالحه» استفاده کرده بود که موجب ابهام و سوء استفاده برخی از متخلفان می‌شد. حال با توجه به این که طبق قانون اساسی هر یک از محاکم دادگستری صلاحیت بررسی تخلفات مطبوعاتی را دارد و دادگاه‌های مذکور از مجموعه‌های دادگستری هستند، بنا بر این مخالفتی با اصل ۱۶۸ نیست. حتی در این قانون تصریح شده است که چنانچه رسیدگی به جرمی از جرایم مطبوعاتی یا سیاسی به دادگاه انقلاب یا دادگاه ویژهٔ روحانیت مربوط باشد، علنی بودن و حضور هیأت منصفه در آن الزامی است.

همچنین مطابق فصل هفتم این قانون ـ که تماماً در مجلس پنجم اضافه شده

است ـ موارد ابهام از اختیارات هیأت منصفه و ابهامات حضور و انتخاب این هیأت برطرف شده است.

و امّا در خصوص مخالفت اصلاحیه با اصل ۱۶۹، معلوم نیست که کدام ماده یا تبصرهٔ این قانون، فعل یا ترک فعلی را در گذشته جرم دانسته است که منتقدان به اصل ۱۶۹ استناد جسته‌اند!

پاسخ به اشکال چهارم

«تقویت نقش هیأت نظارت و تضعیف وزارت ارشاد» از جمله اشکالات دیگر بود که توسط وزیر ارشاد و برخی نمایندگان به آن اشاره می‌شد. منتقدان با استناد به این اشکال، انگیزهٔ طراحان را سیاسی می‌دانستند؛ امّا آیا این اشکال وارد بود؟

هیأت نظارت یکی از نهادهای مهم در قانون مطبوعات است که در قانون قبلی، نقش و اختیارات آن به طور روشن معلوم نشده بود. تا آن‌جا که وزیر وقت ارشاد (مهاجرانی) و معاون مطبوعاتی وی (بورقانی) در خصوص برخی از اختیارات آن اختلاف پیدا کردند.[1] برای بررسی بهتر، ابتدا لازم است بدانیم که اختیارات هیأت نظارت در قانون قبلی چگونه بود. در این باره باید گفت که مطابق مادهٔ ۱۰ قانون قبلی، ترکیب اعضای هیأت نظارت تعیین می‌شد.

و مطابق مادهٔ ۱۱، هیأت نظارت مرجع رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی مدیر مسئول بود.

و مطابق مادهٔ ۱۲، هیأت نظارت این اختیار را داشت که رأساً یا به درخواست وزیر ارشاد، موارد تخلف نشریات را بررسی کند.

و مطابق مادهٔ ۱۳، هیأت نظارت موظف بود ظرف سه ماه، دربارهٔ صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول نظر خود را به وزارت ارشاد گزارش نماید.

---

۱. نگاه کنید به صفحهٔ ۷۸ در همین کتاب.

و مطابق مادهٔ ۲۷، هیأت نظارت می‌توانست رأساً امتیاز نشریه‌ای را لغو نماید و سپس آن را برای محاکمه معرفی کند.

اکنون با ملاحظه تغییرات داده شده در این مواد، معلوم می‌شود که آیا اختیارات وزارت ارشاد تقلیل یافته یا اختیارات هیأت نظارت؟ و اساساً تغییرات انجام شده به نفع مطبوعات است یا به ضرر آنها.

در بررسی قانون جدید، در خصوص اختیارات هیأت نظارت به این موارد برمی‌خوریم:

الف ـ برای تقویت هیأت نظارت در بُعد نظارت صحیح و بیش‌تر بر مباحث دینی، فقهی و اعتقادی در مطبوعات، دو نفر کارشناس دینی (نمایندهٔ حوزهٔ علمیه قم و یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی) به اعضای هیأت (که در مادهٔ ۱۰ ذکر شده) اضافه شدند؛ تا بی‌دلیل و به هر بهانه‌ای با مطبوعات برخورد نشود و فقط در صورت اثبات اخلال در مبانی اسلامی که قانون اساسی تعیین کرده، برخورد صورت گیرد.

ب ـ مطابق تبصرهٔ سه مادهٔ ۸، واگذاری نشریه به غیر، اعم از قطعی، شرطی، اجاره و امثال آن ممنوع است؛ مگر با اجازهٔ هیأت نظارت.

ج ـ در تبصرهٔ شش مادهٔ ۹ آمده است: «چنانچه ظرف دو ماه مراجع ذی صلاح در خصوص استعلام هیأت نظارت پاسخ ندهند، این هیأت باید صلاحیت آنان را تأیید کند.» این تبصره در واقع ضمانت اجرایی برای مادهٔ ۱۳ است.

د ـ مطابق تبصرهٔ دو و سه مادهٔ ۱۰، تصمیمات هیأت نظارت قطعی است و دبیرخانهٔ آن از نظر امکانات وزارت ارشاد وابسته است.

هـ ـ مطابق تبصرهٔ چهار مادهٔ ۱۰، وزیر ارشاد ریاست این هیأت را به عهده می‌گیرد.

و ـ مطابق مادهٔ ۱۲، این وزیر ارشاد است که می‌تواند رأساً یا به درخواست دو نفر از اعضای هیأت نظارت، تخلف یک نشریه را بررسی کند. در حالی که در قانون قبلی،

این رابطه برعکس بود و هیأت نظارت می‌توانست رأساً این عمل را انجام دهد.

ز ـ بر اساس تبصرهٔ مادهٔ ۱۲، حق لغو امتیاز نشریهٔ متخلف از هیأت نظارت گرفته شده و این هیأت فقط می‌تواند نشریهٔ متخلف را توقیف موقت نماید.

همان طور که ملاحظه می‌شود، مصوبهٔ مجلس پنجم تنها به نظام‌مند کردن اختیارات هیأت نظارت و رفع برخی از ابهامات اقدام نموده که در این صورت اولاً: مطابق تغییراتی که در بندهای «د، هـ، و» ذکر شد، وزارت ارشاد تقویت شده است[1] و ثانیاً: مطابق تغییراتی که در بندهای «الف، ب، ج، ز» ذکر شد، جانب مطبوعات رعایت شده است.

پاسخ به اشکال پنجم

«ممنوع القلم شدن و عدم فعالیت مطبوعاتی برخی از شهروندان» یکی دیگر از اشکالات مطرح شده توسط منتقدان و معترضان بود. آنان چنین عملی را برخلاف اهداف انقلاب اسلامی و نوعی استبداد معرفی می‌کردند!

در پاسخ به این اشکال، کافی است نگاهی داشته باشیم به اصول قانون اساسی، سخنان معمار انقلاب اسلامی و قانون مطبوعات فعلی.

مطابق بخشی از اصل دوم قانون اساسی «جمهوری اسلامی نظامی است، بر پایهٔ ایمان به ... کرامت و ارزش‌های والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا ...» مطابق این اصل، آزادی انسان همراه با مسئولیت اوست و هیچ مسئولیتی بالاتر از حفظ اسلام و نظام اسلامی نیست. بنا بر این، چنانچه شخص یا گروهی بخواهد از نعمت آزادی که یکی از دست آوردهای انقلاب اسلامی است، سوء استفاده کند، نظام اسلامی در برابر او خواهد ایستاد. معمار بزرگ انقلاب اسلامی نیز بر اساس

---

۱. لازم به ذکر است که مطابق یکی از پیشنهادهای اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، تصویب یارانهٔ مطبوعات به عهدهٔ هیأت نظارت قرار می‌گرفت و وزارت ارشاد فقط پیشنهاد دهندهٔ مقدار یارانه بود. این پیشنهاد پس از بحث و بررسی به تصویب نرسید و وزارت ارشاد در اختصاص یارانه، همچنان مبسوط الید باقی ماند.

همین اصل روشن و بدیهی، بارها اعلام نمود که میان آزادی و توطئه فرق بسیاری است، معظم له آزادی را حق هر کس، امّا توطئه را ممنوع می‌دانست.

آن حضرت در ابتدای انقلاب اسلامی، برای جلوگیری از سوء استفاده برخی از معترضان و معاندان، به مسئولان فرهنگی کشور این چنین سفارش می‌نمودند:

«اشخاصی که اداره می‌کنند یک جایی را باید از اول ارزیابی شود که این اشخاص چکاره بوده‌اند، سوابقشان چیست و تحصیلاتشان در کجا بوده؛ چه رویه‌ای در تحصیلات داشته‌اند و بعد از انقلاب چه وضعیتی داشته‌اند؛ قبلاً چه وضعیتی داشته‌اند و افکارشان قبلاً چه بوده.

اگر کسی افکارش منحرف بوده و حالا بیاید ادعا بکند که من برگشته‌ام، ما باید قبول کنیم، امّا نباید او را مجله نویس کنیم؛ این دو، با هم فرق دارد. بسیاری از اشخاص هستند که می‌آیند و می‌گویند ما توبه کرده‌ایم، البته توبه آنها قبول است؛ لکن نمی‌شود آنها را سر کاری گذاشت که آن کار اهمیت دارد، برای این که ما نمی‌دانیم این شخص به حسب واقع توبه کرده است یا می‌خواهد با کلمه توبه ما را بازی دهد. ما قبول می‌کنیم که در جامعهٔ مسلمین، مثل سایر مسلمانان با او عمل کنیم، امّا نباید رادیو تلویزیون را به دست او بدهیم و یا او را در رادیو تلویزیون راه دهیم و یا مجله‌ای که برای تربیت افراد و برای ترویج مسیر اسلامی ملت است، به دست او بدهیم و یا نوشته‌هایش را به دست او بسپاریم.

ما نباید خوش باور باشیم، خیلی از اشخاص هستند که تمام حرف‌هایشان، حرف‌های نهج البلاغه است؛ تمام حرف‌هایشان حرف‌های قرآن است؛ لکن مسیرشان این نیست. اشخاصی هستند که این راه را پیش گرفتند، برای این که خودشان را در جامعه جا بزنند و آن مقصدی را که دارند عمل کنند.»[1]

آن حضرت همچنین در پایان حیات طیبه‌اش و پس از تجربهٔ یک دهه حکومت، مجدداً در وصیت نامهٔ سیاسی ـ الهی خویش بر نظر گذشته تأکید ورزیدند:

---

۱. صحیفهٔ نور: ج ۱۳، ص ۲۵۰ ـ ۲۴۹، بیانات امام در جمع هیأت تحریریه مجله سروش، ۱۵ دی ۵۹.

«اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور ما بعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت، در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن‌که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همهٔ ما و همهٔ مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند؛ و مردم و جوانان حزب اللّهی اگر برخورد با یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند، خداوند تعالی مددکار همه باشد.»[1]

حتی حضرت امام﵀ عدم قاطعیت مسئولان در برخورد با قلم‌های فاسد و قلم بدستان مزدور را یکی از دلایل مشکلات به وجود آمده در فصل جوانی انقلاب می‌دانستند و در لزوم برخورد قاطعانه می‌فرمودند:

«اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سدّ بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و رؤسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب‌های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و رؤسای آنها را به سزای خودشان رسانده بودیم و چوبه‌های دار را در این میدان‌های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین را درو کرده بودیم، این زحمت‌ها پیش نمی‌آمد.»[2]

امّا آیا قانون مطبوعات مصوب مجلس دوم و پنجم، برخلاف این اصول قانون

---

۱ . صحیفهٔ نور: ج ۲۱، ص ۱۹۶ ـ ۱۹۵، وصیت نامه سیاسی ـ الهی.

۲ . همان: ج ۸، ص ۲۵۱، بیانات امام در جمع اقشار مختلف مردم، ۲۷ مرداد ۵۸.

حیات نو ۷۹/۵/۲۲

مهاجرانی: ارتباط منطقی خود را با نویسندگانی که نوعی بدبینی نسبت به آنها وجود دارد حفظ می‌کنیم

حیات جامعه- عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز پنجشنبه در سومین گردهمایی نمایندگی‌های

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور پیشنهاد تاسیس رایزنی‌های مطبوعاتی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را ارائه کرد.

به گزارش ستاد خبری سومین گردهمایی نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، با مقایسه نشریات ایرانی و سایر کشورها گفت: نشریات ما فاصله زیادی با سایر کشورهای اسلامی دارند و این فاصله‌ها نه تنها در شکل که در محتوی نیز نمود دارد.

وی نسبت به کاهش یافتن این فاصله‌ها اظهار امیدواری و

خوشبینی کرد. مهاجرانی همچنین ارتباط میان نویسندگان داخلی با نشریات کشورهای اسلا...

شناخته شده که نوعی بدبینی نسبت به آنان وجود دارد، چنین تلقی‌ای صورت نگیرد و از ساطعان...

ایران ۷۹/۵/۲۶

دکتر مهاجرانی: تصمیم داریم مطالب نویسندگان و روزنامه نگاران ایرانی را در نشریات کشورهای عربی به چاپ برسانیم

بر اساس تبصره ۳ ماده ۸، واگذاری نشریه به غیر بدون تصویب هیأت نظارت جرم محسوب می شد و بر اساس تبصره ۸ ماده ۶، فعالیت مطبوعاتی عناصر ضد انقلاب ممنوع شد.

براساس مصوبه امروز مجلس

فعالیت عناصر ضدانقلاب و استفاده از کمک خارجی در مطبوعات ممنوع شد

● براساس تبصره ۸ ماده ۶، اعضا و هواداران گروههای ضدانقلاب و یا گروههای غیرقانونی و محکومان دادگاههای انقلاب که به جرم اعمال ضدانقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته‌اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند، حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.

● **طبق تبصره ۷ ماده ۶، مسئولیت مقالات منتشره در نشریه برعهده مدیرمسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاص که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود.**

● مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه نشریاتی که توسط دادگاه صالحه یا هیأت نظارت بر مطبوعات مغایر با قانون مطبوعات تشخیص داده شوند، نیستند.

صفحه ۱۴

در مقابل درشرقی دانشگاه تهران

تجمع دانشجویی- مردمی در دفاع از ساحت امام خمینی فردا

کیهان ۷۹/۱/۲۹

چند روز پس از تصویب این قانون، عیسی سحرخیز مدیر کل سابق مطبوعات داخلی و مدیر مسئول اخبار اقتصاد در مصاحبه با رادیو انگلیسی اقرار کرد:"افراد شاخص در بین روزنامه نگاران که چاپ مطالب آنها می توانست خطر تعطیلی نشریه را به همراه داشته باشد، سعی کردند یا به صورت محدودتر کار کنند یا با نام مستعار به فعالیت خود ادامه دهند (!) (کیهان: ۶ / ۲ / ۸۰)

امروز ۷۹/۲/۸

مطبوعات "زد" اسلام تعطیل باید گردد.

این شیوه شعارنویسی، برای متهم ساختن نیروهای انقلاب به بی سوادی، در سال های نخست انقلاب نیز توسط منافقین استفاده می شد.

نفاق جدید نیز در زمان اصلاح قانون مطبوعات از همان شیوه بهره گرفت!

رسالت ۷۹/۲/۳

رهبر معظم انقلاب در اجتماع ۲۰۰ هزار نفری جوانان:

رد پای منافقین را در برخی مطبوعات می بینم
مشکل با نصیحت حل نمی شود

- من با آزادی مطبوعات و با تنوع مطبوعات موافقم
- ده یا بیست روزنامه از یک مرکز هدایت می شوند
- رئیس جمهور هم مثل من از این نوع مطبوعات ناراضی است
- اجازه نمی دهم بر خلاف قانون اقدامی انجام بگیرد
- اگر دشمن مشار بیاورد، حادثه کربلا تکرار می شود

اعضای باند ترور حجاریان سه شنبه علنی محاکمه می شوند

رسالت ۷۹/۲/۶

دستگاه قضایی فقط قانون را می‌شناسد
پایگاههای دشمن را تعطیل خواهیم کرد

بیان ۷۹/۲/۵

در آغاز موج جدید تعطیلی خلاف قانون مطبوعات

آفتاب امروز، عصر آزادگان و فتح توقیف شدند

!؟

جمهوری اسلامی ۷۹/۵/۱۶

یک روزنامه آمریکایی از جسارت برخی افراد ایرانی در به زیر سئوال بردن ارزشها و مبانی دینی ستایش کرد

ایران ۷۹/۶/۲۸

دکتر شهیدی: روزنامه‌نگاران برای اینکه گرفتار دادگاه نشوند باید بر مدار قانون حرکت کنند

گروه آیینه: معاون مطبوعاتی و تبلیغاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: روزنامه‌نگاری حرفه حساسی است و روزنامه‌نگاران برای اینکه گرفتار دادگاه و مشکلات دیگر نشوند بایستی در دالانهای قانونی حرکت نمایند.

شعبان شهیدی مؤدب دیروز در جمع مسؤولان نشریات تجربی و اعضای خانه مطبوعات شهرستان ری افزود: مشکلات ایجادشده برای روزنامه‌نگاران به دلیل عدم آشنایی آنان با قانون بوده که بایستی در مدار آن حرکت می کردند.

وی خاطرنشان ساخت: این روزنامه‌نگاران که اکثر آنها علاقه‌مند به نظام و جبهه رفته، هستند به دلیل یکسری اشتباهات سهوی گرفتار شدند. شهیدی مؤدب گفت: روزنامه‌نگاران بایستی حساسیت‌ها و ظرافت‌های دینی جامعه را رعایت کنند.

بامداد نو ۷۹/۱/۲۳

توقف در کار نیست

مهاجرانی: صبح امروز دیگری هم، منتشر می کنیم

روزنامه صبح امروز:

* روحانیت در طول تاریخ ایران سر سپرده مراکز قدرت بوده و مبارزان از آنها انگشت شمارند. (۳ / ۱۰ / ۷۷ عزت الله سحابی)
* رواج فساد و فحشا تأثیر در قدرت دفاع و جنگ آوری ندارد. (۸ / ۳ / ۷۸ گنجی)
* اجرای حکم ارتداد، با حقوق انسانی منافات دارد. (۸ / ۷ / ۷۸)
* روحانیون از افکار روشنفکران ارتزاق می‌کنند و خود مبدع نظریه سیاسی نیستند. (۲۰ / ۱۱ / ۷۸ سحابی)
* عاشورا معلول تعارض‌های قومی و نتیجه خشونت پیامبر در بدر و خیبر بود(۷۷/۱۱/۲۰ گنجی)
* تفکر شیعه‌گری موجب انحطاط مملکت ما و مانعی برای دمکراسی است(!)

ای کاش سوابق حاکمیت‌های مردمی صدر اسلام ، مورد توجه قرار می‌گرفت. (۷۸/۸/۲۳)

اساسی و توصیه‌های حضرت امام‌ؒ بود؟ مجلس دوم در مصوبهٔ سال ۱۳۶۴ بر اساس همین توصیه‌های حضرت امام، برخی از افراد را از فعالیت‌های مطبوعاتی منع کرد. مطابق تبصرهٔ مادهٔ ۹ قانون قبلی «نخست وزیر، وزیران، استانداران، امرای ارتش و شهربانی، ژاندارمری، رؤسای سازمان‌های دولتی ... نمایندگان مجلسین، سفرا، فرمانداران، شهرداران و کلیهٔ همکاران و وابستگان به رژیم طاغوت (از پانزده خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷) از انتشار نشریه محروم شدند.

بدیهی و روشن است که نمایندگان مجلس دوم (که بسیاری از آنان از فعالان سیاسی این زمان به حساب می‌آیند) و وزیر وقت ارشاد (آقای خاتمی) از تصویب چنین مصوبه‌ای که قلب امام را شاد و ضامن سلامت رکن چهارم بود، خوشحال بودند. همچنین روشن و واضح است که محرومیت ذکر شده در این قانون، محرومیت از هرگونه فعالیت مطبوعاتی است و اگر غیر از این بود، چگونه از نفوذ دشمن جلوگیری می‌شد! امّا با گذشت زمان و برهم خوردن صفوف نیروهای خودی و غیر خودی و تجدید نظرطلبی برخی از نیروهای خودی، راه‌ها و بهانه‌های سوء استفاده باز شد.

نکتهٔ مهم در مصوبهٔ مجلس پنجم این بود که از ابهام این ماده جلوگیری کرد و با قرار دادن قید «هرگونه فعالیت مطبوعاتی» در آخر این ماده، راه سوء استفاده مطرودان امام و انقلاب را بست.

علاوه بر افراد فوق، مطابق تبصرهٔ هشت مادهٔ ۹ که در مصوبهٔ مجلس پنجم اضافه شد، «اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و یا گروه‌های غیر قانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلابی و یا فعالیت علیه امنیت داخلی محکومیت یافته بودند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند، حق هیچ‌گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سِمَت در نشریات را ندارند.»

سؤال این است که ممنوع القلم شدن فعالان رژیم طاغوت و ضد انقلاب که جز

فروپاشی نظام اسلامی را در سر نمی‌پرورانند، برخلاف اهداف اسلامی است؟!

به راستی مگر قرار است چنین افرادی با این سابقهٔ درخشان! در مطبوعاتی که باید حافظ انقلاب اسلامی باشند، فعالیت کنند!

پاسخ به اشکال ششم

از اشکالات عجیب مطرح شده در مورد قانون مطبوعات فعلی، «قرار گرفتن نهاد روحانیت در برابر مطبوعات» عنوان می‌شد! مبنای این اشکال به تغییر ترکیب هیأت نظارت و اعضای انتخاب کنندهٔ هیأت منصفه بازمی‌گشت. بر اساس قانون قبلی مطبوعات، اعضای هیأت نظارت عبارت بودند از «یکی از قضات به انتخاب رئیس قوهٔ قضائیه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نمایندهٔ وی، یکی از نمایندگان مجلس به انتخاب مجلس، یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی، یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان» که بر اساس مصوبهٔ مجلس پنجم، «یکی از اساتید حوزهٔ علمیه قم و یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی» به آن اضافه شد.

همچنین ترکیب اعضای تعیین کنندهٔ هیأت منصفه عبارت بودند از «وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر» که بر اساس مصوبهٔ مجلس پنجم، «رئیس سازمان تبلیغات و نمایندهٔ شورای سیاستگذاری ائمه جمعه» نیز به آن اضافه شد.

همان طور که ملاحظه می‌کنید، خصوصیات این ترکیب عبارت است از:

۱. تقویت هیأت نظارت و هیأت منصفه با حضور کارشناسان دینی.

این تغییر از آن بابت لازم و ضروری بود که در سال‌های اخیر، مطالب انتشار یافته دربارهٔ مباحث فقهی و اعتقادی، از حجم بیش‌تری برخوردار شده بود. وجود این کارشناسان دینی در هیأت نظارت و هیأت منصفه، باعث می‌شد تا این نهادها به خوبی به وظایف خود در حفظ حریم مقدسات و همچنین آزادی‌های مشروع مطبوعات

عمل کنند.

۲. تغییر ترکیب هیأت نظارت و هیأت منصفه از ترکیب دولتی به غیر دولتی.

بدیهی است که در جامعهٔ مدنی برگرفته از مبانی اسلامی، اعتبار دادن به نهادهای دینی غیر دولتی لازم و ضروری است. بنا بر این، معلوم نیست که استدلال مدعیان این اشکال که برخی از آنان خود از روحانیان بودند، بر چه پایه و اساسی مبتنی بود.

آیا قرار بود اعضای هیأت نظارت و هیأت منصفه، عملی بر خلاف شرع انجام دهند که حضور روحانیت در آن مطابق با شأن آنان نباشد؟

آیا بسیاری از مدیران مسئولی که در زمان تصویب این قانون، مسئولیت روزنامه‌ای را بر عهده داشتند (مانند روزنامهٔ «خرداد» به مدیر مسئولی آقای عبدالله نوری و روزنامهٔ «سلام» به مدیر مسئولی آقای موسوی خوئینی‌ها) عملی برخلاف شأن خود انجام می‌دادند؟!

آیا قبل از قرار دادن یکی از اساتید حوزهٔ علمیه، نمایندهٔ سازمان تبلیغات، نمایندهٔ شورای سیاستگذاری ائمه جمعه و نمایندهٔ شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیچ فرد روحانی دیگری در هیأت نظارت و منصفه حضور نداشت تا این شبهه ایجاد نشود؟

آیا قرار گرفتن یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر علوم، توهم مقابلهٔ دانشگاه با آزادی‌های مشروع را ایجاد نمی‌کرد! و فقط حضور دین شناسان این مشکل را فراهم می‌آورد؟ بنا بر این، معلوم می‌شود که مشکل چیز دیگری بود!

پاسخ به اشکال هفتم

برخی از منتقدان و مخالفان قانون فعلی مطبوعات بر این باور بودند که «قانون فعلی مطبوعات (مصوبه مجلس پنجم) نه تنها رفع ابهام ننموده، بلکه بر ابهامات این قانون افزوده است» این اشکال از دو قسمت تشکیل می‌شد:

الف ـ قانون فعلی رفع اشکال و ابهام نکرده است.

ب ـ قانون فعلی بر ابهامات افزوده است.

در پاسخ به ادعای اول، ابتدا باید بررسی کنیم که در قانون قبلی، در چه مواردی ابهام بوده است و آیا واقعاً از آن موارد رفع ابهام شده یا نه؟

موارد مبهم قانون قبلی عبارت بودند از:

۱. **ابهام در اختیارات هیأت نظارت:** در این خصوص بر اساس قانون قبلی، میان صاحب نظران اختلاف بود که آیا مطابق مادهٔ ۲۷، هیأت نظارت می‌تواند امتیاز نشریه‌ای را لغو کند یا نه؟ در تبصرهٔ مادهٔ ۱۲ قانون فعلی این موضوع روشن شده. بر اساس این تبصره، هیأت نظارت فقط می‌تواند نشریهٔ متخلف را توقیف نماید.

۲. **ابهام در اختیارات هیأت منصفه:** در قانون مطبوعات قبلی، تنها یک بار (در مادهٔ ۳۴) از هیأت منصفه نام برده شده بود و عمده وظایف این هیأت، مطابق مادهٔ ۳۵ توسط وزارت ارشاد باید تهیه می‌شد که در این خصوص نیز متأسفانه اشکالات و ابهامات زیادی بین قاضی دادگاه و هیأت منصفه باقی بود. این اختلافات به جایی رسید که در برهه‌ای، هیأت مذکور از شرکت در جلسات دادگاه امتناع ورزید و مطابق قانون، قاضی دادگاه حکم به برکناری ایشان داد.

خوشبختانه در قانون فعلی مطبوعات، یک فصل با ۹ مادهٔ قانونی و ۱۰ تبصرهٔ توضیحی، سعی نموده است تا هرگونه ابهام را برطرف کند. حتی برای رفع ابهام و واضح شدن اختیارات هیأت منصفه، تبصرهٔ یک مادهٔ ۳۸ و مواد ۴۲ و ۴۳ و تبصرهٔ دو مادهٔ ۴۳ به این امر اختصاص داده شده است.

۳. **ابهام در ضمانت اجرایی حضور هیأت منصفه:** مطابق قانون قبلی، چنانچه اعضای هیأت منصفه، بدون عذر موجه در دو جلسهٔ دادگاه شرکت نمی‌کردند، به حکم دادگاه رسیدگی کننده، از عضویت در هیأت محروم می‌شدند. این مسأله در سال ۱۳۷۸ مشکلات متعددی را به وجود آورد و تا مدت‌ها، دادگاه مطبوعات به دلیل تکمیل نبودن اعضای هیأت منصفه برگزار نشد. برای رفع این ابهامات، مادهٔ ۳۸ و تبصرهٔ ۲

آن، مادهٔ ۳۹ و تبصرهٔ آن، مادهٔ ۴۱ و تبصرهٔ سه و چهار مادهٔ ۴۳ به این موضوع اختصاص داده شده است.

۴. **ابهام در ضمانت اجرایی هیأت منصفه:** پس از برکناری برخی از اعضای هیأت منصفه و تقلیل یافتن تعداد اعضا علی رغم حجم زیاد پرونده‌های مطبوعاتی، تا مدت‌ها دادگاهی برقرار نشد. علت این امر، ابهام قانونی و عدم پیش‌بینی برای انتخاب میان دوره‌ای اعضای هیأت، در صورت فوت، استعفا، برکناری و ... بود. ضمناً هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در خصوص تأخیر وزیر ارشاد در برگزاری انتخابات هیأت منصفه پیش‌بینی نشده بود!

در این خصوص نیز مادهٔ ۳۶ و تبصرهٔ یک آن و فرازهایی از مادهٔ ۳۸ به این نکته اختصاص یافت.

۵. **ابهام در تشکیلات هیأت منصفه:** مطابق مصوبهٔ مجلس دوم (سال ۱۳۶۴) اعضای هیأت منصفه ۱۴ نفر بوده که هر دو سال یک بار، با ۷ عضو اصلی و ۷ عضو علی البدل تعیین می‌شدند. در این خصوص معلوم نبود که آیا در صورت شرکت هر ۱۴ نفر در جلسهٔ دادگاه، همه حق رأی دارند یا هفت عضو اصلی؟ در صورت عدم شرکت برخی از اعضای اصلی، کدام عضو علی البدل حق رأی دارد؟

نمایندگان مجلس پنجم، در مصوبهٔ خود با اختصاص فرازهای آخر مادهٔ ۳۸ و تبصرهٔ ۱ و ۲ آن، به رفع این ابهام پرداختند.

۶. **ابهام در صلاحیت ذاتی دادگاه:** مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید علنی و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت گیرد. در قانون مطبوعات قبلی، مطابق مادهٔ ۳۴ آن، از لفظ «دادگاه صالحه» استفاده شده بود. از طرفی محاکم دادگستری به محاکم عمومی و انقلاب تقسیم می‌شود. در کنار این محاکم نیز، دادگاه نظامی و دادگاه ویژهٔ روحانیت نیز وجود دارد. ابهام در این باره چنین بود که اگر روزنامه‌ای که مدیر مسئول آن روحانی بود، جرمی علیه امنیت داخلی یا

خارجی مرتکب می‌شد، معلوم نبود چه دادگاهی صلاحیت بررسی را دارد؟

قانون مطبوعات مصوب مجلس پنجم با تغییر جزئی در مادهٔ ۳۴، این ابهام را رفع نمود و بنا بر آن، جرائم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی، می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی بررسی شود. در این ماده تأکید شده است که به هر صورت و در هر دادگاهی، علنی بودن دادگاه و حضور هیأت منصفه الزامی است.

۷. ابهام در مجازات‌ها: در مادهٔ ۷ و مادهٔ ۲۳ تا ۳۳ قانون قبلی (فصل ششم: جرائم)، موارد متعددی جرم تلقی شده، امّا میزان مجازات آن به طور روشن معلوم نشده بود. این امر موجب برخوردهای سلیقه‌ای توسط قضات می‌شد، به طوری که مجازات‌های تعیین شده، ناهماهنگ و مختلف بود. با بررسی‌های انجام شده در مجلس پنجم، با اضافه نمودن بند «ب» به مادهٔ ۳۳ و همچنین اضافه نمودن مواد ۳۴ و ۳۵ و تبصرهٔ ذیل آن، مجازات‌ها معین و نظام‌مند شد.

۸. ابهام در مسئولیت کیفری نویسندگان: مطابق تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۹ قانون سال ۱۳۶۴، مسئولیت یکایک مطالب نشریه و دیگر امور آن به عهدهٔ مدیر مسئول است و نه کسی دیگر. امّا در همین حال، قانونگزار در مواردی مثل افشای اسرار نظام، توهین به رهبری و مراجع و ... با استفاده از لفظ «هرکس» تمام شرکا و معاونین را مسئول دانسته است.

با این حساب، معلوم نبود که آیا مدیر مسئول مقصود است یا هر کسی که با جرم در ارتباط بوده؟ معلوم نبود که اگر نویسنده با علم به عمد، مطلب خلافی را بدون اطلاع مدیر مسئول به چاپ برساند، آیا باز هم فقط مدیر مسئول پاسخگوست؟ اساساً آیا عدم مسئولیت شخص خاطی و پاسخگویی و محکومیت کسی که در جرم نقشی نداشته، با مبانی قضایی اسلام (وَ لٰا وٰازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرىٰ) همخوانی دارد یا نه؟ در این خصوص، نه تنها بین دست اندرکاران دادگاه و برخی از اصحاب مطبوعات، بلکه حتی بین حقوقدانان نیز اختلاف و کشمکش بود. در تبصرهٔ مادهٔ ۹ قانون فعلی، این مشکل

برطرف شد و بر اساس قانون قضای اسلامی، مسئولیت مقالات و مطالب نشریه متوجه مدیر مسئول است؛ ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده یا سایر اشخاص درگیر با جرم نیست.

۹. **ابهام در نحوهٔ رسیدگی به اعتراض محکومین پرونده‌های مطبوعاتی:** از اواسط سال ۱۳۷۷، این بحث به طور جدی در میان اصحاب مطبوعات و صاحب نظران مطرح شد که در مرحلهٔ تجدید نظر نیز حضور هیأت منصفه لازم است یا نه؟ شُعب دیوان عالی کشور معتقد بودند که لازم نیست. در صورت پذیرش نیز طبق قواعد دادرسی، کسانی که در یک مرحله از دادرسی شرکت کرده‌اند، حق شرکت در مرحلهٔ دوم را ندارد! بنا بر این، بر فرض پذیرش حضور هیأت منصفه، قانون دربارهٔ گروه دوم هیأت ساکت بود. این ابهام در تبصره‌های سه و چهار مادهٔ ۴۳ قانون فعلی رفع شده است و بنا بر تصریح این تبصره‌ها، حضور هیأت منصفه در آن مقطع از بررسی پرونده، لازم نیست.

علاوه بر این موارد، «اضافه شدن تبصرهٔ یک به مادهٔ ۴ که بر اساس آن هر مسئولی که درصدد فشار و سانسور مطبوعات برآید، به انفصال خدمت موقت یا دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود و همچنین مشخص شدن چگونگی دریافت کمک‌های خارجی غیر دولتی در مادهٔ ۸ و تبصرهٔ ۲ آن و مطابق بند "ب" اضافه شده به مادهٔ ۹ که مطابق آن شرایط اشخاص حقوقی معلوم شده و همچنین مادهٔ ۴۶ که صاحب امتیاز و مدیر مسئول موظف شده‌اند کلیهٔ کارکنان نشریه را بیمه کنند تا در صورت تعطیلی نشریه، به کارکنان نشریه ضربه وارد نشود» باعث رفع ابهام از موارد دیگر شده است.

با این حساب، معلوم نیست منتقدان و غوغاسالاران بر چه اساس و با چه هدفی، این چنین جوسازی می‌کردند!؟

* * *

و امّا در پاسخ به قسمت دوم اشکال (افزودن بر ابهامات توسط مصوبهٔ مجلس پنجم) باید دید که این ابهامات از نظر اشکال کنندگان، مربوط به چه بخش‌هایی است؟

با مرور سخنان مخالفان این قانون -که در صفحات قبل ذکر کردیم- به نظر می‌رسد که عمدهٔ اشکال آنان در این خصوص، افزودن بند ۶ (پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی) به شرایط متقاضیان دریافت امتیاز نشریه و همچنین افزودن تبصرهٔ هشت به مادهٔ ۹ بود. مطابق این تبصره، اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و غیر قانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی و فعالین و تبلیغ کنندگان نظام جمهوری اسلامی، از هرگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت منع شده‌اند.

از نظر مخالفان، تشخیص این‌که فردی التزام عملی به قانون اساسی دارد یا نه مشکل است و نمی‌توان به آن پی برد! آنها همچنین معتقد بودند که عناوینی چون «گروه‌های ضدانقلاب، محکومین در دادگاه‌ها و گروه‌های غیر قانونی»، عناوینی کشدار هستند و هرکسی می‌تواند بر اساس سلیقهٔ خود از آن استفاده نماید!

این نوع اشکالات، قبل از آن‌که به دلسوزی برای قانون شبیه باشد، بیش‌تر به دفاع از مجرمان و گروه‌های ضد قانونی شبیه بود! امّا اگر بپذیریم که این عدّه نگران جنبه‌های اجرایی این بندها بودند، باید گفت که بدیهی است هیچ قانونی به ریز نکات و مطالب توضیحی نمی‌پردازد و توضیح و تعیین برخی نکات به آیین نامه سپرده می‌شود. در قانون مطبوعات نیز این نکته وجود دارد. به همین دلیل پس از رفع اشکالات و ابهامات متعدد کلی، در مادهٔ ۴۷ آن -که همان مادهٔ ۳۵ قانون قبلی است- تهیهٔ آیین نامهٔ اجرایی این قانون به عهدهٔ وزارت ارشاد نهاده شده که با تدوین یک آیین نامهٔ اجرایی قوی، می‌توان به این نکات پرداخت.

پاسخ به اشکال هشتم

برخی دیگر از منتقدان اصلاحیهٔ مجلس پنجم، معتقد بودند که «برخورد با مطبوعات و محدود ساختن آنان، زمینهٔ رجوع مردم به رادیوهای خارجی و شب‌نامه‌ها را فراهم می‌آورد.» بنا بر این، تصویب این طرح را مخل به امنیت ملی می‌دانستند! و به دولت پیشنهاد می‌کردند تا به حمایت از روزنامه‌های متخلف بپردازد!

در پاسخ به اشکال کسانی که نگران امنیت ملی بودند، باید پرسید:

۱ . لازم الاتباع بودن مصوبات شورای امنیت ملی، مخل امنیت ملی است یا عدم آن؟!

۲ . پخش شایعه و مطالب کذب و خلاف واقع و یا تحریف سخنان دیگران و همچنین انتشار مطلب علیه قانون اساسی کشور، مخل امنیت ملی است یا آزادی در این امور؟!

۳ . دریافت کمک‌های مالی از کشورهای خارجی و عدم استقلال روزنامه‌ها و نشریات که وابستگی آنان به کشورهای خارجی را به دنبال دارد، مخل امنیت ملی است یا عدم ممنوعیت دریافت کمک‌های مالی از دولت‌های خارجی؟!

۴ . لزوم پایبندی و التزام عملی صاحب امتیاز و مدیر مسئول یک نشریه به قانون اساسی کشور، مخل امنیت ملی است، یا عدم التزام و پایبندی او به قانون اساسی؟!

۵ . آیا ممنوعیت فعالیت اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و غیر قانونی و ... که جز سقوط نظام اسلامی را در سر نمی‌پرورانند، مخل امنیت ملی است یا آزادی فعالیت آنها و تبدیل رکن چهارم مردم سالاری به پایگاه‌های دشمن؟!

۶ . به چه دلیل اگر فردی برخلاف امنیت ملی سخنی بگوید، باید دادگاه انقلاب به بررسی جرم او بپردازد، ولی اگر همین شخص در تیراژ وسیع‌تر روزنامه‌ای، همان سخن را بنویسد، جرم او باید در دادگاه‌های عادی مورد بررسی قرار گیرد؟! آیا چنین قانونی مخل امنیت ملی نیست؟!

۷ . و اساساً مگر قرار بود، مطالب شب نامه‌ها و رادیوهای خارجی در روزنامه‌ها منتشر شود که با ممنوعیت موارد ذکر شده، مردم برای شنیدن آن به رادیوهای خارجی روی آورند؟! آیا چنین پیشنهادی (حمایت دولت از روزنامه‌های متخلف) در واقع تشویق و ترغیب دولت به همکاری با ضد انقلاب، شب نامه نویسان و رادیوهای خارجی علیه نظام اسلامی نبود؟ آیا چنین عملی مخل امنیت ملی نیست؟

نمونه ای از اعتراض ها به اعمال قانون!

ایران ۷۹/۱/۲۹

ذره بین لازم نیست، کمی غیرت دینی کافی است:

× فتح ۱۷/ ۱/ ۷۹: چرا بینشی جریان سقیفه بنی ساعده (غصب ولایت و حق حاکمیت اهل بیت) را تبدیل به یک کینه تاریخی می کند و از این واقعه که اثباتی برای عدالت و عشق و آزادی (!) است خون و ستم می انگیزاند...

× ماهنامه کیان ، خرداد ۷۷: عرضیات دین که می توانست به گونه‌ای دیگر باشد، زیاد است. زبان عربی، فرهنگ اسلام، داستان‌های قرآنی، سرتاسر فقه، خلافت علی و تعداد ائمه ، می‌توانستند جور دیگری باشند (!)

× نشاط ۳۰ / ۱ / ۷۸ : شیعیان برای استفاده خود ، بر عاشورا تاکید ورزیدند و کوشیدند تا نور این حادثه خاموش نشود.

× صبح امروز ۲۱ / ۱۱ / ۷۷: قانون اساسی ما با نارسایی‌های متعددی روبروست.

× هفته نامه آبان ۱۹ / ۱۱ / ۷۸: حذف صحنه‌های جنسی و مشروب خواری از فیلم‌ها هیچ مستند شرعی ندارد.

بیان ۷۹/۱/۲۴

با شروع بررسی قانون جدید مطبوعات در مجلس

دخالت شورای عالی امنیت در مطبوعات تصویب شد

قربانی مخبر کمیسیون فرهنگ و ارشاد مجلس: تبدیل محکومیت و شلاق مدیران مطبوعات به پول دفاع از ارباب جراید است

راه‌چمنی: دخالت قانون شورای عالی امنیت ملی در مسایل فرهنگی و مطبوعات به نفع نظام نیست

معاون حقوقی وزارت ارشاد: توقیف مطبوعات ... پیش از محاکمه ...

چرا رعایت مصوبات شورای امنیت ملی (به ریاست رییس جمهور) برای برخی نگران کننده بود؟

ایران ۷۹/۱/۳۰

مهاجرانی: تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات مخاطره آمیز است

آیا واقعا اجرای قانون دغدغه اصلی آنها بود!؟

ایران ۷۹/۱/۳۱

محمد رضا خاتمی (دبیر سیاسی حزب مشارکت و نماینده مجلس ششم): ما در صدد هستیم تا در اولین قدم هایمان محدودیت‌های شبهه قانونی و غیر قانونی مطبوعات را برداریم(!) ؟

روزنامه بهار: ۷۹/۳/۲۳

پاسخ به اشکال نهم

بخش عمده‌ای از اشکالات مطرح شده، به این نکته برمی‌گشت که «این طرح چون از طرف یک جریان سیاسی است، با سیاست‌های فرهنگی و سیاسی آقای خاتمی مخالف است.»

مطرح کنندگان این اشکال نیز بدون اشاره به ماده یا تبصره‌ای خاص، تنها به کلی‌گویی اکتفا می‌کردند! برای آن‌که منظور این افراد در خصوص مخالفت با برنامه‌های سیاسی ـ فرهنگی آقای خاتمی را دریابیم، لازم است تا مجدداً نگاهی داشته باشیم به اصلاحیهٔ مجلس پنجم.

۱ . مطابق تبصرهٔ دو مادهٔ ۵، مصوبات شورای عالی امنیت ملی لازم الاجرا تعیین شده است؛ آیا برنامه‌های سیاسی، فرهنگی آقای خاتمی ـ که ریاست این شورا را بر عهده دارد ـ برخلاف این مصوبه است تا تصویب آن مخالفت با رئیس جمهور باشد؟!

۲ . مطابق بند ۱۱ و ۱۲ مادهٔ ۶، پخش شایعه و تحریف مطالب دیگران و انتشار مطلب علیه قانون اساسی ممنوع شده است؛ آیا برنامه‌های سیاسی، فرهنگی آقای خاتمی در این راستا است که ممنوعیت آنها مخالفت با برنامه‌های ایشان باشد؟!

۲ . مطابق مادهٔ ۸ این قانون، استفادهٔ نشریات از کمک‌های خارجی ممنوع و جرم محسوب می‌شود؛ آیا میان برنامه‌های سیاسی، فرهنگی آقای خاتمی و کمک‌های دولت‌های خارجی، ارتباطی وجود دارد که اضافه نمودن این قید در انتهای مادهٔ ۸، مخالفت با برنامه‌های رئیس جمهور باشد؟!

۴ . مطابق بند شش مادهٔ ۹ «پایبندی و التزام به قانون اساسی» به عنوان یکی از شرایط صاحب امتیاز عنوان شده است؛ آیا قرار بود روزنامه‌های مدافع برنامه‌های سیاسی و فرهنگی آقای خاتمی، به قانون اساسی پایبند و ملتزم نباشند که لزوم این قید را به عنوان مانعی در برنامه‌های وی معرفی می‌کردند؟!

کیهان ۶۰/۱/۲۶

تأیید و تقدیر ۲۴ نماینده مجلس شورای اسلامی از ... کشور

قاطعیت و بی نظری شما سبب میشود که ریشه بسیاری از نابسامانی های اجتماعی و سیاسی شناخته و قطع گردد

امضا کنندگان نامه: سید محمد خاتمی، موسوی خوئینی ها، مهاجرانی، موسوی لاری، اسدالله بیات و...

۳۴ نماینده مجلس دوم خطاب به رییس قوه قضائیه وقت از توقیف روزنامه میزان - وابسته به نهضت آزادی - تشکر کردند: "اینان می کوشند تا روحیه استبدادی و تسلیم طلبی خود را در طوفانی از تبلیغات و هیاهو ها و ایراد اتهام به هرکس که تسلیم مطامع و گرایشات گروهی آنان نیست بپوشاند و می خواهند قوه قضائیه را در نظر مردم بی اعتبار کنند و زمینه یک استبداد تازه را فراهم آورند."

آفتاب ۷۹/۲/۵

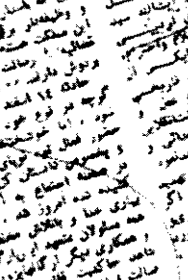

اعتراض شدید اصلاح طلبان به توقیف آفتاب امروز فتح، عصر آزادگان آریا و ایران فردا

خرداد ۷۹/۳/۹

عبد الله نوری:

محدود کردن مطبوعات در تاریخ مجلس ایران بی سابقه است

اولین بار است که مجلس می خواهد برای مطبوعات محدودیت قایل شود و دولت در سمت و سوی آزادی قرار گرفته است

روند تصویب هر قانونی باید به شکلی باشد که مردم احساس نکنند در تعیین سرنوشت خودشان محدودیت به وجود آمده

?

* ایران فردا: همه معارف اسلامی دچار انحراف شده است و علت آن تز تفسیری انحصاری روحانیت بر دین است.
* فتح: چرا باید جریان سقیفه (غصب حق حاکمیت اهل بیت) را به یک کینه تاریخی تبدیل کنیم.
* آریا: بزرگ نمایی دشمنی آمریکا، برای مبارزه با توسعه سیاسی است.
* عصر آزادگان: هیئت‌های مذهبی منشأ خشونت اند. و بسیجی ها اعضای تشکیل دهنده آن هستند.
* آفتاب امروز: نامه امام خمینی در خصوص غیر قانونی بودن نهضت آزادی مجهول است و موسسه نشر آثار اعتبار ندارد.

ایران ۷۹/۶/۱

خاتمی با تشریح برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور:

برخوردهای فله‌یی با مطبوعات و افراد، پسندیده نیست

۵. مطابق تبصرهٔ شش مادهٔ ۹، هیأت نظارت موظف است، جهت بررسی صلاحیت متقاضی نشریه و مدیر مسئول، از مراجعی چون وزارت اطلاعات، دادگستری و نیروی انتظامی استعلام نماید؛ آیا برنامه‌های سیاسی و فرهنگی آقای خاتمی به گونه‌ای است که این مراجع ذی صلاح از اجرای آنها جلوگیری می‌کنند؟!

۶. و آخر آن‌که مطابق تبصرهٔ هشت مادهٔ ۹، اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و همچنین غیر قانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی و ... حق هیچ‌گونه فعالیت و قبول سِمَت مطبوعاتی را ندارند؛ آیا اعضا و طرفداران برنامه‌های سیاسی، فرهنگی آقای خاتمی، همان کسانی هستند که در این تبصرهٔ قانونی از فعالیت مطبوعاتی ممنوع شده‌اند؟! و ...

ما چنین اعتقادی نداریم، امّا سؤال از کسانی که این اشکال را مطرح می‌کردند، این بود که پس کدام قسمت از طرح پیشنهادی در مخالفت با برنامه‌های رئیس جمهور بوده است!؟

پاسخ به اشکال دهم

یکی از اصلی‌ترین شعارهای مخالفان این قانون، «محدود شدن آزادی‌های مشروع» با تصویب این اصلاحیه عنوان شده بود.

مجدداً تأکید می‌کنیم که بهترین پاسخ به این اشکالات، مرور قانون مطبوعات و تأمل در موارد اصلاح شده است. به راستی لازم الاتباع بودن مطبوعات در اجرای مصوبات شورای امنیت ملی یا ممنوعیت پخش شایعه و تحریف سخنان دیگران یا مواردی چون ممنوعیت انتشار مطلب علیه قانون اساسی، ممنوعیت وابستگی مالی به کشورهای خارجی، ممنوعیت فعالیت مطبوعاتی ضد انقلاب و گروه‌های غیر قانونی یا حضور دین شناسان در هیأت نظارت و اعضای انتخاب کنندهٔ هیأت منصفه یا موارد دیگر، به محدود کردن مطبوعات مستقل و روزنامه‌های مدافع انقلاب اسلامی و مردم‌سالاری دینی منجر خواهد شد؟!

نظرات موافقان و پاسخ به مخالفان

آنچه در صفحات قبل گذشت، طرح سخنان مخالفان اصلاحیه و جمع‌بندی اشکالات آنان و سپس پاسخ اجمالی به این اشکالات بود. البته در پاسخ به اشکالات مطرح شده، نکات بسیاری از جانب شخصیت‌های مطبوعاتی و سیاسی، به خصوص از طرف نمایندگان موافق اصلاحیه داده شد که در ادامهٔ بحث به نظرات موافقان طرح در مجلس و سرمقالهٔ یکی از نشریات اکتفا می‌کنیم.

۱. موسی قربانی (مخبر کمیسیون مشترک ارشاد و امور قضایی و حقوقی):

«ابتدا یک یادآوری و تذکری می‌دهم، در پاسخ به این بحث که در جامعه به آن دامن زده شده و به عنوان یک اصل مسلم در جهت محدودیت مطبوعات، این طرح را مطرح کرده‌اند و تصمیم دارند آن را جا بیندازند.

در قانون فعلی، مواد ۶ و ۷، مخصوصاً در محدودهٔ اختیارات و وظایف مطبوعات است که این طرح نیامده هیچ مطلبی را به ماده ۷ که دربارهٔ محدودیت مطبوعات می‌باشد، اضافه کند و یا از موارد آزادی مطبوعات، چیزی را بکاهد. بنابراین طرح درصدد محدودیت مطبوعات نیست و مطالبی که در این زمینه گفته می‌شود، معمولاً شعار و قدری هتاکی و مسائلی است که جای گلایه‌مندی هم دارد.

قانون فعلی مطبوعات، در واقع چهار مجری [وزارت ارشاد، قوهٔ قضائیه، هیأت منصفه و هیأت نظارت] دارد و یک سری افراد و تشکیلات [روزنامه‌ها] هم هست که مرتبط با قانون هستند و... از میان تمام این تشکیلاتهایی که مجری قانون هستند، یا در ضرورت اصلاح قانون فعلی قاطع هستند یا حداقل ابهام و اجمال در این قانون را معتقدند، امّا اصلاح را به این شیوه نمی‌پسندند.

وزیر ارشاد در کمیسیون مشترک گفته‌اند که در کلّیت قضیه، ما هم به عنوان وزارت فرهنگ و ارشاد موافق هستیم که در نقاطی ابهام وجود دارد و باید رفع ابهام کنیم، منتهی طرحی را که پیشنهاد شده، گرچه اسمش طرح اصلاح قانون مطبوعات است، امّا آن را یک قانون جدید می‌دانیم. پس بنابراین، وزارت ارشاد هم معتقد به اصلاح است. قوهٔ قضائیه قاطع است و در شهریور ماه ۷۷ ادارهٔ حقوقی دادگستری نظر

صریح داده که چاره‌ای جز اصلاح نیست. هیأت نظارت هم خودشان در مورد وظایفشان اختلاف دارند. پس اکثر کسانی که در ارتباط با اجرای این قانون هستند یا قاطع هستند که قانون نیاز به اصلاح دارد یا قائل به ابهام هستند که باید رفع شود. در این طرح پیشنهادی، ابهامات هیأت نظارت برطرف شده، تکلیف ابهامات هیأت منصفه روشن شده، این که دادگاه حاکم است یا هیأت منصفه، تکلیف آن روشن شده. بحث مهمی در سبب و مباشر در قضاء اسلامی که اصل در مسئولیت مباشر جرم است، مگر در موردی که مباشر مصلوب الاختیار باشد. ما در این‌جا مباشر را رها کرده‌ایم و به سبب چسبیده‌ایم!»[1]

۲. دکتر وحید دستجردی (نمایندهٔ مردم تهران):

«در این پنج دورهٔ مجلس، ما برای بسیاری از قوانین بسیار مهم‌تر از این قانون مطبوعات، اصلاحیه زده‌ایم. ولی متأسفانه می‌بینیم با این اصلاحیه این طور برخورد توأم با غوغاسالاری و جنجال اتفاق می‌افتد، در حالی که یک اصلاحیه ساده است! ما قدر آزادی را می‌دانیم و حفظ آن را از بزرگ‌ترین وظایف می‌دانیم. در این کشور، هم دولت و هم مجلس، هر دو در جهت حمایت از آزادی‌ها، به خصوص در صحنهٔ مطبوعات حرکت می‌کنند.

باید پرسید کدامیک از بندهای این طرح آزادی‌ها را محدود می‌کند؟ آیا باید به برخی مطبوعات اجازه داد، آزادی توهین به مقدسات و مبانی نظام جمهوری اسلامی داشته باشند، آیا این را آزادی می‌دانیم؟! آیا باید اجازه بدهیم، آنچه در برخی مطبوعات اتفاق می‌افتد، همه‌گیر شود؟

آیا دستگاه‌های خبری ما به خصوص دولتی، بایستی خبرها را گزینشی به مردم برسانند؟ آیا اطلاع رسانی گزینشی، خودش نوعی از دیکتاتوری و استبداد نیست؟ آیا ارسال گزینشی خبرها بر روی بعضی از تلکس‌ها، اطلاع رسانی توأم با دیکتاتوری و استبداد نیست؟ آیا نباید با این‌ها برخورد کنیم؟

بنابراین، قضیه به این سادگی نیست. آنچه طراحان طرح مطرح کردند، به صورت شفاف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مادهٔ ۸ نوشته‌ایم، التزام و پایبندی به قانون

---

۱. روزنامهٔ رسالت: ۱۶ تیر ۷۸.

اساسی. برادران می‌فرمایند این را چه کسی باید روشن کند، خوب آیا شما با اساس التزام و پایبندی به قانون اساسی مخالف هستید؟ در آئین نامهٔ خوب، شرایط و مراجع تعیین کننده این التزام تعیین می‌شود.

این طرح مبرای از خطا نیست و برادران و خواهران باید دست به دست هم بدهند، به خصوص از برادران روزنامه‌نگار، ارباب جراید و مطبوعات، اندیشمندان دعوت کنیم که در شور دوم به ما کمک کنند تا اگر اشکالاتی در این طرح هست، اصلاح شود و قطعاً این اشکالات وجود دارد.

متأسفانه مخالفان اصلاحیه، فقط به اشکالات با کلی گویی اشاره می‌کنند، در حالی که در تبصرهٔ یک مادهٔ ۱۲، مجوز لغو امتیاز را از هیأت نظارت گرفته. شما می‌بینید که لغو امتیاز، یک مرتبه بالاتر از توقیف است. لغو یک مجوز نشریه با هیأت نظارت بود، در این‌جا این را کوچک‌تر کرده و گفته فقط توقیف می‌تواند بکند و دادگاه صالحه برای لغو باید نظر بدهد.

ما در مادهٔ ۱۲، وزیر ارشاد و وزارت ارشاد را برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و قضاوت مستقیم مسئول قرار دادیم و این دقیقاً در جهت تقویت وزارت ارشاد است. اگر در شورای هیأت نظارت ۲ نفر تبدیل به ۳ نفر شوند، ۵ نفر تبدیل به ۷ نفر شوند، آیا این محدود کنندهٔ آزادی است؟!

در این اصلاحیه، خوشبختانه هیچ‌گونه اضافه یا کاستی بر موارد ۶ و ۷ اتفاق نیفتاده. بنابراین، کدام محدودیت مطبوعات و آزادی با توجه به اصلاحیه اتفاق افتاده است؟ اگر در برخی قسمت‌ها اصلاح کننده‌ها نظریاتی داشته‌اند، در تبصره ۲ ماده ۱۲ که جرائم مربوط به مواد ۲۵ و ۲۶ و بندهای ۵ و ۶ تبصره ماده ۶ بیان کرده‌اند که به دادگاه‌های انقلاب سپرده شوند، در حقیقت به خاطر نوع این جرم‌ها است. شما مواد ۲۴ و ۲۵ این قانون فعلی را ملاحظه کنید، موادی است که دقیقاً با امنیت ملی سر و کار دارد. اگر کسی این مطالب را در تریبون عمومی اعلام کند، سر و کارش با دادگاه انقلاب است، ولی اگر در مطبوعات بنویسد، با دادگاه مطبوعات است! در حالی که این جرم ـ چه از نظر مادی و چه معنوی ـ بر اساس مواد ۲۴ و ۲۵ اتفاق افتاده و باید در دادگاه انقلاب مطرح شود.»[1]

۱. روزنامهٔ کیهان و رسالت: ۱۶ و ۱۷ تیر ۷۸.

۳. علی معلمی (نمایندهٔ قائم‌شهر):

«سؤال ما از مخالفین طرح، این است که کدام مادهٔ طرح اصلاحی، با آزادی و اصول قانون اساسی مغایر است؟ بعضی از مخالفین طرح، حتی یک‌بار به صورت دقیق، طرح اصلاحی را با قانون فعلی مطبوعات مقایسه نکرده‌اند!

مخالفین می‌گویند، اختیار وزیر ارشاد و دولت محدود می‌شود. این در واقع آزادی دادن بیش‌تر به مطبوعات است، نه محدودیت آن! چرا نمی‌گذارید هیأت منصفه به صورت آزاد انتخاب شوند؟

مواد اصلاحی قانون مطبوعات، هیچ‌گونه مغایرتی با قانون اساسی و آزادی مطبوعات ندارد. حتی سه تبصره به مادهٔ پنج قانون فعلی مطبوعات اضافه شده است که مطابق آن، افشای منابع خبری توسط خبرنگاران و روزنامه‌نگاران الزامی نیست. این آزادی مطبوعات را بیش‌تر می‌کند، نه این‌که آن را محدود کند.

در قانون قبلی آمده بود که هیچ مقام دولتی، حق ندارد برای چاپ مطلب درصدد اعمال فشار برآید. الان در این طرح اصلاحی آمده است که اگر مقام مسئولی چنین تخلفی را مرتکب شود، به انفصال از خدمت محکوم می‌شود. این تقویت آزادی است، نه محدودیت آزادی. چرا متن را نخوانیم و کلی گویی کنیم؟ در کجای این اصلاحیه، انتقاد محدود می‌شود؟! کدام ماده از طرح اصلاحی، انتقاد دولت را منع و محدود کرده است؟ خوب است مخالفان محترم توضیح دهند.»[1]

۴. علی اکبر ناطق نوری (رئیس مجلس شورای اسلامی):

«تضعیف مجلس، یعنی جایی که مرکز آزادی و دموکراسی است، در واقع آزادی را به مسلخ بردن است و بستر را برای روی کار آمدن دیکتاتوری فراهم می‌کند. چرا به بهانهٔ این طرح به مجلس اهانت کردند؟!

هیچگاه، یکباره استبداد پدید نیامده است. در دورهٔ مشروطیت هم، کم‌کم اختیارات مجلس گرفته شد و تبدیل به دیکتاتوری رضاخانی شد. باید توجه داشته باشیم، مجلس در رأس امور است و حضرت امام، تصمیم‌گیری در مورد مهم‌ترین مسایل،

---

۱. روزنامهٔ کیهان و رسالت: ۱۶ و ۱۷ تیر ۷۸.

از جمله گروگان‌ها را به مجلس واگذار کردند. مجلس، مرکز اقتدار نظام است. نگذارید این مرکز تضعیف شود.

چرا برخی از روزنامه‌ها علیه طرح اصلاح قانون مطبوعات جوسازی می‌کنند. نباید به بهانهٔ دفاع از آزادی، جلوی آزادی اندیشه و اظهار نظر نمایندگان را بگیریم. البته، نماینده نباید بترسد. اگر نماینده‌ای به خاطر دنیای خود بترسد، صلاحیت نمایندگی ندارد.

نباید کاری کنیم که "سفله پروری" و "بله قربان گویی" در کشور رواج پیدا کند. من از برخی مطبوعات گلایه دارم. روزنامه‌ای با تیتر درشت می‌نویسد: "آدم کشی مهم نیست، مطبوعات باید بسته شود" آیا این توهین به مجلس نیست. روزنامه‌ای نوشته است: "وکیل ملت، به استبداد رأی نمی‌دهد" آیا ارائه یک طرح استبداد است یا جوسازی استبداد است؟!

نمایندگان گفتند قانون فعلی ابهام دارد. در هیأت منصفه و در نظارت ابهام وجود دارد. ابهام در ضمانت اجرایی حضور هیأت منصفه، پیش‌بینی برای انتخاب میان دوره‌ای اعضای هیأت منصفه نشده است، ابهام در صلاحیت ذاتی دادگاه وجود دارد، آیا نباید این ابهامات رفع شود؟!

اگر نشریه‌ای مطالب ضد امنیتی نوشت، آیا در دادگاه انقلاب باید رسیدگی شود یا در دادگاه عام؟

ابهام در قانون مجازات و روشن نبودن تکلیف قوهٔ قضائیه، از دیگر ابهامات قانون مطبوعات است. این ابهام وجود دارد، آیا مسئولیت مدیر مسئولی، نافی مسئولیت نویسنده است یا نیست؟

درخواست من این است که مجلس با صفا و همدلی به کلیات اصلاح رأی بدهد. رهبر انقلاب فرموده‌اند، یک ارادهٔ متمرکزی در خارج از دنیا برای ضربه زدن به نظام، فعالیت می‌کند و ابزار آن هم رسانه است.

من به عنوان رئیس مجلس، اجازه نمی‌دهم جلوی آزادی‌های مطبوعات گرفته شود، چون ما برای به دست آوردن آن چوب خورده‌ایم. هدف این است که جلوی توطئه‌گران گرفته شود.»[1]

---

۱ . روزنامهٔ کیهان و رسالت: ۱۶ و ۱۷ تیر ۷۸.

۵. علی موحدی ساوجی (نمایندهٔ تهران):

«بر خلاف جو عمومی‌ای که تعدادی از مطبوعات راه انداختند و بر اساس استدلال، منطق و بحث حقوقی و علمی نبود، بحمد الله در مجلس اکثر نمایندگان سعی کردند دیدگاه‌های خودشان را بیان کنند. در بین اظهارات مخالفین که اصولی از قانون اساسی مانند ۹، ۲۴ و یا ۱۰۸ را مطرح کردند، هیچ کدام از این اصول، نگفته‌اند مطبوعات آزادند، آن هم آزادی بی‌قید و شرط، اصولاً آزادی باید همیشه بر پایه و اساس قانون باشد.

در اصل ۱۶۸ قانون اساسی آمده که رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس قوانین اسلامی معین می‌کند. این طرح در ارتباط با جرائم سیاسی و امنیتی، دقیقاً آمده و جرائم امنیتی را از جرائم سیاسی تفکیک کرده و جرم وقتی ماهیتاً امنیتی شد، دیگر نمی‌تواند مطبوعاتی و سیاسی باشد. آقایان! اجازه ندهیم هر کسی بخواهد به عرصهٔ قلم که مقدس است و مطبوعات که باید صحنه آگاهی دادن جامعه و اطلاع‌رسانی سالم به ملت باشد، نفوذ کند و به مملکت خیانت کند. برای همین در قانون گفته‌ایم، افرادی که در صحنه مطبوعات فعالیت می‌کنند، ضد انقلاب نباشند، از مهره‌ها و عوامل رژیم استبداد گذشته نباشند.

بنابراین، از همکاران عزیز تقاضا دارم به کلیات طرح رأی بدهند و رأی به کلیات بیمه کردن استمرار و بقاء کشور جمهوری اسلامی است.»[۱]

۶. موسی قربانی (نمایندهٔ قائنات و مخبر کمیسیون مشترک):

«از اولین نکات مثبت این طرح، بحث دفاع از آزادی است و یکی از مسائلی که برای تهدید مطبوعات استفاده می‌شود، بحث سوء استفاده از آزادی است. امروز به عنوان یک واقعیت، این موضوع را در جامعه می‌بینیم ـ حتی در فرمایشات آقای وزیر ارشاد هم بوده ـ که آفت‌هایی همچون سوء استفاده از مطبوعات، به سراغ آزادی آمده و

۱. روزنامهٔ کیهان و رسالت: ۱۶ و ۱۷ تیر ۷۸.

کیهان
۷۸/۷/۱۰

رهبر انقلاب

فضای فرهنگی کشور نباید طوری باشد که کسی به مقدسات توهین کند؛ مسئولان فرهنگی باید بطور جدی تجدیدنظر کنند

نماز پرشکوه جمعه این هفته ...ران همزمان با میلادمیمون ...سالگرد تولد امام خمینی به ...امامت رهبر معظم انقلاب ...اسلامی و با حضور گسترده ...امت خداجو درمرقد حضرت ...امام برگزار شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی ...رخطبه‌های این هفته نماز جمعه ...انات مبسوطی ایراد فرمودند که ...

والسلام علی حبیبه و نجیبه و خیرته فی خلقه حافظ سره و مبلغ رسالته بشیر رحمته و نذیر نقمته سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداة المهدیین المعصومین سیما بقیةالله فی الارضین، قال الله الحکیم فی کتابه. بسم الله الرحمن الرحیم. انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ...

رعایت تقوا و پرهیزگاری و توجه به رضا و اراده‌ی الهی و اجتناب از منهیات شرع مقدس و خارج شدن از دایره‌ی تقوا و پرهیزگاری توصیه می‌کنم.

امروز، روز بزرگی است؛ روز ولادت سیده‌ی زنان عالم، دختر با شخصیت عظیم‌الشأن پیامبر مکرم و اسوه‌ی زنان و مردان در طول تاریخ اسلام است. ولادت ...

رسول الله (ص):

العلماء امناء الله علی خلقه

علمای دین، امنای خداوند در میان خلق اویند.

کیهان
۷۸/۹/۲۹

آیت‌الله فاضل لنکرانی در دیدار اعضای شورای مرکزی مطبوعات قم:

وضعیت فرهنگی کشور نگران کننده است برخی مطبوعات از مسیر خود منحرف شده‌اند

جمهوری اسلامی
۷۸/۴/۵

انتقاد شدید آیت الله جوادی آملی از رویاروئی بعضی از روزنامه‌ها با دین و قرآن

انسان اگر دربرابر باطل نرمش نشان دهد یک ...یک جانبه است، اگر مهاجم به مکتب شما ...ی کند شما نیز باید در دفاع از دین خود کوتاهی نکنید

• امروز باید با بسیج فقهی و فرهنگی با تهاجم مهمی که اعتقادات مردم را نشانه گرفته، مبارزه کنیم

کیهان
۷۸/۲/۹

... تحمل و تسامح
مقابله با ارزشهای انقلابی است

کیهان
۷۸/۹/۱۵

اعتراض آیت الله موسوی اردبیلی به روزنامه‌های جنجال آفرین و دروغ پرداز

• آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی: این کشور مذهبی و اسلامی است و از اسلام دست برنخواهد داشت.

• وای به حال کسانی که یک روز چپ هستند و یک روز راست.

• مطبوعات نمی‌توانند وجدان عمومی را به مسیر دلخواه خود ببرند.

• امروز همه مجتهد شده‌اند هرچه دلشان خواست به اسلام نسبت می‌دهند و هرچه بدشان بیاید می‌گویند این از اسلام نیست.

صفحه ۱۴

رسالت
۷۹/۱/۲۸

حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی:

مطبوعات به حریم مقدسات اسلام تجاوز نکنند

◆ مطبوعات مواظب نفوذ افراد مریض باشند

◆ من به همه اطمینان می‌دهم که مجلس ششم در خط امام و رهبری خواهد بود

◆ حجت الاسلام سید احمد خاتمی: جبهه دوم خرداد باید خمینی زدایان نفوذی ...

باعث ایجاد ناامنی در جامعه شده است. بنابر این، وقتی ما می‌خواهیم چارچوب را مشخص کنیم، در جهت دفاع از آزادی مطبوعات است.
در حال حاضر، اگر دادگاه هیأت منصفه را بر اساس اختیاراتش عزل کرد، چه باید کرد؟ اداره حقوقی می‌گوید: نمی‌شود افراد جدید انتخاب کرد. رأی دادگاه هم به آن اعتراض نشده و قطعی است، حال چه باید کرد؟
الان، هیأت نظارت اختیار لغو امتیاز نشریه را دارد، ولی ما در این اصلاحیه می‌گوئیم، توقیف موقت باید بکند. دادگاه انقلاب، الان پرونده مطبوعاتی را رسیدگی می‌کند، بدون هیأت منصفه و ما در این اصلاحیه، دادگاه را ملزم به حضور هیأت منصفه کرده‌ایم. آیا این در جهت تهدید مطبوعات است یا در جهت حمایت از مطبوعات؟!
در قانون آمده که نمی‌توان مطبوعات را موظف کرد که فلان چیز را بنویسند یا ننویسند. امّا اگر این کار را کردند، چه کسی جلوی آن را گرفته؟ برای جلوگیری چه ضمانت اجرایی وجود دارد؟ در حالی که الان، برای این کار ضمانت اجرایی گذاشته شده که در جهت حمایت از مطبوعات است. نکتهٔ دیگر، بهره‌مندی از حقوق مؤلفان و مصنفان است که این ماده در جهت حمایت از مطبوعات آمده و همهٔ این حرکات، موجب توسعهٔ سیاسی جامعه در محیطی آرام است.
نکته‌ای شرعی و حقوقی عرض کنم: حکم به مجازات منحصر به دادگاه است. آیا در حال حاضر، دادگاه می‌گوید متهم مجرم یا بی‌گناه است؟ خیر، نظر دادگاه تعیین کننده نیست، بلکه نظر هیأت منصفه تعیین کننده است! و این بر خلاف اصل قانون اساسی است که حکم به مجازات، منحصراً باید از طریق دادگاه باشد.
مطلبی که آقای مهاجرانی در خصوص دادگاه گفت ـ و من انتظار چنین صحبتی را از ایشان نداشتم ـ که قاضی دادگاه، بدون مشورت با آقای ناصری و رازینی رأی داده، تعجب می‌کنم. اگر دادگاه ما این باشد که برای رأی خود، برود و مشورت کند که درست نیست؛ دادگاه باید مستقل تصمیم بگیرد. آقای وزیر ارشاد در کتاب خود در ردّ سلمان رشدی، مهم‌ترین ایرادشان به رشدی این بوده، تشکیک در امر وحی و طرح این موضوع که جبرئیل موجودی در درون پیامبر بوده. حال از شما سؤال

می‌کنم، الان نویسندگان همین مطلب را در روزنامه‌ها می‌گویند و ما واقعاً معترض به آنها نشویم؟! این صحبت در روزنامه‌ای آمده که "شما می‌گوئید وحی از بالا می‌آید، ولی از نظر اینجانب این صرفاً تعبیری نمادین است. قرآن تجربه وحیانی پیامبر و دریافت او از غیب اصلی خویش است."

آقای وزیر! به نظر من، همان برخوردی که با سلمان رشدی داشته‌اید، با این قبیل افراد هم باید داشته باشید و شما باید بیش‌تر از بقیه، راضی باشید که این قانون اصلاح شود.»[1]

نتیجه‌گیری

پس از سخنان مخبر کمیسیون و ارائه نظرات موافقان و مخالفان، رأی‌گیری با قیام و قعود انجام شد و کلیات اصلاح قانون مطبوعات از میان ۲۱۲ نفر رأی آورد. سپس عده‌ای از نمایندگان، در نتیجه تشکیک کردند که رأی‌گیری کتبی به عمل آمد و از ۲۱۵ نفر، تعداد ۱۲۵ نفر به کلیات رأی دادند و مجموع آرای مخالف و ممتنع، ۹۰ نفر بود.

مقاله‌ای در پاسخ به تمام مخالفت‌ها[2]

اگر چه طرح اصلاح قانون مطبوعات، خالی از نقص نمی‌باشد و برخی از موارد آن نیاز به بررسی بیش‌تری دارد که به طور طبیعی و به روال عادی و قانونی، بعد از تصویب کلیات آن می‌تواند در شور دوم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اصلاح شود، ولی فقط مروری گذرا به کلیات این طرح، در ضرورت تصویب آن تردیدی باقی نمی‌گذارد. امّا متأسفانه، بسیاری از مخالفان این اصلاحیه، به جای بحث دربارهٔ بخش‌هایی که مورد مخالفت آنان است، به کلی گویی و برخوردی شعارگونه روی

---

۱. روزنامهٔ کیهان، رسالت و صبح امروز: ۱۶ و ۱۷ تیر ۷۸.

۲. سرمقالهٔ روزنامهٔ کیهان: ۱۴ تیر ۷۸، ص ۲، به قلم حسین شریعتمداری. سرمقالهٔ فوق از آن رو که به قلم یک کارشناس مطبوعاتی و به شکلی موجز و مستدل نوشته شده بود، تأثیر قابل توجهی در بین نمایندگان مجلس گذاشت و بسیاری از ابهامات را برطرف نمود.

آورده‌اند. این برخورد، اگر چه از سوی قانون شکنان و دشمنان شناخته شده مردم و نظام، دور از انتظار نمی‌باشد، ولی از جانب دوست داران اسلام و انقلاب تعجب‌آور است. در این نوشته، به نکات و مواردی از این طرح که با توجه به اظهار نظر مخالفان با بیش‌ترین مخالفت از سوی آنان روبرو شده است، مروری گذرا خواهیم داشت:

۱ . بی‌تردید، قانون کنونی مطبوعات (مصوب سال ۱۳۶۴) یکی از بهترین قوانین موجود در نوع خود می‌باشد و تدوین و تصویب آن از افتخارات نظام اسلامی ایران است، امّا مروری بر مشکلات پدید آمده در جریان رسیدگی به برخی از تخلفات مطبوعاتی، طی چند سال گذشته و یا مباحث موجود پیرامون بایدها و نبایدهای مطبوعات، به وضوح نشان می‌دهد که قانون کنونی، در برخی از موارد برای دفاع از آزادی و حفظ حقوق دوجانبهٔ مردم و روزنامه‌نگاران، نیاز به شفافیت بیش‌تری دارد و از سوی دیگر، این قانون با مصداق‌هایی روبرو است که بعد از تدوین و در جریان عمل، پیش آمده‌اند. بدیهی است که برای رفع ابهامات موجود و تعیین تکلیف قانونی نسبت به مصداق‌هایی که قبلاً پیش‌بینی نشده بودند، تنها یک راه پیش روی خواهد بود و آن، اصلاح قانون مطبوعات است و تنها دو گروه می‌توانند با اصلاح قانون مطبوعات مخالف باشند: گروه اول، کسانی که با قانونمندی و قانون گرایی مخالفند. این گروه، ضمن آن‌که اندک و کم شمارند، از دایرهٔ دلسوزان مردم و نظام نیز، بیرون هستند و روی سخن با آنها نیست. گروه دوم، کسانی هستند که مطابق آنچه اظهار می‌کنند، نگران محدود شدن آزادی‌های تصریح شده در قانون مطبوعات کنونی می‌باشند. نگرانی این گروه نیز بی‌مورد است، چرا که اولاً: در اصل ۲۴ قانون اساسی بر ضرورت آزادی مطبوعات تصریح شده است و از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی، نمی‌تواند قانونی را تصویب کند که با اصول مندرج در قانون اساسی مغایرت داشته باشد و ثانیاً: اگر این نگرانی برخاسته از توهم پراکنی گروه اول نباشد، به یقین ناشی از آن است که عزیزان گروه دوم، به متن اصلاحیه و بندهای مربوطه ـ که به آنها اشاره خواهد شد ـ توجهی نکرده و به کلی گویی‌های شعارگونهٔ برخی از مخالفان معاند در این

زمینه، بسنده کرده‌اند.

۲ . اصلی‌ترین شعار مخالفان اصلاحیهٔ قانون مطبوعات که با کلی گویی و هیاهوی گسترده‌ای نیز همراه می‌باشد، این است که اصلاحیهٔ مزبور، در پی محدود کردن آزادی مطبوعات است. مخالفان فقط اشاره می‌کنند که این اصلاحیه آزادی برخی از اقشار جامعه را برای فعالیت مطبوعاتی سلب می‌کند، ولی کمترین اشاره‌ای نمی‌کنند که مقصودشان از این «برخی اقشار جامعه» چه کسانی است؟ این هیاهو در حالی است که در اصلاحیهٔ پیشنهادی، تنها به دو مورد از ممنوع بودن فعالیت مطبوعاتی تأکید شده است که پرداختن به آنها می‌تواند نشان بدهد چرا برخی از مخالفان اصلاحیه، کلی گویی را به بحث منطقی ترجیح می‌دهند؟!

در اصلاحیه، پیشنهاد شده است که به مادهٔ ۳ از قانون کنونی مطبوعات (که دربارهٔ شرایط صاحب امتیاز است)، تبصره‌ای به شرح زیر اضافه شود:

«تبصره ۶ ـ اعضای گروه‌های ضد انقلاب و یا گروه‌های فاقد مجوز قانونی، محکومان دادگاه‌های انقلاب و کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت و تبلیغ می‌کنند، حق هیچ‌گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سِمَت در نشریات را ندارند.»

اکنون سؤال این است که آیا ممنوعیت اعضای گروه‌های ضد انقلاب و دشمنان تابلودار و شناخته شدهٔ نظام، از فعالیت مطبوعاتی، محدود کردن آزادی است؟! و آیا شرم‌آور نیست که برخی از مخالفان طرح اصلاح قانون مطبوعات، با فریبکاری و یا فریب خوردگی، این تبصره را مخالف با خط امام قلمداد کرده، فیلسوفانه! ادعا کنند که این اصلاحیه «بدترین برخورد با خط امام در سال امام است»؟!

۳ . در تبصرهٔ ۵ از مادهٔ ۹ قانون مطبوعات کنونی، آمده است که نخست وزیران، وزیران، استانداران، امرای ارتش، رؤسای سازمان‌های دولتی و ... در رژیم گذشته و نیز نمایندگان مجلسین (سنا و شورا)، سفرا، اعضای ساواک، رؤسای دفاتر حزب رستاخیز، کسانی که در تحکیم رژیم سابق فعالیت کرده‌اند، از انتشار نشریه محرومند ... و امّا در اصلاحیهٔ اخیر، پیشنهاد شده است که این عده، علاوه بر محرومیت از انتشار نشریه، از

«هرگونه فعالیت مطبوعاتی» نیز محروم باشند.

اکنون سؤال این است که آیا اگر سردمداران و کارگزاران رژیم آمریکایی شاه، ساواکی‌ها و سرکوبگران مردم انقلابی و مسلمان از فعالیت مطبوعاتی محروم شوند، این محرومیت را می‌توان محدود کردن آزادی نامید؟! و آیا مخالفان این بند از اصلاحیه ـ چه بخواهند و چه نخواهند ـ در نقش عوامل رژیم آمریکایی و سرکوبگر شاه معدوم، ظاهر نشده‌اند؟! هیاهو و جنجال رادیوهای بیگانه و دنباله‌های داخلی آنها علیه این بند از اصلاحیه طبیعی است، امّا کسانی که ادعای دلسوزی برای نظام و مردم را دارند، چگونه می‌توانند مخالفت خویش را با این اصلاحیه توجیه کنند؟! آیا برچسب جناحی‌زدن به طرح اصلاح قانون مطبوعات ـ حتی اگر صحت هم داشته باشد ـ می‌تواند برای مخالفت با آن، که مخالفت صریح و بی‌پرده با اسلام، امام و مردم است، دلیل قابل قبول و خداپسندانه‌ای باشد؟! مگر امام نمی‌فرمودند که از کار خیر و پسندیده، حتی اگر توسط دشمنان شما هم صورت گرفته باشد، حمایت کنید؟!

۴ . نکتهٔ قابل توجه این‌که محرومیت افراد فوق الذکر، از انتشار نشریه در قانون فعلی مطبوعات نیز تصریح شده و بدیهی است که منظور از این محرومیت، همان محرومیت از فعالیت مطبوعاتی است . بنا بر این، اصلاحیه اخیر، برای پیشگیری از سوء استفادهٔ دشمنان در این باره ابهام زدایی کرده است. چرا که امروزه بسیاری از همین قماش افراد بد سابقه، وابسته، جاسوس و عامل شناخته شدهٔ بیگانه با سوء استفاده از این ابهام و البته، برخورداری از تسامح غیر قابل توجیه برخی از مسئولان، نه فقط آزادانه در مطبوعات کشور حضور فعال دارند، بلکه مدیریت پشت صحنهٔ تعدادی از مطبوعات را هم بر عهده گرفته‌اند. بنا بر این، اگر مخالفان این بند از اصلاحیه ـ آن‌گونه که گفته‌اند ـ نگران آنند که مبادا در تعریف ضد انقلاب افراط و تفریط شود و معتقدند که ضد انقلاب، «مقوله‌ای کشدار» است! باید گفت که قانون فعلی، ضد انقلاب را تعریف کرده است و اصلاحیهٔ جدید، در پی تعریف مجدد آن نمی‌باشد تا نگرانی مخالفان را باعث شود! و امّا اگر ضرورت کنونی این اصلاحیه را

کیهان
۷۹/۲/۱

رهبر انقلاب در اجتماع پرشور جوانان:

بعضی مطبوعات پایگاه دشمن هستند باید جلوی آنها گرفته شود

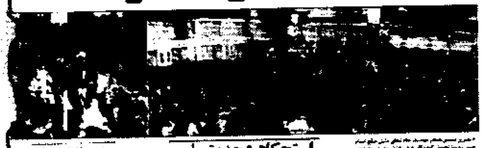

استحکام وحدت ملی

به‌دنبال پخش وقایع کنفرانس رسوای برلین

پاسخ قاطع سپاه به جوسازی باندهای سیاسی علیه این نهاد انقلابی

او آن روز در اجتماع عظیم جوانان از داستان غم انگیزی سخن گفت و طوفانی بپا کرد:

"۱۰ تا ۱۵ روزنامه گویا از یک مرکز هدایت می شوند، تیترهایی می زنندکه هرکس نگاه کند، فکر می کند همه چیز از بین رفته است ، همه همت‌شان تشویش افکار عمومی است"

همان ۱۰ تا ۱۵ روزنامه ، حتی همان سخنان را نیز تحریف کردند و انتقادات رهبر انقلاب را به شکلی عام و برای کلیه مطبوعات جلوه دادند!

آفتاب یزد
۷۹/۲/۳

بازتاب انتقاد شدید مقام رهبری از وضعیت مطبوعات

در اجتماع بزرگ یکصد هزار نفری جوانان

رهبر فرزانه انقلاب: من با آزادی و تنوع مطبوعات مخالف نیستم

آزادگان ۷۹/۲/۳

در اجتماع بزرگ جوانان ابراز شد

گلایه مقام رهبری از عملکرد برخی مطبوعات

ایران
۷۹/۲/۳

انتقاد شدید رهبری از مطبوعات

شرکت کنندگان در کنفرانس برلین به دادگاه انقلاب احضار شدند

دادگاه علنی متهمان ترور حجاریان سه شنبه برگزار می شود

فتح ۷۹/۲/۳

۷۹/۲/۳

مقام رهبری:

مبادا برخلاف قانون و به‌خاطر طرفداری از رهبری هیچ اقدامی انجام بگیرد

من با آزادی و تنوع مطبوعات مخالف نیستم

قبول ندارند، که در این صورت بهتر است، نیم نگاهی به عرصهٔ مطبوعات بیندازند و حضور فعال کارشناس رادیو اسرائیل، سردبیر نشریهٔ اشرف پهلوی، رئیس دفتر فرح دیبا، مشاور مطبوعاتی سفیر سابق آمریکا، سانسورچی ساواک، اعضای گروه‌های تروریست و برانداز و ... در عرصهٔ مطبوعات را به وضوح مشاهده کنند، شاید مشاهدهٔ حضور این طیف از عوامل بیگانه، به همان اندازه که دشمنان را خوشحال کرده است، این عزیزان ـ البته بی‌خبر ـ را نیز نگران کند.

۵ . اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، پیشنهاد می‌کند که به شرایط لازم برای کسب امتیاز نشریه ـ مادهٔ ۹ از قانون کنونی ـ شرط «پای بندی و التزام عملی به قانون اساسی» نیز اضافه شود.

باید از مخالفان کلی گوی و شعار پرداز پرسید که آیا پای‌بندی به قانون اساسی، مخالفت با آزادی است؟! اگر چنین نیست ـ که نیست ـ چرا با این بند از اصلاحیه مخالفت می‌ورزید؟ و اگر پای بندی به قانون اساسی را مخالفت با آزادی می‌دانید، که ... ؟!

۶ . در طرح اصلاح قانون مطبوعات پیشنهاد شده است که «در صورت محرز شدن مراتب استفادهٔ نشریه از کمک‌های مستقیم و یا غیر مستقیم مادی خارجی، بر اساس تشخیص دادگاه صالحه، نشریه تعطیل شود.»

اکنون باید از مخالفان غوغاسالار پرسید که کجای این بند از اصلاحیه، مخالف آزادی است و کجای آن، فشار بر مطبوعات است؟! مگر قرار است مطبوعات داخلی با کمک‌های مادی خارجی‌ها اداره بشوند که ممنوعیت کمک کشورهای خارجی را فشار بر مطبوعات می‌دانید؟! و آیا مقصودتان از محدود شدن آزادی مطبوعات، همین ممنوعیت آنها از دریافت کمک مادی خارجی‌هاست؟! آیا اختصاص بیست میلیون دلار از سوی آمریکا برای حمایت از جریانات وابسته، بر ضرورت این اصلاحیه تأکید نمی‌کند؟ اگر چه به اعتقاد ما و به گواهی شواهد و قرائن موجود، رقم ۲۰ میلیون دلار برای رد گم کردن است ـ این مبلغ، حتی برای پول سیگار حضرات وابسته به آمریکا و

اسرائیل نیز کفایت نمی‌کند ـ از مخالفانی که آشکارا به قدرت‌های خارجی وابسته‌اند، انتظاری نیست، امّا از کسانی که ادعای انقلابی‌گری و حرکت در خط امام را دارند، تعجب‌آور است که چرا با آن همه ادعا، هنوز ابتدایی‌ترین شاخصه‌های خط امام را نمی‌دانند؟! و اگر می‌دانند، چرا به غفلت یا به عمد، از آن روی برمی‌گردانند!

۷. در اصلاحیهٔ قانون مطبوعات پیشنهاد شده است که رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و یکی از اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم نیز به اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات اضافه شوند.

مخالفان طرح اصلاح قانون مطبوعات، دربارهٔ این بند ـ البته باز هم با کلی گویی و بدون اشاره به متن آن ـ اظهار می‌دارند که حضور افراد روحانی در هیأت نظارت، شخصیت آنها را مخدوش می‌کند!! ... که باید گفت: اولاً: مگر قرار است که هیأت نظارت بر مطبوعات، دست به اقدام خلاف شرع و عرف بزند که حضور روحانیون در آن باعث مخدوش شدن شخصیت آنان شود؟! ثانیاً: مگر در حال حاضر، مدیران مسئول چند روزنامه و ده‌ها هفته نامه و ماهنامهٔ از افراد روحانی نیستند؟ اگر حضور روحانیت در هیأت نظارت، مخدوش کنندهٔ شخصیت آنها باشد، به یقین حضور آنان به عنوان مدیر مسئول که در کوران فعالیت پرحجم مطبوعاتی قرار دارد، بایستی خدشهٔ بیش‌تری به شخصیت آنان وارد کند! و ثالثاً: مگر تاکنون و در حال حاضر هم، برخی از اعضای هیأت نظارت از افراد روحانی نبوده و نیستند؟! و بالاخره؛ اگر حضور در مراکز فرهنگی برای افراد روحانی مخدوش کنندهٔ شخصیت آنها باشد، حضور آنان را در کدام مرکز و کانون پیشنهاد می‌کنید؟! آیا این دیدگاه شما، ترجمهٔ دیگری از تز اسلام منهای روحانیت نیست که حضرت امام﷫ به شدت با آن مخالفت می‌کردند و آن را از القائات استعمارگران می‌دانستند؟!

۸. در مادهٔ ۴ از قانون مطبوعات کنونی آمده است که «هیچ مقام دولتی و غیر دولتی، حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.»

این ماده از قانون کنونی مطبوعات، یکی از افتخارآمیزترین اسناد آزادی بیان و قلم است و امّا علی رغم جنجال‌های فراوان علیه طرح اصلاح قانون مطبوعات، در اصلاحیهٔ اخیر، نه فقط این سند گویا و مستحکم آزادی بیان و قلم تغییری نکرده است، بلکه با افزودن یک تبصره، پیشنهاد شده است که اگر مقامات دولتی و یا غیر دولتی از این ماده تخلف کرده و درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآمدند، به حکم دادگاه از خدمات دولتی منفصل شده و یا تعزیر شوند.

باید از مخالفان طرح اصلاح قانون مطبوعات پرسید، آیا افزودن این تبصره به مادهٔ فوق، تضمین مستحکم‌تر و بیش‌تری برای حفظ آزادی مطبوعات نیست؟ و اگر چنین است ـ که هست ـ چرا حقایق روشن را تحریف می‌کنید و مقصود شما از این همه غوغا و همصدایی با دشمنان آزادی برای چیست؟

۹. در مادهٔ ۱۲ از قانون کنونی مطبوعات، آمده است که «هیأت نظارت رأساً یا به درخواست وزیر ارشاد اسلامی موارد تخلف نشریات را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و در صورت لزوم (!) جهت پیگرد قانونی، تقاضای کتبی خود را به دادگاه صالح تقدیم می‌کند.»

همان طور که ملاحظه می‌شود، در این ماده، هیچ کانون و مرکزی ملزم به پیگیری تخلفات مطبوعاتی نشده است و از هیچ مسئولی نمی‌توان در این زمینه بازخواست کرده و مسئولیت خواست.

امّا در اصلاحیهٔ اخیر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف شده است که موارد تخلف از قانون مطبوعات را بررسی کرده و برای پیگرد قانونی به دادگاه صالحه تقدیم کند.

سؤال این است که آیا تخلف از قانون، برخلاف مصالح مردم و نظام و مطبوعات نیست؟ و اگر هست، چرا باید تعیین مرجع مشخص و قانونی برای بررسی تخلفات و ارجاع آن به «دادگاه‌های صالحه» باعث نگرانی شود؟ مخصوصاً آن‌که برخورد با متخلفان و قانون شکنان در هر صنف و گروه اجتماعی و از جمله مطبوعات، نه فقط

مخالف آزادی نیست، بلکه تأمین کنندهٔ آزادی است و حفظ حیثیت حرفه‌ای و امنیت شغلی افراد آن صنف و گروه را در پی دارد و اساساً چرا باید اجازه داد که قانون شکنان و متخلفان، آبرو و حیثیت همکاران مطبوعاتی خود را برای تأمین منافع شخصی خویش و یا بیگانگان خرج کنند؟!

۱۰. و بالاخره، با توجه به خطوط اصلی طرح اصلاح قانون مطبوعات که به آنها اشاره شد، این طرح، توسط هر جناح و با هر انگیزه‌ای ـ هرچند انگیزه‌های خطی و جناحی ـ تهیه شده باشد، مخالفت با کلیت آن (خطوط اصلی) فقط با پشت کردن به بسیاری از اصول و مبانی انقلاب اسلامی، خون شهدا و خون دل خوردن‌های ملت مظلوم و امام راحلمان‌ؒ امکان‌پذیر است و در این نکته کمترین تردیدی نیست، چرا که پایبندی به امام و انقلاب و دلسوزی برای مردم، نمی‌تواند با بی‌تفاوتی نسبت به آرمان‌های امامؒ و زمینه سازی برای خیانت به مردم و انقلاب همراه باشد. بنا بر این، از نمایندگان مجلس انتظار نمی‌رود که به بهانه‌های خطی و جناحی و یا در آرزوی برخی از امتیازات احتمالی که نوعی باج‌گیری و حق السکوت است و یا در حالتی از رودربایستی و ... به آرمان‌های امام و خون شهدا پشت کنند!

اگر در فردای تقویمی بازخواستی در کار نباشد، به یقین در فردای قیامت بازخواست سختی در پیش است ... در آن روز، حاج همت‌ها، باکری‌ها، صیادها، خرازی‌ها، زین الدین‌ها، چمران‌ها، باقری‌ها، کاوه‌ها، کاظمی‌ها ... و ده‌ها هزار شهید گلگون کفن دیگر انقلاب و دفاع مقدس، به صف ایستاده‌اند و شاید اولین سؤال‌شان این باشد، که آیا بهای خون ما، جا باز کردن برای سناتورهای شاه، کارشناسان رادیو اسرائیل، نوچه‌های اشرف پهلوی، تروریست‌های ضد انقلاب و ... بود؟!

امام باقر (ع): «انّ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضة عظیمة بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحلّ المکاسب و تردّ المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الأعداء و یستقیم الأمر.»

همانا فرمان دادن به خوبی و بازداشتن از زشتی، راه پیامبران و شیوه نیکوکاران است. فریضه بزرگی است که دیگر فرائض به واسطه آن به پا می شودو راهها امن می‌گردد. درآمدها حلال می‌شود و اموال به زور گرفته شده به صاحبانش برمی‌گردد و زمین آبادان و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می پذیرد.

(اصول کافی، ۵/۵۶)

کیهان ۷۸/۶/۱۱

رهبرانقلاب: تبدیل شدن برخی مطبوعات به بلندگوی آمریکا و اسرائیل غیرقابل تحمل است

کیهان ۷۸/۶/۱۸

هشدار آیات نوری همدانی و مکارم شیرازی نسبت به تضعیف ارزشها و اهانت به احکام اسلام در برخی مطبوعات

کیهان ۷۸/۳/۲۷

دستهای پنهان می خواهند اسلام و قرآن را از مردم بگیرند

● تلاش برای کنار گذاشتن روحانیت از صحنه سیاست خیانت به اسلام است.

● رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران: دینی که در مسیر امامت و ولایت نباشد، دین درستی نیست.

● دبیرکل جامعه اسلامی مهندسان: برای تعیین معیار آزادی بیان نیاز به پیش‌فرضهای نظامهای لائیک نداریم.

● حفظ حقوق ارباب مطبوعات تنها یک بعد قانون مطبوعات است و ابعاد دیگر آن مثل حقوق مردم نباید از نظر...

کیهان ۷۸/۶/۱۶

آیت الله فاضل لنکرانی: امروز، روز سکوت نیست باید در مقابل حرکتهای ضد اسلام واکنش نشان داد

راهنمایی و رانندگی از شنبه با متخلفان از مقررات رعایت حق تقدم عبور برخورد می کند

کیهان ۷۸/۷/۶

بیانیه ۳۸۰ استاد دانشگاه در اعتراض به هتک حرمت مقدسات دینی

امروز بازار قم، تعطیل و سیاهپوش شد

علما و مراجع مردم را به وحدت در مقابل توطئه‌های فرهنگی و سیاسی فراخواندند

گزارش کیهان درباره آثار سوء فعالیت بی ضابطه روزنامه‌های زنجیره‌ای

بخش سوم

اولین گام در
مجلس اصلاحات!

ارائه طرحی مطابق با منافع حزبی

مجلس شورای اسلامی پس از تدبیر مقام معظم رهبری و صدور حکم حکومتی ایشان در خصوص عدم ابطال انتخابات شهر تهران، در هفتم خرداد ماه سال ۱۳۷۹ افتتاح شد و ششمین دورهٔ تلاش خود را با پیام رهبر انقلاب آغاز کرد.[۱] از مهم‌ترین خصوصیات این مجلس، اکثریت قابل توجه نمایندگان جدیدی بود که برای نخستین بار بر کرسی قانونگزاری تکیه می‌زدند.[۲] این نکته، از جهاتی می‌توانست به نفع نظام قانونگزاری کشور و در نهایت به نفع مردم تمام شود. چرا که این اکثریت، به دلیل حضور مستقیم‌شان از میان مردم در مجلس، به فرمودهٔ رهبر انقلاب «رویش و بهار دیگری را نوید می‌دادند» و بهتر می‌توانستند از مشکلات و دغدغه‌های روزمرهٔ مردم خبر دهند.

یکی از بدیهی‌ترین وظایف کسانی که به عنوان نمایندگان مردم در مجلس حضور می‌یابند، تشخیص مشکلات و دل مشغولی‌های مردم است. در طول سالیان گذشته نیز، عدم تشخیص این نیازها توسط دست اندرکاران و مسئولان، یکی از موانع

---

۱ . متن کامل پیام مقام معظم رهبری در بخش پنجم، صفحهٔ ۳۶۷ آمده است.

۲ . تعداد نمایندگانی که در دروهٔ ششم برای اولین بار در مجلس حضور می‌یافتند، ۱۷۳ نفر بود که در مقایسه با دوره‌های قبل، از رشد قابل توجهی برخوردار بود. لازم به ذکر است که در مجلس پنجم، تعداد این نمایندگان ۱۲۸ نفر بود.

پیشرفت کشور بوده است. در موارد متعددی دیده شده که حزب یا گروه صاحب قدرت، بر اساس منافع خود، مطالبات حزبی و سیاسی را به نام مردم تمام کرده و آنان را وسیلهٔ رسیدن به اهداف خود ساخته است. این نکته دقیقاً همان آفتی بود که از طرف مقام معظم رهبری، در پیام به نمایندگان مجلس ششم اشاره شده بود:

«در میان گرفتاری‌ها و مشکلات عمومی، شناخت فوریت‌ها و اولویت‌ها، هنر بزرگ مجلس شورای اسلامی است. مشکلات عمومی‌تر و محسوس‌تر را باید جُست و به رفع آنها همت گماشت. مسأله اشتغال، مسأله ارزش پول ملی، مسأله امنیت، مسأله گرانی و مسائل چند دیگری هست که برای پرداختن به آن، از همهٔ فرصت‌ها باید بهره جست و زمان نمایندگی را که بسی زودگذر است، برای گشودن این گره‌ها باید مغتنم شمرد. خطای بزرگ آن است که این خواسته‌های حقیقی مردم به دست غفلت سپرده شود و خواسته‌های جناحی و حزبی و شخصی، به جای مصالح ملی بنشینند.»[1]

علاوه بر تمام اینها، مجلس ششم در سالی آغاز به کار می‌کرد که به نام «امیرالمؤمنین» مزین شده بود و متأسفانه به دلیل سیاست‌زدگی برخی از مدیران و درگیری‌های جناحی آنان، مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادیِ طاقت‌فرسا بر زندگی مردم سنگینی می‌کرد. مروری بر اخبار و حوادث اتفاق افتاده ناشی از فقر و نبود عدالت اجتماعی در آن ایام،[2] آمار و ارقام

---

۱ . روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۸ خرداد ۷۹، ص ۱۴.

۲ . به عنوان مثال به دو خبری که ۱۰ روز قبل از افتتاح مجلس ششم در جراید کشور منتشر شد، دقت کنید :

«دانش‌آموز سال پنجم ابتدایی یکی از روستاهای کرمانشاه که قصد داشت به همراه همکلاسی‌هایش به اردو برود، از پدر و مادر خود مبلغ ۵۰۰۰ ریال درخواست کرده بود که والدین او به دلیل فقر مالی، نتوانسته بودند این مبلغ را به دانش‌آموز پرداخت نمایند. این دانش‌آموز که عقدهٔ این جریان را به دل داشت، شب هنگام وقتی همه خواب بودند، منزل و تمام اعضای خانواده را به آتش کشید ...» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۲۸ اردی‌بهشت ۷۹، ص ۲)

یک روز پیش از انتشار خبر این واقعهٔ تلخ، در خبر دیگری آمده بود : «یکی از صاحبان ثروت، در یکی از مراکز پستی، برای خرید ۲۷۰ تلفن همراه ثبت نام کرد و یک میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال پرداخت نمود!»

(روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۲۷ اردی‌بهشت ۷۹، ص ۲)

مفاسد اجتماعی،[1] میزان تعطیلی کارخانه‌ها[2] و بیکاری،[3] واقعیت تلخی بود که اندک تأملی در آن، هر منصفی را بیدار می‌ساخت.

روشن است که نقش مجلس در چنین مقطعی، حساس و تعیین‌کننده است. به خصوص که ۱۲۸ طرح و لایحهٔ باقی مانده از فعالیت چهار سالهٔ مجلس پنجم، می‌بایست توسط مجلس ششم بررسی می‌شد! این موارد شامل ۸۱ طرح تنظیمی از سوی نمایندگان مجلس پنجم و ۴۷ لایحهٔ پیشنهادی از سوی دولت آقای خاتمی بود.[4] به یقین اگر شخصیت‌های تندروی مجلس ـ که طرح مذکور در حزب آنها تهیه شده بود ـ دغدغه‌ای جز حل مشکل مردم نداشتند، در اولین قدم به بررسی ۱۲۸ طرح

☞

روزنامهٔ جمهوری اسلامی در مقاله‌ای پیش از آغاز به کار مجلس ششم، با یادآوری این حوادث تلخ از نمایندگان مجلس ششم، به خصوص نمایندگان حزبی و سیاسی آن خواست که تمام توان خود را در جهت رفع مشکلات مردم و برقراری عدالت اجتماعی بکار گیرند.

۱. بدین منظور اشاره به آمار هولناک اعتیاد ـ به عنوان مفاسد اجتماعی ـ تکان دهنده است. دکتر انصاری رئیس سازمان بهزیستی در جمع خبرنگاران گفت: «متأسفانه سالانه میزان معتادان ۱۰ درصد افزایش داشته است... میزان آلودگی زنان به مواد مخدر نسبت به مردان در کشور سه برابر افزایش داشته است. روستائیان نیز سه برابر شهرنشینان مواد مخدر مصرف می‌کنند...»

وی تعداد معتادان کشور را شش میلیون نفر دانست و دربارهٔ سن اعتیاد گفت: «سن اعتیاد به طور متوسط در کشور، حدود ۳۲ سالگی است که از سنین زیر ۱۵ سال تا سنین بالای ۸۰ سال ادامه دارد.

۲. متأسفانه به دلیل عدم توجهٔ کافی دولت به بخش تولید و کارخانه‌ها، تعداد قابل ملاحظه‌ای از این کارخانه‌ها مجبور به تعطیلی شدند و به بیکاری کارگران منجر شد. به گونه‌ای که طبق گزارش تکان دهندهٔ وزارت صنایع و معادن در تاریخ ۷۹/۱۱/۱۵ حدود ۲۵۰۰ واحد تولیدی، تعطیل و یا با بحران مواجه شده است. از این ۲۵۰۰ واحد، تعداد ۱۴۸۴ واحد، تعطیل؛ ۲۶۱ واحد، دارای مشکل فروش؛ ۳۹۸ واحد، دارای مشکل نقدینگی؛ ۶۳ واحد، مشکلات حقوقی؛ ۱۰۳ واحد، دارای مشکل مدیریتی و ۱۶۱ واحد، دارای مشکل فرسودگی ماشین آلات بوده است.

۳. تعداد بیکارانی که آمار رسمی سال ۷۵ نشان می‌دهد، ۱/۴۵۶ میلیون نفر بوده‌اند که در سال ۷۶ به ۱/۹۵۷ میلیون نفر، در سال ۷۷ به ۲/۵۵۲ میلیون نفر، در سال ۷۸ به ۲/۹۳۵ میلیون نفر و در سال ۷۹ به ۳/۰۴۱ میلیون نفر (طبق آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) افزایش یافته‌اند. یعنی متأسفانه نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۷۵، به ۱۲/۴۸، ۱۳/۱۰، ۱۳/۵۴، ۱۴/۲۸ درصد در سال‌های ۷۶ تا ۷۹ افزایش یافته بود.

در این میان، مشاهده می‌شد که از این میزان بیکاری موجود در کشور، ۴/۳۸ درصد آنان، افراد تحصیل کرده در سال ۷۶ بوده‌اند که در سال‌های بعد به ۶/۴۵ درصد و ۷/۹۰ درصد رسیده است.

۴. روزنامهٔ بهار: ۲۴ خرداد ۷۹، ص ۱۳.

و لایحهٔ ناقص می‌پرداختند. به خصوص که براساس مادهٔ ۱۴۱ آیین نامهٔ داخلی مجلس شورای اسلامی، بررسی هر یک از این طرح‌ها و لوایح باقی مانده در کمیسیون مربوطهٔ آن، تنها نیازمند امضای ۲۵ نماینده بود!

بد نیست تا توصیهٔ معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد ـ دکتر شهیدی مؤدب ـ به مجلس پنجم را به یاد آوریم. وی خطاب به نمایندگانی که پس از ۱۳ سال تجربهٔ قانون مطبوعات، قصد ترمیم اشکالات آن را داشتند، می‌گفت:

> «آیا منطقی است، وقت گرانبهای مجلس که باید صرف حل امور مهم کشور شود، مصرف تصویب اصلاحیه‌ای شود که نمایندگان مجلس ششم آن را بازنگری خواهند کرد(!؟)... نفس طرح این اصلاحیه از حقوق نمایندگان است؛ امّا این سؤال مطرح است که آیا در هفته‌های آخر عمر مجلس پنجم، مسائل مهم‌تری وجود ندارد که نمایندگان در پایان سه ماه مقرر، به بررسی مجدد این طرح پرداختند؟»[۱]

سوگمندانه وزارت ارشاد در حالی از طرح مجدد این قانون رنج می‌برد و به اصلاحیهٔ مجلس ششم دل خوش بود که رادیوهای بیگانه نیز در همین برزخ گرفتار بودند! آیا مشکلات اصلی مردم و مسائل مهم کشور پس از آغاز به کار مجلس ششم در هفتم خرداد پایان یافته بود که وزارت ارشاد از هر نوع تلاشی برای تصویب آن دریغ نمی‌کرد ؟! مجموعهٔ این شرایط در کنار همسویی و همفکری اکثریت نمایندگان با دولت، رسالتی خطیر را بر عهدهٔ نمایندگان ملت قرار می‌داد و آنان را در انتخاب یکی از دو راه زیر مردد می‌ساخت:

الف ـ با استفاده از جایگاه قانونی و قدرت به دست آمده و به دور از جنجال‌های سیاسی، به حل مشکلات مردم بپردازند و برای رفع تبعیض و بی‌عدالتی تلاش کنند. طرح‌های مناسب را به صحن مجلس آورده، در کنار لوایح کارگشای دولت به تصویب برسانند و ... .

ب ـ با استفاده از جایگاه قانونی و قدرت به دست آمده، منازعات سیاسی را ادامه

---

۱. روزنامهٔ عصر آزادگان: ۱۰ اردی‌بهشت ۷۹، ص ۴.

توصیه‌های یک پدر

مسئولان باید به دنبال آسان کردن زندگی برای پابرهنه‌ها باشند

۷۹/۲/۱۵

اعتراف دو تن دیگر از متهمان به جاسوسی برای رژیم صهیونیستی

رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان مجلس:

کدام تحقیر برای یک پدر بالاتر از این است که نتواند نیازهای اولیه فرزندان خود را تامین کند

کیهان ۷۹/۳/۳۰

جمهوری اسلامی
۷۹/۳/۳۰

نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کردند

رهبر انقلاب: حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم باید در اولویت کار مجلس قرار گیرد

کیهان ۷۹/۳/۳۰

مجلس ششم صبح امروز با پیام مقام معظم رهبری گشایش یافت

رهبر انقلاب: نمایندگان، خواسته‌های حقیقی مردم را بر مسائل جناحی مقدم بدارند

بهار
۷۹/۳/۲۴

مجلس ششم، ۱۲۸ طرح و لایحه باقی مانده از مجلس دوره پنجم را بررسی می‌کند

۷۹/۳/۲۳

گام اول اصلاحات در مجلس ششم برداشته شد

طرح دوفوریتی یکصد نماینده برای اصلاح قانون مطبوعات

دهند و برای به دست آوردن قدرت بیش‌تر و حذف رقیب، تلاش نمایند و طرح‌ها و لوایح متناسب با این سیاست‌ها را به مجلس معرفی کنند!

مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس ششم بـا ایشـان، ضـمن اشـاره صریح به مشکلات واقعی مردم، خطاب به نمایندگان فرمودند:

«امروز در بعضی از گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده می‌شود ـ این بلاشک از اصول اسلامی است ـ امّا کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از این‌که انسانی، رئیس عـائله‌ای، پـدر خـانواده‌ای، در جامعه‌ای که در آن همه چیز هم هست، نتواند اوّلیات زنـدگی فـرزندان خـودش را تامین بکند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسئول دیگر نامه بنویسد که من دو ماه است به خانه‌ام گوشت نبرده‌ام! یک وقت در جامعه گوشت و میوه نیست، من و شما هم نمی‌خوریم؛ یک وقت در جامعه امکانات رفاهی نیست، من و شما هم استفاده نمی‌کنیم؛ یک وقت ایام عـید کـه مـی‌شود، فرزندان من و شما هم لباس نو بر تـن نـمی‌کنند؛ در ایـن حـالت کسـی احسـاس سرشکستگی نمی‌کند ـ البَلِیَّةُ إذا عَمَّتْ طابَتْ ـ[1] امّا وقتی هـمه چـیز هست، وقـتی کسانی در جامعه با استفاده از فرصت‌های نامشروع توانسته‌اند برای خودشان اَلاف و اولوف و زندگی‌های تجملی فراهم بکنند، وقتی طـبقاتی در جـامعه هسـتند کـه برایشان پول خرج کردن هیچ اهمیتی ندارد، جمع کثیری از مردم که در بین ایـنها رزمندگان و عناصر نظامی و کارمندان دولت و معلمان و روستائیان و مردم مناطق محروم و دور و مناطق جنوب هستند، نتوانند نان و پنیر بچه‌هایشان را فراهم کنند، کدام شکستن شخصیت و شرف انسانی از این بالاتر است؟! شما می‌خواهید دل چه کسی را خوش کنید؟ شما می‌خواهید چه کسی از شما راضی باشد؟!»

متأسفانه کمیسیون فرهنگی و تصمیم گیرندگان فراکسیون‌های اصـلی مـجلس ـ مانند فراکسیون مشارکت ـ در اولین گام مجلس اصلاحات، راه دوم را برگزیدند و بدون توجه به اولویت‌ها، مشکلات عمومی و اصلی جامعه چون تورم، بیکاری، گرانی، اعتیاد،

۱ ـ «گرفتاری وقتی همگانی شد، تحملش راحت‌تر است.»

مسکن و... با عجله و بدون هیچ‌گونه تعمق و ژرف اندیشی و تجربهٔ نقاط ضعف و قوت مصوبهٔ مجلس پنجم، تنها بر اساس تمایلات حزبی و احتیاجات سیاسی خود، اقدام به ارائه طرحی جدید، برای اصلاح قانون مطبوعات نمودند و ناباورانه آن را «مهم‌ترین طرح» مجلس ششم نامیدند.[۱]

این طرح که به اعتراف طراحان و مدافعان آن، با انگیزه‌های حزبی و سیاسی[۲] و با پشتیبانی حزب تازه تأسیس و نو رسیدهٔ «مشارکت» تهیه شده[۳] و تنها ۲۱ ساعت (۷ جلسهٔ ۳ ساعته)[۴] در کمیسیون‌های مربوطه، مورد تأمل و کار کارشناسی قرار گرفته بود، اولین طرح و تلاش مجلس ششم را در رفع مشکلات کمرشکن مردم! نشان می‌داد. طرحی که در واقع به منظور مقابله با اصلاحیه‌ای بود که یک ماه پیش از آغاز به کار مجلس ششم، توسط نمایندگان مجلس پنجم، پس از ماه‌ها بحث،[۵] بررسی کارشناسی و اعلام نظر موافقان و مخالفان به تصویب رسیده بود و هنوز چند ماهی از تجربهٔ اجرای آن نمی‌گذشت.

---

۱ . روزنامهٔ بهار : ۲۹ تیر ۷۹، ص ۳.

۲ . اعتراف صریح محمد رضا خاتمی، نایب رئیس مجلس ششم و رئیس دفتر سیاسی حزب دولتی مشارکت و عضو فعال فراکسیون جبههٔ دوم خرداد مجلس در این باره، گویای این واقعیت تلخ است. وی در پاسخ به سؤالی در خصوص اولویت‌های کاری مجلس ششم گفت: «اکنون مهم‌ترین "مسأله سیاسی ما" که می‌تواند خیلی راحت برطرف شود، محدودیت‌های بسیار شدیدی است که برای مطبوعات به وجود آمده. ما درصدد هستیم در اولین قدم‌هایمان، محدودیت‌های شبه قانونی، " قانونی " و غیر قانونی مطبوعات را برداریم!»

(روزنامهٔ بهار : ۲۳ خرداد ۷۹، ص ۱)

انصاری راد، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و یکی دیگر از موافقان طرح تغییر قانون مطبوعات نیز، به سیاسی بودن این طرح اذعان دارد. وی در مصاحبه با روزنامهٔ بهار، در پاسخ به این سؤال که آیا این طرح سیاسی است، می‌گوید : «بله! به معنای عام آن یک حرکت سیاسی است، زیرا مطبوعات جنبهٔ سیاسی دارد و این اصلاحیه هم سیاسی است.» (روزنامهٔ بهار : ۱۶ مرداد ۷۹)

۳ . روزنامهٔ بیان : ۲۵ خرداد ۷۹، ص ۳. گروه سیاسی این روزنامه در مقدمهٔ ویژگی‌های طرح مجلس ششم می‌نویسد : «گفتنی است پیش نویس این طرح اصلاحیهٔ جدید، توسط حزب جبههٔ مشارکت ایران اسلامی تهیه شده است!»

۴ . روزنامهٔ حیات نو : ۲۸ تیر ۷۹، ص ۲.

۵ . طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس پنجم، پس از تجربهٔ ۱۳ سالهٔ قانون قبلی که در سال ۱۳۶۴ تصویب شده بود، در فاصلهٔ ۱۱ مه ـ از خرداد ۷۸ تا فروردین ۷۹ ـ مورد نقد و نظر نمایندگان، شخصیت‌ها و کارشناسان قرار گرفت و پس از تغییراتی به تصویب رسید.

توجیه یک حرکت سیاسی!

مخالفان قانون مطبوعات که بلافاصله پس از حضور در مجلس ششم، طرح تغییر آن را ارائه کردند، در زمانی که نمایندگان مجلس پنجم، طرح اصلاحیهٔ خود را مطرح کرده بودند، به جای بحث، بررسی و کار کارشناسی پیرامون مواد آن، به کلی‌گویی و پرخاش روی آورده و حاضر به بحث و ارائه دلیلِ مخالفت خود نشدند و ناباورانه تغییر قانونی را که از نفوذ دشمن جلوگیری می‌کرد، از مطالبات مردم عنوان می‌کردند! آنها برای توجیه این عمل حزبی خود به این توجیهات روی آوردند:

الف ـ نمایندگانی که با شعار اصلاحات و گشایش اقتصادی به جلب رأی و نظر مردم پرداخته و به مرکز قانونگزاری راه یافته بودند، به دلیل عدم ارائه طرح‌ها و قوانینی که معضلات عدیدهٔ مردم را برطرف کند، می‌کوشیدند قبل از آغاز تعطیلات تابستانی مجلس، با تصویب طرح‌های جنجالی و مورد پسند مطبوعات حزبی و غوغاسالار ـ که با جهت‌دهی خود می‌توانستند بر افکار عمومی مؤثر باشند ـ در برابر مطالبات واقعی مردم، راه فراری بجویند. چنانچه آقای کوزه‌گر، از مدافعان طرح مذکور، دربارهٔ دلیل اصرارش بر طرح اصلاحیه پیش از تعطیلات مجلس، به این نکته اشاره کرد و گفت:

> «ما که به مرخصی می‌رویم، مردم از ما سؤال خواهند کرد که در دو ماه گذشته در مجلس چه کردید و ما جوابی برای مردم نداریم.»[1]

ب ـ از جمله توجیهات دیگر طراحان اصلاحیه در مجلس ششم، «نهادینه کردن آزادی!» بود. طراحان معتقد بودند که چون مصوبهٔ مجلس پنجم محدود کنندهٔ آزادی است، حذف موادی از آن، به نهادینه کردن آزادی منجر خواهد شد. این سخن نیز چیزی جز عوام فریبی نبود. چرا که مصوبهٔ مجلس پنجم، نه تنها به نظام‌مند کردن فعالیت‌های مطبوعاتی و جلوگیری از سوء استفاده‌ها پرداخته بود، بلکه با اضافه کردن

---

۱. روزنامهٔ رسالت: ۲۵ مرداد ۷۹، ص ۳.

یک تبصره، اجرای مادهٔ ۴ قانون سال ۱۳۶۴ را ضمانت کرده بود. مطابق این ماده، «هیچ مقام دولتی و غیر دولتی، حق ندارد برای چاپ مطلب و یا مقاله‌ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.» مجلس پنجم با تبصره‌ای اضافه نمود که «متخلفین از این ماده، به حکم دادگاه به طور دائم یا موقت، از خدمات دولتی منفصل خواهند شد.» و به یقین چنین قانونی تضمین کنندهٔ آزادی روزنامه‌نگاران دلسوز بود.

ج ـ یکی دیگر از توجیهات مضحک نیروهای تندرو در این اقدام سیاسی و حزبی، معرفی «تجدید نظر در قانون مطبوعات» به عنوان یکی از مطالبات مردم در انتخابات ۲۹ بهمن ۷۸ (مجلس ششم) بود! این سخن از آن رو عجیب بود که قانون مطبوعات در ۳۰ فروردین سال ۷۹ به تصویب رسید و اساساً در زمان برگزاری انتخابات مجلس ششم، قانون جدید مطبوعات به تصویب نمایندگان مجلس پنجم نرسیده بود تا تجدید نظر در آن، از مطالبات رأی دهندگان باشد!

بررسی اشکالات طرح مجلس ششم[1]

طرح تغییر قانون مطبوعات که روز یکشنبه ۱۶ مرداد ماه، بعد از قرائت نامهٔ رهبر معظم انقلاب، توسط رئیس مجلس شورای اسلامی از دستور کار مجلس خارج شد، هرچند در حال حاضر در دستور کار مجلس قرار ندارد، ولی واقعیت این است که اطلاع از محتوای این طرح و تطبیق آن با قانون مطبوعات موجود، می‌تواند کمک خوبی به افکار عمومی، برای درک صورت مسأله و علت برخورد رهبر انقلاب با این اقدام باشد.

این طرح که تحت عنوان «طرح اصلاح موادی از قانون مطبوعات مصوب ۲۸اسفند ۶۴» یک فوریت آن در جلسهٔ علنی ۲۹ خرداد ۷۹ توسط نمایندگان مجلس ششم به تصویب رسید، در واقع به جای آن‌که اصلاح قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ باشد، اصلاح موادی است که در ۳۰ فروردین همین سال (۱۳۷۹) توسط مجلس پنجم

---

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۶، ۷ و ۸ شهریور ۷۹، ص ۱۵.

تصویب شده بود و به موجب آن، ابهامات قانون مطبوعات ۱۳۶۴ برطرف شده بود.

بنا بر این، در واقع طرح مورد بحث، اصلاحیه‌ای بر مصوبهٔ فروردین ماه سال ۷۹ بود! البته متن کامل این اصلاحیه در جراید و نشریات کشور منتشر نشد و تنها کلیاتی از آن به اطلاع عموم رسید؛ امّا به گفتهٔ رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، بر اساس مصوبهٔ این کمیسیون، در این طرح ۲ ماده، ۹ تبصره و ۸ بند از قانون قبلی مصوب ۷۹/۱/۳۰ حذف و ۶ ماده و ۱ تبصرهٔ آن اصلاح می‌شد. همچنین این طرح به اصلاح عباراتی در متن قانون می‌پرداخت و یک ماده و ۴ تبصرهٔ جدید به آن الحاق می‌شد.[۱]

آزادی، از مفاهیم کلی است که همواره بر اساس آموزه‌های دینی و قوانین حکومتی در تمام جوامع مقید می‌شود. نمونهٔ آن بیانیهٔ حقوق بشر است که از آن به عنوان سمبل آزادی در عصر مدرن یاد می‌کنند؛ امّا همین بیانیه شامل محدودیت‌ها و قیودی است که آزادی را محدود می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس باورهای دینی و ملی، اصولی قرار گرفته که نظام‌مند شدن آزادی و عدم سوء استفاده از آن، مشروط به پایبندی به این اصول است. به عنوان نمونه می‌توان از اصول ۴، ۶، ۱۰ و ۱۱ نام برد.[۲]

---

۱. روزنامهٔ حیات نو: ۲۸ تیر ۷۹، ص ۲.

۲. اصل چهارم قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل، بر اطلاق یا عموم همهٔ اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر، بر عهدهٔ فقهای شورای نگهبان است.

اصل ششم قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظائر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل دهم قانون اساسی: از آنجاکه خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همهٔ قوانین و مقررات و برنامه‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایهٔ حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یازدهم قانون اساسی: به حکم آیهٔ کریمهٔ "إنّ هذِهِ أُمَّتُکُم أُمَّةً واحِدَةً وَ أنَا رَبُّکُم فَاعْبُدُون" همهٔ مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، سیاست کلی خود را بر پایهٔ ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش دیگر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

امروز
۷۸/۴/۱۲

در نشست مشترک دولت، مجلس و روزنامه‌نگاران عنوان شد

دولت پاسخگو، مطبوعات پرسشگر می‌خواهد

می گفتند: دولت پاسخگو، مطبوعات پرسشگر می‌خواهد و چون قانون مطبوعات، روزنامه‌ها را محدود می‌کند، نباید تصویب شود!

دو سال بعد در همان تاریخ، وقتی غوغاسالاری‌ها به پایان رسید، مطبوعات پرسشگر، پرسشی را مطرح کردند، اما ...

کیهان
۸۰/۴/۱۰

رئیس جمهور: از جوانان می‌خواهم تا در تمام صحنه‌ها حق سئوال و مطالبه را برای خود محفوظ دارند و تا زمانی که قانع نشده اند، دست از جستجو برندارند.
(رسالت: ۷۶/۴/۲۳)

گزارش اقتصادی کیهان

سکوت وزارت نفت درباره زوایای پنهان قراردادهای خارجی

آغاز رسیدگی به پرونده شارون به عنوان جنایتکار جنگی

حیات نو
۸۰/۴/۱۱

درباره ابهام قراردادهای بیع متقابل

پرسش افکار عمومی سکوت وزیر نفت!

رسالت
۸۰/۴/۱۸

قراردادهای نفت را نمی‌دهند
پشت پرده مسایلی است

نمایندگان آبادان و اهواز در مجلس:

موضوع را سیاسی نکنید
تخلف در قراردادهای نفتی قطعی است

کیهان
۸۰/۴/۲۰

کیهان
۸۰/۴/۱۹

در پاسخ به نامه وزیر نفت

خاتمی انتقاد به قراردادهای نفتی را تشویش اذهان عمومی خواند

رئیس جمهور: مردم مَحرم امورند و باید برای آنان حق آگاهی و اطلاع یافتن قائل شویم.
(سلام: ۷۷/۵/۷)

نوروز

واکنش خاتمی به اوج‌گیری حملات علیه وزارت نفت:

غیر منصفانه است اما غیر منتظره نیست

* رئیس جمهور: مدعیان باید در برابر اتهاماتی که وارد کرده‌اند و نیز به لحاظ تشویش اذهان پاسخگو باشند
* وزیر نفت خواستار رسیدگی به موضوع در جلسه‌ای با حضور مقام معظم رهبری و سران سه قوه شد

در پاسخ به نامه وزیر نفت

خاتمی: مدعیان در برابر اتهاماتی که وارد کرده اند باید پاسخگو باشند

عناصر محدود کنندهٔ آزادی در تمام سیستم‌های حقوقی دنیا وجود دارد، امّا آنچه باعث تفاوت میان آنها می‌شود، تعریف ملاک‌های «محدودیت» در مبانی سیستم‌های حقوقی است. ملاک‌های مشترک محدود کنندهٔ آزادی در قالب سیستم‌های حقوقی عبارتند از:

۱ . قانون ۲ . تزاحم آزادی ۳ . عفت و اخلاقیات ۴ . امنیت ملی

در جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر ساختارهای دولتی، نهادهای غیر دولتی نیز در محدودهٔ حفاظت از امنیت ملی قرار می‌گیرند. زیرا نهادهای غیر دولتی در روند فعالیت خود، بین نهادهای دولتی و مردم، تعادل و پیوستگی ایجاد می‌کنند. هدف عمدهٔ کشورهای در حال توسعه برای تأمین امنیت ملی، ایجاد انسجام فراگیر و نوعی پیوستگی بین نهادهای دولتی و غیر دولتی، به منظور تأمین امنیت ملی است. از جملهٔ این نهادها می‌توان به افکار عمومی، احزاب و گروه‌های قانونی، نخبگان و شخصیت‌های غیر دولتی و مطبوعات اشاره کرد.

مطبوعات، علاوه بر آن‌که وظیفهٔ انتشار اخبار و رویدادهای کلی را در جامعه دارد، بر ثبات ملی و تأمین امنیت ملی نیز تأثیر عمده می‌گذارد. مطبوعات می‌تواند به شکلی آشکار و حرفه‌ای، سیاست دولت و تمایلات مردم و الگوهای حاکم در جامعه را به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم، تحت تأثیر قرار دهند. مطبوعات می‌توانند در روند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، نقش بازدارنده یا گسترش دهنده را ایفا کنند.

متأسفانه طرح مذکور با توجه به حذف بندهای مهمی که از نفوذ دشمن جلوگیری می‌کرد، می‌توانست یک افساد و مشکل برای نظام اسلامی باشد که با درایت رهبر معظم انقلاب و اطاعت اکثریت قاطع نمایندگان مجلس ششم، تبدیل به اصلاح شد.

برای ورود به این مبحث، ابتدا متن نامهٔ رهبر معظم انقلاب، دربارهٔ طرح تغییر را مجدداً مرور می‌کنیم و سپس به مطالعهٔ تطبیقی این طرح با قانون مطبوعات مجلس پنجم می‌پردازیم. متن نامهٔ رهبر معظم انقلاب که در جلسهٔ ۱۶ مرداد ۷۹ توسط آقای کروبی، رئیس مجلس شورای اسلامی قرائت شد، چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحیم. جناب آقای حجت الاسلام کروبی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و حضرات نمایندگان محترم!
با سلام و تحیات. مطبوعات کشور، سازندهٔ افکار عمومی و جهت‌دهندهٔ همت و ارادهٔ مردمند. اگر دشمنان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی، مطبوعات را در دست بگیرند یا در آن نفوذ کنند، خطر بزرگی امنیت، وحدت و ایمان مردم را تهدید خواهد کرد و اینجانب سکوت خود و دیگر دست‌اندرکاران را در این امر حیاتی، جایز نمی‌دانم. قانون کنونی تا حدودی توانسته است، مانع بروز این آفت بزرگ شود. تغییر آن و امثال آنچه در کمیسیون مجلس پیش بینی شده، مشروع و به مصلحت کشور و نظام نیست. والسلام، سید علی خامنه‌ای، ۱۵ مرداد ۷۹»

در مورد بررسی طرح تغییر مجلس ششم، تذکر این نکته اهمیت دارد که چون قسمت عمدهٔ این طرح، به حذف بندها یا تبصره‌هائی از قانون موجود (مصوب سال ۱۳۷۹) مربوط می‌شود، از خود متن طرح، بدون آن‌که با متن قانون مطبوعات تطبیق داده شود، مطلب زیادی به دست نمی‌آید. به همین جهت، لازم است بند بند این طرح، با موارد مورد نظر از قانون موجودِ مطبوعات، تطبیق و مقایسه شود.

۱. مادهٔ یک طرح تغییر: این ماده می‌گوید: «بند ۱۲ مادهٔ ۶ حذف گردید.»

بند ۱۲ مادهٔ ۶ قانون مطبوعات می‌گوید: «انتشار مطلب علیه قانون اساسی» ممنوع است. این بند، یکی از مواردی است که مصادیق «اخلال به مبانی و احکام اسلامی و حقوق عمومی و خصوصی» که در مادهٔ ۶ قانون مطبوعات ممنوع شده‌اند را مشخص می‌کند. مادهٔ ۶ می‌گوید:

«نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند.»

بندهای دوازده‌گانهٔ این ماده، مواد اخلال را مشخص می‌کند و بند ۱۲ یکی از این موارد را «انتشار مطلب علیه قانون اساسی» می‌داند.

اهمیت این مطلب، زمانی روشن می‌شود که به مفهوم کلمهٔ «علیه» توجه

نمائیم. چرا که فرق است میان «نقد» قانون اساسی و «ضدیت» با آن. کلمهٔ «علیه» به هیچ وجه مفهوم نقد را به همراه خود ندارد، بلکه دقیقاً مفهوم مقابله کردن را می‌رساند که همان ضدیت است. به عبارت دیگر، از نظر طراحان طرح تغییر، مقابله کردن و ضدیت با قانون اساسی توسط مطبوعات، «اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی» به حساب نمی‌آید، در حالی که در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد به خدای یگانه، اعتقاد به وحی، دین اسلام و محوریت احکام اسلام برای ادارهٔ نظام جمهوری اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و تصریح شده است که «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همهٔ اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر، حاکم است.»[۱] همچنین تصریح شده است که «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب آن جعفری اثنی عشری است و این اصل، الی الابد غیر قابل تغییر است ...»[۲]

بدین ترتیب، حذف بند ۱۲، دستِ نویسندگان مطبوعات را برای نوشتن علیه خدا، پیامبر، ائمه، دین، وحی و احکام دین باز می‌گذارد و هیچ چیز و هیچ کس از تعرض مصون نخواهد بود! تردیدی نیست که برداشتن این منع و آزاد گذاشتن مطبوعات برای ضدیت با خدا و دین، شرعاً حرام است.

فرض کنیم، این قانون به همین شکلی که کمیسیون فرهنگی پیشنهاد کرده، به تصویب مجلس می‌رسید، در آن صورت، آیا مجلس، قانونی را تصویب نکرده بود که اولین الزامش، بی‌اعتباری قوهٔ مقننه است؟ یعنی اگر با تصویب این ماده، این اجازه صادر می‌گردید که افرادی اصل وجود مجلس شورای اسلامی را زیر سؤال ببرند و مثلاً این زمینهٔ روانی را در جامعه ایجاد کنند که کشور نیاز به پارلمان ندارد! یا مثلاً اشخاصی حق تحقیق و تفحص مجلس را انکار کنند. یا مثلاً قوهٔ مجریه، با قرائت

۱ . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل ۴.

۲ . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل ۱۳.

خاص خود، رأی اعتماد مجلس به وزیران را مورد تردید قرار دهد. فرض کنیم دولت (منظور دولت خاصی نیست) بتواند با استفاده از شگردهایی خاص، افکار عمومی را برای مدتی با خود همراه کند و به این وسیله حق مجلس را که می‌خواهد از یک وزیر سؤال نماید، از بین ببرد و برای توجیه این کار هم، از طریق مطبوعات بر قانون اساسی تعرض کند، در آن صورت چه می‌شود؟ آیا برخورداری از پشتیبانی افکار عمومی (که بعید نیست دولت با استفاده از اهرم‌هایی که از آن برخوردار است، بتواند آن را به سوی خود جلب کند) یک عامل فشار برای بدون اثر کردن مجلس، آن هم با استفاده از قانون مطبوعات، نخواهد بود؟!

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی، طرح اصلاح قانون مطبوعات را با توجه به نامهٔ مقام معظم رهبری، خلاف قانون اساسی دانست. اگر فرضاً قانون مزبور تصویب می‌شد، چه تضمینی وجود داشت که با سوء استفاده از این سد شکنی مجلس، دیگران هم آشکارا نقض قانون اساسی نکنند؟ نمایندگان محترمی که هم اکنون نیز از عدم اجرای دقیق برخی اصول قانون اساسی، ابراز نگرانی می‌کنند ـ و به حق هم همین است ـ در صورت تصویب اصلاح قانون مطبوعات، چگونه می‌توانستند باز هم به عدم اجرای دقیق قانون اساسی اعتراض کنند؟

۲. مادهٔ دو طرح تغییر: با تصویب این ماده «تبصره‌های ۶ و ۷ از مادهٔ ۹ حذف می‌شد.»

مادهٔ ۹ قانون مطبوعات، شرایط متقاضی امتیاز نشریات را مشخص کرده و در تبصرهٔ ۶ آن آمده است:

> «هیأت نظارت موظف است، جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول، از مراجع ذی صلاح (وزارت اطلاعات، دادگستری و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) استعلام نماید. مراجع مذکور، موظفند حداکثر تا دو ماه، نظر خود را همراه با مستندات و مدارک معتبر، به هیأت نظارت اعلام نمایند. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر، صلاحیت آنان تأیید شده تلقی می‌گردد.»

حذف این تبصره، نمی‌تواند هدفی جز خلع سلاح از هیأت نظارت در مرحلهٔ تشخیص صلاحیت متقاضیان انتشار نشریه و مدیریت نشریات داشته باشد. همچنین مفهوم دیگر آن، این است که اگر هیأت نظارت درصدد امتیاز دادن به افرادی باشد که فاقد صلاحیت هستند، با مانعی مواجه نشود و این امکان را داشته باشد.

متن تبصرهٔ ۷ مادهٔ ۹ که طرح تغییر آن را حذف کرده، این است:

«مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود، به عهدهٔ مدیر مسئول است، ولی این امر نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود.»

پیداست که حذف این تبصره با هدف دور نگه داشتن نویسندگان مطالب خلاف، از تعقیب قانونی صورت گرفته است. این نکته، شگردی است که در طول سال‌های ۷۷ تا ۷۹ توسط مطبوعات متخلف، بارها به کار گرفته شده و از این طریق، عناصر هتاک با عبور از مرز قانون، مطالبی را در نشریاتی به چاپ رسانده‌اند که مدیران مسئول آنها دارای جایگاه اجتماعیِ خاصی بودند که سوءاستفاده از حاشیهٔ امن آنها می‌توانست، پناهگاهی برای این افراد متخلف باشد.

هدف دیگر از حذف این تبصره، این است که عناصر متخلف، بتوانند با احساس امنیت، در روزنامه‌های اجاره‌ای که مدیریت آنها با افراد غیر سیاسی است و به خاطر منافع اقتصادی، روزنامهٔ خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند، مطالب خلاف خود را به چاپ برسانند و در عین حال، تحت تعقیب قانونی قرار نگیرند. این عناصر در این سال‌ها چندین مدیر مسئول را گرفتار زندان و مجازات کرده و خود با اجازهٔ روزنامه‌ای دیگر، به تخلفات ادامه داده‌اند. تبصرهٔ ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات، جلوی این حیله را می‌گیرد و راه را بر این سوءاستفاده می‌بندد. به همین جهت است که طراحان طرح تغییر، درصدد حذف آن بر آمده‌اند. قطعاً اگر آنها مصلحت کشور را در نظر می‌گرفتند، چنین نمی‌کردند.

۳. مادهٔ سه طرح تغییر: بر اساس این ماده، «تبصره ۸ ماده ۹ به شرح ذیل اصلاح می‌گردید:

«اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و یا گروه‌های غیر قانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلاب و یا علیه امنیت داخلی و خارجی، محکومیت مؤثر کیفری یافته‌اند و همچنین کسانی که طبق نظر صریح و مستند وزارت اطلاعات، علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند و یا در صورتی که در دادگاه صالح به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده‌اند، حق هیچ‌گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.»

هدف طراحان از اصلاح این تبصره، هنگامی روشن می‌شود که متن اصلی تبصرهٔ ۸ ماده ۹ قانون مطبوعات را از نظر بگذرانیم و موارد تغییر را مورد دقّت قرار دهیم. متن تبصرهٔ ۸ چنین است:

«اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و یا گروه‌های غیر قانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته‌اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند، حق هیچ‌گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، طراحان طرح تغییر، با اضافه کردن چند کلمه و فراز به این تبصره، درصدد برآمدند راه را برای نفوذ عناصر ضد انقلاب و گروه‌های غیرقانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب به مطبوعات باز نمایند. اولین مورد، اضافه کردن عبارت «مؤثر کیفری» به کلمهٔ «محکومیت» است. با این دو کلمه، به راحتی می‌توان محکومیت را تفسیر و تأویل کرد و افراد زیادی از عناصر ضد انقلاب را از محرومیت نجات داد و راه نفوذ آنان به مطبوعات را باز کرد. عبارت دیگری که اضافه شده، عبارت «طبق نظر صریح و مستند وزارت اطلاعات» است. مطابق این تغییر، تصمیم‌گیرندگان، اگر مایل باشند در سایهٔ سیاست تساهل و تسامح، به عناصری که علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، مجوز انتشار یا مسئولیت مدیریت نشریه‌ای را بدهند، به راحتی می‌توانند با استناد به همین فراز و به بهانهٔ این‌که نظر وزارت اطلاعات دربارهٔ این افراد صریح یا مستند نیست، به آنها اجازهٔ فعالیت بدهند.

چون کلماتی مانند «صریح» و «مستند» به اندازهٔ کافی قابل تأویل و تفسیر هستند که بتوان از آنها هرگونه سوءاستفاده‌ای نمود.

همچنین اضافه کردن عبارت «و یا در صورتی که در دادگاه صالح به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده‌اند» به تبصرهٔ ۸، عده‌ای از عناصر ضد انقلاب و گروهکی و معاند را ـ که علیه نظام جمهوری اسلامی فعال هستند، ولی از محاکمه گریخته و محکومیتی نگرفته‌اند ـ از محرومیت نجات داده و راه نفوذ آنها به مطبوعات را باز می‌کند. در چنین مواردی، برای صیانت از نظام، باید نظر مسئولین امنیتی و اطلاعاتی کشور را ملاک قرار داد و بر اساس آن دربارهٔ این‌که به چنین افرادی اجازهٔ فعالیت و مسئولیت داده شود یا نه، تصمیم‌گیری نمود. با این‌که مفاسد عظیمِ بی‌توجهی به آن، بسیار روشن است. معلوم نیست، چرا کسانی که در جایگاه قانونگزاری نظام جمهوری اسلامی قرار دارند، مرتکب چنین اقدامی شده‌اند که قطعاً خلاف مصالح کشور و به تبع آن، خلاف موازین شرعی است.

۴. مادهٔ چهار طرح تغییر: در این ماده که به ترکیب هیأت نظارت بر مطبوعات مربوط می‌شود، پیشنهاد حذف نمایندگان حوزهٔ علمیهٔ قم و شورای عالی انقلاب فرهنگی داده شده است! این دو عضو کارشناس، طبق اصلاحیهٔ فروردین ماه ۱۳۷۹ قانون مطبوعات، به اعضای هیأت نظارت (موضوع ماده ۱۰) برای نظارت دقیق‌تر بر مطالب دینی که در سال‌های اخیر بر حجم آن افزوده شده، اضافه شدند. حذف آنها نیز با هدف مقابله با همین اصلاحیه پیشنهاد شده است.

معلوم نیست وجود دو عضو کارشناس مسائل دینی در هیأت نظارت، چه ضرری را متوجه آزادی مطبوعات کرده است که طراحان مجلس ششم با دستپاچگی وجود آن را تاب نیاورده‌اند؟!

۵. مادهٔ پنج طرح تغییر: بر اساس این ماده نیز «تبصره ۵ ماده ۱۰ حذف می‌گردید.» متن تبصرهٔ ۵ ماده ۱۰ قانون مطبوعات، چنین است:

«وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ریاست هیأت نظارت بر مطبوعات را بر عهده

خواهد داشت و پاسخگوی عملکرد هیأت مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی صلاح خواهد بود.»

پیداست که حذف این تبصره، با نگاه جناحی به موضوع صورت می‌گیرد که یکی از آفات فعالیت‌های سیاسی در کشور است و متأسفانه در داخل مرکز قانونگزاری کشور نیز نفوذ کرده است. البته این آفت، اختصاصی به این جناح ندارد و جناح مقابل نیز در دوران تصدی خود، چه در مسند قانونگزاری و چه در وزارت ارشاد، دچار همین آفت بود. نکتهٔ قابل توجه این است که پیشنهاد دهندگان حذف تبصرهٔ ۵ مادهٔ ۱۰، برای این سؤال، جوابی ارائه نکرده‌اند که وقتی وزیر ارشاد، پاسخگوی عملکرد هیأت نظارت نباشد، چه کسی پاسخگو باشد؟ اگر به جای وزیر ارشاد، فرد دیگری از اعضای هیأت نظارت را به عنوان پاسخگو معرفی می‌کردند، اقدام به حذف قابل توجیه بود، ولی این‌که فرد دیگری معرفی نمی‌شود، بدین معنی است که اصولاً هیأت نظارت نباید در قبال عملکرد خود پاسخگو باشد! و این چیزی است که اولاً: با شعار اصالت پاسخگویی نمی‌سازد و ثانیاً: به هیچ وجه به مصلحت کشور نیست.

۶. ماده شش طرح تغییر: این ماده می‌گوید: «تبصره ذیل ماده ۱۲ حذف گردید.»

تبصرهٔ ذیل مادهٔ ۱۲ که پیشنهاد حذف آن در این ماده داده شده، تبصرهٔ مهمی است که جلوی استمرار اقدامات خلاف شرع و خلاف مصالح کشور را می‌گیرد و پیشنهاد حذف چنین تبصره‌ای، بسیار شگفت‌انگیز است. برای روشن شدن مطلب، متن تبصره را مرور می‌کنیم. متن تبصرهٔ ذیل ماده ۱۲ چنین است:

«در مورد تخلفاتِ موضوع ماده ۶ به جز بند "۳ و ۴" و بند "ب و ج و د" مادهٔ ۷، هیأت نظارت می‌تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف، موظف است ظرف یک هفته، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.»

از آن‌جا که در این تبصره، محتوای مادهٔ ۶ و ۷ نیامده، لازم است متن این دو ماده را از نظر بگذرانیم تا معلوم گردد، حذف تبصره ذیل ماده ۱۲ چه خساراتی را می‌تواند به بار بیاورد:

« ماده ۶. نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند:

۱ . نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

۲ . اشاعهٔ فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

۳ . تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

۴ . ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه، به ویژه از طریق مسائل نژادی و قومی.

۵ . تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمال علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.

۶ . فاش نمودن اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.

۷ . اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸ . افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹ . سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آئین نامه مشخص می‌کند.)

تبصره ـ سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجیهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه.

۱۰ . استفادهٔ ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیر قانونی.

۱۱ . پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.

۱۲ . انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی.

بیان
۷۹/۲/۱۲

در روز کارگر صورت گرفت
اعتراض سراسری کارگران به مصوبه مجلس و صدا و سیما
قطعنامه پایانی راهپیمایی کارگران:
قانون خروج کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار را متوقف کنید!
انتقاد شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی به اظهارات هاشمی رفسنجانی همچنان ادامه داد
تهدیدهای مطبوعات
دادند در انتخابات
دوم مجلس اعلام شد

راهپیمایی روز کارگر که با آرامش در مقابل مجلس ختم شد، برای تخریب مجلس پنجم به گونه ای دیگر تصویر شد.

بیان
۷۸/۱۲/۱۰

اعتراض کارگران به مصوبه اخیر مجلس
مجلس پنجم تا کجا پیش خواهد رفت؟

سیاست زدگی برخی از مسئولان، آنان را از حل مشکلات واقعی مردم واداشته بود. کارخانه ها در حال تعطیلی و بیکاری، کارگران را به اعتراض واداشت!
تا این که یک سال پس از حضور اصلاح طلبان در مجلس ششم ...

۸۰/۴/۲۵

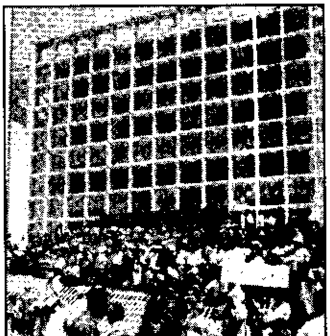

کارگزاران ۱۸ وزیر ابقا
مشارکت ۱۸ وزیر تغییر
نوروز
جنتی اسامی امپراتوران نفتی را چه نهاد قضایی معرفی کرده است؟
تکاپوی نهادهای مختلف برای انتخاب حقوقدانان جدید شورای نگهبان
آفتاب
باتجمع در مقابل مجلس
کارگران جامکو و شادان پور به نحوه واگذاری و اداره این شرکت‌ها اعتراض کردند
سازمان ملل متحد:
مطبوعات در قلب روند دموکراتیزه شدن جامعه ایران قرار دارند
روزنامه نگاران، قهرمانانه در حال طراحی روند دموکراسی در ایران هستند

روزنامه های اصلاح طلب و مردم سالار(!) در زمان تصویب قانون مطبوعات، اعتراض کارگران تهرانی به مصوبه قانون کار را "اعتراض سراسری کارگران" تیتر کردند اما دو سال بعد، وقتی معترضین به بی اعتنایی مجلس اصلاحات به مشکلات معیشتی، میله های فلزی مجلس را شکستند، نه تنها در روزنامه های مردم سالار(!) انعکاس نیافت، بلکه این بار هم مسائل حزبی و سیاسی بر مشکلات اصلی مقدم شد.

ماده ۷. موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می‌شود:
الف ـ چاپ و انتشار نشریه‌ای که برای آن پروانه صادر نشده و یا پروانهٔ آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه، به طور موقت یا دائم، تعطیل گردیده است.
ب ـ انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است، مغایر باشد.
ج ـ انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند، از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود.
د ـ انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نشانی ادارهٔ نشریه و چاپخانهٔ آن.
تبصره ـ مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیأت نظارت، مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی‌باشد.»

اکنون با توجه به محتوای این دو ماده، اگر از تهیه کنندگان طرح تغییر سؤال شود که با چه هدفی درصدد حذف تبصره‌ای برآمدید که به موجب آن جلوی فعالیت نشریاتی گرفته می‌شود که به نشر «مطالب الحادی لطمه وارد کننده به اساس نظام جمهوری اسلامی، اشاعه دهندهٔ فساد و فحشا، اقدامات علیه امنیت کشور، افشای اسرار نظامی، اهانت به دین اسلام و مقدسات و اهانت به رهبری و مراجع تقلید، افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و اشخاص، ضدیت با قانون اساسی و تخلف از قوانین کشور و قانون مطبوعات» اقدام می‌نمایند، چه جوابی دارند؟ حذف این تبصره در واقع مجاز دانستن ارتکاب این جرائم توسط مطبوعات است، جرائمی که آشکارا خلاف شرع و مصالح کشور می‌باشند.

۷. مادهٔ هفت طرح تغییر: «مادهٔ ۲۷ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: هرگاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران یا مراجع مسلّم تقلید اهانت شود، در صورت اثبات جرم در محاکم عمومی دادگستری با حضور هیأت منصفهٔ این قانون، پروانهٔ آن نشریه لغو خواهد شد.»

مقایسهٔ این متن تغییر یافته با متن اصلی مادهٔ ۲۷ نشان می‌دهد که تهیه‌کنندگان

طرح، درصدد برآمده‌اند برای نشریاتی که به رهبری و مراجع مسلّم تقلید اهانت می‌کنند، راه فراری از مجازات دست و پا نمایند. زیرا در متن اصلی مادهٔ ۲۷ عبارت «در صورت اثبات جرم در محاکم عمومی دادگستری با حضور هیأت منصفهٔ این قانون» وجود ندارد و اضافه کردن این عبارت به این ماده، موجب می‌شود، نشریهٔ متخلف حداقل تا زمانی که دادگاه به پرونده‌اش رسیدگی نکرده، بتواند به اهانت کردن ادامه دهد و حتی رهبر نظام و مراجع تقلید، از تعرض آن مصون نباشند!

علاوه بر این، با توجه به ترکیبی که طراحان همین طرح برای هیأت منصفه در نظر گرفته‌اند و تغییراتی که در زمینهٔ نسبت رأی هیأت منصفه و دادگاه طراحی کرده‌اند، کاملاً مشخص است که نتیجهٔ تغییر مادهٔ ۲۷، به صورتی که در طرح تغییر آمده، باز گذاشتن راه اهانت مطبوعات به رهبری نظام و مراجع مسلّم تقلید است. ضمناً در ذیل مادهٔ ۲۷ بعد از عبارت مربوط به لغو پروانهٔ نشریه، معرفی و مجازات مدیر مسئول و نویسندهٔ مطلب توسط محاکم صالحه، پیش‌بینی شده، ولی در طرح تغییر، این قسمت نیز حذف گردیده است که به معنی مصونیت مدیر مسئول و نویسندهٔ مطلب توهین‌آمیز از تعقیب و مجازات قانونی می‌باشد!

۸. مادهٔ هشت طرح تغییر: این مادهٔ قانونی می‌گوید: «بند ب مادهٔ ۳۳ حذف شود.»

این بند که پیشنهاد حذف آن داده شده، همان بندی است که مانع سوء استفاده متخلفان مطبوعاتی از نام، شکل، علامت و سایر خصوصیات یک نشریهٔ توقیف شده، برای ادامهٔ آن تخلف، توسط نشریهٔ دیگر می‌شود. متن بند «ب» مادهٔ ۳۳ قانون مطبوعات چنین است:

> «پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریهٔ دیگر به جای نشریهٔ توقیف شده، به نحوی که با نشریهٔ مذکور از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود، ممنوع و نشریهٔ جدید بلافاصله توقیف می‌گردد. مرتکب، به مجازات حبس تعزیری از سه تا شش ماه و جزای نقدی از ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم می‌شود.»

حذف این بند، در واقع برداشتن مانع از سر راه کسانی است که درصدد سوء استفاده و ادامهٔ تخلف هستند. این سوء استفاده را در جریان انتشار روزنامه‌های

زنجیره‌ای توسط یک شرکت انتشاراتی (شرکت جامعهٔ روز) که بعدها مشخص شد با سرمایهٔ یک گروه غیر قانونی (نهضت آزادی) و با ارتکاب اعمال خلاف قانون فعالیت می‌کرد و دارای اهداف ضد قانون اساسی بود، مشاهده کردیم.[۱] این‌که عده‌ای در کسوت نمایندگان مردم در مجلس، با توجه به این سابقه، درصدد باز گذاشتن دست چنین مجموعه‌های خلافکاری برمی‌آیند، جای تأمل فراوان داشت!

۹. ماده نه طرح تغییر: مطابق این بخش از طرح تغییر «ماده ۳۴ و تبصره آن حذف و به جای آن مادهٔ ذیل آورده می‌شد: مادهٔ ۳۴ ـ کلیهٔ جرائم مطبوعاتی باید با حضور هیأت منصفه و به طور علنی رسیدگی شود. رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، صرفاً در صلاحیت محاکم عمومی دادگستریِ مراکزِ استانی است که محل ادارهٔ نشریه در محدودهٔ آن واقع شده است.»

این ماده، با هدف جلوگیری از رسیدگی دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت به پرونده‌های مطبوعات متخلفی که مدیران آنها روحانی هستند و یا مرتکب جرائم ضدانقلابی شده‌اند، به جای ماده ۳۴ قانون مطبوعات، پیشنهاد شده است.

مادهٔ ۳۴ قانون مطبوعات می‌گوید:

«رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی، می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضائی باشد. در هر صورت، علنی بودن و حضور هیأت منصفه الزامی است.»

ملاحظه می‌شود که نکتهٔ مربوط به علنی بودن دادگاه مطبوعات و الزامی بودن حضور هیأت منصفه، در این مادهٔ قانون مطبوعات فعلی نیز وجود دارد و تفاوت مادهٔ ۳۴ پیشنهادی با مادهٔ ۳۴ موجود این است که در طرح پیشنهادی، بر روی رسیدگی به

---

۱. دادستانی انقلاب اسلامی، در اطلاعیه خود در این خصوص اعلام می‌کند: «یکی از متهمین ملی ـ مذهبی در مورد سازماندهی براندازی به روش استحالهٔ نظام، توضیح می‌دهد: با مشورت و هدایت آقای ابراهیم یزدی، رئیس گروه غیر قانونی نهضت آزادی، شرکت جامعهٔ روز تأسیس شد تا بتواند به سازماندهی مطبوعات زنجیره‌ای بپردازد. وظیفهٔ این شرکت، مدیریت و پشتیبانی مالی و اقتصادی از نشریات زنجیره‌ای بود.»
(روزنامهٔ کیهان: ۲۷ اردی‌بهشت ۸۰)

جرائم مطبوعاتی، صرفاً توسط محاکم عمومی دادگستری تأکید شده و این به معنای کوتاه کردن دست دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت از رسیدگی به آن دسته از جرائم مطبوعاتی است که به این دادگاه‌ها مربوط می‌شود. به راستی کوتاه کردن دست دادگاه‌های انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت که به فرمان حضرت امام تأسیس شده‌اند، چه هدفی جز باز گذاشتن دست ضد انقلابیون و روحانیون متخلف را دنبال می‌کند؟

۱۰. مادهٔ ده طرح تغییر: این پیشنهاد به ترکیب هیأت منصفه مربوط می‌شود و می‌گوید: «مادهٔ ۳۶ و تبصرهٔ ۱ و ۲ آن به شرح ذیل اصلاح گردید: مادهٔ ۳۶ ـ هر دو سال یک بار در مهر ماه، چهارده عضو هیأت منصفه مطبوعات در تهران، با اکثریت آرای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس کل دادگستری استان تهران و رئیس شورای شهر تهران و در مراکز استان‌ها با اکثریت آرای مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کل دادگستری استان و رئیس شورای شهر مرکز استان، انتخاب می‌شوند. مسئولیت دعوت از انتخاب کنندگان اعضای هیأت منصفه را در تهران، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و در مرکز استان‌ها مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بر عهده دارد.

تبصرهٔ ۱ ـ در صورتی که به هر علت اعضای هیأت منصفه به ۱۰ نفر نرسد، اعضای انتخاب کننده هیأت منصفه موظفند، ظرف دو هفته تشکیل جلسه دهند و اعضای هیأت منصفه را تکمیل کنند.

تبصرهٔ ۲ ـ اولین دورهٔ هیأت منصفه موضوع این قانون، حداکثر تا مدت ۱۰ روز از تاریخِ لازم الاجرا شدن این قانون، در کلیهٔ استان‌ها تشکیل شده و دورهٔ آن تا مهرماه سال ۱۳۸۱ خواهد بود.»

تفاوت این مادهٔ پیشنهادی با اصل مادهٔ ۳۶ قانون مطبوعات این است که اولاً: در مورد انتخاب کنندگان هیأت منصفه، رئیس سازمان تبلیغات و رئیس شورای سیاستگزاری ائمه جمعه (در مراکز استان‌ها امام جمعهٔ مرکز استان یا نمایندهٔ وی) حذف شده و به سه نفر باقی مانده اکتفا شده است!

ثانیاً: تعداد اعضای هیأت منصفه، طبق قانون مطبوعات، در تهران و مراکز استان‌ها ۲۱ نفر می‌باشد، ولی در طرح تغییر، ۱۴ نفر برای تهران و مراکز استان‌ها پیشنهاد شده است.

ثالثاً: در قانون مطبوعات ترکیب اعضای هیأت منصفه، از تنوع و جامعیت قابل توجهی برخوردار است؛ در حالی که در طرح تغییر، اصولاً به این موضوع توجه نشده است. ذیل مادهٔ ۳۶ قانون مطبوعات در این زمینه می‌گوید:

«هیأت مذکور (هیأت انتخاب کننده)، در تهران ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی (روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضای هیأت منصفه انتخاب می‌کند.»

همان طور که ملاحظه می‌شود، قانون مطبوعات در این زمینه، دارای جامعیت و تنوع قابل ملاحظه‌ای است که مادهٔ پیشنهادی طرح تغییر، فاقد آن است. موجب شگفتی بسیار است که برخی از نمایندگان، مدعی مشارکت مردم در کارها هستند و همواره از ضرورت و تنوع و تکثر سخن می‌گویند، امّا به جای آن‌که مبتکر تنوع در ترکیب اعضای هیأت منصفه و هیأت انتخاب کنندهٔ آن باشند، برای محدود کردن آن و از بین بردن تنوع آن، تلاش می‌کنند!

مهم‌تر آن‌که در طرح تغییر، در خصوص دعوت از اعضای هیأت انتخاب کننده هیأت منصفه، در صورتی که اعضای هیأت منصفه به ۱۰ نفر نرسد، هیچ کس برای دعوت از اعضای هیأت، در نظر گرفته نشده! در حالی که در قانون مطبوعات، این وظیفه بر عهدهٔ رئیس کل دادگستری گذاشته شده است. اگر تهیه کنندگان طرح تغییر، با انجام این کار توسط رئیس کل دادگستری موافق نبودند، لااقل شخص دیگری را به جای وی مشخص می‌کردند. آنچه در تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۳۶ قانون مطبوعات آمده، چاره‌جویی در شرایط شانه خالی کردن وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از انجام وظیفهٔ

قانونی «تشکیل جلسهٔ هیأت انتخاب کننده اعضای هیأت منصفه» است؛ امّا در صورتی که وزیر به موقع به وظیفهٔ خود در این زمینه عمل کند، اصولاً نیازی به اقدام رئیس کل دادگستری نیست.

در طرح تغییر برای این مشکل فکری نشده و هیچ کس برای اقدام به تشکیل جلسه در نظر گرفته نشده. بنا بر این به نظر می‌رسد، نوعی تعمّد برای اشکال تراشی بر سر راه تشکیل هیأت منصفه در کار بوده است.

۱۱. مادهٔ یازده طرح تغییر: این ماده حاوی پیشنهاداتی است که آشکارا دخالت دادن دستگاه اجرایی در وظایف دادگستری و دستگاه قضائی محسوب می‌شود. در این ماده پیشنهاد شده است که مادهٔ ۳۸ قانون مطبوعات و تبصره‌های ۱ و ۲ و ۳ آن حذف شوند و به جای آنها این ماده و تبصره‌های ذیل آن طوری تغییر می‌کنند که اولاً: وزیر ارشاد، عهده‌دار ابلاغ مراتب انتخاب اعضای هیأت منصفه به انتخاب شدگان می‌شود.

ثانیاً: دبیرخانهٔ هیأت منصفه با بودجه و امکانات شورای شهر تشکیل می‌شود و زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه می‌کند! این‌که دبیرخانه زیر نظر هیأت منصفه اداره می‌شود، همان رویه سابقه است؛ ولی این‌که دبیرخانه با بودجهٔ شورای شهر اداره شود، چیزی است که در هیچ دوره‌ای از فعالیت هیأت منصفه سابقه نداشته و اصولاً خلاف منطق است و دخالت در کار دستگاه قضائی محسوب می‌شود. زیرا اعضای هیأت منصفه به دلیل ماهیت کاری که بر عهده دارند، بخشی از دادگاه محسوب می‌شوند و طبیعی است که ابلاغ آنها توسط دادگستری صادر شود و دبیرخانهٔ آنها نیز در دادگاه مستقر باشد. این رویه‌ای بود که در گذشته نیز جریان داشت و ایجاد تغییر در آن، به شکلی که در طرح تغییر پیشنهاد شده، کاملاً شبهه ناک و مداخله جویانه است. تبصرهٔ ۳ مادهٔ ۳۸ قانون مطبوعات می‌گوید:

«دبیرخانهٔ هیأت منصفه، با بودجه و امکانات قوهٔ قضائیه تشکیل و زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه می‌نماید.»

۱۲. دوازدهمین مورد از اصلاحیه: این مورد در واقع تغییراتی است که تهیه کنندگان

طرح تغییر، در ماده ۴۳ قانون مطبوعات به وجود آورده‌اند. این ماده، مربوط به وظایف هیأت منصفه است که دربارهٔ بزه‌کار بودن یا نبودن متهم و در صورت بزه‌کار بودن، داشتن یا نداشتن استحقاق تخفیف، نظر می‌دهند.

تهیه کنندگان طرح تغییر، قبل از هر چیز، یک تبصره به آن اضافه کرده و مقرر داشته‌اند که اگر اکثریت اعضای هیأت منصفه به نظری نرسند و آرا برابر باشد، «هیأت منصفه موظف است، در مورد پرسش اول (آیا متهم بزه‌کار است یا نه؟) رأی به برائت بدهد و در مورد پرسش دوم (در صورت بزه‌کاری، آیا مستحق تخفیف است یا نـه؟) رأی بر استحقاق مجرم به تخفیف در مجازات دهد ...».

روشن است که این پیشنهاد با هیچ یک از ضوابط منطبق نیست. در هیچ جمعی سابقه ندارد، وقتی آرا مساوی بود، این تساوی، رأی به برائت تلقی شود و یا رأی به تخفیف مجرم محسوب گردد! معمول این است که رأی‌گیری تکرار و یا راه‌کار دیگری از قبیل قرعه اندیشیده می‌شود. پیشنهاد برائت و تخفیف در اینجا، مفهومی جز تلاش جهت پیدا کردن راه فرار، برای متهم و متخلّف ندارد.

همچنین تبصره‌های ۲ و ۳ مادهٔ ۴۳ طرح تغییر، حاوی نکاتی هستند که در واقع، خنثی کردن مفاد تبصره‌های ۱ و ۲ مادهٔ ۴۳ قانون مطبوعات را بر عهده دارند. متن تبصره‌های ۲ و ۳ این ماده در طرح تغییر چنین است:

« تبصرهٔ ۲ ـ هرگاه رأی هیأت منصفه بر مجرمیت متهم باشد، تطبیق عمل انتسابی با قانون و تعیین میزان مجازات با رعایت نوع پاسخ هیأت منصفه به پرسش دوم، بر عهدهٔ رئیس دادگاه است.

تبصرهٔ ۳ ـ اگر هیأت منصفه، متهم را مجرم نشناخت، دادگاه باید حکم بـر بـرائت متهم صادر کند.»

در این زمینه، تبصره‌های ۱ و ۲ مادهٔ ۴۳ قانون مطبوعات، چنین می‌گوید:

«تبصرهٔ ۱ ـ پس از اعلام نظر هیأت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم، اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

تبصرهٔ ۲ ـ در صورتی که تصمیم هیأت منصفه بر بزه‌کاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی، رأی بر برائت صادر کند.»

همان‌طور که از مقایسهٔ این دو متن مشخص می‌شود، تفاوت در این است که قانون مطبوعات، جایگاه هیأت منصفه را جایگاه مشورت می‌داند، نه قضاوت. به همین جهت، تصمیم‌گیری دربارهٔ مجرم بودن یا نبودن متهم را بر عهدهٔ دادگاه گذاشته است؛ در حالی که طرح تغییر، جایگاه هیأت منصفه را جایگاه قضاوت می‌داند و دادگاه را ملزم به صدور رأی، طبق نظر هیأت منصفه می‌کند و برای قاضی، فقط این حق را قائل است که در صورت مجرم تشخیص داده شدن متهم توسط هیأت منصفه، عمل انتسابی را با قانون تطبیق دهد و میزان مجازات را با توجه به این‌که متهم از نظر هیأت منصفه مستحق تخفیف است یا نه، مشخص نماید.

این نکته تفاوت بسیار مهمی است که به مبنای فقهی برمی‌گردد. قانون مطبوعات تا قبل از اصلاحیهٔ ۳۰ فروردین ۱۳۷۹ نیز در تشخیص بزه‌کاری یا برائت، رأی هیأت منصفه را اصل و قاضی را در این زمینه تابع هیأت منصفه می‌دانست، لکن از نظر فقهی آنچه در قانون مطبوعات فعلی وجود دارد، صحیح است. یعنی قاضی باید در تشخیص مستقل باشد و هیأت منصفه باید نقش مشاور را برای دادگاه ایفا نماید. اگر به پیشنهادی که در طرح تغییر آمده عمل شود و این ماده به وضعیت قبل از اصلاح قانون مطبوعات برگردد، قاضی عملاً جایگاه خود را از دست می‌دهد و صرفاً وظیفهٔ منشی دادگاه را بر عهده می‌گیرد و قضاوت بر عهدهٔ اعضای هیأت منصفه قرار می‌گیرد، در حالی که اولاً: هیأت منصفه، قاضی نیست و ثانیاً: قضاوت با رأی‌گیری و تابع اکثریت و اقلیت بودن آرا که محصول تعدد رأی دهندگان است، سازگاری ندارد.

و ثالثاً: در وضعیتی که قاضی تابع رأی هیأت منصفه باشد، تکلیف مسئولیت قضاوت و رأی صادره مشخص نیست. به عبارت دیگر، معلوم نیست آیا قاضی و دادگاه مسئول حکم صادره هستند یا هیأت منصفه؟

واقعیت این است که آنچه اکنون از رهگذر اصلاح قانون مطبوعات در خصوص نفوذ آرای هیأت منصفه مقرر شده است، با موازین فقهی انطباق دارد و تغییر آن، طبق

آنچه در طرح تغییر پیشنهاد شده، مغایر موازین فقهی است.

۱۳. سیزدهمین مورد در طرح تغییر: تهیه کنندگان طرح تغییر، در مورد نقش هیأت منصفه و روابط آن با دادگاه، مرتکب اقدامات غیر قابل قبول دیگری نیز شده‌اند. یکی از این اقدامات، حذف تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۴۳ است، در حالی که این تبصره، دارای مفادی کاملاً منطبق با رویّه قضایی است و وجهی برای حذف آن وجود ندارد. متن تبصرهٔ ۴ قانون مطبوعات چنین است:

«حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست.»

تهیه کنندگان طرح تغییر، به جای تبصرهٔ ۴، تبصرهٔ دیگری را پیشنهاد کرده‌اند که در بطن خود، حاوی دوگانگی شدیدی است و چنین پیشنهادی جای تعجب فراوان دارد. متن تبصرهٔ ۴ طرح تغییر این است:

«تصمیم هیأت منصفهٔ محاکمه، قابل اعتراض و نقض در دیوان عالی کشور یا سایر مراجع تجدید نظر نیست. اعتراض به رأی دادگاه در خصوص نحوهٔ تطبیق جرم انتسابی با قانون و تعیین مجازات با رعایت سایر قوانین، مسموع است.»

همان طور که ملاحظه می‌شود، در این تبصره از نظر تهیه کنندگان طرح تغییر، تصمیم هیأت منصفه ـ که نه قاضی است و نه مسئولیتی در قبال حکم دادگاه بر عهده دارد ـ قابل اعتراض و نقض، در هیچ یک از مراجع ذی صلاح ـ از دیوان عالی کشور گرفته تا سایر مراجع قانونی ـ نیست، ولی حکم قاضی که مسئولیت قضاوت را بر عهده دارد، قابل اعتراض دانسته شده است! با اندک تأمل در محتوای این تبصره، بوی تند موضعگیری سیاسی از آن به مشام می‌رسید، همان طور سایر قسمت‌های طرح تغییر نیز کاملاً تحت تأثیر نگاه سیاسی قرار داشت و اصولاً این طرح، یک طرح کاملاً سیاسی است، نه مطبوعاتی و قضائی.[1]

علاوه بر تمام این موارد، تهیه کنندگان طرح تغییر قانون مطبوعات، به هنگام تقدیم این طرح، در نامه‌ای که به ریاست مجلس نوشته‌اند، ضمن تأکید بر عدم

---

۱. نگاه کنید به پاورقی صفحهٔ ۲۱۱ در همین کتاب.

هماهنگی قانون مطبوعات مصوب ۳۰ فروردین ۱۳۷۹ با «نیازهای عمومی و مصالح نظام جمهوری اسلامی» اضافه کرده‌اند: «لذا به منظور ایجاد زمینهٔ مناسب برای انتظام امور مطبوعاتی و تکمیل مقررات قانونی راجع به مطبوعات، با مشارکت فعال جامعهٔ مطبوعات کشور، این طرح با یک فوریت پیشنهاد می‌شود».

در این مقدمه، دو نکته خلاف واقع وجود دارد: اول آن‌که هرچند ممکن است قانون مطبوعات فعلی ـ حتی با اصلاحی که شده است ـ نتواند همهٔ نیازهای قانونی در زمینهٔ مطبوعاتی را برآورده کند، امّا قطعاً با مصالح نظام جمهوری اسلامی ناهماهنگ نیست و دیگر این‌که علی رغم آن‌که تهیه کنندگان طرح تغییر قانون مطبوعات، از بخش قابل توجهی از روزنامه‌نگاران قدیمی کشور برای تهیهٔ این طرح نظرخواهی نکرده‌اند، در نامهٔ خود سخن از «مشارکت فعال جامعهٔ مطبوعات کشور» به میان آورده‌اند! اگر بخواهیم نگاه توجیه‌گرانه‌ای به این قسمت از مدعای تهیه‌کنندگان طرح داشته باشیم، باید بگوئیم مقصود این است که آنان برای تهیهٔ این طرح، از دست‌اندرکاران مطبوعات توقیف شده‌ای که هر کدام از آنها ظرف مدت چند ماه فعالیت خود، مرتکب ده‌ها اقدام خلاف قانون شده‌اند، نظر خواسته و با کمک و مشارکت فعال آنها این طرح را تهیه کرده‌اند. در این صورت، طبیعی است که چنین طرحی، همان طور که رهبر معظم انقلاب در نامهٔ خود به نمایندگان مجلس تصریح فرموده‌اند و در این بخش نیز مستدلاً تشریح شد، دچار مشکلاتی از قبیل عدم انطباق با شرع و مصالح کشور باشد.

اولین هشدار رهبری

متأسفانه علی رغم تمام تذکرات دلسوزانه‌ای که از جانب دوستان انقلاب عنوان می‌شد، طرح تغییر قانون مطبوعات که با استقبال رادیوهای خارجی و مفسران آنان روبرو شده بود، به شکلی عجولانه در کمیسیون فرهنگی مطرح شد. با دامن زدن این بحث توسط برخی از نمایندگان همسو با یک حزب خاص در مطبوعات و استقبال رادیوهای خارجی، رهبر معظم انقلاب که بر اساس معیارهای شرعی تصریح شده در

اصل‌های ۵، ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی[1] وظیفهٔ پاسداری از نظام را بر عهده داشت، با در خطر دیدن کیان انقلاب، ابتدا با ارسال پیغامی به نمایندگان مجلس از آنان خواست که در نتایج طرح خود تأمل کنند.

لازم به ذکر است که پیش از این پیام و قبل از آغاز به کار مجلس ششم، رهبر هوشیار انقلاب در دیدار شخصیت‌های برجستهٔ جبههٔ دوم خرداد[2] با ایشان، ضمن اشاره به اشکالات جدی و استراتژیک این جبهه در جذب نیروهای سیاسی، خطاب به آنان فرموده بودند:

«روشی که برخی از دوستان در برابر جریان منحرف اتخاذ کرده‌اند، غلط و ناکارآمد است و عملاً امکان سوء استفاده از مطبوعات را برای مخالفان نظام پدید می‌آورد. بنابراین، لازم است در این روش بازنگری صورت گیرد.»

رهبر فرزانه انقلاب، همچنین با اشاره به لزوم جدایی گروه‌های انقلابی از جریان برانداز فرمودند:

«همهٔ شما معتقد به اسلام و انقلاب و امام هستید، ولی در داخل کشور کسانی هستند که همچون آمریکا با این اصول دشمن می‌ورزند و مهم این است که در برابر این مخالفت‌ها و دشمنی‌ها به طور شفاف و روشن موضعگیری شود. امّا موضع برخی از دوستان و مجموعه‌های سیاسی در این زمینه، به قدری نامحسوس است که اگر کسی به این مواضع اعتقاد یافت، احساس می‌کند، می‌تواند به ضدانقلاب نیز نوعی دلبستگی داشته باشد.»[3]

متأسفانه تذکر دلسوزانهٔ رهبر معظم انقلاب در برخی از این شخصیت‌ها مؤثر واقع نشد و همان طور که اشاره شد، مجدداً پس از طرح بحث تغییر قانون مطبوعات،

---

۱. مطابق این اصول، در زمان غیبت امام عصر(عج) ولایت امر و امامت امت بر عهدهٔ رهبر است که وی موظف است بر اعمال قوای سه‌گانه نظارت کند و سیاست کلی نظام را برای آنها تبیین و بر حسن اجرای این سیاست‌ها نظارت نماید.

۲. شرکت کنندگان در این جلسه عبارت بودند از آقایان: مهدی کروبی، مجید انصاری، سید هادی خامنه‌ای، بهزاد نبوی، سید محمد رضا خاتمی، محمد سلامتی و محمد علی نجفی.

۳. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۸ اردی‌بهشت ۷۹، ص ۲.

۷۹/۲/۸

رهبر معظم انقلاب در دیدار نمایندگان جبهه دوم خرداد

جریانهای انقلابی نباید سکوت کنند

زیر پوشش اصلاحات به راه امام و قانون اساسی تعرض می کنند

◆ زمینه‌سازی و ایجاد آشوب در محیطهای دانشگاهی به ضرر کشور تمام می‌شود. کسانی که بدنبال این گونه کارها هستند خود را به شما منتسب می کنند
◆ می‌خواستند کنفرانس برلین را به جلسه محاکمه انقلاب و نظام اسلامی تبدیل کنند
◆ باید با حفظ اصول و مبانی با یکدیگر رقابت و مباحثه کنید
◆ کارگزاران و مسئولان باید به دنبال اصلاح وضع اقتصادی مردم باشند
◆ جریان منحرف مطبوعات با گریز از مشکلات اصلی مردم غوغا به راه می اندازد

صفحه ۲

کیهان
۷۹/۲/۸

رهبر انقلاب در دیدار نمایندگان گروههای جبهه دوم خرداد:

شخصیتها و گروههای وفادار به اسلام مرز خود را با ضدانقلاب مشخص کنند

علما و مراجع مردم را به وحدت در مقابل توطئه های فرهنگی و سیاسی فراخواندند

رهبر انقلاب خطاب به فرزند یک شهید:

سلام مرا به پدرت برسان!

گزارش کیهان درباره آثار سوء

جمهوری اسلامی
۷۹/۲/۸

رهبر انقلاب در دیدار سران جبهه دوم خرداد

مرزهای خود را با ضدانقلاب مشخص کنید

امروز دستمایه اصل انقلاب را نشانه رفته است

رهبر انقلاب پیامی را خطاب به این افراد ارسال نمودند. از پیام رهبر انقلاب خبر صریحی در مطبوعات درج نشد! تنها دو تن از نمایندگان مجلس، پس از خروج طرح از دستور، در مصاحبه‌ای آن را چنین عنوان کردند:

«پیش از نامهٔ رهبر به مجلس در مورد اصلاح قانون مطبوعات، ایشان پیغام دادند که صبر کنید قانون فعلی چند ماهی اجرا شود تا اشکالاتش برطرف شود.»[۱]

حال اگر بپذیریم که محتوای پیام رهبر انقلاب چنین بوده، لازم است طراحان و مدافعان این طرح به چند پرسش مهم پاسخ دهند:

اولاً: به چه دلیل وقتی پیام رهبر انقلاب وصول شد، محتوای آن به اطلاع دیگر نمایندگان مجلس و مردم کشورمان نرسید؟

ثانیاً: چرا مدعیان خردگرایی، به نکته‌ای که هر قانونگزار مدبّری آن را می‌پذیرد، توجه نکردند و در حالی که کشور از فقدان قوانین مختلف رنج می‌برد، بی‌صبرانه به فکر تغییر قانونی افتادند که اجرای آن دشمنان نظام اسلامی را رنج می‌داد؟

ثالثاً: بر اساس اصل ۵ قانون اساسی، در زمان غیبت امام عصر (عج) ولایت امر و امامت امت بر عهدهٔ ولی فقیه است. به همین دلیل، مطابق اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه‌گانه کشور (مقننه، قضائیه، مجریه) زیر نظر ولایت مطلقهٔ فقیه عمل می‌کنند و همچنین مطابق اصل ۱۱۰ این قانون، سیاست‌های کلی نظام توسط این جایگاه (رهبری نظام) تعیین می‌شود.

بر همین اساس نیز، مقام معظم رهبری در بند ۱، ۲ و ۳ پیام خود به مناسبت افتتاح مجلس ششم، از مجلس شورای اسلامی خواستند تا «در قلمرو قانون، با شناخت فوریت‌ها و اولویت‌ها به گشودن گره‌های مردم مستضعف و رنج دیده اقدام نمایند.»[۲]

---

۱ . روزنامهٔ ایران : ۱۷ مرداد ۷۹، به نقل از شکوری راد . همچنین مشابه همین سخنان را بهزاد نبوی، نائب رئیس مجلس نیز چند ماه بعد (روزنامهٔ حیات نو : ۱۰ اسفند ۷۹) نقل کرد .

۲ . روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۸ خرداد ۷۹، ص ۱۴ . متن کامل پیام رهبر انقلاب، در بخش پنجم،

علاوه بر این دستور کتبی، رهبر انقلاب مجدداً در دیدار با نمایندگان مجلس ششم با اشاره به سیاست کاری مجلس، بر وظیفهٔ اصلی قوهٔ مقننه چنین تأکید ورزیدند:

«اهتمام واقعی مجلس به کرامت و شخصیت انسان، این است که مسأله معیشت مردم و حل مشکلات اقتصادی را در اولویت نخست قرار دهد، تا هیچ کس از فقر و معضلات اقتصادی، دچار حقارت و تبعیض نشود.»[1]

حال سؤال این است که با توجه به این تأکیدات صریح رهبر انقلاب که نه تنها بر اساس اصول قانون اساسی، بلکه با توجه به مشکلات عدیدهٔ مردم و جامعه، تبعیت از آن وظیفهٔ مجلس بود، به چه دلیل این چند نمایندهٔ مجلس، قسم شرعی خود را در پاسداشت از قانون اساسی فراموش کردند و منافع حزبی را بر منافع کشور و نظام مقدم ساختند؟!

ادامهٔ جوسازی و غوغاسالاری

متأسفانه برخلاف تمامی این تأکیدات، برخی از نمایندگان بدون توجه به مشکلات و انتظارات واقعی مردم، همچنان بر مطالبات سیاسی و منافع حزبی خود اصرار می‌ورزیدند و این چنین بود که زمزمه‌های تغییر قانون مطبوعات آغاز شد. یکی از چهره‌های مشهور مجلس در اولین قدم اعلام کرد:

«اکنون، مهم‌ترین "مسأله سیاسی ما" که می‌تواند خیلی راحت برطرف شود، محدودیت‌های بسیار شدیدی(!) است که برای مطبوعات به وجود آمده است. ما درصدد هستیم در اولین قدم‌هایمان، محدودیت‌های "شبه قانونی، قانونی و غیرقانونی مطبوعات" را برداریم(!)»[2]

☞

صفحهٔ ۳۶۷ آمده است.

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۳۰ خرداد ۷۹، ص ۳. متن کامل سخنان رهبر انقلاب در بخش پنجم، صفحهٔ ۳۷۲ آمده است.

۲. روزنامهٔ بهار: ۲۳ خرداد ۷۹، ص ۱، محمد رضا خاتمی.

وی در حالی این چنین به مصوبات قبلی مجلس بی‌احترامی می‌کرد که به اعتراف شخصیت‌های دیگر این جریان سیاسی، مهم‌ترین مشکلات مردم عبارت بودند از فقر، بیکاری، تورم، اعتیاد، فسادهای اجتماعی و ... .

نمایندگان افراطی و تندرو، چنان از راه یافتن به مجلس سرمست بودند که همه چیز را تمام شده می‌دیدند! آنها در همان حال که وزیر امور خارجهٔ آمریکا و رادیوهای خارجی از تغییر و حذف برخی از بندهای مهم قانون مطبوعات اظهار رضایت می‌کردند، ناباورانه برای حذف این موارد می‌کوشیدند! و به تصور این‌که اکثریت نمایندگان مجلس تابع محض تصمیمات آنان هستند، همه چیز را تمام شده می‌پنداشتند! یکی از نمایندگان در این خصوص به خبرنگار روزنامهٔ «بهار» گفت:

«با فضایی که در مجلس وجود دارد و پس از بررسی پیشنهادهای مختلف در کمیسیون فرهنگی، طرح اصلاح قانون مطبوعات بدون مشکل به تصویب نمایندگان می‌رسد.»[۱]

حتی نمایندهٔ دیگری، تصویب این طرح را تنها راه مجلس ششم دانست! و اعلام کرد که مجلس به هیچ وجه نمی‌تواند از آن عقب نشینی کند:

«من فکر می‌کنم، مجلس هیچ راهی جز طرح این اصلاحیه و الغای اصلاحیهٔ گذشتهٔ قانون مطبوعات که در روزهای آخر مجلس پنجم به تصویب رسید، ندارد. این اصلاحیه، از اولویات وظایف مجلس ششم شمرده شده است و از مسائلی نیست که مجلس بتواند از آن صرف نظر کند یا در تصویب آن عقب‌نشینی کند.»[۲]

وی پیش از این نیز، اکثریت مجلس ششم را ـ به زعم خود ـ این چنین توصیف کرده بود:

«اکثریت مجلس ششم، رها از قیودی هستند که مانع پیشبرد اصلاحات خواهد بود... مجلس ششم ماهیتاً به گونه‌ای است که اگر مانع یا قدرت بزرگی بر سر راه خود

---

۱. روزنامهٔ بهار: ۱۶ مرداد ۷۹، ص ۳، علی مزروعی.

۲. همان: انصاری راد.

امروز
۷۹/۱/۳۰

دکتر مهاجرانی:

مجلس ششم زیر بار تحدید آزادی مطبوعات نخواهد رفت

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: جهت و روی کمیسیون طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی به سمت محدود کردن مطبوعات است.

عطاءالله مهاجرانی دیروز در پاسخ به سؤال خبرگزاری جمهوری اسلامی درباره مصوبات دیروز مجلس افزود: توهمی که از قبل بود اینک تبدیل به یک واقعیت شد و عملاً به طرف محدود شدن مطبوعات پیش رفت به ویژه در مواردی مثل مسؤول شناخته شدن بستگان یا اشخاص دیگری

... که در مجلس تصویب شد. وی در جمع خبرنگاران پارلمانی خاطرنشان کرد: گمان می‌کنم که این امر می‌تواند امور مخاطره‌آمیزی باشد که انشاءالله با حسن تدبیر می‌توان جبران کرد. مهاجرانی در این باره اظهار داشت: به نظر من هیچ قانون ابدی نیست و بالاخره این قانون در آخرین جلسات و روزهای مجلس پنجم تصویب می‌شود. وی با بیان اینکه ما در مجلس ششم شاهد حضور نمایندگان ...

مطبوعات به شکل جدی هستیم افزود: من گمان می‌کنم نمایندگان مجلس ششم نسبت به اصلاح مواردی که ممکن است در این اصلاحیه در جهت تحدید حقوق و آزادی مطبوعات باشد اقدام خواهند کرد.

وزیر ارشاد در پاسخ به این سؤال که چرا پیشنهادات نمایندگان در ... این طرح رأی ... گویا اکثریت ... مختلف این ...

اکثریت مجلس ششم اما، ثابت کرد که تسلیم زیاده طلبی و منفعت جویی احزاب نیست.

آریا ۷۹/۵/۳

دکتر مهاجرانی:

باید تا تشکیل مجلس ششم دندان روی جگر بگذاریم

محمد رضا خاتمی (دبیر سیاسی حزب مشارکت):

اکنون مهمترین "مسئله سیاسی ما " که می تواند خیلی راحت برطرف شود محدودیت‌های بسیار شدیدی (!) است که برای مطبوعات بوجود آمده است. ما در صدد هستیم در اولین قدمهایمان، محدودیت‌های شبهه قانونی، قانونی و غیر قانونی مطبوعات را برداریم (!)

۷۹/۱/۲۳

مجلس ششم تسلیم توصیه‌ها و فشارهای غیرقانونی نمی‌شود

(ده روز قبل از مطرح شدن طرح تغییر قانون مطبوعات):

محمد باقر ذاکری، عضو فراکسیون دوم خرداد

آنچه مسلم است این واقعیت است که مجلس وظایف، محدودیت و اختیاراتی دارد که اگر پا را از آن فراتر بگذارد طبیعی است که با واکنش‌های بیرونی مواجه شود و اساسا معنی امر به معروف و نهی از منکر هم همین است.

نبیند، یقیناً مجلسی متفاوت با ادوار گذشته خواهد بود... مجلس ششم توصیه‌پذیر نیست(!)»[1]

برخوردهای قیم‌مآبانهٔ چند نماینده با کلیت مجلس شورای اسلامی، نه تنها به استقلال دیگر نمایندگان خدشه وارد می‌ساخت، بلکه شأن خانهٔ ملت را از یک مجموعهٔ ملی به یک مجموعهٔ حزبی تنزل می‌داد. امّا آیا واقعیت امر نیز این‌گونه بود؟

به یقین این چنین نبود، شاید جمع قابل توجهی از نمایندگان مجلس نسبت به تغییر قانون مطبوعات نظر مثبتی داشتند، امّا این همراهی تا آن‌جا بود که مصالح کشور اسلامی در حاشیهٔ مصالح حزبی قرار نگیرد.

یکی از نمایندگان معتدل مجلس و از اعضای فراکسیون جبههٔ دوم خرداد (اکثریت) در همان ایام با اشاره به همین نکته می‌گوید:

«آنچه مسلم است، این واقعیت است که مجلس، وظایف، محدودیت و اختیاراتی دارد که اگر پا را از آن فراتر بگذارد، طبیعی است که با واکنش‌های بیرونی مواجه شود و اساساً معنی امر به معروف و نهی از منکر هم همین است.»[2]

آقای مجید انصاری، یکی دیگر از نمایندگان با سابقه و فعال فراکسیون دوم خرداد (اکثریت) نیز از جمله نمایندگانی بود که نسبت به این حرکت عجولانه، غیر کارشناسانه و حزبی اعتراض داشت . وی حتی پیشنهادی را دربارهٔ اصلاحیهٔ قانون مطبوعات به کمیسیون فرهنگی تسلیم کرده بود که متأسفانه علی‌رغم تصویب آن، مورد توجه قرار نگرفت!

وی پس از خروج طرح از دستور کار نمایندگان، وقتی مورد اعتراض برخی از روزنامه‌ها قرار گرفت، در پاسخ به آنها نوشت:

«من با توجه به اهمیت قانون مطبوعات، معتقد بوده و هستم که باید با مشارکت دولت و مجلس و صاحب نظران مطبوعات کشور، اصلاحات کامل و جامع در این

---

۱ . روزنامهٔ بهار : ۴ مرداد ۷۹، ص ۳.

۲ . همان : ص ۳، محمد باقر ذاکری.

قانون به عمل آید و به همین جهت در اصلاح قانون مطبوعات، پیشنهادی به کمیسیون فرهنگی ارائه دادم تا ضمن گذر از مشکل فعلی، فرصت لازم برای تهیهٔ قانون جامع فراهم شود. با این‌که این پیشنهاد تصویب شده بود، امّا کمیسیون، اصلاحات دیگری را انجام داد و متأسفانه علی‌رغم زحمت چندین هفته‌ای مجلس و کمیسیون، نهایتاً موضوع از دستور خارج شد. آنچه اتفاق افتاد، تأیید دیدگاه من بود که نباید با موضوعاتی از این دست، به صورت فوریت اقدام کرد.»[۱]

متأسفانه پاسخی که در برابر این موضعگیری‌های واقع بینانه ارائه می‌شد، تهدید و غوغاسالاری بود! به طوری که رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس خطاب به همکاران خود گفت که چنانچه به این طرح پیشنهادی رأی ندهند، باید به مردم بگویند که اشتباه به مجلس آمده‌اند![۲]

اندک اندک، سخنان جنجالی نیز در درشت‌ترین تیترها پا به میدان نهادند: «دیدگاه حکومت نسبت به روزنامه‌نگاران باید اصلاح شود»[۳]، «یک روز مهم برای مجلس اصلاحات»[۴]، «هیچ‌گونه مانعی برای اصلاح قانون مطبوعات نیست»[۵]، و ... این تیترهای جنجالی در حالی در مطبوعات کشورمان نقش می‌بست که گزارش‌های مغرضانهٔ خبری خبرنگاران بیگانه نیز، بدون هیچ‌گونه تحلیلی، در آنها درج می‌شد.[۶]

---

۱. روزنامهٔ حیات نو: ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲. روزنامهٔ بهار: ۱۵ مرداد ۷۹، ص ۲. جملهٔ آقای پورنجاتی که به عنوان سوتیتر این روزنامه نیز انتخاب شده بود، چنین است: «اگر قرار باشد مجلس تسلیم خواست جریان اقلیت شود، بهتر است نمایندگان ششم با مردم صحبت کنند و بگویند ما اصلاً اشتباه آمده‌ایم.»

۳. روزنامهٔ بهار: ۱۶ مرداد ۷۹، ص ۱.

۴. همان.

۵. روزنامهٔ ایران: ۱۶ مرداد ۷۹، ص ۱.

۶. به عنوان نمونه، روزنامهٔ ایران به نقل از یک گزارشگر آمریکایی مقیم ایران چنین نوشت: «یک گزارشگر آمریکایی در تهران رسیدگی به قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی ایران را به عنوان نخستین آزمون عزم اصلاح‌طلبان در مقابل کسانی که از آنان، به عنوان روحانیون تندرو یاد شده، ارزیابی می‌کند.

"بن باربر" گزارشگر روزنامهٔ واشنگتن تایمز، در مقالهٔ مبسوطی که در صفحهٔ اول شمارهٔ روز جمعه این روزنامه درج گردیده است، به این موضوع نیز توجه می‌دهد که قانونگذاران ایران، در حالی به حراست از قانون آزادی

رادیوهای خارجی چون رادیو کلن، بی. بی. سی، آمریکا و اسرائیل نیز به حمایت از طرح مجلس ششم برنامه پخش می‌کردند. رادیو کلن در این رابطه می‌گفت:

«اصلاح‌طلبان با اکثریت آرای خود می‌توانند قوانین محدود کننده را تغییر دهند و مقررات جدید و متکی بر آزادی را بر کرسی بنشانند. انتقاد صریح و شدیداللحن نمایندگان از قانون مطبوعات و دخالت سازمان‌های قضایی در کار مطبوعات، سرآغاز این نقشه و هدف محسوب می‌شود.»[1]

گزارشگر رادیو بی. بی. سی نیز در حمایت از این اقدام، چنین گفت:

«در حال حاضر در جمهوری اسلامی، آیندهٔ مطبوعات ایران مصداق مبارزهٔ قدرت شده است. در جمهوری اسلامی برای اصلاح‌طلبان، تنها وسیله یا عمده‌ترین وسیلهٔ ارتباط با مردم، مطبوعات است. این که به یکباره یک روزنامهٔ بسته شده و هیچ امنیتی برای روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران دیگر اصلاح‌طلب و مستقل وجود ندارد، نگرانی زیادی برای اصلاح‌طلبان ایجاد کرده است و آنها می‌خواهند این مسأله در مجلس حل بشود.»[2]

باور این نکته که کمیسیون فرهنگی مجلس، مدافع طرحی باشد که رادیوهای

☞

مطبوعات کمر بسته‌اند که قوهٔ قضائیه روزنامه نگارانی که "حکومت مذهبی را زیر سئوال می‌برند"، به زندان می‌افکند.

این روزنامه، با اشاره به حدود ۲۰ نشریهٔ توقیف شدهٔ از خلال ماه مارس (۱۰ اسفند ۱۳۷۸) تاکنون و زندانی شدن روزنامه‌نگاران، سردبیران و مدیران مسئول آنان، توجه می‌دهد که در ایران، عده‌ای هنوز هم در عمل، بر هر رأیی که مجلس صادر کند، دارای قدرت "وتو" می‌باشند. به نوشته باربر، قانونگذاران اصلاح‌طلب، قصد دارند روز یکشنبه، هنگامی که پارلمان با معرفی این طرح ـ که اقدامات ملایمی در حفظ آزادی مطبوعات ارائه می‌دهد ـ این قدرت را به چالش کشند (!) »

روزنامه‌نگار آمریکایی در ادامهٔ گزارش خود می‌افزاید: «با بسته شدن روزنامه‌های اصلاح‌طلب و سیستم اطلاع‌رسانی بی‌اعتبارِ تحت کنترل یک جناح حاکمیت (صدا و سیما)، بسیاری از مردم، اکنون به رادیوهای فارسی زبان از کشورهای مختلف، مانند: آمریکا، انگلستان و اسرائیل روی آورده‌اند (!) »

(روزنامهٔ ایران: ۱۶ مرداد ۷۹، ص ۱۶)

۱ . رادیو کلن : ۱ تیر ۷۹.

۲ . رادیو بی . بی . سی : ۸ تیر ۷۹.

بهار ۷۹/۵/۱۲

مجلس یکشنبه آینده طرح اصلاح قانون مطبوعات را بررسی می‌کند

تعطیلات مجلس تمام شد

امروز زنگ اصلاح قانون مطبوعات به صدا درمی‌آید

تسهیلات جدیدی برای قانون‌گذاری فراهم می‌شود

۷۹/۵/۱۶

بهار ۷۹/۵/۱۶

تصمیم فراکسیون‌های مجلس برای تصویب سریع

یک روز مهم برای مجلس اصلاحات

استقبال پرشور مردم سنندج

برای دستگاه قضایی بهتر است پرونده

بهار ۷۹/۵/۱۵

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت‌وگو با بهار:

مجلس آماده تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات است

کیهان ۷۹/۵/۱۵

اقتصاد ۷۹/۱/۳۱

روزنامه اخبار اقتصاد این کاریکاتور را درباره نمایندگان مجلس پنجم کشید، اما یکی از نمایندگان مجلس ششم با لحنی "کاملا آمرانه" و با "تهدید" از نمایندگان خواست تا با به طرح پیشنهادی رای بدهند و الا ...

گفت و شنود

قبله

گفت: چه خبر؟!

گفتم: فردا، اصلاحیه جدید قانون مطبوعات در جلسه علنی مجلس به رأی گذارده می‌شود.

گفت: مگر اصلاحیه قبلی چه عیبی داشت؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! ولی در اصلاحیه قبلی، فعالیت مطبوعاتی عوامل بیگانه و اعضای گروهک‌های تروریست ممنوع شده بود، مطبوعات از دریافت پول از کشورهای خارجی منع شده بودند، بر التزام عملی به قانون اساسی تأکید شده بود و...

گفت: پس چرا می‌خواهند این مواد را از قانون حذف کنند؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! ولی بسیاری از عوامل بدسابقه در مطبوعات زنجیره‌ای و ابلاغ‌های کار می‌کنند، و همین مطبوعات در بسیاری از موارد قانون اساسی را رعایت نمی‌کنند و اخیراً هم که معلوم شده برخی از آنها از امریکا پول گرفته‌اند و...

گفت: اگر اینطور است، چرا مجلس اصلاحیه جدید را مطرح کرده و چرا می‌خواهد این ممنوعیت‌ها را بردارد؟! مگر مخالفت با این موارد مخالفت با قانون اساسی و ارزشهای اسلامی نیست؟! چرا باید...

گفتم: البته همه نماینده‌گان که اینطوری نیستند! ... می‌گویند، چند نفر با هم به مسافرت رفته بودند، یکی از آنها که اهل نماز بود به دیگران گفت قبله از کدام طرف است؟! و آنها با تعجب گفتند، به قبله چکار داری؟!... حالا که این اتاقها در اختیار خودمان است، به هر طرف که دلت خواست نماز بخوان!!

خارجی و سردمداران آنان نیز به حمایت از آن سخن می‌گویند و برنامه پخش می‌کنند، مشکل می‌نمود! امّا متأسفانه این اتفاق در حال وقوع بود.

نکتهٔ دیگری که در آن مقطع ـ قبل از مطرح شدن اصلاحیه ـ جلب توجه می‌کرد، فشار تبلیغاتی روزنامه‌های زنجیره‌ای بر حجت الاسلام والمسلمین کروبی، رئیس مجلس شورای اسلامی بود. این فشارها در واقع به دلیل موضعگیری ایشان و مخالفت وی در زمان طرح دو فوریت اصلاحیهٔ قانون مطبوعات بود. نحوهٔ برخورد برخی از نمایندگان با رئیس مجلس در جلسهٔ روز یکشنبه و حملات پس از آن، حکایت از این موضوع داشت؛ امّا پیام‌های تلفنی روزنامهٔ «حیات نو» نیز جالب بود:

«خدمت آقای کروبی عرض کنم که این تعلل شما در مورد مسائل اساسی، آن چیزی نیست که مردم خواسته بودند، چرا که در خط اصلاحات قرار نمی‌گیرند.»

«روزنامه‌ها از قول آقای کروبی نوشتند: "انتقاد رئیس مجلس از تعدّد مراکز تصمیم‌گیری در گمرک"، به ایشان بگوئید مردم از شما انتظار دارند که در مجلس به فکر اصلاحات باشید و دربارهٔ قانون مطبوعات و زندانی‌های سیاسی تصمیم قاطع بگیرید.»[۱]

جوسازی‌های داخلی و خارجی به اندازه‌ای شد که پس از خروج طرح، اعتراض برخی از نیروهای جبههٔ اصلاح‌طلبان نیز برانگیخته شد. به عنوان نمونه غلامحسین کرباسچی، دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی و مدیر مسئول روزنامهٔ توقیف شدهٔ «هم‌میهن» پس از خروج طرح از دستور در گفت‌وگوی خود با خبرنگار روزنامهٔ «بهار» به غیر ضروری بودن این‌گونه تبلیغات و جوسازی‌ها اشاره کرد و اظهار داشت:

«با چنین تبلیغاتی، توهماتی در جامعه ایجاد شد و این سؤال را به وجود آورد که با اصلاح این طرح، چه اتفاقی در جامعه رخ خواهد داد.»[۲]

---

۱. روزنامهٔ حیات نو: ۱۶ مرداد ۷۹، ص ۳. روزنامهٔ بهار نیز در ۱۵ مرداد ۷۹ سرمقالهٔ خود را به انتقاد از آقای خاتمی اختصاص داد که چرا با مطبوعات مصاحبه نمی‌کند و آنان را مورد حمایت خود قرار نمی‌دهد. روزنامهٔ بهار قصد داشت با تحریک رئیس جمهور از حضور وی در این میدان استفاده کند!

۲. روزنامهٔ بهار: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۳.

دست نوشتهٔ ولی فقیه، پایان داستان غم‌انگیز

پس از اصرار چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و کشاندن طرح تغییر قانون مطبوعات به صحن علنی مجلس در روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۷۹، از آن‌جا که این طرح با اشکالات اساسی همراه بود و همچنین رضایت دشمنان نظام اسلامی و نگرانی دلسوزان انقلاب و مردم شهید پرور و حتی مراجع عظام تقلید را به دنبال داشت، مقام معظم رهبری براساس حق شرعی ولی فقیه ـ که در اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول ۵، ۵۷، و ۱۱۰ بر آن تصریح و تأکید شده است ـ با نوشتن نامه‌ای خطاب به ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس، قاطعانه از ادامهٔ انحراف و فتنه‌ای خطرناک جلوگیری کردند. متن دست نوشتهٔ رهبر انقلاب چنین بود:

«بسمه تعالی، جناب حجت الاسلام آقای کروبی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و حضرات نمایندگان محترم؛ با سلام و تحیت.
مطبوعات کشور سازندهٔ افکار عمومی و جهت دهنده به همت و ارادهٔ مردمند. اگر دشمنان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی، مطبوعات را در دست بگیرند یا در آن نفوذ کنند، خطر بزرگی، امنیت و وحدت و ایمان مردم را تهدید خواهد کرد و اینجانب سکوت خود و دیگر دست اندرکاران را در این امر حیاتی جایز نمی‌دانم.
قانون کنونی تا حدودی توانسته است مانع از بروز این آفت بزرگ شود و تغییر آن به امثال آنچه در کمیسیون مجلس پیش‌بینی شده، مشروع و به مصلحت نظام و کشور نیست. والسلام علیکم . سید علی خامنه‌ای، ۱۵ مرداد ۷۹»[1]

دست نوشته رهبر معظم انقلاب و به دنبال آن اطاعت اکثریت نمایندگان مجلس، چون آبی بود بر آتش فتنه‌هایی که عده‌ای در ورای این طرح به دنبال آن بودند. البته پیش از این (سال ۱۳۷۷) رهبر هوشیار انقلاب، تصریح کرده بودند که جلوگیری از حرکت موذیانهٔ نفوذیافتگان در مطبوعات کار دشواری نیست:

---

۱ . روزنامهٔ کیهان : ۱۶ مرداد ۷۹، ص ۲.

«بنده منتظر می‌مانم ببینم دستگاه‌های مسئول چه می‌کنند، والاّ جلوگیری از این حرکات موذیانه کار دشواری نیست، هیچ وقت هم ما فکر این که دنیا چه می‌گوید، روزنامه‌های دنیا چه می‌گویند، سازمان‌های دنیا چه می‌گویند، نکرده‌ایم و نباید بکنیم. مگر برای مصالح کشور و مصالح یک ملت، باید منتظر این حرف‌ها ماند؟

بنده منتظر اجازه سازمان‌های بین‌المللی برای نحوهٔ ادارهٔ این کشور نمی‌مانم، منتظرم دستگاه‌های مسئول، وزارت ارشاد، دستگاه قضایی و دستگاه امنیتی، کار خودشان را بکنند، ببینم این کسانی که در بعضی از این مطبوعات، ایمان مردم را هدف گرفته‌اند، از جان مردم چه می‌خواهند.

من با مسئولان اتمام حجت می‌کنم. مسئولان باید در این مورد اقدام بکنند، ببینند کدام روزنامه است که از حدود آزادی پا را فراتر می‌گذارد.»[۱]

واکنش مجلس در برابر نامهٔ رهبری[۲]

خروج این طرح از دستور کار مجلس که به حق، اقدامی برای صیانت از انقلاب، نظام اسلامی و همچنین در راستای حفظ ارزش‌ها بود، واکنش‌های متفاوتی را به دنبال داشت. نخستین واکنش، مربوط به نمایندگان مجلس شورای اسلامی بود که می‌توان آن را به دو بخش مثبت و منفی تقسیم کرد.

در این خصوص، اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به خارج شدن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار، واکنش مثبت نشان دادند و با درک شرایط حساس کشور آن را پذیرفتند.[۳] در عین حال، تعداد اندکی از نمایندگان ـ که

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۲۵ شهریور ۷۷.

۲. لازم به ذکر است که گزارش این قسمت، تماماً از روزنامه‌های بهار، حیات نو، ایران، کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی در تاریخ‌های ۱۶ و ۱۷ مرداد تهیه شده است.

۳. از جمله موضعگیری‌های منطقی و قابل تحسین، برخورد آقای پورنجاتی، رئیس کمیسیون فرهنگی بود. وی که پیش از حکم رهبر انقلاب مواضع تندی داشت، پس از نامهٔ رهبری گفت: «ما بر اساس تشخیص خودمان عمل کردیم، امّا امروز که نظرات مقام معظم رهبری برای ما روشن شد، ما دیگر بحثی نداریم و کاملاً پذیرای نظر ایشان

اکثریت آنان به یک حزب سیاسی خاص وابسته بودند ـ نسبت به خروج طرح از دستور کار مجلس اعتراض داشتند. آنان برای عدم خروج طرح از دستور جلسه، سخنانی را در مجلس مطرح کردند و دست به اقدامات ناپسندی زدند.[۱]

جناب آقای کروبی، رئیس مجلس شورای اسلامی، پس از اطلاع از نظر ولی امر، در یک جلسهٔ غیر علنی موضوع نامهٔ رهبر انقلاب و حکم حکومتی ایشان را به اطلاع هیأت رییسه و سپس به اطلاع نمایندگان مجلس رساند. در این جلسهٔ غیر علنی، ابتدا نامهٔ رهبر انقلاب قرائت شد[۲] و سپس بر اساس اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی ـ که مطابق آن تصریح شده قوای سه‌گانهٔ کشور، باید تحت زعامت ولی امر و ولی فقیه اداره شود و سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف ایشان را اجرا نماید ـ طرح اصلاح قانون مطبوعات که برخلاف مصالح کشور و انقلاب بود و باعث شادی دشمن می‌شد، از دستور خارج شد.

پس از این جلسهٔ غیر علنی و به هنگامی که نمایندگان خود را برای ایراد

☞

هستیم. ما فکر می‌کردیم، اصلاحاتی که در کمیسیون انجام دادیم، اصلاحات خوبی بود، امّا فکر نمی‌کردیم که نسبت به مصوبات کمیسیون، ایشان نظرات مخالفی داشته باشند. اما حالا که مقام رهبری نظر خود را بیان کردند، ما آن را حکم حکومتی دانسته و موظف به تأمین نظرات ایشان هستیم.» (روزنامهٔ رسالت: ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۵)

۱. روزنامه‌های مدعی اصلاح‌طلبی، هر کدام به نوعی مغرضانه به انعکاس خبر این جلسه پرداختند. روزنامهٔ حیات نو، تیتر درشت «چگونه اصلاح قانون مطبوعات کنار گذاشته شد» را در حالی انتخاب کرد که عکس درگیری دو تن از نمایندگان را در صفحهٔ اول خود نمایش می‌داد و در زیر این تیتر نوشته بود: «کروبی: نمایندگان می‌دانند که چرا این چنین شده».

روزنامهٔ دولتی ایران با چاپ کاریکاتوری که در آن دیوار مشکلات سیاسی در برابر کیسهٔ پر از پول قرار گرفته بود، سعی داشت تا مشکلات اقتصادی کشور را که از بی‌تدبیری و ناهماهنگی مسئولین اقتصادی دولت به وجود آمده بود، به منتقدان دلسوز نسبت دهد.

روزنامهٔ بهار، جملهٔ رئیس جمهور در جمع مردم کردستان را که سفارش به قانونگرایی دربارهٔ حل مشکلات داخلی آن استان بود، در کنار گزارشی از جلسهٔ روز یکشنبهٔ مجلس قرار داد. این روزنامه عمل قانونی نمایندگان را «فراقانونی» نامید و جملهٔ آقای خاتمی «همه باید تابع قانون باشیم» را در کنارش قرار داد!

۲. روزنامهٔ حیات نو و ایران: ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۱ و ۲.

نطق‌های پیش از دستور جلسه آماده می‌کردند، تعدادی دیگر از نمایندگان که با خروج طرح مخالف بودند، جلسهٔ علنی را ترک کردند![1] تا با از اکثریت انداختن جلسه، دیگر نمایندگان را به انفعال وادارند و رئیس جلسه را تحت فشار قرار دهند.[2]

این عده که تصور می‌کردند با خارج شدن از مجلس، نمایندگان دیگر را منفعل خواهند کرد، با قانونمندی بیش از ۱۶۰ نماینده روبرو شدند، حتی این امر باعث شد تا نمایندگان متخلف، پس از ۲۰ دقیقه، مجدداً به جلسه باز گردند.

پس از ورود این عده به صحن علنی مجلس، حرکت‌های اعتراض‌آمیز به شیوه‌های دیگری از سوی چند نمایندهٔ معترض صورت گرفت.

نمایندهٔ دلیجان با اخطار آیین نامه‌ای، ضمن «غیرقانونی» خواندن تصمیم رئیس مجلس در خارج کردن طرح از دستور، در حالی که پاسخ سؤال خود را می‌دانست، خواستار توضیح هیأت رییسه در این مورد شد که حجت الاسلام والمسلمین کروبی در پاسخ به او گفت:

«آقای هادی‌زاده به خوبی می‌دانید و اطلاع دارید که بحث مفصلی ـ قبل از این که جلسهٔ رسمی شروع شود ـ داشتیم و سیر یک داستان و قضیه را خدمت شما عرض کردم که نامه‌ای برای ما آمده بود و "حکم حکومتی" در آن بود و قرائت کردیم. ما بر اساس مُرّ قانون اساسی عمل کردیم. ولایت مطلقه همین است و شما به آن رأی داده‌اید و ما هم به وظیفهٔ قانونی خود عمل کرده‌ایم و جناب عالی هستید که به

---

۱ . روزنامهٔ ایران، حیات نو و رسالت : ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۲ و ۳ و ۳. آنچه از مجموع گزارش این جراید به دست می‌آید، این است که تعداد اندکی از نمایندگان معترض، دو بار قصد داشتند تا جلسه را از رسمیت بیندازند.

۲ . اسامی نمایندگانی که برای از اکثریت انداختن جلسه (آبستراکسیون) از صحن مجلس خارج شدند، عبارت بودند از آقایان : بهزاد نبوی، محمد رضا خاتمی (در برخی از روزنامه‌ها خروج این دو نفر برای بازگرداندن دیگر نمایندگان عنوان شد)، بورقانی، آرمین، میردامادی، سلیمانی، مزروعی، رشیدیان، میثم سعیدی، تاجرنیا، علی‌رضا نوری، موسوی خوئینی‌ها، هادی خامنه‌ای، شیرزاد، تاج الدینی، تابش، کوزه گر، قوامی، افخمی، نظری، و همچنین خانم‌ها : کدیور، حقیقت جو، کولایی، وحیده طالقانی، راکعی، فاطمه خاتمی، امانی و رضا زاده.
لازم به ذکر است که چند روز پس از این واقعه، برخی از این افراد، نسبت به سخنان و خروج خود از جلسهٔ روز یکشنبه، توضیحاتی را ارائه کردند که در صفحهٔ ۲۵۸ آمده است.

وظیفهٔ قانونی خود عمل نکردید.»

«هادی زاده» که در برابر عکس العمل قاطع رئیس مجلس قرار گرفته بود، به توجیه عمل خود پرداخت و گفت:

« از آنچه شما گفتید من اطلاع داشتم،[1] ولی لازم بود مردم هم در جریان قرار بگیرند(!) مردم از طریق مطبوعات در جریان طرح قرار گرفته‌اند، حداقل لازم است، علت حذف آن را هم بدانند.»

رئیس مجلس در پاسخ به وی گفت:

«ما سوگند یاد کرده‌ایم که به آیین نامهٔ مجلس عمل کنیم. در آن اندازه که فهم من می‌رسد و در توان من بوده است، واقعاً مقید هستم که به آیین نامه عمل کنم.»

پس از نمایندهٔ محلات، «کیانوش راد» نیز به عمل قانونی رئیس مجلس اعتراض کرد و ضمن تشکیک در حکم حکومتی بودن نامهٔ رهبری، ادعا کرد که برخی از نمایندگان مجلس مجتهد هستند و شورای نگهبان نیز وجود دارد و این موارد، برای عدم تحقق خلاف شرع کافی است ![2]

در این هنگام «ربوشه» یکی دیگر از نمایندگان، ضمن تأکید بر حکم حکومتی

---

۱. آقای هادی زاده می‌پنداشت که مردم با تغییر قانونی که جلوی نفوذ بیگانگان را می‌گیرد و خوشحالی آنان را فراهم می‌آورد، موافقند! شاید او و همکارانش سعی داشتند به همگان اعلام کند که با میل خود، طرح اصلاحیه را کنار نگذاشته‌اند. به همین دلیل در حالی که از علت تغییر دستور جلسه با خبر بودند، در برابر آن مقاومت می‌کردند.
جالب است که پس از منتشر شدن اخبار جلسهٔ آن روز و آغاز اعتراض‌های مردمی ـ به خصوص مردم محلات ـ نسبت به نمایندگانی که در برابر اجرای قانون ایستاده بودند، آقای هادی زاده در مصاحبه با روزنامهٔ ایران، ضمن اعتراض به صدا و سیما به دلیل پخش سخنانش، گفت: «اعتراض و تذکر ما به هیأت رییسه این بود که چرا طرح اصلاحیه از دستور خارج شده، چرا که هیچ اطلاعی از علت حذف آن نداشتیم (!)» (روزنامهٔ ایران: ۱۷ مرداد ۷۹)

۲. این سخنان از طرف کسانی عنوان می‌شد که بارها و بارها، شورای نگهبان مورد حمله و اتهام همکاران حزبی و سیاسی آنها قرار گرفته بود.
در پاسخ به این ادعای آقای کیانوش راد، نگاه کنید به گزارش روزنامهٔ ایران در پاورقی صفحهٔ ۲۴۴ و همچنین سخنان محمد رضا خاتمی در صفحهٔ ۲۶۷. مجموعهٔ این موضعگیری‌ها نشانگر آن است که تندروهای مدعی اصلاح‌طلبی در خصوص برخورد و جوسازی در برابر شورای نگهبان، برنامه‌های خاصی داشته‌اند.

رهبر انقلاب، گفت:

«نمایندگان موقع ثبت نام کاندیداتوری برای نمایندگی مجلس، بر التزام عملی خود به ولایت فقیه تأکید کرده‌اند، بنابر این باید تابع رهبری باشند. ضمن این که این نامه بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی منظور شده است.»[۱]

پس از سخنان نمایندهٔ ایرانشهر، «رجب علی مزروعی» نمایندهٔ اصفهان ضمن انتقاد از سخنان وی، به عدم ارتباط بین اصل ۱۱۰ و بحث موجود اشاره کرد! و گفت:

«مقام معظم رهبری نکته‌ای را به نمایندگان تذکر دادند. در این‌که این حکم حکومتی است یا نه، میان نمایندگان بحث‌های مختلفی در جریان است. این طرح بر اساس آیین‌نامه مطرح شود و اگر جای مسکوت ماندن مواردی هست، بیان شود. تأکید رهبری این است که خلاف شرعی صورت نگیرد.»

آقای کروبی که از قانون گریزی برخی نمایندگان متعجب شده بود، با قاطعیت پاسخ داد که حرف من همان است که گفتم و مطلب جدیدی ندارم.

با ادامه یافتن بحث‌های لفظی، «احمد بورقانی» با صدای بلند تقاضای جلسهٔ غیر علنی کرد که آقای کروبی، جلسهٔ غیر علنی را مربوط به موارد اضطراری و امنیتی دانست و درخواست بورقانی را در این مورد رد کرد و در پاسخ به کسانی که در برابر قانونمداری اکثریت قاطع دیگر نمایندگان مقاومت می‌کردند، گفت:

«این همان ولایت مطلقه‌ای است که امام گفته و همهٔ شما هم طرفدار بودید، همه همدیگر را می‌شناسیم و مواضع همدیگر را می‌دانیم و حرف‌های گذشته نیز از یاد نرفته و همه این حرف‌ها را می‌زدیم. آن روزی که هفت، هشت نفر وارد مجلس شدند و یک سؤالی کرده بودند، امام آن موضعگیری را کرد و دیدیم که دوستان در داخل و بیرون مجلس -و به خصوص در دانشگاه- خطاب به همان هفت، هشت نفر گفتند که "أین تذهبون؟" شما بفرمائید که در مجلس دوم که آن بساطها شد و

۱. روزنامهٔ حیات نو: ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۲. مطابق یکی از بندهای اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام بر عهدهٔ رهبری است.

همهٔ ما و شما همدیگر را می‌شناسیم، این بساط را برای آذری قمی حتی راه انداخته بودیم که همه هم مرید امام بودیم، چه بود؟ این را جواب بدهید! آن‌جا گفتیم اینهاامر امام را چرا اطاعت نکردند، جناب عالی جواب بده! آن موقع اعتقاد داشتید یا نه؟»[1]

«مزروعی» که قصد داشت مجدداً سخن بگوید، با واکنش دیگری از طرف یار امام روبرو شد که نشان از اطاعت و آزادگی رئیس مجلس داشت. آقای کروبی گفت:

«ببینید، با کسی روبرو هستید که نه از کسی خورده حسابی دارد و نه مطیع کسی است، جز مطیع خدا و امام. این را هم به شما بگویم، مطابق قانون، وظیفه‌ام را عمل کردم؛ وامدار هیچ کس هم نیستم و حالا هم با صراحت این را اعلام می‌کنم. شما یک فاضل و آیت‌الله و مجتهد را به خاطر یک مولوی، ارشادی از همه چیز انداختید.»

نمایندهٔ اصفهان که به هیچ وجه انتظار چنین صراحت لهجه‌ای را در مخالفت با منافع حزبی و گروهی از رئیس مجلس نداشت، در یک سفسطهٔ آشکار از اهداف درونی خود پرده برداشت و حتی عمل امام و حمایت نمایندگان آن وقت را نیز زیر سؤال برد و با ژستی که خود را قانونمدار نشان می‌داد، گفت:

«بنده اصلاً در جریان موضوع و کیفیت آن در مجلس دوم نیستم و اگر آن موقع این کار انجام شده باشد، دلیل بر درستی آن نیست و این چه استنادی است که شما می‌کنید. من نمی‌دانم شما چطور این (خروج طرح) را با قانون اساسی توجیه می‌کنید(!) »

آقای کروبی که از نهایت بی‌اطلاعی یک نمایندهٔ مجلس از قانون اساسی متعجب بود، به طور ضمنی، اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی را به وی یادآور شد و گفت:

«این همان ولایت مطلقه‌ای است که امام گفته و همهٔ شما هم طرفدار آن بودید!»

---

۱ . برای اطلاع بیش‌تر از واقعهٔ مجلس دوم، نگاه کنید به صفحهٔ ۲۶۰ در همین کتاب.

رسالت

رییس مجلس: مجلس در قبال حکم حکومتی رهبری به وظیفه قانونی و شرعی خود عمل کرد.

۷۹/۵/۲۵

تجدید پیمان مردم و مسوولین با شهدا

کروبی: قوای قضائیه مجریه و مقننه تحت ولایت مقام رهبری هستند

◆ رییس مجلس: اصلاحاتی‌که در خارج از کشور مطرح می‌شود «اصلاحات براندازی» است ◆ همه مسوولین بایدوامدار ملت باشند، نه گروههای سیاسی

صفحه ۳

جمهوری اسلامی
۷۹/۵/۱۷

کروبی: خارج کردن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار مجلس با حکم حکومتی منطبق با قانون اساسی است

بهار
۷۹/۵/۱۸

تذکری فروتنانه به ریاست محترم قوه مقننه

صاحب حقیر این قلم برجا نمی‌داند از سر وظیفه تذکری بدهد در باب قیاس جناب آقای کروبی میان نامه مقام معظم رهبری مدظله که در خصوص طرح اصلاح قانون مطبوعات به مجلس ششم فرستادند با پاسخی که امام راحل قدس سره به نامه جمعی از نمایندگان مجلس دوم (درخصوص نخست وزیری مهندس موسوی) دادند.

البته این وجیزه بالکل فارغ است از هرگونه بحث شکلی یا ماهوی درباب استفاده مقام معظم رهبری از اختیار ولایی دایر بر صدور حکم حکومتی جهت اخراج طرح اصلاح قانون مطبوعات از دستور کار مجلس ششم چرا که این بحث هم بنحو حقوقی بنابه فصل‌الخطاب بودن تشخیصات رهبری و هم به نحو حقیقی بنا به گرایش قاطبه نمایندگان به حفظ وحدت و وفاق ملی عجالتاً خاتمه یافته است.

اما آنچه قابل مناقشه به نظر می‌رسد ذکر سابقه‌ای تاریخی است که آقای کروبی در جلسه علنی روز یکشنبه ۷۹/۵/۱۶ در دفاع از عملکرد هیأت رئیسه دایر بر اخراج طرح یاد شده از دستور کار مجلس و در برابر تذکرات برخی از نمایندگان معترض به‌عمل آوردند. با توجه به شناخت شخصی آقای کروبی و ارادت مخلصانه ایشان به امام راحل کاملاً در گذشتنی است که ایشان بنابه رویه‌ای رایج سابقه وقوع فعل از سوی مرجع معتبر را، قرینه امکان و جواز آن انگاشته و بمزعم نگارنده با استشناختی غلط به نتیجه‌ای رسیده که البته درست بوده است.

آنچه فارق دو مورد شبیه و نظیر در مجلس دوم و ششم و بنابراین مانع استنباط یک حکم تمثیلی است عبارتست از اینکه

اقدام قانونی و مدیریت قاطعانه او برای برخی ناخوشایند بود!

▼

حیات نو
۷۹/۵/۱۶

صدای حیات

email:hayatdaily@fararayaneh.com
تلفن: ۸۷۳۸۰۵۷

یک شهروند

خدمت آقای کروبی عرض می کنم که این تعلل شما در مورد مسایل اساسی آن چیزی نیست که مردم خواسته بودند چرا که در خط اصلاحات قرار نمی گیرد.

بهجت از تهران

روزنامه ها از قول آقای کروبی نوشتند «انتقاد رییس مجلس از تعدد مراکز تصمیم گیری در کمرک» به ایشان بگویید که مردم از شما انتظار دارند که در مجلس به فکر اصلاحات باشید، و درباره قانون مطبوعات و زندانی های سیاسی تصمیم قاطع بگیرید.

احمدی

روزنامه‌ها هر کدام با تیترها ، خبرها و عکس‌های انتخاب شده تصویری را از مجلس نشان دادند.
به راستی کدام یک در حفظ جایگاه مجلس کوشیدند؟

چگونه اصلاح قانون مطبوعات کنار گذاشته شد

رشیدیان: می‌خواستند در مجلس تشنج ایجاد کنند

کروبی: نمایندگان اطلاع دارند که چرا چنین شد

مزروعی: خلاف آیین نامه مجلس است

حجاریان: تا سه شنبه باید صبر کرد

حیات نو
۷۹/۵/۱۷

ایران
۷۹/۵/۱۷

گزارش حادثه دیروز مجلس

روزنامه بهار جمله‌ای را از رییس کمیسیون فرهنگی (پورنجاتی) در صفحه اول خود نقل کرد، اما یک روز بعد، این خبر نیز تکذیب شد!

بهار ۷۹/۵/۱۷

جلسه دیروز مجلس به روایت نمایندگان

ایران نوشت که برخی از نمایندگان بهزاد نبوی را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، یک روز بعد وی این خبر را تعجب آور خواند و تکذیب کرد!

جمهوری اسلامی
۷۹/۵/۱۷

کروبی: خارج کردن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار مجلس با حکم حکومتی منطبق با قانون اساسی است

نامه رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان مجلس

سکوت در مقابل نفوذ اجانب به مطبوعات را جایز نمی‌دانم

کیهان ۷۹/۵/۱۶

مجلس با حکم رهبر انقلاب طرح تغییر قانون مطبوعات را کنار گذاشت

مردم کردستان محبت را با شجاعت

تغییر قانون مطبوعات از دستور خارج شد
مجلس مصلحت کشور را ترجیح داد

رسالت
۷۹/۵/۱۷

با تلاش و مدیریت انقلابی رئیس مجلس، مجدداً جو جلسه آرام شد، امّا قبل از آغاز جلسه، مجدداً عده‌ای از نمایندگان به هدف از رسمیت انداختن مجلس و فشار بر آقای کروبی، صحن علنی مجلس را ترک کردند.[۱] در این هنگام، محسن آرمین از رئیس مجلس درخواست قرائت نامهٔ رهبری را کرد. درخواست «جلسهٔ غیرعلنی» و «قرائت نامه» در حالی مطرح می‌شد که رئیس مجلس قبل از آغاز جلسهٔ علنی، هر دو عمل را برای توجیه نمایندگان انجام داده بود و اکثریت نمایندگان نیز مشکلی با آن نداشتند. آقای کروبی در پاسخ به این درخواست‌ها در حالی که به کمبود وقت اشاره می‌کرد، گفت:

> «کسانی که اصرار دارند نامه خوانده شود، جلسهٔ بعدی که نطق پیش از دستور دارید، بیائید و نامه را بخوانید. نامه محرمانه نیست و ما هم در اختیار همه قرار داده‌ایم. اگر نامه را (در جلسه) نخواندیم چون ضرورتی ندارد؛ امّا چون اصرار دارید، نامه را بخوانید.»

پس از قرائت نامهٔ مقام معظم رهبری توسط یکی از منشی‌های مجلس، در حالی که حادثه پایان یافته بود، برخی از نمایندگان شروع کردند به اعتراض و درخواست وقت تذکر که رئیس مجلس به دلیل کمبود وقت جلسه، به آنها مهلت نمی‌داد. نمایندهٔ آبادان (رشیدیان) از جمله نمایندگانی بود که قصد تذکر داشت، امّا آقای کروبی در پاسخ به اصرار او گفت: «شما به مسأله آب آبادان برسید، بهتر است» در این هنگام رشیدیان پس از بکار بردن عبارتی، گفت: «من می‌خواهم تذکری بدهم که به لحاظ شرعی به نفع آقای خامنه‌ای است.»[۲]

---

۱ . روزنامهٔ ایران : ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲ . روزنامهٔ بهار، ایران و حیات نو : ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۲.

لازم به ذکر است که آقای رشیدیان، یک روز بعد در نامه‌ای به توضیح سخن خود پرداخت. وی در نامه‌ای که برای روزنامهٔ بهار ارسال شده بود، ضمن انتقاد از صدا و سیما در نحوهٔ انعکاس جلسه نوشت : «اینجانب در این تذکر، هیچ تذکری به مقام معظم رهبری نداشته و اعتقاد دارم که هرگونه تذکری یا مطلبی که به صراحت یا به اشاره، رهبری نظام را تضعیف نماید، مورد اشکال و از نظر اینجانب مردود است. اینجانب حق شکایت علیه صدا و سیما

لحن سخن وی و عبارت به کار گرفته شده، به شکلی بود که حجت الاسلام سید مهدی شاهرخی را در حالی که از کنار میز او ردّ می‌شد، به واکنش واداشت[۱] و بلافاصله دیگر نمایندگان ـ از جمله بهمن اخوان، حسنوند، مؤدب‌پور، مقداد نژاد، محمدی و حسینی نسب ـ در اعتراض به شکل‌گیری توطئه‌ای حساب شده برآمدند. این اقدام حماسی نمایندگان با فریاد «بهمن اخوان» که می‌گفت: «من در مجلس ششم با غسل شهادت حاضر می‌شوم» به اوج خود رسید و سبب انفعال بیش‌تر حزب مشارکت شد![۲]

جلسهٔ روز یکشنبه در نهایت با هوشیاری و درایت اکثریت نمایندگان و مدیریت انقلابی رئیس مجلس با آرامش ختم شد.[۳]

و روزنامه‌های کیهان، ابرار و جمهوری اسلامی (!) که علیه اینجانب خلاف واقع گفته و نوشته‌اند و جو نادرستی را علیه اینجانب به وجود آورده‌اند، برای خود محفوظ می‌دانم تا در موقع لازم در مورد آن تصمیم اتخاذ شود.»
(روزنامهٔ بهار: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲)

۱. آقای شاهرخی در مصاحبه با خبرنگاران در این باره گفت: «متأسفانه قضیهٔ آقای رشیدیان را به اَشکال گوناگون دامن می‌زنند و من خدا را شاهد می‌گیرم که صرفاً برای حمایت از حیثیت و کیان مجلس سکوت کردم، ولی الان می‌گویم که عزیزانی مثل آقای سبحانی و آقای کوزه‌گر، مطلب آقای رشیدیان را شنیده‌اند ... خودشان در ابتدا اذعان کردند، ولی حالا منکر می‌شوند، امّا وقتی ایشان می‌گویند بنده رهبری را قبول دارم، ما می‌پذیریم و مجلس هم اطاعت کردند، الحمد الله» (روزنامهٔ رسالت: ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۳)

۲. لازم به ذکر است که برخی از روزنامه‌ها مانند روزنامهٔ بهار و روزنامهٔ دولتی ایران، در گزارش خود از جلسهٔ روز یکشنبهٔ مجلس نوشته بودند که برخی از نمایندگان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. روزنامهٔ بهار ادعا کرد رشیدیان مضروب شده و روزنامهٔ ایران نوشت که بهزاد نبوی، نائب رئیس مجلس مورد ضرب و شتم نمایندگان جناح مقابل قرار گرفته است که این مطلب یک روز بعد توسط آقای بهزاد نبوی تکذیب شد. وی در جمع خبرنگاران به خبرنگار روزنامهٔ ایران گفت: «نوشته بودید که مراکتک زده‌اند، امّا من چنین چیزی را ندیدم و کسی مرا کتک نزد.» (روزنامهٔ رسالت: ۱۹ مرداد ۷۹، ص ۳)

۳. پس از مدیریت شجاعانهٔ رئیس مجلس و تبعیت اکثریت نمایندگان از حکم مقام معظم رهبری، دشمنان انقلاب اسلامی سرخورده و ناامید شدند. روزنامهٔ واشنگتن تایمز، به نقل از خبرنگار خود که تنها خبرنگار خارجی! مستقر در قسمت تماشاچیان مجلس بود، می‌نویسد: «زمانی که ما "بن باربر" خبرنگار خود را هفتهٔ گذشته به ایران اعزام کردیم، مأموریت او این بود که اقتدار و اخلاص اصلاح طلبانی که اکثریت مجلس را در انتخابات ماه فوریه به دست آورده‌اند، ارزیابی کند. ما چنین پیش‌بینی می‌کردیم، هنگامی که پارلمان، روز یکشنبه اولین جلسهٔ عادی خود را تشکیل دهد و قانون اصلاح مطبوعات مطرح شود، یک درگیری که دنباله داشته باشد، آغاز می‌شود (!) امّا

مروری بر توضیح نمایندگان مخالف

با پایان یافتن جلسهٔ روز یکشنبه و انعکاس خبر صدور حکم حکومتی رهبر انقلاب و همچنین انتشار سخنان و موضعگیری‌های نمایندگان، حمایت‌های مردمی از حکم رهبری و قانون پذیری اکثریت قاطع نمایندگان و همچنین اعتراض به نمایندگانی که در برابر اجرای اصول قانون اساسی مقاومت کرده بودند، آغاز شد.[۱] علاوه بر تهران در شهرهای دیگر نیز موج اعتراضات به حرکت افتاد. مردم این شهرها خواستار توضیح نمایندگان خود در خصوص موضعگیری جلسهٔ روز یکشنبه بودند. مجموعهٔ این شرایط، برخی از نمایندگانی را که در جلسهٔ ۱۶ مرداد سخنانی را گفته بودند به توجیه آن عمل واداشت.

۱ . محمد رشیدیان، نمایندهٔ آبادان که در خصوص سخنان آن جلسه مورد انتقاد گستردهٔ مردم آبادان و دیگر شهرها قرار گرفته بود، در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن تأکید به محوریت جمهوری اسلامی بر ولایت فقیه، حکم حکومتی وی را لازم الاتباع دانست و در خصوص تذکر روز یکشنبهٔ خود گفت:

> «سه بار با صدای رسا به رئیس مجلس گفتم که تذکر دارم، امّا ایشان می‌گفتند که تذکر زیاد است و دعوت کردند تذکری ندهم. تذکر من ـ که برای یکی از دوستان هم نقل کردم ـ تشکیل جلسهٔ غیر علنی بود، به این ترتیب که این طرح با حضور اعضای شورای نگهبان و نمایندگان بررسی و موارد خلاف آن اصلاح شود، تا نظر مقام معظم رهبری تأمین شود.»[۲]

۲ . علی اصغر هادی زاده، نمایندهٔ محلات و دلیجان نیز با انتقاد از مردمی که به

☞

هنگامی که این نبرد، قبل از این‌که حتی اولین مشاجرهٔ لفظی شروع شود، خاتمه یافت، ما متعجب و تا حدودی مأیوس شدیم!» (روزنامهٔ کیهان: ۲۶ مرداد ۷۹)

۱ . نگاه کنید به بخش چهارم، صفحهٔ ۳۲۱ در همین کتاب.

۲ . روزنامهٔ حیات نو: ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۲.

سخنان و عملکرد او در جلسهٔ روز یکشنبه اعتراض داشتند، از آقای کروبی خواست تا از جایگاه نمایندگان دفاع کند. وی اعلام کرد که اگر چنانچه برخلاف حکم ولی فقیه سخن گفته باشد، حاضر به استعفا است. او نیز دربارهٔ تذکر روز یکشنبهٔ خود گفت:

«اعتراض و تذکر ما به هیأت رییسه این بود که چرا طرح اصلاح قانون مطبوعات از دستور خارج شده است، چرا که هیچ اطلاعی از علت حذف نداشتیم. تلویزیون به گونه‌ای خبر را پخش کرد که انگار بنده با نامهٔ رهبر معظم انقلاب مخالفت کرده‌ام، در حالی که بنده می‌خواستم جایگاه حذف طرح را بدانم.»[1]

۳ . خانم الهه کولایی، که نام وی به عنوان یکی از کسانی که جلسهٔ علنی را به اعتراض ترک کرد، درج شده بود، در توضیحی خطاب به روزنامه‌ها نوشت:

«در روزنامهٔ یکشنبه مورخ ۱۶ مرداد ۷۹، خبری در مورد بنده درج شد که شبهه‌آفرینی بوده است. خروج بنده از صحن مجلس به دلیلی کاملاً خصوصی و شخصی بوده است.»[2]

۴ . محمّد علی کوزه‌گر، نمایندهٔ شهریار و شهر قدس نیز در واکنش به انعکاس خبر خروج وی از جلسه با عنوان آبستراکسیون (از اکثریت انداختن)، در نامه‌ای توضیح داد:

«با شنیدن پیام مقام معظم رهبری، اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان محترم، عمل به توصیه معظم له را وظیفهٔ خود دانسته و در تکاپوی یافتن بهترین راه‌کار، جهت اجرای امر ولایت بودند و اغلب رفت و آمد و تردد نمایندگان در همین جهت بوده است.»[3]

۵ . روزنامهٔ «ابرار» به نقل از محمد رضا خاتمی، نائب رئیس مجلس نوشت:

---

۱ . روزنامهٔ ایران: ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲ . روزنامهٔ کیهان: ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۲. لازم به ذکر است که روزنامهٔ کیهان، پس از روزنامه‌های رسالت و جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۷ مرداد این خبر را نقل کرد. علاوه بر این روزنامه‌ها، نشریات ایران و حیات نو نیز خبر خروج نمایندگان را درج کرده بودند.

۳ . همان: ۲۳ مرداد ۷۹، ص ۱۴.

«طرح اصلاح موادی از قانون مطبوعات در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت.» پس از نشر این سخن، آقای خاتمی در تکذیب این خبر اعلام کرد:

«من چنین حرفی نزده‌ام.»[۱]

یادآوری واقعهٔ مجلس دوم

چنانچه گذشت، پس از خارج شدن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار مجلس و بهانه‌جویی چند تن از نمایندگان یک حزب سیاسی در پذیرش آن، جناب آقای کروبی، رئیس محترم مجلس، در پاسخ به اعتراض این نمایندگان، ضمن یادآوری واقعهٔ مجلس دوم ـ موسوم به ۹۹ نفر یا مولوی و ارشادی ـ به نحوهٔ برخورد نیروهای جبههٔ دوم خرداد و اصلاح‌طلب با آن واقعه استشهاد جستند.

رئیس مجلس در پاسخ به کسانی که با اعتراض‌های خود نظم جلسه را بهم می‌زنند، گفت:

«این همان ولایت مطلقه‌ای است که امام گفته و همهٔ شما هم طرفدار بودید، همه همدیگر را می‌شناسیم و مواضع همدیگر را می‌دانیم و حرف‌های گذشته نیز از یاد نرفته و همه این حرف‌ها را می‌زدیم. آن روزی که هفت، هشت نفر وارد مجلس شدند و یک سؤالی کرده بودند، امام آن موضعگیری را کرد و دیدیم که دوستان در داخل و بیرون مجلس ـ و به خصوص در دانشگاه ـ خطاب به همان هفت، هشت نفر گفتند که "أین تذهبون؟" شما بفرمائید که در مجلس دوم که آن بساط‌ها شد و همهٔ ما و شما همدیگر را می‌شناسیم، این بساط را برای آذری قمی حتی راه انداخته بودیم که همه هم مرید امام بودیم، چه بود؟ این را جواب بدهید! آن‌جا گفتیم اینها امر امام را چرا اطاعت نکردند، جناب عالی جواب بده! آن موقع اعتقاد داشتید یا نه؟ شما یک فاضل و آیت‌الله و مجتهد را به خاطر یک مولوی، ارشادی از همه چیز انداختید!»

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۱۹ مرداد ۷۹.

یادآوری صریح و روشن رئیس مجلس که حکایت از ولایت پذیری او و تسلیم نبودنش در برابر احزاب داشت، چنان جبههٔ تجدیدنظر طلبان را دچار شوک کرد که ترجیح دادند در برابر آن یا سکوت کنند و یا پاسخ‌های بی‌ربط بدهند.[۱]

امّا واقعهٔ مجلس دوم چه بود که رئیس مجلس برای خاموش کردن عده‌ای، به آن استناد جُست؟ این واقعه، به پس از برگزاری سومین انتخابات ریاست جمهوری، در مهرماه سال ۱۳۶۴ برمی‌گردد، زمانی که رئیس جمهور وقت (مقام معظم رهبری) در نظر داشتند بنا بر مصالحی که تشخیص می‌دادند، به جای آقای میر حسین موسوی، فرد دیگری را برای پست نخست وزیری به مجلس معرفی نمایند. در آن زمان، اکثریت نمایندگان مجلس ـ که در مجلس ششم نیز همان جناح اکثریت مجلس را در دست داشت ـ با این تغییر موافق نبودند و بر تداوم نخست وزیری مهندس موسوی اصرار می‌ورزیدند. این نمایندگان نهایتاً در نامه‌ای به حضرت امام، تغییر کابینه را به دلیل «شرایط پیچیدهٔ کشور» مضر و سبب «بروز نگرانی در میان رزمندگان اسلام» دانستند و اعلام کردند:

---

۱. عباس عبدی که در آن ایام خود را از جملهٔ دانشجویان پیرو خط امام می‌دانست و متأسفانه امروز در جادهٔ تجدیدنظر طلبان قدم نهاده است، در پاسخ به آقای کروبی گفت: «صحبت‌های ایشان خیلی جواب دارد، بعید است خودشان هم پاسخ این حرف‌ها را ندانند. فقط باید بتوانند بنشینند و صحبت کنند (!)»
(روزنامهٔ حیات نو: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲)

میثم سعیدی، نماینده‌ای که اولین دور تجربهٔ نمایندگی خود را می‌گذرانند، گفت: «این قیاس مع الفارق است، چرا که حضرت امام در آن زمان، تقاضای کتبی ارائه ندادند(!) امّا نامهٔ مقام معظم رهبری چیز تازه‌ای است که تاکنون سابقه نداشته است. از طرفی آن ۹۹ نفر مخالف اندیشهٔ امام بودند و امروز نیز، هم اندیشان آن ۹۹ نفر، حتی از انتقاد بسیار سادهٔ نمایندگان نگران می‌شوند (!)» (روزنامهٔ حیات نو: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲)

تاجرنیا، جوان‌ترین نمایندهٔ مجلس در خصوص یادآوری مسأله برخورد با آیت الله آذری قمی گفت: «این دو مسأله با هم متفاوت است. بخشی از نمایندگان پرسشی داشتند که پاسخ آن، آنچه که رئیس مجلس بیان کرد، نبود. این که برای جواب دادن به یک تذکر و سؤال، از کاری که در گذشته انجام شده، وام بگیرند، درست نیست (!)»
(روزنامهٔ حیات نو: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲)

دفتر تحکیم وحدت در بیانیهٔ خود نوشت: «سخنی کوتاه در مورد عملکرد آقای کروبی داریم، مشکل بتوان باور کرد که ایشان به عمق ویرانی در بنیان استدلال‌های خویش در این باب واقف نباشد. نیک می‌دانیم که پیمان مردم با هیچ کس، ابدی نیست (!)» (روزنامهٔ حیات نو: ۲۵ مرداد ۷۹، ص ۲)

«چون دولت جدید، تجربهٔ تلاش و امکانات فراوان‌تری ندارد و از داشتن اکثریتی قاطع در مجلس و بین مردم برخوردار نیست، به موفقیت‌های لازم دست نخواهد یافت و در نتیجه کشور دچار بحران می‌شود.»[1]

این سخن که به طور ضمنی، به عدم رأی اعتماد اکثریت مجلس به نخست وزیر دیگری به جز مهندس موسوی اشاره داشت، در حالی گفته می‌شد که رئیس جمهور جدید با رأی قاطع ملت انتخاب شده بود و نمایندگان مجلس دوم، دو سال پیش از آن انتخاب شده بودند! و روشن است که اگر آقایان به مواضع امروزشان پایبند بودند، نباید در برابر ارادهٔ مردم ـ که در انتخاب رئیس جمهور ظهور یافته بود ـ مقاومت می‌کردند! همین نکتهٔ واضح و روشن نشان می‌دهد که آنها یا در مواضع امروزشان صادق نیستند یا در مواضع دیروز.

امّا حضرت امام خمینی‌ﷺ با توجه به مصالح کشور، در پاسخ به نامهٔ نمایندگان نوشتند:

«اینجانب خود را موظف به اظهار نظر می‌دانم. به آقایانی که نظر خواسته‌اند، از آن جمله، جناب حجت‌الاسلام مهدوی و بعضی از آقایان عرض کردم، آقای مهندس موسوی را شخص متدین و متعهد و در وضع بسیار پیچیدهٔ کشور، دولت ایشان را موفق می‌دانم و در حال حاضر تغییر آن را صلاح نمی‌دانم، ولی حق انتخاب با جناب آقای رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی محترم است.»[2]

رئیس جمهور وقت ـ مقام معظم رهبری ـ با تمام وجود، اشارهٔ مولای خود را پذیرفتند و از جان و دل آن را اجرا کردند. امّا با مقایسهٔ این دو نامه، چند نکتهٔ قابل توجه به چشم می‌خورد که از اهمیت و حساسیت بیش‌تر نامهٔ مقام معظم رهبری، نسبت به نامهٔ حضرت امام خبر می‌دهد:

الف ـ برخلاف سیر نگارش نامهٔ امام، نامهٔ جانشین وی (مقام معظم رهبری)

---

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۸ مرداد ۶۴.

۲. صحیفهٔ نور: ج ۱۹، ص ۲۲۲.

مبتنی بر درخواست قبلی مجلس یا نهاد و افراد دیگری نبود و رهبر انقلاب، خود مستقیماً این نامه را خطاب به رئیس و نمایندگان مجلس نوشتند.

ب ـ برخلاف نامهٔ امام که روی «فرد» (مهندس موسوی) دور می‌زد، نامهٔ رهبری در مجلس ششم، روی موضوع (مصوبات اخیر کمیسیون فرهنگی مجلس) دور می‌زد.

ج ـ برخلاف نامهٔ امام که قید زمان (در حال حاضر) داشت و لذا با انقضای زمان، موضوعیت خود را از دست می‌داد، نامهٔ رهبر انقلاب به مجلس، مقید به زمان خاص نیست و تا زمانی که این مصوبه یا مشابه آن مطرح شود، نظر رهبری به قوت خود باقی است.

د ـ برخلاف نامهٔ امام که از رئیس جمهوری و مجلس شورای اسلامی سلب اختیار نکرده بود، حکم حکومتی رهبر انقلاب، مجلس و دولت را از پیگیری چنین قانونی منع کرده و حتی سکوت آنان را نیز جایز ندانسته است.

هـ ـ برخلاف نامهٔ امام که تبعیت یا عدم تبعیت از آن، ذیل حکم شرعی حلال و حرام قرار نمی‌گرفت، نامهٔ رهبری به گونه‌ای تنظیم گردیده که مخالفت با مصوبهٔ اخیر کمیسیون فرهنگی مجلس بر همهٔ دست اندرکاران، «واجب» می‌باشد. با این وصف رهبر معظم انقلاب اسلامی، در نامهٔ خود مصوبهٔ کمیسیون فرهنگی مجلس ششم را «نامشروع» و خلاف مصلحت دانسته است. پس می‌توان گفت نمایندگانی که تبعیت از «دستور ولی فقیه» را برنتافتند، چنانچه بر آن اصرار می‌ورزیدند، مرتکب فعل حرام می‌شدند، آن هم فعل حرامی که آنان را در ردیف «غیر ملتزمین به اصل ولایت فقیه» قرار داده و صلاحیت آنان را برای تداوم نمایندگی مجلس شورای اسلامی (بنا به شرط التزام به ولایت فقیه) مورد خدشه قرار می‌داد.[1]

در واقع استدلال آن ۹۹ نفر پس از نامهٔ حضرت امام این بود که ولی فقیه وقتی در خصوص موضوعی اعلام نظر می‌کند و دیگران را نیز از اظهار نظر منع نکرده، آنان

۱. نگاه کنید به بخش اول، صفحهٔ ۶۴، عنوان «حکم مخالفت با حاکم اسلامی چیست؟»

می‌توانند نظر خود را اظهار کنند؛ امّا اگر ولی فقیه از باب ولایتش نکته‌ای را اعلام کند و اصطلاحاً حکم حکومتی صادر نماید، بر همه واجب است که از آن تبعیت نمایند و هیچ کس حق مخالفت ندارد، حتی مجتهدین دیگر! این استدلال گرچه صحیح بود، امّا مخالفین آن ۹۹ نفر معتقد بودند که از باب «ذوب در ولایت» و «از تو به یک اشاره، از ما به سر دویدن» وقتی حضرت امام نظر خود را اعلام نمودند، همه باید اطاعت کنند؛ حتی اگر اجازهٔ مخالفت نیز از ولی فقیه صادر شده باشد.

ما نیز همین اعتقاد را داریم، امّا تعجب است از کسانی که سال‌ها بر منابر و در مجالس به این ۹۹ نفر حمله‌ور شدند، اسلام آنان را آمریکای و حذفشان را واجب شمردند و امروز...!

پاسخ به سه اشکال

پس از ماجرای صدور حکم حکومتی رهبر انقلاب در خصوص عدم «مشروعیت» و «مصلحت» طرح اصلاح قانون مطبوعات، سؤالات متعددی پیرامون این حکم مطرح گردید. یکی از این سؤالات مهم این بود که با توجه به وجود نهادهای قانونی مانند شورای نگهبان ـ که برای تشخیص عدم مغایرت قوانین با احکام شرع تشکیل شده ـ و مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ که برای تعیین مصالح عالیه نظام به وجود آمده است ـ دیگر چه نیازی به صدور حکم حکومتی به دلایل عدم «مشروعیت» و «مصلحت» از سوی رهبر انقلاب وجود داشت؟ چرا که فلسفهٔ وجودی دو نهاد، تشخیص این موضوعات است و در صورت تصویب این طرح در مجلس، نهایتاً توسط این دو نهاد رسیدگی کامل از دو منظر فوق صورت می‌گرفت و اطمینان خاطر لازم به وجود می‌آمد.

برخی این سؤال را به گونه‌ای دیگر طرح نمودند. آنها معتقد بودند که رهبری در صورت نیاز می‌توانست نظر خود را به طور غیر علنی به شورای محترم نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام اطلاع دهد و از تصویب نهایی آن بدین صورت

تجمع بزرگ دانشجویی ـ مردمی
در حمایت از حکم حکومتی رهبر انقلاب

راهپیمائیهای مردم محلات و
لیجان در حمایت از تدبیر رهبری در
مورد قانون مطبوعات

ابوترابی نماینده مردم قزوین: این تجمع
رمقابل مجلس بیانگر هوشیاری مردم
سبت به مسائل جاری کشور و التزام آنان به
ولایت فقیه است

حمایت گسترده مجامع، نهادها و
سازمانها از حکم حکومتی رهبر انقلاب
درباره مطبوعات

چرا حضور مردم در
صحنه‌های دفاع از "ولایت و رهبری"
هوا را برای برخی نامساعد می کند
به طوری که در عکس‌ها نیز "تحریف" و
"سانسور" را بر "انعکاس واقعیت"
ترجیح می دهند؟!

۷۹/۵/۱۹

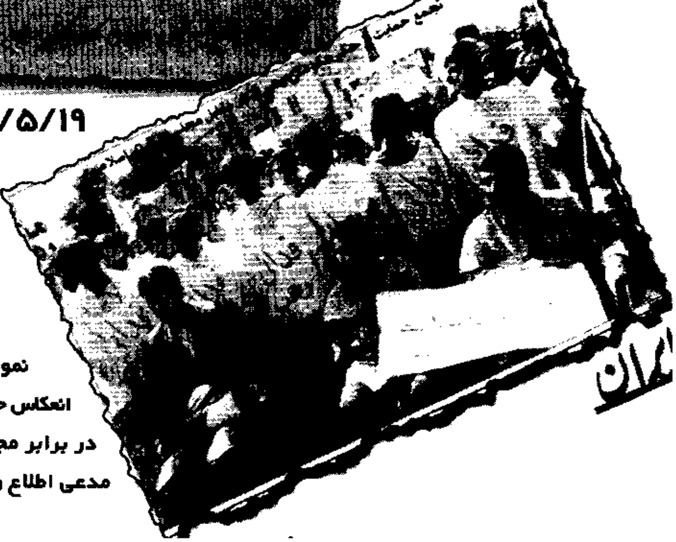

نمونه‌ای از نحوه
انعکاس حضور گسترده مردم
در برابر مجلس، در دو روزنامه
مدعی اطلاع رسانی و مردم سالاری!

جلوگیری نماید.

تعداد دیگری از صاحبنظران مسأله دیگری را مطرح کردند. آنها با استناد به اصل ۱۱۰ قانون اساسی که حل معضلات نظام توسط رهبری را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام دانسته است، عنوان می‌کردند که منظور قانونگزار از این اصل، استفاده از آراء و نظرات مختلف برای تشخیص مصلحت است که طبعاً از تشخیص تک ذهنی قابل اعتمادتر و عقلانی‌تر است. لذا صدور این حکم پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت، می‌توانست از غنای بیش‌تری برخوردار گردد.

حال که صورت مسأله معلوم شد، در ادامهٔ بحث به توضیح و تفصیل هر کدام می‌پردازیم:

۱ . آیا با وجود شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، نیازی به صدور حکم حکومتی و دخالت رهبری بود یا نه؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که اولاً: وجود دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت، هیچ گونه مانعیت و محدودیتی برای صدور حکم حکومتی به وجود نمی‌آورد. چرا که این دو (یعنی نهادهای قانونی و حکم حکومتی) دو حیطهٔ مستقل از یکدیگرند. بدین معنا که تشکیل این دو نهاد در قانون اساسی، به منظور تعطیل نمودن حکم رهبری نبوده و از سوی دیگر، قانون اساسی نیز خود را بی‌نیاز از این دو نهاد، با توجه به امکان صدور حکم حکومتی ندانسته است.

به بیان دیگر، هر کدام از این دو حوزه، در مواقع عادی کارکردی مستقل و متمایز از هم دارند و در واقع در عرض یکدیگر قرار دارند و نه در طول هم.

نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص، کارکردهای عادی و روال معمول و قانونی خود را طی می‌کنند و حتی ممکن است در حوزهٔ نظری و یا فقهی، نظری متفاوت با رهبری داشته باشند. (دقت شود) و یا رهبری به عنوان یک رأی شخصی (و نه تکلیف و حکم حکومتی) تا جایی که احساس خطری برای نظام ننماید، دیدگاه و تصمیمات این دو نهاد را نپسندد. این رابطه تا زمانی برقرار است که رهبری به عنوان حاکم اسلامی نظر ندهد؛ امّا اگر ولی امر به عنوان حاکم اسلامی برای حفظ کیان

دولت، احساس تکلیف دینی و مسئولانه نماید، مسأله متفاوت می‌شود. در این صورت، همچنان که در فقه شیعه مطرح شده، تمامی فقها موظف به اطاعت شرعی از ولی فقیه می‌باشند.

ثانیاً: همان طور که گذشت طراحان و مدافعان این طرح در مجلس، بیشتر از آن که به دنبال حل مشکلات باشند، منافع حزبی و سیاسی خود را می‌جستند. اکثریت این افراد که به حزب تازه تأسیس مشارکت وابستگی داشتند، همواره شورای نگهبان را به عنوان یک مانع در برابر تحرکات سیاسی خود می‌دیدند و به همین دلیل، تخریب این شورا را به عنوان یک استراتژی برگزیده بودند. مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در مواقعی که به خواسته‌ها و تمایلات حزبی آنان تن نمی‌داد، از همین سرنوشت برخوردار بود. بنابراین، طبیعی بود که با توجه به مشکلات طرح پیشنهادی مجلس، شورای نگهبان آن را تأیید نکند و همچنین بدیهی بود که در صورت عدم تأیید، با حجم وسیعی از اهانت‌ها و غوغاسالاری‌ها مواجه شود.

قرائن بسیاری به این نکته اشاره دارد که از جمله، می‌توان به مصاحبه آقای محمد رضا خاتمی، دبیر کل سیاسی حزب مشارکت و نایب رئیس مجلس با خبرگزاری رویتر ! اشاره کرد. روزنامهٔ «ایران» در حالی که وی را «رهبر بزرگ‌ترین جناح اصلاح‌طلب ایران» می‌نامد، قسمت‌هایی از مصاحبه خاتمی را با این خبرگزاری انگلیسی، چنین نقل می‌کند:

> «ما حدس می‌زنیم که مصوبهٔ مجلس دربارهٔ اصلاح قانون مطبوعات در شورای نگهبان دچار مشکل شود و بعید می‌دانیم که مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز این مسئله را به نفع ما حل و فصل کند. با این حال اصلاح قانون مطبوعات وظیفهٔ ماست(!) و ما این کار را خواهیم کرد و به نتیجهٔ آن هم نمی‌اندیشیم(!) به نظر ما این موضوع که افکار عمومی بالاخره با اطمینان دریابد که کدام بخش از دستگاه‌های حکومتی نظام تمایلی به گردن نهادن به خواسته‌های مردم را ندارند، بیشتر به نفع ما خواهد بود!»[1]

---

۱. روزنامهٔ ایران: ۱۳ مرداد ۷۹، ص ۱.

۲ . چرا رهبری به جای صدور حکم به نمایندگان، موضوع عدم تصویب قانون را به صورت غیر رسمی و غیر علنی با شورای نگهبان مطرح نکرد؟ پاسخ این است که رابطهٔ رهبری با نهادهای منصوب ایشان، مانند روابط معمول در قوهٔ مجریه و یا ارتش نیست، بلکه بیش‌تر به روابط حاکم در قوهٔ قضائیه شباهت دارد.

توضیح این که رابطهٔ مسئول در یک اداره و یا یک دستهٔ نظامی، از نوع رابطهٔ بالا به پایین است و تصمیم و ارادهٔ افراد زیر مجموعه، تأثیری در فرآیند نظام تصمیم‌گیری آن ندارد و حال آن که در قوهٔ قضائیه، رابطه فی مابین ریاست قوهٔ قضائیه و یا رؤسای دادگستری با قضات دادگاه‌ها، همانند رابطه در قوهٔ مجریه نیست و قضات، علی رغم قبول حکم از سوی ریاست آن سازمان، تصمیمات و آرای مستقل قضائی خود را اعلام می‌کنند.

شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نیز در موارد عادی و طبیعی به تشخیص و رأی خود تصمیم می‌گیرند. حتی اگر این تصمیمات با آرای شخصی رهبری (و نه آرای حکومتی) متفاوت باشد. فقط در زمان صدور حکم حکومتی است که تبعیت از حکم برای کلیهٔ مکلفین نظام، اعم از قوای مختلف و شورای نگهبان و ... لازم می‌شود. لذا از این منظر، رهبری رابطه‌ای یکسان با مجلس، شورای نگهبان، دولت و قوهٔ قضائیه دارد.

البته مسئولیت نهادهای منصوب از سوی رهبری نظام، طبعاً به عهدهٔ ایشان است و سیاست‌های کلی و اصلی این نهادها توسط رهبری تعیین می‌گردد و ایشان در قبال عملکرد آن نهادها نیز پاسخگو می‌باشند.

علاوه بر موارد فوق، در پاسخ به این سؤال که چرا حکم حکومتی رهبری در خصوص طرح اصلاحیهٔ مطبوعات به طور غیر علنی به شورای نگهبان و مجمع تشخیص ابلاغ نشد، موضوع را از جنبهٔ دیگر نیز پاسخ می‌دهیم:

اساساً صدور احکام حکومتی توسط فقیه مبسوط الید، هیچ گاه جنبهٔ محرمانه و غیر علنی نمی‌یابد و آنگاه که موضوع این گونه احکام، مصالح جامعهٔ اسلامی باشد، احکام مذکور به صورت عمومی و رسمی و علنی باید اعلام شود.

۳. امّا در پاسخ به این که چرا رهبر انقلاب از مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص مشورت نخواست، دلیل آن واضح و روشن است. چرا که اولاً سوء استفادهٔ دشمن از ابهامات قانونی تا اندازه‌ای آشکار بود که هر عاقلی به منبع ظهور مشکلات پی برده بود و ثانیاً حکم حکومتی مقام معظم رهبری، پس از چند ماه اعلام مواضع ایشان و هشدار دربارهٔ نقش مطبوعات در مقطع فعلی کشور صادر گردید که طبعاً در طول این مدت، کارشناسان و دلسوزان نظام نظرات خود را در خصوص این مسأله به ایشان اعلام کرده بودند. بنا بر این، نمی‌توان این حکم را بدون مشورت با عقول دیگر قلمداد نمود.

در پایان ذکر این نکته لازم است که صدور احکام حکومتی علی القاعده، به عنوان آخرین علاج برای درمان مصالح مردم توسط رهبری است و نهادهای ذی ربط که بر طبق قانون اساسی، جملگی تحت نظارت رهبری فعالیت می‌کنند و سیاست‌های کلی نظام را از رهبری نظام اخذ می‌نمایند، باید تلاش مجدانهٔ خود را برای اجرای سیاست‌های کلی اعلام شده توسط رهبر بنمایند تا ولی امر، شرعاً موظف به استفاده از حکم حکومتی نشود. در موضوع قانون مطبوعات هم، اگر دستگاه‌های ذی ربط به حساسیت‌ها و سیاست‌های رهبری و دیگر دلسوزان نظام توجه کافی مبذول می‌داشتند، زمینهٔ صدور این حکم فراهم نمی‌آمد که مع الاسف چنین نشد![1]

حماسهٔ حضور کروبی!

از امام علی﷣ روایت شده که «فی تقلب الاحوال، عُلم جواهر الرجال؛ در دگرگونی حوادث، گوهر مردان شناخته می‌شود.»[2] حادثهٔ روز یکشنبه، شاید یکی از بارزترین مصادیق ارزشی این حدیث علوی بود. میزان ارزش گوهر مردان بسیاری، در آن روز معلوم شد و یکی از آن افراد حجت الاسلام والمسلمین کروبی بود.

نقش آقای کروبی در ادارهٔ جلسهٔ روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۷۹ مجلس شورای

---

۱. با استفاده از مقالهٔ روزنامهٔ رسالت: ۲۹ مرداد ۷۹، به قلم ناصر ایمانی.

۲. نهج البلاغه: حکمت ۲۱۷.

اسلامی به اندازه‌ای مهم و سرنوشت ساز بود که نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت. وی در جریان خارج شدن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار مجلس، این کار را اجرای دقیق قانون اساسی دانست و معترضین را به خاطر مخالفت با حکم حکومتی رهبر انقلاب سرزنش کرد و آن را اولین و آخرین حکم حکومتی ندانست. آقای کروبی در جلسهٔ روز دوشنبه ۱۷ مرداد، ضمن یادآوری مشروعیت مجلس ششم که با توجه به حکم حکومتی رهبر انقلاب تشکیل شده بود، گفت:

«دستور و فرمودهٔ رهبری، موجب شد الحمد الله مجلس به موقع باز شود و انتخابات تهران از حادثه‌ای که برایش داشت رخ می‌داد، مصون ماند. به هر حال شورای نگهبان ـ صحیح و ناصحیح آن را کار ندارم ـ نظرش این بود که انتخابات تهران باید باطل شود، بعضی از نیروها که خودداری می‌کنند و جوری حرف می‌زنند که ضمیر مرجعش را پیدا کند، مصر دنبال ابطال انتخابات بودند و نیروهای دوم خردادی همگی پافشاری داشتند که به حق هم بود که انتخابات باطل نشود و اصرار داشتند رهبری وارد و مانع شود و رهبری هم وارد شدند و مانع شدند. آن‌جا هم ایشان از حکم حکومتی و ولایی‌شان استفاده کردند.»[1]

رئیس مجلس در کانون حملات مدعیان قانونگرایی

حماسه‌ای که رئیس مجلس در جلسهٔ روز یکشنبه ۱۶ مرداد ماه، با صداقت و ایستادگی خود در برابر یک جریان مشکوک پدید آورد، هزینه‌های بسیاری را برای او به دنبال داشت. طیف تندروی جبههٔ دوم خرداد که به شدت از اقدام تحسین برانگیز حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی عصبانی بود، از همان روز، به طور مستقیم و غیر مستقیم علیه ایشان موضعگیری کردند. در کنار این موج داخلی که سعی داشت شخصیت آقای کروبی را تخریب کند، رسانه‌های بیگانه نیز دور جدیدی از تبلیغات مسموم را علیه حکم حکومتی رهبر انقلاب و مدیریت قاطعانهٔ رئیس مجلس آغاز کردند که در ادامهٔ بحث به آن می‌پردازیم.

۱ . روزنامهٔ کیهان : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲.

کیهان ۷۹/۵/۱۸

کروبی: مجلس در قبال حکم حکومتی رهبری به وظیفه قانونی و شرعی عمل کرد

مطابق اصل ۱۱۰ و ۵۷ قانون اساسی سیاستهای کلی نظام توسط رهبری تعیین می شود و قوای سه گانه تحت نظر او عمل می کنند

حذف اصلاح قانون مطبوعات از دستور کار مجلس با تصویب هیأت رئیسه بوده است، نه شخص من

جند نماینده وابسته به حزب مشارکت خارج شدن اصلاحیه قانون مطبوعات از دستور کار مجلس را که بنا بر حکم رهبر انقلاب صورت گرفت خلاف قانون نامیدند.

حیات نو ۷۹/۵/۱۹

فردای چپ‌های نو

م.صدرالدین

چپ‌ها روز یکشنبه ۱۶ مرداد را فراموش نخواهند کرد.

آنان در یک روز پرهیاهو، تنها موفق شدند به سلامت از پارلمان خارج شوند و دیگر هیچ!

چپ‌ها ۱۶ مرداد آشکارا دریافتند که اگر بخواهند از همه ظرفیت قاعده رفتار سیاسی در قالب پارلمان استفاده کنند باید در آرایش نیروهای خود تجدیدنظر کنند. زیرا با یک صف‌بندی جدی درون‌گروهی مواجه هستند که در مواقع حساس با تعلقات خاطر صنفی مواجه می‌شود و به آرامی از یک جناح به جناح دیگر حرکت می‌کند و این جابه‌جایی هرچند شفاف است اما مصونیت از نقد افکار عمومی را در پی ندارد.

چپ‌های جوان با جولتان چپ که اغلب به لقب نو نیز افتخار می‌کنند در ۱۶ مرداد باید به فقدان یک سیستم کارجدی پی برده باشند و بازنگری تنها نباید به اردوی محافظه‌کاران محدود شود.

اما پیامدهای آنچه در میان بهت و ناباوری در برابر هیئت رییسه مجلس ششم رخ داد، در صورتی که با درایت سیاسی پاسخ گفته نشود، جنبش اصلاح‌طلبی را با فقدان استراتژی راهبردی برای تحقق شعارهای مدنی و استفاده از ظرفیت تهی شدن پارلمان روبه‌رو خواهد کرد. در این صورت چه تفاوتی میان این مجلس با دوره قبلی وجود خواهد داشت و اصولا

ایران ۷۹/۵/۱۸

حمایت نهادها و شخصیت‌ها از نامه رهبری و اقدام کروبی

عمل قانونی رییس مجلس، اقدامی شخصی معرفی شد!

حیات نو ۷۹/۵/۲۵

در نامه شورای تهران دفتر تحکیم وحدت به نمایندگان مجلس عنوان شد:

پیوند مردم با هیچ کس، ابدی نیست

الف ـ تصمیم کروبی، نقض قانون!

اولین موضعگیری در برابر قانونمداری رئیس مجلس، طرح این نکته بود که خارج شدن طرح از دستور جلسه، عملی برخلاف آیین نامهٔ داخلی مجلس بوده است. این نکته را علاوه بر آقایان هادی‌زاده و مزروعی که در جلسهٔ روز یکشنبه خطاب به رئیس مجلس عنوان کردند، برخی دیگر از نمایندگان در روزهای بعد در مصاحبه‌های خود مطرح نمودند.

محسن میردامادی، عضو حزب مشارکت در این باره معتقد بود:

«معتقدم خارج کردن طرح از دستور، خلاف قانون و آئین نامه بود. این نحوهٔ ادارهٔ جلسه در شأن مجلس نبود و این اقدام، عاملی شد برای متزلزل کردن آیین نامهٔ داخلی مجلس.»[۱]

سید ناصر قوامی، نمایندهٔ قزوین نیز قانونمداری رئیس مجلس را خلاف آئین نامه عنوان کرد. وی که حمایت‌های مردمی را عامل تشنج می‌دانست (!) گفت:

«خارج کردن طرح اصلاح قانون مطبوعات از دستور جلسه، باید با رأی نمایندگان صورت می‌گرفت و این‌گونه برخورد کردن با دستور جلسات، تخلف قانونی است.»[۲]

همچنین تاجرنیا، نمایندهٔ جوان و تازه کار مجلس نیز خواستار دقت بیش‌تر هیأت رییسه شد. وی معتقد بود که آئین نامهٔ داخلی مجلس، مانند قانون اساسی باید مورد توجه قرار گیرد:

«به نظر من اشتباه از سوی هیأت رییسه مجلس بود که بحث دامن زده شد، همان طور که ما در قانون اساسی مسایلی داریم که رئیس مجلس به آن اشاره کردند، برای این‌که کاری در روند مطلوب انجام شود، نیازمند این است که به آیین نامه مجلس نیز توجه شود.»[۳]

---

۱ . روزنامه‌های بهار : ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۱ و حیات نو : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲ .

۲ . روزنامهٔ حیات نو : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲ .

۳ . همان .

در پاسخ به این اظهار نظرها باید گفت:

۱ . برخی از این شخصیت‌ها، اقدام رئیس مجلس را به طور مطلق خلاف قانون و جمعی دیگر خلاف آئین نامه عنوان کردند که باید پرسید، منظور از خلاف قانون، کدام قانون است؟ اگر منظور قانون اساسی است، که در اصول ۵، ۵۷ و ۱۱۰ آن، به روشنی جایگاه ولی فقیه و احکام صادرهٔ وی تبیین شده است. همچنین اصل ۷۲ قانون اساسی به طور ضمنی، تکلیف مصوبات خلاف شرع و قانون اساسی را بیان کرده.

۲ . اصول قانون اساسی، حاکم بر قوانین جزئی پایین‌تر از خود است. هرگز آیین نامهٔ داخلی مجلس، نمی‌تواند در برابر اصول قانون اساسی ـ به خصوص اصل ۵، ۵۷ و ۱۱۰ ـ عرض اندام کند و حاکم یا در عرض آن باشد. این نکته باید مورد توجه کسانی که سنگ اجرای قانون اساسی را به سینه می‌زنند، باشد.

۳ . از تمام این مطالب که بگذریم، با برخورد متناقض این نمایندگان جنجالی چه باید کرد. این عده که مخالفت با آئین نامه را گناه کبیره برمی‌شمردند، یکسال بعد، در مسأله تحقیق و تفحص از صدا و سیما چنین برداشتی نداشتند.[1]

---

۱ . این موضوع به اختلاف شورای نگهبان و مجلس در خصوص تحقیق و تفحص از صدا و سیما بازمی‌گردد که نهایتاً تصمیم‌گیری دربارهٔ آن به مجمع تشخیص مصلحت نظام سپرده شد. مجمع تشخیص مصلحت نیز به دلیل وجود مجلس خبرگان، حق تحقیق و تفحص را برای مجلس قائل نشد. پس از این واقعه و در پی اصرار برخی از نمایندگان یک حزب خاص در مجلس، آقای کروبی از رهبر انقلاب در این خصوص سؤال کردند و مقام معظم رهبری، حل مسأله را به مجمع تشخیص مصلحت عودت دادند تا از «طریق قانونی» مسأله را حل نماید. امّا از آن‌جا که این کار در محدودهٔ اختیار قانونی و آیین نامهٔ داخلی مجمع نبود، رئیس مجمع تشخیص مصلحت از رهبری خواست تا از اختیارات ویژهٔ خود استفاده نماید. این درخواست با واکنش تند شخصیت‌هایی چون شکوری راد، انصاری راد، قوامی و ... روبرو شد. آنها مدعی بودند که با وجود نظر صریح رهبری، نیازی به نامهٔ آقای هاشمی رفسنجانی نبود! در حالی که همین اشخاص در جریان عمل قانونی رئیس مجلس، معتقد بودند وی خلاف آئین نامه عمل کرده است و به هیچ وجه نباید برخلاف آئین نامه عمل کرد! مثلاً آقای میردامادی در پاسخ به خبرنگار بهار می‌گوید: «این که نظر رهبری باعث شود تا برخلاف آیین نامه، دستور کار مجلس تغییر کند، صحیح نیست (!) » (روزنامهٔ بهار: ۱۷ مرداد ۷۹)

ب ـ تصمیمی شخصی

یکی دیگر از بهانه‌های برخی از نمایندگان برای فرار از پذیرش تصمیم قاطع و قانونی رئیس مجلس، «شخصی» دانستن آن بود. محسن میردامادی و الههٔ کولایی معتقد بودند: «نحوهٔ مدیریت مجلس، مورد توافق هیأت رییسه نبوده و ریاست محترم بر اساس دیدگاه شخصی خود در این باره اقدام کرده است.»[۱]

در پاسخ به این سخنان نیز باید گفت:

۱ . این ادعای بی‌دلیل، نه تنها اعتماد عمومی را نسبت به تحولات مدیریت و روابط کاری اعضای هیأت رییسه مجلس سلب می‌کند، بلکه باعث وهن مجلس و خوشحالی دشمنان دیرینهٔ نظام اسلامی است. همان طور که گروهک نهضت آزادی از طرح این مباحث استقبال کرد و در بیانیه‌ای نوشت:

> «اگر چه آقای کروبی عمل خود را ناشی از تصمیم هیأت رییسه قلمداد کرد، امّا برخی از اعضای هیأت رییسه این ادعا را رد کردند. ظاهراً اقدام آقای کروبی تصمیم فوری و شخصی ایشان بوده است که مخالف آیین نامهٔ مجلس است... تنها راه حفظ کیان مملکت و اعتبار آبروی نظام و تأمین منافع ملی و بهبود وضع زندگی مردم، التزام عملی به قانون اساسی و قانونگزاری است(!)»[۲]

۲ . جنجال آفرینی این عده و طرح مباحثی چون «خلاف آیین نامه» و «شخصی دانستن» تصمیم هیأت رییسه، در حالی بود که آیین نامهٔ مجلس شورای اسلامی اساساً در این باره ساکت است! این نکته اعترافی بود که از طرف الههٔ کولایی،[۳] سازگارنژاد[۴] و محمدرضا خاتمی عنوان شد.

نائب رئیس مجلس، محمدرضا خاتمی در این باره گفت:

---

۱ . روزنامهٔ حیات نو : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲ . همان : ۲۲ مرداد ۷۹، ص ۲.

۳ . همان : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲.

۴ . روزنامهٔ رسالت : ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۱۵.

«آیین نامهٔ داخلی مجلس دربارهٔ این وضعیت، پیش‌بینی خاصی نکرده است. باید ببینیم و در هیأت رییسه بحث کنیم و همان‌گونه که گفتم، آیین نامه دربارهٔ آن مسکوت است.»[۱]

البته همان طور که گفته شد، در تعارض اجرای قانون اساسی و قوانین جزئی مانند آیین نامه‌های داخلی، اجرای قانون اساسی حاکم است. بنا بر این، نه تنها ابهامی در این خصوص نبود، بلکه صورت مسأله کاملاً روشن بود. شاید به همین دلیل امثال عباس عبدی از بررسی تصمیم هیأت رییسه از منظر حقوقی اکراه داشت و می‌گفت:

«این روزها بحث حقوقی مطرح نیست، بحث حقوقی در شرایط فعلی مبنای روشنی ندارد، این نوع کارها بیش‌تر سیاسی است (!) »[۲]

ج ـ تهدید و اعمال فشار

علاوه بر اشکالاتی چون «تخلف آیین نامه‌ای» و «تصمیم شخصی» که از طرف مدعیان اصلاح‌طلبی و قانونگرایی به رئیس مجلس وارد می‌شد، از اهرم تهدید نیز برای در فشار قرار دادن رئیس مجلس استفاده شد.[۳] اجرای این بخش به عهدهٔ تشکل‌های افراطی در دانشگاه‌ها ـ تشکل‌های با گرایش ملی‌گرایی ـ و برخی از روزنامه‌های غوغاسالار بود.

انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف، در نامه‌ای به آقای کروبی ـ که مورد استقبال برخی از روزنامه‌ها قرار گرفت ـ با ادعای این‌که «ما در برابر توصیه و سفارشی! که به مردم و دانشجویان مبنی بر رأی دادن به شما ارائه دادیم، مسئولیم» اظهار امیدواری کرد که جایگاه ریاست مجلس، خاطرهٔ شجاعت ؟! صدها روزنامه‌نگار را

---

۱. روزنامهٔ بهار : ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۱.

۲. روزنامهٔ حیات نو : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲.

۳. روزنامهٔ رسالت در تاریخ ۱۸ مرداد ۷۹ در خبری فاش ساخت که تعدادی از نمایندگان فراکسیون یک حزب تندرو در جلسه‌ای، مباحثی را علیه آقای کروبی مطرح نمودند و وی را عامل اصلی عدم طرح اصلاح قانون مطبوعات دانستند. در آن جلسه در خصوص راه‌کارهای طرح استیضاح وی در مجلس، مذاکره به عمل آمده بود.

از یاد آقای کروبی نبرده باشد. این انجمن چند نفره که نامهٔ اهانت آمیزش در خروجی تلکس مطبوعاتی خبرگزاری دولتی نیز قرار گرفت، در ادامهٔ نامهٔ خود نوشته بود:

«از ریاست مجلس انتظار می‌رود که شهامت و شجاعت وکالت مردم، در استیفای حقوق تضییع شدهٔ آنها را داشته باشد. آقای کروبی، از سرنوشت رؤسای پیشین مجلس شورای اسلامی پند گیرد.»[1]

روزنامهٔ «حیات نو» که مدیر مسئول آن یکی از نمایندگان مجلس بود، به عنوان یکی از کانال‌های فشار بر رئیس مجلس نقش بازی می‌کرد. این روزنامه علاوه بر درج نامه‌ها و بیانیه‌های افراطی این نوع تشکل‌ها، با چاپ تلفن‌هایی به نام مردم در ستون «پاسخ حیات» و «صدای حیات» سعی بر آن داشت که حرکت قانونی رئیس مجلس را بر خلاف خواست مردم نشان دهد. «حیات نو» در تاریخ ۲۹ مرداد (دو هفته پس از خروج طرح از دستور) نام ۶۰ نفر را به چاپ رساند و ادعا کرد که آنها در تماس خود با روزنامه، ضمن انتقاد از خروج طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور جلسه، پرسیده‌اند:

«خواهش می‌کنیم در خصوص جلسهٔ روز ۱۶ مرداد توضیح دهید! واقعاً هدف آن رفتار هیأت رییسه و برخی از نمایندگان چه بود؟»[2]

«حیات نو» سپس با این ادعا که جلسهٔ روز یکشنبه هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، از رئیس مجلس خواست تا با تشکیل یک مصاحبهٔ مطبوعاتی، دربارهٔ عمل قانونی خود، توضیح دهد! پیش از این نیز، همین روزنامه در مقاله‌ای با تیتر «رئیس مجلس نباید فرصت را از دست بدهد» خطاب به آقای کروبی نوشته بود:

«... حمایت‌های بی‌دریغ جناح اقلیت [مردم انقلابی و در صحنه] در خارج از مجلس از آقای کروبی، به خاطر بی‌توجهی او نسبت به نظرات اصلاح‌طلبان است. القابی چون اصول‌گرا، ارزشی، مخلص ... کلماتی نیست که مخالفان اصلاحات شایستهٔ آقای کروبی بدانند (!)»

---

۱ . روزنامهٔ حیات نو: ۲۴ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲ . همان: ۲۹ مرداد ۷۹، ص ۳.

در این مقاله، ضمن تشکیک در اطلاق «حکم حکومتی» بر نامهٔ رهبری، نـظر آقای کروبی مبنی بر حکم حکومتی بودن آن، «پرچمی عنوان شد که برای همیشه در مقابل بازگرداندن طرح اصلاحیه قانون مطبوعات، قرار می‌گیرد». در قسمتی از همین مقاله، ضمن تهدید آقای کروبی نوشته شده بود:

«آقای کروبی در مقابل سوء استفاده‌هایی که از اقدام او مبنی بر خارج کردن طرح از دستور مجلس می‌شود و ضایعاتی را که این سوء استفاده‌ها بر روند اصلاحات وارد می‌کنند، چه پاسخی خواهد داد؟ قطعاً جلوگیری از ضایعات آتی و کمک به جـامعهٔ مدنی و اصلاحات و نیز "جبران ضربه‌ای" که بر اثر تشنج روز یکشنبه به مجلس ششم وارد شد، باید اولین دغدغهٔ رئیس مجلس باشد و آن باز کردن باب گفت و گو و آوردن طرحی برای اصلاح قانون مطبوعات که "نقطه نظرات رهبر معظم انقلاب و ریاست محترم جمهوری" در آن گنجانده شده باشد، اگر آقای کروبی دیر بجنبد و این فرصت را مخالفان اصلاحات از او بگیرند، معلوم نیست آیندگان دربارهٔ او چـه قضاوتی خواهند کرد.»[1]

د ـ تعرض و اهانت

پس از بیانیه‌های تهدیدآمیز احزاب سیاسی و تشکل‌های افراطی، تعرض لفظی و اهانت‌های قلمی نیز به رئیس مجلس آغاز شد!

دو هفته پس از جلسهٔ ۱۶ مرداد، اولین حمله به آقای کـروبی از طـرف یکـی از تشکل‌های دانشجویی وابسته به دفتر تحکیم (انجمن اسلامی دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی) آغاز شد. این تشکل در بیانیهٔ هتاکانه‌ای، ضمن زیر سؤال بردن اقدام ارزشی و انقلابی رئیس و اکثریت قاطع نمایندگان مجلس به تبعیت از تئوری‌های اخیر خط دهندگان اصلی دفتر تحکیم، کارآمدی فقه شیعه را در ادارهٔ جامعه زیر سؤال برد.

در بیانیهٔ این تشکل، ضمن بیان این مطلب که اقدام رئیس مجلس، ناظر به یک نوع قرائت منسوخ (!) از نظریهٔ ولایت فقیه است، آمده بود:

---

۱ . روزنامهٔ حیات نو: ۲۶ مرداد ۷۹، ص ۳.

«در بدو پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به آرمان‌های دینی، نوید ایجاد مدینهٔ فاضلهٔ اسلامی و توهم استغنای ایدئولوژیک(!) اقبال عمومی در جهت استقرار فقها در صدر حکومت قرار گرفت.»[1]

این بیانیه که دارای محتوای کاملاً ضد انقلابی و در ضدیت با نظام «جمهوری اسلامی» بود، به هیچ وجه نمی‌توانست برخاسته از تفکر حاکم بر «انجمن اسلامی» باشد و به نظر می‌رسید تهیه‌کنندگان آن، تحت تأثیر عناصری بیرون از دانشگاه مرتکب چنین اقدام انحرافی شده باشند. متأسفانه پس از مدتی بررسی‌های امنیتی و قضائی به عمل آمده و این حقیقت تلخ را تأیید کرد.[2]

پیش از این تشکل، دبیران سیاسی دفتر تحکیم وحدت در قطعنامهٔ پایانی نشست

---

۱. روزنامهٔ کیهان و جمهوری اسلامی: ۲ شهریور ۷۹، ص ۲.

۲. علی افشاری، مسئول واحد سیاسی دفتر تحکیم وحدت که پس از یک دوره فعالیت‌های براندازانه، در تابستان سال ۷۹ دستگیر شد، در قسمتی از اعترافات خود با اشاره به طرح براندازی خاموش می‌گوید: «این طرح شامل جریان برانداز خط جدایی دانشجویان از حکومت دینی و ابعاد اسلامیت نظام بود... استحالهٔ فرهنگی دارای خط مشی فرهنگی است و عنصر دین و اسلامیت نظام را هدف قرار می‌داد که القای شبهه در ناکارآمدی حکومت دینی، بدین‌گونه که اساساً حکومت دینی نمی‌تواند به خواسته‌های مردم برسد و یا از حل مسائل و مشکلات دنیای مدرن و پیشرفته عاجز است... جریان برانداز معمولاً برای عملیات، مدل‌هایی مانند "نافرمانی مدنی" و "مقاومت فعال" را مد نظر داشت. به طوری که قبلاً هم گفتم، جریان برانداز هدف و قصدش، ایدئولوژی زدایی از انقلاب اسلامی، پایان بخشیدن به حیات سیاسی اجتماعی دین و نظام حکومتی ولایت فقیه است. بنا بر این، القای ناکارآمدی حکومت دینی از طریق تقابل کاذب بین اسلامیت و جمهوریت، دین و آزادی و همچنین ایجاد مطالبات نامعقول و خارج از ظرفیت قانون اساسی است که بر مبنای آن ترویج و تبلیغ می‌شود که به طور طبیعی این مواضع انباشته شده، چون از سوی نهادهایی که پاسدار نظام هستند در برابر خواسته‌های خارج از چارچوب دین و فرهنگ دینی مقاومت می‌کنند و نمی‌گذارند اجرا شود، این انباشت مطالبات و عدم اجرا شدن، به طور طبیعی فضا را برای حرکت در خارج از چارچوب نظام و قانون اساسی آماده می‌کند و در اینجاست که سعی می‌شود از طریق مطبوعات و رسانه‌های داخلی و خارجی برای شبهه پراکنی پیرامون قانون اساسی زمینه‌سازی شود که اساساً قانون اساسی مطالبات مردم را برآورده نمی‌کند و فاقد ظرفیت‌های اصلاحی است که به درخواست‌های امروز جوانان پاسخ دهد... جریان برانداز اساساً به دنبال تبدیل حکومت ایران به حکومت غیر دینی و تقلیل بُعد اسلامیت نظام بود و عنصر ولایت فقیه را قبول نداشت و عقیده‌شان بر این بود که ولایت فقیه، ولایت بر مهجورین است، نه ولایتی برای مردم؛ زیرا مردم نیاز به قیم ندارند. بنا بر این، بحث ولایت فقیه منتفی است.» (روزنامهٔ کیهان: ۲۷ اردیبهشت ۸۰، ص ۱۴)

خود که در گرگان برگزار شد، ضمن غیر قانونی خواندن تصمیم نمایندگان، از یک سو مجلس را نماد ارادهٔ ملت و مبنای مشروعیت قوانین عنوان کردند و از سوی دیگر، با اظهار تعجب از کسانی که با استفاده از نردبان اعتماد مردم به مسند نمایندگی و ریاست مجلس دست یافته‌اند و اکنون خود را وامدار کسی نمی‌دانند، مدعی شدند:

«باید به حال این ملت گریست که همیشه و در طول تاریخ، مورد سوء استفاده بازیگران عرصهٔ سیاست قرار گرفته‌اند(!) »[1]

ظاهراً از نظر دفتر تحکیم وحدت، تنها مجلس و نمایندگانی نماد ارادهٔ ملت و مبنای مشروعیت قوانین هستند که همسو با خواسته‌ها و مطالبات سیاسی رؤسای پشت پردهٔ آنان باشند.

اعضای دفتر تحکیم وحدت که در این قطعنامه «هر نظر و اراده‌ای جز از طریق تصویب نمایندگان ملت را فاقد وجاهت قانونی، عرفی و شرعی» اعلام می‌کردند! دو سال قبل، در مراسم تجلیل از عبدالله نوری، خواستار انحلال مجلس پنجم به خاطر استیضاح وزیر کشور شدند! و یک سال پس از صدور بیانیه‌های تند سیاسی و ناپخته، وقتی زمان مصرفشان به اتمام رسید و دیگر قابل استفادهٔ احزاب سیاسی نبودند، در برابر این جملهٔ سعید حجاریان قرار گرفتند که:

«جنبش دانشجویی حرف مفت است... دفتر تحکیم وحدت مدت‌ها است که دویده و درگیر شده، حالا وقت آن است که غیر سیاسی شود.»[2]

تجدید نظر طلبان به دنبال راه کار

خروج طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار مجلس، در واقع اثبات وفاداری رئیس محترم مجلس و اکثریت نمایندگان به رکن ولایت فقیه و همچنین نقطهٔ یأس

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۲۳ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲. اظهارات سعید حجاریان در جمع اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، روزنامهٔ کیهان: ۸ مرداد ۸۰، ص ۱۴. همچنین نگاه کنید به پاورقی صفحهٔ ۱۲۶، در همین کتاب.

تجدیدنظر طلبان از خانهٔ ملت بود. پس از این واقعه، راه‌کارهای مختلفی در خصوص چگونگی ادامهٔ فعالیت‌های آینده این جریان، از سوی شخصیت‌های حزبی و برخی از نشریات همسو با آنان ارائه گردید که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف ـ کناره‌گیری از اصولگرایان

روزنامهٔ «حیات نو» ـ به مدیر مسئولی یکی از نمایندگان مجلس ـ که در آن زمان با توجه به تعطیلی روزنامه‌های دیگر نقش محوری را در این باره ایفا می‌کرد، با درج مقاله‌ای که نشان از عصبانیت تیم فکری این نشریه از اقدام نمایندگان اصولگرای مجلس داشت، با تقسیم بندی نیروهای چپ‌گرا به چپ‌های سنتی و چپ‌های جوان، ضمن انتقاد از چپ‌های سنتی آنان را گروهی دانست که به خاطر تعلقات صنفی، به آرامی به سوی جناح دیگر حرکت می‌کنند. نویسندهٔ مقاله با اظهار نگرانی از آیندهٔ مجلس ششم، ضرورت کناره‌گیری چپ‌های سنتی را گوشزد می‌کند و می‌نویسد:

> «به نظر می‌رسد جبههٔ دوم خرداد، در پی فقدان آسیب‌های فروپاشی جناح میانه، از مرحلهٔ ابتکار عمل به واکنش گرایی کشانده شده است و چپ‌های جوان با آرامی، خواهان کناره‌گیری دوستان کهنسال خود هستند که روزگار سپری شده و بر مبنای الگوهای همان دوران، در این جناح به قدرت رسیده‌اند. چپ‌های جوان، اکنون به چالشی فراخوانده شده‌اند که باید با تدبیر از آن عبور کنند و عبور از بحران، یک استراتژی فعال است.»[1]

ب ـ لزوم ارائه طرح‌های افراطی به شکل مخفیانه

تجدید نظرطلبان که در جریان ارائه طرح دشمن پسند تغییر قانون مطبوعات از سوی افکار عمومی و برخی از نمایندگان مجلس، چهره‌های سیاسی و مطبوعات مورد سؤال قرار گرفته بودند و نسبت به طرح‌ها و اقدامات آتی آنان در سطح جامعه ایجاد حساسیت شده بود، در یکی از محافل خصوصی خود پیرامون چگونگی ارائه طرح‌های

---

۱. روزنامهٔ حیات نو: ۱۹ مرداد ۷۹، ص ۲۲.

آینده به بحث نشستند.[۱]

نتیجهٔ این نشست، مقاله‌ای بود که یک روز بعد در روزنامهٔ «حیات نو» به چاپ رسید! در این یادداشت به نمایندگان مجلس رهنمود داده شده بود:

> «نمایندگان مجلس، باید هوشمندانه حرکات خود را بر مداری تنظیم و تصحیح کنند که حوادثی از قبیل آنچه که منجر به حذف لایحهٔ اصلاح قانون مطبوعات از دستور کار مجلس گردید، امری طبیعی تلقی شود و بدون کمترین نقش و بلوا و حساسیتی، به گونه‌ای قانونمند در چارچوب مناسبات و آیین نامه‌های مجلس حل و فصل گردد. نمایندگان باید توجه داشته باشند که لوایح مشابه، بدون تبلیغات و شاخ و شانه کشی و جنجال و در آرامش و سکوت کامل تدوین و به موقع در صحن علنی مجلس مطرح گردد.»[۲]

نتیجهٔ طبیعی عمل به این رهنمود، ارائه طرح‌ها و لوایح مشابه به شکلی عجولانه و خالی از نقد کارشناسانه بود! چرا که ممکن نیست دربارهٔ طرحی، کار کارشناسی صورت پذیرد، امّا مفاد آن در سطح جامعه و در بین کارشناسان مورد ارزیابی قرار نگیرد و تدوین آن همراه با سکوت کامل باشد!

ج ـ دعوت به شورش!

یکی دیگر از راه‌کارهایی که در آن ایام توسط رادیوهای خارجی و برخی از واخورده‌های داخلی دنبال شد، دعوت مردم به اعتراضات علنی بود!

رادیو آزادی، وابسته به سازمان سیا که پس از فروپاشی شوروی محور عمدهٔ فعالیت‌های خود را متوجه ضدیت با جمهوری اسلامی کرده بود، در میزگردی با حضور چند عنصر ضد انقلاب (چپ آمریکایی) که وابسته به یکی از گروه‌های میزبان طیف اصلاح‌طلبی در کنفرانس برلین نیز بودند، با اشاره به اقدام انقلابی مجلس ایران در

---

۱ ـ روزنامهٔ کیهان: ۲۳ مرداد ۷۹.

۲ ـ روزنامهٔ حیات نو: ۲۲ مرداد ۷۹، ص ۳.

کنار گذاشتن طرح تغییر برخی از مواد قانون مطبوعات، افراد موسوم به اصلاح‌طلب را به برگزاری راهپیمایی و تدارک اعتصاب برای مقابله با اقدام مجلس تحریک می‌کرد. این رادیو ضمن توصیه اصلاح‌طلبان به لزوم افزایش التهاب در ایران، نامهٔ مقام معظم رهبری به نمایندگان مجلس را نگران‌کننده و بزرگ‌ترین چالش در برابر اصلاحات خواند و از قول فرخ نگهدار (از سران فراری گروهک فدائیان خلق) گفت که «قضیه نباید با سکوت برگزار شود(!)»[1]

این رادیوی آمریکایی، ضمن دعوت به برگزاری تجمع و راهپیمایی در اعتراض به اقدام مجلس از قول علی کشتگر (ضد انقلاب فراری و از سران چریک‌های فدایی) خواستار نافرمانی جریان موسوم به اصلاح‌طلب و تدارک اعتصاب شد و در عین حال علت تعلل برخی از اصلاح‌طلبان، برای تدارک چنین برنامه‌هایی را نگرانی از عواقب هرج و مرج‌آمیز چنین اقداماتی عنوان کرد و برای رفع چنین نگرانی‌ای از قول فرخ نگهدار به اصلاح‌طلبان اطمینان خاطر داد که:

«این که می‌گویند در صورت آشوب و تشنج ایران مثل لبنان و افغانستان می‌شود، درست نیست و این روند تشنج پس از یک دورهٔ کوتاه، به روال عادی باز می‌گردد.»

در این میزگرد، فرخ نگهدار برای ایجاد مسأله و بحران سازی در سطح جامعه به نیروهای اصلاح‌طلب توصیه کرد:

«اصلاح‌طلب‌ها مسأله اصلاح قانون مطبوعات، انتخابات، احزاب و موضوع کنترل رادیو و تلویزیون را به مجلس ببرند تا جلویش گرفته شود، این امر خود موجب بالا رفتن التهاب خواهد شد. باید با پیگیری وعده‌های اصلاح طلبانه(!) جامعه را در التهابی اصلاح طلبانه(!) نگه داشت.»

این نکتهٔ بسیار معنی‌داری است که درون مجلس شورای اسلامی، اتفاقی رخ دهد؛ لکن فریاد اعتراض آن از رسانه‌های بیگانه و از سوی منافقین فراری از کشور بلند شود وچنین وانمود گردد که این عده به خاطر آزادی بیان در ایران دل می‌سوزانند. به

---

۱ . روزنامه‌های جمهوری اسلامی و کیهان : ۲۴ مرداد ۷۹.

رسالت بررسی می‌کند: دفتر تحکیم وحدت از سکوت تا همایش گرگان

تعقیب خط آشوب؛ همسویی با آمریکا

رسالت ۷۹/۵/۲۴

● برنامه‌های آمریکا برای گسترش خشونت در ایران:
- ایجاد یاس اجتماعی
- اعلام ناتوانی و شکست خاتمی در هدایت اصلاحات
- ایجاد اغتشاش، درگیری و خشونت و تحریک به جنگ داخلی
همسویی آگاهانه یا ناآگاهانه دفتر تحکیم با گروههای ضد انقلاب خارج کشور در قطعنامه پایانی نشست گرگان آشکار است

● خط جدایی و تعارض با خاتمی توسط دفتر تحکیم وحدت دنبال می‌شود
● دفتر تحکیم: خاتمیت نه تنها صلاحیت تعریف اصلاحات را ندارد بلکه خود یکی از موضوعات اصلی اصلاحات است
● رییس جمهور بخشی از فرآیند اصلاحات ربطی حکومت و دولت شارب بنده معتقدم مخصوص اصلاحات حکومت است

کدام نظام را سراغ دارید که به جریان براندازی اجازه فعالیت دهد

حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی:

کسانی که قایل به حفظ حدود و حرمتها نیستند دشمن آزادی هستند

کیهان ۷۹/۵/۲۹

گفت و شنود

حافظه!

گفت: داستان تجمع ۲۹ مرداد در میدان بهارستان چی بود که امروز وزارت کشور اعلام کرده هرگونه تجمع در روز ۲۹ مرداد غیرقانونی است؟!

گفتم: از ده روز پیش رادیو سلطنت‌طلبان در امریکا و برخی از نشریات ضدانقلاب خارج کشور اعلام کرده بودند که هواداران آنها در این روز به حمایت از طرح حذف‌شده تغییر قانون مطبوعات در میدان بهارستان تجمع خواهند کرد!

گفت: مگر گروههای ضدانقلاب خودشان قانونی هستند که وزارت کشور اعلام کرده تجمع آنها غیر قانونی است؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! ولی برخی از جریانات داخلی هم در بیانیه‌ها و مقالات خود به طور ضمنی تهدید کرده بودند که حذف طرح مزبور ممکن است با واکنش‌هایی روبرو شود؟!

گفت: ولی آنها که اعلام تجمع نکرده بودند.

گفتم: البته که نه، ولی امروز نوشته‌اند که تجمع فوق الذکر، طرح اصولگرایان بوده است!؟

گفت: یعنی اصولگرایان، با اصول خودشان مخالف هستند؟!

گفتم: نه بابا! منظورشان این است که ضدانقلاب برای بدنام کردن طیفی از مدعیان اصلاح‌طلبی این نقشه را کشیده و قصد تجمع داشته است!

گفت: پس چرا، همین طیف از مدعیان اصلاح‌طلبی در نشریات و بیانیه‌های خودشان تهدید کرده بودند که...؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! خب! این جماعت مدتی است که خیلی فراموشکار شده‌اند! می‌گویند شخصی را که خیلی از حافظه قوی خود تعریف می‌کرد در خیابان دیدند و از او پرسیدند کجا می‌روی؟! طرف گفت: از شما چه پنهان که نمی‌دانم از خانه آمده‌ام و دارم به اداره می‌روم؟ یا از اداره برگشته‌ام و قرار است به خانه بروم؟!

هاشم آغاجری(عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی):

ما باید در این مرحله قواعد بازی سیاسی را متحول کنیم...

اصلاحات باید ساختار سیاسی را متحول کند.

کیهان ۷۹/۵/۲۲

گروههای محصف نظام در میزگرد رادیو وابسته به سیا عنوان کردند

دعوت از اصلاح‌طلبان آمریکایی برای بحران‌سازی و شورش در کشور

یکی از معاندین خارج از کشور:

اصلاح طلبان مساله اصلاح قانون مطبوعات ، انتخابات احزاب و کنترل رادیو تلویزیون را به مجلس ببرند این امر خود موجب بالا رفتن التهاب می شود. باید با وعده های اصلاح طلبانه جامعه را در التهاب اصلاح طلبانه نگه داشت.

رسالت ۷۹/۵/۲۳

آمریکا روی خط آشوب!

■ رادیو موسوم به آزادی وابسته به‌سیا به عوامل خود در ایران دستور داد به بحران‌سازی و شورش روی آورند

■ فرخ نگهدار عضو گروهک ضدانقلابی فدائیان: اصلاح‌طلبان تغییر قانون مطبوعات و انتخابات وموضوع کنترل رادیوتلویزیون را به‌مجلس ببرند، این امر باعث بالارفتن التهابات خواهد شد

■ علی کشتگر از عناصر ضدانقلاب فراری: اصلاح‌طلبان ترکشان را از جنبش ضدخشونت تغییر دهند، اگرآنها نمی‌خواهند به اعتراض دعوت‌کنند، دست کم مانع نشوند!

■ عضو چریکهای فدایی‌خلق: کروبی ظرفیت ریاست مجلس راندارد، اینها از اول اشتباه کردند که یک‌شخص مثل کروبی را به ریاست مجلس گذاشتند، الان هم دیرنشده‌است

■ نباید سکوت کرد، باید با تظاهرات، اعتصاب و تجمعات اعتراضات خودرا یک قدم جلو برد

■ رادیو آمریکا تغییر سیاست واشنگتن را به سوی ملتهب کردن اوضاع با آشوب درونی ابلاغ کرده است

راستی این عده از چه چیز نگران بودند؟ از نبود آزادی بیان در ایران! یا همچون افغانستان و لبنان نشدن این مرز و بوم؟

دقیقاً و همزمان با این پیشنهاد، طیفی از مدعیان اصلاح‌طلبی، در داخل کشور همایشی با عنوان «اصلاحات چیست و اصلاح‌طلب کیست؟» برگزار کردند[1] و پیشنهادی مشابه پیشنهاد نشست‌های آمریکایی را به بحث گذاشتند.

هاشم آغاجری، عضو مرکزیت سازمان مجاهدین انقلاب در این همایش، در پاسخ به سؤال «چه تضمینی هست که دوم خردادی‌ها مثل دیگران نباشند» گفت:

> «هیچ تضمینی نیست، ما باید در این مرحله قواعد بازی سیاسی را متحول کنیم... اصلاحات باید ساختار سیاسی را متحول کند، جنبش‌های اصلاح‌طلبی از سویی از بیرون تحت فشار است و از سویی از طرف لایه‌های درونی که خواهان تندتر شدن سطح اصلاحات است.
>
> مردم با نظام سیاسی بیگانه شده‌اند و امکان دارد بعضی‌ها راه افراطی و راه‌های چریکی و براندازی را پیش بگیرند، امّا برای رهایی از آنارشیسم و هرج و مرج با تأکید بر جنبش اصلاحات، اگر کسی راه حلی که هزینه‌اش کمتر باشد دارد، ارائه کند(!)»[2]

همزمان با تحریک آمریکا و برخی از چهره‌های موسوم به اصلاح‌طلب، روزنامه‌های وابسته به یک گرایش سیاسی نیز، در داخل همین هدف را دنبال کرده و بر آن تأکید می‌کردند.

از جمله روزنامهٔ «حیات نو» در یکی از شمارگان خود طی مقاله‌ای با عنوان «آیا سطح منازعات سیاسی در ایران افزایش خواهد یافت»، دقیقاً همان پیشنهاد سازمان سیا را به بحث گذاشت و سعی در القای این توهم کرد که برای رسیدن به آزادی، هیچ

---

۱. این همایش از طرف گروه موسوم به «جامعهٔ زنان انقلاب اسلامی» که تحت نظر اعظم طالقانی است، برگزار شده بود.

۲. روزنامهٔ کیهان: ۲۳ مرداد ۷۹، ص ۱۴.

راه حل دیگری غیر از آشوب و تخریب وجود ندارد. این نشریه در این خصوص نوشت:

«سطح منازعات سیاسی، اینک به اندازهٔ اضطراب آوری رسیده است که اقدامات غیرمدنی توسط تودهٔ مردم را ممکن می‌سازد!»

مقاله نویس «حیات نو» در ادامهٔ افشای تمایلات آشوب طلبانهٔ خود، در جملهٔ تحریک‌آمیز دیگری می‌نویسد:

«با نگاهی به اقدامات اخیر طیف مخالف اصلاحات مدنی، "افزایش سطح منازعات سیاسی" و از میدان به در کردن شخصیت‌های اصلاحات "به گونه‌ای غیر مدنی و آسیب رسان" چندان غیر ممکن به نظر نمی‌رسد.»[1]

در همین حال روزنامهٔ «ایران»، ارگان رسمی خبرگزاری که با استفاده از بودجهٔ بیت المال اداره می‌شد، در بوق آشوب و التهاب می‌دمید و چنین وانمود می‌کرد که با تعطیلی مطبوعات، جامعه چنان در التهاب به سر می‌برد که هر لحظه احتمال ایجاد شورش علیه تمامیت نظام (دقت شود علیه تمامیت نظام و نه جناح‌ها) می‌رود. این روزنامه با انتقاد از عدم انتشار روزنامه‌هایی که به پایگاه دشمن تبدیل شده بودند، نوشت:

«آیا این رفتار موجب جریحه‌دارتر شدن زخم‌های سیاسی، اجتماعی و التهاب و سرکشی بیش‌تر نخواهد شد؟ تصمیم سازان کشور، خیرخواهان جامعه و قوهٔ قضائیه نباید این پرسش را بدون پاسخ بگذارند. بی‌توجهی به پرسش‌های ملی هزینه‌های زیادی تحمیل می‌کند که به نفع "هیچ کس" نخواهد بود.»[2]

چنان که گذشت، اولین بار توسط رادیو آزادی ـ وابسته به سازمان سیا ـ با دعوت از چند عنصر ضد انقلاب که وابسته به یکی از گروه‌های میزبان طیف اصلاح‌طلبی در کنفرانس برلین بودند، تحریک به شورش و اعتصاب آغاز شد. همزمان با این میزبانان، میهمانان کنفرانس برلین نیز وارد این عرصه شده و با زیر سؤال بردن کلیت نظام،

---

۱ . روزنامهٔ حیات نو: ۲۴ مرداد ۷۹.

۲ روزنامهٔ ایران: ۲۴ مرداد ۷۹، ص ۱.

خواستار ایجاد جو آشوب و اعتصاب شدند.

آقای علی افشاری از مسافرین کنفرانس ننگین برلین، در پانزدهمین اردوی سیاسی ـ فرهنگی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم، در حالی که از دفاع رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حکم حکومتی مقام معظم رهبری برآشفته بود، گفت:

«تدبیر رئیس مجلس شورای اسلامی در حادثهٔ روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۷۹ مجلس، برخلاف قانون اساسی بوده است.»

وی همچنین استراتژی آرامش فعال جبههٔ دوم خرداد را به باد انتقاد گرفت و گفت:

«استراتژی آرامش فعال پس از حادثهٔ ۱۸ تیر ۷۸ تا انتخابات ۲۹ بهمن همان سال قابل توجیه بود، ولی پس از آن، این استراتژی دستاورد مثبتی برای اصلاحات ندارد... روش‌های قبلی اصلاحات کارآیی ندارد و باید روش‌های جدیدی مانند مقاومت مدنی بکار بست... اتفاقی که روز یکشنبه در صحن مجلس رخ داد، نشان داد که چه جریانی را می‌توان اصلاح‌طلب نامید. این حادثه نشان داد، بخشی از نیروها، حرکت در مسیر اصلاح‌طلبان را تنها برای رسیدن به قدرت می‌دانستند.
اصلاحات امروز با یک چالش از درون مواجه شده است. آنچه که امروز جنبش اصلاح‌طلبی باید تکلیف آن را روشن کند، مسأله عرفی شدن فرآیند حکومت است(!) ما قبلا تصور می‌کردیم دین سیاسی، یعنی این‌که دین در حوزهٔ حکومت باشد، ولی می‌شود تعریف دیگری داشت. به این معنا به جای این‌که دین مستقیماً در حوزه حکومت باشد، می‌توان دین را در قالب نهادهای مدنی فعال کرد تا بیش‌تر قلوب افراد را جذب کند که این حرکت مانع از آلوده شدن دین به استفاده‌های دنیوی می‌شود. این بحث که آقای هاشم آغاجری مطرح کردند ـ یعنی قرائت خاصی از دین می‌تواند به عنوان افیون توده‌ها عمل کند و حتی افیون حکومت‌ها باشد ـ این بحث را به طور عملی و عینی در تاریخ معاصر خودمان دیدیم. اصل شایسته سالاری در دورهٔ آقای خاتمی نیز کماکان مورد غفلت قرار گرفته است و این امر به جنبش

دانشجویی هشدار می‌دهد که به اصلاحات ساختاری بپردازد. یکی از لطماتی که جامعهٔ ما خورده است، تأکید صرف بر آرمان‌گرایی است.»[۱]

همزمان با تهدید برخی از چهره‌های سیاسی موسوم به اصلاح‌طلب مبنی بر ایجاد آشوب، خبرنگاران آمریکایی نیز در ادامهٔ حرکت خود برای ایجاد آشوب زمینه‌چینی می‌کردند. روزنامهٔ «اینترنشنال هرالد تریبیون» در یکی از شمارگان خود طی مقاله‌ای به قلم «جنیو عبدو» با عنوان «بر سر دو راهی توقف اصلاحات در ایران بعد از شروعی قوی» که از تهران ارسال شده بود(!) به نقل از یک «فعال سیاسی» نوشت:

«اشتباه اصلاح‌طلبان این بود که سعی کردند با محافظه کارها کنار بیایند. اصلاح‌طلبان باید همین که نخستین نویسندهٔ مطبوعات در بهار سال گذشته دستگیر شد، دعوت به تظاهرات می‌کردند.»[۲]

روزنامهٔ آمریکایی «نیویورک تایمز» نیز در سرمقاله‌ای به قلم «توماس فریدمن» ـ یکی از نویسندگان مشهور صهیونیست ـ اوضاع فعلی ایران را با هوای اقیانوس قبل از یک طوفان شدید مقایسه کرد و نوشت:

«کشمکش‌های کنونی در ایران، قابلیت تبدیل شدن به یک طوفان بی‌عیب و نقص را دارد.»

و با تشبیه ایران به شوروی و با تمجید از «نویسندگان لیبرال» به دستگیری بعضی از آنان اشاره کرد و افزود:

«این نویسنده‌ها قهرمان‌های واقعی دموکراسی در ایران هستند»!

«توماس فریدمن» آنگاه با هشدار به رئیس جمهوری اسلامی ایران می‌افزاید:

«اکنون زمان آن رسیده که میزان شجاعت رئیس جمهور خاتمی اندازه‌گیری شود.»

---

۱ . روزنامهٔ رسالت: ۲۵ مرداد ۷۹.

۲ . روزنامهٔ کیهان: ۲۶ مرداد ۷۹.

وی در این زمینه به سفر آیندهٔ آقای خاتمی به نیویورک در ماه سپتامبر اشاره کرده و با طرح بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها به مثابهٔ دایهٔ مهربان‌تر از مادر مدعی شد:

«تمدن ایران در خطر است و اگر رئیس جمهور خاتمی توان دفاع از آن را ندارد، مردم با آیت‌الله‌های ضد دموکراسی مبارزه خواهند کرد!»[1]

در همین زمینه، روزنامهٔ «واشنگتن تایمز» نیز به قلم یکی از خبرنگاران خود که آن زمان در تهران به سر می‌برد و از حاکم بودن آرامش در مجلس شورای اسلامی بسیار عصبانی بود، با ابراز یأس و ناخشنودی خود نسبت به عدمِ توفیق اقدامات اصلاح‌طلبان نوشت:

«زمانی که ما "بن باربر" خبرنگار خود را هفتهٔ گذشته به ایران اعزام کردیم، مأموریت او این بود که اقتدار و اخلاص اصلاح طلبانی که اکثریت مجلس را در انتخابات ماه فوریه به دست آورده‌اند، ارزیابی کند. ما چنین پیش‌بینی می‌کردیم، هنگامی که پارلمان، روز یکشنبه اولین جلسهٔ عادی خود را تشکیل دهد و قانون اصلاح مطبوعات مطرح شود، یک درگیری که دنباله داشته باشد، آغاز می‌شود(!) امّا هنگامی که این نبرد، قبل از این‌که حتی اولین مشاجرهٔ لفظی شروع شود، خاتمه یافت، ما متعجب و تا حدودی مأیوس شدیم!»

«واشنگتن تایمز» در ادامه با اشاره به این‌که خبرنگارش تنها روزنامه‌نگار غربی بود که در قسمت تماشاچیان مجلس و با کمک یک مترجم، خبر تهیه می‌کرد! نوشت:

«رئیس مجلس بعد از دستور مندرج در نامهٔ آیت‌الله خامنه‌ای، خاضعانه قانون مطبوعات را از دستور کار مجلس خارج ساخت.»

این روزنامهٔ امریکایی می‌نویسد:

«تا پایان آن روز (روز یکشنبه)، روشن نبود که آیا اصلاح‌طلبان، به انجام حملات متقابل اقدام خواهند کرد یا نه؟ از این رو، ما مدت مأموریت باربر را تمدید کردیم که چند روزی بیش‌تر در ایران بماند و ببیند بعد چه خواهد شد!»[2]

---

۱ . روزنامهٔ کیهان: ۲۶ مرداد ۷۸.

۲ . همان.

اقدامات برخی از نیروهای موسوم به اصلاح‌طلب و نشریات زنجیره‌ای‌شان در راستای زمینه‌سازی، تبلیغ و به اجرا درآمدن برنامه‌های سردمداران کاخ سفید، چنان طمع استکبار جهانی را نسبت به همکاری این عده برمی‌انگیخت که بی‌محابا دستوراتی را برای ادامهٔ اصلاحات از آن سوی آبها برای آنان تجویز می‌نمود. به طور مثال، رادیو ضد انقلابی «لوس آنجلس» که با بودجهٔ آمریکایی‌ها اداره می‌شود، در توصیه‌ای برای نیروهای موسوم به اصلاح‌طلبان گفت:

«اصلاح‌طلبی را نباید با هدف‌های فرعی و انحرافی مشغول کرد، بلکه باید آن را به سمت رو در رویی با ولایت فقیه برد!»[1]

این رادیو همچنین از زبان یکی از عناصر فراری ضد انقلاب افزود:

«تردیدی که وجود دارد دربارهٔ روش‌های اصلاح‌طلبان است، آنها باید در روش‌های خود تجدید نظر کنند و زمان را از دست ندهند. آنها خطاهای استراتژیک بزرگی را مرتکب شده‌اند(!)»

د ـ اعلام تجمع اعتراض‌آمیز در میدان بهارستان!

در پی تحریکات رسانه‌های بیگانه و برخی از عناصر داخلی همسو با آنان و پیش از ۲۹ مرداد ۷۹، برخی از رسانه‌های مکتوب و شفاهی وابسته به گروه‌های ضد انقلاب که در خارج از کشور و عمدتاً در لس آنجلس منتشر می‌شدند، در اقدامی هماهنگ، موضوع تجمع طرفداران خود را در میدان بهارستان تهران در سالگرد ۲۸ مرداد به عنوان یک جنجال تبلیغاتی جدید مورد توجه قرار دادند. بعضی از رسانه‌های مذکور همچنین تأکید کردند که هواداران آنها با لباس سفید در تجمع بهارستان حاضر خواهند

---

۱ . دقیقاً در همین ایام بود که یکی از روحانیون تجدید نظرطلب ـ محسن کدیور ـ در مصاحبه‌ای با روزنامهٔ آلمانی «فرانفورتر الگماتیه» ضمن انتقاد از مشی آقای خاتمی گفت: «اگر ما خواستار دمکراسی و مردم سالاری هستیم، ولایت فقیه باید حذف شود. همخوانی دمکراسی در اصل سیادت روحانیون با یکدیگر، آن گونه که محمد خاتمی و اصلاح گرایان در مجلس مساعی خود را در این راه بکار برده‌اند، غیر ممکن است ... خاتمی هم اینک در یک بن‌بست گرفتار آمده و در چارچوب قانون اساسی، آن گونه که وی تلاش می‌کند، مصالحه و سازش امکان‌پذیر نیست.» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۲ شهریور ۷۹، ص ۲)

شد. این فضاسازی تبلیغاتی هیچ انعکاسی در محافل رسانه‌ای و سیاسی داخل نداشت و به طور طبیعی اکثر مردم نیز هیچ اطلاعی از این تصمیم و حرکت ضد انقلاب خارج نشین نداشتند. تا آن‌که معاون سیاسی، امنیتی استانداری تهران ـ به عنوان نمایندهٔ وزارت کشور ـ از غیر قانونی بودن تجمع احتمالی مذکور ـ که به دعوت گروه‌های معاند خارج از کشور بود و نه گروه‌های سیاسی داخلی ـ سخن گفت و بلافاصله پس از آن، برخی نشریات داخلی نیز بر غیر قانونی بودن تجمع فوق تأکید کردند!

روزنامهٔ «حیات نو» در صفحهٔ دوم یکی از شمارگان خود ضمن آن‌که خبر «اعتراض نهضت آزادی به بازداشت نویسندگان» را به چاپ رساند، در ستون «یادداشت» همین صفحه در مطلبی با عنوان «محافظه کاران همسو با بیگانگان»، با بزرگ نمایی مطالبات براندازانهٔ محافل ضد انقلابی خارجه نشین، آن را همسویی جناح «محافظه‌کاران» با «نجواهای بیگانه» خواند و در حالی که خود یکی از روزنامه‌هایی بود که خط آشوب را دنبال می‌کرد، در این باره نوشت:

«دولت‌مردان آمریکایی و اسرائیلی و طبعاً محافظه کاران (؟!) به شدت به ایجاد آشوب و ناامنی نیاز دارند.»[1]

ادعای تحلیل‌گونهٔ این روزنامه در حالی بود که تمایل گستردهٔ لایهٔ تندرو جناح متبوع وی برای دامن زدن به جو اغتشاش و اختناق در کشور، حداقل در مواضع سازمان مجاهدین انقلاب و دفتر تحکیم و حتی همین روزنامه نمایان شده بود و کتمان آن از طریق توسل به دروغ پراکنی و جوسازی، ممکن به نظر نمی‌رسد.

در همین راستا یکی از نمایندگان تهران در گفت‌وگو با دانشجویان در اظهاراتی عجیب گفت:

«پخش شایعه پراکنی تجمع روز شنبه، دلیلی بر اشتباه آنانی است که می‌پنداشتند با بستن مطبوعات کشور، در جهت اهداف خود قدمی برداشته‌اند!»

---

۱ . روزنامهٔ حیات نو: ۲۲ مرداد ۷۹.

عضو جبههٔ مشارکت با اذعان به این‌که «در رسانه‌های داخلی چنین مطلبی منعکس نشده است»، بدون اشاره به بی‌توجهی وسیع و مؤثر مردم فهیم و غیور ایران به تحرکات و لجن پراکنی‌هایی از این نوع توسط ضد انقلاب، در سخنانی که به تلاش برای مشروعیت بخشی به رسانه‌های دروغ پراکن وابسته به استکبار شبیه است، مدعی شد:

> «این شایعه نشان داد که گرایش مردم به رسانه‌های خارجی، اولین عارضهٔ فقدان رسانهٔ قابل اعتماد در داخل کشور است.»[1]

بنا بر این، معلوم شد پوشش خبری دربارهٔ «تحرکات براندازانه» ضد انقلاب لس‌آنجلس نشین از سوی این عناصر، تنها با هدف به کرسی نشاندن نظرات و تحلیل‌های بی‌پایه و نیز نفی ماهیت براندازانهٔ برخی گروه‌های مزدور داخلی، مثل گروهک نهضت آزادی و گروهک چند نفرهٔ پیمان و طبرزدی ـ که ماهیت براندازانهٔ آنان در ماجرای آشوب آفرینی تیرماه ۷۸ تهران برملا شد ـ صورت گرفته است.

برخی دیگر از رسانه‌های کشور نیز با غفلت از این واقعیت، اظهارات سران گروهک‌های مذکور را در نفی و طرد «تجمع بهارستان» از نظر گروه آنان منعکس کردند تا از این طریق، عوامل دست اندرکار در شورش تیرماه ۷۸ تهران، حساب خود را از گروه‌های ضد انقلاب مقیم آمریکا و اروپا جدا وانمود کنند. در حالی که برای مردم فهیم و انقلابی کشورمان پوشیده نبود، همداستانی و همنوایی این عناصر با راهبردهای براندازانهٔ ضد انقلاب وابسته به مراکز استکباری دنیا، از موارد پاک نشدنی پروندهٔ سیاه آنان است و دور جدید تلاش‌های مذبوحانهٔ آنان نیز نخواهد توانست ماهیت واقعی این جریان‌های مرموز را از نگاه تیزبین ملت متعهد مخفی نگاه دارد.

نکتهٔ جالب در این میان، تحلیل خبرگزاری جمهوری اسلامی از این اقدام رسانه‌های بیگانه بود. در این تحلیل که پس از افشای طرح تهدید و آشوب در

---

۱ . کیهان: ۲۹ مرداد ۷۹، ص ۱۴.

مطبوعات اصول‌گرا در روزنامهٔ «ایران» انتشار یافت، علی‌رغم وضوح هماهنگی مابین موضعگیری‌های برخی از شخصیت‌های موسوم به اصلاح‌طلب با مواضع سردمداران کاخ سفید و رژیم صهیونیستی که در صفحات قبل به آن اشاره شد، با این بهانه که این افشاگری‌های مطبوعات اصول‌گرا عمدتاً تبلیغاتی است که از سوی روزنامه‌های مخالف اصلاح‌طلبان صورت می‌پذیرد و تنها مستندات آنها رادیوهای بیگانه است، به طرفداری از روزنامه‌های زنجیره‌ای و اشخاص موسوم به اصلاح‌طلب پرداخت و نوشت:

«دور تازهٔ گزارش‌های مربوط به استراتژی آشوب آمریکایی‌ها، با استناد به گفته‌های رادیوهایی صورت می‌گیرد که اولاً: مشروعیت این رادیوها و نیز مفسرانشان بارها و بارها از سوی افکار عمومی رد شده است و ثانیاً: در تحریفی دیگر این واقعیت را پنهان می‌کنند که اغلب کدها و مستندات بحران داخلی ایران، توسط رادیوهای بیگانه از تیترها و سرمقاله‌های روزنامه‌های مختلف دوم خرداد استنتاج شده است. به این نکات که از سوی رسانه‌های مخالف خاتمی به عنوان مراحل استراتژی جنگ روانی آمریکا اعلام شده، نگاه کنید که همگی آنها تیترهای اصلی نشریات مخالف خاتمی را در دوران ریاست جمهوری وی تشکیل می‌دادند. تیترهایی مثل "یأس و ناامیدی اجتماعی، دورنما و آیندهٔ جوانان در ایران نگران کننده است"، "اعلام ناتوانی خاتمی در پیشبرد اصلاحات" و....

۲. تولید کنندگان آشوب می‌دانند که خاتمی و اصلاح‌طلبان تا چه میزان محتاج آرامش هستند و چه پیمانی با مردن بر سر حفظ امنیت بسته‌اند. به همین دلیل دور از انتظار نیست که تمام همّ و غمّ رقیبان خاتمی صرف سلب فرصت تنفس و آرامش از اصلاح‌طلبان می‌شود، آنها اکنون که فرصت‌های طلایی در بازی سیاست صحنهٔ ایران را یکی پس از دیگری از دست داده‌اند، تمام تلاش خود را برای برهم زدن قواعد بازی، به ویژه در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری به کار گرفته‌اند.»[1]

---

۱. روزنامهٔ ایران: ۲۵ مرداد ۷۹.

پیشنهادهای شبیه به هم![۱]

این روزها، طیفی از مدعیان اصلاح‌طلبی که بر اساس اسناد مدارک غیر قابل انکار و شواهد و قرائن بسیار، نقش آنها به عنوان پایگاه داخلی دشمن در طرح آمریکایی «براندازی خاموش» از پرده بیرون افتاده است، برای فرار از بن بست شکننده‌ای که با آن روبرو شده‌اند، دست به ترفند جدیدی زده‌اند.

این طیف، که از یکسو بدون کمترین همخوانی با ریاست محترم جمهوری، در پوشش دروغین اصلاحات مورد نظر ایشان خزیده است و از سوی دیگر، مورد حمایت گستردهٔ تبلیغاتی و پشتیبانی مالی محافل سیاسی و امنیتی آمریکا قرار دارد، اخیراً در یک اقدام شتابزده و در واکنش نسبت به رسوایی‌های به بار آمده، ادعا کرده است که حمایت آمریکا از این طیف، با هدف بدنام کردن آنها صورت می‌پذیرد! و این حمایت گسترده، نباید مردم را نسبت به هویت آنان با تردید روبرو کند!

ترفند جدید این طیف، اگر چه ناشیانه‌تر از آن است که بتواند هویت وابستهٔ آنان را از نگاه پرسشگر مردم پنهان کند، ولی اشاره به نکاتی در این باره ضروری است .

۱ . اگر چه، احتمال حمایت آمریکا و اسرائیل از یک جریان داخلی برای بدنام کردن آن را نمی‌توان نادیده گرفت، ولی میان حمایت و پشتیبانی واقعی بیگانگان، که برخاسته از همراهی است با تظاهر به حمایت که به منظور بدنام کردن یک جریان سیاسی انجام می‌شود، تفاوت‌های فراوانی وجود دارد که می‌تواند معیار و ملاک منطقی و قابل قبولی برای درک علت و انگیزه این حمایت‌ها باشد. یکی از اصلی‌ترین و روشن‌ترین ملاک‌ها، میزان همخوانی و انطباق اهداف گروه مورد حمایت با اهداف و خواسته‌های کانون حمایت کننده است.

در جریان دفاع مقدس، برخی اوقات، رسانه‌های آمریکایی برای بدنام کردن جمهوری اسلامی ایران در میان ملت‌های مسلمان، ادعا می‌کردند که ایران اسلامی از اسرائیل اسلحه و مهمات می‌خرد! این اتهام ناروا، اگر چه می‌توانست برخی از اذهان

---

۱ . با استفاده از سرمقالهٔ روزنامهٔ کیهان : ۲۳ مرداد ۷۹، ص ۲، به قلم حسین شریعتمداری .

ساده اندیش را دچار توهم کند، ولی همواره با دیوار بلندی از ناباوری ملت‌ها روبـرو می‌شد و محافل غربی نیز، که خـود را در ایـن مـعرکه بـدنام شـده مـی‌دیدند، بـرای پیشگیری از بدنامی و رسوایی بیش‌تر، خیلی زودتر از آنچه انتظار می‌رفت از این ترفند دست کشیدند، چرا که اهداف جمهوری اسلامی ایران و مواضع و عملکرد آن، نه فقط کمترین همخوانی و همراهی با اهداف اعلام شده آمریکا و اسرائیل نداشت، بلکه برای ساده‌اندیش‌ترین افراد نیز تردیدی باقی نمانده بود که ایـران اسـلامی سـخت‌ترین و آشتی‌ناپذیرترین دشمن آمریکا و اسرائیل است. در میان تمامی کشورهای جهان، فقط جمهوری اسلامی ایران بود که محو کامل رژیم اشغالگر قدس را به عنوان یک هدف استراتژیک دنبال می‌کرد و در جریان جنگ هشت ساله نیز بر همگان آشکار بود که نظام اسلامی ایران به نمایندگی از سوی تمامی اسلام در مقابل تـمامی اسـتکبار، از جمله آمریکا و اسرائیل ایستاده است و قدرت‌های استکباری بی‌پرده از عراق کـه بـه نمایندگی از آنان به جنگ با ایران آمده بود، حـمایت مـالی، تسـلیحاتی، تـبلیغاتی و سیاسی می‌کردند. بنا بر این، هیچ کس نمی‌توانست توهم پراکنی غرب پیرامون روابط تسلیحاتی ایران با اسرائیل را بپذیرد و به همین علت، محافل استکباری خیلی زود از این ترفند تبلیغاتی دست کشیدند.

و امّا حمایت گستردهٔ آمریکا از مدعیان اصلاح‌طلبی در ایران، در حالی است که این طیف در تمامی مواضع و عملکرد و اهداف خود با خواسته‌ها و اهداف استراتژیک و صریح آمریکا نه فقط همخوانی، بلکه انطباق غیر قابل انکاری دارد.

آمریکا، اصلی‌ترین دشواری خود برای سلطهٔ مجدد بر ایران اسلامی را آمیختگی دین و سیاست در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند و طیف یاد شده نیز جدایـی دین از سیاست را به عنوان یکی از اهداف اصلی خود دنبال می‌کند. آمریکا، حضور ولی فقیه در رأس نظام اسلامی را بزرگ‌ترین مانع برای چنگ اندازی بر سرنوشت مـردم این مرز و بوم تلقی می‌کند و طیف مورد اشاره نیز دقیقاً همین هدف را دنبال می‌کند.

«گری سیک» مأمور برجستهٔ «سیا» در مصاحبه با خبرنگاران آمریکایی می‌گوید:

«من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشارات ما را دنبال می‌کنند، آنها ششلولی بالا

برده‌اند تا هرکس را و هرچه را که با ما ناسازگار است، هدف قرار دهند.»

و در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسیده بود، «مثلاً چه چیز را؟» گفته بود:

«مثلاً، ولایت فقیه را که من فکر می‌کنم در صحرای طبس، تکنولوژی برتر ما را در ارادهٔ خود دفن کرد.»

و طیف مدعی اصلاحات در داخل کشور تصریح می‌کند که «ولایت فقیه، یعنی حکومت توتالیتر و ضد مردمی»! و یا «ولایت فقیه، یعنی خودکامگی»! و یا «نظریهٔ عینیت سیاست و دیانت (دیدگاه امامؒ) زائیدهٔ افکار عامیانه و قدیمی است»! و ... .

آمریکا ریاست محترم جمهوری را با گورباچف مقایسه کرده و روی کارآمدن شخصی مشابه «یلتسین» را پیشنهاد می‌کند. شرق‌الاوسط بعد از این مقایسه، به نقل از مقامات آمریکایی می‌نویسد:

«اصلاح‌طلبان ایران، باید در پی نامزدی شخص دیگری به جای آقای خاتمی در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری باشند»!

نتانیاهو، نخست وزیر سابق اسرائیل تأکید می‌کند «باید در ایران همان اتفاقی که در شوروی صورت گرفت، انجام بپذیرد و آن هم انفجار از درون است»! مأمور شناخته شدهٔ موساد که با شناسنامه ایرانی، کارشناسی رادیواسرائیل درلندن و تل‌آویو را بر عهده دارد، آشکارا در مصاحبه با یک نشریهٔ سلطنت‌طلب متعلق به اشرف پهلوی، می‌گوید:

«اصلاح‌طلبان طعمهٔ خوبی برای رام کردن، شیر سرکش جمهوری اسلامی هستند و ...»!

و امّا در همان حال، روزنامه‌های وابسته به طیف مدعی اصلاح‌طلبی در داخل، دقیقاً همان اهداف را دنبال کرده و تأکید می‌کنند که:

«اگر اصلاحات ـ آن گونه که این طیف تعریف می‌کند ـ انجام نپذیرد، ملت دیگر به دنبال گورباچف ـ آقای خاتمی ـ نخواهد بود، بلکه در پی یلتسین خواهد گشت.»

برشمردن نمونه‌های فراوانی که از همخوانی و انطباق اهداف و خواسته‌های آمریکا و اسرائیل حکایت می‌کند، به فهرستی طولانی نیاز دارد که از محدودهٔ این نوشته بیرون است، امّا اکنون، سؤال این است که با وجود این همخوانی غیرقابل تردید، آیا می‌توان ادعا کرد که حمایت بی‌دریغ آمریکا از اصلاح‌طلبان داخلی، برای بدنام‌کردن این طیف است؟! آیا این ادعا مضحک نیست؟! و مگر آمریکا از یک جریان سیاسی وابسته به خود، چه انتظاری دارد که طیف یاد شده در پی تحقق آن نبوده است؟!

۲ . رادیوی متعلق به «سیا» (۲۱ مرداد) در میزگردی که با حضور چند تن از ضد انقلابیون مدعی اصلاح‌طلبی! تشکیل داده بود، در پاسخ به اقدام اخیر مجلس شورای اسلامی در کنار گذاشتن طرح تغییر قانون مطبوعات، پیشنهاد کرد که طرفداران اصلاحات در ایران، بایستی مردم را به شورش و آشوب و اقدامات تخریبی دعوت کنند! و امّا دقیقاً و همزمان با این پیشنهاد، طیفی از مدعیان اصلاح‌طلبی در همایشی که آن هم با هدف چگونگی برخورد با اقدام اخیر مجلس شورای اسلامی برپا شده بود، پیشنهادی مشابه با پیشنهاد آمریکا را به بحث گذاشتند و یکی از عوامل این جریان داخلی اظهار داشت:

> «مردم با نظام سیاسی بیگانه شده‌اند و امکان دارد بعضی‌ها، راه افراط و راه‌های چریکی و براندازی را در پیش بگیرند، امّا برای رهایی از هرج و مرج، اگر کسی راه حلی که هزینه‌اش کمتر باشد دارد، ارائه کند»![۱]

همان گونه که مشاهده می‌شود، در این اظهارات، دقیقاً همان پیشنهاد سازمان اطلاعات سیا مطرح شده و طوری وانمود می‌شود که گویی، آشوب و تخریب تنها راه باقیمانده است! و سخنران جلسه، در اظهارات خود، ضمن آن که دقیقاً همان پیشنهاد «سیا» را به بحث می‌گذارد، سعی در القای این توهم دارد که انگار هیچ راه حل دیگری غیر از آشوب و تخریب وجود ندارد! و از سایرین ـ احتمالاً عاجزانه ـ درخواست می‌کند که اگر راه حل دیگری می‌شناسند، ارائه کنند.

---

۱ . نگاه کنید به صفحهٔ ۲۸۴ در همین کتاب.

اکنون باید پرسید که آیا این همخوانی، اتفاقی و کاملاً تصادفی است؟! و آیا حمایت گستردهٔ آمریکا از این طیف، بدون حساب و تنها برای بدنام کردن! آنان است؟! مگر همراهی با اهداف آمریکا به اندازهٔ کافی بدنام کننده نیست؟!

۳ . نکتهٔ درخور توجه دیگری که باید برملا شدن آن را از الطاف خداوند سبحان دانست، این که کسانی با هدایت آمریکا از طریق رادیوی متعلق به «سیا» پیشنهاد برپایی آشوب و عملیات تخریبی را داده‌اند که وابسته به یکی از گروه‌های میزبان طیف مدعی اصلاح‌طلبی در کنفرانس برلین بوده‌اند و مسافران برلین در آن کنفرانس رسوا، آشکارا از مخالفت خود با نظام اسلامی پرده برداشتند.

خداوند تبارک و تعالی در وصف منافقین می‌فرماید:

«وَ إِذٰا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا، قٰالُوا آمَنّٰا و إِذٰا خَلَوْا إِلىٰ شَيٰاطِينِهِمْ، قٰالُوا إِنّٰا مَعَكُمْ، إِنَّمٰا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ؛ هنگامی که با مؤمنان روبرو می‌شوند، می‌گویند که ایمان آورده‌ایم و هنگامی که با شیاطین خود خلوت می‌کنند، می‌گویند که ما با شما هستیم، و اظهار ایمان ما نزد مؤمنان، از روی ریا و برای استهزاء آنان است.»[1]

دعوت کنندگان طیف یاد شده به کنفرانس برلین، همان کسانی هستند که جمعه شب از طریق رادیوی متعلق به «سیا»، به همین طیف پیشنهاد می‌کنند که مردم را به شورش و آشوب علیه نظام اسلامی وادار کنند و سؤال این است که آیا طیف مدعی اصلاح‌طلبی، همراهی خود با شرکت کنندگان در میزگرد جمعه شب را انکار می‌کنند؟! مگر همین افراد یکی از میزبانان طیف مزبور در کنفرانس برلین نبوده‌اند؟!

۴ . جالب آن که گروه دعوت کننده به آشوب، در جریان کنفرانس برلین، برخی از افراد حاضر در جلسه را که با هیاهو و جنجال مانع از سخنرانی مسافران برلین بودند، به آرامش دعوت می‌کردند!... اگر چه باید توجه داشت که کنفرانس برلین، یک طرف بیش‌تر نداشت و دعوت کنندگان، مسافران ایرانی کنفرانس و برهم زنندگان آن جلسات، تماماً در یک نقطه اشتراک نظر داشتند، و آن مقابله با نظام اسلامی بود.

---

۱ . سورهٔ بقره: آیهٔ ۱۳.

۵ . در میزگرد جمعه شب رادیوی متعلق به «سیا» بر ضرورت برخورد شدید اصلاح‌طلبان مورد اشاره با حجت‌الاسلام والمسلمین، جناب آقای کروبی ـ که به حق اسوه‌ای ماندگار از صداقت و ایمان انقلابی خود را در جریان روز یکشنبه مجلس به نمایش گذارد ـ تأکید شده بود و در همایش طیف یاد شده نیز ریاست محترم مجلس، به شدت مورد اعتراض قرار گرفته و در حال حاضر، همان طیف، هجوم شدیدی را علیه ایشان آغاز کرده است. آیا تمامی این همخوانی‌ها اتفاقی و تصادفی است؟!

۶ . ماجرای رسوای دریافت پول از آمریکا، با هدف مقابله علیه نظام اسلامی، که هنوز هم هیچ یک از دریافت کنندگان این کمک مالی حاضر به تکذیب گزارش آن از سازمان آمریکایی نشده‌اند، نکتهٔ دیگری است که می‌تواند از ترفند اخیر طیف یاد شده پرده بردارد و باید به آنها گفت: بر فرض که پرداخت کمک مالی آمریکا برای بدنام کردن شما بوده است! ولی سؤال این است که شما چرا این کمک مالی را دریافت کرده‌اید؟! آیا این رسوایی قابل توجیه است؟!

۷ . توجه به این نکته نیز ضروری است که حرکت اخیر و مشترک محافل آمریکایی و طیف مدعی اصلاح‌طلبی در داخل کشور، بعد از حذف طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار مجلس شورای اسلامی، صورت پذیرفته است و این در حالی است که اصلی‌ترین مواد اصلاحیه قبلی، یعنی همان طرحی که طیف یاد شده در پی خنثی کردن آن بود، شامل بندهایی است که مانع از نفوذ عوامل بیگانه به عرصهٔ مطبوعات می‌شود و از وابستگی مطبوعات به بیگانگان جلوگیری می‌کند که یکی از با اهمیت‌ترین آنها، ممنوعیت دریافت کمک مالی از کشورهای خارجی است و مادهٔ دیگری از آن، فعالیت مطبوعاتی عوامل شناخته شده بیگانه را ممنوع می‌کند و در بند دیگر، بر الزام عملی به قانون اساسی تأکید می‌ورزد.

و اکنون، سؤال این است که آیا تمامی مواد یاد شده در جهت پیشگیری از سلطهٔ آمریکا و عوامل داخلی آن بر مطبوعات کشور نیست؟ اگر چنین است ـ که هست ـ آیا برآشفتگی طیف یاد شده از حذف طرح تغییر این قانون، تصادفی است؟! و آیا می‌توان تمامی شواهد و قرائن موجود که نشان از همراهی و همخوانی این طیف با منافع

آمریکایی‌ها دارد، را نادیده گرفت؟!

و بالاخره در پایان، اشاره به این نکته نیز ضروری است که همخوانی و انطباق با اهداف اعلام شده آمریکا، تمامی اصلاح‌طلبان را در برنمی‌گیرد، بلکه این همخوانی در طیفی از مدعیان اصلاح‌طلبی دیده می‌شود که نشان داده‌اند، کمترین همراهی و همدلی با ریاست محترم جمهوری و گروه‌های اصول‌گرای داخلی -با هر سلیقهٔ سیاسی- ندارند. این طیف به گواهی اسناد و مدارک غیر قابل انکار و شواهد و قرائن بسیار، نقش پایگاه داخلی دشمن در طرح آمریکایی «براندازی خاموش» را بر عهده دارند که پالایش جریان اصیل اصلاح‌طلبی از این جریان خزنده، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

ناخرسندی رسانه‌های بیگانه از حکم حکومتی

همان طور که گذشت، اصلی‌ترین مواد اصلاحیهٔ قانون مطبوعات در مصوبهٔ پنجم، شامل بندهایی بود که بر اساس آن روزنه‌های نفوذ عوامل بیگانه در مطبوعات کشور بسته می‌شد و بر اساس بندهای دیگری از وابستگی مطبوعات به بیگانگان جلوگیری می‌کرد. ممنوعیت فعالیت وابستگان به رژیم طاغوت، فعالان گروه‌های محارب، محکومین دادگاه‌های انقلاب و ممنوعیت دریافت کمک‌های مالی از بیگانگان و ... از جمله مواردی بودند که تصویب آنها خشم و نگرانی سیاستمداران سلطه‌گر را به دنبال داشت.

متأسفانه اصلاحیهٔ پیشنهادی یک حزب کوچک در مجلس ششم که در واقع حذف بسیاری از بندهای تصویب شدهٔ قبلی بود، مجدداً روزنه‌های امید در سوء استفاده عناصر بیگانه را به وجود می‌آورد و حلقه‌های طرح فروپاشی خاموش نظام جمهوری اسلامی را برای آنان هموار می‌ساخت.

امّا خروج طرح اصلاح قانون مطبوعات از دستور کار مجلس، با صدور حکم حکومتی هوشیارانه و مدبرانهٔ مقام معظم رهبری و اقدام تحسین برانگیز و ارزشمند اکثریت نمایندگان مجلس، نه تنها خط بطلانی بود بر اوهام بیگانگان و رسانه‌های

آنان، بلکه آغاز مجدد یک سردرگمی و گیجی در میان برنامه‌ریزان آنان بود.

استانلی روم، معاون رییس سازمان امنیت ملی آمریکا در همین رابطه می‌گوید:

«آنچه تاکنون همهٔ تحریکات ما را برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران با ناکامی مواجه ساخته است، اعتقاد مردم ایران به ولایت فقیه است؛ چرا که ولایت فقیه برای ما و گنجینه‌های اطلاعاتی ما یک واژهٔ بی‌تعریف است؛ به طوری که ما به هیچ‌وجه نمی‌توانیم محل حضور و ظهور و حتی میزان بُرد احکام ولی فقیه را پیش بینی کنیم(!) ما ناامید نیستیم، خوشبختانه احزاب و آدم‌های تازه نفس در ایران، در یک حرکت جمعی با ظرافت و وسواس دارند این خار را از چشم ما بیرون می‌کشند(!)»[1]

عصبانیت رسانه‌های بیگانه تا اندازه‌ای بود که از همان ابتدا در گزارش‌های خود از جلسهٔ روز یکشنبه، آن را به نمایش گذاشتند. رادیو رژیم صهیونیستی در واکنش به خروج طرح تغییر قانون مطبوعات، با حمله به نمایندگانی که تا دیروز آنان را اصلاح‌طلب، طرفدار دموکراسی، مخالفان نظام اسلامی و مبارزان علیه استبداد و اختناق می‌خواند، گفت:

«اگر کسانی تصور کرده‌اند که مجلس ششم جسارت خواهد کرد و قانونی برای دفاع از روزنامه‌های مستقل(!) و افشاگر به تصویب برساند، راه اشتباه پیموده و خود فریبی کرده‌اند... نمایندگان از صافی گذشته و مهر صلاحیت خورده‌اند و با مجوز حکومت وارد پارلمان شده‌اند.»[2]

از سوی دیگر رادیو آمریکا که تا روزهای قبل، طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم را موجب کاستن از محدودیت مطبوعات می‌دانست، پس از خروج طرح از دستور کار مجلس در یک واکنش متناقض با سخنان قبلی خود از قول حسین باقرزاده ـ منافق مقیم لندن که طی مقاله‌ای در روزنامهٔ «نشاط» حکم قرآنی قصاص را مورد توهین قرار داده بود ـ گفت:

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۲ اردی‌بهشت ۸۰، ص ۷.

۲. همان: ۲۴ مرداد ۷۹، ص ۲.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با دخالت آشکار در امور ایران ابراز کرد

ناخرسندی آمریکا از تغییرنکردن قانون مطبوعات

سخنگوی وزارت خارجه:

آمریکا باید از دخالت در امور داخلی ایران جداً پرهیز کند

۷۹/۵/۱۸

به دنبال خارج شدن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور مجلس صورت گرفت

حمایت وسیع مردم، علما، دانشگاهیان و احزاب از حکم رهبر انقلاب و تصمیم مجلس

کیهان

۷۹/۵/۱۷

ناخرسندی رسانه‌های بیگانه ...

پیام روشنگرانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و اقدام ارزشی و خردمندانه مجلس در تغییر ندادن قانون مطبوعات خشم رسانه‌های بیگانه را برانگیخت

معاون رییس سازمان امنیت ملی آمریکا:

آنچه تاکنون همه تحرکات ما را برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران با ناکامی مواجه ساخته است اعتقاد مردم ایران به ولایت فقیه است، چرا که ولایت فقیه برای ما و گنجینه‌های اطلاعاتی ما یک واژه بی تعریف است، به طوری که ما به هیچ وجه نمی توانیم محل حضور و ظهور و حتی میزان برد احکام ولی فقیه را پیش بینی کنیم!

کیهان

۷۹/۵/۱۷

بازتاب داخلی و خارجی تصمیم مجلس در کنار گذاشتن طرح تغییر قانون مطبوعات

رهبر انقلاب در دیدار نمایندگان فرهنگی ایران در خارج از کشور:

سلطه گران جهانی از ابتدا علیه فرهنگ تاثیرگذار انقلاب اسلامی جنجال آفرینی کرده‌اند

تمامی جانبازان بالای ...

«این طرح نمی‌توانست گره از کار مطبوعات بگشاید. اصلاح‌طلبان می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی و قوانین تعدیل ایجاد کنند و قوانین شداد و غلاظ را انشاء الله برطرف کنند. قانون مطبوعات فعلی، لایحه‌ای سخت و ضد دمکراتیک است و طرح اصلاحی می‌خواست آن را تلطیف کند، بدون این‌که آن چیزهای اصلی را حل کند، امّا حتی جلوی همین را هم گرفتند و این ناامید کننده است.»[1]

در همین حال، پیروز دستمالچی از عناصر ضد انقلاب مقیم خارج، در گفت‌وگو با رادیو لس آنجلس در اظهاراتی که نشان از خواست و هدف شوم دشمن در انکار احکام ضروری اسلام داشت، ضمن مخدوش نمودن چهرهٔ شخصیت‌های دینی و مذهبی، با حمله به قانون اساسی گفت:

«متأسفانه قانون اساسی یک ننگ ملی در شرایط پایان قرن بیستم است! از همان روزی که شیخ فضل الله نوری به دنبال مشروطهٔ مشروعه بود، یعنی این‌که به زعم این آخوند متعصب قوانین هزار و چند صد سال پیش مطلق است، باید فاتحهٔ جامعهٔ مدنی خوانده می‌شد... مسأله تغییر قانون مطبوعات، خیالی است عبث و ولی فقیه اجازهٔ چنین کاری را نخواهد داد.»[2]

تبعیت اکثریت نمایندگان مجلس از حکم مقام معظم رهبری، چنان بر کام رادیو آزادی ـ وابسته به سازمان سیا ـ تلخ آمده بود که مجلسی را که تا روزهای قبل به عنوان یک نهاد پیشرو در امور توسعهٔ سیاسی، اصلاحات و مرکز صاحب برنامه در این عرصه معرفی می‌کرد، مورد شدیدترین حملات تبلیغاتی خود قرار داد و در خصوص کارآیی آن گفت:

«این مجلس، شخصیتش از همان آغاز مورد سؤال قرار گرفت، به خصوص که نتوانست در مورد لایحهٔ مطبوعات نظر بدهد و به همین ترتیب، مجلسی است که به هر حال هنوز نتوانسته است یک برنامهٔ مشخص برای خودش تنظیم بکند.»[3]

---

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲. همان.

۳. رادیو آزادی: ۱۵ شهریور ۷۹.

این رادیو همچنین از قول مسعود بهنود، مفسر سیاسی انقلاب سفید شاه در دوران ستمشاهی و نویسندهٔ مقالات سیاسی روزنامه‌های زنجیره‌ای، بدون ذکر اختیارات قانونی رهبری، در مورد آن ابراز تردید کرد و گفت:

«حکم مقام ولایت آن قدر نافذ نیست که یک امری را از داخل آیین نامهٔ مجلس بیرون بکشد(!)»[1]

تلویزیون الجزیره نیز که به انعکاس اخبار و گزارش‌های مغرضانه از تحولات ایران شهرت دارد، در واکنش به ماجرای روز یکشنبهٔ مجلس اعلام کرد:

«اصلاح‌طلبان، در جنگ با محافظه کاران، ضربهٔ دیگری متحمل شدند.»[2]

این تلویزیون نیز تحت عنوان گزارشی از جلسهٔ علنی مجلس، از آرزوهای خود، مبنی بر تبدیل شدن عرصهٔ مطبوعات به میدان جنگ میان اصلاح‌طلبان و حاکمیت پرده برداشته و چنین اظهار داشت:

«اکنون مطبوعات ایران به میدان جنگ میان اصلاح‌طلبان هوادار خاتمی، رئیس جمهوری و محافظه کاران تندرو حاکمِ بر بخش‌هایی از مراکز قدرت در کشور تبدیل شده است.»[3]

خبرگزاری فرانسه نیز که از خارج شدن این طرح از دستور کار مجلس شورای اسلامی به شدت خشمگین بود، با عباراتی که نشان دهندهٔ میزان حمایت این رسانه‌ها از طرح‌های مخالف امنیت ملی بود، اظهار داشت:

«قدغن کردن بازگردانی قانون شدید مطبوعات، مجلسِ تحت کنترل اصلاح‌طلبان را متحیر ساخت و جنبش اصلاح‌طلبی ایران که تحت فشار شدیدی قرار دارد، دچار آشفتگی شد. نمایندگان ائتلاف بزرگی که حامی محمد خاتمی، رئیس جمهوری

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۱۷ مرداد ۷۹.

۲. همان.

۳. روزنامهٔ ایران: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۱۶.

ایران است تا شب هنگام جلسه داشتند تا پاسخ مناسبی پیدا کنند. این امریهٔ نادر که از امتیازات ویژهٔ قانونی و نامحدود آیت‌الله خامنه‌ای سود برده است، ضربهٔ سنگینی به "امیدهای برخی" به زنده کردن مطبوعات اصلاح‌طلب وارد کرد.»[1]

ابراز خشم رسانه‌های غربی از حذف طرح تغییر قانون مطبوعات همچنان ادامه داشت. این خشم و نگرانی از طریق انتشار تحلیل‌هایی دربارهٔ وضعیت اصلاح‌طلبان در ایران توسط این رسانه‌ها در حالی دنبال می‌شد که بدون هیچ‌گونه تحلیلی در روزنامه‌هایی که از صدور حکم حکومتی ناراحت بودند، درج می‌شد! به عنوان نمونه، تحلیل رادیو بی. بی. سی که نشان دهندهٔ آبشخور بسیاری از مقالات و نظریه‌های روزنامه‌های زنجیره‌ای بود، در روزنامهٔ دولتی «ایران» این چنین به چاپ می‌رسد:

«مطبوعات می‌توانند نقش بسیار مهمی در آگاه کردن مردم داشته باشند و در این زمینه اختلاف خیلی عمیقی وجود دارد. اختلاف بر سر دو دیدگاه است، در مورد این‌که در جمهوری اسلامی چگونه جامعه‌ای داشته باشیم؟ جامعه‌ای باز یا بسته، پارلمان حکومت کند، به خاطر این‌که نمایندهٔ ارادهٔ مردم است، یا رهبر حکومت کند.»[2]

رسانه‌های غربی که از اقدام مجلس شورای اسلامی شگفت زده و ناراحت شده بودند، همچنان بر دامنهٔ واکنش‌های خود در این زمینه می‌افزودند و سعی می‌کردند با به میان کشیدن پای گروه‌های بین المللی و وابسته به استکبار جهانی، بر فشارهای سیاسی خود بیفزایند و اعتراضات این گروه‌ها را پوشش دهند. این دست و پا زدن‌های کم سابقه که از میزان آشفتگی و عصبانیت در سیستم سیاستگذاری سازمان سیا علیه ایران خبر می‌داد، از سطح رسانه‌های آنان فراتر رفته و حتی سیاستمداران و دولتمردان استکبار را به موضعگیری‌های خصمانه واداشت، به گونه‌ای که رسماً نگرانی خود را از

---

۱ . روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲ . روزنامهٔ ایران : ۲۰ مرداد ۷۹.

قانونمند شدن مطبوعات اعلام کردند. ریچارد بوچر، سخنگوی وزارت خارجهٔ آمریکا، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت مطبوعات زنجیره‌ای اعلام کرد:

«ما در مورد آزادی بیان و مطبوعات در ایران نگرانی‌های جدی داریم. محدودیت‌هایی که مطبوعات ایران از آن رنج می‌برند، در تصمیم اخیر آمریکا مبنی بر از سر گرفتن گفت و شنود تأثیر نخواهد داشت.»[1]

این موضعگیری گستاخانه و مداخله جویانه، نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها هیچ ابائی از حمایت آشکارا از مطبوعات تحت نفوذ خود نداشتند، چرا که به بخشی از مفاد طرح مذکور امیدهای فراوانی بسته بودند.

وقتی در طرح اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، نوشتن علیه اصول قانون اساسی مجاز شمرده می‌شود[2] و به مخالفان معاند نظام، فرصت می‌دهند در مطبوعات قلم بزنند،[3] طبیعی است که رسانه‌های بیگانه و سیاستمداران غربی، به خصوص سردمداران نظام استکبار و صهیونیست جنایتکار، از خروج چنین طرحی از دستور کار مجلس ابراز نگرانی کنند.

این نکتهٔ بسیار معنی‌داری است که درون مجلس شورای اسلامی اتفاقی می‌افتد، لکن فریاد اعتراض آن از رسانه‌های بیگانه و از سوی منافقین فراری از کشور بلند می‌شود و چنین وانمود می‌گردد که گویا آنها به خاطر آزادی بیان در ایران دل می‌سوزانند. به راستی این عده از چه چیزی نگران بودند که نسبت به آن تا این اندازه

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۳. حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت امور خارجه با رد اظهار نظر سخنگوی وزارت امور خارجهٔ آمریکا و تلقی سخنان او به عنوان دخالت در امور داخلی ایران، اظهار داشت: «مسئولان جمهوری اسلامی ایران، مردم و نمایندگان آنها در مجلس شورای اسلامی، به مصلحت کشور به خوبی واقف می‌باشند و لازم است دیگران با رعایت موازین و عرف بین المللی، از جمله اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، از دخالت در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران جداً پرهیز کنند.»

(روزنامهٔ کیهان: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۱۴)

۲. نگاه کنید به صفحهٔ ۲۱۷، مادهٔ یک طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم.

۳. نگاه کنید به صفحهٔ ۲۲۰، مادهٔ سه طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم.

بی‌تابی نشان می‌دادند ؟

واقعیت این است که برخی مدعیان اصلاح‌طلبی به گونه‌ای عمل کرده‌اند که اگر نگوئیم با دشمن و محافل بیگانه هماهنگ هستند، دست کم باعث شده‌اند که بیگانگان در تأمین اهدافشان به آنها طمع کنند و امیدوار باشند که با تلاش همین عناصر، گرهی از کار فرو بستهٔ آمریکا و سایر بیگانگان گشوده می‌شود.

آمریکایی‌ها در جنگ خلیج فارس و جنگ با افغانستان مصوباتی برای کنترل شدید اخبار و اطلاعات داشتند و این کنترل از طریق شورای امنیت ملی آنها اعمال می‌شد. چگونه آمریکا این امتیاز قانونی را حق خود می‌داند، امّا در جمهوری اسلامی به دنبال این است که مصوبات شورای امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع نباشد! آمریکایی‌ها می‌خواهند حضور ستون پنجم در مطبوعات قانونی باشد و در شرایط بحرانی هم مصونیت داشته باشند و احدی ـ حتی تصمیمات شورای امنیت ملی ـ نتواند جلوی آنها را بگیرد.

در نامه مقام معظم رهبری به رئیس و نمایندگان مجلس، بر مقوله «امنیت»، «وحدت ملی» و «ایمان مردم» تکیه شده بود، چرا که مفاد طرح اصلاحیه درست در مقابل چنین مقولاتی بود. به همین دلیل، ایشان فرمودند سکوت خود و دیگر دست‌اندرکاران را در این امر حیاتی جایز نمی‌دانم.

نکتهٔ مهم در این میان، این است که ادبیات مورد استفادهٔ آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، با گستاخی بیش‌تری همراه شده بود و این پدیده، مؤید این مطلب است که واشنگتن برای دخالت آشکار در امور داخلی ایران و حمایت صریح از یک گروه خاص، وسوسه می‌شد و این بسیار هشدار دهنده بود. این نکته بیانگر آن بود که واشنگتن با این موضعگیری‌های خود امیدوار بود، بتواند کمکی به اصلاح‌طلبان کند و در صحنهٔ سیاسی ایران به «یارگیری» در جهت تأمین اهداف نامشروع خود بپردازد.

آمریکا برای بدنامی از ما حمایت می‌کند!

اعلام حمایت صریح آمریکا از حرکت‌ها و برنامه‌های مدعیان اصلاح‌طلبی، نکتهٔ مهمی بود که علی‌القاعده باید هر غافلی را از خواب غفلت بیدار می‌کرد. امّا متأسفانه باز هم این اتفاق نیفتاد و حتی شاخهٔ تجدید نظرطلبان جبههٔ اصلاحات به توجیه این ننگ پرداخت و نقش محوری آن هم به خبرگزاری سپرده شد.

از آن‌جا که خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران یک نهاد دولتی است که با بودجهٔ بیت‌المال اداره می‌شود و از سوی دیگر با توجه به امکانات و سابقهٔ فعالیتش، یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های خبررسانی کشور به حساب می‌آید، جای دارد که نحوهٔ عملکرد او در خصوص رویارویی با این تبلیغات گستردهٔ رسانه‌های بیگانه، مورد ارزیابی قرار گیرد.

به نظر می‌رسد خط مشی این رسانه، به جای پرداختن به ماهیت چهره‌های منفور و شناساندن آنان به جامعه، مبارزه با نیروهای اصولگرا و توجیه اعمال روزنامه‌های زنجیره‌ای و شخصیت‌های معلوم‌الحال بود.

چنانچه در پی اظهارات سخنگوی وزارت خارجهٔ آمریکا و هجمهٔ گستردهٔ رسانه‌های بیگانه به ارکان نظام در حمایت از برخی اصلاح‌طلبان، خبرگزاری جمهوری اسلامی در تلکسی به تحلیل این پرسش که «چرا آمریکا تلاش دارد خود را حامی اصلاحات و اصلاح‌طلبان معرفی کند» پرداخت و در آن تصریح کرد که حمایت آمریکا در جهت بدنام کردن اصلاح‌طلبان است! این فرافکنی از سوی برخی روزنامه‌های اصلاح‌طلب نیز دنبال شد. در تحلیل خبرگزاری با انتقاد از آنچه «برداشت‌های سطحی» خوانده شده، آمده بود:

«پروندهٔ عملکرد رفتارهای خارجی آمریکا، به ویژه در عرصهٔ تقابل با نظام جمهوری اسلامی، حاوی فهرستی از نیرنگ‌ها و دسیسه‌های پیچیده و پنهانی است که در پوشش گمراه کننده، برای رسیدن به اهداف پس پردهٔ اسلامی آگاه است. وی می‌داند که مقامات و مسئولین نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران چه نگرشی

نسبت به رفتارها و عملکرد واشنگتن دارند.

آنان بر این موضوع واقفند که انتساب هر پدیدهٔ درونی جمهوری اسلامی، اعم از حقوقی و حقیقی به آمریکا به معنای مرگ آن پدیده است و با موجی از مخالفت‌ها و واکنش‌های بازدارنده در جامعهٔ اسلامی ایران روبرو خواهد شد. با وجود این، آمریکا طی چند سال اخیر تلاش کرده تا از تبلیغات رسانه‌ای، حمایت خود از اصلاحات و اصلاح گرایان را به نمایش بگذارد.

تجربهٔ گذشته این نکته را گوشزد می‌کند که حمایت آمریکا از اصلاحات در جمهوری اسلامی، تنها یک نمایش فریبکارانه است. بی‌تردید اگر این حمایت‌های تلویحی جنبهٔ علمی و واقعی داشت، به شکل پنهان و غیر مستقیم اعمال می‌شد تا بدون برخورد با مواضع و حساسیت‌های درونی جامعهٔ اسلامی، مسیر خود را طی کند... سعی استکبار بر آن است که بالندگی نظام اسلامی و روند اصلاحات را ناشی از اندیشهٔ غربی قلمداد کند، تا از این راه، با یک تیر دو نشان را هدف قرار دهد. از یک سو در مقابل روند اصلاحات سوء برداشت ایجاد کند و جامعهٔ ایران را از درون به تنش و چالش وادارد و از سوی دیگر، چنانچه اصلاحات به زعم موانع ایجاد شده، مسیر موفقیت‌آمیزی را طی کرد، افکار عمومی داخل و خارج، این موفقیت را ناشی از بالندگی درون‌زا و هویت دینی نظام جمهوری اسلامی ندانند، بلکه ناشی از اندیشه و گرایشات غربی تلقی کنند.»[1]

در بارهٔ این توجیه خبرگزاری، چند نکته قابل تأمل به نظر می‌رسد.

۱ . این تحلیل خبرگزاری زمانی صحیح است که جریان اصلاح‌طلب مبلغ آمریکا، مانند اصلاح‌طلبان واقعی از آمریکا و سیاست‌های مداخله جویانهٔ او بیزاری می‌جست، نه این‌که از همان رژیم حمایت کند و اتفاقاً نزد برخی خودی‌ها هم احترام و اعتباری داشته باشند و درست همین امر است که صف‌بندی اصلاح‌طلبان معتقد، مستقل و انقلابی در برابر عناصر نفوذی و نفاق زده را آشکار می‌سازد.

۲ . خبرگزاری جمهوری اسلامی، معرفی آمریکا را به عنوان حامی اصلاح‌طلبان،

---

۱ . روزنامهٔ کیهان: ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۱۴.

کیهان ۷۹/۵/۲۰

خبرگزاری: دلیل حمایت آمریکا از اصلاح‌طلبان خراب کردن آنهاست(!)

خبرگزاری جمهوری اسلامی در تلگسی به تحلیل این پرسش پرداخت که چرا آمریکا تلاش دارد خود را حامی اصلاح‌طلبان معرفی کند و تصریح کرد این اقدام در جهت بدنام کردن آنهاست و پنهانی است که در پوششی گمراه کننده برای رسیدن به اهداف پس پرده به کار گرفته شده‌اند.

در ادامه این تحلیل می‌خوانیم: بی‌تردید کاخ سفید نسبت به جهت حقیقی و ... انقلاب اسلامی و حقیقی به آمریکا به آن پدیده است و با ... مخالفتها و واکنشهای ... در جامعه اسلامی ایران روبرو خواهد شد.

با وجود این آمریکا طی چند سال اخیر تلاش کرده تا از طریق تبلیغات رسانه‌ای حمایت خود از ...

توصیه یک موسسه تحقیقاتی به مقامات آمریکا از اصلاح‌طلبان ایران علنی حمایت نکنید

● مؤسسه سیاستهای خاور نزدیک واشنگتن: در صورت حمایت علنی از جریان اصلاحاتی که آمریکا و یا در ایران بدنبال آن هستند، این روند متوقف خواهد شد.

روند اصلاحات در ایران بسیار شکننده است.

وزیرخارجه آمریکا: هرکجا یهودیان درخطر باشند، دیگر گروهها نیز هدف آزار قرار می‌گیرند.

● مؤسسه مطالعات استراتژیک آمریکا: کاخ سفید می‌خواهد از طریق بهبود روابط با ایران از جریان اصلاحات حمایت و اصلاح‌طلبان را تشویق کند اما در عمل انتخاب دیگری جز ادامه سیاست مهار دوگانه در سال جاری ندارد.

● سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: اعترافات متهمان به جاسوسی بر نگرانی آمریکا افزوده است.

سرویس سیاسی:

موسسه سیاستهای خاور نزدیک واشنگتن (رند)، به دولت آمریکا توصیه کرد که از ... اصلاح‌طلب در ایران، حمایت علنی نکنند.

«مایکل روبین» پژوهشگر این مؤسسه تحقیقاتی در گزارش مشورتی خود به دولت آمریکا که توسط ... منتشر شد، تأکید کرده است: «دولت آمریکا باید از جناح اصلاح‌طلب در ایران حمایت علنی نکند چرا که جناح محتکر(!) مجال خواهد ...»

کیهان ۷۹/۵/۲۰

گفت و شنود

شریک!

گفت: چه خبر؟

گفتم: خبرگزاری در گزارشی ادعا کرده که حمایت آمریکا از اصلاح‌طلبان ایرانی، با هدف بدنام کردن آنها صورت می‌پذیرد!

گفت: اما، آمریکا صریحاً اعلام کرده به خاطر اقدامات برخی از اصلاح‌طلبان داخلی که علیه مبانی انقلاب و ارزش‌های اسلامی است، از آنها حمایت می‌کند.

گفتم: این هم برای بدنام کردن آنهاست!

گفت: ولی اهدافی که این طیف از اصلاح‌طلبان داخلی دنبال می‌کند و آشکارا هم آن را اعلام کرده‌اند کاملا با اهداف آمریکا همخوانی دارد!

گفتم: احتمالا این اصلاح‌طلبان داخلی هم برای بدنام کردن آمریکا، اهداف مورد نظر آمریکا را دنبال می‌کنند!

گفت: مرد حسابی! وقتی هر دو طرف تا این اندازه بدنام و بدسابقه هستند، چه دلیلی دارد که با هم همفکر و همراه نباشند؟!

گفتم: قاضی از دزدی پرسید که آیا شریک هم داشتی یا خودت تنهایی دزدی می‌کردی؟ و دزد گفت: ای آقای قاضی! مگر در این دوره و زمانه آدم شریفی هم پیدا می‌شود که آدم با او شریک شود؟!

فقط یک نمونه از مدعیان اصلاح طلبی

کیهان ۷۹/۲/۱۷

آینده رابطه ایران - آمریکا
اکبر گنجی: باید همه پرسی برگزار شود

...شی: ۲۹ بهمن نقطه تکامل بود و نشان داد جهت گیری مردم به چه سمتی است

● مهندس سحابی: باید به اصلاحات عمق بخشید

صفحه ۲

بامداد نو ۷۸/۱۲/۲۱

قسمتی از مصاحبه اکبر گنجی با روزنامه "تاگس اشپیگل"

س: آیا تمام اصلاح‌طلبان خواهان جدایی دین از سیاست هستند؟ (رفسنجانیها و طرفداران آنان).

گ: در یک جامعه مدرن جدایی دین از سیاست یک امر بدیهی است وقتی شما جامعه را مدرنیزه کنید این جدایی بالاخره پیش خواهد آمد. ایران درحال حاضر از فاز قبل ازمدرن به فاز مدرن پیش می‌رود.

س: خیلی به گوش خوشایند می‌آید. لیکن در قانون اساسی حکومت معممین و روحانیون نوشته شده است. آیا ایران یک قانون اساسی جدید نیاز دارد؟

گ: در انگلستان یک حکومت پادشاهی است با وجود این جامعه دمکراتیک دارند.

س: رهبر انقلاب مثل یک پادشاه؟

گ: (می‌خندد) حکومت (حاکمیت) رهبر انقلاب طبق قانون اساسی محدود است. مجلس خبرگان می‌تواند او را از قدرت برکنار کند. اما این ابزار تاکنون استفاده نشده است.

تاکنون رهبر انقلاب خود را برتر از قانون و بالاتر از قانون اساسی قرار داده. ما می‌خواهیم که او تاکنون با قانون اساسی جابجا کند. او (آیت‌الله) خامنه‌ای خودش نیز به این مسئله رضایت دارد. و ما با این قانون اساسی می‌توانیم یک سیستم دمکراتیک ایجاد کنیم.

س: آیا برای منکرین خدا و ملحدین در ایران آزادی وجود خواهد داشت؟

گ: روند اصلاحات در ایران مرزی نخواهد داشت.

س: خانمها هم می‌توانند آزادانه تصمیم بگیرند که چادر یا حجاب اسلامی بپوشند یا نه؟

گ: در قانون اساسی ما هیچگونه اجباری راجع به پوشش نیست این را محافظه کاران فقط با زور تحمیل کردند. حرکت اصلاح‌طلبی بایستی اول آزادی بیان را عملی کند و بعد آزادی قلم را ایجاد کند ولی که این دو عملی شد اقدام به عملی ساختن رفرمها و اصلاحات دیگر خواهد کرد. اینکه خانمها با حجاب باشند یا نه موضوع تعیین کننده‌ای نیست.

س: یعنی دین و دینداری مسئله شخصی افراد خواهد شد؟

گ: به نظر من دین یک رابطه بین شخص و خدای اوست. دقیقاً این مشکل اسلام است که اکثر امور روزمره را تنظیم می‌کند و به همین خاطر به آسانی مورد سوءاستفاده سیاسی قرار می‌گیرد. هرکس از دین تفسیری دارد محافظه‌کاران در کسی مستبدانه از دین دارند اما من یک درک انقلابی از دین دارم و این برداشت در میان روحانیان اصلاح‌طلب نیز گسترش دارد.

س: مسلمانان و پیش کسوتان انقلاب نظرات دیگری نسبت به انقلاب داشتند آیا این نظرات به دور ریخته خواهد شد؟

گ: وقتی که یک متفکر واقعیات و احتیاجات مردم را درک نکند و عقب بماند در انبارها و موزه‌ها قرار خواهد گرفت.

س: آیا (امام) خمینی هم در موزه قرار خواهد گرفت؟

گ: ما تلاش می‌کنیم (امام) خمینی را به گونه‌ای تفسیر کنیم که مخالف با دمکراسی نباشد (امام) خمینی دیگر وجود ندارد آنچه وجود دارد فقط برداشتهای ما از سخنان اوست. اما او به هر حال یک روزی در موزه خواهد رفت و هیچکس نمی‌تواند جلوگیری کند این یک تکامل تاریخی است.(؟!)

دکتر علی شریعتی نیز به سرنوشت (امام) خمینی دچار شده که عقاید او در حرکت امروز اصلاح‌طلبی دیگر جایی ندارد و نقشی بازی نمی‌کند اما ما دکتر را به خوبی در خاطرات خویش نگه می‌داریم.

کیهان ۷۹/۱/۲۴

اصلاح طلبان حتی پس از این سخنان نیز از او دفاع کردند!

برداشتی سطحی و غفلت‌آمیز می‌داند؛ در حالی که این نکته از یک جهت درست و از یک زاویهٔ دیگر خلاف واقعیت است. بدین معنی که در میان مدعیان متعدد و متنوع اصلاح‌طلبی، هم انقلابیون صادق و مبارز قرار دارند که اصلاحات را در جوهرهٔ انقلاب اسلامی می‌دانند و هم منافقانی که به دلیل وابستگی و خصومت با انقلاب و طرد شدن از جانب ملت مؤمن، نقاب اصلاح‌طلبی را دستاویزی برای نفوذ خود قرار داده‌اند. دستهٔ اول به رغم اصلاح‌طلبی، همچنان محافظه کار و تندرو خوانده می‌شوند ـ همچنان که بارها رادیوهای آمریکایی گفته‌اند ـ و دستهٔ دوم که هیچ نسبتی با اصلاح‌طلبی ـ چه اسلامی و چه غیر اسلامی و ناسیونالیستی آن ـ ندارند، مدام از جانب بلندگوهای تبلیغاتی غرب، با همین عنوان وصف می‌شوند.

آیا چون آمریکایی‌ها از جاسوسان صهیونیست‌ها در ایران حمایت می‌کنند، پس آن جاسوسان دیگر جاسوس نیستند؟! آیا چون آمریکا از رژیم صهیونیستی در برابر ملت‌های مظلوم فلسطین و لبنان، آشکارا و پنهان حمایت می‌کند، پس آمریکا دشمن صهیونیستهاست؟ استدلال خبرگزاری زمانی پذیرفتنی بود که اولاً: حمایت آمریکا فقط در حرف و برای خراب کردن باشد و ثانیاً: طرف مورد حمایت، از آمریکا و سیاست‌های او برائت بجوید و ابراز بیزاری کند، نه این‌که او هم در داخل، مدام از قبلهٔ آمریکا دم بزند، سیاست‌های خصمانه‌اش را توجیه کند، از محبت‌های نداشته و نکرده‌اش بگوید و دم از آشتی با همان مستکبر ـ به تعبیر خبرگزاری ـ بزند.

۳ . حمایت تبلیغاتی آشکار آمریکا از جریان اصلاحات آمریکایی ـ صرف نظر از حمایت‌های پنهان ـ بدون زمینه‌چینی و برنامه‌ریزی نیست. آری آمریکا ماهیتی استکباری دارد، امّا فرضاً اگر قرار باشد جریان مطبوعاتی در کشور که سازندهٔ افکار عمومی است، به طور زنده و به روز این خصومت‌ها را مورد توجه و معرفی قرار ندهد و برعکس سیاست توجیه و تطهیر را پیشه کند، طبعاً موضوع حالت دیگری پیدا خواهد کرد.

پایگاه مطبوعاتی دشمن که در تعبیر ژرف مقام معظم رهبری مورد اشاره قرار

گرفت، ناظر بر همین معناست که یک تیم هماهنگ، تبلیغات روانی بی‌پایه را آغاز کرده‌اند. آنها همزمان با آبروتراشی برای آمریکا، مشروعیت نظام جمهوری اسلامی را مورد تهاجم مزورانه قرار داده‌اند.

۴ . حمایت آمریکا از جریانات وابسته نه تنها نگران کننده نیست، بلکه همان‌گونه که خبرگزاری تأکید می‌کند، بی‌اعتباری هم می‌آورد؛ امّا این رنج را باید به کجا برد که روزنامه‌ای که با هزینهٔ دولت منتشر می‌شود و بدهی‌های انباشته‌اش از خزانهٔ ملت پرداخت می‌شود! تریبون را به دست رئیس گروهکی می‌سپارد که حضرت امام آنها را بدتر از منافقین خواند! و این کار را بدون آن‌که سخنانش را نقد کند یا سابقهٔ خیانت‌هایش را به اطلاع عموم برساند، انجام می‌دهد.

۵ . همچنین به جا بود، این خبرگزاری که در هر موضوع ریز و درشتی به سراغ شخصیت‌ها و صاحب نظران می‌رود و موضوع را برجسته می‌کند، این بار هم حداقل برای خنثی کردن توطئه آمریکا به سراغ شخصیت‌ها و صاحب نظران، از جمله شخصیت‌های اصلاح‌طلب ـ اعم از اصلاح‌طلبان واقعی یا متمایل به آمریکا ـ می‌رفت و پاسخ آنها را برای آگاهی افکار عمومی منتشر می‌کرد و موضوع را به یک تحلیل و یک مصاحبه با رئیس کمیسیون امنیت ملی[1] تمام یافته تلقی نمی‌کرد.

۶ . اگر آمریکا بر طبق تحلیل خبرگزاری فریبکار و نیرنگ باز است و می‌خواهد دین را در ادارهٔ حکومت ناتوان معرفی کند، باید پرسید همین رسانه‌ها چقدر در معرفی چهرهٔ فریبکار آمریکا و دشمنی‌های طرفداران او با دین و ولایت فقیه قدم برداشته‌اند؟ برای مثال عملکرد مطبوعات زنجیره‌ای در قبال کنفرانس‌های پیچیده و ضد انقلابی

---

۱ . آقای میردامادی در واکنشی به سخنان سخنگوی وزارت خارجهٔ آمریکا گفت: «مسایل داخل ایران ارتباطی به کشورهای دیگر ندارد. طرح اصلاح موادی از قانون مطبوعات و اختلاف نظرهایی که در جلسهٔ علنی روز یکشنبه در این باره پیش آمد، صرفاً یک مسأله داخلی بود و از این دست مسایل در پارلمان ایران کم سابقه نیست.

رقابت‌ها و مسایل مهم سیاسی بسیاری در کشور وجود داشته که گروه‌های سیاسی در مورد آنها اختلاف نظر داشته‌اند، امّا همهٔ آنها همواره به نقطه‌ای از تعادل رسیده‌اند. کسی نباید به خود اجازه دهد در امور داخلی ایران دخالت کند.» (روزنامهٔ حیات نو: ۲۰ مرداد ۷۹)

چون «سیرا» و «استنفورد» که در آنها آشکارا بر پیگیری خط فروپاشی جمهوری اسلامی به مثابه شوروی و از طریق مدل «گورباچف ـ یلتسین» تأکید شد، چه بود و به چه میزان اقدام به روشنگری کرده‌اند؟

۷ . اگر ارتباطی میان حمایت آمریکا از مدعیان دروغین اصلاح‌طلبی مطابق با منافع کشور و انقلاب نیست، چرا روزنامهٔ رسمی خبرگزاری، همچون بلندگویی بدون هیچ تحلیلی، القائات نیش‌آلود و غرض‌آمیز رادیوهای خارجی را منتشر می‌کند! به طور مثال در فضایی که تمامی رادیوهای خارجی مشغول سمپاشی و فضاسازی علیه حکم حکومتی رهبر انقلاب بودند، این روزنامه با درج گزارش‌های تحلیل‌گر رادیو بی. بی. سی می‌نویسد:

«اختلاف بر سر دو دیدگاه است، در مورد این‌که در جمهوری اسلامی چگونه جامعه‌ای باید داشته باشیم؟ جامعه‌ای باز یا بسته، پارلمان حکومت کند به خاطر این‌که نمایندهٔ مردم است یا رهبر حکومت کند.»[۱]

نتایج و آثار حکم حکومتی[۲]

صدور حکم حکومتی رهبر انقلاب، آثار و فوائد بسیاری را به همراه داشت که در روشن ساختن افق آیندهٔ کشور، نقش بسیار مهم و قابل توجهی دارد.

۱ . نامهٔ کوتاه ولی پرمعنا و قاطع رهبر انقلاب به نمایندگان مجلس، نشان از این داشت که جایگاه ولایت و رهبری در جامعهٔ اسلامی، موقعیت و مسئولیتی در عرض سایر مقامات حکومتی نیست و همچنان که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، قوای مختلف در کشور، زیر نظر ولایت امر فعالیت می‌کنند و این «ولایت» در محدودهٔ آموزهای دینی با صفت «مطلقه» معرفی شده است.

رهبر انقلاب، با نامهٔ خود این حقیقت را ثابت و آشکار کردند که رهبری در

---

۱ . روزنامهٔ ایران: ۲۰ مرداد ۷۹.

۲ . با استفاده از مقالهٔ روزنامهٔ کیهان: ۱۷ و ۲۳ مرداد ۷۹، به قلم حسین صفار هرندی و علی مطهری.

جمهوری اسلامی یک جایگاه تشریفاتی نظیر آنچه در برخی حکومت‌ها وجود دارد، نیست و با هیاهو و جنجال هم نمی‌توان این جایگاه رفیع را برخلاف قانون اساسی نادیده گرفت.

نیروهای متدین و اصولگرا که بار انقلاب و جنگ و سازندگی بر دوش آنها بوده است و در سال‌های اخیر تحت فشارها و تحقیرها بوده‌اند و بارها عواطف مذهبی آنها توسط فیلم‌های سینمایی و مطبوعات و غیره جریحه‌دار شده و نگران تأثیر افکار غربی بر آیندهٔ انقلاب اسلامی بودند، جانی تازه یافتند و نگرانی آنها از تغییر مسیر انقلاب اسلامی به سوی غرب تا حدّی کاهش یافت.

۲. رهبر حکیم و مقتدر ایران، به وعده‌ای که بارها با ملت خود در میان گذارده بود، عمل کرد. او گفته بود که نخواهد گذاشت، دشمن مقدّرات این مردم زجر کشیده و محروم را به دست گیرد. با این حکم، ظهور مقتدرانه و با صلابت رهبری در صحنه تنظیم سیاست‌های اساسی کشور، شائبه‌هایی را که در برخی دل‌های سست و بیمار، پیرامون هویت نظام و آیندهٔ انقلاب پدیدار شده بود، شست و بر این حقیقت انگشت تأکید گذارد که قرار نیست در هرج و مرج تجدیدنظر طلبی دست نشاندگان شیطان، گرگ‌های خون آشام، پاره‌های پیکر عزیز این وطن خونرنگ را به دندان طمع خود بگیرند و با توهم بی‌صاحب بودن میهن اسلامی، مال و ناموس ایرانیان را به عنوان غنیمت جنگی، میان خود تقسیم کنند.

۳. تبعیت اکثر قریب به اتفاق نمایندگان از حکم رهبری، آب پاکی بود بر اوهام و خیالات دشمنان نظام اسلامی. این واقعه حکایت از آن داشت که برخلاف تبلیغات پرحجم دشمنان کینه‌توز انقلاب، مجلس ششم، محل مناسبی برای دلبستگی و دلخوشی بیگانگان نیست و حتی وجود معدودی افراد سست عنصر و راه گم کرده در میان خیل عظیم نمایندگان وفادار به انقلاب و راه امام، قادر به تغییر روند اوضاع به نفع ضد انقلابیون نیست.

اگر چه تجرّی معدودی از حاضران جلسهٔ خانهٔ ملت، در قالب بیان دیدگاه‌هایی

بی‌پایه و یا ترک جلسه را نمی‌توان دست کم گرفت، امّا برخورد متین و توأم با اطاعت اکثریت برگزیدگان مردم با پیام و خواسته پیشوایان نظام، این قوت قلب را به دوستداران ایران و اسلام بخشید که راه تجدیدنظر طلبی، پرطرفدار نیست و آنها که با این توهم به مصاف انقلاب آمده‌اند، باید در این برداشت خود تجدید نظر کنند!

۴ . رئیس محترم مجلس نیز آن روز خوش درخشید. آن سان که می‌توان او را «قهرمان ایستادگی بر خط امام» لقب داد. کروبی، این یار باوفای امام که هنوز داغ سیلی دشمنان امام را بر چهرهٔ خود دارد، برای دقایقی در آن جلسه، سفرهٔ دل را گشود و حرف‌هایی را بر زبان راند که یاران وفادار انقلاب از سال‌ها پیش، انتظار شنیدنش را از شخصیتی همچون او داشتند. بغض انباشته شدهٔ فرزندان انقلاب از زخم زبان‌ها و اهانت‌های متهتکین به ساحت امام و ولایت، آن روز در دهان کروبی ترکید و او با اشاره به دورانی نه چندان دور، قضایای گذشته را به یاد پیمان شکنان و فراموش‌کاران آورد. پیش از این، کسان دیگری هم از آن خاطرات سخن گفته بودند؛ امّا آن حرف‌ها از زبان این چریک پیر تأثیر و حلاوت دیگری داشت. قطعاً قصهٔ پر غصّه گذشته و تحذیر از تکرار آن گذشته تلخ، به بیداری بسیاری از آنها منجر خواهد شد که آرایش و صف‌بندی جناح‌ها را با توهم رویارویی غیر واقعی «چپ» و «راست»، در ذهن خود ترسیم کرده بودند.

موضعگیری خداپسندانهٔ آقای کروبی و دیگر نمایندگان در جلسهٔ روز یکشنبهٔ مجلس، این امید را تقویت کرد که اهالی وادی اصولگرایی، فارغ از دسته‌بندی‌های ظاهری، در بزنگاه تعیین سرنوشت «خدا، امام، خون پاک شهدا و مسئولیت شرعی و انقلابی» خود را فراموش نخواهند کرد.

۵ . در واقعهٔ ۱۶ مرداد ۷۹، تعدادی از نمایندگان که با ابعاد حکم حکومتی آشنا نبودند، به برکت این اتفاق و بحث‌های جانبی آن، با تمام ابعاد حکومت اسلامی آشنا شدند. در میان آنان افراد متعهد و متدینی وجود داشتند که از رهگذر این مباحث، راه خود را از کسانی که فقط منافع حزبی و سیاسی را در سر می‌پرورانند، جدا کردند.

۶ . در اثر تبیین حکم حکومتی و یادآوری مصادیق آن، زمینه‌های برخورد غیر اصولی با این موضوع و جایگاه آن منتفی شد و زمینه‌های مساعدتری برای اجرای این بخش از قانون اساسی فراهم گردید.

۷ . «دست نوشتهٔ» رهبر انقلاب و اطاعت اکثریت قاطع نمایندگان مجلس، به خصوص ریاست محترم مجلس، تکلیف دشمنان داخلی و خارجی نظام اسلامی را روشن ساخت. دشمنانی که در برابر یکپارچگی مردم و مسئولان نظام اسلامی دچار سردرگمی شده بودند و اعلام می‌کردند:

> «... آمریکا از این جهت در مقابله با جمهوری اسلامی ایران درمانده است که نمی‌داند در ایران با چه کسی طرف است. با مجلس؟ با رئیس جمهور؟ با نخست وزیر؟ با رهبر؟ امّا ظاهراً روزهای تلخ سردرگمی ما با روی کار آمدن اصلاح‌طلبان سپری می‌شود. اصلاح طلبانی که حتی توانستند کرسی‌های نمایندگی مجلس را که دژ تسخیرناپذیر بود، فتح کنند. ما از این پس، باید شاهد فرو ریختن ستون‌های این نظام سرکش و مهار نشدنی باشیم(!) نظامی که در یک قلم، ایالات متحده آمریکا را با این همه قدرت هسته‌ای و تکنولوژی‌اش به پشت دیواری از تحقیر تارانده است. من به همهٔ مردم دنیا می‌گویم: ما باز خواهیم گشت...»[۱]

حکم ولی فقیه زمان که در زمان غیبت امام معصوم، پاسدار دین خداست، به دشمنان داخلی و خارجی نظام اسلامی ثابت کرد که آنها با هیچ کس طرف نیستند! بلکه با یک تاریخ طرف هستند، تاریخی که ابتدا و انتهای آن ولایت است؛ ولایت علی‌ؑ تا ولایت مهدی‌ؑ و ولایت فقیه رشتهٔ آشکاری از همان ریسمان الهی است.

۸ . به یقین دشمنان و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل، امید خود به تغییر مسیر انقلاب اسلامی، تحت نام «اصلاح‌طلبی» را از دست دادند و دریافتند که دموکراسی در ایران، مقید به مکتب اسلام است و با دموکراسی غربی فاصلهٔ زیادی دارد. فرضاً در اثر تبلیغات زیاد و جنگ روانی، شورای نگهبان صلاحیت برخی افراد غربگرا را تأیید کند و

---

۱ . ریچارد کلمن سیاستمدار آمریکایی، به نقل از روزنامهٔ کیهان : ۱۸ تیر ۷۹، ص ۱۴.

این افراد به مجلس راه یابند، آنگاه که آنها کجروی آغاز کنند، مکتب اسلامی ـ که در شخص ولی فقیه تجسم یافته است ـ آنان را به راه راست باز می‌گرداند. نامهٔ رهبر گرانقدر انقلاب در واقع ندای مکتب بود، نه ندای یک شخص و لذا هیچ نسبتی با استبداد و حکومت فردی ندارد. هرگاه بخشی از حکومت از جاده اسلام خارج شود، رهبر که دیده‌بان حکومت و متعهد به حفظ جامعه در مسیر اسلام است، آن را به راه اصلی باز می‌گرداند.

۹. اعلام نظر رهبری و تبعیت مجلس از آن، باعث شد که جامعهٔ ما از یک بحران و درگیری سیاسی چند ماهه نجات یابد و به سوی مسائل اصلی و واقعی باز گردد. اگر مجلس این طرح را تصویب می‌کرد؛ قطعاً شورای نگهبان ـ به دلیل مخالفت با شرع و قانون اساسی ـ آن را رد می‌کرد، آنگاه تبلیغات و جنگ روانی علیه شورای نگهبان آغاز می‌شد و دو گروه سیاسی موجود در کشور به نزاع لفظی می‌پرداختند و احتمالاً کار به مجمع تشخیص مصلحت نظام کشیده می‌شد و شاید در نهایت نیز اظهار نظر رهبر گرامی انقلاب کارگشا می‌شد تا مسأله حل شود. در این حالت نتیجه یکی بود، امّا وقت زیادی از مردم و دولت تلف می‌شد و فرصتی از فرصت‌های رفع مشکلات واقعی که اکثر عمرانی و اقتصادی است، از دست می‌رفت.

۱۰. حکم حکومتی رهبر انقلاب نشان داد که مرز محدودیت آزادی ـ برخلاف نظر متفکران غربی ـ محدودیت آزادی دیگران نیست، بلکه مصالح فرد و جامعه نیز آزادی را محدود می‌کند. آزادی، یعنی نبودن مانع در مقابل استعدادهای موجود انسان تا این استعدادها به فعلیت برسند و انسان به کمالات خود دست یابد. هر چیزی که مانع رشد استعدادها و رسیدن انسان به کمالات خود باشد، ضد آزادی است؛ خواه آزادی دیگران را محدود بکند و خواه نکند. فلسفهٔ بسیاری از محرمات در اسلام نیز همین نکته است که مخالف مصالح فرد یا جامعه و یا هر دو است. لذا مسلمان در خلوت نیز بسیاری از کارها را انجام نمی‌دهد و در واقع آزادی خود را محدود می‌کند در حالی که آن کارها مخل آزادی دیگران نیست.

به طور کلی، آزادی یکی از ارزش‌های انسانی است، نه همهٔ ارزش‌ها. ارزش‌های دیگری مانند عبادت و خدمت به خلق نیز وجود دارد که باید در انسان رشد کنند. انسان کامل، انسانی است که همهٔ ارزش‌های انسانی در او به طور هماهنگ، رشد کرده باشد.

بخش چهارم

وزارت کشور
در آئینه حماسهٔ حضور مردم

حمایت‌های مردمی از ولایت فقیه و تشکر از مجلس

رهبر معظم انقلاب که خطری جدی را در تغییر قانون مطبوعات حس می‌کردند، با صدور حکم ولایی، مانع از آغاز بحرانی دیگر در کشور شدند. رهبر انقلاب در نامهٔ خود به مجلس شورای اسلامی، نسبت به رخنهٔ دشمن در مطبوعات هشدار دادند و اعلام کردند:

«اینجانب سکوت خود و دیگر دست اندرکاران را در این امر حیاتی جایز نمی‌دانم.»[1]

با این اعلام موضع صریح رهبری، رئیس مجلس شورای اسلامی و اکثریت قاطع نمایندگان مجلس، اولین کسانی بودند که سکوت را شکستند و ضمن اطاعت از حکم رهبری انقلاب، به حمایت از آن اقدام نمودند؛ هرچند پس از آن، برخی از عناصر افراطی داخل مجلس در برابر آنها موضعگیری تندی نمودند. این عده که در حقیقت وام‌دار مطبوعات زنجیره‌ای و غوغاسالار بودند، سعی کردند با جوسازی و سخن پراکنی، مخالفت‌های خود را به نام مجلس شورای اسلامی تمام کنند؛ امّا سخنان ۱۸ مرداد رئیس مجلس و نطق‌های پیش از دستور برخی نمایندگان، تلاش آنان را بی‌ثمر ساخت.

---

۱ . روزنامهٔ ایران: ۱۷ مرداد ۷۸.

علاوه بر ریاست قوهٔ مقننه و اکثریت نمایندگان مجلس که به امر ولی فقیه سکوت را شکسته و با اطاعت از رهبری، قانونمداری خود را ثابت کردند؛ رئیس قوهٔ قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، مجلس خبرگان و بسیاری از شخصیت‌ها و گروه‌های انقلابی با اطاعت از رهبر انقلاب، سکوت را شکسته و به حمایت از حکم حکومتی ولی امر مسلمین سخن گفتند.[۱]

همچنین آیات عظام، مکارم شیرازی[۲] و نوری همدانی[۳] در اطلاعیه‌های

---

۱ . متأسفانه از جانب شخص رئیس جمهور و هیأت دولت، هیچ گونه واکنش صریح و روشنی در برابر حکم حکومتی رهبر انقلاب شنیده نشد و حتی نسبت به این جملهٔ «اینجانب سکوت خود و دیگر دست اندرکاران را در این امر حیاتی جایز نمی‌دانم» که خود حکم حکومتی دیگر و واجب الاطاعه بود نیز، هیچ نوع عکس العملی نشان داده نشد! با این که آقای خاتمی در آن ایام، در سفر استان کردستان بسر می‌برد و سخنرانی‌های مختلفی ایراد کرد.

۲ . در قسمتی از بیانیهٔ آیت الله مکارم شیرازی آمده بود: «اقدام به موقع و شجاعانه و حساب شدهٔ رهبر بزرگوار انقلاب در برابر طرح پیشنهادی کمیسیون مطبوعات و استقبال قابل ملاحظه اکثریت مجلسیان محترم از آن، بحمد الله تعالی جلوی یک معضل اجتماعی ـ اگر نگوئیم یک فاجعه ـ را گرفت و خدا را بر آن شکر می‌گوئیم. به اعتقاد اینجانب، اکنون فرصت خوبی برای بازنگری دربارهٔ برنامه‌های فرهنگی فراهم شده است و در همین رابطه لازم می‌دانم نکاتی را خدمت نمایندگان محترم مجلس و سایر دست‌اندرکاران عرض کنم:

فرض کنید طرح پیشنهادی مزبور، بی‌کم و کاست در مجلس تصویب می‌شد. باز هم فرض کنید، شورای محترم نگهبان هیچ مقاومتی در برابر آن نشان نمی‌داد، به یقین با چراغ سبزی که در این طرح آغاز می‌گشت، سیل کمک‌های بیگانه به سوی بعضی از مطبوعات سرازیر می‌شد و حملات بر ضد مقدسات دینی تشدید می‌گشت، آیا مردم متدین و متعهد و شهید داده در برابر آن سکوت می‌کردند؟

قطعاً نه! بپا می‌خواستند و انفجاری به وجود می‌آمد که بی‌ثباتی و ناامنی جامعه را به دنبال داشت. امروز هم اگر دعوت مراجع و امثالهم به سکوت و خویشتنداری نبود، وضع طور دیگری بود. بدیهی است در جو بی‌ثباتی و ناامنی، هرگونه برنامهٔ اصلاحی نقش بر آب بود.

از سوی دیگر، همه می‌دانیم که کشور ما از قومیت‌های گوناگونی تشکیل شده که رمز وحدت و حلقهٔ اتصال آنها فقط اسلام و قانون اساسی است. اگر دشمن در مطبوعات نفوذ کند و بتواند این حلقهٔ اتصال را بشکند، به یقین هر بخش از این کشور را به یکی از قومیت‌ها خواهد سپرد و فکر جهانخواران، برای همیشه از وجود یک ایران قدرتمند و یکپارچه که خاری در چشم آنها است، راحت خواهد شد. همان کاری که در طول تاریخ بارها با کشورهای قدرتمند و بزرگ کردند و در عصر ما دربارهٔ کشور عظیم شوروی نیز تکرار شد.

بنابراین اگر ما عشق به اسلام و انقلاب و برنامه‌های اصلاحی داریم، یا اگر قلب ما برای ایران قدرتمند و مستقل و سرفراز می‌تپد، حداقل باید احتمال به وجود آمدن چنین حوادثی را جدی بگیریم و برای آن نگران باشیم و در دفع آن بکوشیم.» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۴)

جداگانه‌ای، حمایت خود را از حکم حکومتی مقام معظم رهبری اعلام نمودند و تدبیر رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس را قابل تحسین دانستند. علاوه بر مراجع تقلید، جامعهٔ مدرسین و شورای عالی و مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم نیز از حکم رهبری و اقدام نمایندگان حمایت کردند.[1]

علاوه بر شخصیت‌ها و نهادهای حوزوی، ۳۰۰ نفر از اساتید دانشگاه تهران با صدور بیانیه‌ای تحلیلی، ضمن حمایت از حکم رهبری، عمل نمایندگان مجلس شورای اسلامی را مطابق اصول ۵، ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی دانستند و با تجلیل از آن، در قسمتی از بیانیهٔ خود نوشتند:

> «بارزترین دلیل بر ضرورت حکم رهبر معظم انقلاب در جلوگیری از تغییر قانون مطبوعات، عکس‌العمل دولت آمریکا و ابراز نگرانی ریچارد بوچر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نسبت به وضع مطبوعات در ایران است که صرف نظر از آن که دخالت آشکار دولت آمریکا در امور داخلی کشور ما محسوب می‌شود، از توطئه‌ای عمیق خبر می‌دهد که آمریکایی‌ها قصد دارند، تحت عنوان ظاهر فریب اصلاحات، در ایران اجرا کنند. ضمن تشکر از تصمیم شجاعانهٔ نمایندگان، هیأت رییسه و ریاست

---

۳ . در قسمتی از بیانهٔ آیت الله نوری همدانی آمده بود : «در مدت این دو ـ سه سال، بنده شخصاً مراقب مطبوعات بوده‌ام و با بولتن هم سر و کاری نداشته‌ام، مدارک فراوانی از این قبیل روزنامه‌ها جمع‌آوری کرده‌ام، این روزنامه‌ها علاوه بر ایجاد تفرقه و تخریب شخصیت‌ها و افروختن آتش اختلاف، محتوی اهانت به دین اسلام و پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سایر مقدسات مذهبی است و برای نمونه به این مطالب توجه کنید : «فرهنگ شهادت خشونت آفرین است»، «دین حق، منحصر به دین اسلام نیست»، «گفتار فاطمه الزهرا علیها السلام نمی‌تواند الگوی رفتار زنان باشد»، «جریان عاشورا و شهادت سید الشهدا علیه السلام، عکس‌العمل خشونت پیامبر اسلام است»، «حجاب زنان، نماد عقب افتادگی است»، «جامعهٔ ولایی، انحصارگر و مستبد است» و ... این مردم که عاشق دین هستند و برای دین اسلام انقلاب کردند و به خاطر دین، این همه شهید در راه خدا تقدیم کردند و داغ این همه شهید را تحمل کردند و برای خاطر دین، این همه جانباز و آزاده و زندانی دادند و به خاطر دین، این گرانی و سختی زندگی را تحمل می‌کنند؛ هرگز در برابر اهانت به دین اسلام، آرام نمی‌نشینند و ما هم که فریاد می‌کشیم، برای خاطر این است که مسئولیت خود را در مرزبانی از دین اسلام می‌دانیم و معتقدیم همان طور که علمای گذشته دین اسلام را حفظ کردند و به ما تحویل دادند، ما هم که با هیچ گروه و جناحی کار نداریم، وظیفهٔ خود می‌دانیم در هر نقطه‌ای که ببینیم اهانت به دین صورت می‌گیرد، فریاد بکشیم .»

۱ . روزنامهٔ کیهان : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۱۴ .

جمهوری اسلامی

۷۹/۵/۱۷

نامه رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان مجلس

سکوت در مقابل نفوذ اجانب به مطبوعات را جایز نمی‌دانم

پیام تشکر دبیر شورای نگهبان به رهبر انقلاب و رئیس مجلس

رسالت

۷۹/۵/۱۹

مجلس، دشمن را از راه‌اندازی مجدد پایگاه در مطبوعات مأیوس کرد

ایران

۷۹/۵/۱۸

رئیس جمهوری «روز خبرنگار» را به خبرنگاران تبریک گفت

کیهان

۷۹/۵/۱۹

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی:

حکم حکومتی رهبر انقلاب از بروز یک معضل اجتماعی پیشگیری کرد

• آیت‌الله مکارم شیرازی: اگر طرح پیشنهادی کمیسیون فرهنگی مجلس تصویب می‌شد و شورای نگهبان میز آن را رد نمی‌کرد، پای دشمنان انقلاب بیش از پیش به مطبوعات باز می‌شد.

• حمایت اقشار مختلف مردم، شخصیت‌ها و نهادها از حکم رهبر معظم انقلاب و تصمیم مجلس همچنان ادامه دارد.

• انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان ... برای خارج کردن طرح اصلاح ... دستور کار، اقدامی ... مصلحت‌اندیشانه بود.

• جامعه مبلغین اسلامی ...

جمهوری اسلامی ۷۹/۵/۲۰

حمایت مجلس خبرگان از حکم حکومتی رهبر انقلاب و هشدار به بازیگران سیاسی

قدردانی دفتر رهبر معظم انقلاب از نمایندگان مجلس

کیهان ۷۹/۵/۲۶

نامه جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم به محضر مقام معظم رهبری:

نظام بدون ولایت مطلقه فقیه فاقد هر نوع مشروعیت است

کیهان ۷۹/۵/۲۹

بیانیه تحلیلی ۳۵۰ استاد دانشگاه درباره حکم حکومتی رهبر انقلاب

بیش از ۳۵۰ تن از استادان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور با صدور بیانیه‌ای ضمن اعلام حمایت از حکم حکومتی مقام معظم رهبری مبنی بر خارج شدن طرح اصلاح قانون مطبوعات از دستور کار مجلس، از اکثریت قاطع نمایندگان به خاطر تبعیت این حکم تشکر و قدردانی کردند.

در بخشهایی از این بیانیه با اشاره به جایگاه ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی به عنوان میثاق ملی آمده است: اصل پنجم قانون اساسی ولی امر را عهده‌دار ...

اضافه شدن لفظ مطلقه به همین دلیل صورت گرفت. در این بیانیه تأکید شده است: صدور حکم فراتر از تصمیم قوه مقننه در مواقع خاصی برای حفظ مصالح مهم در تمامی نظامهای سیاسی پذیرفته شده است و حتی در نظام آمریکا این اختیار به رئیس جمهور داده شده تا هرگاه مصلحت دید مصوبات دو مجلس نمایندگان و کنگره را وتو کند. این استادان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور در بیانیه خود همچنین با تأکید بر اینکه مطبوعات رکن مهم حفظ آزادی و اصلاح کشورند و ...

مردم سالاری دینی عنوان کنند، آمده است: بارزترین دلیل بر ضرورت حکم رهبر معظم انقلاب در جلوگیری از تغییر قانون مطبوعات عکس‌العمل دولت آمریکا و ابراز نگرانی بی‌جا و دو چهره سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نسبت به وضع مطبوعات در ایران است که صرف‌نظر از آنکه دخالت آشکار دولت آمریکا در امور داخلی کشور ما محسوب می‌شود، از توطئه‌ای عمیق خبر می‌دهد که آمریکائیها قصد دارند تحت عنوان ظاهر فریب اصلاحات در ایران اجرا کنند. استادان دانشگاههای ...

مقام معظم رهبری: اگر دشمنان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی، مطبوعات را در دست بگیرند

یا در آن نفوذ کنند، خطر بزرگی امنیت و وحدت و ایمان مردم را تهدید خواهد کرد

مجلس شورای اسلامی، تصریح می‌کنیم که مردم حق دارند از خود بپرسند چرا طراحان تغییر قانون مطبوعات، اصرار دارند مطبوعات را از تبعیت مصوبات شورای عالی امنیت ملی که پایگاه آن در قانون اساسی و ریاست آن بر عهدهٔ رئیس جمهور است، آزاد سازند و یا چرا حمله به قانون اساسی، نباید جرم شناخته شود؟»[۱]

طی دو روز پس از صدور حکم حکومتی، شمار زیادی از شخصیت‌های مذهبی، سازمان‌های دولتی، قضایی و نهادهای انقلاب در حمایت از نامهٔ رهبر انقلاب و مدیریت آقای کروبی و نمایندگان مجلس اطلاعیه صادر کردند. در این میان، بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی بازار و اصناف تهران در اطلاعیه‌هایی از مردم انقلابی خواستند تا همچون تمامی مقاطع حساس انقلاب، برای حمایت از حریم رهبری و تشکر از نمایندگان مجلس و رئیس محترم آن، روز ۱۸ مرداد در برابر مجلس تجمع نمایند.[۲] مسئول بسیج دانشجویی نیز از ارسال نامه‌ای به مدیر کل سیاسی وزارت کشور برای اخذ مجوز این تجمع خبر داد.[۳]

این تجمع عظیم مردمی با شعارهایی در حمایت از ولایت فقیه و تشکر از رئیس مجلس و نمایندگان، با سخنرانی چند تن از نمایندگان مجلس به پا شد، امّا متأسفانه حضور و حمایت‌های مردم از رکن اصیل نظام، موجب خشم و عصبانیت برخی از شخصیت‌های سیاسی و روزنامه‌های غوغاسالار شد!

حمایت از رهبری، جفای به رهبر!

روزنامهٔ دولتی «ایران» که مطابق رسالت سنگین مطبوعاتی خود، باید حمایت‌های مردمی از ولایت فقیه و مجلس را به خوبی پوشش خبری می‌داد، با آغاز سیل تجمعات مردمی و اطلاعیه‌های حمایت‌آمیز نهادهای مختلف، در سرمقالهٔ خود

---

۱ . روزنامهٔ کیهان : ۲۹ مرداد ۷۹، ص ۲ .

۲ . همان : ۱۷ مرداد ۷۹، ص ۱۴ . بازار تهران اعلام کرد که برای حضور در تجمع، بازار تهران تا ساعت ۱۰ صبح تعطیل است .

۳ . همان .

این حرکات را «جفای به رهبری» نامید و نوشت:

«همان‌گونه که پیش از این هم مرسوم بود، جناح‌های گوناگون در اندیشه بهره‌برداری سیاسی از این ماجرا [نامهٔ رهبر انقلاب به مجلس] برآمدند. از این رو، سیل اطلاعیه‌های پشتیبانی از حرکت رهبر آغاز شد و در لابلای بیانیه‌ها، تهدید و لفاظی و تهمت نیز باب شد. شاید این بهره‌برداری مذموم، "جفای بر رهبر" باشد. زیرا استخدام تدبیر شرعی ولی امر، در راستای منافع حزبی و گروهی، جفاکارانه است.»[۱]

این جریده در حالی حمایت از رهبری نظام را «جفای به رهبر» عنوان می‌کرد که در واقعهٔ دیگری ـ تأیید انتخابات تهران ـ حمایت‌ها و تشکر گروه‌های سیاسی را «استقبال ملی» نامید و بزرگ‌ترین تیتر خود را به این جمله اختصاص داد: «استقبال ملی از تدبیر رهبری در رهایی از بن‌بست انتخابات.»[۲]

همچنین روزنامه‌های «حیات نو» و «بهار» که از خارج شدن این طرح از دستور کار مجلس به شدت عصبی به نظر می‌رسیدند، با تیترها و گزارش‌های جهت‌دار خود درصدد انتقام از مردم متدین و انقلابی برآمدند. روزنامهٔ «حیات نو» تجمعی را که وزیر کشور آن را اجتماع چند هزار نفری عنوان کرده بود،[۳] اجتماعی سیصد نفره نامید و با چاپ تصویری از نمای نزدیک، در قسمتی از گزارش مغرضانهٔ خود نوشت: «در میان دانشجویان بسیجی، گروهی از دختران دانشجو نیز دیده می‌شدند!»[۴]

حملهٔ برخی از نمایندگان به «مردم»!

بررسی سخنان و موضعگیری برخی از نمایندگان نسبت به تجمع حمایت‌آمیز مردم از اکثریت نمایندگان قانونمدار و معتقد به ولایت فقیه، نشان می‌دهد که متأسفانه

---

۱. روزنامهٔ ایران: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۱.

۲. همان: ۳۱ اردی‌بهشت ۷۹.

۳. همان: ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۲، در جمع استانداران کشور.

۴. روزنامهٔ حیات نو: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۳.

یک روز حمایت مردم را "استقبال ملی" نامیدند
و روزی دیگر آن را "جفای به رهبر" دانستند!

ایران
۷۹/۲/۳۱

در پی ارایه رهنمود به شورای نگهبان صورت گرفت

استقبال ملی از تدبیر رهبری در رهایی از بن بست انتخابات

تحلیل ناظران جهانی از تدبیر رهبر معظم انقلاب درباره انتخابات تهران

ایران
۷۸/۵/۱۷

گزارش حادثه دیروز مجلس

مشکلات سیاسی از تقدیم منافع حزبی بر منافع ملی و عدم تقید به قانون اساسی به وجود می‌آمد، به راستی چه کسانی این گونه عمل می‌کردند؟

ایران
۷۹/۵/۱۷

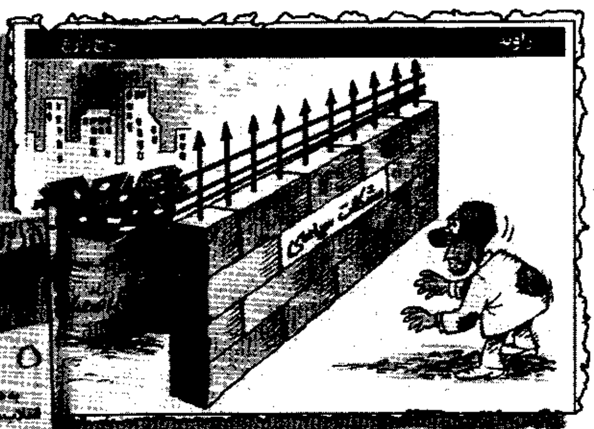

ایران
۷۹/۵/۱۸

بهوش باشیم!

مطابق اصول ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی سیاست های کلی نظام توسط ولی امر تبیین شده و قوای سه گانه زیر نظر ولی‌فقیه عمل می‌کنند. بنابراین اطاعت از حکم حکومتی رهبری عملی قانون گرایانه بود.

این جمع اندک، در آن ایام به هیچ وجه نسبت به سخنان خود دقت کافی نداشتند. این چند نفر، علاوه بر اظهار نظرهای متفاوت دربارهٔ نامهٔ رهبری و مدیریت حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی، تجمع حمایت‌آمیز مردم را نوعی بیماری[۱]، اهانت به نمایندگان[۲]، تضعیف قوهٔ مقننه[۳] و از طرف کسانی که مردم نیستند[۴]، معرفی می‌کردند.

اعتراض‌کنندگان به مردمی که در حمایت از رئیس مجلس و نمایندگان هوشیار تجمع کرده بودند، ادعا می‌کردند که این حرکت باعث «تضعیف خانهٔ ملت و اهانت به مجلس» است. البته نَفْس این اعتراض کاملاً منطقی بود و قطعاً هر فرد و جریانی که بدون در نظر گرفتن شأن و جایگاه مجلس درصدد تضعیف آن برآید، اقدامی در راستای تقویت انقلاب و نظام نکرده است؛ امّا آیا تجمع مردم در برابر مجلس از مصادیق آن بود؟ در این باره سؤالاتی مطرح شد که پاسخ به آن تا حدودی، مشکل را حل می‌کرد که متأسفانه هرگز به آنها پاسخ داده نشد:

۱ . آیا تجمع در برابر مجلس و شعار در حمایت از حکم حکومتی رهبری و تشکر از نمایندگان و رئیس مجلس از مصادیق تضعیف خانه ملت است؟!

۲ . آیا نمایندگانی که در طول این مدت ـ به خصوص قبل از تشکیل مجلس ششم ـ با سخنرانی‌ها، مقالات و مصاحبه‌ها خود از تضعیف کنندگان مجلس پنجم بودند، می‌توانند با این جوسازی‌های دروغین، اهانت‌ها و غوغاسالاری آن زمان را به فراموشی بسپارند؟!

۳ . چگونه است که شعارهای تشکر آمیز از اکثریت مجلس، حمایت از قوهٔ مقننه به حساب نمی‌آید، ولی چند شعار علیه یکی دو نماینده که سخنان نامناسبی را در مجلس گفته بودند، اهانت به مجلس به حساب می‌آید؟!

---

۱ . روزنامهٔ رسالت: ۲۷ مرداد ۷۹، ص ۳.

۲ . روزنامهٔ ایران: ۱۹ مرداد ۷۹، ص ۲.

۳ . روزنامهٔ رسالت: ۱۹ مرداد ۷۹، ص ۳.

۴ . روزنامهٔ حیات نو: ۱۹ مرداد ۷۹، ص ۲.

۴ . به راستی فراموش کردن مشکلات اصلی مردم و اصلاح قانونی که با انگیزه‌های سیاسی و حزبی در دستور کار قرار گرفته، آن هم قانونی که بیش از سه ماه از اصلاح آن نگذشته، موجب هتک حرمت مجلس نمی‌شد؟![1]

بررسی موضعگیری شگفت‌آور وزارت کشور

متأسفانه حضور غیرتمندانه مردم، گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی در برابر مجلس، با واکنش منفی و تند مسئولان عالی رتبهٔ وزارت کشور نیز روبرو شد! این برخورد جناحی و نامناسب تا آن‌جا ادامه یافت که برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی، اجتماع مردم در حمایت از تنها رکن مشروعیت حکومت دینی، «غیر قانونی» و «مستحق برخورد» دانسته شد که باید آن را نقطهٔ سیاهی در کارنامهٔ مدیران این وزارتخانه دانست.

مدیر کل سیاسی وزارت کشور، آقای حق‌شناس در مصاحبه‌ای با خبرگزاری دولتی ایرنا پس از درخواست بسیج دانشجویی برای برگزاری تجمعی در حمایت از رهبری و مجلس گفت:

> «این وزارتخانه تاکنون، هیچ‌گونه مجوزی برای انجام تجمع در مقابل مجلس صادر نکرده است. وزارت کشور با اصل تجمع برخورد مثبت می‌کند (!) امّا دربارهٔ زمان و مکان آن پس از بررسی تصمیم می‌گیرد... درخواست انجام این تجمع [سه‌شنبه ۱۸ مرداد] به وزارت کشور ارسال شده، امّا وزارت کشور هنوز دربارهٔ زمان و مکان آن

---

۱ . متأسفانه این هشدارها یک سال پس از ادامهٔ روند سیاست‌زدگی مجلس در ارائه طرح‌ها تحقق یافت . در تاریخ ۲۵ تیر ۸۰، کارگران چند کارخانه، به دلیل عقب افتادگی پرداخت حقوق یکساله و رنج معیشت، در برابر مجلس شورای اسلامی تجمع کردند . کارگران که مورد بی‌محلی قرار گرفته بودند، با شکستن نرده‌ها به نزدیک‌ترین درِ ورودی ساختمان مجلس راه یافتند و ... (دربارهٔ این حادثه نگاه کنید به روزنامه‌های حیات نو، نوروز، کیهان و جمهوری اسلامی در تاریخ‌های ۲۳، ۲۴ و ۲۵ تیر ۸۰)
با تأسف باید گفت که در طول این مدت، اکثر طرح‌ها و لوایح مجلس، به مسائل سیاسی و درگیری‌های جناحی ـ مانند طرح اعزام دختر به خارج از کشور، طرح ممنوعیت ورود نیروهای انتظامی به دانشگاه‌ها، طرح جرم سیاسی و ... ـ اختصاص یافته بود .

تصمیمی نگرفته... وظیفهٔ نیروی انتظامی است که با این‌گونه تجمع‌های فاقد مجوز برخورد قانونی کند.»[1]

آقای موسوی لاری، وزیر کشور و تاج زاده، معاون سیاسی ـ امنیتی وی نیز نتوانستند عصبانیت خود را از حمایت‌های مردمی پنهان سازند. آنها برخلاف امر رهبر انقلاب که فرموده بود «سکوت دست اندرکاران در این باره جایز نیست»، نه تنها در حمایت از حکم حکومتی و مدیریت رئیس مجلس و اطاعت نمایندگان سخن نگفتند، بلکه وزیر کشور در جمع معاونان و استانداران کشور، این تجمعات را غیر قانونی و اطلاع رسانی صدا و سیما در پخش تجمع مردم را برای ضربه زدن به دولت آقای خاتمی دانست و اعلام کرد که از نیروی انتظامی خواسته است که با مردمی که به حمایت از رهبری در مقابل مجلس تجمع کرده‌اند، برخورد کند![2]

البته روابط عمومی وزارت کشور، پیش از اعلام موضع رسمی وزیر خود، در پاسخ به نامهٔ صدا و سیما ضمن غیر قانونی بودن تجمع دانشجویان، این رسانهٔ ملی را تهدید کرد که به هیچ وجه، نباید بدون اجازهٔ وزارت کشور، تجمعات حمایت‌آمیز مردمی را نشان دهد![3]

---

۱ . روزنامهٔ ایران : ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲ . همان : ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۲.

۳ . همان : ۱۹ مرداد ۷۹، ص ۳. واحد مرکزی خبر در پاسخ به نامهٔ وزارت کشور، درخواست این وزارتخانه در مورد علت انعکاس خبر تجمع یاد شده را فاقد وجاهت دانست. در پاسخ واحد مرکزی خبر آمده بود: «انعکاس یافتن یا انعکاس نیافتن اخبار، بر اساس اصول حرفه‌ای خبری و رسانه‌ای انجام می‌شود و ملاک انتخاب خبر برای پخش نیز، ارزش‌های شناخته شده خبری است.»

در این پاسخ، اهمیت خبری رویدادها از جمله اصول حرفه‌ای انتخاب یا انتخاب نشدن خبر خوانده شده و تصریح شده بود: «فارغ از تمام ملاحظات، به رویدادها در صورت دارا بودن ارزش‌های اولیه و بدیهی خبری پرداخته می‌شود و تشخیص ارزش‌های خبری به عهدهٔ سازمان رسانه‌ای مربوط است.»

واحد مرکزی خبر با اشاره به تأخیر ۴/۵ ساعتهٔ این وزارتخانه در پاسخ به استعلام این سازمان در مورد تجمع در مقابل مجلس اعلام کرد: «تعلل و تأخیر یک نهاد در اطلاع رسانی به موقع، نمی‌تواند و نباید امر جاری خبررسانی را متوقف کند و روند اطلاع رسانی به موقع، در تبعیت از اصل شفاف سازی خبری تقویت خواهد شد.»

بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران نیز در پاسخ به این برخورد وزارت کشور، ضمن اظهار تأسف از عدم همکاری مسئولان وزارت کشور با دانشجویان و مردم در «تجمع حمایت از رهبری و نمایندگان»، خواستار تمایز جایگاه قانونی و دولتی وزارت کشور از جایگاه حزبی و جناحی مسئولان آن شد و طی نامه‌ای خطاب به مدیر کل سیاسی وزارت کشور، توضیحاتی پیرامون اطلاعیهٔ سیاسی و حزبی آنان صادر کرد. در بخش‌هایی از این نامه آمده بود:

«مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی که اشعار می‌دارد "تشکیل اجتماعات و راهپیمایی، بدون حمل سلاح، به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است" و از آن‌جا که وزارت کشور طی نامهٔ شمارهٔ ۴۳/۷۳۰ مورخ ۵ اردیبهشت ۷۹ به بسیج دانشجویی اعلام نموده است که صدور مجوز تحصن در قانون و آئین نامهٔ احزاب پیش‌بینی نشده و از طرفی مدیر کل روابط عمومی آن وزارتخانه، آقای خانجانی در تاریخ ۲۸ تیر ۷۹ در مورد تحصن اعضای دفتر تحکیم وحدت در برابر مجلس، اعلام نمود که تحصن آن دوستان به مجوز نیاز نداشت (مندرج در تیتر روزنامهٔ حیات نو، مورخ ۲۸ تیر ۷۹ صفحهٔ دوم) و نظر به این‌که تحصن روز دوشنبه ۱۷ مرداد دانشجویان بسیجی در مقابل مجلس در دفاع از اسلام و ولایت فقیه و مجلس شورای اسلامی و در اعتراض به کسانی بوده است که به واسطهٔ تفکرات باندی و جناحی غافلانهٔ خویش، متأسفانه همسو با سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا از حکم حکومتی مقام معظم رهبری ناراحت بوده‌اند، لذا بر هر انسان عاقلی آشکار است که تجمع دانشجویان دانشگاه‌های تهران، دقیقاً منطبق بر قانون و در راستای مصالح نظام و کشور بوده است.

همچنین لازم به ذکر است که بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران، روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۷۹ طی نامهٔ شمارهٔ ۲/۳/۸۳/۰۷/۱ از آن مدیریت، تقاضای صدور مجوز جهت برگزاری تجمع دانشجویی-مردمی در مقابل مجلس شورای اسلامی برای

☞

واحد مرکزی خبر در اطلاعیهٔ خود اعلام کرد که حدود ساعت هشت و سی دقیقهٔ ۱۸ و ۱۹ مرداد از وزارت کشور در مورد مجوز داشتن یا نداشتن این تجمع استعلام کرده بود!

روز سه شنبه ۱۸ مرداد ۷۹ نمود، متأسفانه با وجود پیگیری مجدانهٔ نمایندگان این تشکل دانشجویی جهت اخذ مجوز از آن وزارتخانه و علی رغم این که نمایندهٔ ادارهٔ سیاسی مربوطه، ضمن موافقت با کلیت برگزاری تجمع دانشجویی ـ مردمی (البته با وجود اختلاف نظر در مکان تجمع) ارائه شعارها، معرفی سخنران و قطعنامهٔ پایانی از بسیج دانشجویی را تقاضا کرد و بسیج دانشجویی در روز ۱۷ مرداد ۷۹ موارد مذکور را به وزارت کشور ارائه داد. با این حال تا آخر وقت روز ۱۷ مرداد ۷۹ هیچ جواب کتبی از سوی وزارت کشور در این مورد صادر نشد و علی رغم رویّه‌های قبلی، به شکل غیر متعارفی، موضوع به استانداری تهران احاله گردید. بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران نیز با مشاهدهٔ تعلل در صدور مجوز برای این تجمع ارزشی، تبلیغ میدانی به منظور دعوت از مردم جهت حضور در این تجمع را انجام نداد.
صبح روز سه شنبه، در حالی که مردم انقلابی تهران از اقصی نقاط شهر موج موج به صورت خودجوش به سوی مجلس شورای اسلامی عزیمت می‌نمودند، استانداری تهران ساعت ۹/۳۰ صبح، در حالی که چند هزار نفر جمعیت جلوی مجلس شورای اسلامی با شور و شوق تجمع کرده بودند، به صورت غیر منتظره‌ای اعلام کرد که با صدور مجوز جهت برگزاری این تجمع موافقت نکرده است!
بدیهی است، عدم هدایت جمعیت حاضر از طریق تریبون دانشجویان متحصن به هیچ وجه به مصلحت نبوده و بسیج دانشجویی، طبق وظیفهٔ خود اقدام به برگزاری آبرومندانهٔ تجمع با حضور جمع زیادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و با حضور ده‌ها هزار نفر از دانشجویان و مردم نمود...»[1]

یک روز پس از برگزاری تجمع دانشجویان بسیجی و مردم، در حمایت از حریم ولایت و مجلس شورای اسلامی، در کمال ناباوری و تعجب، برخی از فعالان این تجمع برای ادای توضیحات به وزارت کشور احضار شدند.[2] این نوع برخورد وزارت کشور در حالی بود که برخی از مسئولان این وزارتخانه در غائله تیر ماه تهران در

---

۱ . روزنامهٔ کیهان : ۱۹ مرداد ۷۹، ص ۳.
۲ . همان : ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۲.

جمهوری اسلامی ۷۹/۵/۱۹

وزارت کشور

خبر تجمع را منتشر نکنید!

* وزیر کشور: از نیروی انتظامی خواستم با تجمع دیروز برخورد کند!

حمایت از ولایت، مجوز نمی خواهد

کیهان ۷۹/۵/۱۹

در نامه‌ای به صدا و سیما صورت گرفت

اقدام غیرمنطقی وزارت کشور برای جلوگیری از اطلاع رسانی به مردم

* وزارت کشور با لحنی آمرانه تجمع مردمی - دانشجویی حمایت از ولایت‌فقیه و اقدام انقلابی مجلس را غیرقانونی خواند و به صداوسیما دستور داد از انتشار خبر و اطلاعیه در این باره خودداری کند.

* واحد مرکزی خبر صداوسیما: انعکاس یافتن یا انعکاس نیافتن اخبار براساس اصول حرفه‌ای خبری و رسانه‌ای انجام می‌شود و ملاک انتخاب خبر برای پخش نیز ارزشهای شناخته شده خبری است.

* وزیر کشور: بایستی با تجمع کنندگان مقابل مجلس برخورد می‌شد.

* بسیج دانشجویی دانشگاههای تهران: وزارت کشور جایگاه قانونی خود را از جایگاه حزبی متمایز کند. صفحه ۲

برگی از اسناد تاریخ

طراح اولیه شعار محوری حزب مشارکت کیست؟

شعار محوری حزب مشارکت مبنی بر «ایران برای همه ایرانیان» سالها پیش طی جلسه‌ای در دانشگاه همدان مطرح شده بود. صفحه ۱۴

باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است

حضرت امام خمینی قدس سره الشریف

صحیفه نور - جلد ۲۱ - صفحه ۱۹۵

جمهوری اسلامی ۷۹/۵/۲۵

در صفحه ۱۵

وزیر کشور: هر اجتماع سیاسی با هر دیدگاه باید با مجوز قانونی برگزار شود

در صفحه ۵

کیهان ۷۹/۵/۲۰

شکایت صدا و سیما از وزیر کشور

روابط عمومی صدا و سیما به اظهارات وزیر کشور پاسخ گفت. به گزارش واحد مرکزی خبر، در پی انتقاد وزیر کشور از جنبه‌های مختلف عملکرد سازمان صدا و سیما، روابط عمومی این سازمان چهارشنبه شب در پاسخ به این سخنان، اطلاعیه‌ای منتشر کرد. در ... از این اطلاعیه آمده است: ... وزیر کشور به جای طرح مشکلات از ... اداری، اقدام به طرح آنها در ... می‌کند که از جمله ...

از قانونی یا غیرقانونی بودن ... اطلاع ندارند و اصل بر این است که ... مجامع رسمی و قانونی ... قانونی را می گذرانند و چنانچه ... تخلف کنند باید خود پاسخگو باشند. ... اینکه چنانچه تشکلی کار خلاف قانونی انجام دهد، وزارت کشور موظف است سریعاً اطلاعیه‌ای را صادر کند که این اقدام غیرقانونی است تا با انعکاس آن، مردم مطلع شوند و چنانچه وزارت کشور به موقع عمل نکرده، ربطی به رسانه‌های ...

خبرهای مربوط به دولت می‌گردد. ... آمده است: صدا و سیما در مرکز و استانهای کشور بیشترین حجم برنامه‌های خود را به خدمات دستگاههای دولتی و ایجاد ارتباط دولت و مردم برای بهبود امور ... کرده است و این انصاف نیست که با ... مورد تهمت قرار گیرد. روابط عمومی سازمان صدا و سیما در پاسخ به این مطلب که وزیر کشور گفته است «صدا و سیما ...» ... آن بخشی از ...

توصیه‌ای به وزیر محترم کشور

دیروز آقای موسوی لاری وزیر محترم کشور در جریان معرفی استاندار جدید استان چهارمحال و بختیاری، باردیگر بر مواضع غیراصولی هفته گذشته خود پافشاری کرده و نشان دادند که نمی‌خواهند زیر بار منطق بروند. آقای وزیر کشور دیروز گفتند: «هیچکس حق ندارد با هر هدفی حتی حمایت از دین و ارزشهای دینی و اعتقادی بدون اخذ مجوز، تجمع و یا راه‌پیمائی برگزار کند». ایشان در پاسخ به کسانی که معتقدند برگزاری تجمعات و راه‌پیمائی‌ها با هدف حمایت از دین، ولایت و رهبری، نیاز به مجوز ندارد گفتند: «اتفاقاً من در جواب این افراد و گروهها می‌گویم که بله، تجمعات شما نیاز به مجوز دارد و به مراتب حصول این امر مهم قانونی باید از جانب شما بیشتر و بهتر رعایت شود».

ضمن تأیید این سخنان آقای وزیر کشور، لازم می‌دانیم چند نکته را به ایشان یادآور شویم.

۱- صدور مجوز برای وزارت کشور، یک حق نیست، بلکه یک وظیفه است که البته در چارچوب شرایط خاص انجام می‌شود و فقط در صورتی که تقاضای تجمع یا راه‌پیمائی به مصلحت کشور نباشد یا دارای عوارض سوءامنیتی باشد، وزارت کشور می‌تواند از صدور مجوز خودداری نماید. قطعاً راه‌پیمائی افراد متدین در حمایت از دین و ولایت و رهبری، از مواردی نیست که دارای عوارض سوء امنیتی باشد. بنابر این، به همان اندازه که مردم موظفند از وزارت کشور برای این راه‌پیمائی یا تجمع تقاضای مجوز کنند، وزارت کشور نیز موظف است مجوز راه‌پیمائی یا تجمع را صادر نماید. آنچه موجب بروز بگومگوهائی در مورد تجمع هفته گذشته در برابر مجلس شد، این نبود که برگزارکنندگان این تجمع تقاضای مجوز نکرده بودند، بلکه علیرغم اینکه آنها تقاضای مجوز کرده بودند، وزارت کشور به وظیفه خود عمل نکرد و نه تنها از صدور مجوز خودداری کرد، بلکه قبل از برگزاری اعلام کرد که این تجمع، فاقد مجوز است. ...

کیهان ۷۹/۵/۱۹

وزارت کشور ضمن غیر قانونی اعلام کردن تجمع دیروز در برابر مجلس، سیما را به خاطر پخش گزارش آن شدیداً مورد انتقاد قرار داد.

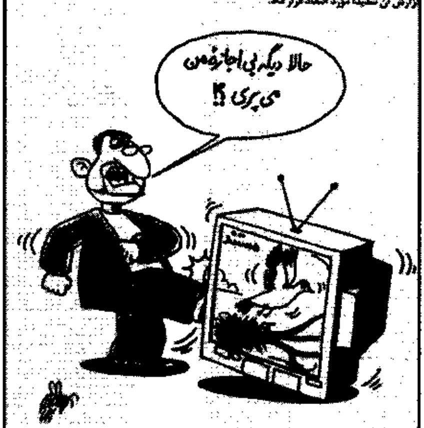

سال ۷۸ که عده‌ای با سوء استفاده از نام دانشجو به خیابان ریخته و اموال عمومی را به آتش کشیدند و حتی درِ ورودی وزارت کشور را شکستند، همواره از مماشات و تسامح سخن می‌گفتند و علت آن را رعایت احساسات تحریک شدهٔ این افراد محترم! عنوان می‌کردند.

یک هفته پس از اولین موضعگیری عجیب وزیر کشور، وی در جمع شورای تأمین استان‌های کشور سخن عجیب‌تری بر زبان راند و مدعی شد که حتی برای حمایت از دین نیز باید از وزارت کشور مجوز دریافت شود! اظهار این سخن که مطابق معیارهای شرعی شیعه در زمان غیبت امام معصوم، فقط از جانب ولی فقیه جایز است، از جانب کسی عنوان می‌شد که نه تنها نسبت به حکم حکومتی رهبری اعلام موضع نکرد، بلکه حمایت کنندگان آن را مورد توبیخ قرار داده بود.

آقای موسوی لاری در سخنان جدید خود گفت:

«هیچ کس حق ندارد با هر هدفی، حتی حمایت از دین و ارزش‌های دینی و اعتقادی، بدون اخذ مجوز، تجمع و یا راهپیمایی برگزار کند. من در جواب این افراد و گروه‌ها [که معتقدند برگزاری تجمعات در حمایت از دین و رهبری نیاز به مجوز ندارند] می‌گویم که بله، تجمعات شما نیاز به مجوز دارد و به مراتب حصول این امر مهمِ قانونی، باید از جانب شما رعایت شود.»[1]

پاسخ به موضعگیری وزارت کشور

با انتشار اظهارات وزیر کشور، نقدهای بسیاری توسط مطبوعات متعهد به چاپ رسید که به مقاله‌ای از روزنامهٔ «جمهوری اسلامی» اشاره می‌کنیم:[2]

---

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۲۵ مرداد ۷۹، ص ۴.

چنانچه بخواهیم به این توصیهٔ وزیر کشور عمل کنیم، باید تمام مجالس ایام سوگواری ائمه اطهار علیهم‌السلام، جلسات درس حوزهٔ علمیه و تشییع جنازهٔ مؤمنین که همواره با تجمع و راهپیمایی و در حمایت از شعائر دین است، با مجوز وزارت کشور برپا شود!!

۲. همان: ۲۵ مرداد ۷۹، ص۴.

۱ . صدور مجوز برای وزارت کشور، یک حق نیست، بلکه یک وظیفه است که البته در چارچوب شرایط خاص انجام می‌شود و فقط در صورتی که تقاضای تجمع یا راهپیمایی به مصلحت کشور نباشد یا دارای عوارض سوء امنیتی باشد، وزارت کشور می‌تواند از صدور مجوز خودداری نماید. قطعاً راهپیمایی افراد متدین در حمایت از دین و ولایت و رهبری، از مواردی نیست که دارای عوارض سوء امنیتی باشد. بنا بر این، به همان اندازه که مردم موظفند از وزارت کشور برای این راهپیمایی یا تجمع تقاضای مجوز کنند، وزارت کشور نیز موظف است، مجوز راهپیمایی یا تجمع را صادر نماید. آنچه موجب بروز اختلافاتی در مورد تجمع ۱۸ مرداد مردم و دانشجویان در برابر مجلس شد، این نبود که برگزارکنندگان این تجمع، تقاضای مجوز نکرده بودند؛ بلکه علی رغم این‌که آنها تقاضای مجوز کرده بودند، وزارت کشور به وظیفهٔ خود عمل نکرد و نه تنها از صدور مجوز خودداری کرد، بلکه لحظاتی قبل از برگزاری اعلام کرد که این تجمع، فاقد مجوز است.

سؤال این است که اولاً: چرا وزارت کشور از صادر کردن مجوز خودداری کرد؟

ثانیاً: چرا لحظاتی قبل از برگزاری تجمع، اعلام کرد که این تجمع فاقد مجوز است؟

ثالثاً: آیا آن خودداری و این اعلام، به معنای مخالفت وزارت کشور با حمایت مردم از رهبری نبود؟!

۲ . سخن وزیر کشور، مبنی بر ضرورت اخذ مجوز، حتی برای راهپیمایی و تجمع در حمایت از دین، ولایت و رهبری، در صورتی صحیح است که وزارت کشور به وظیفهٔ خود عمل می‌کرد و مجوز لازم را صادر می‌نمود. امّا در مواردی که وزارت کشور به وظیفهٔ خود عمل ننماید، تکلیف مردم چیست؟ این‌که گفته و نوشته شد «حمایت از ولایت، احتیاج به مجوز ندارد» مربوط به چنین مواردی است. اصرار آقای وزیر کشور بر سخنان و مواضع یک هفتهٔ قبل از آن، این شبهه را به وجود می‌آورد که گویا مسئولان وزارت کشور، خود را فراتر از قانون می‌دانند و حاضر نیستند شاهد اعلام

حمایت مردم از رهبری نظام باشند. آقای وزیر کشور فراموش نکنند که در چنین مواردی مردم معطل ایشان و همکارانشان نمی‌مانند و به صورت خودجوش به صحنه می‌آیند و این است معنی عدم احتیاج به مجوز.

بنا بر این، اگر آقای وزیر کشور مایل بودند حرمت و جایگاه وزارت متبوع خود را حفظ کنند، بهتر بود در چنین مواردی، از صدور مجوز امتناع نمی‌کردند تا اصولاً مباحثی از قبیل این‌که آیا مجوز لازم است یا نه، پیش نیاید.

۳. آقای وزیر کشور در طی اظهاراتی در شهر رشت گفتند که به نیروی انتظامی دستور داده‌اند با تجمع مقابل مجلس (تجمعی که در حمایت از رهبری برگزار شد) به دلیل این‌که فاقد مجوز بود، برخورد کند، ولی نکرد. در این‌جا نیز جای چند سؤال از آقای وزیر کشور وجود دارد:

الف ـ شما در جریان سه روز شورش و اغتشاش سال گذشته (۱۸ تا ۲۲ تیر ماه سال ۷۸) در تهران، به نیروی انتظامی دستور برخورد با شورشیان را ندادید و گفتید جواب خشونت را با خشونت نمی‌دهیم. با این حال چگونه است که به نیروی انتظامی دستور می‌دهید با مردمی که قصد تجمع برای حمایت از رهبری و نمایندگانی که به نظر رهبری عمل کرده‌اند را داشتند، برخورد کند؟

ب ـ شما از کنار راهپیمایی شبانه و بدون مجوز و همراه با شعارهای تند علیه مقدسات که در تیرماه سال گذشته توسط عده‌ای در کِسوت دانشجو صورت گرفت، با بی‌تفاوتی عبور کردید و به نیروی انتظامی دستور برخورد ندادید، چگونه است که تجمع مردم برای حمایت از رهبری را تحمل نمی‌کنید و به نیروی انتظامی دستور برخورد می‌دهید؟

ج ـ خوشبختانه از آن‌جا که فرماندهٔ نیروی انتظامی فرد عاقلی است، به دستور شما عمل نکرد و از برخورد با مردم خودداری نمود. تصور کنید اگر دستور شما را عمل می‌کرد، چه اتفاقات ناگواری می‌افتاد؟ آیا در آن صورت، حضرت عالی عنوان «رئیس شورای امنیت کشور» را زیبندهٔ خودتان می‌دانستید؟

د ـ چگونه است که شما تحصن و تجمع اعضای دفتر تحکیم وحدت در مقابل مجلس برای مقابله با قوهٔ قضائیه را نیازمند به مجوز نمی‌دانید، ولی حاضر نمی‌شوید به مردمی که در همین مکان برای حمایت از رهبری و ریاست مجلس قصد تجمع داشتند، مجوز بدهید؟

آقای وزیر کشور! شما چه بخواهید و چه نخواهید، برای این برخوردهای دوگانهٔ شما هیچ تفسیری جز برخورد حزبی و جناحی نمی‌توان تصور کرد. متأسفانه وزارت کشور در طول دو دههٔ گذشته، همواره اسیر جناح‌ها بوده و راست و چپ، هر دو از این وزارتخانهٔ مهم در جهت منافع جناحی استفادهٔ ابزاری کرده‌اند. این واقعیت تلخی است که قابل انکار نیست و شما هم سعی نکنید آن را کتمان نمائید. اگر می‌خواهید با مردم صادق باشید، راه صحیح این است که به اشتباه خود اعتراف نمائید و از این به بعد، وزارت کشور را در مسیر حق قرار دهید و آن را از اسارت جناح‌بازی‌ها نجات دهید. اعتراف به اشتباه، یک ارزش است. شما از این ارزش غفلت نکنید و با عمل به این توصیه خیرخواهانه، خود و وزارت متبوع خود را از وابستگی جناحی نجات دهید.

علاوه بر مطبوعات متعهد، بسیج دانشجویی دانشگاه تهران نیز در نامه‌ای سرگشاده، سؤالاتی را دربارهٔ موضعگیری بی‌سابقهٔ وزیر کشور مطرح ساخت که هرگز به آن پاسخ داده نشد.

بسیج دانشجویی در نامهٔ خود نوشت:

«همان‌گونه که جناب عالی فرموده‌اید، اخذ مجوز برای همه، به ویژه معتقدین به نظام اسلامی، جهت برقراری هرگونه تجمع و راهپیمایی امری لازم می‌نماید؛ لیکن علی‌رغم درخواست مجوز توسط بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران در روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۷۹ و اصرار بر اخذ مجوز جهت برگزاری تجمع دانشجویی ـ مردمی به منظور حمایت از اکثریت نمایندگان مجلس و حمایت از اندیشه‌های دینی و حکومتی حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری، لطفاً پاسخ دهید که وزارت کشور برای رعایت کدام مصلحت امنیتی از صدور مجوز به بسیج دانشجویی امتناع نمود؟ علت تعلل

وزارت کشور در صدور مجوز و احاله سؤال برانگیز آن به استانداری تهران (برخلاف رویه سابق) چه بوده است؟ و چرا استانداری تهران، هنگامی با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی مخالفت کرد که ده‌ها هزار نفر از مردم پرشور، علی رغم عدم تبلیغ میدانی توسط بسیج دانشجویی در این مکان جمع شده بودند؟

این تشکل دانشجویی در ادامه از آقای موسوی لاری، وزیر کشور سؤال کرده بود:

۱ . چرا هنگامی که آشوبگران حادثهٔ ۱۸ تیر ۷۸ شبانه به خیابان آمدند و به بهانهٔ تعطیلی یک روزنامه، موجبات ناامنی را فراهم نموده و برای جنایتکاران فرصت جنایت مهیا کردند، حضرت عالی حرکت آن آشوبگران را عادی و خود جوش! معرفی نمودید؟

۲ . چرا وقتی که آقای تاج زاده، معاون حضرت عالی در میان دانشجویان کوی دانشگاه، به جای فرونشاندن فتنه از کلمات تحریک‌آمیز استفاده نمود، حضرت عالی هیچ موضعی در آن خصوص نگرفتید؟

۳ . چرا در مقابل راهپیمایی غیر قانونی دوم خرداد سال جاری (۱۳۷۹)، از مقابل دانشگاه تهران تا میدان انقلاب که به بهانهٔ شرکت در تجمع یک جریان دانشجویی معروف انجام شد، حضرت عالی برنیاشفتید و هر روز در گوشه و کنار کشور، موضعی قانونمند نگرفتید؟

۴ . چرا جناب عالی در برابر تجمع غیر قانونی جمعی از اوباش در مقابل دانشگاه تهران، در روز چهارم خرداد سال جاری که منجر به شکستن حریم دانشگاه گردید، سخنی نگفتید؟

۵ . چرا شما و معاونت سیاسی وزارتخانه تحت امرتان، از کنار تجمع سراسر توهین‌آمیز و ضد انقلابی حدود ۲۰۰ نفر از اوباش در روز ۱۸ تیر ماه سال جاری (۱۳۷۹، یک سال پس از فتنهٔ تیر ماه سال ۱۳۷۸) با مسامحه گذشتید؛ حتی علی رغم وجود شعارهای سخیف علیه نظام و مقدسات آن، تا غروب روز ۱۸ تیر ماه هیچ دستوری جهت برخورد با آن تجمع غیر قانونی و ضد نظام صادر نکردید، ولی به گفتهٔ حضرت عالی قبل از برگزاری تجمع نیروهای انقلابی که با حضور ده‌ها نفر از

نمایندگان محترم مجلس و خانوادهٔ معظم شهدا، جانبازان و مردم متدین و با تشکر صریح ریاست محترم مجلس برگزار شد، اقدام به صدور دستور به نیروهای انتظامی، جهت برخورد با دانشجویان و مردم متدین و انقلابی نمودید؟

با توجه به سؤالات فوق و سؤالات متعدد دیگر، بر همهٔ آگاهان به ویژه دانشجویان مبرهن است که اخذ مجوز قانونی، تنها در سایهٔ قانونگرایی واقعی وزارت کشور میسر است.»[1]

قدردانی دفتر رهبری از مجلس و حضور مردم

هرچند برخی از مسئولین در لبیک گویی به فرمان رهبر و ولی امر خود کوتاهی نمودند، امّا اکثریت نمایندگان و مردم همیشه در صحنه و بسیجیان رزمنده خوش درخشیدند و با حضور خود، تمام نقشه‌ها را باطل کردند. پس از این حضور آگاهانه و عاشقانه، دفتر مقام معظم رهبری با انتشار بیانیه‌ای ضمن قدردانی از همراهی و همدلی مجلس شورای اسلامی، بر ضرورت توجه کامل قشرهای مختلف مردم و گروه‌های سیاسی ـ اجتماعی به وحدت و وفاق ملی تأکید کرد. در قسمتی از پیام دفتر رهبر انقلاب آمده بود:

> «اقدام خردمندانه و مسئولانه، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در تبعیت از رهنمود رهبر معظم انقلاب اسلامی و سپاسگزاری مردم از اقدام منتخبان خود، بیش از هر چیز، نشان دهندهٔ درک عمیق دینی و فهم مشترک ملت و نمایندگان مجلس، از رمز پایداری نظام اسلامی و تلاش دلسوزانهٔ آنها برای صیانت از آرمان‌ها و دیدگاه‌های امام راحل عظیم الشأن محسوب می‌شود.
> نمایندگان محترم مجلس، هیأت رییسه و به ویژه ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در تبعیت هوشیارانه از رهنمود مقام معظم رهبری، ضمن خرسند کردن

---

۱. روزنامهٔ کیهان: ۲۶ مرداد ۷۹، ص ۱۴. لازم به ذکر است که شاخهٔ دانشجویی جمعیت ایران فردا، در همین روز خبر داد که در ۲۷ تیر ماه ۷۹، تقاضای صدور برگزاری تجمعی را در اعتراض به عملکرد اقتصادی دولت داشته که هنوز پس از ۲۹ روز، وزارت کشور به آن پاسخ نداده است!

ملت مؤمن و شجاع ایران، نشان دادند که مجلس به فرمودهٔ امام خمینی‌(ره) "عصارهٔ فضائل ملت"، به راستی تجلی هویت دینی و انقلابی مردم است و پایبندی به قانون اساسی را به عنوان وظیفه‌ای اسلامی ـ ملی پاس می‌دارد و با تلفیق پرمعنای "اداء تکلیف شرعی و قانونمداری" همچون همیشه، با هوشمندی رسالت خطیر خود را پیگیری می‌نماید.

عملکرد هوشمندانه مجلس، همچنین آشکار ساخت که مانند دیگر تحلیل‌های نظام استبداد بین الملل در خصوص اوضاع ایران، برخی تحلیل‌های دشمنان نظام اسلامی در مورد مجلس ششم، عاری از واقع‌بینی است، چرا که در ایران پر عظمت و سرافراز، هرگونه حرکتی برای خشنودی دشمن محکوم به شکست است.

در مدتی که از این بزرگ می‌گذرد، رسانه‌های بیگانه که ابزار دست غارتگران بین‌المللی و وسیلهٔ پیگیری اغراض صهیونیست‌ها و مراکز سلطهٔ استکباری بشمار می‌روند، نتوانسته‌اند خشم و نومیدی خود را از این حرکت هوشیارانه مجلس کتمان کنند و در پی آنند که با دروغ پراکنی و تحریف حقایق، در صفوف ملت ایران رخنه و اختلاف کنند.

مردم متدین و پراخلاص نیز در روزهای اخیر، با متجلی ساختن شور و شعور دینی و انقلابی و قدردانی از اقدام نمایندگان منتخب خود، بار دیگر عقبهٔ استراتژیک انقلاب اسلامی یعنی "دینداری توأم با هوشیاری انقلابی" را به نمایش گذاشتند و دشمنان قسم خوردهٔ اسلام، انقلاب و ایران را همچون گذشته مأیوس کردند و نشان دادند که وحدت، کارآمدترین سلاح ملت ایران در مقابله با توطئه‌های دشمنان است.

دفتر مقام معظم رهبری، با تشکر از حساسیت‌های دینی و انقلابی قشرهای مختلف مردم، توجه عموم ملت، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی را به ضرورت تعمیق آرامش موجود و حفظ و گسترش وحدت و وفاق ملی جلب می‌کند و با تأکید بر این‌که همراهی و همگامی مجلس شورای اسلامی و مردم؛ مقوله‌ای ملی و فراجناحی است، ابراز اطمینان می‌کند که مردم، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، اجازه نخواهند داد این پدیدهٔ زیبا و پرحلاوت، خدای نکرده به محملی برای ایجاد تشتت و تضعیف وحدت ملی تبدیل شود.

دفتر مقام معظم رهبری، همچنین از تمامی نمایندگان مجلس شورای اسلامی که ورای گرایش‌های گروهی و سیاسی، تبعیت از رهبری معظم انقلاب اسلامی را به عنوان یک "عمل صالح" بر خود فرض دانستند، قدردانی می‌نماید و از پروردگار متعال توفیق روزافزون یکایک این عزیزان را در ادای وظایف سنگین مجلس و پاسداری از شأن و جایگاه بسیار رفیع خانهٔ ملت، مسئلت می‌نماید.»[۱]

رفتارهای متناقض وزارت کشور در قبال گروه‌های سیاسی[۲]

اگر چه مفهوم واقعی توسعهٔ سیاسی، بسامان کردن حقوق و تکالیف سیاسی و قانونمند کردن این دو مقوله است، امّا برای برخی محافل، ظاهراً غرض از این شعار، قانونی کردن ولنگاری، هرج و مرج و رفتار سیاسی خودسرانه در حد قانون‌گریزی و هنجارشکنی است. رفتارهای چند سال اخیر برخی جریانات ضد انقلاب، گواهی می‌دهد که آنها از شعار توسعهٔ سیاسی، ایجاد حریمی مقدس و غیر قابل تعرض برای ضدانقلابی‌گری، تشنج‌آفرینی، فتنه‌انگیزی و سرانجام براندازی کم هزینه را مد نظر داشته‌اند.

وزارت کشور، اصلی‌ترین نهاد برای تحقق توسعهٔ سیاسی و مقابله با عوامل نابسامانی است. وقتی معاون سیاسی این وزارتخانه در ۲۴ آبان ۷۸ اعلام کرد که طرح «ساماندهی سیاسی» کشور در دستور کار وزارت کشور قرار گرفت، تصور نمی‌شد که این طرح هم به همان سرنوشتی دچار شود که طرح «ساماندهی اقتصادی» گرفتار آن شد.

پس از اجتماع عظیم مردم از ولایت، وزیر محترم کشور، طی سخنانی در رشت، ضمن تأکید بر غیر قانونی بودن تجمع روز سه شنبه ۱۸ مرداد ۷۹ در برابر مجلس، خبر داد که «از نیروی انتظامی خواسته بودیم با تجمع کنندگان برخورد کند»[۳] این صلابت و

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۱۸.
۲. روزنامهٔ کیهان: ۲۵ مرداد ۷۹، ص ۱۴.
۳. روزنامهٔ ایران: ۲۰ مرداد ۷۹، ص ۲.

جدیت وزارت کشور در برخورد با آنچه تجمع غیر قانونی خوانده می‌شد، بی‌سابقه بود.

وزیر کشور همچنین در شهر کرد اعلام کرد:

«تمام اجتماعات سیاسی با هر دیدگاه و هدف، باید پس از اخذ مجوز قانونی از وزارت کشور یا استانداری‌ها برگزار شود و هیچ کس حق ندارد با هر هدفی، حتی حمایت از دین و ارزش‌ها بدون اخذ مجوز، تجمع یا راهپیمایی کند.»[1]

تأکید وزارت کشور بر قانونمند کردن فعالیت‌های سیاسی هرچند با سه سال تأخیر، مایهٔ خرسندی و بایستهٔ حمایت است، امّا آیا کارنامهٔ نهاد مرکزی ساماندهی فعالیت‌های سیاسی، همیشه بر مدار قانون و ضابطه‌ای «یکسان و شامل» چرخیده است؟

از معاون سیاسی وزیر کشور شروع می‌کنیم تا ببینیم به نظر آقای تاج زاده، فعالیت احزاب و گروه‌ها ـ و به تبع آن تجمعاتشان ـ نیازمند کسب مجوز و قانونمندی است یا نه؟ او ۲۵ روز قبل از برکناری آقای عبدالله نوری، وزیر سابق کشور توسط مجلس در گردهمایی فرمانداران استان مازندران و در اظهاراتی غیر مترقبه گفت:

«در واقع فعالیت احزاب نیاز به مجوز ندارد و فرق بین احزاب با مجوز و بی‌مجوز این است که احزاب با مجوز می‌توانند از امکانات دولتی و یارانه‌های مطبوعاتی در جهت فعالیتشان استفاده کنند.»[2]

تاج زاده امّا شش ماه بعد (۱۲ آذر ۷۷) در مصاحبه با کیهان گفت: «فعالیت نهضت آزادی غیر قانونی است» و این در حالی بود که ۲۰ روز قبل از آن، وی مژدهٔ اجرای طرح ساماندهی سیاسی را داده بود.

آیا تغییر وزیر و تعدیل لحن معاون سیاسی منصوب شده در وزارت آقای عبدالله نوری، عملاً به تغییر رویه و قانونمندی وزارت کشور هم منجر شد؟ پاسخ امیدوار کننده نیست، زیرا وزارت کشور، عملاً بر همان پاشنه‌ای که وزیر معزول ساخته

---

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۲۵ مرداد ۷۹، ص ۴.

۲. روزنامهٔ کیهان: ۶ خرداد ۷۷، ص ۲.

بهار
۷۹/۵/۱۸

چرا حمایت کنندگان از رهبری و مجلس مستحق برخورد بودند

اما اهانت کنندگان به مجلس و رهبری مستحق ... ؟!

آیا غائله کوی دانشگاه اقدامات ویژه علیه مجلس بود یا تجمع و شعار در حمایت از مجلس!

با توهم مقابله مجلس

اقدامات ویژه علیه مجلس تدارک شده بود

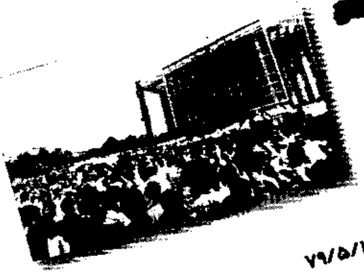

کیهان ۷۹/۵/۱۹

وزیر کشور: از نیروی انتظامی خواستم با تجمع کنندگان مقابل مجلس برخورد شود

رسالت
۷۹/۵/۱۸

پشتیبانی مردم، نهادها و شخصیتها از پایبندی مجلس به قانون اساسی

ممانعت آشوبگران از سخنرانی وزیر کشور و حمله به او در غائله تیرماه ۷۸

مجله پیام امروز اسفند ۷۸

سخنرانی معاون سیاسی وزیر کشور (تاجزاده) در جمع آشوبگرانی که درب وزارت کشور را شکستند!

بود، می‌چرخید؟

فراموش نکرده‌ایم که آقای نوری در ۲۳ فروردین ۷۷ و به دنبال بازداشت شهردار سابق تهران (کرباسچی) صراحتاً اعلام کرد که «ستادی برای حمایت از آقای کرباسچی در وزارت کشور آغاز به کار کرد» و باز همه به خاطر دارند که سخنرانی‌های داغ و تشنج‌آمیز، به همین بهانه در وزارت کشور منعقد شد و از جمله خانم فائزه هاشمی و یک عضو دفتر تحکیم در آن سخنرانی کردند. کجای دنیا رسم است که در قلب یک وزارتخانه، ستادی در حمایت از یک محکوم دادگاه ـ صرف نظر از این‌که حکم درست باشد یا نادرست ـ ترتیب دهند و علیه قوه‌ای دیگر جنجال راه بیندازند؟

در همین حال و هوا بود که وزارت کشور در تاریخ ۲۹ اردی‌بهشت ۷۷ برای چندمین بار به گروهک طبرزدی ـ که قانوناً هم موضوعیتی نداشت ـ مجوز تجمع داد، در حالی که این گروهک قبلاً در تجمعات خویش به معارضه و فحاشی علیه قانون اساسی پرداخته بود.

در دورهٔ وزارت جناب موسوی لاری نیز، متأسفانه موافقت با تجمعات گروهک مذکور ادامه یافت و در تاریخ ۲۲ مهر ۷۷ با تجمع گروهک طبرزدی موافقت شد؛ امّا عنوان «مشروط»! بر آن نهادند. چند ماه بعد (۲ بهمن ۷۷) میتینگ ضد انقلابی گروهک نهضت آزادی به بهانهٔ مراسم ختم مهندس بازرگان برگزار شد و به راهپیمایی و فحاشی و مراسم کیهان سوزی (!) ختم شد. آیا به نیروی انتظامی دستور داده شد با آنها که علناً علیه شخصیت‌ها و ارکان نظام اسلامی شعار دادند، برخورد کند؟ هرگز! فقط مدیر کل روابط عمومی این وزارتخانه در توضیحی قابل توجه، اعلام کرد که برگزارکنندگان مراسم با توجه به مسائل سال‌های قبل، خواستار تأمین امنیت مجلس شده بودند که وزارت کشور هماهنگی‌های لازم را با مراجع ذی ربط انجام داد.

آیا یک طیف سیاسی، عامداً و عالماً سیاست سکوت ـ و حمایت ضمنی ـ در قبال تحرکات گروهک‌ها را به عنوان ابزاری نو برای برهم زدن معادله در رقابت‌های سیاسی و سنگین کردن کفهٔ خود برگزیده بود؟ آیا بنا داشتند از رقیب، از منتقدان سمج

و از نظام طبق سیاست «فشار و چانه زنی»، امتیاز بگیرند؟

تا این‌جا مشخص شد که وزارت کشور، حداقل نگاه منفی و بازدارنده به جریانات گروهکی نداشته و با مسامحه برخورد کرده است؛ امّا جریانات خودی و صاحب مجوز چطور؟ قرائنی وجود دارد که بخش ذی نفوذ در وزارت کشور، در این باره برخلاف مشی مسامحه‌آمیز مذکور و به شکل یک «ترمز بازدارنده» عمل کرده است.

۲۵ آبان ۷۷ (حدود یک ماه پس از موافقت با تجمع گروهک طبرزدی) «جامعهٔ اسلامی دانشجویان دانشگاه علامهٔ طباطبایی»، برای طرح برخی انتقادات دربارهٔ نارسایی امکانات خوابگاهی دانشجویی و نقد برنامهٔ آموزش عالی در حمایت از پژوهش‌های دانشجویی، درخواست مجوز تجمع کرد. وزارت کشور با این درخواست مخالفت کرد! فراموش نکنیم که تجمعات دفتر تحکیم در همین دوران برپا بود و مخالفتی با آن در وزارت کشور وجود نداشت.

تیرماه ۷۸، تهران در آتش آشوب ضد انقلاب می‌سوخت. ارکان قانون اساسی و فراتر از آن، ساحت مقدس ولایت و رهبری مورد هتاکی و فحاشی بی‌سابقهٔ ضدانقلاب قرار گرفت. نیروی انتظامی دستور داشت مدارا کند! بسیج دانشجویی درخواست تجمع در برابر دانشگاه تهران کرد؛ امّا وزارت کشور با این درخواست مخالفت کرد، ولی سرانجام در پی سخنان دردمندانهٔ مقام معظم رهبری و روشنگری فتنه، بغض ملت در سراسر کشور ترکید و روز ۲۳ تیر -روز مورد درخواست بسیج دانشجویی برای راهپیمایی- مردم به خیابان‌ها ریختند و بساط فتنه را جمع کردند و خود امنیت و آرامش را اعاده کردند.

نکتهٔ نغز اینجاست که برخلاف تأکید وزارت کشور مبنی بر لزوم پایبندی به مصوبات شورای عالی امنیت ملی، برخی نمایندگان جبههٔ همسو با گردانندگان وزارت کشور در مجلس، درصدد بودند، تأکید قانون مطبوعات مبنی بر ضرورت پایبندی مطبوعات به مصوبات شورای مذکور را با تصویب یک اصلاحیه از متن آن حذف کنند. آیا این تناقض را باید به عنوان استفادهٔ ابزاری از شورای عالی امنیت ملی تلقی کرد و

آیا این دوستان برای آن شورا تاریخ مصرف کوتاه قائلند؟

۱۴ اردی‌بهشت ۷۹، بسیج دانشجویی به دنبال سخنان مقام معظم رهبری در افشای ماهیت پایگاه مطبوعاتی دشمن و کوتاهی مسئولان امر در این زمینه، درخواست مجوز تجمع در برابر وزارت ارشاد و طرح انتقادها و اعتراض‌های خود را کرد؛ امّا وزارت کشور برخلاف برخی سیاست‌های حمایتی در قبال سایر گروه‌ها، این بار هم تجمع بسیج دانشجویی را مطابق میل و سلیقه خود نیافت و این دفعه چنین استدلال کرد که تجمع در مقابل وزارت ارشاد، راه مناسبی برای اعتراض نیست!

یک هفته بعد (۱۹ اردی‌بهشت) نیز درخواست جامعهٔ اسلامی دانشجویان برای صدور مجوز تجمع، با سنگ اندازی و مخالفت وزارت کشور مواجه شد و برگزار نگردید. موضوع این تجمع، اعتراض به پیوند اپوزیسیون داخل و خارج و مداخلهٔ بیگانگان در امور داخلی ایران بود.

آیا وزارت کشور مثلاً با تجمعات گروهک طبرزدی و دفتر تحکیم نیز سختگیرانه و بدبینانه برخورد کرد؟ صرف نظر از برخی ادعاها دربارهٔ دخالت دفتر تحکیم در حادثهٔ کوی دانشگاه و تشنجات بعد از آن و نیز ادعای برخی مسئولان وزارت کشور مبنی بر عرف بودن و غیر قانونی نبودن راهپیمایی شب حادثهٔ کوی، وزیر کشور ۱۲ مرداد ۷۸ تصریح کرد: «باید با دفتر تحکیم به خاطر ادعاهای خلاف واقع در مورد کشته‌های حادثهٔ کوی دانشگاه برخورد شود.»

آیا این امر پیگیری شد؟ حداقل این بود که از نگاه وزارت کشور، نسبت به گروه مذکور باید با تردید نگریسته می‌شد؛ امّا چنین نشد و همان گروه چندی پیش، بدون آن‌که مانند بسیج دانشجویی یا جامعهٔ اسلامی دانشجویان نیازی به درخواست مجوز ببیند و منتظر اعلام نظر وزارت کشور بماند، تحصن خود را برگزار کرد و وزارت کشور به جای انتقاد به این امر، باز به استدلال روی آورد؛ امّا این بار نه در توجیه «عدم صدور مجوز»، بلکه برای توجیه «بی‌نیازی دفتر تحکیم از کسب مجوز تجمع»!

وزارت کشور مدعی شد، چون تعداد تجمع کنندگان کم بود و مزاحم رفت و آمد

رسالت
۷۹/۵/۲۵

هیچ کس حق ندارد برای حمایت از دین بدون مجوز تجمع برگزار کند!

مدیر کل روابط عمومی وزارت کشور: تحصن اعضای دفتر تحکیم وحدت به مجوز نیاز نداشت.

حیات نو ۷۹/۴/۲۸

؟ ـــــ بدون شرح ـــــ !

کیهان
۷۹/۵/۲۰

بیانیه دفتر مقام معظم رهبری در تجلیل از تصمیم مجلس و همراهی مردم

مردم و گروههای سیاسی اجازه نخواهند داد وحدت ملی تضعیف شود

رسالت
۷۹/۵/۲

دیدگاه صاحبنظران و مردم درباره موضع وزارت کشور علیه تجمع مردمی

جمهوری اسلامی
۷۹/۵/۲۲

در خطبه‌های نماز جمعه سراسر کشور مطرح شد

ائمه جمعه: حکم حکومتی رهبر انقلاب توطئه دشمنان را ناکام گذاشت

جمهوری اسلامی ۷۹/۵/۱۸

دانشجویان بسیجی در مقابل مجلس تجمع کردند

جمهوری اسلامی ۷۹/۵/۱۸

با انتشار بیانیه و پیامها صورت گرفت

اعلام حمایت اقشار مختلف مردم از حکم حکومتی رهبر انقلاب در مورد قانون مطبوعات

تجمع اعتراض آمیز دانشجویان در مجلس

تشکر جمعی از نمایندگان مجلس از رهبری

شهروندان نمی‌شد، ضرورتی نداشت مجوز بگیرند. این استدلال‌های سلیقه‌ای و من درآوردی، چه مفهومی می‌توانست داشته باشد؟ راستی مشکل دیگر تشکل‌های دانشجویی چیست که تجمع دفتر تحکیم با کم اقبالی دانشجویان روبروست و در بهترین تجمعاتش بیش از چند صد نفر شرکت می‌کنند!؟ تقصیر بسیج دانشجویی چیست که در تجمعش ده‌ها هزار نفر با کمترین هماهنگی‌ها و تبلیغات و فقط به خاطر قدرشناسی از اقدام انقلابی مجلس در خارج کردن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور، شرکت می‌کنند؟

اجرای طرح ساماندهی سیاسی پیشکش، امّا وزارت کشور حداقل وظیفه دارد موضع خود را ـ اعم از این‌که منطقی و قانونی باشد یا در تقابل آن ـ مشخص کند و اعلام نماید که یا برای همه سختگیر، منضبط و قانونمند است (اعم از گروه‌های قانونی و گروهک‌های غیر قانونی و ضد انقلابی) یا تصریح کند مسامحه کار است و نمی‌خواهد هیچ نقش بازدارنده‌ای داشته باشد و گروهک‌های غیر قانونی یا قانونیِ دارای سوابق تشنج آفرینی، مورد ارفاق و اغماض قرار می‌گیرند و برای هر نوع فعالیتی آزاد هستند که در این صورت جلوگیری از فعالیت گروه‌های قانونی منتقد، هیچ توجیهی جز میل به متهم کردن خود و دامن زدن به بدبینی در افکار عمومی نخواهد داشت و نمی‌توان بسیج دانشجویی را تهدید به سرکوب با نیروی انتظامی کرد. البته میل به قانونمندی از همهٔ این راه‌ها پسندیده‌تر است و نباید فراموش کرد که اهرم‌هایی نظیر صدور مجوز، برای ترمز زدن بر گروه‌های قانونی و خودی منتقد نیست، بلکه برای بازدارندگی در برابر گروه‌های غیر قانونی و فعالیت‌های ضد انقلابی است.

دو پرسش حقوقی بی پاسخ!

به دنبال صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری، در خصوص خارج شدن طرح تغییر قانون مطبوعات از دستور کار مجلس، جنجالی را از طرف برخی از نمایندگان انگشت شمار شاهد بودیم. پس از این جریان، آیت‌الله استادی به عنوان یک «شهروند» پرسشی حقوقی را مطرح کردند که با جنجال آفرینی مدعیان «پاسخگویی، شفاف‌سازی، آزادی مخالف و جامعهٔ چند صدایی» روبرو شد. نظر به اهمیت این پرسش و برخورد غیر منطقی با آن، این قسمت از کتاب را به یادآوری آن اختصاص می‌دهیم.

سؤال اول آیت الله استادی[1]

اینجانب عضو جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم و مجلس خبرگان رهبری و شورای عالی حوزه و نیز عضو و سخنگوی شورای نگهبان هستم، امّا در این نوشتار با صرف نظر از آن عناوین، فقط به عنوان یک «شهروند مسلمان» که نباید نسبت به آنچه در جامعهٔ اسلامی می‌گذرد، بی‌تفاوت باشد، بلکه باید احساس مسئولیت کند تا از

---

۱ . روزنامهٔ رسالت: ۱۸ مرداد ۷۹، ص ۲.

مصادیق حدیث معروف: «مَنْ اَصبَحَ لا یَهْتَمُّ بِاُمُورِ المُسْلِمینَ فَلَیسَ مِنَ المُسلمین»[۱] نباشد، چند سطری را به عنوان تذکری به شورای محترم نگهبان و مجلس شورای اسلامی می‌نگارم:

۱ . در اصل نود و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانیم: شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.

۲ . در اصل نود و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: تفسیر قانون اساسی به عهدهٔ شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

۳ . آیا نظارت بر انتخابات که به عهدهٔ شورای نگهبان است، نظارت استصوابی است یا نه؟

طبق تفسیر شورای نگهبان، نظارت که در اصل نود و نهم مطرح شده، نظارت استصوابی است و علاوه بر این، استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان توسط مجلس شورای اسلامی نیز به تصویب رسیده است که این مصوبه جنبهٔ تأییدی دارد، زیرا در صورت نبودن آن هم، با توجه به تفسیر شورای نگهبان، استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان از مفاد قانون اساسی است که نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد.

۴ . نظارت استصوابی ایجاب می‌کند، شورای نگهبان در تأیید و رد داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، از حیث داشتن شرایط لازم و نداشتن موانع، کمال دقت را به عمل آورد و فقط کسانی را تأیید کند که واجد شرایط قانونی بودن آنان را احراز نماید.

۵ . قانون انتخابات مصوب مجلس شورای اسلامی، داوطلبانی را صالح برای

---

۱ . جامع الاحادیث: ص ۱۱۸. «امام کاظم به نقل از رسول خدا ﷺ: هرکس صبح کند و به کار و مشکلات مسلمانان اهمیت ندهد، از مسلمین نیست.»

نمایندگی مجلس شورای اسلامی می‌داند که چند شرط را داشته باشد، مانند سن مخصوص، مدرک تحصلی ویژه، عدم محکومیت‌های مخصوص و از همه مهم‌تر، التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقهٔ فقیه.

۶. شورای نگهبان با استعلام از مراکز معینی که قانون تعیین کرده است و نیز برخی تحقیقات، اگر به این نتیجه رسید که داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی شرایط لازم قانونی را واجد است، او را تأیید می‌کند.

۷. پرسش این است که اگر شورای محترم نگهبان، بر اساس پاسخ استعلام از ثبت احوال، کسی را واجد سن قانونی برای نمایندگی دانست و تأیید کرد و پس از ورود او به مجلس شورای اسلامی روشن شد که شناسنامهٔ وی و یا پاسخ استعلام که ادارهٔ ثبت احوال برای شورای نگهبان و یا وزارت کشور ارسال داشته، دستکاری شده بود و شخص مورد نظر سن قانونی لازم را ندارد، وظیفهٔ شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی چیست؟

و همچنین اگر معلوم شد، مدرک تحصیلی داوطلب جعلی بوده و یا از برخی مؤسسات آموزشی خاص که ارزش مدرک رسمی را ندارد بوده، چه باید کرد؟

حتماً می‌گویید پس از کشف خلاف، شورای نگهبان باید اشتباه یا غفلت خود را اعلام کند و مجلس شورای اسلامی هم نباید آن شخص یا اشخاص را به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی بشناسد، گرچه مورد تأیید ابتدایی شورای نگهبان بوده و اعتبارنامهٔ وی هم به تصویب مجلس محترم رسیده باشد.

۸. پس از این‌که شورای نگهبان صلاحیت کسی را تأیید کرد، باز مجلس شورای اسلامی می‌تواند به خاطر پیدا شدن مدارک جدید و یا کشف خلاف شدن، اعتبارنامه او را رد کند و این حق قانونی مجلس محترم، مؤید همان مطلب منطقی و مستدلی است که گفته شد.

۹. آیا یک بام و دو هوا نیست که بگوییم در مواردی که کشف خلاف شده، اگر مسأله سن و یا مدرک تحصیلی و مانند آنها است، آن شخص، نمایندهٔ قانونی مجلس

شورای اسلامی نیست؛ امّا همین که بحث از شرط بسیار مهم و اساسی، یعنی التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه پیش آمد، بگوییم این کشف خلاف، اثری ندارد، زیرا شورای نگهبان صلاحیت او را تأیید و مجلس هم اعتبار نامه‌اش را تأیید کرده است.

۱۰ . اینجانب معتقدم، افرادی که به عنوان نمایندهٔ مردم به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابند، اگر در طول دوران نمایندگی، مسلمان نبوده و یا پایبندی به اسلام نداشته و یا عدم التزام عملی آنان به اسلام و ولایت فقیه و قانون اساسی کشف شد، شورای محترم نگهبان وظیفهٔ اسلامی و قانونی دارد که عدم صلاحیت آنان را به مردم اعلام و مجلس شورای اسلامی هم طبق قانون اساسی و قانون انتخابات مصوب مجلس، نباید آنان را نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی به شمار آورد، زیرا در واقع شرایط لازم و قانونی را از آغاز نداشته و شورای نگهبان و مجلس، به هر علت در تأیید صلاحیت آنان، دچار اشتباه و یا غفلت شده‌اند.

مروری بر پاسخ‌های ارائه شده

همان طور که محتوای سؤال آیت‌الله استادی نشان می‌داد، اصل پرسش کاملاً منطقی و معقول بود و پاسخی در خور و منطقی را می‌طلبید. متأسفانه برخوردی که از طرف مدعیان «جامعهٔ چند صدایی»، «گفتمان مدنی»، «لزوم پاسخگویی» نسبت به این «پرسش» شد، نشان داد که شعارهای فله‌ای موجود، هرگز استحکام عملی نداشته و جز حربه‌ای در دست سیاست بازان روزگار نیست.

یک هفته پس از طرح این پرسش در روزنامهٔ «رسالت»، از آن‌جا که هیچ پاسخی به این پرسش منطقی داده نشد، روزنامهٔ «جمهوری اسلامی» نیز مجدداً این پرسش را به چاپ رساند. یک روز پس از درج مجدد این پرسش، موج حملات مطبوعات مدعی آزادی مخالف در قالب تیترها و مصاحبه‌های جهت‌دار آغاز شد. در اولین قدم، روزنامهٔ «حیات نو» با تحریف نوشتهٔ آیت‌الله استادی از «سؤال» به «اعلام نظر» در بزرگ‌ترین تیتر خود نوشت:

آیت الله استادی به عنوان "یک شهروند" فقط پرسشی حقوقی را مطرح کرده بود، اما توپخانه‌های مطبوعاتی یک هفته بعد، وقتی نتوانستند پاسخ مناسبی به آن بدهند، با تحریف "سوال" به "اعلام نظر" حمله را آغاز کردند! و این یعنی جامعه چند صدایی!

صبح ۷۹/۵/۳۰

پاسخ صاحب‌نظران به اظهارات دبیر و سخنگوی شورای نگهبان

شورای نگهبان
پس از تثبیت استصوابی حق نظارت بر صلاحیت نمایندگان را اعلام کرد

محدود کردن
حق وکالت نمایندگان
با دید حکومتی ناسازگار است

ما از صحبت‌های آقای جنتی
به‌عنوان یکی از فقهای شورای نگهبان
تعجب می‌کنیم

اگر قرار باشد نماینده‌ای به خاطر یک اظهار نظر
صلاحیت قانونی خود را از دست دهد
سنگ روی سنگ بند نمی‌شود

صبح ۷۹/۵/۲۶

بازتاب اظهارات سخنگوی شورای نگهبان پیرامون اعلام عدم صلاحیت نمایندگان مجلس

کیهان ۷۹/۵/۳۱

به خاطر تحریف سخنان وی پوزش خواست خبرگزاری از آیت الله جنتی

آیت الله جنتی در نماز جمعه:
"حضرت امام در پیامی به مجلس خبرگان قانون اساسی فرمودند: اگر هر کدام از نمایندگان خارج از اسلام بخواهند طرح بدهند و کاری بکنند، وکالت از مردم ندارند و وکالت آنها محدود است"
این جمله تحریف شد و سپس حمله‌ای صورت گرفت، حتی رییس مجلس را به موضع گیری واداشتند و نزدیک بود تا "بحرانی" دیگر در "تونل بحران" افزوده شود.

صبح ۷۹/۵/۲۹

دبیر شورای نگهبان: حق وکالت نمایندگان نامحدود نیست

اطلاع‌رسانی حیات‌نو: دبیر شورای نگهبان گفت چنانچه نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهند طرحی را ارائه کنند که ضد اسلام و خلاف شرع باشد، حق وکالت مردم را نخواهند داشت.

احمد جنتی در خطبه‌های نماز جمعه دیروز تهران با بیان اینکه «وکالت نمایندگان مجلس شورای اسلامی محدود است» گفت: «وکالت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نامحدود نیست که هر کاری دلشان بخواهد، بکنند».

گفتنی است که پیش از این، رضا استادی، سخنگوی شورای نگهبان، در مقاله‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی خواستار اعلام عدم صلاحیت نمایندگان غیرملتزم به اسلام و ولایت فقیه از سوی ...

صبح ۷۹/۵/۳۱

رییس مجلس: چرا نظارت شورای نگهبان محدودیت ندارد؟

مجلس پنجم تحریف مطالب دیگران را ممنوع کرد و غوغاسالاران آن را

«بازتاب اظهارات "سخنگوی شورای نگهبان" دربارهٔ "اعلام" عدم صلاحیت نمایندگان»[1]

گروه سیاسی روزنامهٔ «ایران» نیز که با کمک توپخانهٔ خبرگزاری، در حال تکمیل این پروژه بود، نوشت:

«آیت‌الله استادی، دبیر این شورا در "دیدگاه مکتوب" خود "هشدار" داد که احتمال سلب صلاحیت نمایندگان در صورت عدم التزام عملی به ولایت فقیه، ارائه طرح و نظر مغایر شرع وجود دارد.»[2]

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شیطنت این روزنامه‌ها در تنظیم این تیترها و گزارش‌های خبری برای تضعیف شورای نگهبان به خوبی روشن است. این روزنامه‌ها اولاً: به هیچ وجه به «پرسشی» بودن مقاله اشاره نمی‌کردند و حتی آن را «اعلام نظر»، «دیدگاه مکتوب» و حتی «هشدار» معرفی می‌کردند و ثانیاً: علی‌رغم این‌که ایشان تصریح کرده بود که این پرسش را به عنوان یک «شهروند» مطرح می‌کند، آن را از طرف «سخنگوی شورای نگهبان» و «دبیر شورا» به مردم معرفی کردند. با این تحریفات صورت گرفته، معلوم می‌شود که چرا آیت‌الله استادی با احتیاط فراوان بر شهروندی خود تأکید می‌نمود!

اکنون برای ثبت در تاریخ و از باب «اَلَّذینَ یَستَمِعُونَ الْقَولَ فَیَتَّبِعُونَ أحْسَنَه» لازم است تا نگاهی داشته باشیم به پاسخ‌هایی که از طرف شخصیت‌های مختلف در مطبوعات کشور درج شد.

۱. رجبعلی مزروعی (نمایندهٔ تهران) در تذکر آیین نامه‌ای، خطاب به رئیس مجلس:

«می‌گویند شورای نگهبان در هر شرایط (!) می‌تواند صلاحیت نمایندگان را رد کند و مجلس هم باید بپذیرد، که این ممکن است موجب شود، نمایندگان برای ترس از رد

---

۱. روزنامهٔ حیات نو: ۲۶ مرداد ۷۹، ص ۱.

۲. روزنامهٔ ایران: ۲۹ مرداد ۷۹، ص ۲.

صلاحیت خود، دیگر چیزی در مجلس نگویند.»[1]

۲. ذبیح الله صفایی (نمایندهٔ اسد آباد):

«به نظر من، این افکار در جامعه پایگاه ندارد و از لحاظ حقوقی، فاقد استدلال و پشتوانه مبتنی بر برهان و دلیل است. جنبش اصلاح‌طلبی، مربوط به یک شخص یا یک گروه سیاسی نیست که با توقیف و تهدید و بایکوت، بتوان آن را تعطیل کرد.»[2]

۳. مجید انصاری (نمایندهٔ تهران):

«این نظرِ شخص جناب استادی است و نظر شورای نگهبان نیست. این اظهارات، هیچ‌گونه پایه و مبنای حقوقی و قانونی ندارد و برخلاف قوانین جاری کشور و برخلاف شأن و منزلت مجلس شورای اسلامی ملت است.»[3]

۴. قدرت الله نظری نیا (نمایندهٔ کنگاور):

«از بزرگانی چون اعضای شورای نگهبان، این گونه اظهار نظرها بعید به نظر می‌رسد و باعث مخدوش شدن چهرهٔ ارکان نظام می‌گردد. این اظهار نظر نشان می‌دهد که برخی از افراد در اظهارات و سخنان خود، توجهی به جایگاه قانونی نهادها ندارند.»[4]

۵. محمد محمد رضایی (نمایندهٔ بیجار):

«اختیارات مجلس، بیش از شورای نگهبان است، زیرا ۳۰ اصل از قانون اساسی به وظایف مجلس و نمایندگان پرداخته است، امّا فقط ۵ اصل از قانون اساسی، مربوط به وظایف شورای نگهبان است(!)»[5]

۶. محمد باقر ذاکری (نمایندهٔ قوچان):

«کسانی که فضای آرام جامعه را به نفع خود نمی‌بینند، می‌خواهند کاری را که با

---

۱ . روزنامهٔ حیات نو: ۲۷ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲ . همان: ۲۶ مرداد ۷۹، ص ۳.

۳ . همان: ۲۷ مرداد ۷۹، ص ۳.

۴ . همان.

۵ . همان: ۳۱ مرداد ۷۹، ص ۲.

خاتمی کردند، با مجلس بکنند و آن را وارد کشاکش‌های سیاسی کنند تا شاید چیزی گیرشان بیاید. جریانی از دوم خرداد به این طرف، همواره برای دولت بحران آفرینی می‌کند تا دولت، نتواند رسالت خود را انجام دهد و بعد هم بگوید دولت ضعیف و ناکارآمد است.»[1]

۷. محمد رضا تابش (نمایندهٔ اردکان و عضو هیأت رییسهٔ مجلس):

«با تهیهٔ نامه‌ای به اعضای شورای نگهبان، پاسخ [آقای] استادی را خواهیم داد.»[2]

۸. اکبر اعلمی (حقوقدان و نمایندهٔ تبریز):

«طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، محدود به زمان خاص است و با پایان یافتن این مدت، موضوعیت خود را از دست می‌دهد. نمایندگان مجلس در ایفای وظایف نمایندگی آزادند و نمی‌توان آن را به سبب نظراتی که مطرح می‌کنند یا رأیی که می‌دهند، تعقیب کرد.»[3]

۹. جلال جلالی زاده (نمایندهٔ سنندج):

«این اظهارات، اهانتی آشکار به آرای مردم و باعث خدشه‌دار شدن حیثیت و شخصیت مجلس می‌شود(!) نمایندگان مجلس، هم از نظر حقوقی و قانونی و هم از نظر عرف و شرع تا زمانی که مخالف خواست مردم کاری انجام ندهند، نمایندهٔ حقیقی مردم می‌باشند.»[4]

۱۰. اسد الله بیات (عضو شورای بازنگری قانون اساسی):

«ما مکرر در مکرر گفته‌ایم، نظارت یک چیز است و دخالت یک چیز دیگر، قانون نگفته که شورای نگهبان، حق اعلام عدم صلاحیت نمایندگان را دارد... هیچ توجیه حقوقی، قانونی و شرعی برای ارائه چنین تفسیری وجود ندارد.»[5]

---

۱. روزنامهٔ حیات نو: ۳۱ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲. روزنامهٔ ایران: ۲۷ مرداد ۷۹، ص ۲.

۳. همان: ۲۹ مرداد ۷۹، ص ۲.

۴. همان.

۵. روزنامهٔ حیات نو: ۳۰ مرداد ۷۹، ص ۲.

۱۱. رسول منتجب نیا (عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز):

«شورای نگهبان، فقط وظیفه دارد مصوبات مجلس را با قانون اساسی تطبیق دهد و حق ندارد برخلاف موازین علمی و قانونی، قانون یا مصوبه‌ای را تفسیر کند. متأسفانه برخی از افراد و گروه‌های جاهل و نادان که مصالح و منافع ملت را درک نمی‌کنند، به بهانه‌جویی و جوسازی در نوشته‌ها و رفتارهای خود، به مجلس و نمایندگان آن توهین و تعرض کرده و برای آنان خط و نشان می‌کشند و در رسانه‌های خود، آنان را تهدید به ردّ صلاحیت کرده و می‌خواهند آنها را از رسیدگی به وظایف اصلی بازدارند، حال آن‌که ملت، پشتیبان نمایندگان است و مقام معظم رهبری و همه، از آنها حمایت می‌کنند.»[۱]

۱۲. دکتر کاتوزیان (حقوقدان):

«دو مسأله "ارزش تصمیم نمایندگان" و "صلاحیت نمایندگان" را باید از هم تفکیک کرد، زیرا مسأله اول قابل کنترل است، ولی در مورد مسأله دوم، باید گفت که در صلاحیت منتخبان ملت، هیچ مقامی نمی‌تواند تردید کند.»[۲]

۱۳. دکتر زرافشان (حقوقدان):

«چگونه می‌توان پذیرفت وقتی کسانی التزام عملی خود را به اسلام و ولایت فقیه اعلام کرده‌اند و در مرحلهٔ نظارت، صلاحیت آنان تأیید شده و مردم به آنها رأی داده‌اند، بعد نهادی بتواند آرا و اراده و انتخابات مردم را باطل کند.»[۳]

۱۴. ابراهیم یزدی (دبیر کل نهضت آزادی) در مصاحبه با رادیو بی. بی. سی:

«وی در خصوص اظهارات یکی از اعضای شورای نگهبان، مبنی بر این‌که این شورا در هر شرایطی (!) می‌تواند نمایندگان مجلس را رد صلاحیت کند، گفت: این حرف‌ها را مطرح می‌کنند که احساس ناامنی در نمایندگان به وجود بیاورند، آقای کروبی هنگام پذیرفتن حکم حکومتی، یک نکته در خور توجیه را فاش کرد(!) که بعضی از

۱. روزنامهٔ ایران: ۲۷ مرداد ۷۹، ص ۲.

۲. همان: ۳۰ مرداد ۷۹، ص ۲.

۳. روزنامهٔ حیات نو: ۲۶ مرداد ۷۹، ص ۲.

جناح‌های راست و شورای نگهبان، نمی‌خواستند که مجلس ششم افتتاح شود.»[1]

۱۵. سید حسین موسوی تبریزی (عضو مجمع مدرسین و محققین):

«صرفاً اگر مجلس خلاف قانون اساسی و خلاف شرع حکمی را وضع کرد، شورای نگهبان می‌تواند آن حکم را قبول نکند و شورای نگهبان اگر تأیید نکرد، آن قانون رسمیت نمی‌یابد. ولی در رابطه با این‌که اگر هم نمایندگان مجلس، یک قانون خلاف شرعی در مجلس تصویب بکنند از وکالت ساقط بشوند، این نه وجههٔ قانونی و نه وجههٔ شرعی دارد.»[2]

۱۶. علی زادسر (نمایندهٔ سابق جیرفت):

«اصل این بحث در قانون اساسی تصریح شده و به نظر بنده می‌توان به جای خالی آن به عنوان یک نقیصه نگاه کرد. زیرا در خصوص عدم صلاحیت احتمالی ولی فقیه و رئیس جمهوری و... که ممکن است خدای ناکرده طی دوران تصدی مسئولیتشان به وجود بیاید، تکلیف روشن است و قانون ساکت نیست، امّا متأسفانه راجع به عدم صلاحیت نمایندگی نمایندهٔ مجلس، حداقل آن این است که تصریح قانونی نداریم. حال آیا این از وظایف شورای نگهبان است یا خیر؟ به نظر می‌رسد اظهار نظر پیرامون آن، باز هم برمی‌گردد به همان شورا، اگر قائل به استصوابی بودن نظر آن شورای محترم باشیم.
در هر صورت، خوب است جایگاه قانونی این مهم روشن شود، اگر قرار است کسان دیگری نظرشان صائب شود، دادگاهی اختصاصی تشکیل شود و مدلّل و مستند، حکم کند فلان نماینده به دلایل زیر، صلاحیت نمایندگی را ندارد.»[3]

همان طور که ملاحظه شد، در سخن هیچ یک از این شخصیت‌ها ـ به جز آخرین سخن که به دور از حمله و هجوم بود و می‌توان آن را پاسخ نامید ـ ارتباطی میان پرسش مطرح شده و پاسخ‌های داده شده، یافت نمی‌شود. آیا سؤال کننده معتقد بود

---

۱. روزنامهٔ ایران: ۲۹ مرداد ۷۹، ۱۶.

۲. همان: ۳۱ مرداد ۷۹، ص ۱۶.

۳. همان: ۲۹ مرداد ۷۹، ص ۲.

شورای نگهبان، تحت هر شرایطی می‌تواند صلاحیت نمایندگان را رد کند؟ آیا پرسش مطرح شده، برخلاف مبانی حقوقی و دینی بود؟ آیا پرسش کننده، مستحق صفاتی چون جاهل و نادان بود؟ با مرور این نوع گفتمان، درمی‌یابیم که چرا آیت‌الله استادی اصرار داشتند که به همگان بفهماند به عنوان یک «شهروند» حق دارد در ستون داخلی یک روزنامه ـ و نه با تیتری جنجالی در صفحهٔ اول ـ پرسشی را مطرح کند!

در کنار بررسی پاسخ‌های ارائه شده توسط روزنامه‌ها و شخصیت‌های سیاسی، مرور اظهار نظر دیگری که پیش از این در همین دسته از مطبوعات به چاپ رسیده بود، جالب است. به عنوان نمونه وقتی که مجلس پنجم در حال ارائه طرح اصلاحیه قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ بود، روزنامه‌هایی که «پرسش» امروز آیت‌الله استادی را نوعی توهین به مجلس قلمداد می‌کردند، با جوسازی و غوغاسالاری به هر مصاحبه و گزارش تند و هتاکانه‌ای بها می‌دادند و اظهار نظرهای مغرضانه را با عناوین «اظهارات کارشناسانه» به چاپ می‌رساندند. تیترهایی چون: «تجدید نظر در قانون مطبوعات، طرح انهدام مطبوعات غیر وابسته»، «آیا مجلس به طرحی مغایر با قانون اساسی رأی می‌دهد؟»، «هشدار شورای شهر تهران و سردبیران ده روزنامه در مورد سلب آزادی‌های عمومی»، «طرح محافظه‌کاران برای حذف مطبوعات مستقل»، «طرح اصلاح قانون مطبوعات را از مجلس پس بگیرید»، «سایهٔ استبداد در طرح اصلاح قانون مطبوعات»، «مجلس در مقابل انتخاب تاریخی، آزادی‌های اساسی یا منافع جناحی»، «نمایندگان: به تفکر سعید امامی رأی نمی‌دهیم»، «طرح قانونی برای نابودی مطبوعات مستقل» و ...

به یقین این تیترها نه تنها پرسش یک شهروند نبود، بلکه تمامی آنها نظرات صریح برخی مسئولین حزبی، همراه با تهدید و جوسازی بود. جالب اینجاست که در میان این گزارش‌ها و مصاحبه‌های منتشر شده، روزنامهٔ «خرداد» نظر یکی از حقوقدانان را در کنار عکس رنگی با کراوات او ـ که در بیش‌تر وقایع حقوقی، مورد مصاحبهٔ این روزنامه‌ها قرار می‌گرفت ـ به چاپ رساند که دقیقاً «پرسش» آیت‌الله

استادی از منظری دیگر بود. وی گفته بود:

«از لحاظ سیاسی، محافظه‌کاران برای مقابله با فضای باز سیاسی موجود، به اصطلاح با توپخانه به جنگ توسعهٔ سیاسی آمده‌اند. با توجه به قانون اساسی و حقوق قوهٔ مقننه، یک نکتهٔ اساسی وجود دارد و آن این‌که نمایندگان مجلس به کتاب آسمانی سوگند یاد می‌کنند که پاسدار حریم اسلام و نگهبان دستآوردهای انقلاب اسلامی و مبانی جمهوری اسلامی باشند و از استقلال و آزادی و حقوق موکّلین خود دفاع کنند. نمایندگان هرگز برای محدود کردن حقوق و آزادی‌های مردم، "هیچ وکالتی ندارند." بنابراین تصویب قانون مطبوعات که محدود کردن حقوق و آزادی موکلان است، برخلاف "عقد وکالت" بوده و از درجهٔ اعتبار ساقط است.»[1]

آیا نباید از کسانی که روزی «به اسم دفاع از مردم» به مجلس حمله می‌برند و روزی دیگر مجدداً «به اسم دفاع از مردم» حتی پرسشی را توهین می‌دانند، تعجب کرد؟ چرا اگر مصوبه‌ای برخلاف «عقد وکالت» بود، تصویب آن اعتبار ندارد و نماینده هیچ وکالتی ندارد، امّا اگر مصوبه‌ای بدون «شرط وکالت» بود، صحیح است و هیچ کس حق اعتراض ندارد؟

سؤال دوم آیت الله استادی[2]

آیت‌الله استادی که با گذشت چند روز، پاسخی حقوقی و علمی از پرسش اول خود دریافت نکرده بود، پرسش دیگری را مطرح نمود که در جهت تکمیل همان سؤال اول بود. ایشان مجدداً به عنوان یک «شهروند» پرسید:

«در تاریخ ۱۶ مرداد ۷۹ هنگامی که گزارش جلسهٔ یکشنبه مجلس شورای اسلامی را از سیمای جمهوری اسلامی شنیدم، وظیفهٔ خود دانستم در همان شب مطلبی را بنویسم. مقاله مانندی به عنوان یک شهروند مسلمان نوشتم و برای

---

۱. روزنامهٔ خرداد: ۱۳ تیر ۷۸، ص ۲.

۲. روزنامهٔ کیهان: ۲۹ مرداد ۷۹، ص ۱۴.

خبرگزاری جمهوری اسلامی و تعدادی از روزنامه‌های دو جناح و برخی از روزنامه‌های بی‌طرف ارسال شد، امروز که ده روز از آن تاریخ می‌گذرد، مناسب دیدم چند جملهٔ دیگر بنگارم:

۱ . آیا خبرگزاری با آن نوشته چه کرد؟ بنده مطلع نشدم، امّا مطبوعات یک جناح که مدعی لزوم جامعهٔ چند صدایی هستند، از چاپ آن خودداری نمودند و البته گله‌ای از آنها نیست، امّا این ادعاهاست که زیر علامت سؤال می‌رود!

۲ . در نوشتار قبلی، بحث من در مورد کشف خلاف بود. یعنی در صورتی که روشن شود، کسی از آغاز نامزدی برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، شرایط لازم را نداشته است و گفته بودم به نظر اینجانب او نمایندهٔ مجلس نیست، امّا یکی از برادران بدون این‌که در آن نوشته دقت کند، نوشته بود: شورای نگهبان در مورد ادامهٔ وجود شرایط و عدم آن مسئولیتی ندارد! با این‌که بحث من در ادامه و بقاء نبود، بلکه در کشف خلاف، از آغاز بود.

۳ . یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نوشته حقیر را تهدیدی برای آزادی عمل نمایندگان مجلس تلقی کرده و از ریاست محترم مجلس شورای اسلامی خواسته که در مقابل آن موضعگیری کند و به اصطلاح، بنده را سر جای خود بنشاند! حقیر به حضرت آقای کروبی ارادت دارم و عتاب احتمالی ایشان را می‌پذیرم، امّا به آن نمایندهٔ محترم عرض می‌کنم، سؤال و پرسش و اظهار نظر، تهدید نیست؛ بلکه این‌که شما از ریاست محترم مجلس، به خاطر سؤال کسی استدعای مقابله می‌کنید، تهدید است که افرادی مانند بنده جرأت نکنند حتی در مواردی که مربوط به کار خودشان است، اظهار نظر کنند. از سابق هم چنین بوده که مدعیان حمایت از آزادی بیان، غالباً حمایت از آزادی بیانِ خودشان می‌کرده‌اند و دیگران را ساکت می‌پسندیدند.

۴ . گفته شده که یکی از روزنامه‌ها نوشتهٔ اینجانب را تحریف و در مورد آن قلم فرسایی یا زبان فرسایی کرده که هنوز آن مطبوعه را ندیده‌ام. اگر قصد خیر و بیان حقائق داشته، توصیه می‌کنم بار دیگر آن نوشته را بخواند و اگر تحریف کرده، جبران

کند و البته توقع انجام جبران، در شرایطی که بازار تحریف گفته‌ها و نوشته‌ها در مطبوعات مدعی «اطلاع رسانی صحیح» رایج است، توقع بی‌جایی می‌باشد!

۵ . پرسش جدید حقیر از این‌جا شروع می‌شود. شرط امامت جماعت و امامت نماز جمعه، عدالت است. اگر کسی را برای سه سال به این سمت منصوب کردند، امّا در سال دوم مثلاً مرتکب گناه کبیره‌ای شد، آیا باز هم به امام جماعت و امام جمعه بودن باقی است یا شرط که منتفی شد، آن سِمَت هم منتفی می‌شود و خود او هم می‌داند که امام جمعه و جماعت نیست؟ البته این در صورتی است که ارتکاب گناه کبیرهٔ او ثابت و یا علنی باشد.

و همچنین در شخص قاضی، «عدالت» و در برخی مسئولیت‌ها «مورد وثوق بودن» لازم است. آیا قاضی پس از این‌که مرتکب فسق علنی شد، باز هم شرعاً قاضی است و مسئولی که خیانت او علنی شد، باز باید او را مورد وثوق بشماریم و آن مسئولیت را داشته باشد؟

۶ . از همهٔ مسئولیت‌ها مهم‌تر در جمهوری اسلامی، مسئولیت رهبری نظام است. در اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

> «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت، بر عهدهٔ فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.»

آیا بقای این خصوصیت در رهبری لازم است و یا همین که در آغاز واجد آنها باشد، کافی است؟ جای تردید نیست که بقاء آنها لازم است.

۷ . از آن‌جا که در مطلب فوق تردید نیست، در اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

> «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شد یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل پنجم و یکصد نهم گردد یا معلوم شود که از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد، تشخیص این امر به عهدهٔ خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.»

۸ . پرسش جدید اینجانب این است که اگر برای خودِ نمایندگان مجلس روشن شد که برخی از نمایندگان که در هنگام نامزد شدن، شرایط لازم نمایندگی مجلس شورای اسلامی را داشته‌اند، امّا با گذشت مثلاً یک سال، فاقد برخی از آن شرایط شده‌اند، با مواردی که در بالا یاد شد، چه فرقی دارند؟ با کدام منطق قابل قبولی می‌توان گفت که این شخص فاقد شرط است، امّا هنوز نمایندهٔ مجلس است؟ بله، ممکن است از مزایایی مانند حقوق، بی‌جهت استفاده کند، امّا رأی او رأی مؤثر خواهد بود یا نه؟

آیا شرایطی که مجلس شورای اسلامی برای صلاحیت نامزدی مجلس شورای اسلامی تعیین کرده، معنایش این نیست که این شرایط را هم در آغاز و هم در ادامه داشته باشد. آیا کسی احتمال می‌دهد که مقصود قانونگزار این بوده که فقط در آغاز واجد آن شرایط باشند، گرچه در ادامه فاقد آنها بشوند؟!

۹ . خواهید پرسید که آیا شورای نگهبان می‌تواند به علت واضح شدن فَقد شرایط در کسی، عدم صلاحیت او را اعلام کند؟ پاسخ این است که اگر کشف خلاف شده باشد و معلوم شود که از آغاز شرایط را نداشته و شورای محترم نگهبان ـ به هر جهت ـ دچار اشتباه یا غفلت شده، وظیفهٔ اسلامی و قانونی اوست که عدم صلاحیت او را اعلام کند.

۱۰ . تکرار می‌کنم که اینجانب در این نوشتار، مانند نوشتهٔ قبلی، به عنوان یک شهروند ـ نه به عنوان سخنگوی شورای نگهبان ـ نظر خود را می‌گویم. به نظر بنده، نماینده‌ای که در ادامهٔ نمایندگی فاقد همه یا بعضی از شرایط لازم شود، نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی نیست و مجلس شورای اسلامی باید در راستای وظایف اسلامی و قانونی خود، برای این مورد و این پرسش پاسخی داشته باشد و حتماً نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌دانند که این اظهار نظر شخصی اینجانب، منع شرعی و قانونی ندارد. پس انتظارم این است که خط و نشان کشیدن برخی نمایندگان تکرار نشود و اگر بشود هم، به حال بنده اثری ندارد، امّا افراد بیش‌تر شناخته می‌شوند.

خداوند همهٔ ما را از لغزش‌ها حفظ فرماید.

بخش پنجم

ضمیمه‌ها

ضمیمهٔ اول

متن پیام رهبر معظم انقلاب به مجلس ششم[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

آغاز هر دوره از مجلس شورای اسلامی، برای ملت ایران، سرآغاز مرحلهٔ نوینی از حرکت دست جمعی این ملت بزرگ به سوی آرمان‌ها و آرزوهای مادی و معنوی است. مظهر تلاش دیگری است که مردم انقلابی و مسئولیت شناس ایران، برای تحقق خواسته‌های دست نیافته و برآوردن نیازهای برنیامده و ترمیم ویرانی‌های باقی مانده و اصلاح فسادهای پدید آمده و مهار تهدیدهای از پرده برون افتاده، در عرصهٔ تعیین‌کنندهٔ قانونگزار از آن خود بروز می‌دهند و در انتظار نتایج این تلاش مبارک می‌نشینند. روز نویی است که از آن انتظار دستاوردی دیگر می‌رود و نوروزی است که رویش و بهار دیگری را نوید می‌دهد.

تشکیل بهنگام هر دوره از مجلس، نشانهٔ آن است که این عزم ملی و کوششی که خدمتگزاران ملت در هموار کردن مسیر آن به کار برده‌اند، مشمول عنایت و تفضل

---

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۸ خرداد ۷۹، ص ۱۴.

خداوند واقع شده و ابر کرامت پروردگار بر آن باریده است.

اینجانب، خاضعانه جبههٔ سپاس بر درگاه لطف الهی فرود می‌آورم و از توجهات حضرت بقیةالله ارواحنا فدا و دست حمایت‌گر و دعای گره‌گشای آن ولی حقیقی ملت ایران، تشکر می‌کنم و به روان بنیانگزار حکومت مردمی در ایران، امام راحل رفیع‌الشان، درود می‌فرستم.

همچنین وظیفه خود می‌دانم، از ملت بزرگ ایران که در این دوره نیز با شرکت در انتخابات، چهرهٔ شاداب و عزم راسخ و دل پر امید خود را در معرض داوری افکار عمومی جهانیان قرار دادند و اتکاء نظام اسلامی را به پشتیبانی خویش، بار دیگر به رخ خرده‌گیران و شایعه پردازان کشیدند، متواضعانه سپاسگزاری نمایم و از شورای نگهبان، وزارت کشور، هیات‌های اجرایی و نظارت، صدا و سیما و دیگر سازمان‌ها و افرادی که در این آزمون بزرگ، نقش موثری بر عهده گرفتند، تقدیر و تشکر کنم.

این فرصت را همچنین برای سپاس از نمایندگان محترم مجلس پنجم که دوره‌ای پرتلاش و پرحادثه را از سرگذرانیدند، مغتنم شمرده و برای آنان به شمار اقدام‌ها و تلاش‌های صادقانه و به وزن اخلاص و مجاهدتی که مبذول داشته‌اند، از خداوند متعال پاداش کریمانه و یاد و نام نیک مسئلت می‌کنم.

اکنون نمایندگان مجلس ششم را که در سال مزین به نام بلند امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و دادگستران علیه‌السلام، بر مسند قانونگزاری تکیه زده‌اند، به نکات لازمی تذکر می‌دهم:

۱. این بار نیز چون بیش‌تر دوره‌های گذشته، مجلس شورای اسلامی با اکثریتی همدل و هماهنگ با رئیس دولت آغاز می‌شود، بی‌شک این حادثه‌ای تصادفی نیست. انتظار رفع مشکلات و تامین نیازها از دولت، مردم را بر گزینش نمایندگانی وادار می‌سازد که آنان را همراه و کمک کار دولت در برآمدن این مقصود، تشخیص داده‌اند. پس نخستین هدف برای نمایندگان، باید این باشد که در قلمرو قانونگزاری، به گشودن گره‌ها و از میان برداشتن مشکلات زندگی مردم همت گمارند و هیچ انگیزه‌ای را بر آن

مقدم ندارند.

بی‌شک، نباید متوقع بود که همهٔ مشکلات در زمانی کوتاه از میان برود. لیکن آنچه مردم را خرسند و خشنود می‌سازد، مشاهدهٔ اهتمام و جدیّت نمایندگان و لمس کردن آثار محسوس آن است و اگر این انتظار برآورده نشود، اعتماد آنان به برگزیدهٔ خود نیز دیری نخواهید پائید.

۲ . در میان گرفتاری‌ها و مشکلات عمومی، شناخت فوریت‌ها و اولویت‌ها، هنر بزرگ مجلس شورای اسلامی است. مشکلات عمومی‌تر، محسوس‌تر را باید جُست و به رفع آنها همت گماشت. مسأله اشتغال، مسأله ارزش پول ملی، مسأله امنیت، مسأله گرانی و مسائل چند دیگری هست که برای پرداختن به آن از همهٔ فرصت‌ها باید بهره جست و زمان نمایندگی را که بسی زودگذر است، برای گشودن این گره‌ها باید مغتنم شمرد. خطای بزرگ آن است که این خواسته‌های حقیقی مردم به دست غفلت سپرده شود و خواسته‌های جناحی، حزبی و شخصی، به جای مصالح ملی بنشیند.

۳ . نمایندگان محترم غالباً وابسته به قشرهای متوسط و برخاسته از متن توده‌های میلیونی مردم‌اند. توقع می‌رود که میان آنان و توده‌های مردم، به ویژه مستضعفان و محرومان، رابطه‌ای مداوم برقرار باشد و رنج‌ها و محرومیت‌ها و خواسته‌های حقیقی و فوری این قشرها، در مجلس که خانهٔ ملت و محل امید آن است، انعکاسی شایسته بیابد. نماینده‌ای از همت و نظر بلند برخوردار است که از صف صدرنشینان و برخورداران عبور کرده، خود را به دور افتادگان و کوته‌دستان برساند و با آنان و برای آنان باشد.

۴ . مجلس شورای اسلامی می‌تواند سرچشمه و مظهر وفاق ملی و آرامش و اعتماد عمومی و یا خدای نخواسته، منشأ دو دستگی و تشویش و اضطراب دل‌ها و فکرها شود، محسوس‌ترین و نقدترین هدیهٔ نمایندگان محترم به مردمی که آنان را به مجلس فرستاده‌اند، آن است که با منش و گفتار خود، امید و نشاط و آرامش را بر فضای عمومی کشور حاکم سازند و گفتارها و نطق‌های خود را همچون الگویی از رفتار

سیاسی سالم و سرشار از سماحت، تحمل و انصاف تنظیم کنند.

۵ . همکاری دلسوزانه با قوای دیگر و کمک به پیشرفت برنامهٔ توسعه که اکنون در دستور کار قوهٔ مجریه است، فصل مهمی از وظایف مجلس شورای اسلامی است. امروز نیز بحمد الله در رأس دستگاه اجرایی کشور، روحانی برگزیده‌ای قرار دارد که از یاران و ارادتمندان امام و خود آراسته به علم و عمل و وابسته به بیت رفیع روحانیت و سیادت است. همکاری از دو سو، میان دستگاه‌های قانونگزاری و اجرا، می‌تواند راه پیشرفت کشور را هموار و حرکت‌های سازنده را روان و شتابان سازد. بدیهی است که این به معنای کوتاهی ورزیدن در وظایف نظارتی مجلس نیست. مجلس باید بذل اعتماد خود به کارگزاران عالی دولت را مرهون ملاک‌های تعهد و تدین، کارآیی و کارشناسی، وفاداری به نظام و به مردم قرار دهد و در نظارت قانونی بر عملکرد آنان جدی باشد.

۶ . آخرین و مهم‌ترین سخن آن است که مجلس شورای اسلامی، رکن مهم نظام اسلامی و انقلابی است و باید پایگاه مستحکم اسلام و انقلاب باشد، چنین بوده و به تایید الهی چنین نیز خواهد بود. دشمنان سیلی خوردهٔ انقلاب و شبکهٔ تبلیغاتی جهانی آنان، وانمود می‌کنند که مجلس ششم، نه در خدمت آرمان‌های اسلام و انقلاب که در سمت و سوی منتقدان و معارضان آن است. یک بار دیگر نیز در حوالی انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۷۶، شبیه همین ترفند تبلیغاتی با هدف روحیه بخشیدن به معارضان نظام اسلامی و مایوس کردن انقلابیون در ایران و جهان، با جنجال و سروصدای فراوان به راه افتاد. موضعگیری صریح و قاطع و مستمر رئیس جمهور مومن و انقلابی، در آن نوبت نقشهٔ دشمن را خنثی کرد، امروز نیز موضعگیری بهنگام و صریح مجلس شورای اسلامی، باید دشمنان را مأیوس سازد. دفاع قاطع و آشکار نمایندگان از انقلاب و نظام اسلامی و راه روشن و ماندگار امام عظیم‌الشان و تبری از بلندگوهایی که با تکرار شعار ارتجاعی (جدایی دین از سیاست) در اندیشهٔ حذف جهاد خونین بیست و چند سالهٔ ملت ایران برای استقرار نظام مترقی جمهوری اسلامی‌اند،

تلاش پرهزینهٔ دشمن را بیهوده خواهد ساخت، این کمترین انتظار ملت انقلابی و مسلمان از نمایندگان مجلس است که با خون شهیدان و مجاهدت ایثارگران پدید آمده و برقرار مانده است. کمک و هدایت الهی را برای شما برادران و خواهران عزیز مسئلت می‌کنم و همهٔ شما را به خدا می‌سپارم.

۶ خرداد ۷۹

سید علی خامنه‌ای

ضمیمهٔ دوم

متن بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان مجلس ششم[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

برادران و خواهران عزیز! نمایندگان و منتخبان محترم، همکاران جدید و عزیز ما در ادارهٔ این کشور بزرگ و این انقلاب عظیم و رسیدن به هدف‌ها و آرمان‌هایی که خدای متعال برای ملت مسلمان و مجاهدان راه خودش وعده فرموده، خیلی خوش آمدید.

اولین مطلبی که هر مسئولی در نظام اسلامی ـ از جمله شما برادران و خواهران عزیز ـ مناسب است که در ذهن داشته باشد، شکر خداوند متعال به خاطر این مسئولیت بزرگ است. این طور نیست که هر وقت انسان بخواهد در خدمت مردم، در خدمت اسلام و در خدمت هدف‌های عالی قرار بگیرد، این کار برای او میّسر باشد. زمان‌ها و شرایط مختلف است و امکانات همیشه در دسترس نیست. این شرف بزرگی برای یک انسان مومن و متعهد است که احساس کند، در جایی قرار گرفته که می‌تواند

---

۱ . روزنامهٔ جمهوری اسلامی : ۳۰ خرداد ۷۹، ص ۳.

برای مردم، برای کشور، برای اسلام، برای هدف‌های والایی که در عظمت آنها تردیدی نیست، تلاشی بکند، زحمتی بکشد و قدمی بردارد.

عزیزان من! اگر خدای متعال هم کمک نکند، قدم از قدم نمی‌شود برداشت. کمک الهی یک چیز تصادفی و غیرمنطقی و بی‌محاسبه نیست؛ کمک الهی هم مترتب بر این است که انسان از خدا بخواهد، تلاش کند، استغاثه کند و او را به کمک بطلبد.

پیامبر بزرگوار ما ـ که این روزها به نام آن بزرگوار مزیّن است و ایام ولادت با سعادت اوست و برای همهٔ مومنین و برای همهٔ مسلمانان اسوه است ـ در هنگامه‌های سخت، ملاحظه نمی‌کرد که تضرع او پیش خدا و کمک خواستن او از خدا، ممکن است در ذهن مخاطبان و شاهدان و ناظران، این تأثیر را بگذارد که او به خودی خود ناتوان است؛ به صراحت می‌گفت که من به خودی خود ناتوانم و بدون کمک خدا از من کاری برنمی‌آید. در جنگ احزاب، در حالی که همهٔ دشمنان از اطراف مدینه، پیامبر و گروه مومنین را محاصره کرده بودند، با این نیت که اسلام و قرآن و پیام جدید را به کلی از بیخ و بن بِکنند، پیامبر اکرم در کنار آرایش نظامی، در کنار تدابیر بسیار هوشمندانه‌ای که در آن جا به کار برد، در کنار تحریک مردم بر مقاومت، در مقابل چشم مردم بر زمین زانو گذارد! بارها این کار تکرار شد که در کتاب‌های سیره هست. پیامبر دستش را بلند می‌کرد، تضرع می‌کرد، اشک می‌ریخت و می‌گفت: پروردگارا! به ما کمک کن و نصرتت را به ما برسان و به ما توفیق بده.

بدون کمک الهی نمی‌توانیم کاری انجام بدهیم؛ و کمک و رحمت الهی جز با توجه و توسل به او، جز با شستشوی دل، جز با خالص کردن نیت، جز با کنار گذاشتن هدف‌های حقیر و کوچک شخصی، میسر نخواهد بود؛ و این انقلاب، با این روحیه و با این حالت پیروز شد؛ و این مجلس شورای اسلامی ـ که افتخاری برای نظام جمهوری اسلامی و برگ زرینی بر شناسنامهٔ انقلاب و نظام ماست ـ با این ترتیب پیش آمد.

ما قبل از انقلاب در این کشور چیزی به نام مجلس شورا را تجربه کرده بودیم. هر کس که آن مجلس و آن اوضاع و آن تاریخ را دیده یا لمس کرده یا در آثار خوانده

است، قدر این مجلس و این انقلاب را می‌داند؛ قدر آن مجاهدت‌هایی را می‌داند که باعث شد در طول بیست و یک سال، یک روز مجلس شورای اسلامی تعطیل نشود. البته آن مجلس هم فرآورده‌های اسلام بود. اگر مبارزات اسلامی مومنین به اسلام و علمای بزرگ نمی‌بود، آن مجلس هم شروع نمی‌شد؛ منتها آن مجلس منحرف شد. دو آفت بر آن مجلس مسلط شد: یکی تعطیل و توقف، یکی انحراف. انحراف مجلس هم این بود که نمایندگان به وظیفهٔ نمایندگی خود عمل نکردند. بعد از مجلس سوم و چهارم به این طرف، چهار، پنج دورهٔ مجلس دو ساله تشکیل شد که تقریباً بر اساس انتخاب مردم بود؛ امّا بعد دیگر انتخاب و گزینشی نبود و مردم حضور نداشتند!

هیچ کس، به قدر آن کسانی که آن وضعیت را دیدند، یا لمس کردند، یا شنیدند و فهمیدند، قدر این مجلس شورای اسلامی و این محیط قانونگزاری آزاد و این گزینش مردمی حقیقی را نمی‌داند. خدا را شکر بگذارید که شما را جزو کسانی قرار داد که بتوانید در چنین جایگاه مهم و رفیعی حضور پیدا کنید؛ برای او فکر کنید و تصمیم بگیرید و برای انجام وظیفه، کار و تلاش و مجاهدت کنید. این کشور به تلاش و مجاهدت خیلی احتیاج دارد.

این انقلاب یک تجربهٔ جدید و یک حرف نو در دنیاست و مظان اسلامی یک حرف تازه در محیط سیاسی عالم است. این چیزی نیست که نظام‌هایی که منافع کلان قدرت‌های مستقر عالم به آنها وابسته است، حاضر باشند به آسانی از سر این بگذرند؛ لذا مقابله و معارضه و کارشکنی و تهدید می‌کنند؛ برای این‌که بتوانند این تجربهٔ جدید را به شکست بکشانند. بنابراین، مشکلات تحمیلی است. علاوه بر ضعف‌ها و فتورها و بی‌فکری‌ها و عقب ماندگی‌هایی که در طول زمان بر ملت و کشور ما تحمیل شد، فشارهای دشمن هم زیاد است. در این محیط حقیقتاً جنگ احزابی، مسئولان نظام، وظیفه دارند از همهٔ توانشان استفاده کنند؛ برای این‌که بتوانند یک قدم جلو بروند و کاری انجام بدهند و یکی از مشکلات را حل کنند و گره‌ها را بگشایند؛ و این با اخلاص، با صفا، با همکاری، با حفظ آن مبانی‌ای که این انقلاب بر اساس آن به وجود آمد، ممکن است.

عمل به قانون اساسی، علاج اساسی دردهای این کشور است؛ و عمل هم متوقف بر این است که عناصر عمل کننده؛ چه آنهایی که مجاری اجرای قانون اساسی را معین می‌کنند ـ مثل دستگاه‌های قانونگزاری ـ چه آن کسانی که آن را اجرا می‌کنند ـ مثل قوهٔ مجریه ـ چه آن کسانی که عدالت و تخلف‌ها را مورد ملاحظه قرار می‌دهند ـ مثل قوهٔ قضائیه ـ و همهٔ دست‌اندرکاران این کشور در مقام عمل؛ اخلاص، صفا، مسئولیت و انجام وظیفه را ملاک خودشان قرار بدهند؛ این اساس قضیه است.

این مجلس، بحمد الله مجلسی است که طبق آمارهای ارائه شده، عناصر بسیاری از ایثارگران، رزمندگان، مجریان میدان‌های گوناگون انقلاب، در آن جمع شده‌اند؛ کسانی که تلاش کرده‌اند و زحمت کشیده‌اند و جان خودشان را در معرض فدای راه اهداف انقلاب گذاشته‌اند. بحمد الله سابقه‌داران و علاقه‌مندان به انقلاب در این مجلس جمعند.

مجلس همیشه برای همه ـ برای مردم و برای مسئولان ـ نقطهٔ اساسی امید است. کار مهم شما این است که نگذارید این امید ضعیف بشود، البته همان طوری که جناب آقای کروبی اشاره کردند، کلیت قانون اساسی باید مورد نظر و توجه شما باشد. در یک برنامه‌ریزی بلند مدت و میان مدت، تلاشتان این باشد که تا آن جایی که بر عهدهٔ شماست و فرصت‌های شما اجازه می‌دهد، اگر گیری در اجرای این قانون هست، آن را برطرف کنید. انتقاد پذیری مسئولان ـ که جزو برنامه‌های این مجلس ذکر شد ـ از اساسی‌ترین کارهاست. در گزینش و محاسبهٔ مسئولانه، در دیوان محاسبات، در تنظیم بودجه، در تنظیم برنامه، در وضع قوانین، مُر حقیقت را در نظر بگیرید؛ این اساس قضیه است. خیلی از قوانین ما خوب هستند؛ امّا جواب نمی‌دهند؛ چون در اجرا اشکال دارند. اگر حقیقتاً چشم بینای مجلس ـ البته با انصاف، با عدالت، با رعایت حدود الهی ـ متوجه مجریان باشد، این مشکل برطرف یا لااقل کم خواهد شد؛ اینها چیزهای بسیار مهمی است.

البته اولویت‌ها را در نظر بگیرد. من در پیامی هم که به مناسبت افتتاح مجلس به شما عزیزان عرض کردم، این نکته را متذکر شدم که همهٔ کارها را دفعتاً نمی‌شود انجام

داد؛ اولویت‌ها را در نظر بگیرید. امروز در بعضی از گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده می‌شود ـ این بلاشک از اصول اسلامی است ـ امّا کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از این‌که انسانی، رئیس عائله‌ای، پدر خانواده‌ای، در جامعه‌ای که در آن همه چیز هم هست، نتواند اولیات زندگی فرزندان خودش را تامین بکند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسئول دیگر نامه بنویسد که من دو ماه است به خانه‌ام گوشت نبرده‌ام! یک وقت در جامعه گوشت و میوه نیست، من و شما هم نمی‌خوریم؛ یک وقت در جامعه امکانات رفاهی نیست، من و شما هم استفاده نمی‌کنیم؛ یک وقت ایام عید که می‌شود، فرزندان من و شما هم لباس نو بر تن نمی‌کنند؛ در این حالت کسی احساس سرشکستگی نمی‌کند ـ البَلّیةُ إذا عَمَّتْ طابَتْ ـ[1] امّا وقتی همه چیز هست، وقتی کسانی در جامعه با استفاده از فرصت‌های نامشروع توانسته‌اند برای خودشان آلاف و اولوف و زندگی‌های تجملی فراهم بکنند، وقتی طبقاتی در جامعه هستند که برایشان پول خرج کردن هیچ اهمیتی ندارد، جمع کثیری از مردم که در بین اینها رزمندگان و عناصر نظامی و کارمندان دولت و معلمان و روستائیان و مردم مناطق محروم و دور و مناطق جنوب هستند، نتوانند نان و پنیر بچه‌هایشان را فراهم کنند، کدام شکستن شخصیت و شرف انسانی از این بالاتر است؟! شما می‌خواهید دل چه کسی را خوش کنید؟ شما می‌خواهید چه کسی از شما راضی باشد؟

بله، مسالهٔ معیشت، قطعاً در اولویت اول است. معیشت که نبود، دین هم نیست؛ اخلاق هم نیست؛ حفظ عصمت و عفت هم نیست؛ امید هم نیست. کسی را که به موقعیتی دست پیدا کرده، به خاطر این‌که برای رفع نابسامانی و فقر تلاش و مجاهدت کند و شب و روز خودش را صرف نماید، ملامت نخواهند کرد. اولویت‌ها را پیدا کنید؛ مسائل اساسی جامعه اینهاست.

---

۱. «گرفتاری وقتی همگانی شد، تحملش راحت‌تر است.»

عزیزان من! شما بدانید که دشمن شما، دشمن این انقلاب، دشمن این نظام، بُرنده‌ترین حربه‌ای که در اختیار خواهد داشت، فقر و گرفتاری اقتصادی مردم است، روی این مساله باید فکر کرد. گرفتاری‌های اقتصادی مردم، همین بیکاری‌یی است که در کلمات شماها تکرار می‌شود و درست هم هست؛ همین کمبودها و همین مشکلات فراوان است. البته فسادهای گوناگون، سوء استفاده‌های گوناگون، تبعیض‌های گوناگون، مشکلات اداری و مشکلات قضایی هم در کنارش هست. امّا اولویت اول برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید. اولویت اول این است که شکم مردم را سیر کنید. می‌شود نشست و حرف‌های روشنفکری زد که اگر فلان طور نشود، فلان طور نخواهد شد؛ اگر چنین نشود، چنان نخواهد شد؛ البته مردم را باید راضی و دل آنها را شاد کرد؛ امّا در درجهٔ اول این است که فکر محاسبهٔ الهی را بکنیم.

عزیزان من! خدای متعال از هر ساعت عمر شما در مجلس، از هر تصمیم‌گیری شما، از هر نشست و برخاست شما ـ که حالا مهم شده است ـ سؤال خواهد کرد. تا چندی پیش، شما می‌نشستید، برمی‌خاستید؛ حرکت و گفتار شما تأثیری نمی‌گذاشت؛ اما امروز شما یک کلمه حرفتان، یک نشست و برخاستتان، یک دست بلند کردن و موضعگیریتان مؤثر است؛ این یک امکان است؛ و این امکان با خودش مسئولیت سنگینی را می‌آورد؛ در درجهٔ اول هم خدای متعال از ما سؤال می‌کند.

در تشخیص‌ها، در گزینش اشخاص و در گزینش مسئولان، باید خدا را در نظر بگیرید. گزینش باید گزینش هوشمندانه، عالمانه و دقیق باشد؛ اینها جزو وظایف حتمی است. آن کسی را که شما سر کار می‌آورید، آن کسی را که شما به او اعتراض می‌کنید، آن کسی را که شما از او سؤال می‌کنید، آن کسی را که شما استیضاح می‌کنید، او یک مسئول در نظام اسلامی است که قدرت و توانایی و امکانات خود را از شما دارد. در این‌که این توانایی را به چه کسی بدهید، چگونه تصمیم‌گیری کنید، چگونه تشخیص بدهید، بایستی دقیق، هوشمندانه و بدون ملاحظهٔ این و آن عمل کنید.

تقسیم بندی جناح‌ها به چپ و راست و مدرن سنتی و غیره حرف است، اینها حقایق نیست. حقیقت عبارت است از آن تکلیف و مسئولیتی که شما دارید، آن مهم

است؛ آن چیزی است که گریبان ما را می‌گیرد؛ آن چیزی است که ما را به پاسخگویی در مقابل خدا وادار می‌کند.

برادران عزیز! بعضی از کارها توبه دارد، بعضی از کارها هم توبه ندارد؛ چون اصلاحش ممکن نیست. شما ببینید در قرآن کریم بعد از «الّا الّذین تابوا» در موارد متعددی «وَاصلَحُوا» دارد. گاهی توبه نسبت به کار شخصی ماست. در مسائل فردی، کار اشتباه و غلطی از ما سر می‌زند، بعد هم به خدای متعال عرض می‌کنیم: پروردگارا! اشتباه کردیم، غلط کردیم. این تمام می‌شود و می‌رود. یک وقت هست که این کار در صحنهٔ جامعه تأثیر می‌گذارد؛ واقعیتی را به وجود می‌آورد یا از بین می‌برد؛ توبهٔ این، به این است که آن را اصلاحش کنیم. مگر ممکن است همیشه اصلاح کرد؟ مگر در همهٔ موارد ممکن است آب رفته را به جوی باز آورد؟ لذا خیلی باید دقت کرد.

بنده ضمن این‌که به خاطر این مسئولیت سنگینی که دارید، باید به شما عزیزان تبریک عرض کنم، باید هشدار هم بدهم، مواظب باشید؛ این مسئولیت، خیلی سنگین و کار خیلی بزرگی است. همان قدر این مسئولیت سنگین است که مسئولیت بقیهٔ کسانی که در مسئولیت قبل از شما بودند یا بعد از شما خواهند آمد. از خدای متعال باید کمک و حمایت بخواهید.

وامدار کسی هم نباید بود؛ فقط وامدار آن سوگندی که خورده‌اید، باشید. آن سوگند هم سوگند حقیقی است؛ یعنی قسمی شرعی است که اگر نقض بشود، یقیناً خلاف شرع انجام شده است و پیش خدای متعال مسئولیت‌های سنگینی هم برای انسان دارد.

وظیفهٔ ما این است که از هویت انقلاب، اساس انقلاب و اساس این نظام، دفاع کنیم و این نخواهد شد، جز این‌که در نظر داشته باشیم که وظایف ما، در این قانون اساسی بحمد الله مترقی و جامع ـ نمی‌گوئیم بی‌عیب و نقص؛ امّا قطعاً جزو جامع‌ترین و کامل‌ترین قوانین اساسی‌یی است که امروز در دنیا وجود دارد ـ چیست. همین قانون اساسی، مجلس را رکن مهم این نظام قرار داده است. اصل قضیه این است که این

رکن، وابستهٔ به این نظام الهی است. کسان پرکار و پرتلاش و پرفعالیتی هستند که مایل نیستند این نظام با کلیت خودش یا با روح اسلامی خودش باقی بماند.

وظیفه همهٔ ما این است که در مقابل تسلط مخالفان این انقلاب و این نظام، محکم و با قدرت باشیم. اگر خدای متعال به بنده هم ـ که یک خدمتگزار دارای مسئولیت هستم ـ توفیق بدهد، مثل شما وظیفهٔ من هم همین است. همه وظیفه دارند در مقابل آن کسانی که درصددند پایه‌های این نظام را، چه پایه‌های ایمانی آن را، چه پایه‌های فکری آن را، چه پایه‌های اجرایی آن را سست کنند، بایستند؛ این وظیفهٔ اساسی همهٔ مسئولان نظام است، چه قوهٔ مجریه و در رأس آن رئیس جمهور، چه قوهٔ مقننه که شما برادران و خواهران عزیز هستید، چه قوهٔ قضائیه و چه بقیهٔ مسئولان؛ که این حقیر هم در مجموعهٔ مسئولان قرار دارم. سعادت ما، در این است که در این راه بایستیم. ما با خدای متعال تعهد کرده‌ایم که ایستادگی کنیم؛ ان شاء الله هم به این تعهد عمل خواهیم کرد. ما نخواهیم گذاشت که ضد انقلاب و آن کسانی که از اساس با این انقلاب مخالف بودند، بتوانند در مراکز اثر گذار بر روی افکار عمومی و بر روی ایمان مردم، مقاصد خودشان را عملی کنند؛ مردم هم این را از شما می‌خواهند؛ خدا هم این را از شما می‌خواهد.

ان شاء الله خدای متعال به شما کمک کند و توفیق بدهد که این چهار سال را با عافیت دین و دنیا بگذرانید و خدای متعال را از خودتان راضی کنید و آن وقتی که از این مسئولیت جدا خواهید شد، با احساس این‌که کاری برای این کشور و این ملت کرده‌اید، جدا بشوید.

از خداوند متعال می‌خواهیم که به همهٔ شما عزیزان توفیق عنایت کند و روز به روز برکات خودش را بر شما و بر این ملت مستمر و مستدام بدارد. ان شاء الله برکات حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) و دعای مستجاب آن بزرگوار هم شامل حال همهٔ شما و ما باشد.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

ضمیمهٔ سوم

متن اصلاحیهٔ قانون مطبوعات، مصوب مجلس پنجم

ماده ۱ اصلاحیه: تبصرهٔ ذیل مادهٔ ۱ به تبصرهٔ ۱ تبدیل شده و تبصره‌های زیر به عنوان تبصره ۲ و ۳ به آن اضافه می‌گردد:

تبصره ۲ ـ نشریه‌ای که بدون اخذ پروانه از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد، از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.

تبصره ۳ ـ کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.

ماده ۲ اصلاحیه: سه تبصرهٔ ذیل، به مادهٔ ۵ الحاق می‌گردد:

تبصره ۱ ـ متخلف از مواد ۴ و ۵ به شرط داشتن شاکی، به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال خدمت دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ ـ مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم‌الاتباع است. در صورت تخلف، دادگاه می‌تواند نشریهٔ متخلف را موقتاً تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی کند.

تبصره ۳ ـ مطالب اختصاصی نشریات، اگر به نام پدید آورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود، به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد.

ماده ۳ اصلاحیه: در ماده ۶ قانون مطبوعات، اصلاحات زیر انجام می‌شود:

الف ـ در صدر ماده، بعد از کلمه «عمومی» عبارت «و خصوصی» اضافه می‌شود.

ب ـ در بند ۵ «افراد گروه‌ها» به صورت «افراد و گروه‌ها» اصلاح می‌شود.

ج ـ بند الحاقی مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۱ مجلس شورای اسلامی به قانون مطبوعات، به بند ۱۰ تغییر و دو بند زیر به عنوان بندهای ۱۱ و ۱۲ الحاق می‌گردد:

۱۱. پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.

۱۲. انتشار مطلب علیه قانون اساسی.

ماده ۴ اصلاحیه: ماده ۷ قانون مطبوعات به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

الف ـ صدر ماده به شرح زیر اصلاح می‌شود: «موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می‌شود.»

ب ـ بند «هـ» با اصلاحی به شرح زیر، به عنوان تبصره تبدیل می‌گردد:

تبصره: مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضهٔ مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیأت نظارت، مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی‌باشند.

ماده ۵ اصلاحیه: ماده ۸ به ترتیب ذیل اصلاح و دو تبصره به عنوان تبصره ۲ و ۳ به آن الحاق می‌گردد:

انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است.

تبصره ۲ ـ کمک‌های اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجیِ غیر دولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد، مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۳ ـ واگذاری امتیاز نشریه به غیر، اعم از قطعی، شرطی، اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می‌شود، مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیأت نظارت.

ماده ۶ اصلاحیه : در ماده ۹ اصلاحات زیر به عمل می‌آید:

۱ . متن ماده به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف ـ شخص حقیقی متقاضی امتیاز، باید دارای شرایط زیر باشد:

۱ . تابعیت ایران.

۲ . دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن.

۳ . عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر.

۴ . عدم اشتهار به فساد اخلاقی و سابقهٔ محکومیت کیفری بر اساس موازین اسلامی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی باشد.

۵ . داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزهٔ علمیه، به تشخیص هیأت نظارتِ موضوع ماده ۱۰ این قانون.

۶ . پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی.

ب ـ اشخاص حقوقی متقاضی امتیاز، باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱ . مراحل قانونی ثبتِ شخصیت حقوقی طی شده باشد و در اساسنامه و یا قانون تشکّل خود، مجاز به انتشار نشریه باشد.

۲ . زمینهٔ فعالیت نشریه، مرتبط با زمینهٔ فعالیت شخص حقوقی بوده و محدودهٔ جغرافیایی انتشار آن، همان محدودهٔ جغرافیایی شخصیت حقوقی باشد.

۳ . به انتهای تبصره ۵ بعد از «انتشار نشریه» عبارت «و هرگونه فعالیت مطبوعاتی» اضافه می‌شود.

۴ . سه تبصره به عنوان تبصره‌های ۶، ۷، ۸ به ماده الحاق می‌گردد:

تبصره ۶ ـ هیأت نظارت موظف است، جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول، از مراجع ذی صلاح (وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی انتظامی جمهوری

اسلامی ایران) استعلام نمایند. مراجع مذکور، موظفند حداکثر تا دو ماه نظر خود را همراه مستندات و مدارک معتبر، به هیأت نظارت اعلام نمایند. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر، صلاحیت آنان تأیید شده تلقی می‌گردد.

تبصره ۷ ـ مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود، به عهده مدیر مسئول است، ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود.

تبصره ۸ ـ اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و یا گروه‌های غیرقانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته‌اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند، حق هیچ‌گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.

ماده ۷ اصلاحیه: متن ماده ۱۰ قانون و تبصره‌های ۲ و ۳ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره ۵ به آن الحاق می‌گردد:

اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مؤمن به انقلاب اسلامی می‌باشند، عبارتند از:

الف ـ یکی از قضات، به انتخاب رئیس قوه قضائیه.

ب ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام‌الاختیار وی.

ج ـ یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به انتخاب مجلس.

د ـ یکی از اساتید دانشگاه، به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی.

هـ ـ یکی از مدیران مسئول مطبوعات، به انتخاب آنان.

و ـ یکی از اساتید حوزهٔ علمیه، به انتخاب شورای عالی حوزهٔ علمیهٔ قم.

ز ـ یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به انتخاب آن شورا.

تبصره ۲ ـ تصمیمات هیأت نظارت قطعی است، این امر مانع شکایت و اقامهٔ دعوای افراد ذی نفع در محاکم نخواهد بود.

تبصره ۳ ـ دبیرخانه هیأت نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود و زیر نظر آن هیأت انجام وظیفه می‌نماید.

تبصره ۵ ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ریاست هیأت نظارت بر مطبوعات را بر عهده خواهد داشت و پاسخگوی عملکرد هیأت مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی صلاح خواهد بود.

ماده ۸ اصلاحیه: یک تبصره به شرح ذیل، به ماده ۱۱ قانون الحاق می‌گردد:

تبصره : در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده ۹ این قانون را فاقد شود. به تشخیص هیأت نظارتِ مقرر در ماده ۱۰ و با رعایت تبصره‌های آن، پروانه نشریه لغو می‌شود.

ماده ۹ اصلاحیه : ماده ۱۲ به شرح ذیل اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌گردد:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است تخلف نشریات را رأساً یا به تقاضای حداقل دو نفر از اعضای هیأت نظارت، ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم به طور مستقیم و یا از طریق هیأت نظارت، مراتب را جهت پیگرد قانونی به دادگاه صالح تقدیم نماید.

تبصره ـ در مورد تخلفات موضوع ماده ۶ به جز بند «۳ و ۴» و بند «ب، ج و د» ماده ۷، هیأت نظارت می‌تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف، موظف است ظرف یک هفته، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.

ماده ۱۰ اصلاحیه : ماده ۲۱ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

مدیران مسئول نشریات موظفند، از هر شماره نشریه، دو نسخه به هر یک از مراجع زیر، به طور مرتب و رایگان ارسال نمایند:

الف ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب ـ مجلس شورای اسلامی.

ج ـ دادگستری مرکز استان محل نشر.

ماده ۱۱ اصلاحیه : تبصره ۳ ماده ۲۳ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره ۴ الحاق می‌گردد :

تبصره ۳ ـ در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی می‌تواند به دادگستری شکایت کند و رئیس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت، جهت نشر پاسخ، به نشریه اخطار می‌کند و هر گاه این اخطار مؤثر واقع نشود، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می‌کند.

تبصره ۴ ـ اقدامات موضوع این ماده و تبصره‌های آن، نافی اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضایی نمی‌باشد.

ماده ۱۲ اصلاحیه : عبارت «یا شورای رهبری» از متن ماده ۲۷ حذف می‌گردد.

ماده ۱۳ اصلاحیه : عبارت «داستان عمومی» در تبصره ماده ۳۱ «به رئیس دادگاه» تبدیل می‌گردد.

ماده ۱۴ اصلاحیه : ماده ۳۳ قانون مطبوعات به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف ـ هرگاه در انتشار نشریه، نام یا علامت نشریه دیگری و لو با تغییرات جزئی تقلید شود، به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری ۶۱ روز تا ۳ ماه و جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم می‌شود. تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است.

ب ـ پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده، به نحوی که با نشریه مذکور از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود، ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می‌شود. مرتکب به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون تا بیست میلیون ریال محکوم می‌شود.

ماده ۱۵ اصلاحیه : ماده ۳۴ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌گردد:

رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی، می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیأت منصفه الزامی است.

تبصره ـ به جرایم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استان‌ها رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۶ اصلاحیه : ماده ۳۵ و تبصره آن به شرح زیر، به قانون الحاق می‌گردد:

ماده ۳۵ . تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد، متخلف به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم می‌شود:

الف ـ جزای نقدی از یک میلیون تا بیست میلیون ریال.

ب ـ تعطیل نشریه، حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات.[1]

تبصره ـ دادگاه می‌تواند در جرایم مطبوعاتی، مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازات‌های ذیل، تبدیل نماید:

الف ـ جزای نقدی از دو میلیون تا پنجاه میلیون ریال.

ب ـ تعطیل نشریه، حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات.

ج ـ محرومیت از مسئولیت‌های مطبوعاتی، حداکثر تا پنج سال.

فصل هفتم : هیأت منصفه مطبوعات

ماده ۱۷ اصلاحیه : ماده زیر به عنوان ماده ۳۶ الحاق می‌گردد:

ماده ۳۶ . انتخاب هیأت منصفه به طریق ذیل خواهد بود:

---

۱ . مادهٔ ۳۵ در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ تبدیل به مادهٔ ۴۷ در قانون جدید شد.

هر دو سال یک بار، در مهرماه جهت تعیین اعضای هیأت منصفه در تهران، به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان، به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعهٔ مرکز استان یا نمایندهٔ وی تشکیل می‌شود.

هیأت مذکور در تهران ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی (روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضای هیأت منصفه انتخاب می‌کند.

تبصره ۱ ـ چنانچه مفاد موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود، رئیس کل دادگستری مکلف می‌باشد نسبت به دعوت از افراد یاد شده و انتخاب هیأت منصفه، اقدام نماید.

تبصره ۲ ـ چنانچه به هر دلیلی اعضای هیأت منصفه به ده نفر یا کمتر برسد، هیأت مذکور در این ماده، موظف است ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیأت منصفه اقدام نماید.

ماده ۱۸ اصلاحیه : متن ذیل به عنوان ماده ۳۷ الحاق می‌گردد:

ماده ۳۷ . اعضای هیأت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

۱ . داشتن حداقل سی سال سن و تأهل.

۲ . نداشتن سابقهٔ محکومیت مؤثر کیفری.

۳ . اشتهار به امانت، صداقت و حسن شهرت.

۴ . صلاحیت علمی و آشنایی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی.

ماده ۱۹ اصلاحیه : متن ذیل به عنوان ماده ۳۸ الحاق می‌گردد:

ماده ۳۸ . پس از انتخاب اعضای هیأت منصفهٔ موضوع ماده ۳۶ این قانون، مراتب توسط رئیس کل دادگستری استان به اعضا ابلاغ می‌گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرائم مطبوعاتی، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی، از تمامی اعضای هیأت منصفه دعوت می‌کند تا در جلسهٔ محاکمه حضور یابند. دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیأت منصفه رسمیت خواهد یافت. اکثریت آرای حاضران ملاک تصمیم‌گیری هیأت منصفه خواهد بود، اعضای هیأت موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند.

تبصره ۱ ـ تصمیمات هیأت‌های نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر، معتبر خواهد بود.

تبصره ۲ ـ چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی، هیأت منصفه به حد نصاب نرسد، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر، حداقل به تعداد پنج نفر رسیدگی می‌نماید.

تبصره ۳ ـ دبیرخانه هیأت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضائیه تشکیل و زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه می‌نماید.

ماده ۲۰ اصلاحیه: متن ذیل و تبصره آن به عنوان ماده ۳۹ الحاق می‌گردد:

ماده ۳۹ . هر یک از اعضای هیأت منصفه، چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب، در دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند با حکم دادگاه رسیدگی کننده، به دو سال محرومیت از عضویت در هیأت منصفه محکوم می‌شود. رأی دادگاه قطعی است.

تبصره ـ هر یک از اعضای هیأت منصفه به علت وجود عذر موجه، نتواند در جلسه دادگاه حضور یابد، موظف است دو روز قبل از جلسهٔ دادرسی، عذر خود را کتباً و به طور مستدل به استحضار دادگاه برساند. در غیر این صورت، عذر وی غیر موجه محسوب می‌گردد، مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد. در هر حال موظف است، عذر خود را به دادگاه اعلام نماید.

عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصا گردیده.

ماده ۲۱ اصلاحیه: متن ذیل به عنوان ماده ۴۰ الحاق می‌گردد:

ماده ۴۰ . اعضای هیأت منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه، به خداوند متعال و در برابر قرآن کریم سوگند یاد می‌کنند که بدون در نظر گرفتن گرایش‌های شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت، تقوا و امانت‌داری، در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه نمایند.

ماده ۲۲ اصلاحیه: متن ذیل به عنوان ماده ۴۱ الحاق می‌گردد:

ماده ۴۱ . موارد رد اعضای هیأت منصفه، همان است که طبق قانون در مورد رد قضات پیش‌بینی شده است.

ماده ۲۳ اصلاحیه: متن ذیل به عنوان ماده ۴۲ الحاق می‌گردد:

ماده ۴۲ . هرگاه در حین محاکمه، اعضای هیأت منصفه سؤالاتی داشته باشند، مراتب را کتباً جهت طرح، تسلیم رئیس دادگاه می‌نمایند.

ماده ۲۴ اصلاحیه: متن ذیل به عنوان ماده ۴۳ و تبصره‌های آن الحاق می‌گردد:

ماده ۴۳ . پس از اعلام ختم رسیدگی، بلافاصله اعضای هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر، به دادگاه اعلام می‌دارند:

الف ـ متهم بزه‌کار است یا خیر؟

ب ـ در صورت بزه‌کاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

تبصره ۱ ـ پس از اعلام نظر هیأت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم، اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

تبصره ۲ ـ در صورتی که تصمیم هیأت منصفه بر بزه‌کاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رأی بر برائت صادر کند.

تبصره ۳ ـ در صورتی که رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رأی صادره طبق مقررات قانونی، قابل تجدید نظر خواهی است. در رسیدگی مرحله تجدید نظر، حضور

هیأت منصفه لازم نیست.

تبصره ۴ ـ حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست.

ماده ۲۵ اصلاحیه: متن ذیل به عنوان ماده ۴۴ الحاق می‌گردد:

ماده ۴۴ . هر گاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه ـ در صورتی که قبلاً توقیف شده باشد ـ بی‌درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می‌باشد.

فصل هشتم : موارد متفرقه

ماده ۲۶ اصلاحیه: متن ذیل به عنوان ماده ۴۵ الحاق می‌گردد:

ماده ۴۵ . نظارت دقیق بر عملکرد جراید و انجام رسالت مطبوعاتی آنان بر عهدهٔ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این امر مانع از انجام وظیفهٔ مستقیم هیأت نظارت نخواهد بود.

ماده ۲۷ اصلاحیه: متن زیر به عنوان ماده ۴۶ الحاق می‌گردد:

ماده ۴۶ . صاحب امتیاز و مدیر مسئول موظفند، کلیه کارکنان نشریه را بیمه نمایند تا در صورتی که به حکم دادگاه یا رأی هیأت نظارت یا به هر دلیلی دیگر، نشریه تعطیل گردید، تا زمان اشتغال مجدد طبق مقررات قانون کار، حقوق قانونی آنان پرداخت شود.

ماده ۲۸ اصلاحیه: ماده ۳۵ به ماده ۴۷ تغییر یافته و عنوان وزارت ارشاد اسلامی، به «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» اصلاح می‌گردد.

ماده ۲۹ اصلاحیه: ماده ۳۶ به ماده ۴۸ تغییر و به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۴۸ . این قانون، از جمله در مورد نحوه تشکیل هیأت نظارت و هیأت منصفه، از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و نیز از تاریخ تصویب، کلیه قوانین مغایر با

آن، از جمله لایحهٔ قانونی مطبوعاتی، مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۵ شورای انقلاب، لغو می‌گردد.

قانون فوق، مشتمل بر بیست و نه ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ سی‌ام فروردین ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

ضمیمهٔ چهارم

تذکر چند نکته در خصوص این ضمیمه، لازم و ضروری است:

الف ـ قلم اصلاحاتی که در اردی‌بهشت ۷۹ توسط مجلس شورای اسلامی انجام شده است، در این ضمیمه سیاه‌تر شده و داخل [ ] قرار گرفته است.

ب ـ همچنین به کلیهٔ تغییرات ـ اعم از حذف یا اضافه ـ در پاورقی اشاره شده است.

ج ـ تغییراتی که قرار بود با اِصلاحیه مجلس ششم در قانون مطبوعات اعمال شود، در پاورقی با علامت ستاره * مشخص شده است.

*　　*　　*

متن کامل قانون مطبوعات، مصوب سال ۱۳۷۹ [۱]

ن و القلم و ما یسطرون... سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد.

«قرآن کریم»

اصل بیست و چهارم قانون اساسی:

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

---

۱ . روزنامهٔ کیهان: ۲ خرداد ۷۹، ص ۹.

فصل اول : تعریف مطبوعات

ماده ۱. مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شمارهٔ ردیف، در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند.

تبصره [۱]ـ انتشار فوق‌العاده، اختصاص به نشریه‌ای دارد که به طور مرتب انتشار می‌یابد.

[تبصره ۲ ـ نشریه‌ای که بدون اخذ پروانه از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد، از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.]

[تبصره ۳ ـ کلیه نشریات الکترونیکی، مشمول مواد این قانون است.]

فصل دوم : رسالت مطبوعاتی

ماده ۲. رسالتی که مطبوعات در جمهوری اسلامی بر عهده دارد، عبارتست از:

الف ـ روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در مادهٔ یک.

ب ـ پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

ج ـ تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته‌بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و... .

د ـ مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل‌پرستی، اشاعهٔ فحشاء و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی.

هـ ـ حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی.

تبصره ـ هر یک از مطبوعات، باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

فصل سوم : حقوق مطبوعات

ماده ۳. مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولان را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه، درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره ـ انتقاد سازنده، مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد.

ماده ۴. هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای، درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده ۵. کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون، حق قانونی مطبوعات است.

[تبصره ۱ ـ متخلف از مواد ۴ و ۵ به شرط داشتن شاکی، به حکم دادگاه، به انفصال خدمت، از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار، به انفصال خدمت دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.]

[تبصره ۲ ـ مصوبات شورای عالی امنیت ملی، برای مطبوعات لازم الاتباع است. در صورت تخلف، دادگاه می‌تواند نشریهٔ متخلف را موقتاً تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی کند.]

[تبصره ۳ ـ مطالب اختصاصی نشریات، اگر به نام پدید آورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود، به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد.]

فصل چهارم : حدود مطبوعات

ماده ۶. نشریات، جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی **[و خصوصی]** که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند:

۱ . نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

۲ . اشاعهٔ فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

۳ . تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

۴ . ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

۵ . تحریص و تشویق افراد [و] گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران، در داخل یا خارج.

۶ . فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی، بدون مجوز قانونی.

۷ . اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلّم تقلید.

۸ . افترا به مقام‌ها، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹ . سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آئین نامه مشخص می‌کند.)

۱۰ . استفادهٔ ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی.

تبصره ۱ ـ سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر و لو به صورت ترجمه.

تبصره ۲ـ متخلف از موارد مندرج در این ماده، مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار، مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می‌باشد.

[۱۱ . پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.]

[۱۲ . انتشار مطلب علیه قانون اساسی.] *

ماده ۷. موارد ذیل ممنوع **[و جرم]** است:

الف ـ چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانهٔ آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه، به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است.

ب ـ انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آن چه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است.

ج ـ انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دایم تعطیل شده‌اند، از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود.

د ـ انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی ادارهٔ نشریه و چاپخانه آن.

هـ مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضهٔ مطبوعات و نشریاتی که از سوی **[دادگاه صالح یا]** هیأت نظارت، مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شده، نمی‌باشند.

فصل پنجم : شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

ماده ۸. انتشار نشریه **[توسط]**[1] اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایهٔ ایرانی و اخذ پروانه از وزارت **[فرهنگ و]** ارشاد اسلامی آزاد است. **[استفادهٔ نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیر مستقیم ممنوع و جرم محسوب می‌شود.]**

* . مطابق مادهٔ ۱ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، بند ۱۲ باید از قانون مطبوعات حذف می‌شد.

۱ . در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از کلمهٔ «به مسئولیت» استفاده شده بود.

تبصره ـ مطبوعاتی که از طرف سازمان‌های آزادی‌بخش اسلامیِ کشورهای دیگر منتشر می‌شود، می‌تواند با سرمایه و مسئولیت اشخاص غیر ایرانی، در چارچوب قوانین مربوط به خارجیان مقیم ایران و موافقت دو وزارتخانهٔ ارشاد و امور خارجه، منتشر شوند.

[تبصره ۲ ـ کمک‌های اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجیِ غیر دولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد، مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۳ ـ واگذاری امتیاز نشریه به غیر، اعم از قطعی، شرطی، اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می‌شود، مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیأت نظارت.]

ماده ۹. **[الف ـ]** شخص حقیقیِ متقاضی صاحب امتیاز، باید دارای شرایط زیر باشد:

۱ . تابعیت ایران.

۲ . دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن.

۳ . عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر.

۴ . عدم اشتهار به فساد اخلاقی و سابقهٔ محکومیت کیفری، بر اساس موازین اسلامی که موجب **[محرومیت از]** [1] حقوق اجتماعی باشد.

۵ . داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزهٔ علمیه، به تشخیص هیأت نظارتِ موضوع مادهٔ ۱۰ این قانون.

[۶ . پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی.]

[ب ـ اشخاص حقوقی متقاضی امتیاز، باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱ . مراحل قانونی ثبتِ شخصیت حقوقی، طی شده باشد و در اساسنامه و یا قانون تشکّل خود، مجاز به انتشار نشریه باشد.

---

۱ . در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از کلمهٔ «سلب» استفاده شده بود.

۲ . زمینهٔ فعالیت نشریه، مرتبط با زمینهٔ فعالیت شخص حقوقی بوده و محدودهٔ جغرافیایی انتشار آن، همان محدودهٔ جغرافیایی شخصیت حقوقی باشد.]

تبصره ۱ـ متقاضی امتیاز نشریه موظف است، خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسئول واجد شرایطِ مندرج در این ماده، معرفی نماید.

تبصره ۲ـ برای نشریات داخلی یک سازمان، مؤسسه و شرکت دولتی یا خصوصی که فقط برای استفاده کارکنان منتشر می‌شود و رایگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد، تنها اجازه وزارت ارشاد اسلامی با رعایت مادهٔ ۲ این قانون کافی است.

تبصره ۳ـ با یک پروانه، نمی‌توان بیش از یک نشریه منتشر کرد.

تبصره ۴ـ صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه، به عهدهٔ مدیر مسئول خواهد بود.

تبصره ۵ـ نخست وزیران، وزیران، استانداران، امرای ارتش و شهربانی، ژاندارمری، رؤسای سازمان‌های دولتی، مدیران عامل و رؤسای هیأت مدیره شرکت‌ها و بانک‌های دولتی و کلیه شرکت‌ها و مؤسساتی که شمول حکم در مورد آن مستلزم ذکر نام است، نمایندگان مجلسین، سفرا، فرمانداران، شهرداران، رؤسای انجمن‌های شهر و شهرستان تهران و مراکز استان‌ها، اعضای ساواک، رؤسای دفاتر حزب رستاخیز در تهران و مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها و وابستگان به رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا بیست و دو بهمن ۱۳۵۷ در مشاغل مذکور بوده و همچنین کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات و رادیو تلویزیون با سخنرانی در اجتماعات، خدمتگزار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده‌اند، از انتشار نشریه **[و هرگونه فعالیت مطبوعاتی]** محرومند.

[تبصره ۶ـ هیأت نظارت موظف است، جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول، از مراجع ذی صلاح (وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی

انتظامی جمهوری اسلامی ایران) استعلام نمایند. مراجع مذکور موظفند، حداکثر تا دو ماه نظر خود را همراه مستندات و مدارک معتبر، به هیأت نظارت اعلام نمایند. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر، صلاحیت آنان تأیید شده تلقی می‌گردد.]

[تبصره ۷ ـ مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود، به عهده مدیر مسئول است، ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود.] *

[تبصره ۸ ـ اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و یا گروه‌های غیرقانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته‌اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند، حق هیچ‌گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.] **

ماده ۱۰. اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مؤمن به انقلاب اسلامی می‌باشند، عبارتند از:

الف ـ یکی از قضات[1]، به انتخاب **[رئیس قوهٔ قضائیه]**[2].

ب ـ وزیر **[فرهنگ و]** ارشاد اسلامی یا نمایندهٔ تام‌الاختیار وی.

---

* . مطابق مادهٔ ۲ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصره‌های ۶ و ۷ از قانون مطبوعات حذف می‌شد.

** . مطابق مادهٔ ۳ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصرهٔ ۸ به این شکل تغییر داده شد: «اعضا و هواداران گروه‌های ضد انقلاب و یا گروه‌های غیر قانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلاب و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت موثر کیفری یافته‌اند و همچنین کسانی که طبق نظر صریح و مستند وزارت اطلاعات، علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت یا تبلیغ می‌کنند و یا در صورتی که در دادگاه صالح به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده‌اند، حق هیچ‌گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.»

۱. در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از عبارت «قضات دیوان عالی کشور» استفاده شده بود که جملهٔ «دیوان عالی کشور» حذف شد.

۲. در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از عبارت «شورای عالی قضایی» استفاده شده بود.

ج ـ یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به انتخاب مجلس.

د ـ یکی از اساتید دانشگاه، به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی.

هـ ـ یکی از مدیران مسئول مطبوعات، به انتخاب آنان.

[و ـ یکی از اساتید حوزهٔ علمیه، به انتخاب شورای عالی حوزهٔ علمیهٔ قم.]

[ز ـ یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به انتخاب آن شورا.] *

تبصره ۱ ـ این هیأت ظرف دو ماه پس از تصویب این قانون در دوره اول و در دوره‌های بعد، ظرف یک ماه قبل از اتمام مدت مقرر، برای مدت دو سال به دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود.

تبصره ۲ ـ [تصمیمات هیأت نظارت قطعی است، این امر مانع شکایت و اقامه دعوای افرادی ذی نفع، در محاکم نخواهد بود.] [1]

تبصره ۳ ـ [دبیرخانه هیأت نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود و زیر نظر آن هیأت انجام وظیفه می‌نماید.] [2]

[تبصره ۴ ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ریاست هیأت نظارت بر مطبوعات را بر عهده خواهد داشت و پاسخگوی عملکرد هیأت مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی صلاح خواهد بود.] **

ماده ۱۱. رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول، به عهده هیأت نظارت بر مطبوعات است.

[تبصره ـ در صورتی که صاحب پروانه، یکی از شرایط مقرر در مادهٔ ۹ این قانون را فاقد شود، به تشخیص هیأت نظارت مقرر در مادهٔ ۱۰ و با رعایت

---

* . مطابق مادهٔ ۴ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، بندهای «و» و «ز» از قانون مطبوعات حذف می‌شد.

۱ . تبصره ۲ در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، به این شکل بود: «جلسات هیأت، با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات متخذه، با اکثریت مطلق اعضا معتبر خواهد بود.»

۲ . تبصره ۳ در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، به این شکل بود: «هیأت نظارت پس از رسیدگی‌های لازم، نظر خود را جهت اجرا به وزیر ارشاد اسلامی اعلام می‌دارد.»

** . مطابق مادهٔ ۵ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصره ۵ حذف می‌شد.

تبصره‌های آن، پروانه نشریه لغو می‌شود.]

ماده ۱۲. **[وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است، تخلف نشریات را رأساً یا به تقاضای حداقل دو نفر از اعضای هیأت نظارت، ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم به طور مستقیم و یا از طریق هیأت نظارت، مراتب را جهت پیگرد قانونی، به دادگاه صالح تقدیم نماید.]** [۱]

[تبصره ـ در مورد تخلفات موضوع مادهٔ ۶، به جز بند «۳ و ۴» و بند «ب، ج، د» مادهٔ ۷، هیأت نظارت می‌تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف، موظف است ظرف یک هفته، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.]*

ماده ۱۳. هیأت نظارت مکلف است، ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریه، درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، رسیدگی‌های لازم را انجام داده و مراتب ردّ یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواهد، جهت اجرا به وزیر ارشاد گزارش نماید و وزارت ارشاد اسلامی موظف است، حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ موافقت هیأت نظارت برای متقاضی، پروانه انتشار صادر کند.

ماده ۱۴. در صورتی که مدیر مسئول، شرایط مندرج در مادهٔ ۹ را فاقد گردد یا فوت شود و یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است، حداکثر ظرف ۳ ماه، شخص دیگری را که واجد شرایط باشد، به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند. در غیر این صورت، از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود و تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نویسنده است، مسئولیت‌های مدیر، به عهدهٔ صاحب امتیاز است.

ماده ۱۵. اعلام نظر هیأت نظارت، مبنی بر تأیید یا عدم تأیید مدیر مسئول

---

۱. ماده ۱۲ در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، به این شکل بود: «هیأت نظارت رأساً یا به درخواست وزیر ارشاد اسلامی، موارد تخلف نشریات را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و در صورت لزوم جهت پیگرد قانونی، تقاضای کتبی خود را به دادگاه صالح تقدیم می‌دارد.»

* . مطابق مادهٔ ۶ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، این تبصره حذف می‌شد.

جدید، حداکثر سه ماه از تاریخ معرفی، توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود.

ماده ۱۶. صاحب امتیاز، موظف است ظرف شش ماه پس از صدور پروانه، نشریهٔ مربوطه را منتشر کند و در غیر این صورت، با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر، در صورت عدم عذر موجه، اعتبار پروانه از بین می‌رود. عدم انتشار منظم نشریه در یکسال نیز، اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیأت نظارت) باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود.

تبصره ـ نشریه‌ای که سالانه منتشر می‌شود (سالنامه)، از مادهٔ فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یک سال ـ بدون عذر موجه ـ پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد شد.

ماده ۱۷. پروانه‌هایی که بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شده، به اعتبار خود باقی است، مشروط بر این‌که ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون، صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود با این قانون اقدام نماید.

ماده ۱۸. در هر شماره، باید نام صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نشانی اداره و چاپخانه‌ای که نشریه در آن به چاپ می‌رسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشار نوع نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) در صفحهٔ معین و محل ثابت، اعلان شود. چاپخانه‌ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند.

ماده ۱۹. نشریات در چاپ آگهی‌های تجارتی مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور ـ که بر حسب قوانین رسمیت داشته باشند ـ تأیید گردد، با رعایت مادهٔ ۱۲ آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوهٔ کار و فعالیت کانون‌های آگهی تبلیغاتی بندهای مربوطه، مجاز می‌باشند.

تبصره ـ در مواردی که طبق این ماده، مطبوعات مجاز به درج آگهی‌های مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند، متن این تعریف و تشویق، نمی‌تواند از متن تقدیرنامهٔ رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده، فراتر رود.

ماده ۲۰. هر روزنامه یا مجله، باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانهٔ درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد. وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند، دفاتر مالی مؤسسات را بازرسی می‌نماید.

تبصره ـ کلیه مطبوعات مکلف‌اند، همه ماهه، تیراژ فروش ماهیانه خود را کتباً به وزارت ارشاد اسلامی اطلاع دهند.

ماده ۲۱. **[مدیران مسئول نشریات موظفند، از هر شمارهٔ نشریه، دو نسخه به هر یک از مراجع زیر، به طور مرتب و رایگان ارسال نمایند:**

الف ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب ـ مجلس شورای اسلامی.

ج ـ دادگستری مرکز استان محل نشر.] [1]

ماده ۲۲. ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن بر اساس موازین شرعی و قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی است. ضوابط ورود و خروج آن ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

فصل ششم : جرایم

ماده ۲۳. هر گاه در مطبوعات، مطالب مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد، نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی‌نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه، کتباً برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است، این‌گونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند. به شرط آن‌که جواب از دو برابر اصل، تجاوز نکند و متضمن

---

۱ . ماده ۲۱ در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، به این شکل بود : «مدیران چاپخانه‌ها در تهران و شهرستان‌ها مکلف‌اند، از هر شماره نشریهٔ خود دو نسخه به وزارت ارشاد اسلامی، به طور مرتب و رایگان ارسال نمایند.»

توهین و افترا به کسی نباشد.

تبصره ۱ ـ اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور، مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است. درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن، در حکم عدم درج است و متن پاسخ، باید در یک شماره درج شود.

تبصره ۲ ـ پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات، باید در اولین شماره نشریه درج گردد، به شرط آن‌که حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه، پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد.

تبصره ۳ ـ در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی می‌تواند به **[دادگستری]** [1] شکایت کند و **[رئیس دادگستری]** [2] در صورت احراز صحت شکایت، جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هرگاه این اخطار مؤثر واقع نشود، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می‌کند.

[تبصره ۴ ـ اقدامات موضوع این ماده و تبصره‌های آن، نافی اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضایی نمی‌باشد.]

ماده ۲۴. اشخاصی که اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح، به وسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند، به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود.

ماده ۲۵. هر کس به وسیلهٔ مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است، تحریص و تشویق نماید، در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، به مجازات معاونت همان جرم، محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، طبق

---

۱. در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از کلمهٔ «دادستان عمومی» استفاده شده بود.

۲. در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از کلمهٔ «دادستان» استفاده شده بود.

نظر حاکم شرع، بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۶. هر کس به وسیلهٔ مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع، بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۷. هرگاه در نشریه‌ای به رهبر[1] جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلّم تقلید اهانت شود، پروانهٔ آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.*

تبصره ـ رسیدگی به جرایم موضوع مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.

ماده ۲۸. انتشار عکس‌ها، تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی، ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن، موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.

ماده ۲۹. انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیر علنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون، افشای آن مجاز نیست، ممنوع است و در صورت تخلف طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۳۰. انتشار هر نوع مطلب، مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن، نسبت به اشخاص ممنوع است و مدیر مسئول جهت مجازات، به محاکم قضایی معرفی می‌گردد و تعقیب جرایم مزبور، موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت، تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد، متوقف خواهد شد.

---

۱. در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از عبارت «رهبر یا شورای رهبری» استفاده شده بود که عبارت «یا شورای رهبری» حذف شد.

* . مطابق مادهٔ ۷ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، قید: «در صورت اثبات جرم در محاکم عمومی دادگستری با حضور هیأت منصفهٔ این قانون» اضافه می‌شد.

تبصره ۱ـ در موارد فوق، شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده، به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است، نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید.

تبصره ۲ـ هر گاه، انتشار مطالب مذکور در ماده فوق، راجع به شخص متوفی بوده، ولی عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید، هر یک از ورثهٔ قانونی، می‌تواند از نظر جزایی یا حقوقی، طبق ماده و تبصرهٔ فوق اقامهٔ دعوی نماید.

ماده ۳۱. انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد، ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی، طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.

تبصره ـ در مورد مواد ۳۰ و ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است، نشریهٔ مورد شکایت، حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی، مطلبی نشر دهد. در صورت تخلف، **[رئیس دادگاه]** [1] باید قبل از ختم تحقیقات، حکم توقیف نشریه را صادر کند. این توقیف، شامل اولین شمارهٔ بعد از ابلاغ می‌شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه، از انتشار نشریه جلوگیری می‌شود.

ماده ۳۲. هر کس در نشریه‌ای خود را بر خلاف واقع، صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند، یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده، شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمت‌های مزبور را طبق قانون از دست داده‌اند نیز می‌شود.

ماده ۳۳. **[الف:]** هرگاه در انتشار نشریه، نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزیی تقلید شود، به طوری که برای خوانندگان امکان اشتباه باشد، از انتشار نشریه جلوگیری و مرتکب، **[به حبس تعزیری ۶۱ روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم می‌شود.]** [2] تعقیب جرم و مجازات،

---

۱ . در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از کلمهٔ «دادستان عمومی» استفاده شده بود.

۲ . در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، از عبارت «طبق نظر حاکم شرع محکوم می‌شود» استفاده شده بود.

منوط به شکایت شاکی خصوصی است.

[ب ـ پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده، به نحوی که با نشریه مذکور از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود، ممنوع است و نشریه جدید، بلافاصله توقیف می‌شود. مرتکب، به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون تا بیست میلیون ریال محکوم می‌شود.] *

ماده ۳۴ـ **[رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی، می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت، علنی بودن و حضور هیأت منصفه الزامی است.]** [1]

[تبصره ـ به جرایم مطبوعاتی، در محاکم صالح مراکز استان‌ها رسیدگی می‌شود.] **

ماده ۳۵ـ **[تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد، متخلف به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم می‌شود:**

الف ـ جزای نقدی از یک میلیون تا بیست میلیون ریال.

ب ـ تعطیل نشریه، حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات.] [2]

---

* ـ مطابق مادهٔ ۸ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، این بند حذف می‌شد.

۱ ـ ماده ۳۴ در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، به این شکل بود: «به جرایم ارتکابی به وسیلهٔ مطبوعات، در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.»

** ـ مطابق ماده ۹ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصره ماده ۳۴ حذف و مادهٔ ۳۴ نیز به شکل زیر تغییر داده می‌شد: «کلیهٔ جرائم مطبوعاتی باید با حضور هیأت منصفه و به طور علنی رسیدگی شود. رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، صرفاً در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری مراکز استانی است که محل ادارهٔ نشریه در محدودهٔ آن واقع شده است.»

۲ ـ مادهٔ ۳۵ در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، تبدیل به مادهٔ ۴۷ در قانون جدید شد.

[تبصره ـ دادگاه می‌تواند در جرایم مطبوعاتی، مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازات‌های ذیل تبدیل نماید:

الف ـ جزای نقدی از دو میلیون تا پنجاه میلیون ریال.

ب ـ تعطیل نشریه، حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات.

ج ـ محرومیت از مسئولیت‌های مطبوعاتی، حداکثر تا پنج سال.]

[فصل هفتم : هیأت منصفه مطبوعات][1]

ماده ۳۶. [انتخاب هیأت منصفه به طریق ذیل خواهد بود:[2]

هر دو سال یک بار، در مهرماه جهت تعیین اعضای هیأت منصفه در تهران، به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نمایندهٔ شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان، به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعهٔ مرکز استان یا نمایندهٔ وی تشکیل می‌شود.

هیأت مذکور، در تهران ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی (روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضای هیأت منصفه انتخاب می‌کند.] *

---

۱ . این فصل در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۷۹ اضافه شد.

۲ . مادهٔ ۳۶ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، تبدیل به مادهٔ ۴۸ در قانون جدید شد.

* . مطابق مادهٔ ۱۰ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، مادهٔ ۳۶ به شکل زیر تغییر داده می‌شد : «هر دو سال یک بار در مهر ☜

[تبصره ۱ ـ چنانچه مفاد موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود، رئیس کل دادگستری مکلف می‌باشد، نسبت به دعوت از افراد یاد شده و انتخاب هیأت منصفه، اقدام نماید.] *

[تبصره ۲ ـ چنانچه به هر دلیلی اعضای هیأت منصفه به ده نفر یا کمتر برسد، هیأت مذکور در این ماده، موظف است، ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیأت منصفه اقدام نماید.] **

[ماده ۳۷. اعضای هیأت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

۱ . داشتن حداقل سی سال سن و تأهل.

۲ . نداشتن سابقهٔ محکومیت مؤثر کیفری.

۳ . اشتهار به امانت، صداقت و حسن شهرت.

۴ . صلاحیت علمی و آشنایی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی.]

[ماده ۳۸. پس از انتخاب اعضای هیأت منصفهٔ موضوع ماده ۳۶ این قانون، مراتب توسط رئیس کل دادگستری استان به اعضا ابلاغ می‌گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرائم مطبوعاتی، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی، از تمامی اعضای هیأت منصفه دعوت می‌کند تا در جلسهٔ محاکمه حضور یابند.

☞

ماه، چهارده عضو هیأت منصفه مطبوعات در تهران با اکثریت آرا وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس کل دادگستری تهران استان تهران و رئیس شورای شهر تهران و در مراکز استان‌ها با اکثریت آرا مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کل دادگستری استان و رئیس شورای شهر مرکز استان، انتخاب می‌شوند. مسئولیت دعوت از انتخاب کنندگان اعضای هیأت منصفه را در تهران وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و در مرکز استان‌ها مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بر عهده دارد.»

* . مطابق مادهٔ ۱۰ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصرهٔ ۱ به شکل زیر تغییر داده می‌شد: «در صورتی که به هر علت اعضای هیأت منصفه به ۱۰ نفر نرسد، اعضای انتخاب کننده هیأت منصفه موظفند، ظرف دو هفته تشکیل جلسه دهند و اعضای هیأت منصفه را تکمیل کنند.»

** . مطابق مادهٔ ۱۰ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصرهٔ ۲ به شکل زیر تغییر داده می‌شد: «اولین دورهٔ هیأت منصفه موضوع این قانون، حداکثر تا مدت ۱۰ روز از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، در کلیهٔ استان‌ها تشکیل شده و دورهٔ آن تا مهرماه سال ۱۳۸۱ خواهد بود.»

دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیأت منصفه، رسمیت خواهد یافت. اکثریت آرای حاضران، ملاک تصمیم‌گیری هیأت منصفه خواهد بود، اعضای هیأت موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند.] *

[تبصره ۱ ـ تصمیمات هیأت‌های نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عدهٔ حاضر، معتبر خواهد بود.]

[تبصره ۲ ـ چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی، هیأت منصفه به حد نصاب نرسد، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر ـ حداقل به تعداد پنج نفر ـ رسیدگی می‌نماید.]

[تبصره ۳ ـ دبیرخانه هیأت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضائیه تشکیل و زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه می‌نماید.]

[ماده ۳۹. هر یک از اعضای هیأت منصفه، چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسهٔ متوالی یا پنج جلسهٔ متناوب، در دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند، با حکم دادگاه رسیدگی کننده، به دو سال محرومیت از عضویت در هیأت منصفه، محکوم می‌شود. رأی دادگاه قطعی است.]

[تبصره ـ هر یک از اعضای هیأت منصفه چنانچه به علت وجود عذر موجه، نتواند در جلسه دادگاه حضور یابد، موظف است دو روز قبل از جلسهٔ دادرسی، عذر خود را کتباً و به طور مستدل، به استحضار دادگاه برساند. در غیر این صورت، عذر وی غیر موجه محسوب می‌گردد، مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد. در هر حال موظف است، عذر خود را به دادگاه اعلام نماید.

عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصا گردیده است.]

---

* . مطابق مادهٔ ۱۱ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، مادهٔ ۳۸ و تبصره‌های ۱ و ۲ و ۳ آن به شکلی تغییر می‌کرد که «اولاً: وزیر ارشاد عهده‌دار ابلاغ مراتب انتخاب اعضای هیأت منصفه می‌شد و ثانیاً: دبیرخانهٔ هیأت منصفه با بودجه و امکانات شورای شهر تشکیل می‌شد.»

[ماده ۴۰ . اعضای هیأت منصفه، در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه، به خداوند متعال و در برابر قرآن کریم سوگند یاد می‌کنند که بدون در نظر گرفتن گرایش‌های شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت، تقوا و امانت‌داری، در راه احقاق حق و ابطال باطل، انجام وظیفه نمایند.]

[ماده ۴۱ . موارد ردّ اعضای هیأت منصفه، همان است که طبق قانون در مورد ردّ قضات پیش‌بینی شده است.]

[ماده ۴۲ . هرگاه در حین محاکمه، اعضای هیأت منصفه سؤالاتی داشته باشند، مراتب را کتباً جهت طرح، تسلیم رئیس دادگاه می‌نمایند.]

[ماده ۴۳ . پس از اعلام ختم رسیدگی، بلافاصله اعضای هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر، به دادگاه اعلام می‌دارند:

الف ـ متهم بزه‌کار است یا خیر؟

ب ـ در صورت بزه‌کاری، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟] *

[تبصره ۱ ـ پس از اعلام نظر هیأت منصفه دادگاه، در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید.] **

[تبصره ۲ ـ در صورتی که تصمیم هیأت منصفه بر بزه‌کاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی، رأی بر برائت صادر کند.] ***

---

* . مطابق ماده ۱۲ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، یک تبصره به این ماده اضافه می‌شد که مطابق آن «در صورتی که اکثریت اعضای هیأت منصفه به نظری نرسند و آرا برابر باشد، هیأت منصفه موظف است، در مورد پرسش اول، رأی به برائت بدهد و در مورد پرسش دوم، رأی به استحقاق مجرم به تخفیف در مجازات دهد.»

** . مطابق مادهٔ ۱۲ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصره ۱ تبدیل به تبصره ۲ می‌شد و چنین تغییر می‌کرد: «هرگاه رأی هیأت منصفه بر مجرمیت متهم باشد، تطبیق عمل انتسابی با قانون و تعیین مجازات با رعایت نوع پاسخ هیأت منصفه بر پرسش دوم، بر عهدهٔ رئیس دادگاه است.»

*** . مطابق ماده ۱۲ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصره ۲ تبدیل به تبصره ۳ می‌شد و چنین تغییر می‌کرد: «اگر هیأت منصفه متهم را مجرم نشناخت، دادگاه باید حکم بر برائت متهم صادر کند.»

[تبصره ۳ـ در صورتی که رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رأی صادره طبق مقررات قانونی، قابل تجدید نظر خواهی است. در رسیدگی مرحلهٔ تجدید نظر، حضور هیأت منصفه لازم نیست.]

[تبصره ۴ـ حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست.] *

[ماده ۴۴. هر گاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه ـ در صورتی که قبلاً توقیف شده باشد ـ بی‌درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می‌باشد.]

[فصل هشتم : موارد متفرقه] [1]

[ماده ۴۵. نظارت دقیق بر عملکرد جراید و انجام رسالت مطبوعاتی آنان، بر عهدهٔ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این امر مانع از انجام وظیفهٔ مستقیم هیأت نظارت نخواهد بود.]

[ماده ۴۶. صاحب امتیاز و مدیر مسئول موظفند، کلیه کارکنان نشریه را بیمه نمایند تا در صورتی که به حکم دادگاه یا رأی هیأت نظارت یا به هر دلیلی دیگر، نشریه تعطیل گردید، تا زمان اشتغال مجدد، طبق مقررات قانون کار، حقوق قانونی آنان پرداخت شود.]

[ماده ۴۷.] آیین‌نامه اجرایی این قانون، ظرف حداکثر شش ماه توسط وزارت **[فرهنگ و]** ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.[2]

[ماده ۴۸. این قانون، از جمله در مورد نحوه تشکیل هیأت نظارت و هیأت

---

* . مطابق ماده ۱۲ طرح اصلاحیهٔ مجلس ششم، تبصرهٔ ۴ حذف می‌شد و این چنین تغییر می‌کرد : «تصمیم هیأت منصفه محاکمه، قابل اعتراض و نقض در دیوان عالی کشور یا سایر مراجع تجدید نظر نیست. اعتراض به رأی دادگاه در خصوص نحوهٔ تطبیق جرم انتسابی با قانون و تعیین مجازات با رعایت سایر قوانین، مسموع است.»

۱ . این فصل در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۷۹ اضافه شد.

۲ . ماده ۴۷ در قانون جدید، همان ماده ۳۵ در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ است.

منصفه، از تاریخ تصویب، لازم‌الاجرا است و نیز از تاریخ تصویب، کلیه قوانین مغایر با آن، از جمله لایحهٔ قانونی مطبوعاتی، مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۵ شورای انقلاب، لغو می‌گردد.

قانون فوق، مشتمل بر بیست و نه ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ سی‌ام فروردین ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.] [۱]

۱. مادهٔ ۴۸ قانون جدید، تغییر یافته مادهٔ ۳۶ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ است که به این شرح بود:
از تاریخ تصویب این قانون، کلیه قوانین مغایر ملغی است و وزارت ارشاد مأمور اجرای آن می‌باشد.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها :

آزادی یا توطئه	جمعی از اساتید و روحانیون حوزه علمیه قم
احکام حکومتی و مصلحت	سیف الله صرامی
السیرة الحلبیّة	علی بن برهان الدین الحلبی
الکامل فی التاریخ	ابن اثیر الجرزی
المقنعة	محمد بن محمد مفید
النهایة	ابن اثیر الجرزی
انساب الاشراف	احمد بن یحیی بلاذری
انوار الفقاهة	ناصر مکارم شیرازی
بحثی دربارهٔ مرجعیت و روحانیت	مقالهٔ ولایت و زعامت، علامهٔ محمد حسین طباطبایی
تاریخ طبری	محمد بن جریر طبری
تاریخ مفصل همدان	احمد صابری همدانی
تحصن چرا و چگونه	حمید رسایی
تشیع و مشروطیت	عبدالهادی حائری
تهذیب الاحکام	محمد بن الحسن الطوسی
جواهر الکلام	شیخ محمد حسن نجفی

حکم ثانوی در تشریع اسلامی — علی اکبر کلانتری

دروس فی علم الاصول — الحلقة الاولی، محمد باقر صدر

دین و دولت در اندیشهٔ اسلامی — محمد سروش

دین و سیاست در دورهٔ صفویه — رسول جعفریان

شرح نهج البلاغه — صبحی صالح

صحیفهٔ امام — مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله

صلحنامهٔ امام حسن علیه‌السلام — آل یاسین، ترجمه سید علی خامنه‌ای

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

کافی — محمد بن یعقوب کلینی

کشف الغطا — شیخ جعفر کاشف الغطا

مجمع البیان — فضل بن حسن طبرسی

مستدرک الوسائل — میرزا حسین نوری

معجم مقاییس اللغة — ابن فارس

مفردات فی غرایب القرآن — راغب اصفهانی

نظریهٔ سیاسی اسلام — محمد تقی مصباح یزدی

نقش روحانیت پیشرو — حامد الگار

نهضت روحانیون ایران — علی دوانی

وسائل الشیعه — شیخ حر آملی

ولایت فقیه — امام خمینی رحمه‌الله

ولایت فقیه — یوسف صانعی

وصیت نامهٔ سیاسی ـ الهی امام خمینی رحمه‌الله

نشریات:

هفته نامهٔ عصر ما	مدیر مسئول، محمد سلامتی
روزنامهٔ آزاد	مدیر مسئول، محمد رضا یزدان پناه
روزنامهٔ آفتاب یزد	مدیر مسئول، منصور مظفری
روزنامهٔ ایران	مدیر مسئول، فریدون وردی نژاد
روزنامهٔ بامداد نو	مدیر مسئول، ابوالقاسم گلباف
روزنامهٔ بهار	مدیر مسئول، سعید پور عزیزی
روزنامهٔ بیان	مدیر مسئول، سید علی اکبر محتشمی‌پور
روزنامهٔ جمهوری اسلامی	مدیر مسئول، مسیح مهاجری
روزنامهٔ جهان اسلام	مدیر مسئول، سید هادی خامنه‌ای
روزنامهٔ حیات نو	مدیر مسئول، سید هادی خامنه‌ای
روزنامهٔ خرداد	مدیر مسئول، عبدالله نوری
روزنامهٔ رسالت	مدیر مسئول، سید مرتضی نبوی
روزنامهٔ زن	مدیر مسئول، فائزه هاشمی
روزنامهٔ سلام	مدیر مسئول، سید محمد موسوی خوئینی‌ها
روزنامهٔ صبح امروز	مدیر مسئول، سعید حجاریان
روزنامهٔ عصر آزادگان	مدیر مسئول، غفور گرشاسبی
روزنامهٔ فتح	مدیر مسئول، یدالله اسلامی
روزنامهٔ کیهان	مدیر مسئول، حسین شریعتمداری
روزنامهٔ گزارش روز	مدیر مسئول، علی محمد مهدوی‌خرمی
روزنامهٔ مشارکت	مدیر مسئول، سید محمد رضا خاتمی
روزنامهٔ نشاط	مدیر مسئول، لطیف صفری
روزنامهٔ همشهری	مدیر مسئول، غلامحسین کرباسچی

تصویر ابو عبدالرحمن الكردي

The End of the Tragic Story:

A Glance at the Backgrounds of the Fatwa (Hukm-e-Hukumati) of the Law of the Press

Vol.2

By:Hamid Rasayi

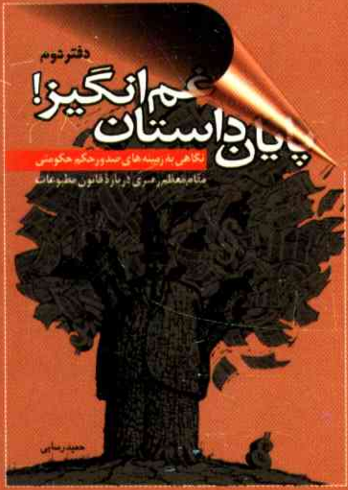

نشانی : تهران، خیابان فردوسی، کوچه شهید شاهچراغی، مؤسسه کیهان
تلفن پخش : ۳۱۱۰۲۰۱
شابک : ۱-۱۶۰-۴۵۸-۹۶۴

قیمت : ۱۹۰۰ تومان